سخنرانی ها و گفتگوهای

علی مطهری

به همراه زندگی نامه وی

منبع : www.ali-motahari.com

وب سایت رسمی علی مطهری

ارائه این نسخه از کتاب در فضای مجازی آزاد می باشد

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست

زندگینامه.....۷

نطق ها و سخنرانی ها.....۹

شورای عالی امنیت ملی نه در موضوع حصر و نه برجام، نمی‌تواند جایگزین قوه قضاییه و مجلس شود/ احمدی‌نژاد یک ساعت هم نباید رئیس‌جمهور می‌ماند.....۹

بازنشر/علی مطهری:روزنامه نگاران سیاسی باید آزاد شوند.....۱۵

علی مطهری :وجود قطب منتقد و مخالف نعمتی است که حضور آن به نفع جامعه بوده و عاملی در پیشرفت جوامع محسوب می‌شود.....۱۷

احمدی نژاد نباید حتی یک روز رئیس جمهور باقی می ماند / او می گفت، هر قانونی که تشخیص دهم مخالف قانون اساسی است را اجرا نمی کنم / شاید انتشار فکت شیت به ضرر مذاکرات باشد / با سخن اخیر روحانی در مورد وظیفه نیروی انتظامی موافق نیستم .۲۲

مطهری: خیال نکنیم با جلوگیری از اظهارنظر مخالف، انقلاب را حفظ کرده‌ایم.....۲۵

مطهری: اصلاحات و پایبندی به اصول لازمه اعتدال است.....۲۸

گفتگوها.....۳۳

هاشمی قوه عاقله مجلس خبرگان رهبری است.....۳۳

مطهری: طرح حفظ حقوق و دستاوردهای هسته ای ایران قدرت چانه زنی تیم مذاکره کننده هسته‌ای را بالاتر می‌برد/ توکلی: این طرح پشتوانه عملی از تیم مذاکره کننده هسته‌ای است ۳۸

((مطهری)) قربانی تندروی.....۴۳

شهید مطهری علیه شخص شاه سخنرانی کرد، اما از دانشگاه اخراج نشد/ آن‌گونه نبود که به خاطر علاقه به امام(ره) اظهار نظر نکند/ این جمله که «تصمیم نظام است و نباید حرفی بزنیم» یعنی چه؟..... ۵۷

علی مطهری : برخورد صدا و سیما کم توجهی به امام (ره) تلقی می شود..... ۷۲

برداشت اصولگرایان از ولایت فقیه اشتباه است/ اصلاح طلبان از نظرات فرهنگی ام خوششان نمی آید..... ۷۴

گفتگو علی مطهری با ویژه نامه نوروزی مثلث:حرف علم الهدی را نمی پسندم/با آقای لاریجانی به شوخی بحث سیاسی میکنم..... ۹۰

ادامه حصر در این چند سال نیاز به حکم قضایی داشت/ شورای عالی امنیت ملی حکمش را تغییر دهد/ منتقدان هر نظام تا زمانی که دست به سلاح نبرده‌اند، باید آزاد باشند..... ۱۱۰

آقای روحانی به عنوان رییس جمهور در زمینه رفع حصر کوتاهی کرده است..... ۱۱۳

انسجام معتدل‌ها علیه تندروها..... ۱۲۳

نظر "علی مطهری" در مورد قیاس استاد مطهری و دکتر شریعتی..... ۱۲۵

دکتر مطهری:باید توجه به فوتبالیست ها و بازیگران سینما در حد خودشان باشد..... ۱۲۷

پیش‌بینی نتایج ایران در جام ملت‌ها سخت است/ همه به تیم‌ملی کمک کنند..... ۱۳۳

مطهری در گفتگو با نامه‌نیوز: برخی معتقدند آیت‌الله هاشمی هم باید مانند آیت‌الله منتظری حذف شود/ شورای نگهبان اجازه تشکیل مجلس اصلاح‌طلب را نمی‌دهد/ توانایی ناطق‌نوری در کنار هم قرار دادن اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل..... ۱۳۴

مطهری: می خواهم با حرفهایم جلوی ظلم را بگیرم حتی اگر دشمن خوشحال شود/احمدی نژاد دوبار مکتوب درخواست آزادی موسوی و کروبی را داده بود/او این اواخر خیلی علاقه‌مند به دفاع از حقوق مردم شده بود..... ۱۶۳

دکتر مطهری :دولت برای رفع کدورت ها چاره اندیشی کند..... ۱۸۹

روایت علی مطهری از رابطه بازرگان با آیت الله مطهری در مصاحبه با ماهنامه نسیم بیداری ۱۹۳
علی مطهری:شهید مطهری موافق حضور روحانیون در کارهای اجرایی نبودند ۲۰۴
علی مطهری: معلوم نیست رفع فیلتر فیس بوک به نفع کشور باشد/روش روحانی با خاتمی فاصله دارد ۲۱۲
سخنی با آیت الله جنتی ۲۲۳
نقض غرض ۲۲۶
دکتر مطهری: مشکلات‌اقتصادی کشور برآمده از قانون‌گریزی‌های دولت است ۲۲۸
علی مطهری: احمدی‌نژاد مرید مشایی است و اختیاری از خودش ندارد ۲۳۵
علی مطهری:رییس جمهور روز ارائه بودجه به مجلس نیامد تا خانه ملت را تحقیر کند . ۲۳۷
علی مطهری: از سخت‌گیری‌ها علیه مطبوعات راضی نیستم ۲۴۱
علی مطهری در گفت‌وگو با روزنامه بهار : بازداشت روزنامه‌نگاران دلیل موجهی ندارد .. ۲۴۸
علی مطهری: بازداشت برخی خبرنگاران را در مجلس پیگیری می‌کنیم ۲۵۳
علی مطهری از روابط شهید مطهری و شهید مفتح می‌گوید ۲۵۶
مطهری در گفتگو با اعتماد:هاشمی بیاید از مشکلات عبور می کنیم ۲۶۰
علی مطهری در گفت‌وگو با روزنامه آرمان: بازداشت فرزندان آقای هاشمی، هم به صلاح ایشان و هم به صلاح انقلاب بود و تندروها را خلع سلاح کرد ۲۷۵
مطهری:رئیس‌جمهوری که بگوید قانون را اجرا نمی‌کنم باید رأی به عدم کفایت سیاسی او داد ۲۹۹
مشروح مناظره دکتر علی مطهری و دکتر زارعی در برنامه «دیروز،امروز،فردا» ۳۲۲

گفت و گو با علی مطهری درباره آزادی بیان، حجاب و.../ مشائی و احمدی‌نژاد تعصب مثبت و غیرت قشر متدین و حزب‌اللهی را از بین بردند..... ۳۳۱
علی مطهری در گفتگو با مشرق:حزب اللهی بودن افتخار است/ هاشمی کاندیدا شود..... ۳۳۸
دکتر مطهری: عملکرد شورای نگهبان ارزیابی شود..... ۳۶۰
مطهری: برخی اصلاح‌طلبان از اصولگرایان، اصولگراتر و متدین‌ترند..... ۳۶۱
علی مطهری:فیلم «محمد رسول‌الله» مرا تحت تاثیر قرارداد/ دلایل مخالفت با این فیلم قانع‌کننده نیست..... ۳۶۲
علی مطهری: صدا و سیما با پخش برنامه ای در خصوص برجام فضا سازی کرد/ رسانه ملی باید بی طرف باشد..... ۳۶۴
مطهری:بهترین حمله ام سئوال از رئیس جمهور سابق بود/رفسنجانی بایدهافبک بازیساز باشد..... ۳۶۵
نامه علی مطهری به فرمانده کل سپاه پاسداران درباره انتخابات..... ۳۶۸
نامه دکتر علی مطهری به حجت الاسلام محسنی اژه ای..... ۳۷۱
دکتر مطهری: ادعای حدادعادل درباره نقش سران معترضان ۸۸ در تحریم‌های آمریکا علیه ایران قابل پیگرد قانونی است..... ۳۷۳
نامه سرگشاده علی مطهری به حجت الاسلام پورمحمدی..... ۳۷۵
دست دادن با اوباما، دلیل نفوذ آمریکا در ایران نیست..... ۳۷۸
مطهری: تاخیر در اجرای برجام به ضرر کشور است..... ۳۷۹
مطهری با اشاره به رویکرد مدیران در قبال برنامه «هفت»:صداوسیما در حوزه هنر سعه‌صدر داشته باشد/ تمامی گرایش‌های سینمایی در «هفت» منعکس شود..... ۳۸۲
چرا دستور پیامبر(ص) درباره خلافت علی(ع) اجرا نشد؟..... ۳۸۴

دکتر علی مطهری(فرزند استاد شهید آیت الله مطهری) در بهمن ۱۳۳٦ در تهران متولد شد. در سال ۱۳۵۵ تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان علوی در رشته ریاضی به پایان رساند و در رشته مهندسی مکانیک دانشکده فنی دانشگاه تبریز پذیرفته شد. پس از شهادت پدر در اردیبهشت ۱۳۵۸ خود را به دانشگاه علم و صنعت ایران منتقل کرد و یک ترم و اندی به تحصیل خود ادامه داد که با مطرح شدن انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ها در سال ۱۳۵۹، به نویسندگی در صدای جمهوری اسلامی پرداخت و تا سال ۱۳٦۲ با سازمان صداوسیما همکاری داشت.

علی مطهری از ابتدای شهادت استاد مطهری مسئولیت خود را در تدوین و تنظیم آثار چاپ نشده پدر و به طور کلی نظارت بر نشر آثار آن اسلام شناس گرانقدر و مورد تایید امام خمینی(ره) به خوبی احساس کرد و این کار را از هر کار دیگری واجب تر شمرد. لذا پس از انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاه ها رشته تحصیلی خود را علی رغم موفقیت در رشته مکانیک و گذراندن ۸۱ واحد درسی، تغییر داد و خود را به دانشکده الهیات دانشگاه تهران یعنی یکی از پایگاه های استاد مطهری منتقل نمود و تحصیلات خود را تا اخذ درجه دکترا در رشته فلسفه و کلام اسلامی ادامه داد و از سال ۱۳۷۵ در همین دانشکده به تدریس پرداخت و عضو هیئت علمی گروه فلسفه این دانشکده شد.

مهمترین محصول تلاش علمی دکتر مطهری از سال ۱۳۵۸ تا کنون تدوین و تنظیم دقیق و انتشار بیش از ٦۳ کتاب جدید از استاد شهید مطهری است که به موجب این تلاش بارها مورد تمجید بزرگان قرار گرفته است. وی دارای چند مقاله علمی و کتابی به نام اصلاح طلبی نیز هست.

همچنین در ۱۵ سال گذشته مقالات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی زیادی را از وی شاهد بوده ایم که این مقالات بسیار تاثیرگذار بوده است.

هم اکنون دکتر مطهری علاوه بر تدریس در دانشگاه تهران و مدیریت علمی انتشارات صدرا(مرکز نشر آثار استاد مطهری) عضو هیئت مدیره «بنیاد علمی فرهنگی استاد شهید مطهری» نیز هست و این بنیاد مسئولیت جهانی کردن اندیشه آن اسلام شناس بزرگ را بر عهده دارد.

دکتر مطهری در مقالات و سخنرانیها و مصاحبه های خود همواره بر تحقق اهداف اولیه انقلاب اسلامی مانند عدالت اجتماعی، آزادی تفکر و آزادی بیان، استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نظام حقوق زن در اسلام، عمران و آبادانی و گسترش معنویت و اخلاق اسلامی تاکید داشته است و بدیهی است که در صورت ورود دوباره به مجلس شورای اسلامی برای تحقق این اهداف تلاش خواهد کرد.

از مهمترین اقدامات علی مطهری در مجلس هشتم می توان از رهبری استیضاح مرحوم کردان و رهبری طرح سئوال از رئیس جمهور نام برد، ضمن اینکه وی در تدوین طرح اداره و نظارت بر سازمان صداوسیما، طرح جامع رسانه، طرح اصلاح تعطیلات رسمی کشور همکاری داشته و طرح اصلاح ماده ۱۲ قانون حمایت از مولفان و مصنفان و هنرمندان را نیز در صحن علنی مجلس به تصویب رساند. علی مطهری همچنین ۲سال به عنوان نماینده قوه مقننه در شورای نظارت بر صدا و سیما فعالیت داشته و پس از آن تا کنون نماینده قوه مقننه در هیئت نظارت بر مطبوعات بوده است.

نطق ها و سخنرانی ها

شورای عالی امنیت ملی نه در موضوع حصر و نه برجام، نمی‌تواند جایگزین قوه قضاییه و مجلس شود/ احمدی‌نژاد یک ساعت هم نباید رئیس‌جمهور می‌ماند

علی مطهری نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، در دومین روز از شانزدهمین همایش سالیانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل سراسر کشور، که عصر امروز ـ دوشنبه ۲۶ مردادماه ـ در سالن شهید چمران دانشگاه تهران برگزار شد، در سخنانی با اشاره به ضرورت بیان مظالمی که در کشور وجود دارد و انتقاد از آنها، گفت: عده‌ای فکر می‌کنند چون جمهوری اسلامی وجود دارد و ولی‌فقیه در رأس امور است، پس هیچ ظلمی نمی‌شود و اگر کسی بگوید که ظلم شده، با نظام مبارزه کرده است.

وی ادامه داد: مگر در همین نظام ماجرای ستار بهشتی نبود که به عنوان یک کارگر ساده به خاطر نوشتن در وبلاگی که به اذعان مسئولان بازدید بسیار کمی داشت، در بازداشت در اثر کتک و فشار از دنیا رفت.

مطهری اظهارکرد: اگر کسی اعتراضی کند، در مسیر اصلاح جمهوری اسلامی پیش رفته است؛ چون این اقدام، تصمیم نظام نبوده است. به جای اینکه شیرین عبادی در خارج از کشور آن را بگوید ما آن را مطرح کردیم و طرح آن از تکرار چنین حوادثی در کشور جلوگیری می‌کند.

وی در ادامه در پاسخ به سؤال یکی از دانشجویان مبنی بر اینکه «اقدامات ستار بهشتی باعث تحریک اتفاقات سال ۸۸ بود؟»، افزود: ماجرای ستار بهشتی ربطی به سال ۸۸ ندارد و دوسال بعد اتفاق افتاد.

جمهوری اسلامی، نظامی مردمی است که در ماجرای ۸۸ غافلگیر شد

علی مطهری در ادامه در پاسخ به سؤال دیگری از دانشجویان گفت: در سال ۸۸ بحث ما این بود که افرادی خیال می‌کنند تقلب شده است؛ اینها باید آزاد باشند و حرفشان را بزنند و اجازه

تجمع داده شود و به آنها پاسخ داده شود و آنها را قانع کنیم. اعتراض کردیم که چرا برخورد خشونت‌آمیز با آنها شده است. قانون می‌گوید که آنها آزاد هستند.

وی تأکید کرد: نباید با معترض به عنوان برانداز برخورد کنیم؛ اگر این روش را اتخاذ می‌کردیم چنین فتنه‌ای با این شدت نمی‌شد.

نماینده مردم تهران در مجلس ادامه داد: مسائل امنیتی را نباید با مسائل اجتماعی مخلوط کنیم. کسانی که آمدند در ۲۵ خرداد ۸۸ تظاهرات کردند مردم عادی بودند که فکر می‌کردند تقلب شده است. باید اینها را قانع می‌کردیم.

مطهری گفت: جمهوری اسلامی حکومتی مردمی است که در ماجرای ۸۸ غافلگیر شد و این مسئله خوب مدیریت نشد. جمهوری اسلامی برای چنین روزی برنامه نداشته است.

در هیچ موضوعی، نباید شورای عالی امنیت ملی را جایگزین قوای سه‌گانه کنیم

مطهری در ادامه جلسه در پاسخ به سؤال یکی دیگر از دانشجویان مبنی بر نظر مطهری در مورد

مطهری در ادامه جلسه در پاسخ به سؤال یکی دیگر از دانشجویان مبنی بر نظر مطهری در مورد

تصویب متن برجام در مجلس شورای اسلامی، اظهار کرد: نظر من این است که شورای عالی امنیت ملی را نمی‌توانیم جایگزین مجلس کنیم؛ همانطور که در مسئله حصر آقایان موسوی، کروبی و زهرا رهنورد، شورای عالی امنیت ملی نمی‌تواند جایگزین قوه قضائیه باشد و تا ابد آنها را در حصر نگه دارد. در مسئله برجام هم مجلس باید نظر بدهد و مجلس باید پاسخ آری یا نه بدهد.

وی تأکید کرد: من معتقدم که مجلس در مسئله تصویب یا رد برجام نباید عجله کند و باید صبر کرد که اگر طرف آمریکایی آن را رد کرد، توپ در زمین آنها باشد؛ این به ضرر آمریکا و به نفع ما می شود.

مطهری همچنین در بخش دیگری از برنامه پرسش و پاسخ این جلسه در مورد عدم اظهارنظر خود در مورد پرونده مهدی هاشمی گفت: وقتی که انسان در پرونده‌ای تسلط ندارد اظهارنظر کردن در آن مشکل است. من نه اظهارنظر مثبت و نه منفی کردم؛ چون اطلاعات کافی نداشتم. فقط به طور کلی یک انتقاد از آقای اژه‌ای کردم که اگر یک نفر نسبت به حکم خود معترض است، مجرم نیست.

وی گفت: در دیداری که چند ماه پیش با آقای هاشمی داشتم از او در مورد پرونده مهدی هاشمی سؤال کردم که ایشان گفتند مهدی از خود دفاع کرده و اتهامات را رد کرده است و اگر محکوم شود، محکومیت او سبک است.

مطهری همچنین در مورد نوع برخورد دولت با منتقدان گفت: چند بار گفتم که دولت و شخص رئیس‌جمهوری کم‌تحمل است و ضرورت ندارد که خود رئیس‌جمهوری به هر مسئله‌ای پاسخ بدهد. حتی یکی از نمایندگان می‌گفت چون ما می‌دانیم که روحانی کم‌تحمل است، یک چیزی می‌گوییم که او عصبانی شود. من به آقای رئیس‌جمهوری پیغام دادم که هر کسی چیزی گفت یا تمسخر کرد شما لازم نیست جواب بدهید.

اگر موسوی و کروبی به حصر آقای منتظری اعتراض می‌کردند این بلا سر خودشان نمی‌آمد

مطهری در ادامه جلسه با بیان اینکه «نماینده مجلس باید وکیل‌المله باشد نه وکیل‌الدوله»، به برخی از نمایندگان مجلس انتقاد کرد و گفت: برخی نمایندگان خودشان را وکیل نظام می‌دانند. من از این بابت به نمایندگان نقد دارم. اگر جایی حقی از مردم ضایع شد باید طرف مردم را بگیریم و نگوییم این راه به نظام ضربه می‌زند؛ بلکه نظام را مستحکم می‌کند.

همچنین مطهری در ادامه جلسه در پاسخ به پرسش دیگری در مورد مسئله حصر اظهار کرد: حرف من این بود که هرگونه مجازاتی باید حکم قضایی داشته باشد. اگر مسئله حصر حل نشود این نوع برخورد کم‌کم تبدیل به یک رویه می‌شود و بعدا به سر خودتان می‌آید. شاید اگر آقای موسوی و کروبی به مسئله حصر آقای منتظری اعتراض می‌کردند این بلا سر خودشان نمی‌آمد.

نماینده مردم تهران در مجلس تأکید کرد: حرف من این است که اینها باید محاکمه شوند و معلوم بشود چرا فردی که ۸ سال نخست وزیر کشور بوده چنین حرکتی انجام داده است.

وی افزود: پیغمبر اسلام هم نمی‌تواند چنین حکمی بدهد که بدون محاکمه، فردی در حصر باشد مگر به واسطه وحی.

مطهری همچنین درباره ضرورت محاکمه عوامل حوادث سال ۸۸ ادامه داد: اما در مسئله محاکمه، باید همه طرف‌های فتنه محاکمه شوند؛ از جمله آقای احمدی‌نژاد و برخی نهادها که آن سال در آن ماجرا نقش داشتند.

مطهری در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه «آیا رابطه خانوادگی شما با لاریجانی‌ها، در برخورد قوه قضائیه با شما مؤثر بوده است یا نه؟»، اظهار کرد: قوه قضائیه برخورد ملاطفت‌آمیزی با من نداشته و دو بار هم علیه من اعلام جرم کرده است.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در مورد دوگانگی برخورد وی با دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی اظهار کرد: در زمان دولت احمدی‌نژاد، رویه را قبول نداشتیم؛ چون رئیس دولت می‌گفت که فلان مصوبه را قانون نمی‌دانم. یکبار هم به صراحت اعلام کرد که هر قانونی

را که خودم تشخیص بدهم منطبق بر قانون اساسی است، اجرا می‌کنم. به نظر من چنین فردی یک ساعت هم نباید رئیس‌جمهور باشد و نمایندگان مجلس وظیفه داشتند که او را برکنار کنند.

وی افزود: رئیس‌جمهوری که می‌گوید قانون را اجرا نمی‌کنم، باید استیضاح شود. اما ما زورمان تنها به سؤال از رئیس‌جمهور رسید.

این نماینده مجلس ادامه داد: اما حالا روحانی که اعلام نکرده مجلس صلاحیت بررسی برجام را ندارد و اگر بعضی دولتی‌ها می‌گویند، این یک نظر است.

مطهری در بخش دیگری از سخنان خود به چهار علت افول جوامع اشاره کرد و گفت: عامل اول ظلم است و اگر در اجتماعی، ظلم غلبه داشت آن جامعه باقی نمی‌ماند و عامل دوم، فساد اخلاقی است که جامعه را نابود می‌کند.

مطهری، همچنین تفرقه و ترک امر به معروف و نهی از منکر را از دیگر عوامل افول جامعه خواند.

او در بخش دیگری از سخنان خود گفت: از دانشجویان و دانشگاهی‌ها به خاطر اینکه کم‌کم بحث فکری و علمی در دانشگاه مشتری ندارد، گلایه دارم. آنها بیشتر دوست دارند راجع به مسائل روز و روابط سیاسی بحث کنند.

وی افزود: قبل از انقلاب، گاهی در دانشگاه‌ها سخنرانی‌های یک‌ساعته فکری و اعتقادی مطرح می‌شد؛ ولی امروز همه دوست دارند وارد بحث سیاسی شویم و یک طرف به احمدی‌نژاد فحش بدهد و یک طرف به هاشمی.

اصلی‌ترین تهدید انقلاب‌ها بعد از پیروزی

مطهری همچنین اظهار کرد: هر انقلاب بعد از پیروزی با یک تهدید و خطر روبه‌روست؛ همیشه کسانی که مخالف یک حرکت اجتماعی هستند، بعد از پیروزی، آن حرکت و انقلاب طرفدار

آن می‌شوند و ممکن است شعارهای تندتری نسبت به عاملان آن انقلاب بدهند؛ ولی از درون آن را ناکام می‌کنند.

وی با بیان اینکه «آینده انقلاب بستگی به رفتار ما دارد»، گفت: ما نمی‌توانیم بگوییم که انقلاب رهبری دارد و خیال ما راحت است؛ هر کسی باید در جایگاه خودش کارش را درست انجام دهد. وظیفه ما در قبال انقلاب اسلامی این است که همیشه آن را رصد کنیم و وضعیت خود را با آرمان‌های انقلاب، از جمله عدالت و آزادی و استقلال سیاسی بسنجیم.

در ادامه جلسه، مطهری درباره برخی تبعیض‌ها در فضای دانشگاهی و علمی کشور، اظهار کرد: به نظر من عادلانه نیست که اساتید دانشگاه‌ها، فرزندان خود را بتوانند از شهری به شهر دیگر منتقل کنند.

بازنشر/علی مطهری:روزنامه نگاران سیاسی باید آزاد شوند

بازنشر سخنرانی علی مطهری به مناسبت بزرگداشت روز خبرنگار در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۹۳:

مراسم بزرگداشت روز خبرنگار از سوی انجمن صنفی روزنامه‌های غیردولتی ظهر امروز با حضور مدیران مسئول، خبرنگاران و اهالی رسانه در سالن همایش‌های برج میلاد برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی علی مطهری، دکتر مطهری نماینده مجلس شورای اسلامی در این مراسم گفت: خبرنگار از جامعه و برای جامعه خبر می‌آورد و امروز نقش خبرنگاران در جامعه کاملا مشهود است.

وی با اشاره به اینکه آزادی عمل خبرنگاران از بروز فساد جلوگیری می کند، گفت: زمانی که در کشور مطبوعات آزاد بودند بحث‌هایی همچون قتل‌های زنجیره‌ای، مسائل پیش آمده در بند ۳۵۰ اوین و همچنین قتل ستار بهشتی بیان و افشا شد.

وی ادامه داد: در کشورهایی همچون ژاپن نه دیوان محسابات وجود دارد و نه دستگاه نظارتی بلکه خود مردم، رسانه‌ها و خبرنگاران بهترین عامل و ناظر مبارزه با فساد هستند.

وی با اشاره به اینکه برای اولین بار در دوره مشروطه نقش مطبوعات مهم تلقی شد، گفت: باید به سمتی حرکت کنیم که برخوردهای دوگانه با مطبوعات وجود نداشته باشد و همانگونه که با یک روزنامه اصلاح طلب برخورد می‌شود با کیهان و فارس هم همانطور برخورد شود و حاکمیت دوگانه در مطبوعات باید از بین برود.

وی با اشاره به اهمیت هیات نظارت بر مطبوعات گفت: وقتی هیات نظارت بر مطبوعات وجود دارد باید قبل از توقیف یک روزنامه نظر هیات نظارت اخذ شود و اگر دادستانی می‌خواهد روزنامه‌ای را توقیف کند و یا سایتی را فیلتر کند باید قبلش نظر هیات نظارت را اخذ کند.

وی افزود: باید نظام جامع رسانه‌ای و لایحه جامع نظام رسانه‌ای، صدا و سیما را نیز در بر بگیرد و این لایحه هر چه زودتر باید از طرف دولت ارائه شود همچنین باید در دادن یارانه‌ها به نشریات کیفی یارانه داده شود.

مطهری با اشاره به اینکه روزنامه‌نگاران زندانی باید آزاد شوند، گفت: نباید خبرنگاری به خاطر پیگیری مساله‌ای همچون حادثه زندان اوین ماه‌ها در انفرادی بماند از طرف دیگر باید انجمن صنفی روزنامه‌نگاران مشکلش حل شود و از آنجا که وزارت اطلاعات شکایت خود را پس گرفته قوه قضاییه نباید سخت‌گیری کند و این انجمن باید زودتر باز شود.

وی ادامه داد: باید قانون دسترسی آزاد به اطلاعات که سال ۸۸ مصوب شد زودتر اجرایی شود.

علی مطهری :وجود قطب منتقد و مخالف نعمتی است که حضور آن به نفع جامعه بوده و عاملی در پیشرفت جوامع محسوب می‌شود

علی مطهری در نشست دانشجویی با موضوع «اسلام و آزادی» در دانشگاه زنجان، افزود: در این شرایط ما باید از انتقادها استقبال کنیم و مطمئن باشیم که با جلوگیری از اظهارنظرهای مخالف، از انقلاب دفاع نکرده‌ایم.

وی با بیان این‌که «آزادی تفکر به دنبالش آزادی بیان را دارد و در مسئله نقد حکومت‌ها معمولا این موضوع مطرح می‌شود که باید انسان‌ها آزاد باشند»، گفت: همه حکومت‌ها به شدت محتاج نقد هستند و این را در سیره حکومت‌داری حضرت علی(ع) می‌توان مشاهده کرد، ایشان بارها اعلام کردند که «از من انتقاد کنید هم در آشکارا و هم در خفا» و نوع رفتار ایشان با مخالفان را می‌توانیم در رابطه با مواجهه با خوارج مشاهده کنیم که این افراد تا زمانی که دست به سلاح نبرده بودند به راحتی انتقادات خود را بیان می‌کردند. شهید مطهری نیز در سخنان خود عنوان داشته‌اند که هر مقام غیرمعصومی اگر در جایگاه غیرقابل انتقادی قرار گیرد هم خودش فاسد می‌شود و هم جامعه را دچار فساد می‌کند.

مطهری معتقد است: این تصور غلطی است که انتقاد خط قرمزی دارد، گاهی اوقات ما کاسه داغ‌تر از آش می‌شویم و برای انتقاد خطوط قرمز مشخص می‌کنیم.

این نماینده مردم تهران در مجلس در ادامه با اشاره به این‌که «آزادی معانی مختلفی دارد»، اظهار کرد: عده‌ای آزادی را عدم‌المانع دانسته‌اند در این شرایط ریشه حق آزادی چیست؟ یعنی هر حقی ناشی از وجود استعداد در انسان است، اگر می‌گوییم انسان حق ازدواج و تحصیل دارد و یا تفکر آزاد دارد به خاطر استعداد انسان در این بخش‌هاست و یا اگر گفته می‌شود انسان در دین و مذهب آزاد است به این علت است که میل پرستش در هر فردی وجود دارد و اگر مطرح می‌شود، تفکر و بیان انسان باید آزاد باشد به دلیل وجود این استعداد در وجود فرد بوده که منشاء یک حق است.

مطهری تصریح کرد: عده‌ای معتقدند آزادی اجتماعی بدون آزادی معنوی میسر نیست و نمی‌توان به دنبال آزادی اجتماعی بود بدون این‌که آزادی معنوی داشت؛ چراکه اگر انسان آزادی معنوی نداشته باشد به حقوق دیگران تجاوز می‌کند و در نتیجه دیگران آزادی نخواهند داشت. باید اذعان کرد که اگر آزادی معنوی نباشد آزادی اجتماعی آسیب می‌بیند.

وی با اشاره به آیات قرآن‌کریم در رابطه با موضوع آزادی، اظهار کرد: با تفکر در آیات قرآن می‌توان مشاهده کرد که خداوند فرموده است که هیچ‌کس نمی‌تواند کسی را بنده و برده خودش قرار دهد؛ چراکه همه انسان‌ها تمایل به آزادی معنوی دارند و آن را بر بندگی ترجیح می‌دهند.

مطهری به تفسیر دیگر معنای آزادی پرداخت و افزود: در تفسیر دیگر، آزادی به دو بحث آزادی حیوانی و آزادی انسانی تقسیم شده است که در آزادی حیوانی امیال و شهوات آزاد است، به شکلی که در برخی کشورهای اروپایی مشاهده می‌شود و آزادی انسانی نیز این‌گونه تعریف می‌شود که استعدادها و قوای انسان آزاد باشد و قوه تفکر او در آزادی قرار گیرد. اما سئوال این است که مرز آزادی کجاست؟ غربی‌ها در قرون ۱۷ و ۱۸ مرز آزادی را آزادی دیگران می‌دانستند، اما در دین اسلام ما معتقدیم که علاوه بر آزادی دیگران مصلحت فرد، جامعه و نسل آینده باید مدنظر قرار گیرد.

وی در ادامه با اشاره به اتفاقات چند ماه اخیر و رویدادهای پیرامون خود، اظهار کرد: کل اتفاقات مربوط به این است که عده‌ای می‌گویند شما نباید صحبتی در رابطه با رفع حصر داشته باشید؛ در حالی که ما معتقدیم این تفکر غلط است و هر فرد عادی می‌تواند آزاد باشد و حرف خودش را بزند و اساساً وجود قطب منتقد و مخالف در اجتماع نعمت است و باعث پیشرفت جامعه می‌شود. حق نباید از مواجهه با باطل بترسد و باید این تفکر ایجاد شود که از انتقادها استقبال کرده و فکر نکنیم با جلوگیری از بیان نظر مخالف، از انقلاب دفاع کرده‌ایم.

مطهری با اشاره به این‌که «وقتی بحث در رابطه با آزادی تفکر می‌شود باید توجه داشته باشیم آزادی تفکر با آزادی عقیده متفاوت است»، تصریح‌کرد: آن عقیده‌ای که ناشی از تفکر باشد باید بیان شود، اما عقایدی که ناشی از عادت و پیروی از اکثریت و آباء و اجداد باشد به عنوان عقیده مطرح می‌شود و در این شرایط عنوان می‌شود که هر عقیده‌ای آزاد نیست.

این استاد دانشگاه در پاسخ به سئوال دانشجویان در رابطه با وقایع سال ۸۸، اظهار کرد: بنده معتقدم که این افراد در نهایت باید به قانون تمکین می‌کردند و نباید اعتراضات را ادامه می‌دادند. آن‌ها از این جهت دچار خطا شدند، اما باید علت کار را هم می‌دانستیم و این‌که ما چه کاری کرده‌ایم که این‌ها اینگونه رفتار کردند. این افراد باید می‌پذیرفتند که حرف آخر را بر اساس قانون، شورای نگهبان می‌زند و در این شرایط عنوان می‌کردند که «ما قانع نشدیم ولی قانون را می‌پذیریم». باید بپذیریم که اگر خلاف این رفتار شود سنگ بر روی سنگ بند نمی‌شود، منتها بنده نوع برخورد با این‌ها و معترضین را قبول ندارم. در سال ۸۸ به خاطر بی‌تجربگی شاهد این اتفاقات بودیم و این شرایط باید تجربه‌ای برای آینده باشد. بحث ما این است با معترض و منتقد باید درست برخورد شود.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان این‌که «همه موارد را نباید به گردن رهبری بیندازیم» ابراز عقیده کرد: باید بدانید که رهبری در مواردی دخالت می‌کنند که به بن‌بست رسیده باشیم در حالی که در وقایع سال ۸۸ قانون مسیر را مشخص کرده بود و این‌که در هر موضوعی رهبری را وارد کنیم درست نیست.

این استاد دانشگاه در پاسخ به سئوال یکی از دانشجویان درباره این اظهار نظر که در ایران زندانی سیاسی نداریم، با بیان این‌که «موافق این حرف نیستم» مدعی شد: بعضی زندانیان نقشی در وقایع سال ۸۸ نداشتند، ولی به صرف این‌که تفکر اصلاح‌طلبی دارند یا در دوران اصلاحات فعال بودند در زندان به سر می‌برند و من شخصاً متوجه نشدم که جرم این‌ها چیست.

مطهری همچنین با بیان این‌که «از مناظره علمی در شرایط مناسب استقبال می‌کنم»، اظهار کرد: با شکل فعلی مناظرات مخالفم.

وی در پاسخ به سوالی درباره حق نظارت بر عملکرد رهبری از سوی مجلس خبرگان نیز گفت: مجلس خبرگان حق نظارت بر رهبری را دارند و این جزو اختیارات آنان است و در خیلی از مواقع می‌توانند سئوال کنند و جواب بگیرند هر چند ممکن است این‌ها علنی نباشد.

مطهری در ادامه به سئوالی در خصوص طریقه و نقش ازدواج موقت در جامعه پاسخ داد و گفت: ازدواج موقت در اسلام از جایگاه ویِژه و از احکام قابل توجهی برخوردار است. در نگاه اسلام هیچ تبعیض و محرومیتی در خصوص جنسیت وجود ندارد، بلکه افراد را در وادی نخست تشویق به ازدواج دائم می‌کند و در شرایطی خاص که امکان این ازدواج برای فرد مقدور نباشد موضوع ازدواج موقت را بیان می‌کند، ولی متاسفانه امروزه عده‌ای قصد کوچک جلوه دادن امر

ازدواج را در جامعه دارند و این در حالی است که ازدواج در اسلام جزو مهم‌ترین موضوعات است.

این نماینده مجلس در پاسخ به سئوال دیگری در واکنش به اظهاراتی مبنی بر این‌که برای پوشش افراد در جامعه تعیین تکلیف می‌شود، افزود: این‌که طرز پوشش افراد در جامعه را مشخص می‌کنند حرف نادرستی است، بلکه افراد در ایران به عنوان یک حکومت اسلامی و با تبعیت از این احکام، باید درست رفتار کنند. در احکام اسلامی حدود پوشش مشخص و معین است و افراد باید در قالب این احکام به تعیین پوشش خود در جامعه بپردازند و نباید به گونه‌ای باشد که این بی‌حجابی به یک نقطه خطرناک برسد که کشور را دچار مشکل کند. این نکته را باید بدانیم که آزادی زن به معنای بی‌وبند و باری او نیست.

احمدی نژاد نباید حتی یک روز رئیس جمهور باقی می ماند / او می گفت، هر قانونی که تشخیص دهم مخالف قانون اساسی است را اجرا نمی کنم / شاید انتشار فکت شیت به ضرر مذاکرات باشد / با سخن اخیر روحانی در مورد وظیفه نیروی انتظامی موافق نیستم

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: در برخورد با تخلفات رئیس جمهور سابق کوتاهی شده و مسوولش هم نمایندگان مجلس هشتم و نهم و اصول گرایان هستند که برداشت غلطی از ولایت فقیه دارند .

علی مطهری در مراسم بزرگداشت استاد مطهری با موضوع «از آرمان‌شهر شهید مطهری تا جامعه امروز» در جمع دانشجویان دانشگاه مهندسی و فن آوری های نوین قوچان در بخش پرسش و پاسخ تاکید کرد: احمدی نژاد صراحتا می گفت من قانونی را که مطابق قانون اساسی تشخیص می دهم اجرا می کنم و قانونی را که خودم تشخیص بدهم مخالف قانون اساسی است، اجرا نمی کنم که به نظر من چنین کسی نباید حتی یک روز رئیس جمهور باقی می ماند.

او همچنین با اعتراض به شیوه پرداخت یارانه به مردم بیان کرد:آقای احمدی نژاد در پرداخت یارانه ها خلاف قانون عمل کرد؛ بهتر است دولت صادقانه با مردم صحبت کند و بگوید که این کار از اول درست اجرا نشده و مردم هم اگر صداقت دولت را ببینند، قبول می کنند.

این نماینده مجلس در مورد حوادث رخ داده در سال ۸۸ هم گفت: درباره این حوادث باید عدالت رعایت شود و سهم همه طرف های آن حوادث مشخص شود و اگر لازم است محاکمه شوند و مجازات هر کسی معلوم شود.

او ادامه داد: این طور نباشد که بگوییم فقط آن دو نفر مقصرند و کار بقیه درست بوده که این به معنای پاک کردن صورت مساله است؛ زیرا تا عدالت اجرا نشود وجدان جامعه آرام نمی گیرد.

نماینده مجلس یادآور شد: هر انتقادی که از نظام می شود رسانه های خارجی از آن حمایت می کنند و این دلیل بر آن نیست که بگوییم منتقدان نظام با بیگانگان ارتباط دارند.

مطهری همچنین در پاسخ به سوال یکی از دانشجویان گفت: با سخن رئیس جمهور که وظیفه نیروی انتظامی اجرای قانون است نه اجرای اسلام موافق نیستم، زیرا قانون ما همان قانون اسلام است.

او تصریح کرد: شاید منظور رئیس جمهور عمل به برداشت شخصی از قوانین اسلامی در برخورد با متخلفان بوده است

وی همچنین با اشاره به اختلاس های اتفاق افتاده در چند سال اخیر گفت: این تخلفات صرفا به معنی برداشتن پول از سوی شخص یا اشخاص برای خود نیست؛ بلکه بیشتر به معنای جا بجایی غیر قانونی و سوء استفاده اشخاص از مقام خود است که بخشی از مسوولیت این امر بر عهده مجلس هشتم و نهم و بخش دیگر متوجه دولت قبلی است.

او با اشاره به اینکه جامعه اسلامی تبعیض و شکاف طبقاتی را نمی‌پذیرد، بیان کرد: وجود بی‌عدالتی و تبعیض در جامعه سبب می‌شود جامعه تعادل روانی خود را از دست بدهد و دو طبقه محروم و دارای عقده و نیز رانت‌خوار و پرتوقع ایجاد شود.

مطهری اضافه کرد: در اثر بی عدالتی اندیشه بخت و اقبال و شانس جامعه را فرا می‌گیرد و مردم به این اعتقاد می‌رسند که تنها با پول و پارتی و رابطه کارها انجام می‌شود و کار و فعالیت شرط موفقیت نیست.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با تأکید بر این موضوع که ایمان به عدالت و عدم ملاحظه کاری لازمه اجرای عدالت است تصریح کرد: مجری و اجراکننده عدالت نباید اهل رفیق‌بازی و ملاحظه‌کاری باشد.

او در ادامه تشخیص انتشار گزارش برگ(فکت شیت) را برعهده وزارت امور خارجه و تیم مذاکره کننده دانست و افزود: شاید انتشار آن به ضرر مذاکرات باشد و مهم این است که ما مراقب متن نهایی توافق باشیم.

مطهری همچنین طرح استانی شدن انتخابات را دارای معایب و محاسنی دانست و بیان کرد: من خودم موافق این طرح بودم زیرا محاسن آن بیشتر از معایبش است و درمجموع به نفع نظام و انقلاب است.

او در پاسخ سوالی مبنی بردسته بندی سیاسی هم تصریح کرد : دسته بندی سیاسی اصولگرا و اصلاح طلب را قبول ندارم و هرگز در این قالب ها جای نخواهم گرفت .

مطهری: خیال نکنیم با جلوگیری از اظهارنظر مخالف، انقلاب را حفظ کرده‌ایم

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: خیال نکنیم با جلوگیری از اظهارنظر مخالف، انقلاب را حفظ کرده‌ایم.

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا)- منطقه خراسان، علی مطهری عصر امروز ١٤ اردیبهشت ماه در مراسم بزرگداشت هفته معلم که در آمفی تئاتر دانشگاه آزاد مشهد برگزار شد، با اشاره به مقام حضرت علی(ع) در موضوع امامت اظهار کرد: مقام امامت بالاتر از خود پیامبری و نبوت است و وقتی خداوند حضرت ابراهیم (ع) را آزمود و او از این آزمایش‌ها سرافراز بیرون آمد، مراتب عبودیت خود را ثابت کرد.

وی تعبیر مافوق دانستن امام را غلط خواند و افزود: اگر امام مافوق انسان بود، دیگر امام قابل پیروی نبود، در حالی که امامان الگو هستند تا ما خودمان را مانند آنان بسازیم.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: انسان نباید یک موجود یک بعدی باشد که فقط در یک مساله جلو برود و در بقیه مسائل رشد نکند، بلکه انسان باید در همه مسائل متعادل باشد و همچنین کمال انسان در تواضع و تعادل اوست. اینکه بتواند استعدادهای وجودی خود را رشد دهد و اگر نمی‌تواند انسان کامل باشد لااقل انسان متعادل باشد.

وی با اشاره به سخنان شهید مطهری درمورد جامعه متعادل گفت: همانطور که انسان متعادل داریم، جامعه متعادل نیز داریم و اگر جامعه فقط در یک جهت رشد جلو برود باعث خواهد شد که جامعه تک بعدی شود.

مطهری یک از ویژگی‌های حکومت حضرت علی (ع) را دموکراسی بیان کرد و افزود: امام علی(ع) حتی با مخالفان خودش خیلی با محبت برخورد می‌کرد و خوارج را نه زندانی می کرد و نه سهمیه آنها را از بیت المال قطع می‌کرد، بلکه به آنان اجازه می‌داد اظهار نظر کنند و می‌گفت «با عصانیت حجت خدا برپا نمی‌شود».

وی گفت: حضرت علی (ع) تا زمانی که خوارج دست به سلاح نبردند با آنان نجنگید اما زمانی که آنان راهزنی کردند و دست به سلاح بردند امیرالمؤمنین نتوانست سکوت کند. در یک سخنرانی حدود ۸ هزار نفر از خوارج از اعتقاد قبلی خود دست برداشتند و در انتها حدود ۷ نفر باقی مانده بودند که یکی از آنان ابن ملجم مرادی بود.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی یادآور شد: موضوع دیگر عدالتخواهی حضرت علی بود. او عدالت را برای خدمت به مردم می خواست و تاکید می‌کرد که خداوند از علما پیمان گرفت زمانی که جامعه به دو طبقه سیر و گرسنگان تبدیل شد علما مسولیت دارند.

مطهری افزود: درباره این موضوع که جود بهتر است یا عدل در نگاه اول علمای اخلاق می‌گویند جود بهتر است چون جود یک نوع از خودگذشتگی است، اما عدل به معنی هر چیزی را سر جای خود قرار دادن است. با مقیاس فردی جود بهتر است و با مقیاس اجتماعی عدل ارزشمندتر است.

وی عنوان کرد: زمانی که امیرالمؤمنین به خلافت رسید و تاکید بر برافراشتن پرچم عدالت کرد عده‌ای گفتند از امروز عدالت را برقرار کنید و کاری به گذشته نداشته باشید، اما ایشان گفتند که حق قدیم چیزی را باطل نمی‌کند. در عدل گشایشی است که همه را راضی می کند و عدالت

نباید فدای مصلحت شود، عده‌ای به ایشان گفتند که بگذارید جای پایتان محکم شود، بعد به جنگ با معاویه بروید اما ایشان تاکید داشتند که عدالت نباید فدای مصلحت شود.

مطهری خاطرنشان کرد: حضرت علی اصلاح داخل جامعه را مقدم بر امور دیگر می‌دانستند. در زمان پیامبر اگر فتوحاتی انجام می‌شد به موازات فتوحات بینش مردم هم بالا می‌رفت اما در زمان عثمان کم کم جهاد به تجارت زن و غنیمت تبدیل شد. دشمنانی که به جنگ با حضرت علی آمدند نمی‌دانستند که علی کیست و معاویه چه شخصیتی است. اصلا مصیبت دنیای اسلام هم همین است.

وی درباره نوع نگاه حکومت به مردم از منظر امیرالمؤمنین تصریح کرد: دو دیدگاه درباره نگاه حکومت به مردم وجود دارد، اینکه حکومت مالک یا امانتدار مردم است خیلی متفاوت است. آنچه شهید مطهری در ابتدای پیروزی انقلاب بر آن تاکید داشتند عدالت بود و تاکید داشتند که اگر به عدالت توجه نداشته باشیم انقلاب ما با شکست مواجه خواهد شد و به روحانیت هشدار دادند که نگذارید پرچم اصلاحات اجتماعی به دست دیگران بیفتد.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه شهید مطهری بر استقلال فرهنگی تاکید داشتند، گفت: خیال نکنیم با جلوگیری از اظهار نظر مخالف، انقلاب را حفظ کردیم، حتی شهید مطهری پیشنهاد دادند که یک استاد مارکسیست در دانشکده الهیات تدریس کند. از سوی دیگر استاد مدرسان اسلام هم عقایدش را بیان کنند تا دانشجویان انتخاب کنند. نام این آزادی تفکر است.

مطهری با بیان اینکه شهید مطهری برای تفکر آزادی ارزش بسیاری قائل بود، ادامه داد: آنقدر تفکر در نگاه شهید مطهری ارزش داشت که معتقد بود اگر کسی از روی تفکر به این نتیجه رسید که خدا و معاد وجود ندارد مورد عذاب نیست اگر چه به بهشت هم نمی‌رود. در دوران طلبگی برایشان شبهات درباره خدا، نبوت و معاد پیش آمده بود تا جایی که بر اثر برخی از این شبهات بیمار و در بیمارستان بستری شد و روزها فکر می‌کرد تا از این وضعیت خارج شود و بعد درباره این مسایل به یقین کامل رسید و البته یقین بعد از شک بسیار ارزشمند است.

مطهری: اصلاحات و پایبندی به اصول لازمه اعتدال است

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: نباید فرد و یا گروهی را مادام که دست به سلاح نبرده به جرم مخالفت محدود کنیم.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، علی مطهری در سیزدهمین کنگره حزب مردم‌سالاری با تبریک سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و شعار این کنگره مبنی بر این‌که اصلاحات لازمه اعتدال است، گفت: من این شعار را بدین شکل تکمیل می‌کنم که اصلاحات و پایبندی به اصول لازمه اعتدال است.

وی افزود: برای این‌که ما اعتدال انقلاب اسلامی را حفظ کنیم خوب است هر چند سال یک بار در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی یک آسیب‌شناسی از انقلاب داشته باشیم و راه طی شده را ارزیابی کنیم و ببینیم چگونه این راه طی شد و در کجا نقایص وجود داشت و همچنین در کجا موفق بودیم و در کجا عقب‌گرد داشته‌ایم.

این نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان این‌که شهید مطهری قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هشدار دادند و گفتند که ممکن است نهضت اسلامی با آفاتی مواجه شود، نفوذ اندیشه‌های بیگانه را یکی از این آفات برشمرد و ادامه داد: این‌که اندیشه غیراسلامی به نام اسلام وارد اندیشه انقلاب شود یکی از آفات مورد توجه بود که البته این موضوع شاید امروز مشکل اساسی ما نیست.

وی ادامه داد: همچنین مساله تجددگرایی افراطی و این‌که بخواهیم اسلام را باب طبع زمان کنیم و برخی احکام را به بهانه مقتضیات زمان تغییر دهیم یکی دیکر از این آفات است که البته امروز کمتر دچار این آسیب هستیم. اما مسأله رخنه فرصت طلبان یکی دیگر از آفت‌ها است که امروز یکی دیگر از مشکلات ما قلمداد می‌شود. همچنین مسأله ابهام طرح‌های آینده از دیگر آفات است که ما از ابتدای انقلاب با این مشکل مواجه بودیم و مخصوصاً در مسائل اقتصادی از ابتدای انقلاب خودمان هم درست نمی‌دانستیم که می‌خواهیم چه کنیم.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در ادامه گفت: کم شدن اخلاص و حسن نیت و زیاد شدن قدرت طلبی‌ها و هواهای نفسانی از دیگر آفت‌هایی است که امروز با آن مواجه‌ایم.

وی افزود: اگر بخواهیم آسیب‌های امروز انقلاب را فهرست کنیم یکی از آنها که مخصوصا در چند سال اخیر بر کشور ما حاکم بوده و افزایش پیدا کرده عدم تحمل منتقد و مخالف است.

وی با بیان این‌که آزادی بیان در دولت جدید کمتر شده، اظهار کرد: از آنجایی که این دولت گرایش به اصلاح طلبی دارد فشار بیشتری روی آن وارد است و من که با مطبوعات و رسانه‌ها در ارتباط هستم و مطالبی را بیان می‌کنم وقتی رسانه‌ها را بررسی می‌کنم می‌بینم که خودسانسوری بیشتر شده و مطبوعات امروز خیلی بیشتر از دولت گذشته از توقیف شدن و و لغو امتیازشان می‌ترسند و این یک اشکال جدی است.

وی در همین راستا روشن شدن تکلیف هیأت نظارت بر مطبوعات را یک ضرورت خواند و اظهار کرد: در این هیأت یک عده تصمیم کارشناسی می‌گیرند ولی بعد از آن دادستانی خود تصمیم می‌گیرد و اعلام جرم می‌کند. با این حال باید پرسید وظیفه این هیأت چیست یا آن را تعطیل کنید یا این‌که بدون مجوز آن روزنامه‌ای تعطیل نشود.

وی در ادامه سخنان خود با مورد توجه قرار دادن موضوع آزادی تفکر و بیان، گفت: شهید مطهری معتقد بودند که در جمهوری اسلامی حتی احزاب غیراسلامی حق فعالیت دارند منتهی مشروط بر این‌که با نام اسلام فعالیت نکنند. خود امام هم می‌فرمودند که حتی کمونیست‌ها در جمهوری اسلامی حق فعالیت دارند. حال شما این موضوع را با وضع امروز ما مقایسه کنید. ما نباید برخی رفتارها و تصمیمات دوره جنگ را به امروز سرایت دهیم. در آن زمان محدودیت‌هایی وجود داشت.

مطهری در ادامه گفت: به صرف انتقاد افرادی را بازداشت و زندانی می‌کنید در حالی که این رویکرد با سیره ائمه اطهار (ع)، پیغمبر (ص) و امیرالمومنین (ع) سازگار نیست چرا که می‌بینیم مخالفین حضرت علی (ع) در مقابل ایشان حتی فریاد می‌زدند و امیرالمومنین حتی حقوق اینها

را قطع نکرد. مادامی که دست به سلاح بردند که در این صورت این افراد محارب و قیامشان مسلحانه می‌شود که تکلیفشان روشن است بنابراین تا فرد و گروهی دست به سلاح نبرده نباید به جرم مخالفت او را محدود کنیم.

وی در ادامه اظهار کرد: ما به غربی‌ها انتقاد می‌کنیم که شما درباره هولوکاست اجازه اظهارنظر و بررسی به کسی نمی‌دهید و فقط یک تحلیل باید مطرح شود. حالا همین کار را ما درباره حوادث ۸۸ داریم. همه باید یک حرف بزنیم. کسی حق ندارد حرف دیگری بزند و اتفاقی که در مجلس افتاد در همین راستا بود.

به گزارش ایسنا، مطهری در ادامه سخنانی را بیان کرد که با تشویق مکرر حاضرین همراه می‌شد.

وی با مورد توجه قرار دادن موضوع ریزش‌ها و رویش‌های انقلاب اسلامی، گفت: هر انقلابی ریزش‌ها و رویش‌هایی دارد و رهبر معظم انقلاب نیز این موضوع را مورد توجه قرار دادند. اما مقصود ایشان ریزش‌های طبیعی است نه این‌که ما اصرار بر ریزش‌ها داشته باشیم و فکر کنیم هرچه این ریزش‌ها بیشتر باشد بهتر است و در این راستا فکر کنیم که می‌توانیم افراد را هل دهیم تا از قطار انقلاب پیاده شوند.

وی در همین راستا اضافه کرد: آنچه مدنظر من است نوع برخورد با منتقدان و مخالفان است. ما باید این راه را تغییر دهیم. وقتی کسی خودش می‌گوید من نظام را قبول دارم چرا هلش می‌دهید؟ هر وقت چنین شخصی سلاح به دست گرفت بحث دیگری است. اما می‌خواهیم افراد را طرد و از دایره انقلاب بیرون کنیم.

مطهری گفت: آیا دل ما بیشتر برای انقلاب می‌سوزد یا دل این تندروها که این طرف و آن طرف هستند.

وی در ادامه سخنان خود وقتی در حال گفتن این جمله بود که منی که از شب ۱۵ خرداد از بازداشت شهید مطهری... اشک ریخت و این جمله‌اش ناتمام ماند.

وی در ادامه اظهار کرد: مسأله نفوذ فرصت‌طلبان بسیار مهم است. حتی وقتی زمانی گفتند که انقلاب فرزندخور است شهید مطهری می‌گویند انقلاب فرزندخور نیست، کوتاهی رهبران نهضت و انقلابیون راستین است که باعث می‌شود که انقلاب فرزندان خود را یکی یکی از بین ببرد. ولی اگر ما هوشیار باشیم و از رخنه فرصت‌طلبان جلوگیری کنیم، این موضوع یک قاعده کلی نیست و زمانی پیش می‌آید که ما غفلت می‌کنیم و کسانی وارد می‌شوند تا انقلابیون راستین را به حاشیه برانند و شعارهای تند سر دهند.

وی همچنین کم شدن خلوص و ایمان و معنویت را از آفت‌ها مورد توجه انقلاب اسلامی برشمرد و گفت: شهید مطهری می‌فرمودند اگر یک انقلاب مذهبی خلوص نیت‌اش را از دست بدهد زودتر آسیب می‌بیند چرا که ادعای معنوی دارد و مخصوصاً این موضوع درباره اصول‌گرایان بیشتر صدق می‌کند. چرا که ادعای اسلام و ولایت‌مداری بیشتر است. در حالی که بی‌تقوایی در این میان زیاد است. مثلاً این‌که خبر را ناقص و آن‌طور که دوست دارند منتشر می‌کنند.

مطهری اظهار کرد: من در آن جلسه مجلس گفتم اگر روز ۹ دی منشأ تفرقه در کشور باشد دیگر یوما لله نخواهد بود بلکه یوم‌الشیطان است اما این رسانه‌ها نوشتند مطهری گفته که ۹ دی یوم‌الشیطان است و این موضوع از مواردی است که به انقلاب آسیب می‌زند.

وی در ادامه با بیان اینکه من معتقدم دیوار مصنوعی بین اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی باید شکسته شود، گفت: برای خودمان دسته‌بندی‌هایی درست کرده‌ایم که بر اساس آن کسی که اصول‌گرا است نمی‌تواند اصلاح‌طلب باشد و برعکس. در این راستا من معتقدم معتدل‌های اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی متحد شوند و در مقابل افراط‌ها و فرصت‌طلبی‌ها بایستند تا ان شاءالله آینده بهتری داشته باشیم.

وی در ادامه بازگشت به قانون اساسی را راه‌حل اساسی مشکلات عنوان کرده دانست و افزود: ما یک قانون اساسی بسیار خوب و مترقی داریم اما خودمان با ایجاد شوراهایی یکی یکی اصول را نقض کرده‌ایم. یک شورایی درست کردیم که می‌تواند در کار قوه قضائیه دخالت کند. شورای دیگری هم می‌تواند در آموزش عالی دخالت کند و اساساً این شوراها در مقابل مجلس قانون‌گذاری می‌کنند. اینها را باید اصلاح کنیم و ملاک را قانون اساسی قرار دهیم.

هاشمی قوه عاقله مجلس خبرگان رهبری است

دکتر مطهری در گفتگو با هفته نامه «طلوع صبح» به جز آنکه خواستار کاندیداتوری یادگار امام در مجلس خبرگان می شود، به مخالفان حضور آیت الله هاشمی در خبرگان واکنش نشان می دهد و می گوید: شهید محلاتی گفته بود شهید مطهری قوه عاقله انقلاب بود، می توان گفت آقای هاشمی قوه عاقله مجلس خبرگان رهبری است.

علی مطهری در گفت و گو با «طلوع صبح»

هاشمی قوه عاقله مجلس خبرگان رهبری است

همچون آیت الله هاشمی موافق حضور سیدحسن خمینی در خبرگان هستم

دکتر علی مطهری چهره ای که این روزها بسیاری او را نماینده ای شجاع و درخور شان ملت ایران می خوانند، چند صباحی است سلسله نامه نگاری هایی خطاب به مقامات مختلف را آغاز کرده است که هر یک به نوبه خود جنجال ساز شده و همواره مورد هجمه طیف تندروی جریان اصولگرا قرار گرفته است. او در گفت و گو با «طلوع صبح» به جز آنکه خواستار کاندیداتوری یادگار امام در مجلس خبرگان میشود، به مخالفان حضور آیت الله هاشمی در خبرگان واکنش نشان می دهد و می گوید: شهید محلاتی گفته بود شهید مطهری قوه عاقله انقلاب بود، می توان گفت آقای هاشمی قوه عاقله مجلس خبرگان رهبری است.

آنچه در ادامه می آید، متن کامل گفتگوی طلوع صبح با نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی است:

● سخنان اخیر رئیس جمهور در مورد شورای نگهبان باعث جنجال ها و پاسخ هایی از سوی مقامات مختلف شده است، نظر تان در این باره چیست؟

قبلاً در نامه‌ای که به فرمانده سپاه نوشتم توضیح مختصری دادم آنچه که فقط می گویند یعنی تفسیر شورای نگهبان از قانون اساسی، نظارت استصوابی است که در توضیح آن گفته اند ما باید صلاحیت کاندیداها را احراز کنیم. اینجا عده‌ای ایراد می گیرند که در این صورت حق افرادی ضایع می شود زیرا ممکن است اطلاعات شما از فردی کافی نباشد و در نتیجه صلاحیت او برای شما احراز نشود و او را رد کنید یعنی ممکن است شورای نگهبان بگوید ما فلان کس را نمی شناسیم شاید آدم صالحی باشد ولی چون صلاحیت او برای ما محرز نیست او را رد می کنیم.

● به نظر تان این مسئله چه مشکلی دارد؟

آسیبی که از این ناحیه پیدا می شود این است که کاندیداها تلاش می کنند از هر طریق ممکن خود را به اعضای شورای نگهبان بشناسانند و گاهی تظاهر و ریاوحتی تملق و چاپلوسی کنند و افراد با اصالت حاضر به چنین کاری نیستند و حقشان ضایع می شود.

● راه حل چیست؟

اما اگر نظارت استصوابی را این طور معنی کنند که برای رد صلاحیت یک فرد باید عدم صلاحیت او برای ما محرز شود یعنی مدرکی دال بر فساد اقتصادی یا اخلاقی یا سیاسی (مانند جاسوسی) وجود داشته باشد این به عدالت نزدیک تر است.

● در مورد سخنان رئیس جمهور چه نظری دارید؟

البته حرف آقای روحانی این بود که ما شورای نگهبان ناظر استو حق دخالت در اجرا را ندارد و پررسی صلاحیت ها یک کار اجرایی است که به عهده هیئت های اجرایی است. ولی فعلا با تفسیر شورای نگهبان از اصل ۹۹ قانون اساسی در سال ۷۰، به شورای نگهبان این حق داده شده است مگر این که شورا دوباره آن اصل را تفسیر دیگری بکند. شاید آقای روحانی آن تفسیر را قبول ندارد و یا اگر قبول دارد منظور از نظارت استصوابی را احراز عدم صلاحیت فرد برای رد صلاحیت او می داند نه عدم احراز صلاحیت.

● آقای لاریجانی در آمریکا گفتند که بحث ها بر سر توافق هسته ای در مجلس ایران بسیار داغ تر از کنگره خواهد بود. به نظر شما آیا دولتیان توافق در مجلس اگر بتوانند جلوی توافق را می گیرند؟

قدرت این کار را ندارند حداکثر این است که مجلس توافق را به صورت مشروط قبول کند تا دست دولت باز نگه داشته شود مزایای توافق نسبت به معایبش آنقدر زیاد است که هر کس یا هر گروهی آن را رد کند خودش خراب می شود و ملت آسیب می بیند. اساسا قطع نظر از تحریم ها ادامه وضع فعلی صنعت هسته ای ما مانع پیشرفت و ارتقا آن است و ما باید وارد تعامل با قدرتهای هسته ای و تجارت جهانی صنعت هسته ای می شدیم. انقلاب را نباید مساوی با چند کیلوگرم اورانیوم غنی شده با آن دانست بلکه باید با دنیا ارتباط داشته باشیم با ارتباط بهتر با دنیا به آرمانهایی مانند آزادی فلسطین هم بهتر و زودتر می رسیم همین که اسرائیل نگران است نشانه آن است که توافق وین توافق خوبی است.

● همان طور که آقای ناطق نوری عنوان کرده بودند، گروه های تندرو منسجم تر از معتدلان هستند، آیا این انسجام و اتحاد تندروها که اخیرا از آن رونمایی شد و موجّ تلقه نیز به آنها پیوست، می تواند باعث موفقیت آنها در انتخابات مجلس شود؟ این اتحاد چه خطری برای میانه رو ها دارد؟

مجموعه سه گروهی که ائتلاف کرده اند پایگاه چندانی در میان مردم ندارند خصوصا که سابقه سوء حمایت بی چون و چرا از آقای احمدی نژاد و سکوت در برابر قانون شکنی های او را دارند. بر داشت غلط آنها از اصل ولایت فقیه، دست و بال آنها را برای ابداع و ابتکار و تغییر بسته است. به هر حال اتحاد آنها خطری برای معتدل ها ایجاد نمی کند. مردم گروه های کلیشه‌ای را نمی پسندند، گروه هایی را می پسندند که از حقوق آنها و از اصول قانون اساسی دفاع کنند و قادر به تغییر باشند نه افراد و گروه هایی که به بهانه حفظ نظام در مقابل ضایع شدن حقوق مردم یا زیر پا گذاشته شدن اصول قانون اساسی سکوت می کنند.

● پس از اعلام کاندیداتوری آیت الله هاشمی برای مجلس خبرگان رهبری هجمه های گسترده‌ای علیه ایشان صورت گرفت، نظر تان در این باره چیست؟ و از نظر شما چرا آقای هاشمی زودتر از دفعات گذشته اعلام کاندیداتوری کردند؟

شهید محلاتی گفته بود شهید مطهری قوه عاقله انقلاب بود می توان گفت آقای هاشمی قوه عاقله مجلس خبرگان رهبری است. من فکر می کنم ایشان برای توجه دادن علما و مردم به اهمیت مجلس خبرگان آینده، زودتر اعلام کاندیداتوری کردند. هجمه ها علیه آقای هاشمی به خاطر تأثیر گذاری ایشان است. می دانید که مهمترین کار مجلس خبرگان رهبری انتخاب رهبر جدید است اگر چه کارهای مهم دیگری هم دارد ولی عملا به گونه‌ای شده است که همین یک کار را انجام می دهد بنابراین با توجه به هشت ساله بودن دوره آن در دوره هایی که حتی احتمال ضعیف داده شود که بخواهند رهبر جدید تعیین کنند اهمیت آن افزایش پیدا می کند البته ما دامی کنیم که این اتفاق در این دوره نیفتد و آرزوی طول عمر برای رهبر معظم انقلاب داریم. مجلس شورای آینده هم از این نظر اهمیت دارد که بتواند دولت را بیشتر کمک کند و بعضی کینه توزیهای موجود از بین برود برای خبرگان خوب است مجتهدانی که اهمیت و وظایف و میزان تأثیر گذاری مجلس خبرگان را درک می کنند و آن را منحصر به انتخاب رهبر جدید نمی دانند و دوستان دانای انقلاب و رهبر هستند کاندیدا شوند تا این مجلس از حالت تشریفاتی فعلی خارج شود.

● در مورد مجلس شورای اسلامی چطور؟

برای مجلس هم خوب است افراد خوش فکر و مستقل و حر و آزاده و کسانی که مدیون فرد و گروهی نباشند کاندیدا شوند تا مجلس ما واقعا عصاره ملت باشد نه این که اکثریت قریب به اتفاق آن یک تیپ خاص باشند باید همه اقشار در مجلس نماینده داشته باشند.

● اخیرا آیت الله هاشمی از سید حسن خمینی برای کاندیداتوری در انتخابات خبرگان دعوت کرد و خواستار آن شد که او نسبت به آینده کشور بی تفاوت نباشد، ارزیابی شما چیست؟ و آیا شما نیز موافق حضور ایشان هستید؟

من هم موافق حضور ایشان هستم قطعا اگر ایشان احساس وظیفه کنند خواهند آمد و نیازی به توصیه ما نیست با توجه به این که مجلس خبرگان وقت زیادی از افراد نمی گیرد خوب است مجتهدان خوش فکر و دشنودار کار علمی شان هم بازنمی ماند.

● برخی از تحلیلگران از شکل گیری مثلث «مصباح - جنتی - یزدی» و مثلث «هاشمی - روحانی - سید حسن خمینی» در انتخابات خبرگان سخن گفته اند. ارزیابی تان چیست؟ و از نگاه شما چرا این دور از انتخابات خبرگان بیش از هر زمان دیگری دارای حساسیت شده است؟

هر دو مثلث حسن نیت دارند و متقی هستند و در راه اسلام و حفظ انقلاب تلاش می کنند. مثلث اول خود را اصولی تر می داند و از روش های سخت گیرانه استفاده می کند. لذا از تباط چندانی با نسل جدید ندارد و کمتر قادر به هدایت آنهاست. اما مثلث دوم ارتباط خوبی با نسل جوان پیدا کرده و تلاش می کند اصول را نیز حفظ کند من در مجموع روش مثلث دوم را بیشتر می پسندم به هر حال نباید این تفاوتها را به جنگ قدرت تفسیر کنیم، بلکه ناشی از تفاوت بینش ها و تفاوت ارتباط ها با اقشار مختلف جامعه است.

متن کامل مصاحبه دکتر علی مطهری با هفته نامه طلوع صبح به شرح زیر است:

–سخنان اخیر رئیس جمهور در مورد شورای نگهبان باعث جنجال‌ها و پاسخ‌هایی از سوی مقامات مختلف شده است، نظرتان در این باره چیست؟

قبلاً در نامه‌ای که به فرمانده سپاه نوشتم توضیح مختصری دادم. آنچه که قانون می‌گوید، یعنی تفسیر شورای نگهبان از قانون اساسی، نظارت استصوابی است که در توضیح آن گفته‌اند ما باید صلاحیت کاندیداها را احراز کنیم. اینجا عده‌ای ایراد می‌گیرند که در این صورت حق افرادی

ضایع می‌شود زیرا ممکن است اطلاعات شما از فردی کافی نباشد و در نتیجه صلاحیت او برای شما احراز نشود و او را رد کنید. یعنی ممکن است شورای نگهبان بگوید ما فلان کس را نمی‌شناسیم، شاید آدم صالحی باشد ولی چون صلاحیت او برای ما محرز نیست او را رد می‌کنیم. آسیبی که از این ناحیه پیدا می‌شود این است که کاندیداها تلاش می‌کنند از هر طریق ممکن خود را به اعضای شورای نگهبان بشناسانند و گاهی تظاهر و ریا و حتی تملق و چاپلوسی کنند و افراد با اصالت حاضر به چنین کاری نیستند و حقشان ضایع می‌شود.

اما اگر نظارت استصوابی را این طور معنی کنند که برای رد صلاحیت یک فرد باید عدم صلاحیت او برای ما محرز شود یعنی مدرکی دال بر فساد اقتصادی یا اخلاقی یا سیاسی (مانند جاسوسی) وجود داشته باشد، این به عدالت نزدیکتر است.

البته حرف آقای روحانی این بود که اساسا شورای نگهبان ناظر است و حق دخالت در اجرا را ندارد و بررسی صلاحیت‌ها یک کار اجرایی است که به عهده هیئت‌های اجرایی است. ولی فعلا با تفسیر شورای نگهبان از اصل ۹۹ قانون اساسی در سال ۷۰ ، به شورای نگهبان این حق داده شده است مگر این که شورا دوباره آن اصل را تفسیر دیگری بکند. شاید آقای روحانی آن تفسیر را قبول ندارد و یا اگر قبول دارد منظور از نظارت استصوابی را احراز عدم صلاحیت فرد برای رد صلاحیت او می‌داند، نه عدم احراز صلاحیت.

-آقای لاریجانی در آمریکا گفتند که بحث‌ها بر سر توافق هسته‌ای در مجلس ایران بسیار داغ‌تر از کنگره خواهد بود. به نظر شما آیا دلواپسان توافق در مجلس اگر بتوانند جلوی توافق را می‌گیرند؟

قدرت این کار را ندارند. حداکثر این است که مجلس توافق را به صورت مشروط قبول کند تا دست دولت باز نگه داشته شود. مزایای توافق نسبت به معایبش آنقدر زیاد است که هرکس یا هر گروهی آن را رد کند خودش خراب می‌شود و ملت آسیب می‌بیند. اساسا قطع نظر از تحریمها، ادامه وضع فعلی صنعت هسته‌ای ما مانع پیشرفت و ارتقاء آن است و ما باید وارد تعامل با قدرتهای هسته‌ای و تجارت جهانی صنعت هسته‌ای می‌شدیم. انقلاب را نباید مساوی

با چند کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده در پستو بدانیم، بلکه باید با دنیا ارتباط داشته باشیم. با ارتباط بهتر با دنیا به آرمانهایی مانند آزادی فلسطین هم بهتر و زودتر می‌رسیم. همین که اسرائیل نگران است، نشانه آن است که توافق وین توافق خوبی است.

-همان‌طور که آقای ناطق نوری عنوان کرده بودند، گروه‌های تندرو منسجم‌تر از معتدلان هستند، آیا این انسجام و اتحاد تندروها که اخیراً از آن رونمایی شد و مؤتلفه نیز به آنها پیوست، می‌تواند باعث موفقیت آنها در انتخابات مجلس شود؟ این اتحاد چه خطری برای میانه‌روها دارد؟

مجموع سه گروهی که ائتلاف کرده‌اند پایگاه چندانی در میان مردم ندارند خصوصا که سابقه سوء حمایت بی‌چون و چرا از آقای احمدی‌نژاد و سکوت در برابر قانون‌شکنی‌های او را دارند. برداشت غلط آنها از اصل ولایت‌فقیه، دست و بال آنها را برای ابداع و ابتکار و تغییر بسته است. به هرحال اتحاد آنها خطری برای معتدل‌ها ایجاد نمی‌کند. مردم گروه‌های کلیشه‌ای را نمی‌پسندند، گروه‌هایی را می‌پسندند که از حقوق آنها و از اصول قانون اساسی دفاع کنند و قادر به تغییر باشند نه افراد و گروه‌هایی که به بهانه حفظ نظام در مقابل ضایع شدن حقوق مردم یا زیرپا گذاشته شدن اصول قانون اساسی سکوت می‌کنند.

-پس از اعلام کاندیداتوری آیت‌الله هاشمی برای مجلس خبرگان رهبری هجمه‌های گسترده‌ای علیه ایشان صورت گرفت، نظرتان در این باره چیست و از نظر شما چرا آقای هاشمی زودتر از دفعات گذشته اعلام کاندیداتوری کردند؟ اساساً اهمیت آتی مجالس خبرگان و شورای اسلامی چیست که برخی از ماهها قبل شروع به جوسازی و تخریب کرده‌اند؟

شهید محلاتی گفته بود شهید مطهری قوه عاقله انقلاب بود. می‌توان گفت آقای هاشمی قوه عاقله مجلس خبرگان رهبری است. من فکر می‌کنم ایشان برای توجه دادن علما و مردم به اهمیت مجلس خبرگان آینده، زودتر اعلام کاندیداتوری کردند. هجمه‌ها علیه آقای هاشمی به خاطر تأثیرگذاری ایشان است. می‌دانید که مهمترین کار مجلس خبرگان رهبری انتخاب رهبر جدید است اگرچه کارهای مهم دیگری هم دارد ولی عملا به گونه‌ای شده است که همین یک کار را انجام می‌دهد. بنابراین با توجه به هشت ساله بودن دوره آن،در دوره‌هایی که حتی احتمال

ضعیف داده شود که بخواهند رهبر جدید تعیین کنند اهمیت آن افزایش پیدا می‌کند. البته ما دعا می‌کنیم که این اتفاق در این دوره نیفتد. مجلس شورای آینده هم از این نظر اهمیت دارد که بتواند دولت را بیشتر کمک کند و بعضی کینه‌توزیهای موجود از بین برود.

برای خبرگان خوب است مجتهدانی که اهمیت و وظایف و میزان تأثیرگذاری مجلس خبرگان را درک می‌کنند و آن را منحصر به انتخاب رهبر جدید نمی‌دانند و دوستان دانای انقلاب و رهبر هستند کاندیدا شوند تا این مجلس از حالت تشریفاتی فعلی خارج شود. برای مجلس هم خوب است افراد خوش فکر و مستقل و حر و آزاده و کسانی که مدیون فرد و گروهی نباشند کاندیدا شوند تا مجلس ما واقعا عصاره ملت باشد نه این که اکثریت قریب به اتفاق آن یک تیپ خاص باشند. باید همه اقشار در مجلس نماینده داشته باشند.

-اخیراً آیت‌الله هاشمی از سید حسن خمینی برای کاندیداتوری در انتخابات خبرگان دعوت کرد و خواستار آن شد که او نسبت به آینده کشور بی‌تفاوت نباشد. ارزیابی شما چیست؟ و آیا شما نیز موافق حضور ایشان هستید؟

من هم موافق حضور ایشان هستم. قطعا اگر ایشان احساس وظیفه کنند خواهند آمد و نیازی به توصیه ما نیست. با توجه به این که مجلس خبرگان وقت زیادی از افراد نمی‌گیرد خوب است مجتهدان خوش‌فکر وارد شوند و از کار علمی‌شان هم باز نمی‌مانند.

-برخی از تحلیلگران از شکل‌گیری مثلث «مصباح – جنتی – یزدی» و مثلث «هاشمی – روحانی – سید حسن خمینی» در انتخابات خبرگان سخن گفته‌اند. ارزیابی‌تان چیست؟ و از نگاه شما چرا این دور از انتخابات خبرگان بیش از هر زمان دیگری دارای حساسیت شده است؟

هر دو مثلث حسن‌نیت دارند و متقی هستند و در راه اسلام و حفظ انقلاب تلاش می‌کنند. مثلث اول خود را اصولی‌تر می‌داند و از روش‌های سخت‌گیرانه استفاده می‌کند، لذا ارتباط چندانی با نسل جدید ندارد و کمتر قادر به هدایت آنهاست. اما مثلث دوم ارتباط خوبی با نسل جوان پیدا کرده و تلاش می‌کند اصول را نیز حفظ کند. من در مجموع روش مثلث دوم را بیشتر می‌پسندم.

به هرحال نباید این تفاوتها را به جنگ قدرت تفسیر کنیم، بلکه ناشی از تفاوت بینش‌ها و تفاوت ارتباط‌ها با اقشار مختلف جامعه است.

مطهری: طرح حفظ حقوق و دستاوردهای هسته ای ایران قدرت چانه زنی تیم مذاکره کننده هسته‌ای را بالاتر می‌برد/ توکلی: این طرح پشتوانه عملی از تیم مذاکره کننده هسته‌ای است

گفتگوی ویژه خبری شبکه دوم سیما به موضوع رای ۲۱۳ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به حفظ دستاوردهای هسته ای اختصاص داشت و آقایان احمد توکلی و علی مطهری از نمایندگان تهران با حضور در این برنامه درباره علل رای بالای نمایندگان به این مصوبه و دیگر موضوعات مرتبط با آن توضیحاتی ارائه کردند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دکتر علی مطهری، احمد توکلی نماینده مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سؤال که این رأیی که با اجماع از سوی طیف های مختلف در مجلس داده شد حامل چه پیام های داخلی و خارجی است؟ گفت: مجلس مطالبه مردم را انجام داد. همانطور که اکثریت مردم اجرای روشی عزتمندانه درباره مذاکرات هسته ای را خواستار هستند که هم تحریم ها حذف و هم دستاوردهای داخلی حفظ شوند، نمایندگان هم به این خواست عمومی رأی بالایی دادند و در حقیقت این رأی پشتیبانی عملی از دولت است.

مجری پرسید: آیا اقدام امروز مجلس قدرت چانه زنی ما را بالاتر می برد یا نه؟ که علی مطهری دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: قدرت چانه زنی تیم مذاکره کننده با این اقدام مجلس بالاتر می رود چون از کل نظام یک صدا بیرون می آید و به نظرم پیام خارجی آن بیشتر از پیام داخلی است به طوری که مجلس همان تأکیدات رهبری را در قالب قانون در می آورد و ضمانت اجرایی خواهد داشت و دست دولت را هم باز می گذارد که اگر به فرض نزدیک به محال، توافق بدی شکل بگیرد، بتوانند بهانه بیاورند و به آن نه بگویند.

توکلی در پاسخ این سوال که برخی ها بر خلاف این نظرات معتقدند این مصوبه خلاف مسیر دولت است گفت: در این مباحث همسانی مهم نیست بلکه هم سویی با این مصوبه اهمیت دارد، حد مجاز مذاکره کننده ها برای طرف مقابل مشخص و به همین دلیل توقع آنها از تیم مذاکره کننده کمتر و مشخص تر می شود.

وی همچنین در خصوص تأکید بر مصوبات شورای عالی امنیت ملی هم گفت: شورای عالی امنیت ملی یکی از قویترین نهادهای کشور است که در آن رؤسای قوا، فرماندهان بلندپایه نظامی و مدیران ارشد کشور به ریاست رئیس جمهور عضو هستند که سیاست های کلی امنیتی و دفاعی را ترسیم می کنند و سیاست های دیگر مانند سیاست های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... تابعی از سیاست های امنیتی هستند و تصمیمات این نهاد قوی به تأیید رهبری نیز می رسد. در حقیقت مجلس ریل گذاری می کند و شورای عالی امنیت ملی اجرا می کند.

در ادامه مجری از علی مطهری پرسید برخی معتقدند که این طرح اثرگذاری اش رقیق شده است که این نماینده مجلس در پاسخ گفت: اگر می خواستیم دست مذاکره کنندگان را ببندیم بله محدودیت بود البته طرح قبلی در این خصوص نیاز به اصلاحات داشت، برای مثال در بند دوم طرح قبلی آمده بود بازرسی از اماکن نظامی و غیر هسته ای و مصاحبه با دانشمندان و غیره ممنوع است اما پس از اصلاحات در آخر این بند قید شده که در این خصوص مصوبات شورای عالی امنیت ملی نیز رعایت شود.

مطهری در ادامه گفت: در حقیقت مجلس خواسته راهی باشد برای یک مورد خیلی خاصی که اگر پیش آمد و شورای عالی امنیت ملی بخواهد در آن زمینه ورود کند اقدام کرده و مشکل را حل کند و اصلاح طرح قبلی دست مذاکره کنندگان را نمی بندد.

ابراهیمیان سخنگوی شورای نگهبان میهمان تلفنی گفتگوی ویژه بود که در پاسخ به سؤال مجری که آیا تاکنون این مصوبه در شورای نگهبان وصول شده است یا خیر؟ گفت: تا پایان وقت اداری سه شنبه مصوبه مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان واصل نشده است و اگر چهارشنبه این مصوبه واصل شود و زمان برای بررسی آن وجود داشته باشد تا بعدازظهر بررسی می شود.

ابراهیمیان افزود: چون قانونگذار برای بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی ۱۰ روز به شورای نگهبان فرصت داده است عملاً تا چهارشنبه هفته بعد زمان برای اظهار نظر وجود دارد اما اگر ضرورتی برای بررسی باشد می توانیم در جلسات فوق العاده مطرح کنیم.

سخنگوی شورای نگهبان در ادامه گفت: برای ارزیابی یک مصوبه مجلس دو سؤال مطرح است اول اینکه آیا در مصوبه راه حل قانونی و شرعی انتخاب شده یا خیر و سوال دوم هم این است که آیا بهترین راه موجود انتخاب شده یا خیر که شورای نگهبان به اولین سؤال جواب می دهد؟

مجری از سخنگوی شورای نگهبان پرسید که مصاحبه ای از آقای کدخدایی دیدیم که در آن تأکید کرده بودند این مصوبه بر خلاف اصل ۱۷۶ قانون اساسی نیست که ابراهیمیان در پاسخ گفت: البته این نظر شخصی است و شورای نگهبان نمی تواند قبل از شور اظهار نظر کند و در صورتی که مصوبه مجلس تا ساعت ۱۶چهارشنبه به شورای نگهبان واصل شود آن مصوبه بررسی و نتیجه آن نیز رسانه ای خواهد شد.

در ادامه این برنامه مجری از توکلی پرسید در این برهه حساس سیاسیون، مقامات و رسانه ها در خصوص مسائل هسته ای چطور باید اقدام کنند تا بتوانیم حداکثر هماهنگی و بهره برداری را در مقابل طرف مقابل داشته باشیم که این نماینده مجلس گفت: شرط لازم این است که به مأمورینی که برای مذاکره می روند اعتماد کامل کنیم و اعتقاد داشته باشیم که آنها خیرخواه، توانا و بصیر هستند.

توکلی در ادامه گفت: تاکنون این مسئله تا اندازه بسیار زیادی رعایت شده است زیرا برای دفاع از منافع ملی باید به مذاکره کنندگان خود اطمینان خاطر دهیم که حرفی که آنها می زنند حرف

ماست و شرط کامل هم این است که باید طوری صحبت کنیم که موضع آنها قوی تر باشد یعنی اگر در داخل کشور صحبتی می شود باید در راستای پشتیبانی از تیم مذاکره کننده باشد.

وی گفت: اینکه برخی در داخل طوری صحبت کنند که در مذاکرات هسته ای اگر فلان شود، اگر فلان نتیجه بدست آید همه چیز از دست رفته است، این صحبت درستی نیست و باید توجه کنیم در این میان رهبری هم به موضوع مسلط هستند و به تیم مذاکره کننده اعتماد دارند و در زمانی که لازم باشد هدایت نیز می کنند.

توکلی افزود: در کل حرفمان باید همسو باشد تا جایگاه و قدرت گفتگو کنندگان ما هم محکمتر شود.

مطهری دیگر نماینده مجلس در پاسخ به همین سؤال که وظیفه بخش های مختلف کشور در این برهه کنونی در خصوص مذاکرات هسته ای چیست؟ گفت: نباید به طرف مقابل پیام منفی و بد بدهیم تا آنها در ما احساس ضعف ببینند و بخواهند سوء استفاده کنند، کار امروز مجلس تجسم همدلی و همزبانی دولت و مردم بود.

وی افزود: اظهار نظرهای مخالف هم ضرری ندارد البته در شیوه رأی گیری امروز من انتقادی به هیئت رئیسه مجلس دارم که ضرورتی نداشت کلیات مسئله مطرح و رأی گیری شود بلکه می شد بر اساس روال معمولی، موضوع چاپ، بدست نمایندگان داده شود، موافقان و مخالفان صحبت کنند و سپس رأی گیری شود، هر چند ممکن بود مخالفانی هم باشند اما اگر روال طبیعی طی می شد بهتر بود و مشخص بود که اکثریت قریب به این مسئله رأی مثبت خواهند داد.

مجری از توکلی پرسید از نظر شما توافق خوب چیست؟ ما یک تعریف از توافق خوب داریم و طرف مقابل هم یک تعریف دارد.

توکلی در پاسخ گفت: توافق خوب باید دو مشخصه داشته باشد یکی اینکه حتماً ظلمی که از بابت تحریم ها به ملت ایران شد حذف شود و دوم اینکه حقوقی که خود آنها برای ملت ها

ازجمله کشور ما به آن اذعان کرده اند در خصوص کشور ما نیز رعایت کنند و آنها به این حقوق ملت ایران تمکین کرده و موظف باشند که در مسیر توسعه و پیشرفت دانش صلح آمیز هسته ای به ما کمک کنند.

مطهری دیگر نماینده مجلس نیز در خصوص توافق خوب گفت: توافقی خوب است که مردم ایران به حقوق خودشان برسند و ظلم هایی که از بابت اعمال تحریم ها تحمیل شده اند از بین برود به طوری که مردم زندگی عادی داشته باشند. باید توجه کرد که ما عزت نفس خودمان را از دست نمی دهیم و فرضاً اگر به توافق خوب و یا به هیچ توافقی هم نرسیم این طور نیست که به پایان زندگی اجتماعی و سیاسی خود رسیده ایم.

وی در پایان گفت: آنها باید به حقوق ما احترام بگذارند تا ما هم بتوانیم از مواهب انرژی هسته ای بهره مند شویم.

((مطهری)) قربانی تندروی

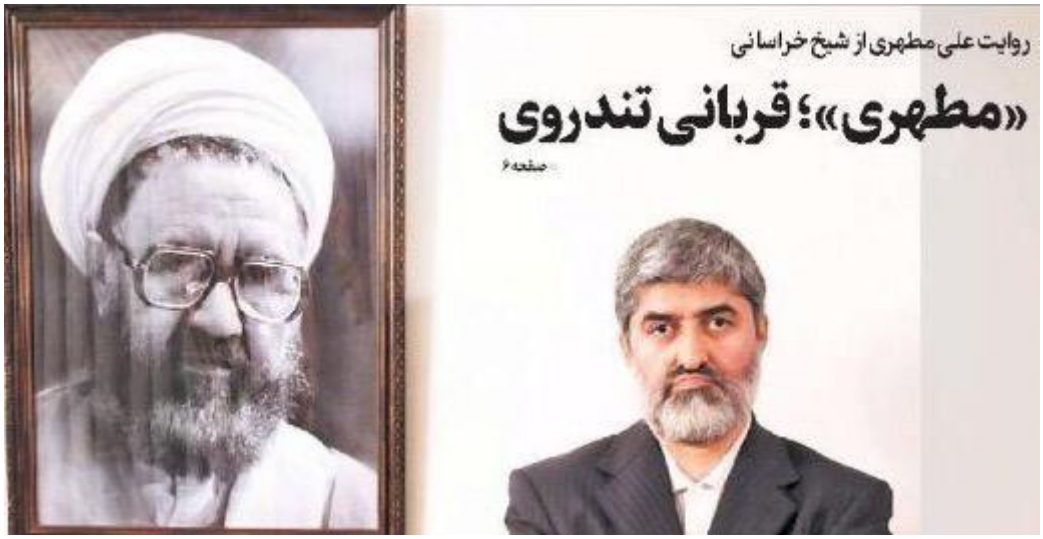

روزنامه شرق

روبه‌روی ما «علی مطهری» است. مرد جنجالی این‌روزهای بهارستان. هنوز چندماه از نیمه‌کاره‌ماندن سخنرانی‌اش در صحن علنی مجلس و حاشیه‌های فراوان آن روز نگذشته اما به رسم پدر، زبان تندوتیزی در نقد مسائل روز دارد و نیم‌نگاهی به شرایط روز جامعه. گفت‌وگو با او روایت مختصری است از زندگی «شیخ خراسانی». پدرش را بیش از هر صفت دیگری با عبارت «مصلح» توضیح می‌دهد و تأکید دارد که در حوزه‌هایی چون آزادی بیان و تفکر، آرای شهید مطهری نزدیک به اصلاح‌طلبان است. بااین‌حال معتقد است که «مطهری در قالب‌های مرسوم چپ و راست امروز جامعه ایران نمی‌گنجد» و ویژگی بارز شهید مطهری را نقد مدام مسائل علمی و اجتماعی و خروج از سکوت درباره نکته‌های اصلی و چالشی مسائل روز عنوان می‌کند. آیت‌الله مطهری قربانی تندروی گروه فرقان شد و علی مطهری نیز زیر فشار برخی تندروها قرار دارد. درباره اینکه چطور از پدر تا پسر، کماکان نحله‌های تندروی در ایران معاصر تداوم یافته، با او به گفت‌وگو نشسته‌ایم و مطهری بازخوانی برخی تعالیم اسلامی برای این نوع مخالف‌ها را توصیه کرده و آنها را دوست نادان انقلاب می‌داند. بااین‌حال تأکید دارد که با گفت‌وگو با همین افراد هم سوءتفاهم‌ها برطرف خواهد شد.

ورود شهیدمطهری به عرصه عمومی با چه اولویت‌هایی صورت گرفت؟

روشن است که تحصیل علوم اسلامی هدف نهایی آیت‌الله مطهری نبود. مثلا این‌طور نبود که فلسفه را به خاطر فلسفه یا فقه را به خاطر فقه بخواند و به‌طورکلی علم را برای علم بخواهد بلکه علم و فلسفه از نظر ایشان وسیله‌ای بود برای هدف‌های انسانی و مقدس، گرچه تحصیل علم برای علم و به خاطر حقیقت‌جویی، خودش دارای ارزش است.

و چطور شد که شهید مطهری از علوم اسلامی به تدریس فلسفه در دانشگاه روی آوردند؟

شاید نیاز آن روز را بیشتر فلسفه می‌دیدند و علاوه‌بر این استاد فلسفه کمتر پیدا می‌شد و دانشگاه هم احتمالا بیشتر به آن احتیاج داشته است. به‌هرحال اگر ایشان فیلسوف شد، هدفشان بدون شک این بوده که از آن برای هدایت جامعه و اصلاحات اجتماعی و آرمان‌های اسلامی استفاده کند، یا اگر فقیه شد برای این بوده که از فقه برای درمان دردهای اجتماع بهره گیرد، یعنی دردهای جامعه را درک کند و بعد با این ابزارها به درمان بپردازد. من شخصیت ایشان را به سیدجمال‌الدین اسدآبادی تشبیه می‌کنم که درد جامعه اسلامی را تشخیص داده بود و راه‌حل ارائه می‌کرد، اما آن مقدار که شهید مطهری نظام فکری خود را ارائه داد، او موفق به این کار نشد؛ یعنی آن مقدار که شهید مطهری اندیشه‌های خود را درباره نظام اعتقادی و نظام خانوادگی و سایر نظام‌های اسلامی مورد نظر خود بیان کرده، سیدجمال نتوانسته است. عنوانی که می‌تواند شخصیت شهید مطهری را دربر بگیرد عنوان «مصلح» است. به نظر من «فقیه» یا «فیلسوف» عنوان دقیقی نیست که همه شخصیت ایشان را شامل شود. البته همه اینها را داشت، همان طوری که امام (ره) در معرفی شخصیت ایشان فرمودند: «متفکر و فیلسوف و فقیه عالی‌مقام، اسلام‌شناس عظیم‌الشأن». اینها همه درست است، اما ایشان فیلسوفی نبود که به این اکتفا کند که چند دوره کتاب «اسفار» ملاصدرا یا «مکاسب» شیخ انصاری یا «کفایه» آخوند خراسانی را تدریس کرده است. البته تربیت طلبه، خوب و لازم است و شاید کسی رسالت و توان خود را همین تشخیص داده باشد، ولی شهید مطهری رسالت خود را بالاتر از این می‌داند و همین امر از ایشان یک شخصیت جامع ساخته است. اگر کسی پای درس فلسفه ایشان می‌نشست فکر می‌کرد شهید مطهری جز فلسفه چیزی بلد نیست؛ چراکه او در آن کلاس محو فلسفه بود. همین‌طور در فقه

و اصول و تفسیر و کلام، اما وقتی به جامعیت شخصیت ایشان توجه می‌کنید که علاوه بر اینها یک خطیب زبردست و یک نویسنده توانا و یک عارف و زاهد و نیز یک مجاهد بود، واقعا تعجب می‌کنید. ایشان مصلح اجتماعی بود و نسبت به وضع جامعه بی‌تفاوت نبود. وقتی آسیب جامعه را می‌دید بی‌تفاوت نبود و خود را مسئول می‌دانست. درد جامعه و انسان را داشت؛ مثلا وقتی انحرافی در انقلابیون مثل سازمان مجاهدین خلق و گروه فرقان می‌دید، عکس‌العمل نشان می‌داد. البته آن زمان علمای دیگری هم بودند و این مسائل را می‌دیدند، ولی یا دقت نظر ایشان را نداشتند و انحراف را درک نمی‌کردند یا آن احساس مسئولیت را نداشتند و گاه هر دو را داشتند، اما شجاعت ابراز را نداشتند.

و البته همین موضع‌گیری‌ها هم برای شخص ایشان هزینه‌بر شد.

بله، در دهه ۵۰ مخالفت با سازمان منافقین به معنی انتحار سیاسی و اجتماعی بود؛ چون این گروه در بین جوانان و مردم و حتی برخی علما مقبولیت داشت، اما ایشان نسبت به تفسیر مادی از دین و خلوص فکری نهضت اسلامی حساسیت نشان می‌داد. یادم هست که جزوه‌های گروه فرقان در دانشگاه به عنوان اسلام انقلابی و حتی «راه امام» دست‌به‌دست می‌شد، اما در همان زمان شهید مطهری احساس خطر می‌کرد و هشدار می‌داد. در مقدمه چاپ هشتم کتاب «علل گرایش مادیگری» با زبان نرم و ملایم این اشکال‌ها را بیان کرده و حتی خطاب «عزیزان من» را نسبت به گروه فرقان به کار می‌برند و اینکه بیایید با هم صحبت کنیم، اما آنها پیغام فرستادند که اگر به این کار ادامه دهید برخورد فیزیکی می‌کنیم.

شهیدمطهری نواندیش‌دینی است یا در ردیف احیاگران است؟

هردو تعبیر درباره ایشان صدق می‌کند. از آن نظر که نگاه جدیدی به مسائل دینی داشته‌اند می‌توان ایشان را نواندیش دینی دانست و از آن نظر که تفکر اسلامی را احیا کرده‌اند می‌توان تعبیر احیاگر دین را درباره ایشان به کار برد.

شما از تعبیر مصلح اجتماعی استفاده کردید. لطفا درباره ریشه این واژه بفرمایید و اینکه اصلاح‌طلبی در اندیشه شهیدمطهری چه جایگاهی داشت و نسبت مطهری با گفتمان اصولگرایی و اصلاح‌طلبی چیست؟

شهیدمطهری به‌معنای امروزی در هیچ کدام از این قالبها نمی‌گنجد. نمی‌توان ایشان را در قالب اصولگرایی و اصلاح‌طلبی مصطلح محدود کرد. اصول و مبانی فکری که شهید مطهری بر آن تأکید داشت برخی در گفتمان اصلاح‌طلبی و برخی در گفتمان اصولگرایی به‌کار می‌رود. مثلا سبک زندگی اسلامی، اجرای احکام اسلام و استقلال فرهنگی در گفتمان اصولگرایی قوی‌تر است اما مسائلی مثل آزادی‌بیان و آزادی منتقد و مخالف در اظهارنظر و دفاع از حقوق مردم در مقابل حقوق حکومت و حاکم مسائلی است که بیشتر در گفتمان اصلاح‌طلبی می‌گنجد. یعنی هر یک از این دو گفتمان بخشی از گفتمان شهید مطهری را پوشش می‌دهد و هر دو گفتمان اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی با مقیاس اندیشه‌های شهید مطهری ناقص است.

شما در اول صحبتتان به این نکته اشاره داشتید که شهیدمطهری سراغ تحصیل فلسفه و فقه و سایر علوم اسلامی رفت و از طرفی در پی ارائه درمان‌هایی برای دردهای اجتماع بود. به نظر شما این تقدم و تاخر به چه صورتی بود؟ یعنی برای جامعه بود که ایشان سراغ علوم دینی رفت یا اینکه پس از فراگیری علوم دینی برای پیداکردن راه‌حل مشکلات اجتماعی وارد فقه‌الاجتماع شد؟

انگیزه ایشان برای تحصیل علوم دینی علاقه شخصی بوده و گویی رسالتی در این زمینه برای خود احساس می‌کرده است. آثار هوش و استعداد از کودکی و نوجوانی در ایشان هویدا بوده. بعضی از بزرگان فریمان و اقوام نزدیک به خاطر همین می‌گفتند او باید «اداری» شود. اداری‌شدن در آن زمان مثل دکتر و مهندس‌شدن در این زمان بوده است. اما در همان دوره سختگیری رضاشاه به روحانیت، ایشان در ۱۲-۱۳ سالگی می‌گوید من می‌خواهم طلبه شوم. با وجود همه آن مخالفت‌ها به حوزه علمیه مشهد می‌رود و بعد از سه سال حادثه مسجد گوهرشاد رخ می‌دهد و به فریمان برمی‌گردد و یک سال در آنجا به مطالعات خود ادامه می‌دهد و بعد باز با وجود

مخالفت‌ها به حوزه علمیه قم می‌رود. خود ایشان در درس فلسفه تاریخ می‌گویند این چه نیرویی بود که با وجود همه آن مخالفت‌ها من به تحصیل علوم دینی پرداختم. شاید نتیجه‌گیری می‌کردند که خداوند همیشه از راه‌های متعدد دین خود را حفظ می‌کند. ایشان از بخت خوش با استادان خوبی همنشین می‌شود. در فقه و اصول استادش آیت‌الله بروجردی بود که شهید مطهری و آیت‌الله منتظری دو شاگرد برجسته آیت‌الله بروجردی بودند. البته مقام فقهی شهید مطهری به دلیل مهاجرت ایشان از قم به تهران خیلی مورد توجه قرار نگرفته است. امام هم در توصیف شهید مطهری گفته‌اند «فقیه عالی‌مقام». چون امام می‌دانستند شهید مطهری از نظر فقهی مقام بالایی دارد، اهل فن هم این را می‌دانند. بعضی از آثار ایشان هم فقهی است مثل مسئله حجاب و نظام حقوق زن در اسلام و مسئله ربا و بانک و نظام اقتصادی اسلام. اما طبعا چون به تهران می‌آیند و در دانشگاه فلسفه تدریس می‌کنند، بُعد فقهی ایشان کمتر بروز پیدا کرده است. در فلسفه ملاصدرا و علم اصول و اخلاق به مدت ۱۲ سال از امام خمینی بهره برد و شاگرد خاص ایشان بود که امام به حجره وی رفت‌وآمد می‌کرد و باز در فلسفه خصوصا فلسفه ابن‌سینا از محضر علامه طباطبایی استفاده کرد و در اخلاق و تهذیب نفس از مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی بهره‌ها برد. یعنی ابتدا از نظر علمی و روحی خوب ساخته شد و بعد شروع به قلم‌زدن و سخنرانی کرد. لذا می‌بینید شهید مطهری در طول دهه‌ها فعالیت علمی و اجتماعی و مذهبی نظراتش را تغییر نمی‌داد اگرچه گاهی تکمیل می‌کرد. وقتی ایشان اسلام‌شناس شد و اسلام هم مکتبی است که وارد همه شئون زندگی بشر شده است، طبیعی است که ایشان وارد مسائل اجتماعی شده باشد.

تا زمان حیات آیت‌الله بروجردی روحانیت کمتر در سیاست دخالت می‌کرد و برای همین هم در موارد متعددی ایشان بر عدم دخالت در سیاست تأکید داشتند. اما در زمان فعالیت گروه فداییان اسلام، شهید مطهری از آنها تلویحا و گاه صریح حمایت می‌کنند. این رفتار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

البته آیت‌الله بروجردی مخالف دخالت در سیاست نبودند بلکه آن زمان را که اساس حوزه علمیه در خطر بود برای اقدام جهت سرنگونی شاه و تشکیل حکومت اسلامی مناسب نمی‌دانستند. اما حمایت یا عدم حمایت از فدائیان اسلام به روحیات افراد نیز برمی‌گردد. در مسائل علمی، هر کسی می‌تواند نظر خود را داشته باشد. روالی که الان هم در حوزه‌های علمیه هست، این است که نقدها را با صراحت بیان می‌کنند. اگر کسی شاگرد یک استاد بزرگ باشد بنا نیست حتما از حیث نظرات علمی و بینش اجتماعی عین یا شبیه آن استاد شود. مثلا شهید مطهری با وجود علاقه زیاد به امام، خیلی جاها در جریان انقلاب نظر مخالف خود را اعلام می‌کرد و گاهی موجب تغییر نظر امام می‌شد. مثل آنچه در ابتدای پیروزی انقلاب در برخی انتصاب‌ها اتفاق افتاد. نمونه‌اش اینکه امام می‌خواستند مرحوم آقای لاهوتی را به عنوان رییس کمیته‌های انقلاب اسلامی منصوب کنند اما شهید مطهری ایشان را قانع کردند که آقای مهدوی‌کنی را انتخاب کنند. یا در مورد فداییان اسلام شهید مطهری واسطه‌ای بین مرحوم آیت‌الله بروجردی و فداییان اسلام بودند. ایشان حرکت کلی فداییان را قبول داشت و نواب صفوی بسیار به شهید مطهری علاقه‌مند بود اما آن شهید آنها را از تندروی باز می‌داشت.

پس چطور با وجود توصیه استاد، فداییان در مسیر دیگری حرکت می‌کنند؟

توصیه‌های شهید مطهری مؤثر بود و آنها را تا حد زیادی از درافتادن با آیت‌الله بروجردی بازداشت. اگر به کتاب «خاطرات من از استاد شهید مطهری» نوشته مرحوم حجت‌الاسلام دوانی مراجعه کنید، این مطلب بهتر دریافت می‌شود.

یعنی شهید مطهری به مواضع آنها انتقاد داشت؟

بله، به روش آنها انتقاد داشت ولی هدف آنها را که ایجاد حکومت اسلامی بود قبول داشت. شهیدمطهری فداییان را نصیحت می‌کرد با آیت‌الله بروجردی درنیفتند اما اطرافیان آیت‌الله موضوع را به ایشان بد منتقل می‌کردند و این باعث شد که رابطه شهید مطهری با استادش مقداری آسیب ببیند، هم به‌خاطر مسئله فداییان اسلام و هم به دلیل بعضی اندیشه‌های اصلاحی درباره حوزه که امام خمینی(ره) هم این اندیشه‌ها را داشتند. اطرافیان آیت‌الله بروجردی به گونه‌ای وانمود

کرده بودند که یک تصویر ذهنی بدی از اقدامات شهید مطهری در آیت‌الله بروجردی ایجاد شده بود و آن شهید از این موضوع آزرده بود. آیت‌الله منتظری برای من تعریف می‌کردند که شهیدمطهری نامه‌ای به من دادند که به آیت‌الله بروجردی برسانم. من رفتم در حالی که خیلی از علما نشسته بودند. نامه را دادم ولی آیت‌الله بروجردی نگرفت. یعنی ذهن ایشان را نسبت به شهیدمطهری مشوش کرده بودند. به‌هرحال اینکه کسی به اصلاحات اجتماعی توجه می‌کند یا نمی‌کند، مقداری به روحیات افراد بستگی دارد. ایشان از دوره طلبگی دغدغه اجتماعی داشته. وقتی به جامعه وارد می‌شود این اندیشه قوت می‌گیرد.

گفته می‌شود یکی از دلایلی که استاد مطهری از قم به تهران آمد علاوه بر آنچه گفته شد، اختلاف ایشان با روحانیون سنتی درباره حجاب بود، در واقع گویا نظرات ایشان چندان خوشایند سنتی‌ها نبود. این اختلاف‌نظرها در چه مواردی بود؟ علت این هجرت چه بود؟

چنین چیزی صحت ندارد. آن موقع هنوز بحث حجاب مطرح نبود. علت مهاجرت ایشان به تهران سه چیز ذکر شده است. یکی همین اختلاف با اطرافیان آیت‌الله بروجردی، دیگر گشایش مادی و معیشتی و سوم تمایل خود ایشان برای آنکه فضای بهتری برای تحقیق و مطالعه داشته باشند. ممکن است هر سه عامل دخیل بوده باشد. ایشان موقعی به تهران مهاجرت می‌کند که استاد برجسته حوزه علمیه بوده و خیلی‌ها پیش‌بینی می‌کردند که ایشان در آینده مرجع تقلید می‌شوند، چرا که مقام علمی و معنوی و هوش و استعدادش آشکار بود. در قم به «شیخ خراسانی» مشهور بودند و طلاب هر سؤالی داشتند می‌گفتند برویم از شیخ خراسانی بپرسیم، همان‌طور که آیت‌الله منتظری به شیخ اصفهانی مشهور بود. به‌هرحال ایشان در چنین شرایطی تصمیم به مهاجرت می‌گیرد و به تهران می‌آید. این تصمیم حاکی از روح بزرگ ایشان است که بخواهند در تهران به‌عنوان یک روحانی جوان ناشناخته از صفر شروع کرده و دوباره تلاش کنند. آدم قوی هرجا برود راهش را باز می‌کند. این مهاجرت خیلی در ورود ایشان به عرصه اجتماعی مؤثر بوده است. در تهران با سه گروه ارتباط پیدا می‌کنند؛ یکی توده مردم به دلیل منابری که می‌رفتند، دوم روحانیون و طلاب به‌خاطر درس‌هایی که در مدرسه سپهسالار، مدرسه مروی و...

می‌دادند و سوم قشر تحصیل‌کرده دانشگاهی. بنابراین با مسائل اجتماع و سؤالات مطرح برای توده مردم و قشر روشنفکر آشنا می‌شوند. از جمله مسئله «اسلام و نیازهای زمان» که احکام اسلام به‌عنوان یک امر ثابت چگونه با تحول زمان به‌عنوان یک امر متغیر انطباق پیدا می‌کند؟ یا مسئله حجاب یا رابطه اسلام و ایران. اگر در قم می‌ماندند شاید وارد این مسائل نمی‌شدند.

یعنی خروج ایشان رهاورد داشته؟

بله، اثر اصلاحی فکری و اجتماعی داشته است.

شما یک‌بار در یکی از مصاحبه‌هایتان گفته بودید اگر شهیدمطهری زنده بودند برای آقایان بازرگان و منتظری این اتفاق نمی‌افتاد. آیا شهید مطهری بر امام و گروه‌های دیگر سیاسی این‌قدر تأثیرگذار بود؟

بله قطعا. ایشان خیلی بر امام تأثیرگذار بود. امام حرف ایشان را قبول داشتند؛ به‌دلیل قوت فکری و ارتباطات ایشان با گروه‌های سیاسی و اجتماعی و شناخت درست از آنها. امام در نامه‌ای به شهید مطهری می‌گویند چون شما اینها را خوب می‌شناسید این کار را از طرف من انجام دهید. از اینها مهم‌تر امام به تقوای شهید مطهری اعتقاد داشت و ایشان را فردی مهذب می‌شناخت و می‌دانست که نفع شخصی را دنبال نمی‌کند و به مصلحت اسلام و اجتماع فکر می‌کند. می‌توان ادعا کرد که اگر استاد مطهری شهید نمی‌شد بسیاری از حوادث انقلاب به شکل دیگری اتفاق می‌افتاد. این مطلب برای کسانی که ایشان را می‌شناختند و رابطه ایشان با امام را می‌دانستند یک امر روشن است.

یعنی حذف فیزیکی ایشان باعث برخی اتفاق‌ها شد؟

بله. یک مانع بزرگ برداشته شد. ایشان جلو خیلی از تندروی‌ها را می‌گرفت. همان‌طورکه در داستان ورود امام به ایران، بنا بود یکی از وابستگان مجاهدین به عنوان نماینده خانواده شهدا پیامی را قرائت کند. با اطرافیان امام در پاریس هماهنگ کرده بودند؛ ولی شهید مطهری قبول نکرد، چراکه آن سخنرانی به نوعی رسمیت‌بخشیدن به آنها بود که سران آنها در واقع کمونیست

بودند و از اسلام به عنوان ابزار استفاده می‌کردند. همین روش شهید مطهری باعث شد که آنها این مانع را از سر راهشان برداشتند. امام هم بعد از دقایقی پیغام دادند که هر چه آقای مطهری می‌گوید همان‌طور عمل کنید و غائله ختم به خیر شد. منظور من این است که ایشان واقعا روی مواضع خود می‌ایستاد، چون نگاه ایدئولوژیک داشت نه نگاه سیاسی و امام هم این را می‌دانست.

آزادی بیان یکی از مؤلفه‌هایی است که شهید مطهری در کتاب «آینده انقلاب اسلامی ایران» روی آن تکیه دارند و می‌گویند: «در جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی برای افکار وجود ندارد». آیا به نظر شما این رفتار با این اندیشه‌ها در تعارض نیست؟

ایشان معیار داشت و معیار ایشان مسئله صداقت و عدم نفاق بود. نمی‌گفت همه مثل من فکر کنند. در مقدمه جلد پنجم اصول فلسفه از نظرات آقای مهندس بازرگان راجع به توحید و نبوت و معاد انتقاد می‌کنند، در عین حال در آستانه پیروزی انقلاب، ایشان را به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت به امام معرفی می‌کنند که یک تدبیر عالی به نفع انقلاب بود. ایشان می‌گفت مهندس بازرگان صداقت و حسن نیت دارد و نفاق در او نیست. اگر اشکالی در نظریات او درباره توحید و نبوت و معاد هست به علت بینش علمی تجربی و ناآشنایی وی با فلسفه است. اما درباره سازمان مجاهدین می‌گفتند اینها تغییر ایدئولوژی داده‌اند و دروغ می‌گویند و از اسلام و قرآن به عنوان ابزار استفاده می‌کنند. اینها نفاق دارند. البته نظر شهید مطهری این بود که اینها هم حق اظهارنظر دارند اما حق ندارند پست کلیدی را اشغال کنند. تأکید آیت‌الله مطهری این بود که اگر مارکسیست هستید با تابلوی خودتان فعالیت کنید، نه با تابلوی اسلام و آیات قرآن که مردم فریب بخورند.

شما فکر نمی‌کنید که این مباحث در فضای منتهی به انقلاب که گروه‌های سیاسی و افراد، خوش‌بینی خاصی به آینده سیاسی خود داشتند، مطرح شده است؟ و شاید خود ایشان بعدا به چالش برمی‌خوردند.

نه، این یک اصل کلی و عقلی است. شما می‌توانید فعالیت کنید اما مردم را فریب ندهید. مثلا اگر کمونیست هستید به اسم حزب اسلامی فعالیت نکنید. البته اینکه برخی از این گروه‌ها بعدا دست به سلاح بردند، صورت مسئله را تغییر می‌دهد.

به نظر شما اجازه‌ندادن به خوانده‌شدن پیام به معنای محدودیت در کنشگری سیاسی نیست؟

ببینید، در روز ورود امام اگر پیام به وسیله مجاهدین خوانده می‌شد به معنای رسمیت بخشیدن به آنها بود. اما مانعی برای اینکه خود آنها مراسم جداگانه‌ای را برگزار کنند و در آن مراسم پیام بخوانند، وجود نداشت.

به نظر می‌رسد استاد مطهری با الگوهای مدرن سیاست مثل تأسیس حزب مخالف بودند.

نه، ایشان با نفس تشکیل احزاب مخالف نبودند.

ولی در موضوع حزب جمهوری اسلامی مخالفت‌هایی داشتند.

بله، دلیل مخالفت ایشان با حزب جمهوری اسلامی آن بود که همه اعضای مؤسس آن روحانی بودند. ایشان می‌گفتند روحانیت باید در قالب خود کار کند. روحانیت مال همه جامعه است و شأن روحانیت بالاتر از تشکیل حزب است و باید در قالب تشکیلات روحانیت کار کنند. امروز هم من شخصا با این مطلب که جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز تهران محور تشکیلات اصولگرایی قرار گیرد مخالف هستم.روحانیت باید فراگیر بوده و حالت پدرانه داشته باشد و خود را در یک گروه سیاسی محصور نکند، باید چتری باشد بر سر اصولگرا و اصلاح‌طلب. امام هم می‌گفتند: «اینکه روحانیت بخواهد حزب تشکیل دهد یعنی چه؟ یعنی مثل مظفر بقایی شود که او یک حزب و اینها هم یک حزب داشته باشند؟» به‌هرحال روحانیت باید همه اقشار جامعه را دربر بگیرد.

همین که جامعه روحانیت بیشتر در حوزه فلسفه و فقه متمرکز می‌شوند و کمتر به مسائل سیاسی و اجتماعی علاقه‌مند شده و اظهارنظر می‌کنند دلیلش چیست؟ فکر نمی‌کنید اگر غیر از

این بود، ما احتمالا با تنوع و تکثر نظرات بیشتری مواجه بودیم و در فضای جامعه بیشتر نمود پیدا می‌کرد.

البته ورود روحانیت به سیاست به معنی واقعی آن خوب است اما ورود آن به معنی سیاست‌بازی و گروه‌گرایی خوب نیست. آنهایی هم که وارد می‌شوند، باید حالت فراگیری خود را حفظ کنند. مشکلی که گفتید، به نگاه بسته برخی از روحانیون برمی‌گردد. آنها گاهی برخی اصلاح‌طلبان را در ردیف مشرک و ضدانقلاب قرار می‌دهند یا هر منتقدی را ضدنظام به حساب آورده و می‌گویند ما کاری به اینها نداریم. این روش درست نیست. در خیلی از اصولگراها این نگاه وجود دارد که اصلاح‌طلب مساوی است با ضدنظام و این کاملا اشتباه است. هردو گفتمان نقاط مثبت و منفی دارند و روحانیت باید با مشی و رفتار پدرانه همه را جذب کند.

واقعه شیراز به گفته خودتان به‌نوعی تلاش برای حذف فیزیکی شما بود از سوی تندروها. پدر شما نیز قربانی نگاه تندروانه در دوره خودشان شده‌اند. چطور شده که با گذشت دهه‌های مختلف، کماکان رویکردهای تندروانه به این شکل و شدت در جامعه ترویج می‌شود؟

البته معلوم نیست که قصد آنها حذف فیزیکی بوده ولی کارشان خشونت‌آمیز بود و ممکن بود حادثه ناگواری اتفاق بیفتد. شاید ضروری است تعلیمات اسلامی برای این دسته از دوستان انقلاب بازخوانی شود. اگر کماکان تندروی در جامعه ما خریدار دارد، یعنی روش تربیتی ما اشکال داشته است. آموزش‌های فکری باید درست باشد. اگر فردی در بین ۲۰۰ موضوع، در یک موضوع، نظری مخالف نظر ولی‌فقیه داشته باشد طوری برخورد می‌کنند که او را از همه حقوق اجتماعی محروم می‌کنند و می‌گویند آن فرد ضدنظام است. در قتل ستار بهشتی عده‌ای گفتند «به مخالف که نمی‌شود جایزه داد». ولی نمی‌شود برای یک وبلاگ‌نویس که کارش تأثیری هم نداشته است، چنین سرنوشتی رقم زد. ما هم نمی‌گوییم به مخالف جایزه بدهند اما باید رویه‌ای لحاظ شود که کار هرکس در حد خودش دیده شود. صرف مخالفت به‌معنی ضرورت نابودشدن افراد نیست.

یعنی نیاز به بازخوانی آموزه‌های دینی داریم؟

بله، اینکه چگونه به حقوق افراد احترام بگذاریم، رابطه حکومت با مردم چگونه باید باشد، اینکه ما فقط مسئول دفاع از حقوق نظام نیستیم، بلکه از حقوق مردم هم باید دفاع کرد. عده‌ای از اصولگرایان فقط نگران حقوق نظام هستند و مدام از نظام می‌گویند، درحالی‌که ما باید از حقوق مردم هم صیانت کنیم. این حرف‌ها برای این قشر گفته نمی‌شود. اینها دوست انقلاب‌اند، اما دوستان نادان که آموزش بدی دیده‌اند.

آقای مطهری قبول دارید گاهی آموزش تندروی به طور هدفمند و آگاهانه انجام می‌شود و برای همین، افراد قربانی تندروی‌ها می‌شوند؟ می‌شود گفت سال‌هاست که جامعه ما از این بیماری مزمن رنج می‌برد و برای درمان آن فکر جدی نشده، چرا به درمان تندروی آن‌گونه که بایسته است، نیندیشیده‌ایم؟

اینها دوستان انقلاب‌اند، اما دوستان نادان. با این رفتارشان به انقلاب ضربه می‌زنند و اغلب از طریق بعضی از افراد زیرک که پشت پرده هستند از آنها سوءاستفاده می‌شود. کسی که در شیراز این کار را می‌کند بدون شک فکرش این است که کار خوبی انجام می‌دهد و از اسلام و انقلاب دفاع می‌کند یا مانع فعالیت یک منحرف شده. شک نکنید که اگر با همین افراد به صحبت بنشینید، قانع می‌شوند. همان طور که بارها اتفاق افتاده و آخر هم روبوسی می‌کنند و می‌روند. با این سیاست‌ها بخشی از نسل جوان از کانون‌های مذهبی و فرهنگی فاصله می‌گیرند و برخی افراد فرصت‌طلب به این کانون‌ها نزدیک می‌شوند.

نظام مطلوب مورد نظر شهید مطهری چه ویژگی داشته و چه بخشی از گفتمان ایشان امروز مغفول مانده است؟

جامعه ما به نقطه ایده‌آل خود نرسیده، گرچه در برخی حوزه‌ها پیشرفت خوبی داشته است؛ مثلا در مسئله عدالت کارهای خوبی در جهت کم‌کردن فاصله رفاهی روستاها با شهرها در طول ۳۶ سال گذشته انجام شده، اما در عین حال شکاف طبقاتی و رانت‌های عجیب و غریب گزارش می‌شود. اینها آسیب بزرگی است. یکی هزارمیلیارد تومان موجودی بانکی دارد و یکی دیگر نمی‌تواند پنج‌میلیون تومان وام بگیرد. بی‌عدالتی جامعه را دچار عدم‌تعادل روانی می‌کند، از یک

طرف یک قشر محروم دارای عقده‌های روانی پیدا می‌شود که ممکن است دست به کارهای نادرستی بزند .

از طرف دیگر یک قشر پرتوقع لوس و ننر و کم‌طاقت پدید می‌آید؛ از سوی دیگر اندیشه بخت و اقبال و شانس در میان مردم رواج پیدا می‌کند و می‌گویند کار و فعالیت شرط پیشرفت نیست، بلکه روابط و پول و پارتی شرط است و یا در مسئله آزادی بیان وضعیت منتقد و مخالف در جامعه ما مطلوب نیست. در مسئله استقلال فرهنگی و سبک زندگی اسلامی هم گرچه پیشرفت‌هایی داشته‌ایم، ولی با نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم. همین‌طور در مسئله اخلاق، خصوصا اخلاق سیاسی.

احتمالا جریان اصولگرایی امروز ما، خودش را بیش از اصلاح‌طلبان با آموزه‌های استاد مطهری نزدیک می‌بیند اما به طور عملی چندان تحت‌تأثیر آموزه‌ها و آرا و اندیشه‌های استاد مطهری نیست. چرا شهیدمطهری در میان گفتمان اصولگرایی آن‌طور که باید محل ارجاع قرار نگرفت؟

مهم‌ترین عامل، همین سیاسی‌شدن جامعه ماست. در جامعه ما سیاست به مفهوم تلاش برای کسب قدرت، بر همه چیز غلبه کرده است. همه چیز را با نگاه سیاسی می‌بینیم. در اصلاح اجتماعی هم مدام به این توجه می‌کنیم که این رفتار و عمل ما در آینده سیاسی ما چه تأثیری خواهد داشت.

آیا اگر این کار را انجام دهیم در انتخابات آینده می‌توانیم رأی بیاوریم یا نه؟ حتی در اصلاح اقتصادی هم به مسئله انتخابات توجه می‌شود. مثلا الان، هم مجلس و هم دولت می‌داند که یارانه‌ها مصیبتی است که ممکن است به اصل انقلاب آسیب بزند. همه در خفا و پشت پرده قبول دارند که ما از ابتدا در دام احمدی‌نژاد افتادیم چون سهم هر کسی براساس قانون ۱۵ هزار تومان می‌شد ولی برای خودشیرینی و با سیاست پوپولیستی آن را به ٤٥ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش دادند.

احمدی‌نژاد خودش هم گفت که هر دولتی بیاید، نمی‌تواند جلوی این کار را بگیرد. حالا با وجود نقدها از گوشه‌وکنار، در عمل کسی نمی‌خواهد با مردم حرف بزند و واقعیت را بگوید که از ابتدا به این قانون بد عمل شده و این موضوع با اقتصاد مقاومتی سازگار نیست. چون همه به فکر انتخابات‌اند. نگاه سیاسی باعث شده که نفع شخصی را ببینیم نه نفع جامعه را. یک مصلح اجتماعی در چنین شرایطی می‌آید با مردم صحبت می‌کند و به مرور این بار را از روی دوش دولت برمی‌دارد. مثلا ابتدا سهم هر نفر را ۳۰ هزار تومان اعلام کنند و بعد به تدریج قطع شود تا دولت مثل مستأجری که آخر هر ماه باید اجاره‌اش را با زحمت بپردازد نباشد و مجبور نباشد که دائما از بانک مرکزی و شرکت نفت قرض بگیرد.

اگر شهیدمطهری زنده بود آیا برای مسائل امروز حرفی داشت؟

ایشان به مقتضیات زمان خیلی اهمیت می‌دادند. اما این به معنای این نیست که آنچه خوشایند و پسند زمان است خوب است. زمان، هم پیشرفت دارد و هم انحراف. ما باید با پیشرفت زمان هماهنگ شویم و با انحراف آن مبارزه کنیم. مثلا مواد مخدر، فیلم‌های مخرب و بمب هسته‌ای همه از انحرافات زمان است اما وسایل جدید زندگی که باعث رفاه بیشتر است ناشی از پیشرفت زمان است.

اینکه هر چیزی را به‌عنوان پیشرفت زمان قبول کنیم ناشی از جهالت است و اینکه با هر پدیده جدیدی به صرف جدیدبودن مخالفت کنیم، حاکی از جمود است. این حرفی است که شهید مطهری در آن زمان می‌گفت و برای امروز ما هم مفید است که نه جاهل باشیم و نه جامد.

شهید مطهری علیه شخص شاه سخنرانی کرد، اما از دانشگاه اخراج نشد/ آن‌گونه نبود که به خاطر علاقه به امام(ره) اظهار نظر نکند/ این جمله که «تصمیم نظام است و نباید حرفی بزنیم» یعنی چه؟

اندیشه‌ها و سخنان برآمده از تفکرش را تاب نیاوردند و با چند گلوله به حیات مادی‌اش خاتمه دادند. اما اندیشه و کتاب‌های استاد شهید همچنان از گزند آن تیرها در امان مانده است. اکنون بعد از سه دهه فرزندش، علی، نیز در مسلک سیاست، مسیر متفاوتی را از هم‌قطاران خود در پیش گرفته است، تا آنجا که برخی همکارانش هم او را تحمل نکردند و در مجلس به سویش حمله‌ور شدند. کمی پس از آنچه در پارلمان پیش آمد، در شیراز با لشکر موتورسواران به پیشوازش رفتند چراکه از نطق ناگفته او ابا داشتند. علی مطهری، نماینده جنجالی دوره هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی، در سالگرد شهادت پدر در گفت‌وگو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری آنا از دشمنی‌های جریان‌های مختلف با اندیشه‌های شهید مطهری و تعارض‌های برخی رفتارهای امروز با آن اندیشه‌ها سخن گفته است. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

قبل از انقلاب چه جریان‌ها و گروه‌هایی مخالفان اصلی و جدی شهید مطهری بودند؟

سه گروه به طور جدی با شهید مطهری مخالفت می‌کردند. یکی کمونیست‌ها که از سال ۱۳۳۱ که کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم منتشر شد یک کینه‌ای نسبت به شهید مطهری پیدا کردند. همچنین از حدود سال ۱۳۵۰ به بعد، گروه‌های مسلمانی که گرایش مارکسیستی داشتند، مثل سازمان مجاهدین خلق، با ایشان دشمنی پیدا کردند و شهید مطهری را مانع راه خود می‌دانستند. گروه مخالف دیگر ناسیونالیست‌هایی بودند که بر ایرانی‌گری و جدا کردن راه ایران از اعراب اصرار داشتند و بر این عقیده بودند که اسلام به عنوان بیگانه وارد ایران شده است و ما باید به فرهنگ باستانی خودمان برگردیم. این‌ها هم جزو گروه‌هایی بودند که با ایشان خیلی دشمنی داشتند؛ به ویژه بعد از انتشار کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران. در میان قشر متشرع هم افرادی بودند که برخی نظریات شهید مطهری را نمی‌پسندیدند و با ایشان مخالفت می‌کردند. می‌توانیم بگوییم که این افراد متحجران و قشری‌هایی بودند که در موارد مختلف با شهید مطهری به

مخالفت برخاستند. مثلا بعد از چاپ کتاب مسئله حجاب یا زمانی که شهید مطهری درباره اصلاح سازمان روحانیت مقاله نوشت یا انتقاداتی که ایشان در مورد تحریفات در واقعه تاریخی کربلا مطرح کردند این گروه مخالفت‌هایی داشتند. رژیم شاه هم طبیعی است که از مخالفان ایشان بود. در سال ٤٢ و در جریان قیام پانزده خرداد شهید مطهری بازداشت شد و مدتی زندان بود و بعد از آن خیلی روی ایشان حساس بودند. البته علی‌رغم اینکه ایشان در آن دوره به جرم سخنرانی علیه شخص شاه زندانی شد، بعد از آزادی، ایشان را از ادامه تدریس در دانشگاه منع نکردند. برخلاف امروز که ما طرف را بیچاره می‌کنیم و نه تنها فرد را از دانشگاه اخراج می‌کنیم، گاهی اجازه تحصیل به فرزندان او را هم نمی‌دهیم، شهید مطهری بعد از قضیه ۱۵ خرداد به تدریس خود ادامه داد. فقط بعدها در مسئله ارتقای مرتبه علمی ایشان از دانشیاری به استادی مانع ایجاد کرده بودند که آن هم آن‌گونه که ما شنیدیم در یک جلسه‌ای که رئیس وقت دانشگاه تهران، آقای پروفسور رضا، حضور داشت، وقتی شهید مطهری را دانشیار دانشکده الهیات معرفی کردند، رئیس دانشگاه تهران تعجب کرد و گفت چطور ایشان دانشیار هستند؟ آقای مطهری که استاد همه ماست که گفته بودند به خاطر مسائل سیاسی مانع ارتقای رتبه علمی ایشان شده‌اند، و خود پروفسور رضا پیگیر شده بود و رتبه استادی را که سالها قبل باید به ایشان می‌دادند اعطا کردند.

تداوم دشمنی‌ها با شهید مطهری و اندیشه ایشان چگونه خود را بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد؟

بعد از انقلاب اسلامی اولین و آخرین برخورد با ایشان شلیک گلوله از سوی گروه فرقان بود که ایشان را شهید کردند چون تحمل وجود و اندیشه ایشان را نداشتند. گروه فرقان از نظر نوع تفکر و منش به مجاهدین خلق نزدیک بودند. این گروه از افکار مجاهدین خلق و دکتر شریعتی متأثر بود و پشت جزوه‌های خودشان جملات قصاری از این دو می‌آوردند.

گفته می‌شود گروه فرقان در درس تفسیر آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها حاضر بودند و از آن تفاسیر متأثر شده بودند؟

من در مورد ارتباط گروه فرقان با آقای خوئینی‌ها اطلاع دقیقی ندارم. ولی آقای خوئینی‌ها جلسات تفسیر قرآنی در مسجد خود در نیاوران برگزار می‌کردند که آن زمان می‌گفتند ایشان قرآن را تفسیر مادی می‌کند. من این قضیه را در یک ملاقات خصوصی، زمانی که رهبر انقلاب رئیس جمهوری بودند از ایشان شنیدم. گفتند که شهید مطهری به من گفتند به آقای خوئینی‌ها بگویید بیاید پیش من برای اینکه این تفسیرهایی که می‌گوید خطرآفرین و انحراف‌آفرین است. رهبری فرمودند که این را به آقای خوئینی‌ها گفتم و دوباره وقتی نزد شهید مطهری رفتم، ایشان پرسیدند که شما آن مطلب را به آقای خوئینی‌ها گفتید؟ گفتم بله. گفتند هنوز پیش من نیامده‌اند.

آیا دیداری در نهایت صورت گرفت؟

فکر می‌کنم صورت گرفت و آقای خوئینی‌ها هم در روش خود تغییری ایجاد کرد. بعدا در جلسه‌ای در قم که شهید مطهری حاضر بودند، دیدم که برخورد خوبی با آقای خوئینی‌ها داشتند. حتما شهید مطهری حرف‌های خود را به او زده بودند. به هرحال من اطلاع کافی درباره اینکه گروه فرقان ارتباطی با درس‌های تفسیر آقای خوئینی‌ها داشته یا نداشته است، ندارم.

این را اضافه کنم که آن نوع تفسیرهایی که قبل از انقلاب وجود داشت بر اثر گرایش به مارکسیسم بود که انقلابیون مسلمان هم به این مکتب گرایش پیدا کرده بودند چون خیلی هم خریدار داشت. برخی از آن‌ها می‌گفتند که ما مسلمانیم ولی مارکسیسم هم علم مبارزه است و از آن استفاده می‌کنیم. البته این‌ها با هم جور در نمی‌آید و امکان ندارد که انسان به هر دو اعتقاد داشته باشد. مجاهدین خلق هم همین مشکل را داشتند. رواج این نوع تفاسیر بیشتر به خاطر گرایشی بود که به مارکسیسم پیدا شده بود و می‌خواستند آیات و روایات را با اصول دیالکتیک و مبانی مارکسیسم منطبق کنند.

بعد از شهادت استاد، مخالفت‌ها با اندیشه شهید مطهری چگونه ادامه پیدا کرد؟

همان گروه‌ها همچنان مخالفت داشتند گرچه چندان بروز نمی‌دادند. در مجموع توجه خوبی به افکار و آثار استاد مطهری شده، هم به خاطر حقانیت و جذابیت این آثار و هم به خاطر

توصیه‌های ویژه امام خمینی(ره). ولی امروز به طور کافی توجه به آثار و افکار ایشان وجود ندارد. یعنی به اندیشه‌های شهید مطهری به عنوان یک سرمایه توجه نمی‌شود. کمتر افراد، گروه‌ها و حتی رجال حکومتی به این دریای معارف اسلامی توجه کافی را دارند. اگر به قسمت‌هایی هم توجه می‌شود بیشتر از آن استفاده ابزاری می‌کنند. یعنی جمله و نظری از ایشان را که مطابق میل خودشان است ممکن است به عنوان ابزار استفاده کنند. ولی اینکه ببینند نظر ایشان چیست و چه چارچوب فکری دارد، نه. بخش‌هایی از تفکر ایشان را که قبول دارند تبلیغ می‌کنند و جاهایی را که قبول ندارند وارد نمی‌شوند. به تعبیر قرآن نؤمن ببعض و نکفر ببعض هستند. مثلا شهید مطهری روی آزادی بیان خیلی تأکید داشت و به آن اهمیت می‌داد و من کسی را در میان رهبران انقلاب اسلامی سراغ ندارم که به اندازه ایشان بر مسئله آزادی تفکر و آزادی بیان تأکید داشته باشد.

شهید مطهری یک نظام هماهنگ فکری و یک مانیفست فکری منسجم دارد و اینگونه نیست که حرف‌هایش در جاهای مختلف با هم تناقض داشته باشد. کمتر نگاه تحقیقی به آثار ایشان وجود دارد و این برای ما نقص است.

آیا تفاوتی هم بین دیدگاه شهید مطهری با امام در مورد آزادی وجود داشت؟

فکر می‌کنم که تفاوت زیادی وجود نداشت. امام(ره) قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در مصاحبه‌های خود گفته بودند که کمونیست‌ها هم در نظام اسلامی آزادند که حرف خودشان را بزنند. شهید مطهری هم با یک ادبیات دیگری این مسئله را مطرح کردند و گفتند که در جمهوری اسلامی حتی احزاب غیراسلامی اجازه فعالیت دارند مشروط به اینکه با تابلوی خود فعالیت کنند نه با تابلوی اسلام. اما لازم است درباره روش امام خمینی شرایط زمان را در نظر بگیریم. در هر دوره‌ای که یک نظام جدید حکومتی مستقر می‌شود یا در زمان جنگ، یک محدودیت‌هایی ایجاد می‌کنند. یک اشتباهی که بعضی از ما می‌کنیم این است که می‌خواهیم رفتارهای امام(ره) در دوره تأسیس نظام و زمان جنگ را به امروز تعمیم بدهیم.

فرض کنید امام(ره) در دوره جنگ گفتند که قلم‌های مسموم باید شکسته شود و بعد قریب به ۱۷ روزنامه بسته شد. برخی روزنامه‌ها مثل روزنامه میزان با ادامه جنگ مخالف بودند و امام(ره) احساس می‌کردند این ادبیات باعث تضعیف روحیه مردم و پشت جبهه می‌شود.

در دوره جنگ امکان انجام خیلی از کارها وجود دارد و می‌شود برخلاف قانون عمل کرد؛ چون شرایط اضطراری است و اشکالی هم ندارد. در دوره تأسیس نظام جدید هم شرایط همین‌گونه است چون شورش‌های متعددی می‌شود و باید تصمیمات فوری اتخاذ کرد. اما اینکه ما آن روش‌ها را به امروز تعمیم دهیم که نظام مستقر شده غلط است. در اواخر جنگ تعدادی از نمایندگان مجلس نامه‌ای به امام(ره) نوشتند و گفتند بعضی کارهای خلاف قانون انجام شده است و امام(ره) فرمود به خاطر دوره جنگ بود و ما از این به بعد مطابق قانون عمل خواهیم کرد.

قبل از انقلاب خیلی از افراد با تصویری که از تفسیرهای شهید مطهری درباره جمهوری اسلامی پیدا کرده بودند به انقلاب پیوستند، فکر می‌کنید این تفسیر چقدر تا امروز محقق شده است؟

به نظرم در بعضی شاخص‌ها با نقطه ایده‌آل فاصله داریم گرچه توفیقاتی داشته‌ایم. مثلا در آزادی بیان، عدالت اجتماعی، استقلال فرهنگی، معنویت و اخلاق با آرمانها فاصله داریم. شهید مطهری در یکی از مصاحبه‌های خود می‌گویند که جمهوری اسلامی، نظامی است که شکل آن جمهوری

و محتوای آن اسلامی است. چون شکل و قالب آن جمهوری است حاکم یعنی رئیس جمهوری را مردم برای مدت معین انتخاب می‌کنند. همچنین ایشان تفسیری در مورد ولایت فقیه داشتند گرچه فرصت پیدا نکردند که این نظریه را به صورت مدوّن ارائه کنند.

درست است که شهادت استاد در همان ابتدای پیروزی انقلاب رخ داد ولی بالاخره شهید مطهری در همان کوران حوادث اوایل پیروزی، خیلی از مباحث را مطرح می‌کرد. موضوع ولایت فقیه هم یک موضوع بسیار مهم در آن زمان بوده است؛ چرا به این موضوع خیلی نپرداخته‌اند؟ عنوان ولایت فقیه در آثار ایشان به صورت مشخص هست؟

در بحث‌هایی که ایشان در آستانه پیروزی انقلاب داشتند، به طور مختصر به این موضوع پرداخته‌اند؛ ولی در سال ۵۶ درسی در قم شروع کرده بودند به نام حکومت در اسلام که به طلاب خاصی به شکل یک درس خصوصی ارائه می‌دادند و یادداشت‌هایی از آن به جا مانده است. ایشان در اواخر وارد دو موضوع حکومت و اقتصاد شده بودند چون احساس کرده بودند که خیلی زود سؤالاتی درباره آن مطرح می‌شود و به آن نیاز داریم. طبق روشی که داشتند خیلی اساسی پیش می‌رفتند. در هر موضوعی به این شکل بود که ابتدا چند جا سخنرانی می‌کردند یا درس می‌گفتند، انعکاس آن را می‌دیدند و سؤالات را دریافت می‌کردند، بعد که مسئله خوب حلاجی می‌شد، شروع به نوشتن می‌کردند.

ولی به هر حال، آنچه از ایشان درباره ولایت فقیه مانده است و فهمیده می‌شود، این است که ایشان می‌گوید ولایت فقیه ولایت ایدئولوژیک و ولایت مکتب است نه ولایت شخص و فقیه جامع‌الشرایط به عنوان یک اسلام‌شناس بر جامعه نظارت دارد که از جاده اسلام خارج نشود. این ولایت از ناحیه تخصص او در اسلام‌شناسی و نیز عدالت و تقوای او حاصل می‌شود. در همه تخصص‌ها نوعی ولایت وجود دارد. مثلا یک پزشک در حوزه تخصصی خود ولایت دارد و مردم حرف او را گوش می‌کنند. در واقع نیروی اجرایی ولی‌فقیه همان نفوذ کلام و تمکین مردم است والا ولی فقیه، حاکم به معنی رئیس‌جمهور یا پادشاه نیست.

رابطه شهید مطهری با امام خمینی(ره) چگونه بود؟

نزدیک‌ترین رابطه بین آن‌ها وجود داشت. در بین یاران امام(ره) کسی نزدیک‌تر از شهید مطهری به ایشان نداریم. این مسئله از سخنان امام(ره) هم مشخص است. مثلا ایشان فرمود مطهری پاره تنم بود. امام(ره) مسئولیت تشکیل شورای انقلاب را به شهید مطهری واگذار کردند یا زمانی که در نجف یا پاریس بودند، مسائل مهم را با شهید مطهری هماهنگ می‌کردند و خیلی از افراد را به ایشان ارجاع می‌دادند. مثلا بعضی از گروه‌هایی که بعدا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را تشکیل دادند در سال ۱۳۵۵ به نجف رفته و از امام(ره) خواسته بودند برای اینکه به سرنوشت مجاهدین خلق دچار نشوند آن‌ها را به شخصی معرفی کنند که تحت هدایت او باشند. امام(ره) هم به آنها فرموده بود که به آقای مطهری رجوع کنید. دلیل این رفتار امام(ره) هم روشن است. کسی مثل شهید مطهری اسلام‌شناس و انحراف‌شناس و حساس نسبت به انحرافات فکری و التقاط با مکتب‌های بیگانه نداشتیم. امام(ره) دو شاگرد برجسته داشت؛ یکی شهید مطهری و یکی هم آیت‌الله منتظری و از آنجا که شهید مطهری هم از لحاظ سنی بزرگتر و هم پخته‌تر و حکیم‌تر بود به نظر من امام(ره) روی ایشان بیشتر حساب می‌کرد. امام(ره) به ایشان خیلی امید داشت خصوصا از نظر علمی و ساختن حوزه علمیه و تربیت طلاب. خود شهید مطهری هم مدتها بود که تصمیم داشت به حوزه علمیه برگردد. امام(ره) هم در سال ۱۳٥٤ به ایشان توصیه کرده بودند که حداقل هفته‌ای دو تا سه روز را برای تدریس به قم بروید.

شهید مطهری مدتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به امام(ره) گفته بودند که من به قم بروم و امام فرموده بودند که مدتی دیگر صبر کنید تا کارها یک مقدار پیش برود.

اگر بخواهید یک تصویری از این رابطه ارائه دهید چه می‌گویید؛ این رابطه یک رابطه استاد و شاگردی مرسوم در حوزه‌های علمیه بود که بر پایه بحث و استدلال بین شاگرد و استاد است یا رابطه امام و مأمومی؟

این رابطه طبعا خیلی متأثر از رابطه استاد و شاگردی بوده است چون شهید مطهری ۱۲ سال شاگرد خاص امام بوده است و امام خمینی به حجره ایشان رفت و آمد داشته است. امام(ره) کاملا شهید مطهری را می‌شناخت و مراتب علم و تقوای ایشان را می‌دانست.

امام(ره) به فریمان زادگاه شهید مطهری در ۷۵ کیلومتری مشهد مسافرتی داشته‌اند که در این سفر مرحوم آیت‌الله منتظری هم بوده‌اند و عموی ما از آن سفر داستان‌هایی نقل می‌کنند. می‌گویند که امام(ره) با پدر شهید مطهری خیلی مزاح می‌کرده‌اند، یک لطیفه ایشان می‌گفته و یک لطیفه پدربزرگ ما پاسخ می‌داده است. نهایتا امام(ره) گفته بودند که نخیر حریف خیلی قَدَر است. همچنین نقل کرده‌اند که می‌خواستند با اسب به روستایی بروند. یکی از اسب‌ها چموش بوده، امام گفته‌اند من همین را سوار می‌شوم، که این حاکی از روحیه حماسی ایشان بوده است.

می‌گویند آقای منتظری در درس امام زیاد اشکال می‌کرده ولی شهید مطهری مثلا ماهی یک اشکال می‌کرد اما امام(ره) در آن اشکال تأمل بسیار می‌کرد و گاهی دچار مشکل می‌شد.

رابطه شهید مطهری با امام(ره) یک رابطه تقلید کورکورانه نبوده است. گاهی می‌بینید که امام(ره) یک تصمیمی می‌گرفته و شهید مطهری با ایشان صحبت می‌کردند و تصمیم امام تغییر پیدا می‌کرد. نمونه آن، داستان انتصاب رئیس کمیته‌های انقلاب اسلامی است. مرحوم آقای مهدوی‌کنی نقل کرده‌اند که ساعت ۱۱ شب همه ما روحانیون از جمله آقایان مفتح، بهشتی، محلاتی، هاشمی، باهنر، موسوی اردبیلی و رهبر انقلاب در مدرسه علوی نشسته بودیم که آقای مطهری نگران وارد شد و گفت چه نشسته‌اید که انقلاب در خطر است، رفته‌اند با امام صحبت کرده‌اند و قرار است که آقای لاهوتی رئیس کمیته‌های انقلاب بشود و با حضور وی کمیته‌ها به دست مجاهدین خلق می‌افتد. کدام یک از شما آمادگی دارید این سمت را بپذیرید که آقای مهدوی کنی می‌گوید من اعلام آمادگی کردم و بعد شهید مطهری با امام(ره) صحبت کرد و امام(ره) هم پذیرفت. آقای مهدوی می‌گوید که حکم ریاست خودم به کمیته‌های انقلاب اسلامی را اکنون به خط شهید مطهری و امضای امام نزد خود دارم. بنابراین آنگونه نبوده است که به خاطر علاقه‌ای که به امام(ره) داشتند اظهارنظر نکنند، بلکه علاقه به امام اقتضا می‌کرد که واقعیات را با امام خمینی در میان بگذارند. امام(ره) می‌دانست که شهید مطهری برای هوای نفس خودش کار نمی‌کند و به دنبال قدرت نیست.

نمونه دیگر مربوط به روز ورود امام(ره) به ایران است. از پاریس خبر دادند که قرار است مادر رضایی‌ها* از کشته‌شدگان مجاهدین خلق پیام خانواده‌های شهدای نهضت را در بهشت زهرا در حضور امام بخواند. شهید مطهری به وسیله آقایان ناطق‌نوری و کروبی پیغام داد که این کار به صلاح نیست و این امر راه را برای نفوذ مجاهدین خلق به نهضت باز می‌کند. اما اطرافیان امام(ره) گفتند که امکان لغو آن وجود ندارد چون برنامه قطعی شده است. در نهایت شهید مطهری به امام(ره) پیغام داد که اگر شما این موضوع را پذیرفته‌اید از این ساعت من با شما نیستم. بعد از چند دقیقه از طرف امام(ره) گفتند که هرچه آقای مطهری می‌گوید همان را انجام دهید. از این قضیه می‌توان در مسئله ولایت فقیه برداشتی کرد و گفت اینگونه نیست که اگر چیزی به ذهن ما رسید و ضروری دانستیم نباید اعلام کنیم. رابطه شهید مطهری با امام بر مبنای تقلید کورکورانه نبود. بارها گفته‌ام که ولایت فقیه به معنی تعطیل عقل نیست و هرکسی باید بتواند دیدگاه خود را بیان کند.

به نظر شما اگر ایشان در قید حیات بودند باز هم مسیر قم و حوزه علمیه را انتخاب می‌کردند؟

صد درصد. ایشان از کارهای اجرایی گریزان بود و واقعا هم حیف بود که با آن نبوغ فکری درگیر کار اجرایی شود. چند ماهی هم که ایشان رئیس شورای انقلاب بود، معذب بود و می‌گفت کار من این کارها نیست، ولی به خاطر ضرورت انقلاب ایستاده بود.

مهمترین نبایدی که شهید مطهری برای جمهوری اسلامی در نظر داشت، چه بود؟ چه خطراتی را متوجه انقلاب و جمهوری اسلامی می‌دید؟

ایشان در کتاب «نهضت‌های اسلامی» آفت‌هایی را برای یک نهضت اسلامی ذکر کرده‌اند، مثل نفوذ اندیشه‌های بیگانه، تجددگرایی افراطی و از دست دادن خلوص نیت. همچنین نگران بودند که روحانیت ما دولتی و شبیه آنچه در دیگر کشورهای اسلامی درباره روحانیت اهل سنت اتفاق افتاد، بشود. بنابراین خیلی تأکید داشتند که روحانیون ما پست اجرایی دولتی نگیرند مگر اضطراراً و زمانی که فرد غیر روحانی صالح وجود نداشته باشد. می‌گفتند روحانیت همان کار خود را انجام بدهد و همان استقلالی را که در طول تاریخ داشته است حفظ کند و در جمهوری اسلامی هم در کنار مردم و در مقابل دولت‌ها باشد تا بتواند نظارت و دولت‌ها را هدایت کند و معتقد بودند که روحانیون باید تلاش علمی خود را چند برابر کنند.

شهید مطهری درباره مسائل مهم و دلخستگی‌های خود با چه کسی حرف می‌زدند؟

اول انقلاب که همه شاد بودند و اتفاق ویژه‌ای نیفتاد. اما ایشان آدم بسیار پیچیده‌ای بود، چیزی بروز نمی‌داد و این گونه نبود که به هرکسی برسد درد دل کند. درباره افرادی که به ایشان بدی کرده بودند، هیچ وقت بدیشان را نمی‌گفت و گلایه و شکایت نمی‌کرد ولی آنجایی که کار آنها برای جامعه و اسلام زیان می‌داشت، احساس خطر می‌کرد و می‌توانست موثر باشد ملاحظه کسی را نمی‌کرد.

به خود شما توصیه‌ای درباره مسائل سیاسی و ... نداشتند؟

آن موقع من بیست و یک سال داشتم. توصیه‌های تربیتی و معنوی داشتند. ما آن زمان دانشجو بودیم و در تظاهرات‌های دانشجویی شرکت می‌کردیم و ایشان نیز تشویق می‌کرد. می‌دانستند که این فعالیت‌ها در همان راه امام خمینی است اما راه گروه‌هایی مثل مجاهدین خلق را قبول نداشتند.

شهید مطهری از مهمترین و اصلی‌ترین تئوریسین‌های انقلاب بوده‌اند. امروز نیز چهره‌ای مثل آیت‌الله مصباح یزدی به عنوان نظریه‌پرداز این سال‌ها مطرح می‌شوند. به نظر شما وجوه افتراق و اشتراک نظر بین شهید مطهری و آیت‌الله مصباح یزدی در چه مواردی است؟

آقای مصباح دقت نظر خوبی در مسائل علمی دارد و در مسائل فلسفی هم بیان روان و خوبی دارد؛ اما من معتقدم که آن عمق و جامعیت شهید مطهری را ندارد. آقای مصباح هم ادعایی ندارد و خودش را شاگرد شهید مطهری تلقی می‌کند. قطعا تفاوت‌هایی در نظریات علمی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد نگاهی که آقای مصباح به ولایت فقیه دارد متفاوت با نگاه شهید مطهری است. در مسئله آزادی تفکر و آزادی بیان و نوع برخورد با منتقد و مخالف هم این تفاوت دیده می‌شود.

آقای دکتر نصر گفته است من مسئولیت رئیس دفتری فرح را با نظر شهید مطهری پذیرفتم، آیا تصدیق می‌کنید؟

واقعیت ندارد. اتفاقا وقتی آقای دکتر حسین نصر، سمت مسئول دفتری فرح را قبول کرد شهید مطهری خیلی ناراحت شدند و حتی برادرم نقل می‌کند که وقتی پدر این خبر و عکس آن را در روزنامه کیهان دید که نصر به فرح تعظیم کرده است، خیلی ناراحت شدند و جمله تندی گفتند.

اگر موافق باشید قدری درباره خودتان صحبت کنیم. درباره شما موضوعی در افکارعمومی مطرح است مبنی بر اینکه امکان ندارد یک نفر هم از آزادی بیان و حقوق ملت و مسائلی مثل رفع حصر سخن بگوید و هم درباره مسائل فرهنگی دیدگاه مذهبی جدی داشته باشد. از این رو می‌گویند که علی مطهری یک منتقد جدی نیست؟

این دو هیچ ارتباطی با هم ندارند. من خودم این را شنیده‌ام. این برداشت غلطی است. تلازمی بین تأکید بر آزادی بیان و دفاع از حقوق منتقد و مخالف از یک طرف و تساهل فرهنگی از طرف دیگر نیست. کسی که از حقوق مردم و مثلا از حقوق زندانیان سیاسی دفاع، با حصر خانگی مخالفت و از آزادی بیان و حق اظهار نظر منتقد و مخالف دفاع می‌کند، حتما نباید در

مسائلی مثل حجاب هم قائل به سهل‌گیری باشد. هیچ تلازمی بین این دو نیست و هرکدام در جای خود مطرح است و هر دو حکم اسلام است. دفاع از حقوق مردم و مظلوم و مبارزه با ظلم جزو دستورهای اسلام است. اجرای احکام هم دستور اسلام است. یک عده یک تلازم مصنوعی بین این دو قائل شده‌اند و می‌گویند اگر کسی مدافع آزادی بیان بود باید مدافع آزادی فردی به معنای غربی هم باشد. علت این قضیه می‌تواند این باشد که آنهایی که بر اجرای حدود شرعی تأکید می‌کنند معمولا نسبت به آزادی بیان و دفاع از حقوق ملت و حقوق منتقد و مخالف بی‌توجه هستند و برعکس، اما درست این است که بر هر دو تأکید داشته باشیم.

برخی از تحلیلگران می‌گویند که اگر علی مطهری به این شیوه انتقادات خود ادامه دهد، از راه یافتن به مجلس آینده بازمی‌ماند. با این اوصاف شما چه تصوری از آینده سیاسی خود دارید؟

آدم هروقت به تکلیف خود عمل کند، تصور خوبی از آینده دارد. من هم به وظیفه خود عمل می‌کنم و هر اتفاقی بیفتد مورد رضایت من است. از طرفی من دلیلی برای ردصلاحیت خودم نمی‌بینم. من هرچه گفتم و انجام دادم مطابق قانون اساسی و قوانین عادی بوده است.

فکر می‌کنید نهادهای نظارتی با شما و اصلاح‌طلبان چه برخوردی خواهند داشت؟

اگر بخواهند مطابق قانون عمل کنند نباید امثال من را ردصلاحیت کنند اما اگر بخواهند مطابق میل شخصی و حب و بغض‌های سیاسی اقداماتی انجام دهند آن وقت بحث دیگری است. ولی به هرحال دلیلی برای ردصلاحیت امثال من وجود ندارد. به نظرم خیلی پیش‌بینی و پیشگویی نکنیم و منتظر باشیم و ببینیم چگونه عمل می‌کنند و اینکه اصلا من نامزد می‌شوم یا نمی‌شوم.

برخی هم می‌گویند نطق‌هایی که شما در مجلس داشتید و روندی که طی کردید با هدف کسب پایگاه اجتماعی و شرکت در یکی از انتخابات‌های ریاست‌جمهوری آینده است.

من آنجایی که برای نظام خطری ببینم و احساس کنم که رویه غلطی در نظام نهادینه می‌شود، حرفم را می‌گویم و به خوشامد و بدآمد کسی هم کاری ندارم. شما هم دیده‌اید که گاهی من حرفی می‌زنم که اصلاح‌طلبان خوشحال می‌شوند و اصولگرایان ناراحت می‌شوند و گاهی

برعکس این اتفاق می‌افتد. حرف‌های حساسیت‌برانگیز من آنجاست که مثلا از حقوق خبرنگاری که بازداشت شده است دفاع می‌کنم یا راجع به حادثه بند ۳۵۰ زندان اوین صحبت کردم که باید ابعاد آن روشن شود، یا در مورد ماجرای ستار بهشتی یا مسئله حصر خانگی. من این رویه و این شیوه برخورد با مخالف و منتقد را قبول ندارم و می‌گویم که این برخوردها خلاف اسلام، اخلاق و قانون اساسی است و از طرفی ضرورتی ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی از استحکام کافی برخوردار است و نیازی نیست که بخواهیم سخت‌گیری کنیم، همانطور که در گذشته هم برخی کارهای بی‌خود و بی‌جهت انجام دادیم. مثلا آن برخوردی که با آقای منتظری شد، غلط بود و نیازی به آن سخت‌گیری‌ها نبود و البته خلاف نظر امام(ره) هم بود. چون امام(ره) گفت که ایشان باید گرمی‌بخش حوزه‌های علمیه باشد. همچنین برخوردی که با خیلی از منتقدین از جمله اعضای نهضت آزادی شد نامناسب بود. مثل برخوردی که با مرحوم عزت‌الله سحابی شد و یا مسئله مرگ هاله سحابی. این‌ها کارهای غلطی است که انجام شد و نباید تکرار شود.

من می‌گویم که اگر نظام کار غلطی هم انجام می‌دهد باید عذرخواهی و روش را اصلاح کند نه اینکه روی همین روش‌ها پافشاری شود. وقتی یک کار غلطی رویه می‌شود من از آن انتقاد می‌کنم. وقتی از حصر خانگی انتقاد می‌کنم، منظورم دفاع از آقای موسوی و کروبی نیست که بگویم اینها هیچ خطایی نداشته‌اند و بخواهم یک دفاع صددرصدی بکنم. اصلا بحث شخص و این دو نفر نیست. حتی در انتخابات ۸۸ به آقای رضایی رأی دادم. من واقعا جاهایی که برای نظام و مردم احساس خطر کنم صحبت می‌کنم. حالا ممکن است یک عده هم بگویند که این تصمیم نظام است و نباید حرفی بزنیم، ولی من این را قبول ندارم. یعنی چه تصمیم نظام است و نباید حرفی بزنیم؟ ممکن است تصمیم نظام غلط باشد. هرکسی باید بتواند حرفش را بزند، البته بدون ایجاد آشوب. اظهارنظر باید آزاد باشد. تصمیم نظام است ولی ما به این تصمیم نظام انتقاد داریم. مخصوصا یک نماینده باید بتواند این حرف را بزند.

جریان اصولگرا شخصیتی مثل آقای عماد افروغ را در مجلس هفتم تاب نیاورد و در مقابل شما هم کم‌طاقتی‌ها اثر کرد. فکر می‌کنید که اصولگرایی با این حرکت‌ها چه آینده‌ای دارد؟

اصولگرایی به این شکلی که در بعضی از این‌ها وجود دارد، قابل دوام نیست. اصولگرایی را عملا به معنای تعطیل عقل، مغفول واقع شدن حقوق مردم و آزادی‌های اجتماعی و فردی گرفته‌اند. این‌ها اصولگرایی را تنها به معنای دفاع از حقوق نظام گرفته‌اند و می‌گویند که ما باید فقط از نظام دفاع کنیم. فکر نمی‌کنند که یک جاهایی بین حقوق نظام و حقوق مردم تزاحم ایجاد می‌شود و باید به حقوق مردم هم بپردازیم. اینها تنها خود را مدافع حقوق نظام می‌دانند و لذا این نوع اصولگرایی قابل دوام نیست. نگاه اعتدالی در اصولگرایی می‌تواند دوام داشته باشد اما نگاه افراطی و تندرو در اصولگرایی به مرور از بین می‌رود چون این‌ها پایگاه قابل توجه اجتماعی ندارند و پایگاه موجودشان هم به مرور ضعیف‌تر خواهد شد. نمی‌توانند خیلی تأثیرگذار باشند.

درباره جبهه رفتن شما و دیگر اعضای خانواده شما نیز حساسیت زیاد است.

ما جبهه رفتیم برای سخنرانی ولی برای جنگ نرفتیم. در مجلس هم بعضی این را طرح کردند که مطهری یک روز هم جبهه نرفته است. خب مگر من ادعا کرده‌ام که فاتح خرمشهر بوده‌ام؟!

از رابطه خودتان و خانواده شهید مطهری با رهبر انقلاب بگویید.

رابطه ما خیلی خوب است. از دیرباز و قبل از انقلاب ایشان با شهید مطهری ارتباط داشتند و خیلی اوقات در تهران به منزل ما می‌آمدند و یا وقتی ما به مشهد می‌رفتیم، ایشان به دیدن شهید مطهری می‌آمدند. شهید مطهری هم عنایتی به ایشان داشتند. مثلا در ابتدای کتاب آزادی هندوستان که ترجمه آیت‌الله خامنه‌ای است، شهید مطهری چند جمله نوشتند و کتاب را ترجمه خوبی دانستند و گفتند باید از این کارها زیاد انجام شود. یا در اسناد ساواک هست که شهید مطهری از بازداشت آقای خامنه‌ای اظهار تأسف کرده و گفته‌اند من به آینده ایشان امیدوارم. خود ایشان ما را از سنین ١٤ ، ١٥ سالگی می‌شناسند.

ملاقاتی هم اخیرا بوده است؟

موضوعی پیش نیامده که بخواهد ملاقاتی صورت گیرد.

شما اظهارنظرهای سیاسی جنجالی کم ندارید. تا به حال نقلی از ایشان راجع به این اظهارنظرها شنیده‌اید؟

زمانی که هیئت اجرایی استان تهران در انتخابات مجلس نهم من را رد صلاحیت کردند، از منابع موثق شنیدم که ایشان معترض بودند و خطاب به آنها گفته بودند که آقای مطهری یک آدم «حرّ» و آزاده‌ای است و مثل پدرش حرف خود را می‌زند، چرا ایشان را رد صلاحیت کردید؟ من این را از چند منبع موثق شنیدم که البته در رسانه‌ها نیز مطرح شد.

رابطه شما با آقای علی لاریجانی و خانواده آنها چگونه است؟

رابطه من با آقای علی لاریجانی خوب است. اما انتقاداتی به برخی اقدامات رئیس محترم قوه قضائیه دارم. ابتدا که ایشان آمدند، چند کار خوب انجام دادند، مثلا از پخش مستقیم دادگاه‌های متهمان فتنه ۸۸ به آن شکل جلوگیری کردند اما به برخی عملکردهای بعدی این دستگاه انتقاداتی وارد می‌دانم و انتظار تحولات مثبت بیشتری در این قوه داشتم.

* برادران رضایی شامل احمد، رضا و مهدی رضایی از کادرهای اصلی سازمان مجاهدین خلق بودند که ساواک آنها را در اوایل دهه ۵۰ به قتل رساند.

علی مطهری : برخورد صدا و سیما کم توجهی به امام (ره) تلقی می شود

دکتر علی مطهری، نماینده مردم تهران در دوره هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با خبرنگار پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران درباره توجه نکردن و عدم پوشش مناسب همایش بزرگداشت بانوی انقلاب، همسر حضرت امام خمینی(س) از سوی سازمان صدا و سیما، اظهار کرد: سازمان صدا و سیما از پخش زنده این مراسم خودداری کرد و در بخش اخبار نیز به صورت کمرنگ به آن پرداخت.

وی با نادرست خواندن این روش گفت: سازمان صدا و سیما باید در رقابتهای سیاسی بی طرف باشد و گرایش خاصی را در پخش یک مراسم و یا در بخش اخبار خود دخالت ندهد بلکه همه گرایش های سیاسی منطبق بر قانون اساسی را به یک چشم ببیند و اساسا بهتر است به همه اتفاقات با دید سیاسی نگاه نکند.

مطهری تصریح کرد: سازمان صدا و سیما باید حرف های منتقدان را نیز مطرح کند. در غیر صورت این سازمان رسانه ملی نخواهد بود بلکه یک رسانه خصوصی خواهد بود که مواضع خودش را منعکس می کند.

نماینده مردم تهران در دوره هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه صدا و سیما باید ملتزم به آزادی بیان باشد، اظهار داشت: این مساله خواست قانون اساسی و به نفع کشور و خود سازمان صدا و سیما است چرا که اعتماد مردم به آنها جلب می شود و در نتیجه کمتر به سوی رسانه های خارجی می روند. اگر این سازمان انتقادات آقای هاشمی در آن همایش را قبول ندارد بهتر است به جای بایکوت سخنان ایشان به این انتقادات پاسخ بدهد و قضاوت را به عهده مردم بگذارد.

وی افزود: امیدوارم که مسئولان صدا و سیما در روش خود تجدید نظر کنند، مخصوصا که صحبت های مقامات رسمی کشور نباید سانسور شود و باید مردم از نظرات آنها مطلع شوند.

نماینده مردم تهران در دوره هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی درباره اهمیت همایش بزرگداشت بانوی انقلاب گفت: برگزاری همایش بانوی انقلاب اقدام شایسته ای بود چرا که معمولا زحمات این گونه افراد نادیده گرفته می شود و دلیل آن این است که افرادی مانند خانم خدیجه ثقفی در پشت شخصیت های بزرگ پنهان هستند و زحمات و نقش غیر مستقیم آن ها در تحولات اجتماعی دیده نمی شود. این همایش ها سبب می شود که نقش آن ها دیده شود. پیشنهاد می کنم که نظیر این مراسم برای همسر شهید مطهری نیز برگزار شود.

مطهری در پایان سخنان خود درباره نوع برخورد صدا و سیما با همایش بزرگداشت بانوی انقلاب گفت: این برخورد می تواند نوعی کم توجهی به امام (ره) نیز تلقی شود. ان شاءالله که این رفتارشان را اصلاح خواهند کرد. با شناختی که از آقای سرافراز دارم این اصلاح را نزدیک می بینم.

برداشت اصولگرایان از ولایت فقیه اشتباه است/ اصلاح طلبان از نظرات فرهنگی ام خوششان نمی آید

متن کامل گفتگو دکتر مطهری با ویژه نامه نوروزی اعتماد به شرح زیر است:

به نظر خودتان علی مطهری از کی علی مطهری شد و در منظر افکار عمومی صرفا فرزند شهید مطهری نبود؟

فکر نمی‌کنم علی مطهری چیزی شده باشد که شما این سؤال را مطرح می‌کنید. در عین حال پاسخ این گونه سوالها یک مقداری مستلزم تعریف از خود است.

می‌خواهم ببینم ذهنیت خودتان در این باره چیست؟

شاید بهتر باشد دیگران این سوال را پاسخ بدهند. اما من خودم فکر می‌کنم همیشه مردم وقتی احساس کنند فردی به اصطلاح عرف از خودش وجود دارد و می‌تواند گاهی بر خلاف فضای غالب بر اجتماع حرکت کند، او را فرد مستقلی می‌دانند. هر چند فرزند شخصیت بزرگی باشد اما برای خود او هم در ذات خودش یک شخصیت قایل می‌شوند. به جای اینکه بگویند فرزند فلان کس است، روی خود او حساب باز می‌کنند. یکی از دوستان به شوخی می‌گفت کم کم دارد طوری می‌شود که به جای اینکه بگویند علی مطهری فرزند شهید مطهری، خواهند گفت شهید مطهری پدر علی مطهری.

از این وضعیت راضی هستید؟ چقدر برایتان اهمیت دارد در جامعه محبوب باشید؟

هر کسی به سائقه فطرت الهی خودش دوست دارد در بین مردم محبوب باشد و این چیز بدی نیست. محبوبیت را همه دوست دارند، یک خلق مذموم نیست. ولی اگر این موضوع بخواهد هدف باشد و محبوبیت بخواهد آرمان بشود، امر مذمومی خواهد بود. اگر روش انسان این باشد که به وظیفه‌اش عمل کند و در این بین محبوب هم بشود، چه اشکالی دارد؟

چقدر این محبوبیت برایتان اهمیت دارد؟

زیاد اهمیت ندارد. زمانی که به من حملاتی می‌شود، خصوصا در برخی رسانه‌ها و سایت‌ها یا مثل آن حمله‌ای که در مجلس به من شد، خیلی اینها را جدی نمی‌گیرم. یک جمله‌ای از شهید مطهری هست که می‌گویند مصلح واقعی کسی است که در مقابل توهین‌هایی که به شخص او می‌شود، کرخ و بی‌حس است ولی در مقابل پایمال شدن حقوق مردم حساس است. یعنی اگر کسی ادعای مصلح بودن و اصلاح‌گری داشته باشد باید این روحیه هم در او باشدکه نسبت به توهین‌هایی که به او می‌شود بی حس باشد. برخی سیاسیون این نقطه ضعف را دارند که در مقابل حملات و توهین‌ها تحت تاثیر واقع می‌شوند. در آستانه انتخابات مجلس نهم به یکی از شخصیت‌های سیاسی پیشنهاد کردم که کاندیدا شوید چون جای افرادی مانند شما در مجلس خالی است. او گفت اگر من مثل شما این مقدار خونسرد و نسبت به توهین‌ها بی‌تفاوت بودم می‌آمدم ولی من به هم می‌ریزم. این یک نقطه ضعف است.

حمله به شما بیشتر در قالب گروه‌ها و گرایش‌های سیاسی بوده اما حمایت از شما بیشتر جنبه عمومی و اجتماعی دارد. شما به این حمایت و محبوبیت عمومی چگونه نگاه می‌کنید؟ به مثابه یک امر کاربردی آیا جایی به کار شما خواهد آمد و فکر می‌کنید اصلا کاربردی داشته باشد یا خیر؟

خب یک فرد وقتی احساس می‌کند در تغییر و تحولات اجتماعی تاثیرگذار است، باید از موقعیت خودش بهترین استفاده را در راه آرمان‌هایش بکند. اگر محبوبیتی برای من وجود داشته باشد باید از این موضوع در راه هدف‌های درست مانند آرمان‌های انقلاب اسلامی، اجرای کامل قانون اساسی، احقاق حقوق شهروندی و دفاع از حقوق مردم استفاده شود. نباید از آن استفاده شخصی کنم، یعنی نباید آن را در راه منافع خودم به کار بگیرم.

برای استفاده کردن از این محبوبیت، برنامه‌ای دارید یا اینکه کاری هم کرده‌اید؟ منظورم یک برنامه سیاسی است.

به هر حال محور و اساس همان انجام وظیفه است.

یعنی شما هم تاکتیک مکلف بودن به انجام وظیفه نه منتظر نتیجه بودن را برگزیده‌اید؟

ببینید، ما در امور تعبدی مثل نماز و روزه مأمور به نتیجه نیستیم ولی در اموری مانند امر به معروف و نهی از منکر یا هدایت مردم مأمور به نتیجه هستیم و باید ببینیم بهترین راه کدام است. به طور کلی در امور اجتماعی، مأمور به نتیجه هستیم یعنی باید از مؤثرترین راهها و بهترین ابزارها استفاده کنیم. انسان در راه انجام وظیفه از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کند، از جمله اینها محبوبیت اجتماعی است، یعنی باید از این محبوبیت در جای خودش استفاده کرد.

اگر ترکیب مجلس هشتم و نهم که شما در آن حضور داشتید، به لحاظ گرایش سیاسی متفاوت بود و مثلا وزن اصلاح‌طلبی داشت، فکر می‌کنید باز هم موقعیت اجتماعی‌تان همینی بود که الان هست؟ اصلا تا به حال به این موضوع فکر کرده‌اید؟

خب بله. انسان در هر شرایطی یک موقعیت پیدا می‌کند. شاید اگر مجلس ترکیب دیگری داشت من الان موقعیت متفاوتی داشتم. حتی برای شخصیتی مانند امام خمینی (ره) هم همین طور است. نمی‌توان گفت امام خمینی(ره) در هر شرایطی امام خمینی(ره) بود. اگر رژیمی مانند رژیم شاه نبود، اگر فرد مستبدی به نام محمدرضا پهلوی نبود و اگر اشتباهات مکرری نمی‌کرد شاید امام خمینی به عنوان یک قهرمان نمی‌توانست ظاهر شود. قهرمان همیشه مولود شرایط جامعه است. من البته خودم را قهرمان نمی‌دانم. بحث این است که کسی که نمود پیدا می‌کند در دنیای سیاست، هنر، فرهنگ، اقتصاد، ورزش یا هر چیزی، این به جز استعدادها و توانایی‌های آن فرد و نبوغ شخصی او، حاصل شرایط موجود است. یعنی او از فرصت‌ها بهترین استفاده را می‌کند. مثلا در رهبری امام خمینی تا پیروزی انقلاب، می‌بینید که ایشان بهترین استفاده‌ها را از فرصت‌ها و از اشتباهات رژیم شاه کردند و به همین ترتیب انقلاب را پیش بردند. درباره دیگران هم همین موضوع صادق است. من وقتی وارد مجلس هشتم شدم، با اینکه به عنوان اصولگرا شناخته می‌شدم، وقتی می‌دیدم دارد تخلف می‌شود و رئیس جمهور می‌گوید من فلان قانون را اجرا نمی‌کنم و تقریبا همه اصولگرایان به این بهانه که رهبری از این دولت حمایت کرده، سکوت می‌کردند، تشخیص دادم که اینجا وظیفه ماست که به عنوان نماینده و وکیل مردم مخالفت کنیم

و جلوی بی‌قانونی بایستیم. خب این طبیعتا نمود پیدا می‌کند، چون وقتی تعداد کمی از افراد بر خلاف جریان آب شنا کنند و جو غالب را بشکنند بیشتر به چشم می‌آیند و برجسته می‌شوند.

یعنی خودتان فکر می‌کنید موضع‌گیری خود اصولگرایان هم در برجسته شدن شما نقش داشته است؟

بله. خب خیلی مواقع آنها منفعل عمل می‌کردند و وقتی کسی طور دیگر رفتار می‌کرد، دیده می‌شد. شاید اگر آن انفعال نبود من هم الان موقعیت دیگری داشتم و خیلی‌های دیگر. اما من با این هدف وارد نشده بودم که دیده شوم بلکه احساس می‌کردم روش آقای احمدی‌نژاد به ضرر کشور است. هیچ منافاتی هم بین حمایت رهبری از او و انتقاد از دولت نهم و دهم نمی‌دیدم. استدلال اصولگرایان این بود که چون رهبری حمایت کرده‌اند پس باید همه ساکت باشیم. این اشتباه بود و دیدیم وقتی آقای احمدی‌نژاد خانه‌نشین شد تازه اینها ورود کردند. می‌گفتند چون در مقابل ولایت ایستاد باید در مقابل او بایستیم، گویی همه کارهای قبلی او و قانون شکنی‌هایش درست بوده است.

یعنی فکر می‌کنید برداشت صفر و صدی دارند؟

بله، می‌توان این طور تعبیر کرد. من بارها گفته‌ام که برداشت اکثر اصولگرایان از اصل ولایت فقیه اشتباه است.

شما قبل از مجلس هشتم در فضای سیاسی نبودید و بیشتر کار پژوهشی می‌کردید.

بله، البته از طریق مقاله نویسی یا مصاحبه در فضای سیاسی بودم اما حضورم کمرنگ بود.

به هر حال حاشیه‌نشین سیاست بودید. چه شد سال ۸۶ وارد متن فعالیت سیاسی شدید؟

من احساس کردم ایده‌هایی دارم و خیلی از افکار و اندیشه‌های شهید مطهری را می‌خواستم مطرح کنم و یک تریبون موثری نداشتم. احساس کردم اگر جایگاه قانونی داشته باشم بهتر می‌توانم حرف‌هایم را به جامعه بزنم.

آن ایده‌ها را توانسته‌اید جلو ببرید؟

بی‌تاثیر نبوده است. تقریبا یک جریان فکری ایجاد شده و از نظر خودم جلوی برخی آسیب‌ها توانسته‌ام بایستم و درباره برخی موارد روشنگری کرده‌ایم و فکر می‌کنم موثر بوده است.

چقدر موثر بوده‌اند؟

فکر می‌کنم روشنگری‌هایی که در آن دوره ۸ ساله قبل از دولت یازدهم خصوصا بعد از سال ۸۸ توسط امثال بنده صورت گرفت، در تغییر فضای جامعه و خنثی کردن برنامه حذف برخی شخصیت‌ها از انقلاب و در دستاورد انتخابات سال ۹۲ مؤثر بود.

شما می‌گویید که جریان‌سازی اتفاق افتاده است. اما خیلی‌ها فکر می‌کنند که مثلا خود شما تنها هستید. علی‌رغم اینکه در سال ۹۰ توانستید لیستی به نام صدای ملت تشکیل دهید که هم موفقیت داشت و هم شکست ...

به هر حال به نسبت امکانات خودش موفق بود.

بله خب خیلی امکانات نداشتید.

ما فقط بیست روز قبل از انتخابات این کار را شروع کردیم. چون زمانی بود که اسم ما را از فهرست اصولگرایان حذف کرده بودند و هیات اجرایی هم صلاحیت ما را تائید نکرده بود و فرصت کمی داشتیم. با آن امکانات کم نتیجه خوبی گرفتیم که ناشی از رشد اجتماعی مردم بود.

حالا سوال من این است که آیا به لحاظ سیاسی واقعا جریان‌سازی کرده‌اید؟ منظورم در سطح گروه‌های سیاسی است. یعنی به فرض توانسته‌اید جمعی را حول آن سیاست تشکیل دهید؟

جریان فکری تقریبا شکل گرفته است. اما نتوانستیم جریان سیاسی که یک پشتوانه حزبی داشته باشد، ایجاد کنیم. ما ابتدا تصمیم داشتیم در مجلس فراکسیونی به نام «صدای ملت» ایجاد کنیم ولی ملاحظه رهروان ولایت را کردیم.

تعدادتان اینقدرها بود که بتوانید این کار را بکنید؟

یک موقعی بله. آمادگی‌هایی هم در مجلس در آن زمان وجود داشت.

چقدر بودید؟

اگر اقدام می‌کردیم شاید تا ۷۰ نفر بودند که با ما همراه می‌شدند. ولی یک مقدار ملاحظه رهروان ولایت را کردیم و احساس کردیم که آقای لاریجانی ناراضی است. بعد هم احتمال دادیم به نفع تیپ تندروی مجلس شود و احیانا در انتخابات رئیس مجلس تاثیرگذار شود، لذا منصرف شدیم.

الان از آن انصراف پشیمان نیستید؟

به هر حال مجلس جای کار گروهی است نه کار فردی. البته جاهایی چاره‌ای جز کار فردی نیست و کسی حاضر نیست وارد شود. مثل مسایلی که من بارها مطرح کرده‌ام. این مسایل را کسی حاضر نیست وارد شود و طبعا کار فردی می‌شود. اما در مجموع مجلس جای کار گروهی است. چون اگر بخواهیم روی رای نمایندگان تاثیر بگذاریم باید هم اندیشی وجود داشته باشد و بتوانیم اراده و تصمیم واحد ایجاد کنیم. لذا اگر کسی بخواهد در مجلس موفق باشد باید کار فراکسیونی بکند.

ولی تجربه رهروان ولایت تجربه موفقی نبود.

بله. خیلی جاها منفعل بود.

این تجربه تقریبا نا موفق آیا شما را به آن سمت نمی‌برد که به سمت کادرسازی سیاسی بروید؟ حالا در قالب حزب یا فراکسیون یا هر چیز دیگر. این را شما احساس نمی‌کنید؟ اگر این کار انجام نشده دلیلش این بوده که نخواستید یا نتوانستید؟

من اساسا بر خلاف آنچه که جلوه می‌کند، تمایل قلبی‌ام کارهای فکری و علمی است. یعنی تمایل کارهای اجتماعی و سیاسی‌ام کمتر است.

به هر حال الان در گود هستید و از خیلی‌ها هم جلوتر رفته‌اید.

بله، وقتی وارد شدم معلوم شد استعداد خوبی در این زمینه دارم. من برای این وارد عالم سیاست شدم که افکار شهید مطهری بیشتر پا بگیرد چون احساس می‌کردم توجه کافی به آن وجود ندارد. انگیزه واقعی من همین بود. لذا الان هم خیلی بی‌میل نیستم که اگر احساس ضرورت نکنم، برای دوره بعد نامزد نشوم و در همان کارهای علمی و فکری بمانم. ولی اگر احساس نیاز بکنم که وجودم می‌تواند موثر باشد، این جور کارها یعنی ایجاد تشکل و پشتوانه‌های اجتماعی را از لوازم کار سیاسی می‌دانم. بالاخره به قول معروف «شتر سواری دولا دولا نمی‌شود» یا آدم باید با تمام قوا وارد شود و یا اساسا وارد نشود. باید منتظر آینده بود. اگر تصمیمم بر این شد که به طور جدی در عالم سیاست باقی بمانم قطعا به دنبال کار تشکیلاتی خواهم رفت.

در عالم سیاست باقی ماندن شما به چه معنا است؟ یعنی وارد انتخابات مجلس دهم شوید یا فراتر از آن است؟

آنچه که نقد است همین جریان مجلس است، این که به این نتیجه برسم که وجودم برای مجلس آینده ضروری است.

تا اینجا فکر می‌کنید چقدر ضروری باشد؟

فعلا فکر می‌کنم ضروری است. به خاطر اینکه هنوز مسائلی مانده که نیاز به افرادی مثل من است تا آن مسائل دنبال شوند. فرض کنیم که کشور به حالت عادی برگردد و تندروی‌ها تمام شود و حالتی که بعد از سال ۸۸ ایجاد شده پایان بپذیرد و قانون اساسی و حقوق شهروندی

مردم درست رعایت شود. اگر احساس کنم مسائلی که امثال بنده مطرح می‌کنیم، وجود ندارد حضورم در مجلس شاید خیلی ضروری نیست. همه چیز بستگی به آینده دارد.

این آینده حداقل تا یک سال پیش رو چطور است؟

امیدوارم این مسایل حل شود.

فعلا که ضرورت‌ها وجود دارند، برنامه‌تان برای انتخابات مجلس دهم چیست؟ اینکه مثلا لیست تهیه کنید و انسجامی به نیروهای همفکر خودتان بدهید و یا حتی به ائتلاف‌هایی نظیر ائتلاف با دولت فکر کنید. به این فرضیه‌ها فکر می‌کنید؟

بله فکر می‌کنم ولی به این نتیجه نرسیده‌ام که به طور جدی وارد این فضا شوم. معتقدم هر فعالیت سیاسی باید بر اساس اصول و مبانی معین باشد و الا حمایت از دولت یا مخالفت با آن نمی‌تواند معیار باشد. چون دولت یک امر سیال است و ما نمی‌توانیم کلا موافق یا مخالف و منتقد آن باشیم. هر دولتی برخی کارهایش خوب است و برخی جای انتقاد دارد.

الزاما منظورم ائتلاف با دولت نیست. منظورم برنامه‌ریزی انتخاباتی است و مشخصا تهیه لیست.

اگر مصمم به ورود به انتخابات شوم به طور قطع وارد این فضا می‌شوم و برنامه جدی خواهم داشت.

شما گفتید اگر کشور به حالت عادی برگردد لزومی برای وارد شدن به انتخابات نمی‌بینید. این حالت عادی چیست؟ مثلا آنچه از این مفهوم مد نظر شما است در دو دهه اخیر تجربه کرده‌ایم یا فکر می‌کنید تجربه جدیدی خواهد بود؟

بالاخره ما از بعد از جنگ تا قبل از سال ۸۸ در شرایط عادی بودیم. البته تنش‌های سیاسی وجود داشت که تا حدی از آن طبیعی است. نمی‌توانیم بگوییم که کشور آرامش گورستانی داشته باشد. خیلی از این تنش‌ها نشانه آزادی و دموکراسی و مردمی بودن و استحکام حکومت است. اما

شرایطی مثل چند سال اخیر بی‌سابقه بوده است. وجود افرادی مثل ما برای این شرایط لازم است.

فکر می‌کنید مجلس بعدی چقدر اصلاح‌طلب خواهد بود؟

تا حد زیادی بستگی به شرایط بررسی صلاحیت‌ها و نیز عملکرد دولت در یک سال آینده دارد. اگر رد صلاحیت‌ها گسترده باشد روی مشارکت عمومی هم تاثیر می‌گذارد و بعید است مجلس اصلاح‌طلب داشته باشیم. اگر سخت‌گیری نشود و طبعا مردم هم مشارکت بالا داشته باشند احتمال شکل‌گیری مجلسی اصلاح‌طلب و یا حداقل متوازن بین اصولگرا و اصلاح‌طلب زیاد است، خصوصا اگر دولت با اقبال بیشتر مردم مواجه شود.

فرض کنیم مجلس دهم با رویکرد اصلاح‌طلبی تشکیل شده و شما هم در آن هستید. علی مطهری اصولگرا با شاخصه‌های خودش چه جایی در این مجلس دارد؟ به این موقعیت فکر کردید؟ آیا مناسبات چنین مجلسی می‌تواند در نظر مردم نسبت به شما تأثیر بگذارد؟

مردم همیشه افرادی را که ثابت قدم هستند و اصول و مبانی ثابتی دارند دوست دارند. اگر احساس کنند فردی از روی عقیده حرف می‌زند و به خاطر منافع فردی نیست، مردم همیشه آن را می‌پسندند. به هر حال هر مجلسی باشد من به وظیفه خودم عمل می‌کنم. ممکن است در یک مجلس اصلاح‌طلب من همان مواضع فرهنگی خودم را مطرح کنم و باعث دلگیری برخی مجلسی‌ها شود.

فکر می‌کنید نظر عمومی جامعه راجع به مواضع فرهنگی شما چطور باشد؟ هیچ وقت آن را رصد کرده‌اید؟

فکر می‌کنم در مجموع مثبت باشد. چون من قایل به سخت‌گیری نیستم. طبعا تیپ‌های متدین بیشتر قبول دارند و ستایش می‌کنند.

یعنی فکر می‌کنید همانقدر که درباره مواضع سیاسی شما در جامعه حس هواداری وجود دارد، درباره مواضع فرهنگی‌تان هم همین طور باشد؟

می‌دانم گروه‌های اصلاح‌طلب یا تیپ به اصطلاح متجدد و امروزی مواضع فرهنگی من را چندان قبول ندارند. اما همانها هم می‌گویند چون این حرف‌ها از روی صداقت است، می‌پذیریم. حتی من در یک کامنتی دیدم که خانمی گفته بود که من اگرچه برخی نظرات فرهنگی آقای مطهری را قبول ندارم اما به خاطر مواضع سیاسی و حریت و شجاعتش، اگر به من بگوید چادر سر کنم، این کار را می‌کنم. یک چنین نظراتی هست. اما مردم هم می‌دانند که نظرات فرهنگی من تند و افراطی نیست. مثلا درباره فیلم‌های سینمایی و یا حجاب، معتقد به سخت‌گیری نیستم. یا درباره مسئله کنسرت‌ها در مصاحبه‌ای که با مجله مثلث داشتم نظر آقای علم‌الهدی را رد کردم. به طور کلی معتقدم معیار و ملاک ما باید احکام اسلام باشد و آنجا که اسلام مردم را آزاد گذاشته نباید دخالت کنیم.

در مسئله حجاب مقصود ما این نیست که لزوما باید برسیم به جایی که پوشش همه خانمها و آقایان نسبت به الگوی اسلامی ایده‌آل باشد چون نشدنی است و شاید در دوره حکومت امام زمان هم چنین اتفاقی نیفتد. بلکه ما می‌گوییم آن موارد ناهنجار که آثار مخرب دارد و بنیان خانواده‌ها را ویران می‌کند، دولت در قبال آن، وظیفه نظارت دارد و نمی‌تواند آن را رها کند.

شیوه آن هم مهم است. مثلا نظرتان راجع به گشت ارشاد چیست؟

بستگی به مواردش دارد. مصادیق آن مهم است. مثلا من راجع به ساپورت صحبت کردم و گفتم این نوع پوشش از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای در حال رایج شدن است، اجازه ندهیم رسمیت پیدا کند. اما ایرادات جزئی به عهده مردم است و ایمان خودشان.

شما در سال ۸۶ با یک تصوری از سیاست وارد گود می‌شوید. تصور امروز شما با آن تصور قبلی چه تفاوتی می‌کند و امروز درباره بازی سیاست در ایران چه دارید که بگویید؟

من تقریبا به این نتیجه رسیده‌ام که در عالم سیاست ما، سیاست به معنای اسلامی کمتر وجود دارد و بیشتر سیاست به همان معنای عرفی و آنچه در اکثر کشورهای دنیا وجود دارد، اینجا هم هست.

سال ۸۶ هم همین نظر را داشتید؟

نه. بعد از ورود به این نتیجه رسیدم و تصور و انتظارم بهتر از این بود. همین طور به این نتیجه رسیدم که اصولگرای واقعی و اصلاح‌طلب واقعی خیلی کم است، یعنی صرفا اینها نوعی نامگذاری است و ریشه و مبنای فکری ندارد.

دعوا پس سر چیست؟

دعوا تا حدودی سر لحاف ملاست. مثلا کسی که اصولگرا شده به خاطر این است که نزدیک به برخی شخصیت‌ها یا گروه‌های اصولگرا بوده است. یا دوستانش اصولگرا بوده‌اند و او هم اینطور شده. همین طور در بخش اصلاح‌طلبان.

خود شما چرا اصولگرا شدید؟

خود من شخصا خیلی ادعای اصولگرایی نکرده‌ام. اصلا من این دسته‌بندی را خیلی قبول ندارم. شاید چون من در دوران اصلاحات انتقاداتی داشتم، به عنوان اصولگرا مشهور شدم. بیشتر لقبی بوده که برای من برگزیدند تا اینکه خودم آن را انتخاب کرده باشم.

یعنی خودتان را اصولگرا نمی‌دانید؟

من خودم را هم اصولگرا می‌دانم و هم اصلاح‌طلب. تعصبی به این تعبیرها ندارم.

به لحاظ دسته‌بندی سیاسی منظورم است.

ما در دسته‌بندی سوم هستیم که هیچ کدام از این دو نیست.

تعدادتان چقدر است و آیا می‌توانید این راه سوم را باز کنید؟

قطعا می‌توانیم و استعداد و زمینه آن در جامعه وجود دارد.

در بین نیروهای سیاسی هم این استعداد وجود دارد؟

در بین شخصیت‌های سیاسی شاید زیاد نباشند اما در جامعه اقشار زیادی هستند که این راه را می‌پسندند.

مثلا آقای روحانی را در این طیف می‌بینید؟

ایشان هم نزدیک هستند به این راه سوم.

چرا فکر می‌کنید در فضای سیاسی، به زعم شما این جریان کسی را ندارد و می‌خواهید برای آن چه کار کنید؟ شما به هر حال احساس نیاز می‌کنید و چطور می‌خواهید به آن پاسخ دهید؟

اصل قضیه، آن زمینه اجتماعی است که اگر باشد این جریان و هر جریان دیگری رشد می‌کند.

بدون سازمان‌دهی؟

به سازمان‌دهی نیاز دارد. منتها شخصیت‌هایی که این اصول و مبانی را عملا داشته باشند زیاد نیستند، اگرچه افراد قدرتمندی در میان آنها داریم.

نام می‌برید؟

ممکن است افرادی باشند که اختلاف جزئی بین آنها باشد، اما در یک طیف قرار می‌گیرند. مثلا آقای ناطق نوری.

شما در دوره اصلاحات در روزنامه‌هایی مثل کیهان و رسالت مطلب می‌نوشتید و موضع‌گیری می‌کردید. امروز چقدر آن آراء را منصفانه می‌بینید؟ کاری به ظرف زمانی خودش ندارم.

چون آن موضع‌گیریها بیشتر متکی به مبانی فکری بود تا سیاسی، امروزهم آنها را قبول دارم. منتهی خیلی از مقالات ما که در تایید گفتمان اصلاحات بود، در آن رسانه‌ها منتشر نمی‌شد، مخالفت می‌شد و چاپ نمی‌کردند.

شما در تایید اصلاح‌طلبان مطلب می‌نوشتید؟

من بارها این موضوع را که فضای آزادی بیان باز شده است تمجید کردم.

چه بر سر این نوشته‌ها می‌آمد؟ یعنی اصلا منتشر نمی‌کردید؟

خیلی جاها می‌خواستند آن را تغییر دهند که من قبول نمی‌کردم و در نتیجه چاپ نمی‌شد. یا مثلا افشای قتل‌های زنجیره‌ای را تمجید می‌کردم و می‌گفتم این دفاع از حقوق ملت است. این جور چیزها را آنها قبول نمی‌کردند و فقط نوشته‌هایی را که مطابق میل خودشان بود منتشر می‌کردند. اینطور نبود که هرچه من بنویسم منتشر کنند.

به دنبال تریبون دیگری نبودید؟ یا برایتان سوال برانگیز نبود که چرا حتی شما را یک سویه در جامعه بازتاب می‌دهند؟

فکر می‌کردم که روزنامه‌های اصلاح‌طلب چاپ نمی‌کنند و کیهان هم مخاطبان ثابتی داشت. البته همان زمان برخی مقالات من را روزنامه شرق چاپ می‌کرد.

شما می‌گویید موافق آزادی بیان دوره اصلاحات بودید و تمجید می‌کردید. اگر آن موقع در مجلس ششم بودید و لایحه مطبوعات می‌آمد چه موضعی می‌گرفتید؟ یا مثلا درباره تحصن مجلس ششم نظرتان چه بود؟ اگر آن زمان در مجلس بودید چه می‌کردید؟

این، سوال سختی است. من کلا درباره احکام حکومتی معتقدم باید به گونه‌ای باشد که به وسیله شخص رهبری اعلام شود. یعنی یا باید صدای ایشان را بشنویم یا دستخط ایشان را ببینیم. این که گفته شود پیغام داده شده است، نمی‌پسندم.

چرا؟

چون باید مسئولیت هر کاری پذیرفته شود. اینطور نمی‌شود که با علامت و اشاره کار کرد. همچنین باید در این مسایل اطمینان حاصل شود.

جدای از آن حکم حکومتی نظر خودتان درباره لایحه مطبوعات چه بود؟

به طور کلی مثبت بود. الان متن لایحه یادم نیست اما نیاز به اصلاح قانون مطبوعات وجود داشت و الان هم هست.

از باب آزادی بیان خیلی‌ها به موضوع تحصن مجلس ششم هم می‌پردازند. درباره آن چه نظری دارید؟

آن موقع شاید خیلی درک نمی‌کردم که حرف متحصنین چیست چون در متن فضای سیاسی نبودم. بعدها که برخی مسایل را دیدم احساس کردم باید اعتراض وجود داشته باشد، البته اگر شکل آن درست باشد. مثلا در حد نامه‌ای به مقام رهبری برای تظلم و دادخواهی و یا تحصنی که به کار مجلس و کشور آسیب نزند. اگر چنین باشد نباید خیلی سخت گرفته شود. اما اگر بخواهد کشور را مختل کند من این روش را قبول ندارم.

به این فکر کرده‌اید که در انتخابات سال آینده رد صلاحیت شوید؟

نه، فکر نکرده‌ام. من هیچ دلیلی نمی‌بینم که رد صلاحیت شوم. هرچه کرده و گفته‌ام طبق قانون اساسی بوده است.

اگر شدید چه ؟ آن موقع واکنش شما چه خواهد بود؟

اول باید فرض کنیم که می‌آیم. بعد باید فرض کنیم که رد صلاحیت می‌شوم. فرضا رد صلاحیت شوم طبیعتا اعتراض می‌کنم.

اگر قبول نکردند؟

بالاخره باید نظر داور قانونی را پذیرفت هرچند قانع نشده باشیم. در این صورت در مقابل مردم و تاریخ اتمام حجت خواهد شد. البته بعد می‌توان در صدد اصلاح ترکیب داوران برآمد.

به عنوان کسی که می‌گویید هم موافق آزادی بیان هستید و هم از طرفی فرزند و حتی شاگرد مکتب شهید مطهری هستید، چقدر نقد آرای ایشان را لازم می‌دانید؟

من که موافق این قضیه هستم. مخالفتی با نقد شهید مطهری ندارم، به شرط آنکه نقد واقعی و علمی باشد. این جور نقدها باعث زنده ماندن تفکر شهید مطهری هم می‌شود. اصلا من سخت بر این باورم که هر اندیشه‌ای بدون نقد خواهد مرد.

خودتان در ذهنتان شهید مطهری را نقد کرده‌اید؟ به عبارتی به این مطلب که بخواهید خودتان ایشان را نقد کنید، اندیشیده‌اید؟

ضرورتی احساس نکرده‌ام.

چرا؟ رابطه پدر و فرزندی اجازه نداد؟

نه. به موردی بر نخورده‌ام. در مجموع ایشان خیلی دقیق اظهارنظر کرده‌اند. ایشان آدمی بوده‌اند که اول عالم شده‌اند و تسلط پیدا کرده‌اند و بعد به گفتن و نوشتن روی آورده‌اند. لذا نقد ایشان راحت نیست. ضمن اینکه آثار بشری قابل نقد است. البته یک وقت کسی می‌گوید نظر ایشان اشتباه است و یک وقت می‌گوید ناقص است. دو نقد است. گاهی هم کسانی می‌خواهند با نقد چهره‌ای چون شهید مطهری خودشان را اثبات کنند و خودنمایی کنند و بگویند من کسی هستم که شهید مطهری را نقد کردم. یعنی شخص بدون آنکه تسلط کافی به آثار ایشان داشته باشد و بداند ایشان چه گفته‌اند شروع می‌کند به نقد کردن. این خوب نیست.

خب این شرط و شروط گذاشتن برای نقد چقدر با آزادی بیان همخوانی دارد؟

ما جلوی کسی را نمی‌گیریم. فقط می‌گویم که نقد شرایطی دارد.

برای همین نقدی که می‌پسندید، خودتان کاری کرده‌اید؟

بله مثلا گاهی در ایام سالگرد شهادت ایشان ما فراخوان‌هایی می‌دهیم و موضوعاتی داده‌ایم که جنبه نقد داشته تا اینها بررسی و نقد شوند و حتی به نقدها امتیاز هم داده‌ایم. اما اینکه بگویید جریان نقد ایجاد کرده‌ایم، چنین نبوده است.

آقای دکتر لاریجانی با شما نسبت خانوادگی نزدیکی دارند. تا حالا از این نسبت خانوادگی توسط خود شما یا ایشان در راستای توصیه‌های سیاسی استفاده شده است؟

اینکه توصیه به هم کرده باشیم، خیلی کم اتفاق افتاده است. هم من موقعیت ایشان را درک می‌کنم و هم ایشان متقابلا موقعیت من را می‌فهمند. من محذورات ایشان را می‌دانم و ایشان هم روحیات من را می شناسد. گاهی در جمع‌های خانوادگی به مزاح و شوخی حرف‌هایی به هم می‌زنیم و در این قالب نقدهایی مطرح می‌کنیم. ایشان می‌داند که من به راحتی از حرف‌هایم بر نمی‌گردم و من هم متوجه هستم که آقای لاریجانی نمی‌تواند همه افکار و نظرات خود را بروز بدهد و بر زبان بیاورد. به هر حال ایشان سیاسی‌تر از من هستند. در مجلس مواردی بوده که من مخالف بودم و ایشان موافق و یا بالعکس مثل مخالفت من با وزارت نفت آقای رستم قاسمی که من به دلیل نظامی بودن ایشان مخالفت کردم و ایشان موافقت کرد. ما از دوران دانشجویی و از زمانی که ایشان داماد ما شد با هم دوست هستیم.

الان هم همینطور است؟

کاملا. ما هیچ وقت از همدیگر دلگیر نمی‌شویم، با حفظ مواضع.

گفتگو علی مطهری با ویژه نامه نوروزی مثلث:حرف علم الهدی را نمی پسندم/با آقای لاریجانی به شوخی بحث سیاسی میکنم

فکر می‌کنید گفتمان شهید مطهری چقدر در جامعه ما تحقق پیدا کرده است؟

طبیعی است که بخشی از افکار، اندیشه ها و آرمان هاییکه ایشان مطرح کردند تحقق پیدا کرده است و بخشی هم یا تحقق پیدا نکرده یا دچار آسیب شده است یعنی وجود دارد اما دچار آفت و آسیب شده است، کما اینکه خود ایشان برای نهضت اسلامی به طور کلی آفت‌هایی را پیش بینی می‌کردند. طبیعتا انقلاب ما نیز دچار برخی آسیب‌ها و آفت‌ها شده است. البته در دوره های مختلف متفاوت بوده. اوایل انقلاب تا پایان جنگ یک حالت داشتیم، در دوره دولت سازندگی حالت دیگری بود، در دولت اصلاحات شرایط و اوضاع فرق کرد. در دوره بعد نیز همین طور شد، تا به امروز رسیدیم. در مجموع نقاط قوت و ضعف داشتیم اما یکی از تأکیدات آیت‌الله مطهری بر مسئله عدالت اجتماعی بود. ایشان بعد از پیروزی انقلاب که حدود هشتاد روز حضور داشتند بارها بر این موضوع تأکید کردند. الان نمی توانیم بگوییم وضع ما ایده آل است. قطعا هیچ کسی هم فکر نمی‌کنم چنین ادعایی کند. دلیلش هم شکاف طبقاتی زیادی است که مشاهده می کنیم. بالاخره یک طبقه ثروتمند ثروتمند و یک قشر فقیر فقیر هم اکنون در کشور داریم که این مسئله نشانه یک بیماری در اقتصاد کشور ماست.

همان بحث کاخ نشین و کوخ نشین؟

بله، نمی توانیم بگوییم شکاف طبقاتی نداریم. البته جامعه اسلامی یک جامعه بدون طبقه نیست که همه اقشار بدون تفاوت باشند بلکه جامعه بدون تبعیض است یعنی ما می گوییم در جامعه اسلامی تبعیض نباید باشد وگرنه قطعا تفاوت‌هایی پیدا می‌شود. تفاوت‌هایی که ناشی از اختلاف استعدادهای افراد یا اختلاف کار و فعالیت آنهاست، از نظر اسلام به رسمیت شناخته شده است. ما قائل به جامعه سوسیالیستی نیستیم که بگوییم "کار به قدر استعداد و مزد به قدر نیاز"، یعنی همه به قدر توانشان کار کنند و محصول کار همه را به میزان مساوی بین افراد تقسیم کنیم. این همانفکری است که کمونیست ها داشتند و در نهایت شکست خوردند و نتوانستند در مقابل

سرمایه داری دنیای غرب دوام بیاورند چون با فطرت انسان جور در نمی آمد. انسان دوست دارد محصول تلاش خودش برای خودش باشد، مالکیت داشته باشد. همچنین این موضوع مسئله رقابت را هم در جامعه از بین می برد لذا جامعه عقب می ماند. لذا کشورهای سوسیالیستی نتوانستند با دنیای غرب رقابت کنند و شکست خوردند.

منظور ما از عدالت اسلامی نگاه سوسیالیستی نیست ولی وقتی تفاوت‌ها خیلی زیاد می شود آدم یقین پیدا می‌کند کهمشکلی در کار ما هست. اینکه یک نفر صدها میلیارد تومان سرمایه دارد اما دیگری برای یک وام پنج میلیون تومانی باید یک ماه بدود، نشان می دهد که مشکل وجود دارد. البته تلاش های بسیاری شده یعنی از اول انقلاب تا به امروز رسیدگی به نقاط دور افتاده و روستاها در قیاس با قبل از انقلاب خیلی خوب بوده و قابل مقایسه نیست. یک کارها و تلاشهایی شده ولی از آن طرف چون مدیریت اقتصادی ضعیف بوده ونظارتها کافی نبوده، رانت خواری به وجود آمده و راه هایی برای رسیدن به ثروت به صورت غیرطبیعی و غیر قانونی پیدا شده است. شهید مطهری از استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سخن گفته‌اند. استقلال اقتصادی یعنی اینکه خودما برای خودمان تصمیم بگیریم یعنی از خارج به ما دیکته نشود که ما چه برنامه‌های اقتصادی داشته باشیم. استقلال سیاسی یعنی در اداره کشور مستقل باشیم. روشن است که هم استقلال اقتصادی به آن معنا را داریم و هم استقلال سیاسی را و ایران شاید تنها کشوری است که خودش برای خود تصمیم می گیرد، آمریکا و روسیه و انگلیس برای ما تصمیم نمی گیرند.پس روشن است که ما به این آرمانهارسیده‌ایم.

درباره استقلال فرهنگی باید گفت منظور عدم خودباختگی نسبت به فرهنگ های بیگانه مخصوصا فرهنگ غربی است که البته در قیاس با قبل از انقلاب قطعا پیشرفت داشته‌ایماما در حد ایده آل نیستیم. یک نوع خودباختگی یا استسباع فرهنگی نسبت به فرهنگ غربی در سبک زندگی ما وجود دارد. ایشان می‌گویند برخی ملت ها در خودباختگی فرهنگی به جایی می رسند که حالت استسباعپیدا می کنند. استسباع حالتی است که وقتی یک حیوان ضعیف در مقابل یک حیوان قوی قرار می گیرد خود را می بازد و از همان نیرویی هم که دارد نمی‌تواند استفاده

کند،حتی ممکن است خود را در آغوش او بیاندازد. مثلا یک روباهوقتی مقابل یک شیر گرسنه قرار می‌گیرد از ترسش نمی‌تواند فرار کند بلکه خود را به آغوش او می‌اندازد. گاهی در مسئله خودباختگی فرهنگی، یک ملتی به این حالت می‌رسد و خود را در آغوش ملت دیگر می‌اندازد چون فکر می‌کند هرچه از آنجا می‌آید درست است و هرچه مال خود اوست غلط است. تاریخ، ادبیات، فلسلفه و آداب و رسوم خود را قبول نمی‌کند وبد می داند ولی هرچه را که از غرب می‌آید خوب می‌داند.

این یک حالتی است که در بعضی مردم ما نیز وجود دارد یعنی هر چه از اروپا و غرب می آید می گویند خوب است اما هرچه مربوط به خودمان است با شک به آن می نگرند. حتی در نوع غذاها و نوع لباس پوشیدن نگاهشان به دنیای غرب است. استفاده از کلمات و اصطلاحات انگلیسی به جای کلمات فارسی نشانه خودباختگی فرهنگی است. ایشان در مسائل فرهنگی ریزبینی‌هایی داشت و شبیه این دقت‌ها را در رهبر انقلاب نیز می بینیم. در موضوع استقلال فرهنگی توفیق کامل پیدا نکرده‌ایم و باید کار کنیم یعنی ما هنوز تا رسیدن به آن سبک زندگی اسلامی فاصله داریم، تأثیراتی از سبک زندگی غربی پذیرفته‌ایم و این توسعه ارتباطات هم بی‌تأثیر نبوده. شبکه های ماهواره ای و فضای مجازی موثر بوده است.

آرمان دیگر مسئله آزادی است، بیشتر به معنی آزادی تفکر و آزادی بیان که در این هم ما فراز و نشیب داشته‌ایم، ۱۰ سال اول را باید کنار گذاشت چون هر انقلابی تا نظام بخواهد مستقر شود حدود دو سال زمان می برد. در شرایط جنگ نیز به طور طبیعی خیلی از آزادی ها می تواند محدود شود. در همه کشورها همین طور است. بنابراین شرایط ۱۰ سال نخست خیلی ملاک نیست ولی بعد از آن وضعیت آزادی بیان در دوره سازندگی خیلی خوب نبود، انتقادها خیلی راحت تحمل نمی شد، سختگیری‌هایی نسبت به روشنفکران و دگراندیشان وجود داشت بلکه بعضی اقدامات ناشایستهم انجام شد. نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به خیال حفظ نظام گاهی کارهایی انجام دادند، برای نویسندگان محدودیت‌هایی ایجاد کردند. اینها کارهایی بود که ناشی از یک دید غلط نسبت به مسئله حفظ نظام بود.

آن نگاه از کجا پیدا شد؟ ریشه اش چه بود؟ آیا خود آقای هاشمی کاملا در جریان این مسائل بود یا خیر؟

خیلی روشن نیست. بعد ادامه آن رویکرد به قتل های زنجیره ای در دوره اصلاحات رسید که معلوم شد اصلا گویا یک رویه بوده که مخالف را به بهانه حفظ نظام خیلی راحت کنار بزنند.درباره حفظ نظام یک برداشت غلط از صحبت امام که حفظ نظام اوجب واجبات است انجام شد. این نگاه غلط وجود داشته و گاهی بروز کرده است. اینها کاستی هایی است که در نظام ما وجود دارد ولی در دوره اصلاحات وضع آزادی بیان بهتر بود، راحت‌تر می‌شد از رئیس جمهور انتقاد کرد.حرف ها راحت تر گفته می شد. فضا بازتر بود اگرچه سوءاستفاده هایی شد و در همان دوره برخی از اعتقاداتاسلامی مردم را زیر سئوال بردند ولی در مجموع فضا بهتر بود تا آنکه فضا را برای طرح دیدگاه‌ها ببندیم.

در دوره دولت آقای احمدی نژاد به نظر من تا سال ۸۸ وضعیت خوب بود، تحمل آقای احمدی نژاد نسبت به انتقاد خوب و قابل قبول بود. فضای آزادی بیان تا سال ۸۸ قابل قبول بود. الان خیلی فضا بسته شده است ولی از سال ۸۸ یک وضعیت خاصی در کشور پیدا شد و خیلی فضا بسته شد که تا امروز این شرایط ادامه دارد. در دولت فعلی هم فضا خوب نیست، فضا بسته است، مطبوعات می‌ترسند به خیلی از مسائل وارد شوند. این نگاه درست نیست و با آرمان‌های اولیه ما سازگار نیست. قرار بر چنین اتفاقی نبود که کسی نتواند اظهار نظر کند. اگر کسی نظری مخالف نظر ولی فقیه داشته باشد باید بتواند حرفش را بیان کند. این معنی ندارد که چون نظر ولی فقیه است دیگر کسی نتواند حرف بزند. خود مقام رهبری چند ماه پیش در دیدار با دانشجویان گفتند "یک عده فکر کرده‌اند باید حرف‌های من را تکرار کنند، هر کس نظر خودش را بگوید" خود ایشان چنین نگاهی دارند اما گاهی ما کاسه داغ تر از آش می‌شویم.

به هر حال کسانی که نگران هستند که یک وقت مسائل مطرح شود، آنها اشتباه می‌کنند. هرچه مسائل بیشتر مطرح شود جامعه آرام تر است، هیچ لطمه ای هم به جایگاه نظام و ولی فقیه وارد نمی شود. زمان حضرت امیر هم ایشان صحبت می کرد یک عده بلند می شدند اعتراض می

کردند. باید انتقاد در کشور عادی شود، اتفاقا جایگاه نظام و رهبری با این روش بالا می رود. به نظر من این یک نقص و آسیبی است که در انقلاب وارد شده و هنوز ادامه دارد. مخصوصا شهید مطهری شاید بیش از سایر رهبران انقلاب بر این موضوع تأکید داشت. ایشان قبل از پیروزی انقلاب گفته‌اند "در نظام جمهوری اسلامی حتی احزاب غیر اسلامی آزادند که فعالیت کنند و حرفشان را بزنند مشروط به اینکه با تابلو خودشان بیایند و نفاق در کارشان نباشد و نخواهند با بلند کردن تابلوی اسلام مردم را فریب دهند."یعنی موافق بودند که حزب کمونیست به نام کمونیسم بیاید و طرح دیدگاه کند. خود امام(ره) نیز فرمود "در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها هم آزادند که حرفشان را بزنند" اما امروز با آن فضا خیلی فاصله داریم. بنابراین در این مسئله ما دچار مشکل هستیم.

اما چیزهای دیگری که از نظر فرهنگی شهید مطهری بر آن تأکید داشت یکی مسئله اخلاق و معنویت بود مخصوصا مسئله خلوص نیت. ایشان می گفت" انقلاب مذهبی چون از ابتدا با ادعای خدا و پیغمبر و دین و مذهب بوده اگر خلوص نیت خود را از دست دهد خیلی زود از بین می رود چون فرق می کند با یک انقلاب غیر مذهبی مثلا کمونیستی که از اول برای کسب قدرت آمده‌اند و ادعای اخلاق و خلوص نیت نداشته‌اند". ایشان معتقد بود "در انقلاب مذهبی اگر خلوص نیت از دست برود جنگ قدرت پدید آید و اخلاق برای بیرون کردن رقیب از میدان زیر پا گذاشته شود و از هر وسیله ای همچون دروغ، تهمت، آبرو بردن برای کسب قدرت استفاده شود در این صورت این انقلاب خیلی زود از بین می رود"

اینجا نیز ما دچار آسیب هستیم. البته در مجموع انقلاب از حیث معنوی موفق بوده یعنی مردم نسبت به گذشته دیندارتر شده‌اند، یک عده می گویند "مردم بعد از انقلاب بی‌دین‌تر شدند"، من این حرف را قبول ندارم گرچه ما در عالم سیاست اخلاق را رعایت نمی‌کنیم، گاهی ظاهر ما با باطن ما یکی نیست و دچار آسیب‌هایی هستیم که باید رفع شود.

شهید مطهری تأکید دارد که روحانیت باید استقلال خود را حفظ کند و دولتی نشود. روحانیت شیعه در طول تاریخ مستقل بوده، همیشه از نظر روحی متکی به خدا و از نظر اجتماعی متکی

به مردم بوده است و نباید دولتی شود. ایشان تأکید داشت که روحانیون پست اجرایی دولتی نگیرند مگر اضطراراً، بلکه کار خود را انجام دهند. امام هم چنین نگاهی داشتند ولی چون تجربه بازرگان و بنی صدر پیدا شد راضی شدند که روحانیون موقتا در حوزه اجرا بیایند ولی اصل اولیه این بود که روحانیت استقلال خود را از دولتها حفظ کند و دولتی نشود ولی امروز به نظر من مقداری این موضوع آسیب دیده است .این هم یکی از اُسیب هایی است که ما داریم.

امام می گفتند روحانیت مسئولیت نگیرند ولی در حوزه اجرا و حکومت دیدند که نمی شود. اول انقلاب کمونیست ها در فعالیت آزاد بودند اما وقتی فعالیت کمونیست ها تبدیل به اقدام نظامی شد نظام رفتار دیگری با آنها در پیش گرفت.بنابراین شاید اگر شهید مطهری سال های بعد از انقلاب را می دیدند نگاه دیگری پیدا می‌کردند؟

آن یک بحث دیگری است، بحث ما درباره آزادی تفکر بود.قیام مسلحانه موضوع دیگری است.

اگر نظام با آنها برخورد کرد به خاطر عملکرد بد خود آنها بود نه اینکه اشکال از نظام باشد؟

من می‌گویم الان آیا یک گروه کمونیستی جدید می تواند اظهارنظر کند و مجله داشته باشد؟ قطعا امروز به چنین دیدگاهی مجوز نمی‌دهند.

تجربه بد عملکردشان رویه نظام را عوض کرد.

دلیل نمی شود. آنها افراد دیگری بودند، یک گروه جدید می‌خواهد فکرش را بگوید.

اگر دوباره خواستند مردم را فریب دهند و دوباره اقدام مسلحانه کنند چه طور؟

در صورت بروز چنین رفتاری سرکوب می‌شوند.

در صورت آزمون و خطا آیا قضایایی همچون اول انقلاب مثل ماجرای کردستان پیش نمی آید؟

نباید قصاص قبل از جنایت کرد.

بالاخره ، نظام نمی تواند با این اقدام موجب ناآرامی و تشنج جامعه شود. بگذریم. آقای علی مطهری چقدر دغدغه هایش را سیاسی می داند، چقدر فرهنگی؟

بستگی به شرایط جامعه دارد. نمی شود به طور کلی اظهار نظر کرد ضمن این که اینها بی ارتباط با هم نیز نیست. خیلی از دغدغه های سیاسی ریشه فرهنگی دارد و برعکس. بستگی به شرایط جامعه دارد.

از این جهت پرسیدم که موضع گیری های سیاسی شما بیشتر مورد توجه رسانه ها و انعکاس قرار می‌گیرد، به همین خاطر نگاه و دغدغه فرهنگی شما به حاشیه می رود، این را قبول دارید یا خیر؟

این طبیعت رسانه‌هاست که بیشتر طالب مطالب جنجالی هستند.

یک سؤال دارم که عقبه دارد. فرض کنید همین فردا اعلام شود هر کس با هر حجابی آزاد است در جامعه حاضر شود،فکر می‌کنید چند درصد خانم ها بدون حجاب به خیابان بیایند؟

می خواهی حجاب را آزاد کنی یا زمینه اش را فراهم کنی(خنده).

نگاهتان نسبت به جامعه چیست؟

الان هم برخی از خانم‌ها در واقع بی حجاب هستند.

حتی می توان گفت در تهران به گونه‌ای حجاب آزاد است.نمونه هایش را در خودروها و برخی مصادیق دیگر می بینیم.

شاید یک پوششی روی سر فرد باشد اما در مجموع حجاب محسوب نمی‌شود. به هرحال در پاسخ به سؤال شما عرض می‌کنم در آن صورت برخی از همین کسانی که به این صورت در جامعه می‌آیند آن زمان ممکن است کمی راحت‌تر بیایند.

حاج آقای زائری در برنامه «دیروز امروز فردا» گفت"وضعیت فرهنگ و معضلات فرهنگ در کشور به گونه ای بحرانی است که باید کمیته ای برای حل این معضلات تشکیل داد" اما حاج آقا پناهیان گفت "وضع فرهنگی مردم بحرانی نیست وضعیت نگاه مسئولان بحرانی است"، نظر شما چیست؟ آیا اصلا نگاه مردم و مسئولان در حوزه فرهنگ قابل تفکیک است؟

من معتقدم نه وضعیت مردم بحرانی است و نه وضعیت مسئولان. وضعیت فرهنگی ما دارای آسیب هایی است ولی اینکه بگوییم بحرانی است، خیر این طور فکر نمی کنم.خود اعتقاد و ایمان اسلامی مردم مانعی است برای اینکه جامعه از نظر فرهنگی بحرانی شود. به خاطر فشارهای اقتصادی و تأثیر برنامه های شبکه های ماهواره ای می توان گفت دچار برخی آسیب ها شده‌ایم. بعضی از این آسیبها ریشه اقتصادی و بعضی ریشه فرهنگی دارد ولی اینکه بگوییم به بحران رسیده‌ایم خیر، فکر نمی‌کنم. همان فرهنگ اسلامی که مردم دارند تا حد زیادی مانع بحرانی شدن فرهنگ کشور است. یعنی انحطاط فرهنگی از یک حد معین پایین‌تر نمی‌رود مخصوصا چون حکومت تبلیغ بی‌فرهنگی و بی‌دینی نمی‌کند بلکه عکس آن را انجام می‌دهد.

اخیرا آیت الله علم الهدی با طرح احادیثی به این نتیجه رسید که چون کل شهر مشهد حرم امام رضا محسوب می‌شود برگزاری کنسرت در این شهر جایز نیست و برگزاری کنسرت را مطرب بازی نامید، حال آنکه قرار بود کنسرت علیرضا قربانی در مشهد برگزار شود اما این کنسرت لغو شد. نظر شما درباره این موضوع چیست؟ بسیاری از استادیوم های ضبط موسیقی های زیر زمینی در مشهد است و اوضاع فرهنگی مردم مشهد دارد به سمت تهرانی ها میل می‌کند.

باید طبق احکام اسلام عمل کنیم. ملاک باید احکام اسلام باشد. نمی‌توانیم برای یک منطقه خاص قانون خاص در نظر بگیریم. کشور ما که حکومت فدرالی ندارد به طوری که هرایالتی قانون خود را داشته باشد. اگر انواعی از موسیقی ها حرام نباشد دیگر فرق نمی کند در کجا می خواهد اجرا شود. آنچه در اسلام بیان شده این است که غنا حرام است،اگر نوایی موجب خفت عقل شود و انسان را از حالت عادی خارج کند و باعث شود او کارهای غیرعادی انجام دهد در این صورت چنین نواهایی حرام است چون اسلام ارزش فوق‌العاده ای برای عقل قائل است و اصلا جایز نمی‌داند که حتی برای مدت کوتاهی عقل انسان زایل شود. شاید فلسفه حرمت مسکرات نیز همین باشد که عقل را از انسان زایل می کند. بنابراین اگر موسیقی مصداق غنا نباشد هیچ فرقی نمی کند در تهران نواخته شود یا مشهد. نباید بیش از آنچه اسلام محدودیت ایجاد کرده محدودیت ایجاد کنیم.بنابراین من نظر ایشان را نمی‌پسندم. ضمن آنکه آقای قربانی

از خوانندگان سنتی‌خوان و متین کشور است. بعد هم قانون در کشور باید به صورت یکسان اجرا شود. به نظرم وزارت ارشاد باید اینجا ایستادگی کند.

شما رابطه مجلس فعلی با آقای روحانی را می پسندید؟

در مجموع خیر، یک مقدار سیاسی نگاه می‌شود و مصالح مردم گاهی نادیده گرفته می شود.گاهی مصلحت مردم انجام یک کاری را اقتضا می‌کند اما برخی می‌گویند اگر این کار به دست دولت انجام شود افزایش محبوبیت و پیشرفت آن را در پی دارد و کارشکنی می‌کنند. مثلا بعضی نمایندگان احساس می‌کنند اگر دولت در مذاکرات هسته ای موفق شود محبوبیت او افزایش پیدا می‌کند و احیانا در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری پیروز خواهد شد. بر همین اساس گاهی کارشکنی می‌کنند. این کارها غلط است چون مصالح مردم را در نظر نمی گیرند. اگر مذاکرات هسته ای به نفع ما و کشور و انقلاب است چه به وسیله آقای روحانی و چه آقای احمدی نژاد انجام شود باید از آنحمایت کرد. باید مصلحت کشور را بر مصلحت فردی و گروهی ترجیح دهیم اما گاهی این نگاه ها وجود ندارد و مسائل سیاسی می‌شود و این امر بیشتر به کمی خلوص نیت و معنویت بر می‌گردد. گاهی ما نیاز به تهذیب نفس داریم. کارهایی از این دست در روحیه مردم اثر می‌گذارد،ممکن است در اقتصاد هم اثر بگذارد. وقتی به گونه‌ای وانمود شود که این مذاکرات به نتیجه نمی‌رسد یا دارد خیانت می شود و مردم ناامید شوند اینها می‌تواند ایجاد یأس در جامعه بکند و در مسائل اقتصادی هم اثر بگذارد.

اما شاید من این نگاه را نداشته باشم . به هر حال یک بحث نیز وجود دارد که این مباحث می تواند یک ظرفیتی را برای تیم مذاکره کننده ایجاد کند .یعنی شاید خیلی هم خوب نباشد که همه یک نوع موضع‌گیری کنند و آن طرف احساس کند که ما این قدر محتاج مذاکره و توافق هستیم ...

بله آثار مثبت هم دارد، به شرط آنکه هرکس نظر واقعی خودش را بگوید نه برای کوبیدن و تحقیر رقیب. گاهی کسی از روی اعتقاد اظهار مخالفت می‌کند و واقعا از روی حسن نیت فکر می کند که دارد خیانت می شود. خوب است که این نگاه را بیان کند و روی مذاکرات اثر مثبت

دارد چون طرف مقابل پیش خود می‌گوید "اگر موفق نشویم این تندروها روی کار می‌آیند پس بهتر است زودتر توافق را انجام دهیم". همان طور که می‌شنویم در کنگره آمریکا علیه مذاکرات صحبت می‌شود و ما بیشتر تشویق می‌شویم که زودتر این توافق را انجام دهیم. بنابراین اینها آثار مثبت دارد. اما خوب است که هر کسی اعتقاد خود را بگوید و واقعا اگر به این نتیجه رسیده بیان کند اما گاهی طرف می‌داند خیانتی در کار نیست ولی چنین بحثی را مطرح می‌کند. برخی می‌آیند در یک شرایطی که گروه مذاکره کننده نیاز به روحیه داردایجاد یأس می‌کنند. من می‌گویم این کارها نادرست است.

از این طرف هم به هر حال حرف های کمی گفته نمی شود . همین اخیرا آقای هاشمی در جایی گفتند "دلواپسان شبیه نتانیاهو هستند" . یا دیگران هم چیزهایی می گویند ...

بله . البته آقای هاشمی گفت که آنها با نتانیاهو هم صدا شده‌اند. طبعاً ایشان نمی‌خواهد بگوید اینها همان هدف و نیت نتانیاهو را دارند. در واقع خواستند هشدار بدهند که کاری که نتانیاهو از آن ناراضی است حتما به نفع ماست.

این یکسال و نیمی که دولت آقای روحانی بر سر کار آمده است آقای لاریجانی خیلی متهم است که دولتی شده اما به نظرم شاید اینگونه باشد که او تلاش می‌کند مجلس را در قبال دولت متعادل‌تر کند شما چه طور فکر می کنید؟

بالاخره او قبل از این دولت هم با مواضع تیپ جبهه پایداری موافق نبود.

اما طرفدار احمدی نژاد هم به عنوان رییس دولت نبود؟

یعنی الان همان مواضع را دارد. مواضع جدیدی نیست.همین ها در قم با مهر و لنگه کفش به او حمله کردند.

یعنی شما می‌گویید در شرایط فعلی مواضع آقای لاریجانی شبیه دولت است و به همین دلیل شاید اتهام دولتی بودن او را تعقیب می کند ...

به هر حال مواضع و نگاهش به دولت نزدیکتر است تا پایداری.

رابطه شما با آقای لاریجانی چه طور است. گلایه‌های متقابل میان شما وجود دارد؟ چقدر شما نسبت به آقای لاریجانی توصیه پذیر بوده‌اید؟ مقطعی بوده که آقای لاریجانی توصیه کنند علی آقا این حرف را نگویید یا اینقدرروی این موضع تان نایستید؟

خیر این اتفاق نیافتاده است چون می‌دانند من براساس اصول ثابتی اظهارنظر می‌کنم. گاهی ایشان علنی با من در مجلس مخالفت کرده است. مثلا سر رأی اعتماد به وزیر پیشنهادی نفت آقای رستم قاسمی، من به دلیل نظامی بودن او به عنوان مخالف صحبت کردم و در حالی که معمولا رئیس مجلس در این موضوعات وارد نمی شود او موافق صحبت کرد.

خارج از آن، در جمع های خانوادگی بحث سیاسی می کنید؟

گاهی بحث سیاسی می کنیم ولی بیشتر در قالب مزاح و شوخی است.

الان به لحاظ سیاسی دیدگاه نزدیک به هم دارید؟

در خیلی از دیدگاه‌ها نزدیک به هم هستیم.

کجاها مشخصا از هم دورید؟

مثلا آنجا که باید از حقوق مردم دفاع شود من وارد می شوم.ممکن است که وقتی روزنامه نگاری بازداشت می‌شود اعتراض کنم. ولی ایشان وارد چنین مواردی نمی شوند.

حالا شاید این فاصله شما و آقای لاریجانی در این مواضع به جهت مسولیت آقای لاریجانی باشد؟

خب، بله این هم است.آقای لاریجانی یک محذوراتی دارد ولی در مجموع ایشان سیاسی تر از من است یعنی نگاه سیاسی اش بر نگاه ایدئولوژیک اش می‌چربد. من بیشتر ایدئولوژیک نگاه می کنم.

اگر قرار باشد در مورد انتخابات مجلس بعدی بحث کنیماساسا شما موافق فهرست مرکبی از اصولگرایان و اعتدالگراها (حامیان دولت) هستید؟ عرضه چنین فهرستی را می پسندید و برایش تلاش می کنید چنین اتفاقی بیفتد؟

فهرست حامی دولت را نمی پسندم چون هنوز نمی دانیم اینها در آینده چه کار می کنند. اینکه ما مطلق بگوییم حامی دولت هستیم این خیلی حرف منطقی نیست، باعث جمود می شود. چون مجبور می شویم همیشه از دولت حمایت کنیمدر حالی که ما چنین اعتقادی نداریم و حمایت ما بستگی به عملکرد افراد دارد. به نظر من چنین عنوانی مناسب نیست.

بالاخره چنین اتفاقی افتاده است . زمان آقای خاتمی هم مشارکت یک حزب دولت ساخته بود. امروز نیز حزب اعتدال و توسعه یا کارگزاران همان گفتمان دولت را دنبال می کند.قائل هستید که گروهی از حامیان دولت را جمع کنید و با آنها وارد ائتلاف شوید چون آنها نیز نیاز دارند که از ظرفیت امثال علی مطهری استفاده کنند؟ البته یک تفکر هم وجود دارد، مثلا آقای باهنر می گوید "حتی اگر شد با تندروهای اصولگرا ائتلاف می‌کنیم تا مجلس آینده اصولگرا باشد"اصلا موافق این دیدگاه هستید یا ترجیح می دهید فهرست های انتخاباتی ترکیبی باشد. حالا ممکن است در فهرست ۳۰ نفر عده ای اصولگرا، برخی اعتدالگرا و حتی تعدادیاصلاح‌طلب باشند؟

این دومی را بیشتر می‌پسندم. کسانی که به یک اصول و مبانی معین اعتقاد دارند و در عمل هم اثبات کرده‌اند، بهتر است براساس همان اصول رفتار کنند یعنی لیست واحد بدهند. حالا ممکن است بعضی حامی دولت و بعضی منتقد دولت، برخی اصولگرا و برخی اصلاح طلب باشند اما بهتر است محور را دولت قرار ندهیم محور اصول و مبانی و گفتمان باشد، افرادی که به یک گفتمان اهمیت می دهند با هم در یک فهرست قرار بگیرند.

اگر گروه‌های گفتمانی هر کدام یک فهرست بدهند چه اتفاقی می‌افتد؟

وقتی هر گروهی که احساس می‌کنند از نظر فکری به هم نزدیک ترند در یک فهرست قرار بگیرند، دست مردم برای انتخاب بازتر می شود.

این مسئله آرایش سنتی اصولگرا- اصلاح طلب را به هم نمی زند؟ برای شما فرق نمی‌کند که مجلس بعدی دست اصولگراها نباشد؟ این برای شما اولویت نیست؟

اشکالی ندارد. این بستگی به انتخاب مردم دارد. باید دید مردم چه چیزی را می پسندند.

اما برخی شخصیت های سیاسی دغدغه شان این است که مجلس آینده حتما اصولگرا باشد؟

من چنین دغدغه ای ندارم. اصلا اصولگرا و اصلاح طلب اصالت ندارد. در بین اصولگراها برخی افراد را داریم که بیشتر اصلاح طلب‌اند یا در بین اصلاح طلبان افرادی داریم که بیشتر اصولگرای واقعی هستند. این دیواری که بین اصولگرا و اصلاح طلب کشیدیم مصنوعی است و اصلا قبول ندارم. مثلا من آقای پزشکیان را خیلی اصولگراتر از اکثر اصولگراها می دانم. خود من در بعضی زمینه ها شاید اصلاح طلب تر از بعضی از اصلاح طلبان باشم. یا آقای کاتوزیان که نماینده مجلس هشتم بود خیلی جاها تفکر و نظرات اصلاحی داشت. لذا این دسته‌بندی‌ها را من قبول ندارم.

طبعا فضای سیاسی کشور خیلی با مجلس هفتم و هشتم فرق کرده است. پیش بینی شما درباره مجلس دهم چیست؟فکرمی کنید این بار خیلی ترکیب مجلس به لحاظ گرایش سیاسی تغییر کند؟

خیلی بستگی به رفتار شورای نگهبان دارد.

درباره ورود اصلاح طلبان؟

بله، اگر شورای نگهبان اجازه دهد سلایق مختلف سیاسی وارد شوند و در نتیجه مشارکت مردم بالا باشد من فکر می کنم یک مجلس متوازن میان اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی و شاید اصلاح‌طلب تشکیل می شود.

فارغ از معادلاتی که ممکن است وابسته به عملکرد شورای نگهبان باشد اگر فکر کنیم مجلس با گرایش اصلاح طلب تشکیل شود آقای علی لاریجانی رئیس می ماند؟

بستگی به ترکیب افراد دارد. اگر اصلاح‌طلبانی باشند که تعصب گروهی نداشته باشند ممکن است باز هم آقای لاریجانی رئیس شود.

در چنین مجلسی آقای لاریجانی می تواند دوباره رئیس مجلس شود؟ اصلاح طلبان با او کنار می آیند چون اصلاح طلبان هم اکنون شرایطی ندارند که بخواهند مستقل عمل کنند، شاید خیلی رویا پردازانه باشد که عارف رئیس مجلس شود اگر بخواهند از اصولگراها یارگیری کنند به نظر شما به نام علی لاریجانی می رسند آیا علی لاریجانی گزینه خوبی برای آنها به شمار می آید یعنی کسی که وسط بایستد؟

نسبت به چه کسی؟

نسبت به کسانی که نام شان مطرح است.

نسبت به بقیه اصولگراها آقای لاریجانی معتدل تر است.

یک نظر این است که آقای ناطق نوری به عرصه انتخابات مجلس بیاید شما قائل به چنین حضوری هستید؟ کارگزارانی ها می گویند ایده آل ما تشکیل مجلس پنجم است. آقای ناطق می تواند در چنین شرایطی سیاست ورزی کند و وارد شود؟

آقای ناطق نیروی خوبی است چون هم در بین اصولگراها و هم در بین اصلاح طلبان پایگاه دارد. بالاخره در این چند سال استقلال فکری خود را تا حد زیادی ثابت کرده است وبه نظرم می تواند تأثیرگذار باشد.

آقای عارف بحثی را مطرح می کند مبنی بر اینکه دنبال این هستیم که ائتلافی با اصولگراها به وجود بیاوریم اما ماپیش هر شخصیت اصولگرا رفتیم می گوید ما این کار را نمی‌کنیم شاید منظور آقای عارف ائتلاف با علی مطهری است؟

قاعدتا مقصود ایشان ائتلاف با بعضی گروه های اصولگرا است نه افراد. من به عنوان یک فرد شاید مطرح باشم اما ائتلاف با یک فرد خیلی معنی ندارد.

اگر دعوت کنند شما می پذیرید؟

قابل بررسی است. من این تز را که معتدلهای اصلاح طلب و اصولگرا با هم ائتلاف کنند قبول دارم.

شما در حوزه سیاسی نظراتتان را شجاعانه بیان می‌کنید. می خواهم بپرسم مشکل اصلاح طلبان با آقای عارف چیست؟ در انتخابات ریاست جمهوری او را مجبور به انصراف از کاندیداتوری کردند. بعد از آن آقای کرباسچی در سر مقاله نشریه صدا می نویسد که باید مجلس پنجم تشکیل دهیم و هیچ اسم و نشانی از دکتر عارف نمی‌آورد.چرا؟

این را باید از خود آنها بپرسید. شاید استقلالی که آقای عارف دارد و خیلی در گروه خاصی قرار نگرفته است ومستقل تصمیم‌گیری می‌کند عامل این بی‌مهری باشد.

بنابراین او را کنار می‌گذارند

آقای عارف پایگاه خوبی در جمع اصلاح طلبان دارد. به نظرم خودش می تواند مستقل کار کند.

یعنی شما می گویید مستقل می آید؟

می تواند لااقل بخشی از اصلاح طلبان را متحد و با خود همراه کند. نگاه خوبی هم دارد. نگاه فردی ندارد، چون منافع گروه را می ببیند.

یعنی آن طرفی ها می گویند باید منافع اشخاص را دید؟

آنها را نمی دانم ولی حرف های آقای عارف را دیدم، ایشان رویکردش فداکاری است، فکر شخص خودش نیست. می گوید اگر لازم است من نباشم کنار می روم تا این تفکر پیروز شود. این نگاه خوبی است.

اما آقای خرازی می گوید "اصلا ما در سیاست چیزی به نام فداکاری و ایثار نداریم" شما نظرتان چیست؟

بله، در سیاست با تعریف عرفی یعنی دغل کاری فداکاری معنا ندارد ولی در سیاست اسلامی فداکاری داریم.

آقای خرازی گفته اگر اصلاح طلبان نخواهند با ما ائتلاف کنند ما مستقل می آییم. آقای عارف هم ظرفیت چنین کاری را دارد که مستقل بیاید. به نظر شما چه اتفاقی برای اصلاح طلبان در انتخابات مجلس می افتد؟

خیلی روی وحدت اصولگراها و وحدت اصلاح طلبان تأکید ندارم.

شما قائل به تکثر هستید؟

بله، هر گروهی هر مبانی که دارد بیاید و آن مبانی و آرمان های خود را بگوید و آن ایده ها و طرح ها را برای آینده کشور مطرح کند تا مردم میان دیدگاه های مختلف انتخاب کنند. اصرار بر اینکه اصولگراها و اصلاح طلبان هر کدام یک فهرست بدهند خیلی نمی‌پسندم. ضرورتی ندارد. به نظرم اگر فهرست‌های انتخاباتی متنوع باشد دست مردم برای انتخاب بازتر می‌شود. اینکه مردم مجبور باشند بین دو لیست ۳۰ نفره اصولگرایان و اصلاح طلبان یعنی مجموعامیان ۶۰ نفر انتخاب کنند اتفاق خوبی نیست. بهتر است هر گروه یک لیستی بدهد و مردم مثلا از بین دویست نفر انتخاب کنند.

برخی می گویند آقای روحانی نقدپذیر نیست، زود عصبانی می شود. به نظر شما منتقدان زیاده روی می‌کنند یا اینکه رئیس جمهور باید سعه صدرش بیشتر باشد؟

نقد رئیس جمهور همیشه وجود داشته. ایشان باید سعه صدر بیشتری داشته باشد. ضرورتی ندارد که او پاسخ هر نقدی را بدهد. اساسا با سخنرانی های زیاد یک رئیس جمهورمخالفم. در زمان آقای خاتمی هم این مسئله را من می گفتم.

آقای روحانی که زیاد سخنرانی نمی کند؟

چرا این کار را انجام می دهد. در همایش ها و مراسم های مختلف سخنرانی می کند. معتقدم یک مسئول اجرایی نباید زیاد سخنرانی کند. نهایتا باید ماهی یک بار یک سخنرانی انجام دهد.

موسسه نظرسنجی آی پوز اعلام کرده که آقای روحانی نسبت به آبان ۱۰ درصد محبوبیتش در جامعه ایران کم شده است شما این را حس می کنید؟ برخی می گویند طبیعی است روسای جمهور که اول می آیند شعارهایی می دهند بعد که در اجرا به مشکل بر می‌خورند قدری از آرایشان کاسته می شود، نظر شما چیست؟

خیر، من خیلی این موضوع را حس نمی کنم و خیلی با آن برخورد نکرده‌ام. در واقع آنچنان از این منظر با مردم صحبتی نداشته‌ام یا اظهارنظری نشنیده‌ام لذا نمی‌توانم اظهارنظر درستی داشته باشم.

مردم الان به لحاظ اقتصادی راضی هستند؟

طبیعی است که راضی نیستند. فشار اقتصادی زیاد است.هنوز یک گشایش ملموسی احساس نکرده‌اند.

می گویند آقای روحانی خیلی تخم مرغ هایش را در سبد هسته ای چیده است، شما چه طور فکر می‌کنید آیا بهتر بود اینقدر در این حوزه سرمایه گذاری نمی کرد؟

خیر، عملا این مقدار سرمایه‌گذاری نکرده، دنبال راه های دیگری هم هست و برنامه ریزی دارد.

اما به نظر می آید خیلی جامعه نسبت به مذاکرات هسته‌ای شرطی شده است؟

آقای روحانی عملا آینده کشور را مشروط به آینده مذاکرات نکرد و برنامه‌ریزی دارد که اگر مذاکرات شکست بخورد کشور را چگونه اداره کند اما در مقام تبلیغ و سخن گفتن به گونه‌ای مخصوصا آن اوایل توسط رسانه‌ها القاء شد که همه چیز بستگی به مذاکرات دارد. به شکلی ذوق زدگی در بین اصلاح طلبان شکل گرفت و رسانه‌ها و روزنامه‌هاشان مذاکرات را خیلی

بزرگ جلوه دادند. شاید خود دولت هم این طور صحبت نکرده باشد ولی روزنامه های وابسته به دولت به شکلی موضوع را مطرح کردند که انگار خیلی آینده انقلاب به این مذاکرات بستگی دارد. اینها اشتباهاتی بود که آن اوایل اتفاق افتاد اما بعد اصلاح شد. در مجموع دولت چنین نگاهی ندارد که واقعا کل آینده کشور به مذاکرات بسته باشد.

در این فضایی که به وجود آمده حالا فارغ از اینکه اصلاح طلبان در به وجود آمدن این فضاچقدر موثر بودند یا چقدر رفتار خود دولت باعث این برداشت شد، فکر می کنید اگر مذاکرات هسته ای به نتیجه نرسد آقای روحانی اولین رئیس جمهور تک دوره ای ایران می شود؟

خیر. به نظر من حتی اگر توافق به نتیجه نرسد دولت پیروز بوده است یعنی اصل مذاکرات به نفع کشور است چون بالاخره موضع و جایگاه ایران را در جهان بالا برد، ایران هراسی را تا حد زیادی از بین برد، نگاه دنیا به ایران تغییر کرد، ماهیت آمریکا بیشتر نمایان شد، یک تفرقه ای بین اروپا و آمریکا رخ داد و از این به بعد نگاه دنیا به ایران شکل دیگری است. به علاوه یک اتمام حجتی، هم برای دنیا و هم برای مردم ما بود. دنیا فهمید که ایران آماده مذاکره بود،انعطاف هم نشان داد اما غرب زیاده خواهی کرد. در داخل هم مردم می گویند تیم مذاکره کننده تا آنجا که امکان داشت جلو رفت، انعطاف نشان داد و کوتاه آمد اما طرف مقابل قبول نکرد یعنی حتی اگر بخواهد بعد از شکست مذاکرات اقدام نظامی هم انجام شود به نظرم مردم بهتر مقاومت می‌کنند. در مجموع به ضرر دولت تمام نمی شود اما اگر توافقی حاصل شود بیشتر به نفع دولت است.

آقای حجاریان می گوید اصلاح طلبان باید تاکتیک حمایت علنی و انتقاد مخفی را در قبال دولت در پیش بگیرند.معنایش این است که همچنان ائتلاف شان را با دولت حفظ می کنند. به نظر شما زمان پایان این ائتلاف تا کجاست،انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ یا ۱۴۰۰؟ آیا استراتژی زمین اجاره ای را دنبال می کنند؟

بستگی به رفتار دولت آقای روحانی دارد. اگر آقای روحانی کم کم وارد مسائلی مانند دفاع از حقوق شهروندی و حقوق بشر در ایران و مسئله حصر خانگی بشود طبیعی است که پیوند اینها

بیشتر پایدار خواهد ماند اما اگر بخواهد همین روش فعلی را ادامه دهد که در قبال این امور منفعل عمل کندبله، آنها از دولت جدا می‌شوند اما وقتی احساس کنند دولتی روی کار آمده که تا حدودی به نگاه آنها نزدیک است طبیعی است که همراهی نشان می دهند.

آقای احمدی نژاد اخیرا تحرکاتی داشته است مثل سفری که به قم و ترکیه رفت که کم کم این احساس به وجود می آید که او دوست دارد به قدرت برگردد آیا شما هم چنین حسی دارید؟

بله، سیاست عرصه ای است که کسی که وارد آن می شودسخت می تواند جدا شودیعنی طرف از ابتدا به قصد حضور موقت وارد شده اما بعد به شکلی در می آید که دیگر نمی تواند بیرون بیاید. شاید چنین حالتی برای آقای احمدی نژاد وجود داشته باشد.

می گویند اگر او بیاید خیلی معادلات سیاسی مخصوصا برای اصولگراها به هم می خورد؟ نوع برخورد اصولگراها با احمدی نژاد چگونه خواهد بود؟ در یکی از این همایش ها خیلی درباره آقای احمدی نژاد تند صحبت شد؟

برخورد اصولگرایان با او در مجموع منفی است چون اصولگراها در دولت نهم و دهم از او حمایت بیش از حد کردند و تا زمان خانه نشینی او این حمایت ادامه داشت.اکثر اصولگرایان اعتقاد دیگری درباره احمدی نژاد داشتند اما می گفتند چون رهبری حمایت کرده اند حمایت می کنیم که من همان موقع این نگاه را قبول نداشتم. زمانی که آقای احمدی نژاد می‌گفت قانون را اجرا نمی‌کنم، اینها هیچ انتقادی نداشتند، این همه تخلفات می‌کرد، حرف نامربوط می‌زد هیچ انتقادی نکردند اما وقتی ۱۱ روز خانه‌نشین شد گفتند چون جلوی ولایت ایستاد ما مخالف او هستیم. مگر کارهای قبلی او درست بود؟ لذا حمایت اینها بیشتر به خاطر حمایت‌های رهبری بود اما از این به بعد بعید است که حمایت‌های رهبری وجود داشته باشد چون احمدی‌نژاد هزینه‌های زیادی برای کشور ایجاد کرد.

برخی می‌گویند مهم نیست اصولگراها از احمدی نژاد حمایت کنند یا نکنند. گرایش‌هایی از مردم هنوز طرفدار او هستند. آیا شما هنوز آن بدنه اجتماعی و سرمایه اجتماعی را برای احمدی

نژاد می بینید؟ آقای جوانفکر می گفت یک زمانی می رسد که مردم چراغ دست شان بگیرند و دنبال احمدی نژاد بگردند، آیا چنین شرایطی به وجود می آید؟

بستگی به عملکرد دولت فعلی دارد. در مجموع بعید می دانم چنین چیزی باشد و او پایگاه اجتماعی قوی داشته باشد.

شما برای مجلس نامزد می شوید؟

هنوز مردد هستم و خودم نمی دانم.

ادامه حصر در این چند سال نیاز به حکم قضایی داشت/ شورای عالی امنیت ملی حکمش را تغییر دهد/ منتقدان هر نظام تا زمانی که دست به سلاح نبرده‌اند، باید آزاد باشند

علی مطهری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگویی با خبرنگار سیاسی خبرگزاری آنا، در واکنش به اظهاراتی که اعمال حصر موسوی، کروبی و رهنورد را تفهیم اتهام از سوی شورای عالی امنیت ملی به این افراد تلقی کرده‌اند، تأکید کرد که یک شورا نمی‌تواند هم مسئول امنیت ملی باشد و هم حکم قضایی صادر کند. اگر می‌خواستیم این طور باشد چه نیازی به انقلاب بود. انقلاب کردیم که قانون حاکم باشد.

متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

– با توجه به اظهاراتی که اخیرا مبتنی بر تفهیم اتهام شدن آقایان موسوی و کروبی در شورای عالی امنیت ملی تفهیم و اینکه اجرای حصر، خود نوعی تفهیم اتهام محسوب می‌شود، بیان شده است، همچنین با توجه به حجت الاسلام طائب بیان کرده است ((دادگاهی در شورای عالی امنیت ملی تشکیل شده که دادنامه‌هایی هم داشته و نتیجه‌گیری شده که سران فتنه حصر شوند))؛ سؤال این است که آیا شورای عالی امنیت ملی می‌تواند تفهیم اتهام کند؟ جایگاه شورا در این زمینه چیست؟

این حرف‌ها خلاف قانون اساسی است و نباید آنها را جدی گرفت، بلکه به شوخی شبیه‌تر است. از این حرف‌ها بوی استبداد می‌آید که هرکس را خواستیم دور هم می‌نشینیم و بدون حضور آنها تفهیم اتهام می‌کنیم و کیفرخواست و بعد حکم زندان یا اعدام صادر می‌کنیم. یعنی یک شورا هم مسئول امنیت ملی است و هم حکم قضایی صادر می‌کند. اگر می‌خواستیم این طور باشد، چه نیازی به انقلاب بود؟ انقلاب کردیم که قانون حاکم باشد. بنابراین چنین دادگاهی فقط در قوه خیال آقای طائب بوده و وجود خارجی نداشته است.

– آقای کدخدایی نیز اخیرا عنوان کرده است امیدوارم روزی دادگاهی تشکیل شود که به اتهامات سران فتنه رسیدگی شود؛ به نظر شما دادگاه صالحه در این زمینه چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

اینکه ایشان محاکمه را پذیرفته است، یک گام به پیش است. این دادگاه طبق قانون اساسی باید علنی باشد و قاضی آن هم باید عادل و باتجربه باشد به طوری که این تلقی ایجاد نشود که حکمش از قبل معلوم است. بهتر است قاضی این دادگاه از میان چند نفری که متهمان حوادث سال ۸۸ را محاکمه کرده‌اند و مشهور به سخت‌گیری هستند نباشد. در عین حال طرف‌های دیگر ماجرا مانند آقای احمدی‌نژاد و نهادهایی که دخالت داشته‌اند نیز باید به طور همزمان محاکمه شوند.

– اظهارات مختلفی درخصوص چرایی حصر مطرح می‌شود. برخی می‌گویند برای تأمین امنیت خودشان (آقایان موسوی و کروبی) بوده است، برخی عنوان می‌کنند برای جلوگیری از یک فتنه جدید توسط آنها بوده است؛ شما دلیل حصر را چه می‌دانید؟

برای تأمین امنیت آنها نیازی به حصر نیست، مردم از آنها محافظت می‌کنند. ادامه حصر برای جلوگیری از فتنه جدید هم نامفهوم است. فتنه جدید همین کارهایی است که برخی از می‌کنند و همین حرف‌هایی است که می‌زنند. حصر با نظر شورای عالی امنیت ملی بوده؛ اما مطلب مهم این است که شورای عالی امنیت ملی فقط در زمان آشوب در کشور که حالت اضطرار پدید می‌آید حق صدور حکم حصر تا زمان پایان آشوب و اضطرار را دارد و ادامه حصر در این چند سال نیاز به حکم قضایی داشته است. شورای عالی امنیت ملی باید حکم خود را تغییر دهد و به تأیید رهبری برساند. من فکر می‌کنم دلیل حصر، بیشتر این است که فکر می‌کنند اگر اینها بدون عذرخواهی آزاد شوند، نظام آسیب می‌بیند؛ در حالی که این‌طور نیست. هر نظامی منتقدانی دارد و تا زمانی که دست به سلاح نبرده‌اند، باید آزاد باشند. همچنین برخی مخالف محاکمه رهبران معترض هستند چون نمی‌خواهند تخلفات طرف دیگر فتنه و نادرستی تبلیغاتی که در

چند سال اخیر صورت گرفته است، روشن شود. لذا بهترین راه این است که آنها آزاد شوند و اگر تخلفی کرده‌اند، مجازاتش همین چند سال حبس آنها باشد.

آقای روحانی به عنوان رییس جمهور در زمینه رفع حصر کوتاهی کرده است

علی مطهری پیش از آنکه در دنیای سیاست مطرح شود با نام فرزند شهید آیت الله مطهری نزد اذهان عمومی شناخته شده بود. اکنون و در گذر این سال‌ها علی مطهری چقدر توانسته است مثل پدرش در دنیای سیاست به ویژه در موضوع

برخورد با انحرافات سیاسی و اعتقادی رفتار کند؟

فکر می‌کنم به طور نسبی موفق بوده‌ام. تلاش من این است که از فرصت نمایندگی برای مطرح کردن اندیشه‌های شهید مطهری و نیز سیره و روش ایشان در برخورد با انحرافات استفاده کنم. اهمیتی که شهید مطهری برای آزادی تفکر و بیان قائل بود، نوع نگاهی که به اصل ولایت‌فقیه داشت، ارزشی که برای عقل و تعقل قائل بود و توجهی که به متمرکز نشدن قدرت در یک نقطه داشت، هشدارهایی که درباره مسئله عدالت و مسئله استقلال فرهنگی می‌داد، همین طور حساسیت ایشان به رخنه فرصت‌طلبان در انقلاب و نگاه درست به مسئله حفظ نظام، اینها مسائلی است که من همواره پیگیری کرده‌ام و فکر می‌کنم شبحی از رفتار آن شهید را در جامعه ایجاد کرده است گرچه قابل قیاس با تأثیرگذاری ایشان نیست.

شما در زمان انتخابات مجالس قبل یک چهره نافذ بین اصولگرایان و مورد حمایت جدی آنان بودید. اما رفته رفته و در گذر زمان از این حمایتها کاسته و در ازای آن پایگاه اجتماعی شما نزد جریانهای اعتدالی و حتی اصلاح طلب تقویت شد. چه عاملی موجب این تغییر و دگرگونی بود؟ شما تغییر کردید یا اصولگرایان تغییر کردند یا شاید عملکرد شما به عنوان یک نماینده مجلس برای حامیان گذشته‌تان غیر مترقبه بود؟

من بعد از ورود به مجلس در دوره هشتم احساس کردم که رفتار اصولگرایان براساس اصول و مبانی فکری اعلام شده نیست، گاهی تعصب گروهی دارند و پا روی حق می‌گذارند، گاهی عقل خود را تعطیل کرده‌اند و گوش به منابع نزدیک به رهبری سپرده‌اند که از آنجا چه ندایی می‌رسد در حالی که قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس تکلیف آنها را مشخص کرده است،

گاهی به بهانه حفظ نظام از کنار پایمال شدن حقوق مردم می‌گذرند و یا برای حفظ قدرت از هر وسیله و ابزاری استفاده می‌کنند. در مقابل تخلفات آشکار آقای احمدی‌نژاد سکوت می‌کردند با این توجیه که اگر انتقاد کنیم به نفع اصلاح‌طلبان تمام می‌شود که بعدها کلمه فتنه‌گران هم اضافه شد، یا می‌گفتند چون رهبری از این دولت حمایت کرده است باید سکوت کنیم. دیدم این اصول‌گرایی نیست و اصول‌گرایی تبدیل به تملق و چاپلوسی و توجیه وضع موجود شده است و اساساً برداشت اکثر آنها از اصولی مانند ولایت‌فقیه و آزادی بیان و حفظ نظام، درست نیست. لذا من حرف خودم را می‌زدم که گاهی موجب آزردگی آنها و رضایت طرف مقابل می‌شد. امروز هم وضع به همین صورت است و اصول‌گرایان عبرت کاملی از آن دوره هشت ساله نگرفته‌اند مگر چند تن از افراد با ذکاوت و عاقلتر آنها.

نظرتان درباره موضع گیری‌هایی که اخیرا علیه شما صورت می‌گیرد چیست؟ این موضع‌گیریها قبلتر به ندرت صورت می‌گرفت ولی اکنون به نظر می رسد که حداقل طیف تندرو مجلس و جریانهای سیاسی افراطی خارج از مجلس شما را به لیست سیاه خود اضافه کرده‌اند. مخالفت با سخنرانی شما در دانشگاه گیلان و فریادهای اعتراض‌آمیز در صحن علنی به نطق‌های شما تنها نمونه‌هایی از این مساله است.

من چون نظراتم درباره حوادث سال ۸۸ و مسئله حصر خانگی را به صراحت بیان می‌کنم خوشایند آنها نیست و فکر می‌کنند خلاف نظر مقام رهبری است و نباید گفته شود،در حالی که خود رهبر انقلاب تأکید کرده‌اند که هرکس نظر خود را بگوید و این طور نباشد که همه نظرات من را تکرار کنند. در نطق اخیر من در مجلس چون منطق دوگانه اصول‌گرایان را در موضوع رأی اعتماد به وزیر علوم زیر سؤال بردم و در واقع سیاسی بودن کار آنها را برملا کردم چند نفر سروصدا کردند گرچه بسیاری از آنها نیز حرف مرا قبول داشتند و می‌گفتند اگر می‌خواستیم با همان ملاک فتنه رأی بدهیم، به آقای فرهادی هم نباید رأی می‌دادیم.

مسئله دانشگاه گیلان جالب بود. من برای بزرگداشت میرزاکوچک‌خان دعوت شدم و چون برنامه دانشگاه یزد را داشتم و از طرفی فرصت مطالعه ویژه درباره میرزا را نداشتم دعوت را

نپذیرفتم و عذرخواهی کردم اما دو روز بعد دیدم در سایتها چند انجمن دانشجویی گیلان و بعد امام جمعه رشت و بعد نماینده نهاد رهبری در دانشگاه گیلان حملات زیادی به من کرده بودند که علت آن را نفهمیدم. ظاهراً فکر می‌کردند در دانشگاه گیلان برنامه دارم و ترسیده بودند.

۳, مساله اعتبارنامه شما به کجا رسید؟ این مساله یکی دیگر از جریانهای تخریبی علیه شما بود که طی چند روز اخیر از سوی برخی خبرگزاریها تحت هدایت تعدادی از نمایندگان و جریان های سیاسی دنبال شد.

این موضوع را آقای کریمی قدوسی نماینده مشهد مطرح و پیگیری کردند که بیشتر جنبه سیاسی و رسانه‌ای داشت و جنبه عملی نداشت چون قانون چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد مگر آنکه نماینده‌ای مرتکب جرمی مانند قتل عمد شود که طبعاً باید مجازات شود و از نمایندگی ساقط می‌شود.

شما نمایندگی مجلس را چگونه ارزیابی می‌کنید و اگر روزی بنا باشد که در یک سمت دیگری به فعالیت سیاسی یا فرهنگی خود ادامه بدهید، آن سمت چه خواهد بود؟

در سمت نمایندگی مجلس به خوبی می‌توان از حقوق مردم دفاع کرد به شرط آنکه خط قرمزهای مصنوعی کنار برود. مثلا من درباره مسئله حصر خانگی و حادثه بند ۳۵۰ زندان اوین از وزیر دادگستری سؤال کرده‌ام و سؤال به صحن آمده است اما آن را در دستور قرار نمی‌دهند. شاید این که دو برادر رئیس دو قوه هستند نیز در این موضوع دخالت دارد.

من بیشتر به کارهای علمی و همان تدوین آثار پدرم علاقه دارم و کاری که در دانشگاه دارم، ولی به حسب نیاز انقلاب وارد هر صحنه‌ای خواهم شد.

از نظر شما مجلس نهم در مقایسه با مجالس دیگر چقدر کارآیی داشته است؟ فکر می‌کنید مجلس آینده باید چه شاخصه‌هایی داشته باشد؟

در مجموع مجلس هشتم از مجلس نهم قوی‌تر بود و افراد خوش‌فکر در آن مجلس بیشتر بودند و این امر طبیعی است چون مجلس نهم در شرایط خاص شکل گرفت که بسیاری از افراد

خوش‌فکر کاندیدا نشدند. مجلس دهم باید از همه اقشار جامعه نماینده داشته باشد نه این که تعداد قابل توجهی از نمایندگان مجلس عضو سپاه یا وزارت اطلاعات باشند.

عملکرد اعضای جبهه پایداری در برخی تصمیم‌گیریها خیلی از مخاطبان مجلس را به این سوال وا می‌دارد که چگونه یک جریانی که اقلیت مجلس را در اختیار دارد می‌تواند در بخشی از تصمیم‌گیریها نفوذ پیدا کند و صاحب منابع اطلاعاتی و البته محرمانه‌ای باشد. این نفوذ و قدرت از کجا نشات می‌گیرد که حتی به راحتی می‌تواند در برابر سیاست‌های کلان نظام ایستادگی کرده و در موضوع مهمی چون مذاکرات هسته‌ای هر مساله‌ای را زیر سوال ببرند؟

اینها با کادرهای وزارت اطلاعات در دولت سابق و با سایر نهادهای اطلاعاتی ارتباط دارند و آنها در مواقعی مانند استیضاح یا رأی اعتماد به وزرا اسناد و مدارک لازم از جمله صدای افراد را که گاهی از راه شنود به دست آمده است به اینها می‌رسانند و اینها هم نمایندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به طور کلی اینها با محافل بیرون از مجلس در ارتباط هستند و تصمیم‌ها در آنجا گرفته می‌شود. در برخی موارد اکثر نمایندگان از نظر افکار و مواضع با آنها همراه هستند، گاهی هم تحت تأثیر تبلیغات آنها قرار می‌گیرند. البته اگر فراکسیون رهروان ولایت فعالتر شود و بهتر عمل کند خیلی از تلاش‌های آنها خنثی می‌شود. به طور کلی تفکر جبهه پایداری در مجلس در اقلیت مطلق است ولی چون مخالفت صریح با دولت دارد صدای آن بلند است.

در چند سال اخیر بحث برخورد با مفاسد اقتصادی بیش از هر زمان دیگری مطرح می‌شود. چرا علی‌رغم وجود چندین و چند دستگاه و نهاد نظارتی باز هم این فسادها تکرار می‌شود؟

ریشه این امر را یکی باید در اقتصاد دولتی در کشور ما جستجو کرد و دیگر در فعالیت اقتصادی غیر رسمی برخی نهادهای حکومتی که قادر به تأثیرگذاری در اقتصاد کشور هستند. تا زمانی که اقتصاد ما رقابتی نشود و دولت فقط نظارت نکند و این نهادها نیز به کار اصلی خود نپردازند و از صورت کارتلهای بزرگ اقتصادی خارج نشوند، با وجود همه دستگاه‌های نظارتی این فسادها تکرار خواهد شد. البته ملاحظه‌کاری‌ها و رفیق‌بازیها و رودربایستی‌ها و به تعبیر علی علیه‌السلام «مصانعه» در امر نظارت نیز یکی از دلایل این عدم توفیق است.

,۸ برخی‌ها اعتقاد دارند که برای تقویت مجلس شورای اسلامی باید تغییری در روند انتخابات صورت بگیرد. عده‌ای تدوین طرح‌هایی چون ارتقای سطح تحصیلات و سوابق اجرایی نمایندگان یا استانی شدن انتخابات را پیشنهاد می‌کنند، عده‌ای تغییر نگرش شورای نگهبان در احراز صلاحیت نامزدها را پیشنهاد داده، عده‌ای بر تغییر سازوکار مجلس تاکید دارند و در نهایت عده‌ای تقویت احزاب را به عنوان کانونهای پرورش نخبه‌های سیاسی راهکار اصلی می‌دانند. پیشنهاد شما در این زمینه چیست؟

در درجه اول تغییر نگرش شورای نگهبان مهم است که به دلایل واهی افراد را رد صلاحیت نکنند. مثلا اگر کسی نامه‌ای را در اعتراض به رفتاری در سال ۸۸ امضا کرده و تظلم و دادخواهی کرده است، او را فتنه‌گر ننامند نظیر رفتاری که اخیرا در مجلس صورت گرفت. این روش باعث می‌شود که افراد مستقل و حر و آزاده که مصالح کشور را در نظر می‌گیرند حذف شوند و افراد فرصت‌طلب و احیانا متملق وارد صحنه شوند. وقتی رد صلاحیت گسترده صورت نگیرد مشارکت مردم در انتخابات هم بیشتر خواهد بود و به نمایندگان واقعی مردم نزدیکتر می‌شویم. در درجه دوم تقویت احزاب می‌تواند مؤثر باشد که مردم به اعتماد یک حزب به کاندیداهای آن حزب رأی بدهند.

موضع‌گیری شما درباره حوادث سال ۸۸ و درخواست‌تان برای پایان حصر تا کجا ادامه خواهد داشت؟ شما بر برگزاری یک دادگاه صالح در این مساله تاکید دارید اما به نظر می‌رسد که قرار نیست موافقتی با پایان حصر و برگزاری دادگاه صالح جهت بررسی اتهامات صورت بگیرد .

من به وظیفه خودم عمل می‌کنم و مأمور به نتیجه نیستم گرچه تلاش می‌کنم که کار به نتیجه برسد. بالاخره فشار افکار عمومی باعث خواهد شد که مسئولان از راه غلط خود بازگردند و به عدالت تن بدهند.

در شرایطی که مقامات دولتی بارها تاکید داشته‌اند که دولت به تنهایی نمی‌تواند در حل پرونده حصر کارآمد باشد، پیشنهاد شما به عنوان یکی از افرادی که پیگیری پرونده را بر عهده گرفته است برای حل این مساله چیست؟

درست است که دولت به تنهایی نمی‌تواند در حل این پرونده کارآمد باشد ولی بخش زیادی از مسئولیت این پرونده بر دوش دولت است و دولت اختیارات زیادی دارد. اولاً رئیس جمهور رئیس شورای عالی امنیت ملی است که این شورا دستور حصر داده و البته دستور آن فقط تا پایان آشوبهای خیابانی نافذ بوده است و ادامه حصر نیاز به حکم قضایی داشته است. ثانیاً رئیس جمهور طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی مسئول اجرای قانون اساسی است و این حصر اصول متعدد قانون اساسی را نقض کرده است. در واقع در این زمینه آقای روحانی به عنوان رئیس جمهور کوتاهی کرده است. به نظر من رئیس‌جمهور و قوه قضائیه با هم می‌توانند این موضوع را حل کنند و نباید مسئله را به رهبری حواله داد. ورود ولی‌فقیه باید فقط در مسائل حیاتی برای اسلام باشد.

دولت روحانی بارها بر رفع فضای امنیتی از جامعه تاکید داشته است. در مقابل نیز محافظه‌کاران، آزادی در جامعه را در کنار همین محدودیتها تعبیر کرده‌اند. این اختلاف نظر را شما چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا در فضای عمومی جامعه در مباحث مختلف به ویژه موضوعاتی مثل مطبوعات، دانشگاه‌ها و احزاب، ما آزادی عمل داریم؟

عده‌ای برای خود خطوط قرمزی فرض کرده‌اند مانند اظهارنظر برخلاف نظر رایج نظام درباره مسئله آیت‌الله منتظری یا نهضت آزادی و یا حوادث سال ۸۸ ، در حالی که اینها نباید خط قرمز باشد و هرکسی باید آزاد باشد که نظر خود را بیان کند. همین طور است اظهارنظر برخلاف نظر مقام رهبری در یک موضوع، که عده‌ای آن را خط قرمز می‌دانند در حالی که باید یک امر عادی باشد و نظر رهبری هم همین است. اختلاف نگاه به مسئله آزادی، به اختلاف نگاه به اصل ولایت فقیه و مسئله حفظ نظام برمی‌گردد. مثلاً حادثه‌ای مانند قتل ستار بهشتی پیش می‌آید، امثال من می‌گوییم باید این مسئله گفته و پیگیری شود تا تکرار نشود و یک نوع اصلاح در نظام صورت گیرد. در حالی که به قول شما «محافظه‌کاران» معتقدند که این گونه مسائل باید به خاطر حفظ نظام کتمان شود و حفظ نظام مهمتر از این حرفهاست. یا این که مسئله اعتراض مدنی هنوز در کشور ما حل نشده. عده‌ای هر معترضی را ضد نظام و برانداز تلقی می‌کنند در حالی

که ما می‌گوییم این مسئله باید به رسمیت شناخته شود و قانون اساسی ما هم به رسمیت شناخته است. بخش عمده مشکلات سال ۸۸ از همین نگاه ناشی می‌شد. اگر اعتراض مدنی را به رسمیت می‌شناختند حوادث به آن شکل در نمی‌آمد.

در حوزه مطبوعات هم این خط قرمزها وجود دارد و خصوصاً قوه قضائیه با دادسرای فرهنگ و رسانه مانع آزادی بیان شده و گاهی هیئت نظارت بر مطبوعات را در مقابل عمل انجام شده قرار می‌دهد. دانشگاه‌ها هم هنوز فضای آزاد اظهارنظر را پیدا نکرده‌اند اگرچه بهتر شده است ولی هنوز رعب آن دوره هشت ساله در دل دانشجو و استاد وجود دارد. احزاب قوی هم هنوز شکل نگرفته‌اند و همین خطوط قرمز مصنوعی و فضای امنیتی مانع کار آنهاست. خط قرمز ما باید فقط آشوب و تخریب و اقدام مسلحانه باشد نه انتقاد و اعتراض. ما هیچ براندازی غیر از مجاهدین خلق و گروه فرقان و پژاک و مانند اینها نداریم. روش برخورد ما با منتقدان و مخالفان باید مانند برخورد علی علیه‌السلام با منتقدان خود باشد که تا قبل از دست بردن به سلاح، نهایت آزادی را به آنها داده بود ولی ما یک منتقد را از هستی ساقط می‌کنیم.

نطق مخالفت شما با آقای فرهادی بدون شک متفاوت‌ترین نطق‌تان در مجلس شورای اسلامی بود. خیلی‌ها عقیده دارند که شما نه در مخالفت با وزیر علوم که در مخالفت با مجلس شورای اسلامی آن نطق را ایراد کردید. چه شد که تصمیم به چنین کاری گرفتید و بفرمایید که این، تصمیم خودتان بود یا کسی پیشنهاد چنین نطقی را به شما داده بود؟

تصمیم خودم بود. از عدم صداقت مجلس و ظلمی که بر آقای فرجی دانا و آقای نیلی احمدی آبای و آقای دانش آشتیانی رفته بود که علی‌رغم خدمات زیادشان آنها را فتنه‌گر می‌نامیدند به ستوه آمده بودم و می‌خواستم مشت آنها را برای مردم باز کنم و بگویم که درد اینها فتنه و فتنه‌گری نیست بلکه می‌خواهند وزارت علوم دست خودشان باشد و به مجرد این که آقای فرهادی قول همکاری به آنها داد که افراد را مطابق نظر شما انتخاب خواهم کرد، از خط قرمز خیالی خود عبور کردند در حالی که مسئله فتنه درباره آقای فرهادی بیشتر صدق می‌کرد.

عضویت شما در هیات نظارت بر مطبوعات یک نقطه امید برای رسانه‌های مستقل بود. اما کناره‌گیری شما از حضور در انتخابات این هیات باعث شد که حداقل بخشی از جامعه مطبوعاتی کشور را نگران کند. بهتر نبود که علی‌رغم بداخلاقی‌های صورت گرفته در کمیسیون فرهنگی از انتخابات کناره گیری نمی‌کردید؟

اگر من کناره‌گیری نمی‌کردم آقای لاریجانی نمی‌توانست در مقابل توطئه کمیسیون فرهنگی بایستد چون متهم به حمایت از فامیل خود می‌شد. وقتی من کنار رفتم دست رئیس مجلس باز شد که به کمیسیون فرهنگی فشار بیاورد تا نفر بعد از من را معرفی کند. اگر من کنار نمی‌رفتم مطمئناً اکنون آقای رسایی در هیئت نظارت بر مطبوعات بود چون کمیسیون زیر بار معرفی من به مجلس نمی‌رفت و آقای لاریجانی هم مجبور بود کوتاه بیاید. بنابراین کار من هوشمندانه بود و نمایندگان هم این موضوع را متوجه شدند.

آیا برای دوره بعدی مجلس شورای اسلامی کاندیدا می‌شوید؟

اگر شرایط کشور به حال عادی برگردد مثلاً رفع حصر شود و این تندرویها که انقلاب را تهدید می‌کند تمام شود کاندیدا نمی‌شوم چون نیازی نیست اما اگر شرایط به همین صورت باشد خواهم آمد چون برخی حوزه‌های اجتماعی و سیاسی هست که اکثر نمایندگان به خاطر ملاحظاتی وارد نمی‌شوند و امثال من باید وارد شوند.

تاکنون جلسات متعددی بین اصولگرایان برگزار شده است. برخی از اصولگرایان شرط موفقیت را دوری از جریانهای نزدیک به احمدی‌نژاد و پایداری می‌دانند و در مقابل آن، جریانهایی چون جامعه اسلامی مهندسین بر اجماعی تمام عیار بین اصولگرایان تاکید دارند. آیا این اختلاف نظر از همین حالا نمی تواند برای ائتلاف آنان در انتخابات مجلس دردسرساز شود؟ محوریت اصلی اصولگرایان در نبود آقایان مهدوی کنی و عسگر اولادی بهتر است چه فرد یا افرادی باشند؟

اصول‌گرایان چون امروز با رقیب جدی مواجه هستند مجبور به وحدت‌اند. مسئله مهم آنها نوع برداشت از اصل ولایت فقیه است که باید تکلیف خود را با آن مشخص کنند چون بعضی از

آنها معتقدند برای هر اقدامی اول باید نظر ولی‌فقیه را به طریقی جویا شویم و همین امر قدرت ابداع و ابتکار را از آنها گرفته، و برخی دیگر این طور فکر نمی‌کنند و معتقدند ما کار خود را می‌کنیم اگر دستوری از طرف ولی‌فقیه آمد اثر می‌دهیم. آنهایی که نظر اول را دارند، تا به حال خیلی به اصول‌گرایی ضربه زده‌اند و آن را از ابتکار عمل باز داشته‌اند. به عنوان نمونه در سال ۸۸ اکثریت قاطع سران اصول‌گرا معتقد بودند که ادامه مدیریت آقای احمدی‌نژاد بر کشور صلاح نیست و باید روی فرد دیگری توافق شود و وقتی من طرح اجماع بر آقای ولایتی را مطرح کردم همه آنها می‌پذیرفتند ولی می‌گفتند باید ببینیم نظر آقا چیست و بعد گفتند که ما این طور احساس می‌کنیم که نظر ایشان به آقای احمدی‌نژاد است و در نتیجه آن طرح به هم خورد و برخی از آنها هم گفتند هرکس فرد دیگری را مطرح کند ضد ولایت فقیه است و در نهایت هم گفتند ما با چشم گریان به آقای احمدی‌نژاد رأی دادیم.

مشکل اساسی اصول‌گرایان که دست و بال آنها را بسته است همین مسئله است در حالی که خود مقام رهبری هم چنین روشی را نمی‌پسندند. آنها اول باید تکلیف خودشان را با این موضوع روشن کنند تا بتوانند وحدت پیدا کنند. به بیان دیگر آنها اول باید وحدت در اصول و مبانی فکری خود پیدا کنند تا وحدت خارجی و عملی هم پیدا شود. و الاّ همه از ولایت‌فقیه و آزادی و عدالت و استقلال حرف می‌زنند در حالی که هرکدام مقصود خاص خودش را دارد و به اصطلاح این الفاظ، مشترک لفظی است نه مشترک معنوی.

اما در مورد افرادی که به جای آقایان مهدوی‌کنی و عسگر اولادی محور وحدت اصول‌گرایان باشند، معتقدم که اولا نیازی نیست که حول افراد وحدت شود بلکه محور باید همان اصول و مبانی فکری مشخص و مورد توافق باشد. آقایان مهدوی‌کنی و عسگراولادی هم چندان محور نبودند و حرف آنها چندان مطاع نبود. ولی اگر نیاز به حَکَم وجود داشته باشد فکر می‌کنم آقایان ناطق نوری و علی لاریجانی از معتدلها و آقایان حسینیان و حداد عادل از تندروها و آقای بادامچیان از مؤتلفه می‌توانند شورایی را تشکیل دهند. با ورود جامعه روحانیت یا جامعه مدرسین در این مسائل مخالف هستم چون به جایگاه اینها آسیب می‌زند و اینها باید حالت پدرانه داشته

و اختصاص به گروه خاص نداشته باشند بلکه چتری بر اصول‌گرا و اصلاح‌طلب باشند. این دو جامعه باید روش مؤسس خود یعنی شهید مطهری را که تعصب گروهی نداشت دنبال کنند.

آقای لاریجانی در صدد تشکیل حزبی با عنوان رهروان ولایت هستند. فکر می‌کنید تشکیل چنین حزبی چقدر می‌تواند کارآمد باشد؟ آیا بهتر نبود که ایشان در تشکل‌های سابق اصولگرایان به فعالیت حزبی خود ادامه دهند؟

من اطلاع دقیقی ندارم و اطلاعاتم در حد شنیده‌هاست. اگر ایشان اصول‌گرایی به معنی واقعی را دنبال کند یعنی همزمان از حقوق ملت و حقوق نظام دفاع کند و یکی را فدای دیگری نکند و بر آزادی بیان تأکید و بتواند قدرت ابداع و ابتکار داشته باشد و همه چیز را وصل به ولایت فقیه نکند و به گونه‌ای رفتار کند که همه معتدلها اعم از اصول‌گرا و اصلاح‌طلب را جذب کند و دیوار مصنوعی میان اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی را ویران کند، می‌تواند موفق باشد و الاّ تکرار همان گروه‌های قبلی است.

مجلس؛ مکانی است که در آن هر یک از نمایندگان باید امکان طرح دیدگاه و سخن خود را داشته باشند و کسی نمی‌تواند این حق را از آنان سلب کند. در چنین فضایی، طبیعی است که گرایش‌های مختلف به دنبال بیان مواضع خود باشند و طرف مقابل هم موضع خود را بیان کند. این؛ طبیعت مجلس است، گرچه این اعلام مواضع گاهی توام با توهین و افترا می‌شود، اتفاقی که در جلسه دیروز افتاد که البته اخلاقی نیست. درخصوص معرفی نامزد برای نمایندگی قوه‌مقننه در شورای نظارت بر صداوسیما و نیز هیات نظارت بر مطبوعات، کمیسیون فرهنگی با توجه به اکثریتی که دارد، از اختیار قانونی خود که در ماده ۲۱۸ آیین‌نامه داخلی مجلس وجود دارد استفاده نادرست کرد.

آنان به این مهم بی‌توجه بودند که قرار است نماینده قوه‌مقننه در هیات نظارت بر مطبوعات انتخاب شود نه نماینده کمیسیون فرهنگی و یک گرایش خاص فکری.

نوعی بی‌تدبیری در این مساله اتفاق افتاد و دو شخص خاص از یک تیپ فکری، آن هم تندرو، به مجلس معرفی شدند در حالی که در چنین مواردی باید دست مجلس باز باشد تا افراد بتوانند به گرایش موردنظر خود رای بدهند. بنده برای بازشدن دست‌کمیسیون فرهنگی و نیز ازبین‌رفتن شبهه تاثیر نسبت خانوادگی با رییس مجلس در تصمیم هیات‌رییسه، با اینکه نفر سوم در رای‌گیری کمیسیون با اختلاف یک رای بودم، از نامزدی انصراف دادم تا مشکل حل شود و کمیسیون فرهنگی که در واقع با من مشکل داشت نفرات بعدی را معرفی کند ولی آنها روی نظر خود پافشاری کردند و در نتیجه جلسات اخیر مجلس با تنش در صحن بر سر این موضوع همراه شد. تضعیف آقای لاریجانی یک هدف کلی برای تندروهای مجلس است که به هر بهانه‌ای حمله‌ای را تدارک می‌بینند و این در ماجرای برهم‌زدن سخنرانی ایشان در قم و جلسه علنی روز گذشته و مانند اینها قابل مشاهده است.

با وجود این، روز گذشته دکتر لاریجانی به‌خوبی جلسه را اداره کرد و پاسخی درخور تامل به اتهام آنها داد که «دیکتاتوری اقلیت، بدتر از آن چیزی است که مرا به آن متهم می‌کنید.»

تجربه نشان داده که این گروه همچنان به دنبال تنش و حاشیه‌سازی خواهد بود. راهکار مواجهه با آنها این است که نمایندگان معتدل که تعداد آنها کم نیست، انسجام بیشتری داشته باشند و فرصت عرض‌اندام به این افراد را ندهند. واقعیت این است که اکثر نمایندگان، این تفکر را قبول ندارند اما به دلیل فقدان انسجام کافی میان آنها گاهی تندروها ابتکار عمل را به دست می‌گیرند. آنها دارای تشکیلات و برنامه هستند و از محافلی خارج از مجلس خط می‌گیرند. گاهی مجلس را در مقابل عمل انجام‌شده قرار می‌دهند و نمود خارجی آن این است که کل مجلس تندرو است.

نظر "علی مطهری" در مورد قیاس استاد مطهری و دکتر شریعتی

فرزند استاد مطهری با اشاره به قیاس شهید مطهری با دکتر شریعتی گفت: شهید مطهری یک اسلام شناس بوده و دکتر شریعتی یک جامعه‌شناس است و این دو شخصیت قابل قیاس با هم نیستند. به گزارش خبرگزاری خانه ملت به نقل از باشگاه خبرنگاران؛فردا پنج شنبه ۲۹ خرداد سالروز درگذشت دکتر علی شریعتی (۱۳۵٦) است.فعالیت دکتر شریعتی همزمان با فعالیت‌های استاد شهید مرتضی مطهری بود که وی نیز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ به شهادت رسید. هستند کسانی که همواره درصدد مقایسه این دو شخصیت با یکدیگر بوده و بنا دارند به هر دلیلی یکی از این دو شخصیت برجسته را مورد مقایسه قرار داده و به تخریب آن‌ها دست بزنند. در آستانه سالروز درگذشت دکتر شریعتی موضوع قیاس این دو شخصیت را با علی مطهری فرزند استاد مطهری در میان گذاشتیم. علی مطهری که در حال حاضر به عنوان نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر دور دوم حضور خود در مجلس شورای اسلامی را سپری می‌کند در این رابطه به باشگاه خبرنگاران گفت: شهید مطهری یک اسلام شناس بوده و علوم اسلامی را از سرچشمه‌های اصیل گرفته بود. وی افزود: هم چنین شهید مطهری اساتید بزرگی را دیده و خودش نیز از یک نبوغ خاصی برخوردار بود. وی افزود: اما دکتر شریعتی یک جامعه شناس بود که با تاریخ اسلام و فلسفه تاریخ آشنایی داشت بنابراین این دو شخصیت با هم قابل قیاس نیستند. نماینده تهران تصریح کرد: مطالعات اسلامی دکتر شریعتی از منابع اصیل نبوده، تحصیلاتش در اروپا بوده است بنابراین نباید انتظاری که از شهید مطهری داریم از دکتر شریعتی هم داشته باشیم. وی گفت: به تصریح شهید مطهری اشتباهاتی هم در آثار دکتر شریعتی وجود دارد. وی افزود: بالاخره ضمن اینکه دکتر شریعتی خدماتی را در سوق دادن جوانان به اسلام داشت اشکالاتی هم در آثارش بود. مطهری گفت: گروهی مثل فرقان نیز خودش را مدیون و پیرو دکتر شریعتی می‌داند (گروه فرقان همان گروهی که استاد مطهری را به شهادت رساند). وی تصریح کرد: در کارهای دکتر شریعتی آثار مثبت و منفی با هم وجود داشت. فرزند استاد مطهری در خصوص این که آیا

آثاری از استاد وجود دارد که تا به حال چاپ نشده و یا در دست انتشار است گفت: بله، هنوز آثاری از این دست وجود دارد و انتشارات آن را موسسه صدرا برعهده گرفته است.

دکتر مطهری:باید توجه به فوتبالیست ها و بازیگران سینما در حد خودشان باشد

مصاحبه دکتر علی مطهری با هفته نامه پنجره:

آقای مطهری، در بین نمایندگان مجلس و شاید بین جامعه رجال سیاسی کشور شما از جمله افرادی هستید که به طور مداوم مسائل مربوط به فوتبال را پیگیری می‌کنید و به اصطلاح معروف «فوتبالی» هستید. برای ورود به بحث لطفا قدری از علایق و سوابق فوتبالی خود را بیان کنید.

خب، بنده هم مثل خیلی از افراد به فوتبال علاقه مند هستم. اما طبیعی است که سوابق من در فوتبال به گونه‌ای نیست که یک بازیکن حرفه‌ای باشم. بلکه مثل خیلی از افراد از دوره دبستان تا دبیرستان و بعد از آن در دانشگاه اهل فوتبال بوده و به آن علاقه مند بوده و هستم.

در تیم خاصی هم بازی کرده‌اید؟

خیر، در همان تیم‌های دبیرستانی و دانشگاهی بازی می‌کردم. البته در تیم فوتبال مجلس هشتم شورای اسلامی هم بازی می‌کردم. در مجلس نهم نیز در مسابقات پیشکسوتان جام یونس شکوری در چند بازی حضور داشتم.

چه پستی بازی می‌کردید؟

بیشتر به عنوان مهاجم بازی می‌کردم.

هنوز هم بازی می‌کنید؟

بله، اما نسبت به قبل کم شده است. مثل دوره مجلس هشتم نیست. آن موقع شاید هفته‌ای یک بار فوتبال بازی می‌کردیم اما متاسفانه کمی تنبل شده‌ایم و کمتر بازی می‌کنیم.

یکی از مسائل مشهود در دنیای فوتبال سیاسی شدن این ورزش است. البته این موضوع چه در دنیا و چه در ایران به همین شکل است. شما به عنوان کسی که هم فردی سیاسی است، هم به مسائل نگاه فرهنگی دارد و هم به فوتبال علاقه‌مند است، مهم‌ترین علل وقوع چنین مسئله‌ای را در چه می‌دانید؟

ببینید، شاید ریشه این قضیه جذابیت بازی فوتبال است و طبعا مردم نسبت به این ورزش علاقه نشان می‌دهند و بازیکنان و دست اندرکاران فوتبال طبیعتا مورد توجه مردم هستند. در نتیجه سیاسیون هم نسبت به این موضوع طمع پیدا می کنند تا از طریق فوتبال بتوانند محبوبیت و آراء بیشتری کسب کنند. این امر باعث می‌شود که گاهی تلاش کنند در مناصب مختلف مرتبط با فوتبال مانند هیات امنای باشگاه‌ها یا در فدراسیون‌ها به نوعی حضور داشته باشند و از فوتبال به عنوان یک ابزار در سیاست استفاده کنند. البته در سایر کشورها نیز این موضوع کم و بیش صدق می‌کند.

حضور سیاسیون در فوتبال ایران و دیگر کشورها چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

در بسیاری از کشورها باشگاه های فوتبال خصوصی هستند و باهم رقابت سالم دارند اما در ایران بیشتر باشگاه ها دولتی هستند و خود این امر باعث لغزش می‌شود که گاهی برای تقویت باشگاهی از اموال دولتی استفاده شود و شرایط باشگاه‌ها برای رقابت یکسان نباشد.

حالا با توجه به معضلاتی که مطرح کردید چطور می‌توان جلوی این بحران یعنی سیاسی شدن فوتبال آن هم به این شدت را گرفت؟

اول اینکه باید به فوتبال و بازیکنان فوتبال در حد خودشان اهمیت داده شود. فوتبال جاذبه‌ای دارد که طبیعی است. در حقیقت نوع این بازی به گونه‌ای است که اکثر مردم از تماشای آن لذت می‌برند. شما وقتی به دیگر ورزش‌ها نگاه می‌کنید می‌بینید این میزان جاذبه در آنها وجود ندارد. پس نمی‌توان گفت این جاذبه را به جامعه تزریق کرده‌اند بلکه به طور طبیعی در بین مردم به وجود آمده است. البته تبلیغات جهانی نیز که به فوتبال به شکل یک صنعت نگاه می‌کنند تأثیر داشته است ولی اگر این جاذبه ذاتی نبود آن تبلیغات هم چندان مؤثر نبود. ولی توجه به این نکته مهم است که به بازیکنان فوتبال در حد خودشان نگاه کنیم. ارزش بیش از حد به آنها ندهیم و نباید به گونه‌ای باشد که یک فوتبالیست را به عنوان الگوی زندگی خود قرار دهیم. یک فوتبالیست فردی است که خوب فوتبال بازی می‌کند. ممکن است از نظر شخصیتی و اخلاقی هم فرد شایسته‌ای باشد و ممکن است اینطور نباشد. نه تنها فوتبالیست‌ها، بلکه در مورد

بازیگران سینما نیز باید همین نگاه را داشته باشیم. کسانی مثل فوتبالیست‌ها و هنرپیشه‌ها افرادی هستند که چشم جامعه به آنهاست و چشمها را پر می‌کنند و طبعا ممکن است برخی افراد تحت تاثیر آنها قرار بگیرند. باید توجه به این قشر از جامعه در حد خودشان باشد و درسی که از این عزیزان می‌گیریم می‌تواند همان پشتکار و تلاش و کوششی که انجام می‌دهند باشد. نگاه به این قشر نباید فراتر از این باشد تا جایی که مثلا در سبک زندگی خود آنها را الگو قرار دهیم.

تاکید شما بر این موضوع از چه جهت است؟

وقتی جوان بیست و چند ساله‌ای به یک ستاره فوتبال تبدیل می‌شود و درآمد سرسام آوری هم داشته باشد ممکن است ظرفیت این شهرت و این پول و ثروت را نداشته باشد واحیانا به انحراف کشیده شود. اینها مسائلی است که لازم است به آنها توجه شود. به نظر می‌رسد افرادی مانند بازیکنان فوتبال و هنرپیشگان بیشتر از دیگران محتاج کلاس‌های اخلاق باشند، برای اینکه مراقبت کنند که مبادا در اثر این موقعیتی که پیدا کرده‌اند دچار لغزش شوند.

یعنی در حقیقت علت نیاز به مراقبت بیشتر را به خاطر سطح بالای اثر گذاری آنها در جامعه می‌دانید؟

هم از این جهت و هم از جهت افزایش احتمال لغزش آنها از نظر اخلاقی و مالی. باید دائم به آنها گوشزد شود که شماها در دید جامعه هستید و عده‌ای به طور طبیعی شما را الگو قرار می‌دهند. لذا فوتبالیستها و هنرمندان باید نوع رفتار خود در جامعه را مورد دقت زیادی قرار دهند.

به موضوع الگو برداری اشاره کردید. به نظر شما چرا در جامعه ما که لازم است اندیشمندانی چون پدر بزرگوار شما شهید مطهری یا شهدای دفاع مقدس به عنوان الگو بوده و حتی الگوی خود فوتبالیست‌ها و هنرپیشگان شوند متاسفانه شاهد هستیم یک وارونمایی رخ داده و فوتبالیستها به عنوان الگوی بخشی از جامعه قرار می‌گیرند؟

البته بزرگان و شهدا در جای خود الگو هستند و هیچ کس جای آنها را نمی‌گیرد و اشکالی ندارد که مثلا فوتبالیستها نیز از یک جهت خاص مثلا تلاش و امید به پیروزی در طول نود دقیقه که مثال زندگی انسان است الگو واقع شوند ولی مهم این است که لزوما آنها از همه جهات الگو نیستند. همان طور که عرض کردم باید به جامعه فوتبالیستها و هنرمندان در حد خودشان نگاه کرد و از آن‌ها تجلیل کرد. به عنوان مثال در برنامه‌های صدا و سیما در اعیاد مختلف حالا چه اعیاد مذهبی و چه اعیاد ملی بیشتر از این قشر جامعه دعوت می‌شود که با حضورشان در یک برنامه شور و شعف ایجاد کنند. قطعا این اقدامات در الگو واقع شدن آن ها تاثیر دارد. هیچ اشکالی ندارد که صدا و سیما از اقشار مختلف دعوت کند. نمی‌گویم از این عزیزان دعوت نشود ولی از اقشار دیگر جامعه مانند معلمان موفق، پزشکان و مهندسان موفق نیز دعوت شود تا همه ارزشهای اجتماعی و اخلاقی ارج نهاده شوند.

بنابراین شما رسانه‌ها، خصوصا رسانه ملی را نیز در این اسطوره سازی‌های غلط موثر می‌دانید؟

بله رسانه ها نیز مقصر هستند. ببینید این اقدامات در رفتار و کردار این عزیزان هم تاثیر می‌گذارد. شاید اگر ما هم به جای آن ها باشیم دچار این مشکلات بشویم. الان خود بنده که مدتی است در عالم سیاست هستم وقتی ببینم همه روزنامه‌ها عکس من را چاپ کرده‌اند یا در خیلی از محافل از من صحبت می‌شود خب بی‌تاثیر نیست. یعنی ما نمی‌توانیم بگوییم که این شرایط هیچ اثری روی انسان نمی‌گذارد. حالا بنده در یک خانواده‌ای بزرگ شده‌ام که فرزند شهید مطهری هستم ممکن است مقاومتم بیشتر باشد اما یک جوان بیست و چند ساله‌ای که از شهرستان به تهران آمده و ناگهان می‌بیند عکس‌های او در روزنامه چاپ شده و به شدت مورد توجه بوده و الگو واقع شده است خب ممکن است ظرفیت آن را نداشته باشد و پایش بلغزد. بعد شاهد هستیم که گاهی به صورت تیپ‌های خاص در می‌آیند و مثلا موهای خود را دم اسبی می‌کنند یا ابرو برمی‌دارند. خیلی باید مراقبت کرد چرا که این عزیزان با توجه به شرایطی که پیدا می‌کنند خیلی در معرض خطر قرار می‌گیرند. لذا وزارت ورزش نیز باید به جنبه فرهنگی فوتبال بیشتر توجه کند.

شما قرمز هستید یا آبی؟

طرفدار هیچ تیم خاصی نیستم. طرفدار تیمی هستم که خوب بازی کند. حالا چه در داخل باشد و چه در خارج از کشور. ولی خب بارها گفته‌ام که سبک بازی تیم ملی برزیل را خیلی می‌پسندم.

شهید مطهری به موضوع فوتبال و مسائل مرتبط با آن چه نگاهی داشتند؟ یعنی اظهار نظر خاصی نمی‌کردند؟

این که به صورت یک موضوع مستقل به آن نگاه کرده باشند خیر. اما خب گاهی که ما فوتبال بازی می‌کردیم برای ایشان جالب بود. یک بار آمدند گفتند این فوتبال که این همه می‌گویند و شما بازی می‌کنید چیست؟ بعد آمدند در حیاط منزل و با من و برادرم که در حال بازی فوتبال بودیم، قدری بازی کردند. همچنین در جریان بازی فوتبال ایران و اسرائیل که در زمان شاه برگزار شد ایشان برای شنیدن شعارهای مردم موضوع را دنبال می‌کردند و از رادیو گوش می‌دادند. وقتی مردم شعارهایی علیه اسرائیل سر می‌دادند ایشان خیلی خوشحال می‌شدند و رشد اجتماعی و سیاسی مردم برایشان جالب بود.

شما جام جهانی را دنبال می‌کنید؟

بله ان شاءالله

تحلیل شما نسبت به گروه ایران و رقبای حاضر چیست؟

نسبت به گروه‌های دیگر در مجموع ایران در گروه خوبی قرار دارد. اگر تیم ملی کشورمان بتواند نتیجه خوبی در بازی اول کسب کند امکان دارد که از این مرحله بالا رود.

پس نگاه مثبتی به صعود ایران از مرحله اول دارید؟

بله من احتمال ۵۰ تا ۶۰ درصد می‌دهم که ایران بتواند از گروه خود صعود کند.

به عنوان سوال آخر اگر امکان دارد یک تحلیل کلی از تیم ملی و شرایط فعلی حاکم بر آن بفرمایید.

به نظرم اگر از آقایان کریمی، صادقیان و رحمتی دعوت می‌شد بهتر بود و نمی‌دانم چرا از این افراد دعوت به عمل نیامد. به نظر بنده این دوستان می‌توانستند در موفقیت تیم ملی موثر باشند. آقای خسرو حیدری را هم یک بازیکن بالاتر از سطح آسیا می‌دانم. نبود آقای مجتبی جباری هم مایه تأسف است. فدراسیون فوتبال می‌توانست این مشکلات را حل کند.

پیش‌بینی نتایج ایران در جام ملت‌ها سخت است/ همه به تیم‌ملی کمک کنند

نماینده مردم تهران در مجلس با بیان اینکه با توجه به شرایط تیم ملی، پیش‌بینی نتایجش در این تورنمنت بسیار سخت است، گفت: بازیکنان باید در حد توانشان برای تیم ملی ایران بازی کنند.

علی مطهری در گفت‌وگو با خبرنگار مهر، پیش‌بینی نتایج تیم ملی ایران را در مسابقات جام ملت‌های آسیا بسیار سخت دانست و گفت: شرایط تیم ملی برای حضور در جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۵ – استرالیا بسیار حساس است. با توجه به اتفاقات اخیر، بازیکنان ما باید بسیار هوشیار باشند و سعی کنند با تمام توانشان در این تورنمنت حضور پیدا کنند.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا مشکلات اخیر می‌تواند در روند نتیجه‌گیری این تیم تاثیر بگذارد؟، خاطرنشان کرد: متاسفانه این اتفاقات بی‌تاثیر نخواهد بود، اما همه باید تلاش کنیم تا تیم ملی ایران بتواند در این مسابقات سربلند باشد.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: امیدوارم مسئولان ورزش کشور تمام تلاش خود را انجام دهند تا بازیکنان ایران بتوانند با تمرکز روی این مسابقات، عملکرد بسیار خوبی بسیار داشته باشند. در این شرایط همه مسئولان، کارشناس و هواداران باید به تیم ملی برای رسیدن به موفقیت در جام ملت‌ها کمک کنند.

مطهری در پایان گفت: از بازیکنان می‌خواهیم تا با غیرت و همتی که همیشه داشته‌اند، در تورنمنت هم از خود نشان دهند و از مردم هم می‌خواهیم که دعای خیرشان را بدرقه راه آنان کنند

مطهری در گفتگو با نامه‌نیوز: برخی معتقدند آیت‌الله هاشمی هم باید مانند آیت‌الله منتظری حذف شود/ شورای نگهبان اجازه تشکیل مجلس اصلاح‌طلب را نمی‌دهد/ توانایی ناطق‌نوری در کنار هم قرار دادن اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل

محمدحسین شریعتمدار- سال های زیادیست که از سایه فرزند شهید مطهری بودن بیرون آمده است. علی مطهری حال دیگر با سابقه دو دوره نمایندگی مردم تهران و موضع گیری ها و اظهارات جسورانه و صریح اش از جمله سیاستمداران شناخته شده و محبوب است. مطهری که با برچسب اصولگرایی پا به ساختمان هرمی شکل بهارستان گذاشته بود به سرعت مسیرش را مستقلانه و معتدلانه تعریف کرد و به دور از دسته بندی های سیاسی و حزبی به حمایت و نقد دولت سابق و دیگر اتفاقات سیاسی کشور می پرداخت. رویکردی که گاهی منتقدانش با تکیه بر آن، او را اصلاح طلب می نامند.

مطهری که در انتخابات ریاست جمهوری اخیر در حمایت از آیت الله هاشمی و بعد از آن حسن روحانی به صحنه آمد. او که زمانی از منتقدان سیاست های دولت سازندگی و هاشمی رفسنجانی بود این روزها اما او را یک مصلح واقعی و دلسوز انقلاب می داند که زودتر از همه خطر انحراف در مبانی انقلاب در دولت قبل را احساس کرد. وی در گفتگوی نوروزی با نامه نیوز، به بررسی تحولات سیاسی کشور در یک سال اخیر از انتخابات ریاست جمهوری، رویکرد دولت احمدی نژاد، روی کار آمدن دولت جدید و نحوه انتخاب وزرا و استانداران، ناکامی اصولگرایان و نقش آیت الله هاشمی، ناطق نوری و خاتمی در پیروزی کاندیدای مورد حمایت اصلاح طلبان و ... پرداخت.

آقازاده آیت الله شهید مطهری در پیش بینی انتخابات مجلس دهم و ترکیب مجلس آینده معتقد است همه چیز بستگی به عملکرد شورای نگهبان و رد صلاحیت ها دارد.

مشروح گفتگوی نوروزی نامه نیوز با نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی را در ادامه بخوانید؛

***

توصیف شما از انتخابات ۲٤ خرداد سال ۱۳۹۲ چیست؟

۲٤ خرداد ۹۲ را می‌توان روز اصلاح مسیر انقلاب یا روز به بار نشستن تلاش‌های مصلحان واقعی جامعه و منتقدان دلسوز دانست.

آیت الله هاشمی و ناطق نوری از مصلحان واقعی و دلسوزان انقلاب هستند

منظورتان از مصلحان واقعی و منتقدان دلسوز جامعه چه کسانی است؟

کسانی که دلشان برای انقلاب می‌سوزد مثل آقای هاشمی رفسنجانی و آقای ناطق نوری.

فسادهای اقتصادی اخیر ریشه در دولت سابق دارد

بسیاری معتقدند سال ۹۲ به دلیل برگزاری انتخابات حماسه سیاسیِ مدنظر مقام معظم رهبری نیز صورت گرفت؛ اما در همین سال نشانه‌هایی از فساد در کشور وجود داشت و عملاً حماسه اقتصادی اتفاق نیفتاد و مردم شاهد حماسه اقتصادی نبودند؛ به نظرتان چرا در این مورد موفق نبودیم؟

حماسه اقتصادی نیاز به زمان دارد. انتظار بالایی است که بگوییم باید حماسه اقتصادی در سال ۹۲ به طور کامل اتفاق می‌افتاد. همین که مقدمات آن فراهم و گام‌هایی در این راه برداشته شد، کافی است. قطعاً طی چند ماه نمی‌توانستیم به حماسه اقتصادی دست یابیم. به نظرم مقصود رهبر انقلاب نیز این نبود که حماسه اقتصادی در این سال به طور کامل اتفاق بیفتد؛ قطعاً مقصود ایشان این بوده است که ما در این مسیر قرار بگیریم و مقدمات آن فراهم شود. فسادهای اقتصادی که در این چند ماه مطرح شد ریشه در دولت سابق دارد.

آیا آقای روحانی و دولتش در مسیر تحقق حماسه اقتصادی قرار گرفته اند؟

اصلاح دیپلماسی، گشایشی در اقتصاد فراهم کرد. گذشته از این، ایشان توانستند تورم را کنترل کنند و تورم نقطه به نقطه را پایین بیاورند. رشد اقتصادی کشور نیز از حالت منفی به سمت صفر در حال حرکت است. به نظر می‌رسد که در مجموع موفق بوده‌اند.

به نظرم متعهد بودن دولت آقای روحانی به اجرای قانون، خود گام بلندی است. با دولت قبلی یک مشکل اساسی داشتیم و آن بی‌انضباطی مالی بود. بی‌انضباطی مالی دولت گذشته باعث بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی شد. مثلاً بودجه مسکن مهر از راه غیرقانونی و با استقراض از بانک مرکزی تأمین می‌شد و پایه پولی کشور آسیب می‌دید یا در اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها تخلف صورت می‌گرفت. باید نیمی از درآمد حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی به خانواده‌ها پرداخت می‌شد و بقیه به بخش تولید و بخش دولتی تعلق می‌گرفت، اما تمام این درآمد به علاوه مبالغی که از بخش‌هایی مانند شرکت نفت و وزارت نیرو برداشت می‌شد به خانواده‌ها تعلق گرفت که همه این عوامل تورم‌زا بود. دولت طبق قانون به هر فرد فقط می توانست ۱۵۰۰۰ تومان پرداخت کند اما برای خودشیرینی ٤٥٥۰۰ تومان پرداخت کرد که این مشکلات را به وجود آورد. دولت گذشته بیشتر به دنبال تبلیغات بود. همین که دولت آقای روحانی بر پایبندی به قانون تأکید می‌کند، امیدوارکننده است که اقتصاد را سر و سامان خواهد داد.

از ابتدا قرار نبود ارتباط مان با جهان قطع شود

به بحث دیپلماسی اشاره کردید، فارغ از اتفاقات مهم در سیاست داخلی که شاخص ترین آن را می توان انتخابات ٢٤ خرداد دانست، با روی کار آمدن دولت جدید شاهد تغییر رویکرد در عرصه سیاست خارجی هم بودیم که البته انتقاداتی را نیز سبب شده است، تحلیل شما از این اصلاح رویکرد چیست؟

ما به اصول و مبانی اولیه انقلاب بازگشتیم. از ابتدا قرار نبود ارتباط‌مان با جهان قطع شود؛ بنابراین دوباره به راهبردی که از ابتدای انقلاب داشتیم و خواهان ارتباط با دنیا بودیم، بازگشتیم.

اساساً انقلاب ما انقلابی فرهنگی و فکری است. ما خواهان ابلاغ پیام انقلاب اسلامی به دنیا هستیم و از انزوا و بستن دروازه‌های خود به روی ملل دیگر استقبال نمی‌کنیم.

به نظرم در حال اصلاح سیاست خارجی خودمان هستیم. از ابتدای انقلاب نیز چنین تصمیمی نداشتیم که رابطه‌مان را با دنیا قطع کنیم؛ قطع رابطه ما با آمریکا از طرف آنها و در پی تسخیر سفارت آمریکا صورت گرفت و از ابتدا چنین تصمیمی وجود نداشت.

اصولگرایان به رد صلاحیت‌های شورای نگهبان دل بسته بودند

در بعد سیاست داخلی مهمترین اتفاقی که در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری حاصل شد این بود که اصولگرایان علی رغم امیدواری به پیروزی نتوانستند کاندیداهای مورد حمایت شان را بر کرسی ریاست جمهوری بنشانند، در مقابل اصلاح طلبان با اجماع لحظه آخری نتیجه انتخابات را به نفع خود تغییر دادند. تحلیل شما از اتفاقات رخ داده چیست؟

به نظرم اصولگرایان خیال آسوده‌ای داشتند از این که یک کاندیدای قوی اصلاح‌طلب یا مستقل وجود ندارد و فکر می کردند رقابت بین خودشان است؛ همچنین به رد صلاحیت‌های شورای نگهبان دل بسته بودند و رقیب سرسختی را در نظر نداشتند؛ بنابراین احساس نیاز به اتحاد نمی‌کردند و در واقع خود را از پیش پیروز می‌دانستند. از طرفی چون اصلاح‌طلبان تحت فشار و از نظر تعداد کاندیدا در اقلیت بودند، به راحتی متحد شدند.

پیروزی روحانی تنها نتیجه رفتار اصلاح‌طلبان نبود، شخصیت و گفتمان خود او هم تاثیر داشت

نوع رفتار اصلاح‌طلبان در پیروزی آقای روحانی مؤثر بود. ورود آقای خاتمی و کنار رفتن آقای عارف مؤثر بود. آقای هاشمی رفسنجانی اصلاح‌طلب اصطلاحی نیستند ولی ثبت‌نام و رد صلاحیت ایشان تأثیر بسیاری داشت. مهم‌تر از همه این عوامل گرایش و تمایل مردم بود. مردم از رفتار دولت و هوادارانش در هشت سال گذشته راضی نبودند و به دنبال گفتمان جدید بودند. آقای روحانی در رقابت‌های انتخاباتی توانست این گفتمان را معرفی و جاذبه‌ای برای آن ایجاد کند. نوع رفتار و گفتمان آقای روحانی به دل مردم نشست؛ بنابراین ایشان توانست پیروز این

انتخابات شود. به نظرم موفقیت آقای روحانی تنها به نوع رفتار اصلاح‌طلبان مربوط نمی‌شود؛ بلکه شخصیت و گفتمان خود ایشان هم تأثیر داشت.

در دولت جدید اصولگرایان به بازی گرفته نشدند

برخی معتقدند که با روی کار آمدن دولت روحانی اصولگرایان به نحوی منزوی شده اند، اصلاح طلبان هم گرچه سرمست و خوشحال هستند اما هنوز تاثیرگذاری زیادی در عرصه سیاسی کشور ندارند، تصور می کنید جریان جدیدی سکانداری سیاست کشور را برعهده گرفته است یا...

در مجموع در دولت جدید، اصول‌گرایان به بازی گرفته نشدند و همین، مهم‌ترین عامل انتقادات آنهاست. می‌توان گفت اکنون قدرت اجرایی بیشتر در دست اصلاح‌طلبان معتدل است. البته قدرت در نظام جمهوری اسلامی متمرکز نیست. گاهی حاکمیت دوگانه به وجود می‌آید که برای کشور مشکلاتی به همراه دارد. مثلاً در مورد مطبوعات، دولت به تنهایی مسئول نیست. دولت از آزادی بیان و حمایت از مطبوعات آزاد صحبت می‌کند و خود را مسئول و توقیف را آخرین راه‌حل می‌داند؛ ولی می‌بینیم که قوه قضاییه اعلام می‌کند که فلان روزنامه توقیف شد. بنابراین نمی‌توان همه مسئولیت را متوجه دولت دانست. یا در مورد فیلتر کردن سایت‌ها، کارگروه تعیین مصادیق جرایم رایانه‌ای سایت‌های خبری را فیلتر می‌کند؛ در حالی که طبق قانون، آنها زیر نظر هیئت نظارت بر مطبوعات هستند. پس این‌طور نیست که رئیس‌جمهور پس از رأی آوردن بتواند به همه تعهداتش درباره آزادی بیان یا حقوق شهروندی عمل کند.

روحانی در انتخاب استانداران و وزرا موفق نبود و از اصولگرایان معتدل بسیار کم استفاده کرد

منظورم کسانی هستند که در دولت حضور دارند. دولتی‌ها را از چه جنسی می‌دانید؟ بسیاری درباره اصلاح‌طلب یا اصول‌گرا بودن آقای روحانی اختلاف نظر دارند؟ آیا می‌توان گفت جریان سومی در کنار اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در حال شکل گرفتن است؟

جریان سوم به معنی یک جریان مستقل در کار نیست بلکه ترکیبی از دو جریان قبل است. بهتر است بگوییم سیره و نوع رفتار سیاسی سومی مطرح شده که البته در عمل دچار نقص شده است. طبق شعار اعتدال باید اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان معتدل سر کار می‌آمدند تا نشان دهیم که این دو گروه می‌توانند با یکدیگر همکاری و روش جدیدی ایجاد کنند. آقای روحانی در این‌باره موفق نبود و در انتخاب وزرا و استانداران از اصول‌گرایان معتدل بسیار کم استفاده کرد و علت این که مجلس عکس‌العمل نشان می‌دهد همین موضوع است. اصولگرایان احساس می‌کنند که در امور اجرایی نقشی ندارند و گروهی که احساس کند نقشی در حکومت ندارد کم‌کم به اپوزیسیون تبدیل می‌شود. بنابراین هدفی که وجود داشت، تحقق نیافت.

در دیدار فراکسیون رهروان ولایت با آقای روحانی ضمن تأیید کلی دولت ایشان، برخی کاستی‌ها را بیان کردم. به هرحال نمی‌توان گفت که گفتمان سومی با اصول و مبانی فکری جدید ایجاد شده بلکه باید گفت روش سومی برای سیاست‌ورزی به نام اعتدال مطرح شده است.

فارغ از اینکه گفتمان سومی ایجاد شده یا نشده است برخی معتقدند اعتدال جریان گفتمانی نیست بلکه یک منش و روش است. آیا می‌توان اعتدال را جریان تلقی کرد؟

نه، جریان سوم نیست، بلکه یک سیره و روش است که اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان معتدل می‌توانند در کنار یکدیگر فعالیت کنند. اعتدال، مبانی و اصول جدیدی معرفی نکرده است؛ در واقع بیان می‌کند که در رفتار و روش‌مان بر اساس اصول و مبانی معهود و برای رسیدن به آرمانها اعتدال داشته باشیم؛ یعنی کسی که اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب است، معتدل باشد؛ بنابراین نمی‌توان گفت که اعتدال جریان سومی است.

روحانی باعث شد اصلاح طلبان به قدرت بازگردند و بعید است که قصد عبور از روحانی را داشته باشند

آقای مطهری، درباره نقش کم‌رنگ اصول‌گرایان و نقش پررنگ اصلاح‌طلبان در دولت آقای روحانی صحبت کردید. اصلاح‌طلبان را تا چه اندازه با آقای روحانی همراه می‌دانید؟ به نظرتان

آقای روحانی پل بازگشت اصلاح‌طلبان به سیاست هستند؟ و آیا این موضوع را که اصلاح‌طلبان از آقای روحانی عبور خواهند کرد، قبول دارید؟

نه، بالاخره آقای روحانی باعث شدند که اصلاح‌طلبان به قدرت بازگردند و آنها قدر این فرصت را می‌دانند و بعید است که قصد عبور از آقای روحانی را داشته باشند. آنها تجربه دوره اصلاحات را دارند و بسیاری از تندروهایشان به تندروی‌ها و اشتباهات خود اعتراف دارند.

یعنی مشابه پروژه عبور از خاتمی در مورد آقای روحانی اتفاق نمی‌افتد؟

نه، فکر نمی‌کنم. اصول‌گرایان تندرو به این موضوع دامن می‌زنند و دوست دارند این موضوع اتفاق بیفتد؛ ولی بعید می‌دانم که اتفاق بیفتد.

اصولگرایان تندرو دوست دارند روحانی شکست بخورد

دلیل دامن زدن آنها چیست؟

آنها دوست دارند دولت آقای روحانی شکست بخورد و راهی که باز شده است به نتیجه نرسد. لذا به هر بهانه‌ای انتقاد می‌کنند. آنها که حسن نیت دارند نگران‌اند که نکند شرایط فرهنگی به دوره اصلاحات بازگردد؛ مثلاً ترویج سکولاریسم دوباره زنده شود. گاهی پیشداوری می‌کنند در حالی که به صرف احتمال نمی‌توان اعتراض و اقدام کرد. به عبارت دیگر نباید قصاص قبل از جنایت کرد.

به تندروها و اختلاف میان اصول‌گرایان اشاره کردید. اختلاف میان اصول‌گرایان باعث شده است افرادی مانند شما، آقای ناطق نوری و حتی آقای روحانی از اصول‌گرایان دور شده و بیشتر به جناح رقیب متمایل شوید، به نظرتان این اختلافات تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟

قاعدتاً اصول‌گرایان با وحدت حرکت خواهند کرد؛ چون احساس می‌کنند رقیب سرسختی پیدا کرده‌اند. آنها تا قبل از انتخابات ۹۲ تصور می‌کردند که جریان و گفتمان اصلاح‌طلبی از صحنه

جامعه خارج شده است و شورای نگهبان نیز اجازه نخواهد داد که آنها برگردند. ولی در فضای موجود، اصول‌گرایان بیشتر از گذشته به فکر اتحاد هستند.

در قسمتی از صحبت‌هایتان اشاره کردید که گروه اقلیت زودتر به اجماع می‌رسند؛ همچنین اشاره کردید که چون اصول‌گرایان رقیب سرسختی در مقابل خود دارند به سمت وحدت حرکت خواهند کرد. چرا وقتی یکی از دو جناح حاکم می‌شود، اختلافات در جناح حاکم افزایش می‌یابد و جناحی که خارج از قدرت است، روزبه‌روز منسجم‌تر می‌شود؟ چرا اصول‌گرایان از اتفاقی که برای اصلاح‌طلبان افتاد درس نگرفتند و اجازه دادند که اختلافات منجر به شکست شود؟

این موضوع یک قاعده اجتماعی است. همیشه اکثریت دچار تفرقه و اقلیت متحد می‌شوند و این امر موجب شکست اکثریت می‌شود. جاذبه قدرت، انسان‌ها را غافل می‌کند. خلوص نیت افراد در یک حد نیست. بسیاری از افراد فقط دنبال قدرت هستند. اختلافات سیاسی صرفاً ماهیت فکری ندارد که بگوییم فقط اختلاف فکری وجود دارد؛ بلکه بخشی از آن ناشی از کسب قدرت است. اختلافات میان افراد یا تشکل‌های هر گروه سیاسی به ویژه زمانی که خیال‌شان از رقیب آسوده باشد افزایش می‌یابد.

ترکیب مجلس دهم به نوع رفتار شورای نگهبان بستگی دارد/ مجلس آینده افراد حر و آزاده بیشتری خواهد داشت

با توجه به اتفاقات چندماه اخیر سیاست کشور، ترکیب مجلس دهم را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

به نظرم برای پیش‌بینی زود است و این موضوع به مسائل مختلفی مانند عملکرد دولت بستگی دارد. اگر دولت در مدت دو سال باقی‌مانده تا انتخابات مجلس عملکرد خوبی داشته باشد و رضایت مردم را جلب کند طبعاً مردم بیشتر به هواداران گفتمان دولت رأی خواهند داد. همچنین ترکیب مجلس دهم به نوع رفتار شورای نگهبان بستگی دارد. اگر افراد مؤثر جریان اصلاحات یا مستقل را حذف کنند مجلس خوبی نخواهیم داشت. به هر حال برای پیش‌بینی زود است ولی قاعدتا مجلس آینده افراد حر و آزاده بیشتری خواهد داشت.

شورای نگهبان اجازه نخواهد داد یک مجلس مستقل یا اصلاح طلب بوجود آید

به نظرتان مانند گذشته رد صلاحیت‌های گسترده اتفاق می‌افتد؟

به نظرم اتفاق می‌افتد و شورای نگهبان اجازه نخواهد داد یک مجلس مستقل یا اصلاح‌طلب به وجود بیاید و در مجموع ترکیبی با اکثریت اصول‌گرا و اقلیت قوی اصلاح‌طلب و مستقل ایجاد خواهد شد.

آیت الله هاشمی زودتر از همه درباره به انحراف کشیده شدن انقلاب اعلام خطر کردند

آقای مطهری! دوره‌ای شما یکی از منتقدان آقای هاشمی رفسنجانی بودید اما در انتخابات ۹۲ از ایشان دعوت کردید تا کاندیدا شوند؟ چرا این تغییر نگاه در شما اتفاق افتاد؟

منتقد بودم و الان نیز به بعضی از رفتارها در دوران سازندگی انتقاد دارم و تغییر نگاهی رخ نداده است. ولی در هشت سال اخیر آقای هاشمی زودتر از همه درباره به انحراف کشیده شدن انقلاب اعلام خطر کردند. ایشان مظلوم واقع شدند و حملات بسیار ناجوانمردانه‌ای علیه‌شان صورت گرفت و لازم بود که از ایشان دفاع شود. راهی که پیشنهاد می‌کردند راه درست و راه نجات کشور بود؛ بنابراین از ایشان حمایت کردم.

چرا هشدارهای آقای هاشمی رفسنجانی از جانب اصول‌گرایان جدی گرفته نشد؟

تلقی نادرستی از آقای هاشمی رفسنجانی داشتند که بیشتر ناشی از کینه شخصی بود. البته معتقدم اگر آقای هاشمی اوایل دولت نهم مقداری با دولت همراهی و حمایت می‌کرد و صرفاً به انتقاد نمی‌پرداخت شاید صحبت ایشان بهتر پذیرفته می‌شد؛ ولی چون از ابتدا فقط انتقاد کردند کمتر پذیرفته شد.

هجمه علیه آیت الله هاشمی تنها مختص اصولگرایان نیست، پیش از آنها اصلاح‌طلبان در دوران اصلاحات از منتقدان آقای هاشمی رفسنجانی بودند و لقب عالیجناب سرخ پوش را به ایشان دادند، ولی امروز اصلاح‌طلبان جزو بزرگ‌ترین حامیان آقای هاشمی رفسنجانی هستند. در میان

اصول‌گرایان نیز چنین اشخاصی حضور دارند. ارزیابی شما از این تغییر رویکردهای سیاسی چیست؟

دو حالت دارد. گاهی عده‌ای به حمایت ایشان نیاز دارند، برای همین از وی حمایت می‌کنند. حالت دوم این که عده‌ای تشخیص دادند که مواضع، مبانی و اصول ایشان گفتمان صحیح و راه نجات انقلاب است. بعضی صرفاً به طمع برخورداری از حمایت آقای هاشمی از وی حمایت می‌کنند و از ایشان به عنوان یک ابزار استفاده می‌کنند و بعدها ممکن است علیه او اقدام کنند. عده‌ای هم معتقدند که ایشان راه معتدلی دارد و به تجربه دریافتند که این راه، راه درست‌تری است.

برخی معتقدند بودند آقای هاشمی هم مانند منتظری باید حذف شود

محمود احمدی‌نژاد در سال ۸٤ از تخریب آقای هاشمی رفسنجانی بهترین استفاده را کردند ولی هشت سال بعد یعنی امسال تخریب آقای هاشمی نتیجه عکس داد، چقدر عملکرد آقای احمدی‌نژاد را مؤثر می‌دانید؟

هر کس که مظلوم واقع شود، مردم از او حمایت می‌کنند. در هشت سال گذشته آقای هاشمی رفسنجانی خیلی مظلوم واقع شدند و به شدت به ایشان حمله می‌کردند و قصد حذف ایشان از انقلاب را داشتند. عده‌ای معتقد بودند همان‌طور که آقای منتظری حذف شد، ایشان نیز باید حذف شود. بزرگ‌ترین اشتباه آقای احمدی‌نژاد تلاش او برای حذف آقای هاشمی بود. مردم از این نوع رفتارها خوش‌شان نمی‌آید؛ در نتیجه کسانی که مخالف آقای هاشمی بودند، حامی ایشان شدند و وقتی ایشان ثبت‌نام کرد شور و هیجانی در کشور ایجاد شد.

برخی ترسیدند اگر هاشمی تایید صلاحیت شود بسیاری از حقایق آشکار شود

تحلیل شما از رد صلاحیت آقای هاشمی رفسنجانی و تاثیرش بر نتایج انتخابات چیست؟

اگر بخواهیم خوش‌بین باشیم، باید بگوییم که به دلیل کهولت سن بود. احساس کردند که رئیس‌جمهور باید جوان‌تر باشد. و اگر بخواهیم بدبین یا واقع‌بین باشیم باید بگوییم که اینها

ترسیدند که آقای هاشمی بیاید و بسیاری از رشته‌های آنها در این هشت سال پنبه شود و حقایق و اسراری آشکار شود.

نقش آقایان هاشمی، خاتمی و ناطق نوری در انتخابات ۹۲ و متعاقب آن تأثیر آنها در فضای فعلی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در انتخابات ۹۲ هر سه نقش اساسی داشتند و در حال حاضر آقای هاشمی تأثیر خوبی دارد ولی آقای خاتمی و ناطق نوری خیلی تأثیرگذار نیستند چون آقای خاتمی اجازه صحبت ندارند و آقای ناطق نوری نیز خودشان کمتر وارد می‌شوند، شاید به ملاحظه تندروها.

عقلای اصلاح طلب و اصولگرا برای دفع خطر افراطی ها بهم نزدیک شده اند

در چندسال اخیر خصوصا انتخابات ریاست جمهوری، آقایان خاتمی، ناطق نوری و هاشمی رفسنجانی به یکدیگر نزدیک شده‌اند و دور یک میز می‌نشینند یا شما و آقای پزشکیان در مجلس رویکردهای مشابه دارید. این هم‌نشینی میان جناح‌های چپ و راست از چه چیزی نشأت گرفته است؟

به نظرم ناشی از تجربه‌ای است که در طول بیش از ۳۰ سال ایجاد شده است. افراد با تجربه به این نتیجه رسیده‌اند که افراط در سیاست نتایج مخرب دارد و از طرفی پیدایش گروه‌های افراطی مانند آنچه در میان برخی از اصول‌گرایان می‌بینیم یا آنچه در میان اصلاح‌طلبان بود، باعث شد تا برای دفع خطر، عقلای دو گروه به یکدیگر نزدیک شوند.

ناطق نوری می تواند میانه روهای اصلاح طلب و اصولگرا را کنار یکدیگر قرار دهد

آقای ناطق نوری را مرد پشت پرده سیاست ایران می‌دانند، تصور می‌کنید ایشان می‌تواند شخصیت‌های میانه‌روی اصلاح‌طلب و اصول‌گرا را در کنار یکدیگر قرار دهد؟

بله می‌تواند. ایشان در انتخابات اخیر نقش مؤثری داشت.

به نظرتان این اتفاق در انتخابات مجلس دهم می‌افتد؟

ایشان قدرت هماهنگ کردن افراد و گروه‌های معتدل را دارد و از مقبولیت خوبی برخوردار است.

خاتمی تاکنون عاقلانه رفتار کرده و از ایجاد تنش جلوگیری کرده است

تحلیل‌تان در مورد رفتار و منش آقای خاتمی چیست؟

به نظرم خوب است. ایشان تا به حال عاقلانه رفتار کرده و از ایجاد تنش جلوگیری کرده است. ایشان راضی به ایجاد تنش نیستند و می‌خواهند فضا به مرور آرام و مساعد شود.

خاتمی درون نظام است/ ندیدم که خاتمی تحریک به آشوب کرده باشد

بعضی از اصول‌گرایان سعی دارند تا آقای خاتمی را خارج از این نظام تعریف کنند. شما آقای خاتمی را درون نظام می‌دانید یا بیرون از نظام؟

درون نظام، برای چه خارج از نظام؟

بعد از اتفاقات سال ۸۸ عده ای وی را خارج از نظام تعریف می کنند؟

به نظرم عملکرد ایشان طبیعی بود. ایشان کاندیدا شد و بعد از آن کنار رفت و به نحوه برگزاری انتخابات و رفتاری که با معترضان صورت گرفت، اعتراض و انتقاد داشت. افراد زیادی نسبت به رفتار آقای احمدی‌نژاد در یکی از مناظره‌ها و عدم عکس‌العمل مقامات عالی کشور نسبت به آن و رفتارها و حملاتی که در روز انتخابات نسبت به ستادهای دو تن از کاندیداها صورت گرفت و به نحوه اعلام نتیجه انتخابات اعتراض داشتند، ایشان نیز مانند بقیه اعتراض داشتند. من ندیدم ایشان تحریک به آشوب کرده باشند.

روحانی می تواند از خاتمی به عنوان نماینده ایران در رابطه با غرب، هاشمی در رابطه با اعراب و احمدی نژاد در رابطه با کشورهای آمریکای لاتین استفاده کند

بعضی معتقدند که آقای روحانی باید از ظرفیت های افرادی مانند آقای هاشمی رفسنجانی و آقای خاتمی و حتی آقای احمدی‌نژاد استفاده کند؟

خوب است. آقای خاتمی برای ارتباط با غرب مناسب هستند، خوب است که ایشان به عنوان نماینده جمهوری اسلامی در بعضی از مأموریت‌ها شرکت کنند و از آقای هاشمی رفسنجانی نیز می‌توان برای بهبود روابط با کشورهای عربی استفاده کرد. ولی اخیرا آقای روحانی آقای خاتمی را مأمور کرد که از طرف ایران در مراسم تشییع جنازه ماندلا شرکت کند ولی به ایشان اجازه داده نشد. از آقای احمدی‌نژاد هم می‌شود در بهبود روابط با کشورهای آمریکای لاتین استفاده کرد.

اصول‌گرایان بارها در مورد نزدیک شدن آقای روحانی به آقای خاتمی هشدار داده اند، به نظر شما نزدیک شدن آقای روحانی به شخصیتی مانند آقای خاتمی به نفع ایشان است یا ...

نیازی به متحد شدن نیست. همین که آقای خاتمی بتواند حضور اجتماعی و سیاسی داشته باشد و احترام ایشان حفظ شود، کافی است. افرادی هستند که نگران نزدیک شدن آقای روحانی به آقای خاتمی نیستند؛ بلکه نگران ورود آقای خاتمی به اجتماع هستند؛ چون از پایگاه اجتماعی خوب ایشان آگاهی دارند و نمی‌خواهند ایشان مطرح شود. البته آقای خاتمی هم کمی محافظه‌کار و ملاحظه‌کار است.

بهتر بود خاتمی در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت می کرد

چرا این نگرانی وجود دارد؟

از پایگاه اجتماعی آقای خاتمی می‌ترسند و می‌خواهند فضایی که در هشت سال گذشته وجود داشته است، حفظ شود. البته آقای خاتمی باید با جسارت بیشتری عمل کند. به نظرم خوب بود در راهپیمایی ۲۲ بهمن در تهران شرکت می‌کرد. ممکن بود بعضی تندروها ایشان را تحت فشار قرار دهند، به نظرم اشکالی ندارد و ایشان باید به وظیفه خود عمل کند، پشت سر هم عقب‌نشینی خوب نیست.

آقازاده هستم

آقای مطهری، خودتان را آقازاده می‌دانید؟

آقازاده به معنای لغوی بله. به کسی که فرزند یک شخصیت روحانی است، آقازاده می‌گویند.

اعضای جبهه پایداری وقتی می‌خواهند شما را تخطئه کنند با لقب آقازاده از شما نام می برند؟ چرا آقازاده بودن تبدیل به واژه ای منفی شده است؟

وقتی این‌گونه از این کلمه استفاده می‌شود، معنای منفی دارد؛ یعنی کسانی که از موقعیت و رانت پدرشان استفاده می‌کنند. منظور آنها این است؛ ولی ما کجا استفاده کردیم، نمی‌دانم.

چه تفاوتی میان علی مطهری آقازاده و مهدی هاشمی آقازاده و علیرضا بهشتی آقازاده وجود دارد؟

بالاخره هر کدام تیپ خاصی هستند.

فرزندان شهید مطهری، بهشتی، مفتح و آقای هاشمی تحت فشار اقتصادی نبودند و بعد از انقلاب هم تفاوتی نکردند

تفاوت آنها در چیست؟

شاید چون شخصیت پدران‌مان با یکدیگر متفاوت بود، ما نیز با یکدیگر تفاوت داریم. مقداری به تربیت خانوادگی بازمی‌گردد. آقای هاشمی رفسنجانی از قبل از انقلاب در فعالیت‌های اقتصادی مانند معامله زمین و ساخت و ساز شرکت داشتند و از این ثروت در راه انقلاب استفاده می‌کردند. ایشان گذشته از جنبه روحانی تیپ اقتصادی نیز داشتند و برخی فرزندان ایشان نیز وجهه اقتصادی دارند؛ ولی ما به گونه دیگری هستیم. این تفاوت‌ها بسته به فضای خانواده‌ها وجود دارد؛ ولی همه ما چون قبل از انقلاب در یک وضعیت اقتصادی خوب یا لااقل متوسط قرار داشتیم و مثلا در بالای شهر تهران زندگی می‌کردیم بعد از انقلاب تغییری نکردیم و تحت تأثیر شرایط جدید قرار نگرفتیم. ولی عده‌ای به دلیل ورود ناگهانی به فضای جدید و برخوردار نبودن از ظرفیت روحی لازم دچار لغزش شدند.

بعضی از انقلابیونی که خانواده‌شان را در شرایط سختی قرار می‌دادند بعد از انقلاب دچار انحراف شدند؛ ولی شهیدان مطهری، بهشتی، مفتح و آقای هاشمی رفسنجانی به گونه‌ای زندگی کردند که بچه‌های‌شان تحت فشار اقتصادی نبودند و از امکانات برخوردار بودند و بعد از انقلاب نیز فضای جدید برای آنها تفاوتی نمی‌کرد.

می پذیرید که علی مطهری در مجلس تنهاست یا جسارت بیان مطالب خاص را دارد؟ به نظر می رسد برخی نمایندگان ما براساس هزینه و فایده موضع گیری می کنند؟

عده‌ای روی اعتقاد کار می‌کنند و بر اساس اعتقادات‌شان موضع‌گیری می‌کنند. نمی‌توان گفت که همه آنها بر اساس منافع خود موضع می‌گیرند. اعتقاد قلبی بسیاری از آنها شبیه من است ولی ابراز نمی‌کنند. گروه‌های مختلفی در مجلس حضور دارند، بعضی از آنها به راهی که می‌روند اعتقاد دارند و عده‌ای از آنها نیز تفکری مانند تفکر من دارند ولی جرأت اظهارنظر ندارند. به ندرت افرادی هم داریم که تابع منافع هستند.

چرا جرأت اظهارنظر ندارند؟

به این علت این حرف را می‌زنم که خیلی وقت‌ها نطقی می‌کنم و موضعی می‌گیرم و نمایندگان بسیاری به طور خصوصی می‌گویند حرف شما درست است ولی ما جرأت بیان آن را نداریم. این امر نشان‌دهنده این است که نمایندگان یک تیپ نیستند. وقتی با آنها خصوصی صحبت می‌کنیم، بسیاری از آنها حرف من را قبول دارند. در نطق اخیری که درباره قوه قضاییه داشتم، بیش از نیمی از نمایندگان با من موافق بودند.

برخی نمایندگان فکر می کنند اگر در برخی موضوعات موضع گیری کنند در آینده رد صلاحیت می شوند

شاید از منزوی شدن ترس دارند یا رای نیاوردن در دوره بعد و ...

فضای رعبی که در جامعه وجود دارد آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنها به فکر آینده خود هستند و بسیاری قصد دارند در آینده نیز کاندیدا شوند و معتقدند که اگر حرفی بزنند رد

صلاحیت خواهند شد یا از طرف برخی گروه‌های فشار تحت فشار قرار می‌گیرند، مثلا در نماز جمعه شهرشان علیه‌شان شعار می‌دهند. این اتفاقات امروز کمتر شده ولی در دوره هشتم و زمان نزدیک به حوادث سال ۸۸ این نوع اتفاقات زیاد بود. تا کسی صحبتی می‌کرد، بلافاصله در حوزه انتخابیه‌اش علیه او تظاهرات می‌کردند و شعار می‌دادند و او را بی‌بصیرت می‌نامیدند. ولی یک مقدار هم ذاتی است. افراد شخصیت‌های متفاوت دارند؛ بعضی مانند من نمی‌توانند در لفافه صحبت کنند و حرف‌شان را صریح بیان می‌کنند.

در انتخابات مجلس نهم رهبر انقلاب به رد صلاحیت من اعتراض کردند

به یاد دارم زمانی که از نمایندگی استعفا دادید، آقای هدایت‌خواه در مخالفت استعفای شما گفتند که به استعفای آقای مطهری رأی مثبت ندهید و اجازه دهید مردم در انتخابات آینده علی مطهری را حذف کنند. انتخابات برگزار شد و شما در هیچ لیستی حضور نداشتید و رأی بالایی نیز کسب کردید. چرا نماینده‌های دیگر از این رفتار آقای مطهری الگو نمی‌گیرند و نمی‌خواهند مانند شما عمل کنند؟

بعضی از آنها معتقدند چون من پسر شهید مطهری هستم رد صلاحیت نمی‌شوم؛ در حالی که این طور نیست، همان‌طور که در دوره نهم هیئت اجرایی استان تهران صلاحیت من را رد کرد که رهبر انقلاب اعتراض کردند.

یعنی با نظر مقام معظم رهبری برگشتید؟

نه، ممکن بود که اگر ایشان هم چیزی نمی‌گفتند به شورای نگهبان می‌رفت و تأیید می‌شد؛ چون شورای نگهبان رد نکرده بود و فقط هیئت اجرایی دولت رد کرده بود.

به نظرتان استدلال آقای هدایت‌خواه درباره خود و هم‌فکران‌شان اتفاق خواهد افتاد؟

در مورد ایشان اتفاق افتاد. دقیقاً چیزی که درباره من گفتند، برای خودشان اتفاق افتاد.

آیا در انتخابات مجلس دهم درباره هم‌فکران‌شان چنین اتفاقی خواهد افتاد؟

بعید نیست. به نظر می‌رسد جامعه از این روش خیلی راضی نیست.

در مجلس گذشته جزو پیشروان طرح سؤال از آقای احمدی‌نژاد بودید. امروز نیز عده‌ای از نمایندگان طرح سؤال از حسن روحانی را مطرح می‌کنند. به نظرتان چه تفاوتی میان آن سؤال و این سؤال وجود دارد؟

مقایسه این دو، قیاس مع‌الفارق است. شبیه یکدیگر نیستند. آقای احمدی‌نژاد به صراحت بیان می‌کرد که قانون را اجرا نمی‌کنم؛ قانونی را که خودم تشخیص بدهم منطبق با قانون اساسی است اجرا می‌کنم و قانونی را که شخصاً تشخیص بدهم منطبق با قانون اساسی نیست، اجرا نمی‌کنم. مثلا درباره قانون تسهیلات ارزی برای متروی تهران که قرار بود ۲ میلیارد دلار بدهند به صراحت بیان کرد که آن را قانون نمی‌دانم و اجرا نمی‌کنم. به عقیده من مجلس باید ایشان را همان زمان که گفت قانون را اجرا نمی‌کنم عزل می‌کرد.

چون نمایندگان احساس می کردند نظر رهبری بر ماندن احمدی نژاد است عدم کفایت او را مطرح نکردند

آقای مصباحی‌مقدم در زمان خانه‌نشینی آقای احمدی‌نژاد بیان کردند که مجلس را جمع کنید چون یک اتفاق ویژه افتاده است و باید درباره آن تصمیم بگیریم. به نظرتان چرا هیچ‌گاه مجلس به آن سمت نرفت؟ و چرا آقای احمدی‌نژاد عدم کفایت نگرفت

به این دلیل که نمایندگان احساس می‌کردند که نظر رهبری بر ماندن ایشان است؛ یعنی اگر خود نمایندگان مستقلاً تصمیم می‌گرفتند حتماً ایشان را عزل می‌کردند، ولی احساس همه این بود که رهبری به این کار راضی نیستند؛ بنابراین وارد نمی‌شدند.

همان زمان که احمدی نژاد گفت قانون را اجرا نمی کنم باید عزل می شد

آیا نسبت دادن این موضوع به رهبری درست بود؟

بله مقام رهبری مایل نبودند که چنین کاری انجام شود. فتنه سال ۸۸ نیز بهانه‌ای بود که نمایندگان می‌گفتند اگر رئیس جمهور عزل شود باعث تقویت آنها خواهد شد؛ بنابراین بهتر است که این کار صورت نگیرد. آقای احمدی‌نژاد نیز احساس می‌کرد که مجلس در بن‌بست قرار دارد؛ از طرفی به بهانه فتنه سال ۸۸ نمی‌تواند کاری انجام دهد و از طرف دیگر رهبری راضی به این کار نیست؛ برای همین هر کاری دوست داشت انجام می‌داد.

ولی به نظر من مجلس باید ایشان را همان زمانی که گفت قانون را اجرا نمی‌کنم، بلافاصله عزل می‌کرد. هر رئیس‌جمهوری چنین حرفی بزند، چه آقای احمدی‌نژاد و چه دیگران، مجلس نباید حتی یک روز هم تأمل کند.

حصرها باید سریعتر به پایان می رسید

در موضع‌گیری‌های‌تان درباره اتفاقات سال ۸۸ بیان کردید که اگر سال ۸۸ درست مدیریت می‌شد، آن حوادث اتفاق نمی‌افتاد. بعد از انتخابات ۹۲ نیز بسیاری انتظار داشتند که مباحث انتخابات سال ۸۸ کم‌رنگ شود؛ ولی هنوز کسانی هستند که نان‌شان در بازگو کردن آن اتفاقات است. به نظرتان تا چه زمانی نظام باید برای این تندروی‌ها هزینه بدهد و از جانب آن آسیب بخورد؟

به نظرم باید زودتر از اینها خاتمه پیدا می‌کرد. سخت‌گیری‌ها درباره زندانیان سیاسی و حصر آقایان باید زودتر به پایان می‌رسید؛ اما عده‌ای در داخل حکومت نمی‌خواهند این فضا از بین برود و همچنان می‌خواهند سوار بر موج فتنه کاسبی سیاسی و رقبا را از میدان بدر کنند.

چرا عده‌ای می‌خواهند به فتنه دامن بزنند؛ در حالی که از آن زمان مدت بسیاری گذشته و دولت دیگری بر سر کار آمده و فضا تغییر کرده است؟

حیات چنین انسان‌هایی در چنین فضاهایی است؛ یعنی اگر این فضا از بین برود و ملاک، کار، فعالیت، هنر و لیاقت باشد، آنها جایگاهی ندارند. چنین انسان‌هایی همیشه در فضاهای دوقطبی رشد می‌کنند تا به افراد حمله کنند و به این وسیله مطرح باشند؛ ولی وقتی وحدت ایجاد شود

و دشمن داخلی وجود نداشته باشد، آنها بیکار خواهند شد. لذا آنها دوست دارند که داستان فتنه ادامه داشته باشد.

پیشنهاد شما برای مقابله با افراط‌گری‌ها و کسانی که تازه وارد انقلاب شده و قصد حذف کردن انقلابیون گذشته را دارند چیست؟

به نظرم باید آگاهی‌بخشی کرد همان‌طور که در چند سال اخیر آگاهی‌بخشی‌ها مؤثر بود. اگر آگاهی‌بخشی صورت نمی‌گرفت اتفاق ٢٤ خرداد ٩٢ رخ نمی‌داد. حقایقی که بیان شد و عده‌ای در مقابل آنها ایستادند، بسیار مؤثر بود. اگر آگاهی‌بخشی صورت نمی‌گرفت آنها انقلاب را دو شقه می‌کردند و به جنگ داخلی می‌کشاندند. به نظرم همین راه باید ادامه یابد.

اگر بخواهید یکی از سیاسیون را که افکارش به پدر شما نزدیک‌تر است نام ببرید چه کسی خواهد بود؟

افرادی هستند که هرکدام در قسمتی مثلا بینش اجتماعی و سیاسی یا فرهنگی به ایشان نزدیک هستند، لذا فرد خاصی را که در همه قسمتها به ایشان نزدیک باشد سراغ ندارم.

چه زمانی حس کردید که در فضای سیاسی کشور خلأ شهید مطهری‌ها وجود دارد؟

شهید مطهری یکی بیشتر نبود. امام (ره) وقتی طلاب مدرسه شهید مطهری خدمت ایشان رفتند، فرمودند امیدوارم در این مدرسه یک مطهری تربیت شود؛ چون پیدایش شخصیتی مانند ایشان کار بسیار مشکلی است. خلأ ایشان از همان زمان که شهید شدند، مشخص بود. ایشان از سال ٤٢ تا زمان شهادت نقش اساسی در پیشبرد نهضت اسلامی داشتند. در چند ماه منتهی به پیروزی انقلاب، برخی ابتکارات و اقدامات داشتند که مؤثر بود. مثلا بعد از اعتصاب کارکنان صنعت نفت، وقتی مردم برای تهیه نفت سفید در فشار قرار گرفتند یک هیئت سه نفره مرکب از آقایان مهندس بازرگان، مهندس کتیرایی و هاشمی رفسنجانی را به امام معرفی کردند تا برای تأمین نفت داخلی به خوزستان بروند. همین طور است معرفی مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر دولت موقت به امام(ره) که در پیروزی سریعتر انقلاب مؤثر بود. یا در تعیین رئیس کمیته انقلاب

اسلامی، امام (ره) در ابتدا حکم آقای لاهوتی را که به مجاهدین خلق گرایش داشت و پسرانش در سازمان مجاهدین خلق حضور داشتند امضا کرده بودند و پس از توضیحات شهید مطهری که گفتند آقای لاهوتی در دو سال آخر زندان به مجاهدین خلق گرایش پیدا کرده، امام بلافاصله حکم را تغییر دادند و از ایشان خواستند فردی را برای ریاست کمیته انقلاب اسلامی معرفی کنند و شهید مطهری آقای مهدوی‌کنی را معرفی کردند. آقای مهدوی‌کنی می‌گویند من حکم خودم به ریاست کمیته انقلاب اسلامی را به خط شهید مطهری و امضای امام دارم.

بنابراین حضور ایشان در انقلاب بسیار تأثیر داشت. اگر ایشان در تدوین قانون اساسی حضور داشتند قطعاً قانون اساسی قوی‌تری می‌داشتیم و در حوادثی مانند سرنوشت آقای بازرگان و قضیه آقای بنی‌صدر و جنگ هشت ساله و تسخیر سفارت آمریکا و یا مسئله قائم مقامی آقای منتظری تغییراتی صورت می‌گرفت؛ بنابراین خلأ ایشان از لحظه شهادت احساس می‌شد.

بسیاری معتقدند شما در مباحث سیاسی باز و روشن‌اندیش هستید ولی در مباحث فرهنگی این‌گونه نیستید. رویکرد شما در مباحث فرهنگی نشأت گرفته از شهید مطهری است؟

بله، صحبت‌هایی که در حوزه فرهنگ، آزادی بیان و آزادیهای اجتماعی و حقوق شهروندی دارم و مطالبی که در حوزه سیاست بیان می‌کنم، ناشی از تفکر شهید مطهری است؛ در واقع نظرات ایشان را بیان می‌کنم.

نگاه فرهنگی دولت احمدی نژاد غیرارزشی تر و بدتر از این دولت بود

نظرتان درباره سیاست‌های فرهنگی دولت آقای روحانی چیست؟

سیاست‌های فرهنگی دولت آقای روحانی تا به حال خوب بوده است. عده‌ای حساسیت بیش از حد به این مسئله نشان می‌دهند. نمی‌دانم چرا کسانی که امروز حساسیت نشان می‌دهند و اظهارنظر می‌کنند در دوره آقای احمدی‌نژاد روزه سکوت گرفته بودند. نگاه فرهنگی دولت آقای احمدی‌نژاد به مراتب بدتر و غیر ارزشی‌تر از این دولت بود. اصلاً ایشان با الهام از آقای مشایی

در حوزه فرهنگ تفکرات عجیبی داشت و اگر دست این دو باز بود انحرافات زیادی ایجاد می‌کردند.

مشایی و احمدی نژاد یک روح در دو بدن بودند و هستند

این تفکرات را بیشتر تفکرات آقای احمدی‌نژاد می‌دانید یا تفکرات آقای مشایی؟

اینها یک روح در دو بدن بودند و هستند. گاهی که با آنها صحبت می‌کردم احساس می‌کردم به مسئله وظیفه دولت در نظارت بر امور فرهنگی اعتقاد ندارند. بسیاری از فیلم‌های سینمایی که در آن دوران تولید شد، فیلم‌های خوبی نبود. جشنواره فیلم فجر امسال که در دولت آقای روحانی برگزار شد، بسیار بهتر و ارزشی‌تر از جشنواره‌های سالهای قبل بود؛ اما بسیاری از افراد صحبت از ابتذال فرهنگی می‌کنند. حساسیت‌ها خوب است اما چرا در آن زمان همه ساکت بودند؟ چون آقای احمدی‌نژاد اصول‌گرا بود همه ساکت بودند اما نسبت به این دولت همه حساس شده‌اند و کوچک‌ترین مسئله را مطرح می‌کنند.

اما نگاهی که دولت روحانی و شخص ایشان به نویسندگان، هنرمندان، سینماگران و اصحاب فرهنگ و هنر دارند این است که باید به آنها اعتماد کنیم و ضوابط و قوانین باید شفاف و روشن باشد، نگاه خوبی است. این که بخشی از ممیزی را به عهده خود آنها بگذاریم و آنها را در موضع لجاجت قرار ندهیم و با آنها دستوری برخورد و رفتار نکنیم مثلاً نگوییم صرفاً در این مورد فیلم بسازید و کارهای سفارشی به آنها ندهیم، رویکرد خوبی است. طبعاً باید نظارت هم باشد.

برخی اتفاقات که در این دولت رخ داد مانند مطلبی که در روزنامه آسمان درباره قصاص چاپ شد مسئله آنچنان مهمی نبود. زمانی یک روزنامه مقاله‌ای در رد قصاص می‌نویسد و حکم مسلم اسلام را رد می‌کند، در این صورت طبق قانون باید لغو امتیاز شود؛ ولی کسی در یک مصاحبه خاطره‌ای از سال ۶۰ بیان می‌کند که افرادی درباره لایحه غیرانسانی قصاص چنین کردند. شیطنتی صورت گرفته ولی با حالت اول متفاوت است. این که این موضوع را با رفتار امام خمینی درباره

جبهه ملی قیاس کنیم، درست نیست. جبهه ملی اعلامیه داد و اعلام راهپیمایی کرد و صریحا گفت که این حکم را قبول نداریم. امام (ره) هم آنها را محکوم به ارتداد دانستند. ولی اینجا یک مصاحبه صورت گرفته و پس از چاپ سهوی آن نیز عذرخواهی شده است. صورت مسئله کاملاً متفاوت است و نباید این مسئله را بزرگ کنیم. آیا اگر چنین اتفاقی در دولت آقای احمدی‌نژاد می‌افتاد، این قدر سر و صدا می‌کردند؟

معتقدم مذاکراه هسته ای به نتیجه خواهد رسید

بسیاری منتظرند که آقای روحانی در بحث هسته‌ای و بحث اقتصادی زمین بخورد؛ ولی مردم همچنان امیدوار هستند. شما به عنوان یک نماینده مجلس چقدر به دولت آقای روحانی امیدوار هستید؟

من در مجموع امیدوار هستم. به نظرم مذاکرات هسته‌ای به نتیجه خواهد رسید؛ چون دو طرف اراده حل مسئله را دارند و تا زمانی که آقای اوباما هست باید این مسئله پایان یابد. این موضوع تأثیر مستقیم بر وضعیت اقتصادی ما دارد؛ البته نباید متکی به آن باشیم.

تیم اقتصادی این دولت تیم عاقل‌تری است و به قانون احترام می‌گذارد. فکر می‌کنم به مرور وضعیت بهتر خواهد شد.

به روحانی تا به امروز نمره ۱۵ می دهم

چه نمره‌ای به دولت آقای روحانی می‌دهید؟

تا امروز، نمره ۱۵ می‌دهم.

عید به کجا سفر می‌کنید؟

به شمال کشور سفر می‌کنیم.

چقدر عیدی می‌دهید؟

خیلی مقید نیستم که در روز اول سال عیدی بدهم؛ ولی وقتی اقوام و فامیل دور هم جمع می‌شویم طبعاً بزرگ‌ترها عیدی می‌دهند. مثلا نفری ۱۰ هزار تومان عیدی می‌دهم.

اولین عیدی را از چه کسی گرفتید؟

به یاد ندارم. در دوران کودکی ایام نوروز گاهی به مشهد نزد خانواده مادری‌ام یا فریمان نزد اقوام پدری‌ام می‌رفتیم که بازار عیدی دادن گرم بود؛ به یاد دارم اسکناس پنج تومانی یا ده تومانی عیدی می‌گرفتم.

طرفدار تیم ملی فوتبال برزیل هستم

طرفدار کدام تیم هستید؟

گذشته از تیم ملی ایران، طرفدار تیم ملی برزیل هستم که سبک مخصوص به خود را دارد.

از میان تیم‌های داخلی استقلالی هستید یا پرسپولیسی؟

طرفدار هر تیمی هستم که خوب بازی کند. زمانی طرفدار تیم پاس بودم چون خوب بازی می‌کرد و رقیب استقلال و پرسپولیس شده بود.

الان طرفدار کدام تیم هستید؟

دنبال نمی‌کنم، گاهی نگاه می‌کنم؛ دوره‌ای سپاهان خوب بازی می‌کرد و الان تراکتورسازی.

بهترین فیلمی که در سال ۹۲ دیدید چه بود؟

هفت فیلم جشنواره فجر را دیدم، به نظرم هر هفت فیلم خوب و آموزنده بودند. فیلم‌های امروز، مهمان داریم، شهدخت و دیگران، خط ویژه، عصبانی نیستم، قصه‌ها و «چ» را تماشا کردم؛ همه خوب و آموزنده بودند خصوصا فیلم «چ»، «خط ویژه» و «عصبانی نیستم».

نظرتان درباره «عصبانی نیستم» چیست؟

فیلم خوبی بود و واقعیتی در جامعه را به تصویر می‌کشید. این فیلم ماجرای یک دانشجوی ستاره‌دار و سرنوشت زندگی او و مشکلاتی را که برای این‌گونه افراد ایجاد می‌شود بیان می‌کند. به نظرم به دلیل فضایی که ایجاد شد و سخت‌گیری‌ای که صورت گرفت از اعلام نظر هیئت داوران محروم ماند؛ آن‌طور که من شنیدم نظر هیئت داوران درباره نقش اول مرد به این فیلم بود که واقعاً بسیار خوب بازی کرد؛ ولی بنا به ملاحظاتی حذف شد.

بهترین شعری که در ذهن دارید، چیست؟

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد / آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

زرشک بدترین اتفاق سال را به شورای نگهبان برای رد صلاحیت آیت الله هاشمی می دهم

زرشکِ بدترین اتفاق سال را به چه کسی می‌دهید؟

به شورای نگهبان برای رد صلاحیت آقای هاشمی رفسنجانی و به وزیر اطلاعات سابق، هم برای تلاش ویژه ایشان برای رد صلاحیت آقای هاشمی و هم برای کار گذاشتن شنود در دفتر کار من.

غذای مورد علاقه شما چیست؟

من همه نوع غذا دوست دارم. غذایی نیست که بدم بیاید.

اگر بخواهید قاب عکسی روی میزتان بگذارید به غیر از عکس شهید مطهری عکس چه کسی را خواهید گذاشت؟

عکس دختر شش ساله‌ام زهرا.

دوست دارید با چه کسی بحث سیاسی کنید؟

از بحث سیاسی خوشم نمی‌آید، بحثی را که به حالت جدل باشد دوست ندارم؛ اما گفت‌وگو و تحلیل سیاسی را دوست دارم.

با کدام یک از سیاست‌مداران رفت و آمد خانوادگی دارید؟

طبعاً با آقای لاریجانی رفت و آمد دارم؛ چون ایشان داماد ما هستند، گرچه رفت و آمد زیادی ندارم و اکثر نمایندگان بیشتر از من ایشان را می‌بینند.

لاریجانی داماد خوبی است

البته شما در مجلس هشتم گفتید که داماد خوبی نیستند.

نه، اتفاقاً داماد خوبی هستند. آن موضوع یک مزاح بود؛ چون برای سؤال از رئیس‌جمهور مشکلاتی به وجود آوردند و مقاومت می‌کردند من در نطق استعفایم گفتم به دلیل این قضیه داماد ناخلفی است؛ ولی مزاح کردم.

به غیر از آقای لاریجانی با کدام یک از سیاسیون رفت و آمد خانوادگی دارید؟

من کلاً رفت و آمد کمی دارم. نشست‌های شبانه یا گعده ندارم. شاید تقریباً با هیچ کدام.

اگر در سال جدید درخواست تحقیق و تفحص کنید دوست دارید از کدام سازمان یا نهادی تحقیق و تفحص صورت گیرد؟

دوست دارم از جاهایی مثل بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی فرمان امام(ره) که خود را در حاشیه امن می‌دانند تحقیق و تفحص صورت گیرد. رهبر انقلاب فرمودند که همه زیرمجموعه من، حتی دفتر من را حق تحقیق و تفحص دارید.

به عملکرد خودم در سال ۹۲ نمزه ١٤ می دهم

چه نمره‌ای به عملکرد آقای علی مطهری در سال ۹۲ می‌دهید؟

نمره ١٤.

عنوان فیلم زندگی ام را اتلاف وقت می گذارم

چه اسمی روی فیلم زندگی‌تان می‌گذارید؟

اتلاف وقت.

معمولاً قبض تلفن همراه شما چقدر می‌آید؟

مبلغ زیادی نیست؛ چون زیاد تماس نمی‌گیرم و کلاً تلفن همراه را علی‌رغم حسن‌هایش یکی از عوامل سلب آسایش انسان‌ها می‌دانم.

آخرین لطیفه‌ای که شنیدید، چیست؟

لطیفه زیاد می‌شنوم ولی وقتی می‌خواهم نقل کنم یادم نمی‌آید.

از چه اظهارنظری که در سال ۹۲ داشتید، پشیمان هستید؟

از هیچ کدام. فقط یک خبر دروغی از قول من در آستانه ۹ دی منتشر شد. من در دانشگاه شیراز سخنرانی داشتم و یکی از دانشجویان گفت که بعد از سخنرانی مقام رهبری در ۲۹ خرداد ۸۸ ادامه تجمعات بی‌مورد بود. من حرف ایشان را تأیید کردم و گفتم بله بعد از صحبت ایشان ادامه تجمع بی‌مورد بود؛ ولی یک خبرگزاری از قول من نوشت که «بعد از خطبه مقام معظم رهبری تجمع ۹ دی بی‌مورد بود» و عده‌ای ناراحت شدند و مصاحبه‌هایی بعد از آن با افراد مختلف انجام شد و همه به من حمله کردند، بدون اینکه اصلاً بدانند خبر درست است یا غلط. با عقل هم سازگاری نداشت که بعد از خطبه رهبری در ۲۹ خرداد تجمع ۹ دی در دی‌ماه غلط بود. اصلاً چه ارتباطی با هم دارد؛ ولی خیلی‌ها به ما حمله کردند. شیطنتی بود که انجام دادند.

در انتخابات به چه کسی رأی دادید؟

به آقای روحانی. دو الی سه روز قبل از انتخابات بیانیه حمایت از ایشان را صادر کردم.

به اوباما می گویم از اسرائیل حمایت نکن

اگر با آقای اوباما روبه‌رو شوید و بخواهید جمله‌ای به او بگویید، آن جمله چیست؟

می گویم از اسرائیل حمایت نکن و حقوق مردم فلسطین را به آنها بازگردان.

چگونه با همسرتان آشنا شدید؟

انتخاب مادرم بود. از قبل ایشان را نشان کرده بودند.

اگر بخواهید از زندگی یک نفر فیلم بسازید آن شخصیت کیست؟

سید جمال‌الدین اسدآبادی که شخصیت پرجاذبه‌ای است و این کار هم صورت نگرفته است.

به کدام یک از خواننده‌ها علاقه دارید؟

آوازهای سنتی را دوست دارم مثل آواز مرحوم بسطامی و سالار عقیلی و مختاباد و افتخاری و قربانی. آواز آقای شجریان را هم دوست دارم. آنهایی که سنتی می‌خوانند؛ چون خواندن به این سبک مشکل است. البته اظهارنظرهای سیاسی هنرمندان را نباید جدی گرفت.

بهترین و بدترین روز سال ۹۲؟

بهترین روز، روز پیروزی آقای روحانی و بدترین آن، روز رد صلاحیت آقای هاشمی رفسنجانی. صبح روزی که آقای هاشمی رد صلاحیت شدند، عده‌ای به ایشان اصرار کردند که من را به عنوان رئیس ستاد اصول‌گرایان خود انتخاب کنند و ایشان نیز من را انتخاب کردند. من نیز جلسه گذاشتم و معاونان مشخص شدند. بعدازظهر همان روز ایشان رد صلاحیت شدند و ستاد منحل شد و ما فقط صبح تا عصر رئیس ستاد بودیم.

بهترین خبری که دوست دارید در سال ۹۲ بشنوید، چیست؟

خبر پیروزی مردم سوریه.

آقای مطهری اگر بخواهید یک دروغ ۱۳ برایمان بگویید چیست؟

اصلاً به این چیزها اعتقاد ندارم؛ ولی دروغ کلاً خوب نیست، حتی به صورت شوخی. بنابراین بهتر است که نگوییم. مسئله دروغ مصلحت‌آمیز مطلب دیگری است و البته نباید با دروغ منفعت‌خیز اشتباه شود.

لطفا نظرتان را درباره اسامی که عنوان می کنم بفرمایید؟

امام خمینی (ره): تاریخ‌ساز

مقام معظم رهبری: رسالت سنگین هدایت جامعه را تحمل می‌کنند.

شهید مطهری: اسلام شناس و خالص لله

علی لاریجانی: سیاستمدار معتدل

هاشمی رفسنجانی: دلسوز انقلاب

اسفندیار رحیم مشایی: پان‌ایرانیست

محمود احمدی‌نژاد: موجود ناشناخته

سیدمحمد خاتمی: مدافع آزادی

مهدی کوچک‌زاده: خوش قلب و احساسی

آیت‌الله مصباح یزدی: دقیق در مسائل فکری

حسن روحانی: با تدبیر

محمدجواد ظریف: ذخیره‌ای برای امروز انقلاب و البته هم مدرسه من

امام موسی صدر: پدر معنوی شیعیان لبنان

صدای ملت: حزبی بین زمین و آسمان

جبهه پایداری: جبهه‌ای ایدئولوژیک و گرفتار هوای نفس

دولت تدبیر و امید: خواست مردم

مجلس نهم: مجلسی که در شرایط ویژه شکل گرفت

اصلاحات: تیغ دو دم

سؤال از رئیس‌جمهور: برای رؤسای جمهور قانون ستیز

مذاکرات هسته‌ای: بندبازی جسورانه و مصلحانه

صحن علنی: محل شور و مشورت و کار برای خدا یا شیطان

مطهری: می خواهم با حرفهایم جلوی ظلم را بگیرم حتی اگر دشمن خوشحال شود/احمدی نژاد دوبار مکتوب درخواست آزادی موسوی و کروبی را داده بود/او این اواخر خیلی علاقه‌مند به دفاع از حقوق مردم شده بود

علی مطهری در گفتگویی با اعتماد از اعدام‌های ابتدای انقلاب، مسائل مربوط به سال ۸۸ و نظرات شهید مطهری گفت.

وی بیان داشت: هر قدر تندروی کنند به ضرر خودشان است. این‌ها خواستند آقای هاشمی را رد صلاحیت کنند تا بقیه حساب کارشان را بکنند اما معکوس شد. به هر حال تندروها الان در موضع ضعف هستند و این آگاهی بخشی باید ادامه داشته باشد.

متن این مصاحبه در زیر می آید:

• اگر شهید مطهری الان در قید حیات بودند، نسبت به آنچه امروز می‌گذرد چه واکنشی نشان می‌دادند؟ آیا ایشان سکوت می‌کردند یا تبدیل به یک منتقد جدی می‌شدند؟

این که اگر ایشان بودند، شرایط انقلاب و کشور به چه صورت بود، خود قابل بحث است. یعنی اصلا باید ابتدا این سوال را مطرح کرد که اگر شهید مطهری ترور نمی‌شد اکنون انقلاب همین وضع را داشت؟ بدون شک ایشان در سرنوشت کشور بسیار اثرگذار بود و اگر زنده بودند برخی از آسیب‌هایی که به انقلاب وارد شده و مشکلاتی که ایجاد شده، وجود نداشت. برای پاسخ به این سؤال دو حالت متصور است، یکی این که بگوییم اگر ایشان زنده بود در حالی که یک سمت حکومتی داشت سرنوشت انقلاب چگونه بود، و دیگر این که بگوییم در حالی که ایشان صرفا فعالیت علمی داشت و به عنوان یک عالم بزرگ مطرح بود سرنوشت انقلاب همین سرنوشت بود یا سرنوشت دیگری رقم می‌خورد. از قرائن برمی‌آید که اگر ایشان بود، بعد از امام قطعا رهبر بود. چون روشن است که بالاخره ایشان در مجموع یک سر و گردن از بقیه یاران و شاگردان امام بالاتر بود. این حرف من نیست بلکه حرف رهبر انقلاب است. زمانی که ما به عنوان خانواده شهید مطهری اولین بار بعد از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری با ایشان

ملاقات داشتیم، اولین جمله‌ای که با دیدن ما به زبان آوردند این بود که «اگر آقای مطهری بودند، قطعا الان رهبر بودند.» پس این موضوع تقریبا روشن است که بعد از امام، آقای مطهری رهبر می‌شدند. خب آن وقت شرایط کشور چه می‌شد. این یک بحث است. بحث دیگر این است که تأثیر ایشان در زمان امام(ره) چه بود؟ اگر ایشان ترور نمی‌شدند قطعا در بسیاری از حوادث مانند سرنوشت بازرگان، جنگ و بنی‌صدر و حتی تسخیر سفارت آمریکا تاثیر داشتند. به هر حال این طور نیست که بگوییم اگر ایشان بود، شرایط کشور همین بود و حالا آقای مطهری در این شرایط چه می‌کرد. این سوال اشتباه است. چون اگر ایشان شهید نمی‌شدند، وضعیت در برخی قسمتها متفاوت بود.

• برخی معتقدند که با مرام و منش و سلوکی که از شهید مطهری خوانده و شنیده‌ایم، اگر با چنین اتفاقاتی در نظام جمهوری اسلامی مواجه می‌شد، طوری رفتار می‌کرد که حفظ نظام برایش در اولویت بود و به اسم اینکه از مسیر اصلی منحرف شده، این طور به اسم انتقاد از شرایط موجود جلوی نظام شمشیر نمی‌کشید. جسارتا می‌گویند رفتار شما مصداق همین ایستادن در برابر نظام است و با مرام شهید مطهری در تناقض است.

نه، ببینید، این برداشت شخصی است که این گونه افراد دارند و در واقع ریشه این برداشت هم این است که تصور غلطی از حفظ نظام دارند. این افراد حفظ نظام را با حفظ حقوق مردم در عرض و مقابل هم می‌دانند در حالی که این دو در طول هم هستند و نمی‌توانیم نظام را با نقض حقوق مردم حفظ کنیم. متأسفانه در بین سیاسیون و خصوصا اصولگرایان، هستند افرادی که برای حقوق مردم در قیاس با حقوق نظام، ارزش کافی قائل نیستند و فکر می‌کنند که می‌توانیم به راحتی برای حفظ نظام، حقوق مردم را پایمال کنیم. این انحراف بزرگی است. در حالی که ما معتقدیم حفظ نظام از مسیر حفظ حقوق مردم می‌گذرد و نمی‌توانیم بین این دو قائل به تقابل شویم.

• البته این افراد معتقدند آنچه شما می‌گویید مردم نیستند و تنها یک اقلیت کوچک هستند. می‌گویند همه مردم از رفتار نظام راضی هستند.

حتی یک نفر باشد؛ کاری نداریم که اقلیت هستند یا اکثریت. حفظ حقوق تک تک مردم بر نظام واجب است و از نظر اسلام اهمیت دارد. زبان حال این افراد این است که برای حفظ نظام مجازیم که گاهی آزادی بیان را محدود کنیم، جلوی بیان آرای مخالف را بگیریم یا اینکه با منتقدان برخورد سختی داشته باشیم. شما دیدید که در برخورد با مرحوم ستار بهشتی افرادی بودند که این موضوع را یک مسئله بی‌اهمیت و عادی جلوه می‌دادند که حالا فردی که مخالف نظام بوده باید مجازات می‌شد. حتی این حرف‌ها را در مجلس زدند که مخالف نظام باید مجازات می‌شد و حالا فرضا تندروی شده و مسئله مهمی نیست. خب مشکل ما همین جاست. نگاهی که به حقوق بشر و حقوق مردم داریم. پس دو نگاه است: یکی این که نقض حقوق‌ها را برای حفظ نظام عادی می‌داند و نگاه دیگری که نگاه امیرالمؤمنین است که اگر دشمن در گوشه‌ای از کشور اسلامی خلخال را از پای یک زن یهودی که تحت ذمه حکومت اسلامی است در می‌آورد، چنانچه مسلمان به خاطر این اتفاق از غصه دق کند و بمیرد، مورد ملامت نیست. اگر این نگاه دوم ملاک باشد، آن وقت نظرمان درباره رابطه حفظ نظام و حفظ حقوق مردم شکل دیگری پیدا می‌کند.

• اما افرادی که نگاه اول را دارند، در برخی موارد از قدمای انقلابی هستند.

خب این، برداشت غلط از صحبت امام است که گفته بودند حفظ نظام از اوجب واجبات است.

• خب دقیقا صحبت شان همین است که امام هم در اتفاقات سال ٦٠ خیلی جدی عمل کردند و برخورد نظام با مجاهدین و توده‌ای‌ها را به عنوان مصداق می‌آورند و می‌گویند اگر امام مخالف بود که خودش دستور این برخوردها را نمی داد یا حداقل مخالفت می‌کرد. می‌گویند الان حتی شبیه دوره امام هم برخورد سخت با مخالفان نکردیم. لذا اگر قیاس با دوران امام هم باشد می‌گویند دوره امام جدی‌تر و تندتر برخورد شد.

ببینید، در مورد دوره امام باید چند چیز را از هم جدا کرد. برخورد امام با مجاهدین خلق برای این بود که آنها قیام مسلحانه کرده بودند. این افراد که محارب بودند فرق دارند با کسانی که صرفا معترض یا مخالف هستند. امام اگر سال ٦٧ آن برخورد تند را در مورد زندانیان مجاهد

خلق کرد، یک بحث فقهی داشت. مجاهدین از مرزهای غربی وارد شده بودند و سودای گرفتن تهران را داشتند و این افراد در زندان اعلام هم‌پیمانی با آنها کرده بودند.

• زندانیان که اسلحه نداشتند.

اسلحه نداشتند اما اعلام هم‌پیمانی و همکاری کرده بودند. البته یک بحث این است که آیا حکم امام به خوبی و صحیح اجرا شد یا تندروی کردند؟ آیا واقعا به این افراد تفهیم اتهام شد؟ شاید خیلی از این افراد اصلا نمی‌دانستند داستان چیست. از آن‌ها می‌پرسیدند که آیا توبه می‌کنید یا نه؟ طبعا با غرور جوانی‌شان می‌گفتند نه و حکم‌شان صادر می‌شد. ممکن است تندروی شده باشد اما اصل حرف، مسئله محاربه بود. اما این موضوع قابل مقایسه با اتفاقات سال ۸۸ که یک اعتراض مدنی بود، نیست. در بسیاری از کشورها پیش می‌آید که بعد از انتخابات عده‌ای ادعای تقلب می‌کنند و سلامت انتخابات را زیر سوال می‌برند. نظام در این مورد خوب عمل نکرد؛ یک پدیده معمولی را به عنوان براندازی جلوه دادند و این مشکلات پیدا شد.

• پدر شما تا اردیبهشت زنده بودند، تا همان زمان هم چند اتفاق مهم رخ داد که می‌تواند ملاک سنجش عملکرد افراد تازه انقلاب کرده باشد. اعدام چهره‌هایی که به صرف اینکه در دوره پهلوی وزیر و وکیل بودند به اعدام محکوم شدند و واکنشی که مثلا فردی مانند بازرگان داشت. در فیضیه بسط می‌نشینند و به این اقدام آقای خلخالی اعتراض می‌کنند. چون ما در مورد ساواک و چهره‌های امنیتی صحبت نمی‌کنیم. بلکه به قول آقای بازرگان افرادی که تنها جرم‌شان داشتن سمت در دوره پهلوی بود. اگر می‌گوییم مطهری در دوران کنونی اگر بود چه کار می‌کرد، یک سال را پیش زمینه دارد که مطهری سال ۵۷ چه کرد در اتفاقاتی که می‌توانست به عنوان یک مهره اصلی جلوی برخی تندروی‌ها را بگیرد. در آن دوران ما اعتراضی از پدر شما نمی‌شنویم. آیا سکوت کردند و اگر سکوت کردند، چرا؟

ببینید ایشان بعد از پیروزی انقلاب دو ماه و بیست روز در قید حیات بودند.

• اما از همان بهمن ۵۷ این اعدام ها را داریم . به هر حال همین مدت هم قابل توجه است.

انقلاب یعنی زیر و رو شدن و به هم خوردن نظم قدیم و استقرار نظم جدید. هرقدر هم دقت کنید بالاخره برخی کارهای خلاف انجام می‌شود. بعضی از افرادی که از حاکمان قبلی کینه دارند، کار خودشان را انجام می‌دهند. شهید مطهری سیاستش این بود که نقشش در انقلاب آشکار نباشد. شما یک عکس از ایشان می‌بینید که کنار امام باشند؟ با این که نزدیکترین فرد به امام بود. ایشان تاکید داشت که فعالیت‌هایش زیاد آشکار نباشد. چون مجاهدین خلق و کمونیست‌ها از استاد مطهری کینه داشتند و ایشان از نفوذ این گروه‌ها به دستگاه رهبری انقلاب جلوگیری می‌کرد. از بین نزدیکان امام، فردی که به شدت جلوی مجاهدین خلق ایستاده بود، ایشان بود. مثلا آقای طالقانی مشکل زیادی با مجاهدین نداشت. حتی آقای بهشتی معتقد بود که در دولت موقت چند تا پست هم به مسعود رجوی بدهیم تا بتوانیم کنترل‌شان کنیم. اما شهید مطهری می‌گفتند ما چنین حقی نداریم و نمی‌توان انقلاب را دو شقه کرد. سران مجاهدین مارکسیست هستند. انقلاب مانند رودخانه نیست که بگوییم یک بخش آن در مسیر اسلام برود و بخش دیگرش در مسیر مارکسیسم. ایشان محکم ایستاده بود.

• سوالم در مورد اعدام‌های وابستگان پهلوی بود. ایشان چرا در مورد تندروی‌ها در این اعدام‌ها سکوت کرد؟

ببینید واکنش‌های استاد مطهری در این بخش پنهان بود. ایشان چندین بار به اقای خلخالی تلفنی تذکر دادند. من خودم یکی دو بار را شاهد بودم. مثلا در مورد اعدام هویدا معتقد بودند که نباید عجله شود. تلاش کردند که با امام تماس بگیرند و آن شب موفق نشدند و تصمیم داشتند صبح با امام صحبت کنند اما هویدا را همان شب اعدام کرده بودند.

• یعنی موافق اعدام هویدا نبودند؟

معتقد بودند که نباید عجله شود. فضا طوری بود که گاهی کار دست امام هم نبود. شهید مطهری در یک سخنرانی که همان روزها داشتند گفتند برخی از جوانان هستند که می‌گویند گلوله هم

حیف است که ما خرج اینها می‌کنیم. در حالی که از نظر اسلام حتی حقوق یک مجرم هم باید محفوظ باشد و ما حق نداریم بیش از مجازاتی که دادگاه اسلامی برای یک مجرم درنظر گرفته، مجازات کنیم. این رویکرد شهید مطهری بود. بالاخره در پشت صحنه تا جایی که توان داشت سعی کرد جلوی تندروی‌ها را بگیرد اما واقعیت این است که شرایط روزهای اول انقلاب به گونه‌ای بود که گاهی حتی اگر امام هم دستور می‌داد که اعدامی صورت نگیرد، برخی کاری می‌کردند که قبل از آنکه دستور امام برسد یا رسانه‌ای شود، طرف اعدام شده باشد و امام در برابر عمل انجام شده قرار بگیرد. اصلا معلوم نیست که خود امام هم از همه آن اعدام‌ها راضی باشند. البته برخی از این اعدامی‌ها سران آن نظام بودند و در ظلم‌های آن نظام موثر بودند و حکم‌شان مشخص بود، مثل فرماندهان نظامی برخی شهرها که افراد زیادی را به قتل رسانده بودند. اما می‌توان ادعا کرد که خطاهای انقلاب ما در این زمینه قابل قیاس با سایر انقلابها نیست و ریشه آن هم اسلامی بودن این انقلاب است.

• شما در بین حرف‌هایتان گفتید اگر پدرتان زنده بود، وضعیت کشور در برخی حوزه‌ها متفاوت بود. صریح‌تر بگویید مثلا کشور الان با حضور ایشان کجا ایستاده بود و چطور نظامی بود؟ جمهوری اسلامی چه مدلی بود؟ مثلا می‌توانیم بگوییم شبیه چه مدلی بود؟ چون همواره می‌گویید مطهری اگر بود، کشور این نبود. خب اگر این نبود، پس چطور بود؟ چون برخی می‌گویند مدل جمهوری اسلامی همین است و مدل بسیار موفقی هم هست و نیاز به اصلاح و تغییر نداشته و ندارد.

من معتقد نیستم که انقلاب از مسیر کلی خود خارج شده است، بلکه معتقدم در برخی اهداف و آرمانها دچار آسیب شده‌ایم که باید اصلاح شود. ببینید، نمی‌توان به طور قاطع پیش‌بینی رفتار یک فرد را کرد. اما ایشان در همان ماه‌های قبل از پیروزی انقلاب تا زمانی که شهید شدند، یک بحثی را مطرح کردند تحت عنوان انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی؟ ایشان توضیح می‌دادند که افرادی هستند که معتقدند اصل بر مبارزه است یعنی اصل بر مبارزه با رژیم شاه و ظلم است و در این مبارزه از اسلام به عنوان ابزار استفاده می‌کنیم. چون مردم ایران مسلمان هستند و مجبوریم

از اسلام برای مبارزه با ظلم استفاده کنیم. این نگاه را مجاهدین و گروه فرقان و جنبش مسلمانان مبارز داشتند و اسلام انقلابی را مطرح می‌کردند. اما شهید مطهری می‌گفت باید انقلاب را اسلامی کنیم نه اسلام را انقلابی. هدف فقط سرنگونی شاه نیست، مهم این است که نظامی که روی کار می‌آید چه نظامی خواهد بود؟ لذا با کارهای هیجانی و اصالت دادن به مبارزه مخالف بودند. ایشان همه چیز را با مقیاس اسلام می‌سنجیدند و برای آینده انقلاب روی آزادی بیان و برخورد درست با مخالفان و روی عدالت و استقلال فرهنگی و مکتبی تأکید زیادی داشتند و معتقد بودند که یک نهضت اجتماعی نیاز به مراقبت مستمر و دائم دارد و این طور نیست که چون انقلاب ما اسلامی است مصون از آفتهاست. حتی انقلاب ما را به انقلاب صدر اسلام تشبیه می‌کردند که آن انقلاب بعد از پنجاه سال از رحلت پیامبر(ص) از مسیر خود به طور کامل خارج شد و امت پیغمبر فرزند پیغمبر را کشتند. خلاصه روی اصول و مبانی تأکید داشتند و انقلابیون را از کارهای احساسی و هیجانی برحذر می‌داشتند. پس اگر ایشان بودند قاعدتا در حوزه‌هایی مثل آزادی بیان و عدالت و ابلاغ پیام اسلام به دنیا و استقلال فرهنگی و مکتبی وضع بهتری داشتیم.

• یعنی شعار راه قدس از کربلا می‌گذرد، با اندیشه‌های ایشان تناقض داشت؟

آن یک شعار احساسی نبود بلکه بر یک تفکر استوار بود که آزادی فلسطین با وجود رژیمی مثل رژیم صدام امکان‌پذیر نیست. ایشان حرفش این بود که نباید هدف را گم کرد. هدف این است که یک حکومت اسلامی برقرار کنیم و بعد هم پیام اسلام را به دنیا برسانیم.

• یک مصداق سفارت آمریکا را آوردید. یعنی انقلاب بدون خشونت را می‌خواستند؟

تسخیر سفارت آمریکا مساوی با خشونت نبود. خشونت هم چیزی نیست که همیشه مردود باشد بلکه در جای خودش درست است،همان طور که جهاد همراه با خشونت است و در جای خودش واجب است. البته خشونت جهاد هم فقط شامل سربازان دشمن می‌شود نه مردم عادی. بحث در ضرورت و عدم ضرورت تسخیر سفارت آمریکاست. البته می‌دانید که استاد مطهری شش ماه قبل از تسخیر سفارت آمریکا شهید شده بودند. ولی با نگاهی که از ایشان سراغ داریم

به نظر می‌رسد که لااقل با طولانی شدن اشغال این سفارتخانه موافق نبودند و آن را به ضرر انقلاب می‌دانستند چون ما برای مردم جهان پیامهای غنی داریم و می‌خواهیم انقلاب را به دنیا معرفی کنیم نه اینکه دنیا را رو در روی انقلاب قرار دهیم. بنابراین حدس می‌زنم که قاعدتا با تسخیر سفارت نمی‌توانستند موافق باشند. اگر هم موافق بودند در حد چند روز بود تا صدای اعتراض ما به خاطر پناه دادن آمریکا به شاه و تلاش برای شکست انقلاب شنیده شود، اما اینکه ٤٤٤ روز سفارت در تسخیر باشد و گروگان داشته باشیم و تبلیغات وسیعی علیه انقلاب شود و چهره انقلاب، خشن جلوه داده شود و صدام هم از این فرصت برای حمله به ایران استفاده کند، مسلما با مخالفت ایشان مواجه می‌شد و به احتمال قوی امام را قانع می‌کردند که این موضوع سریع‌تر جمع شود. نگاه شهید مطهری مانند نگاه امام یک نگاه جهانی بود. معتقد بودند که انقلاب اسلامی محدود به مرزهای ایران نیست. منتها روش کار مهم بود. همان تسخیر سفارت آیا سبب گسترش پیام انقلاب بود؟ و در مجموع در جهت صدور انقلاب بود یا برعکس، به صدور انقلاب لطمه زد؟ به هر حال نگاه ایشان بیشتر ایدئولوژیک بود و معتقد بود نظام سیاسی و جزایی و اقتصادی‌مان را به دنیا معرفی کنیم و برای دنیا حرف داریم لذا باید با دنیا مرتبط باشیم و پیام‌مان را به دنیا برسانیم. به همین جهت با تندروی‌هایی مانند این که با دنیا قطع رابطه کنیم، مخالف بودند.

• این سوال را به این دلیل از شما می‌پرسم که مسلما روایت روزهای آغازین بعد انقلاب از زبان آقای مطهری بسیار مهم است. از نگاه ایشان در این دست برخوردهای احساسی و هیجانی چه کسانی موثر بودند و نقش کلیدی داشتند و از نگاه آقای مطهری چه کسانی روی امام تاثیرهایی در این راستا داشتند؟ اگر فکر می‌کنید گفتن این سخنان بعد از ۳۵ سال، دیگر آن‌چنان حساسیت برانگیز نیست و سبب دلخوری این افراد نمی‌شود، در موردش صحبت کنیم؟ افرادی که پشت امام سنگر می‌گرفتند و اهدافشان را جلو می‌بردند و طوری وانمود می‌کردند که گویی امام این طور می‌خواهد. همان طوری که شما هم چند بار در ابتدای گفت‌وگو به آن اشاره داشتید.

امام مستقل تصمیم می‌گرفت و کمتر تحت‌تاثیر اطرافیان قرار می‌گرفت. اما در همان دوره برخی از نزدیکان امام بودند که چنین گرایش‌های احساسی داشتند. مثلا مرحوم حاج احمد آقا آن اوایل یک گرایشی به مجاهدین خلق داشت که در چهلم آقای طالقانی هم در آن مراسم شرکت کردند و در کنار مسعود رجوی قرار گرفتند و سخنرانی هم کردند. اما بعدا امام ایشان را از چنین رفتارهایی و نزدیکی به مجاهدین نهی کردند. یا آقای موسوی خوئینی‌ها گرایشی به چپ داشت که در تسخیر سفارت موثر بود.

• مثلا در مورد برخورد با نهضت آزادی‌ها و ملی مذهبی‌ها، برخی معتقدند همان برخورد امام با این دو گروه بهانه‌ای شد تا در دهه‌های بعد، برخورد با گروه‌های مخالف سیاسی به این شکل که می بینیم، باب شود.

درست است، برخی افراد از آن برخوردها به عنوان مجوزی برای برخوردهای تند و خشن بعد از امام(ره) استفاده کردند، در حالی که این قیاس یک قیاس مع‌الفارق است و شرایط متفاوت بوده است. برخورد امام با جبهه ملی زمانی بود که آنها حکم قصاص را غیر انسانی نامیدند و اعلام راه‌پیمایی علیه لایحه قصاص کردند. یا برخورد امام با نهضت آزادی در دوره جنگ بود که آنها جبهه خودی را تضعیف می‌کردند. نباید آن برخوردها را به امروز سرایت دهیم. افرادی در همان دوران و بعد از آن، این برخوردها را یک ملاک کلی برای برخورد با این گروه‌ها در نظر گرفتند و گاهی تندروی کردند. من با برخی برخوردهایی که در آن دوران شد و حتی الان با نهضت آزادی و ملی مذهبی‌ها می‌شود، مخالفم. چون نهضت آزادی‌ها مثل مجاهدین خلق نبودند. البته آن‌ها یک بینش و روش جداگانه‌ای داشتند اما باید این روش و بینش را تحمل می‌کردیم. به هر حال این‌ها یک گروه اسلامی بودند، منتها اصل ولایت‌فقیه را به این شکل رایج قبول نداشتند و یا در روش کار، کمی متفاوت بودند. آنها با تندروی‌ها مخالف بودند، اما به هر حال گروهی بودند که می‌شد با آنها کار کرد و می‌شد آنها را جذب کرد. البته با امام زاویه داشتند مانند زاویه بازرگان؛ اما زاویه داشتن مستلزم طرد کردن نیست. کاربرد اصلی‌شان هم در همان دولت موقت بود.

شهید مطهری، آقای بازرگان را به عنوان نخست وزیر دولت موقت معرفی کرد چون این استدلال را داشت که انقلاب سریع‌تر به نتیجه می‌رسد و با حضور بازرگان بسیاری از حساسیت‌ها روی انقلاب ما کمتر شد و انقلاب سریع‌تر به پیروزی رسید. اما بعدا این گروه نتوانستند خودشان را با امام هماهنگ کنند و آن حوادث رخ داد. پدرم در همان روزهای آخر حیاتشان از عملکرد بازرگان راضی نبودند و معتقد بودند که این‌ها دیگر باید کنار بروند و ماموریت‌شان را انجام دادند که همان مدیریت دوره انتقال بود. اما این به این معنی نیست که ما باید آن‌ها را طرد و محدود می‌کردیم و حتی ضد انقلاب معرفی کنیم. البته نهضت آزادی در دوره جنگ هم معتقد به ادامه جنگ نبودند و می‌گفتند باید صلح شود. این نگاه‌شان از نظر انقلابیون سبب تضعیف روحیه مردم می‌شد و به همین دلیل از دست آنها ناراحت بودند و گاهی نهضت آزادی را ستون پنجم دشمن می‌نامیدند.

با همه این اوصاف معتقدم به عنوان یک گروه منتقد باید تحمل می‌شدند و حقوق‌شان به درستی رعایت نشد. اگر شهید مطهری بودند بسیاری از این افراد را جذب می‌کردند، چون بالاخره از سال ۳٤ تا ۵۸ با آنها مراوده داشتند و سخنران اصلی جلسات انجمن اسلامی مهندسین و پزشکان بودند که مهندس بازرگان و دکتر سحابی و مهندس کتیرایی و مهندس معین‌فر گردانندگان اصلی آن بودند. لذا حضور ایشان می‌توانست نهضت آزادی را به دیدگاه‌های امام نزدیک کند.

• آنچه شما می‌گویید در ابتدای انقلاب شعار بسیاری از چهره‌های انقلابی بود. اما در طی سی و پنج سال در برخی مواقع این آرمان‌ها استحاله شد.

نه، ببینید موقعیت استاد مطهری با دیگران متفاوت بود. به دلیل جایگاه علمی که داشتند به گونه ای بود که همه گروه‌ها و طبقات یک نوع خضوع نسبت به ایشان داشتند. بنابراین اگر ایشان در قید حیات بودند تا حد زیادی مانع این استحاله می‌شدند.

• خب هاشمی و منتظری هم همین طور بودند.

نه، این افراد در حد شهید مطهری نبودند. آقای منتظری از نظر فقهی جایگاه والایی داشتند اما شهید مطهری در مجموع مقبولیت بیشتری در میان مراجع و روحانیت داشتند.

• یعنی می‌خواهید بگویید پایگاه خاصی در حوزه علمیه داشتند که نمی‌گذاشت مانند برخی روحانیون دیگر دچار حذف شوند؟

بله، مراجع سه گانه زمان انقلاب یعنی آیت الله گلپایگانی و شریعتمداری و نجفی مرعشی و نیز آقای خویی در نجف، همگی شهید مطهری را وزنه بزرگ علمی می‌دیدند نه یک چهره صرفا سیاسی. مراجع سه گانه قم در دوره نهضت اسلامی در میان یاران امام حرف آیت‌الله مطهری را بیشتر قبول داشتند و آن شهید نقش ویژه‌ای در هماهنگ کردن آنها با نهضت امام داشت. شهید مطهری آنها را ترغیب می‌کند که در مواردی اعلامیه سه نفره بدهند و از امام حمایت کنند. همین طور اعلامیه آقای شریعتمداری در چهلم شهدای قیام قم که منجر به قیام تبریز شد به تحریک شهید مطهری صادر شد.

• یعنی حمایت مراجع را آقای مطهری برای امام به وجود آوردند؟

در آغاز دوره جدید نهضت یعنی مقارن با رحلت یا شهادت حاج آقا مصطفی خمینی که هنوز رهبری امام فراگیر نشده بود حمایت سایر مراجع خیلی مهم بود. مراجع حرف استاد مطهری را قبول داشتند و هر کسی نمی‌توانست مراجع را به این اجماع برساند که در این شرایط از امام خمینی حمایت کنند.

• پس اگر آقای مطهری یک دهه بعد هم از روال و شرایط بعد انقلاب انتقادی می‌کردند، عملا به دلیل این جایگاه ویژه، برخورد قهری با ایشان میسر نبود یا اینکه از انقلاب طرد شوند.

همین طور است، یعنی کار به این سادگی‌ها نبود. ایشان قابل قیاس با روحانیونی که بعد از انقلاب به این دلیل که انتقاد کردند طرد شدند، نیستند. از نظر علمی، حکمت، پختگی، تقوا و مقبولیت اجتماعی نزد مردم و روحانیت. از طرفی امام هم خیلی ایشان را قبول داشتند و همان طور که می‌دانید مسئولیت تشکیل شورای انقلاب را به ایشان واگذار کردند و بعد از شهادت

استاد مطهری هم ایشان را حاصل عمر و پاره تن خود نامیدند. لذا منزوی کردن شهید مطهری کار آسانی نبود.

• این مهم است که با این توصیفی که از آقای مطهری می‌کنید، ایشان چه نگاهی در مورد حضور روحانیت در سیاست داشتند؟

ایشان معتقد بودند که باید حوزه علمیه و تربیت طلاب تقویت شود. تاکید داشتند که روحانیون پست اجرایی دولتی نگیرند مگر اضطراراً. همچنین اگر رهبر امام است، به این معنی نیست که بقیه روحانیت باید در حاشیه باشند بلکه انقلاب باید توسط کل روحانیت اداره شود. لذا در سال ۵۶ وقتی یک نفر در قم در مراسمی گفته بود «برای سلامتی یگانه مرجع عالم تشیع حضرت امام خمینی صلوات» شهید مطهری ناراحت شده بودند که یگانه مرجع یعنی چه؟! ما مراجع دیگر هم داریم و تأکید داشتند که روحانیت به عنوان یک کل باید تقویت شود نه این که یک استثنا در روحانیت به نام امام خمینی پیدا شده است. ایشان به صراحت با این کار که یک نفر بت شود و بقیه را بکوبند، مخالف بود. این حرف را در شرایطی می‌زدند که نزدیک‌ترین و علاقه‌مندترین و عارف‌ترین فرد به امام بودند. ایشان مصلحت اسلام و کشور و مصلحت خود امام به عنوان رهبر را می‌دید و کار احساسی نمی‌کرد.

• آقای مطهری این مصداق‌ها را می‌آورید؛ اما شما سال گذشته خودتان به قم سفر داشتید. چقدر بین روایت شما از روحانیون و نگاهی که پدر شما در مورد حضور روحانیون در قدرت و جلوگیری از انحصار قدرت داشتند، شباهت دارد؟

من در سالهای اخیر دو بار به قم رفتم و با برخی مراجع در مورد وضعیت کنونی سیاسی کشور صحبت کردم. مراجع از لحاظ نگاه اجتماعی و سیاسی متفاوت هستند. برخی از آنها به مسایل روز سیاسی و اجتماعی ورود پیدا نمی‌کنند. برخی می‌گویند الان ملاحظاتی دارند. برخی هم می‌گویند مصالح اسلام را بر هر مصلحت دیگری ترجیح می‌دهند. متاسفانه در سال‌های اخیر یک فضای رعب و وحشتی ایجاد کردند که حتی برخی از مراجع سخن گفتن را دیگر صلاح نمی‌دانند. دو سه باری که برخی مراجع در اعتراض به وضع موجود سخن گفتند گروه‌های

سازماندهی شده به در منازل یا دفاترشان رفتند و در و شیشه شکاندند و شعار «مرجع بی‌بصیرت» دادند. این عوامل، بازدارنده است و برخی مراجع صلاح نمی‌دانند که در این فضا هزینه بدهند. البته من معتقدم بودجه‌های عمرانی که برای ساخت حوزه‌های علمیه –نه شهریه طلاب – در نظر گرفته می‌شود خواه ناخواه نوعی وابستگی به دولت در حوزه‌های علمیه ایجاد کرده است.

• به همین موضوعی که اشاره می‌کنید اگر بپردازیم، رابطه ثروت و قدرت است. چقدر ثروت و قدرت انقلاب را از مسیرش می‌تواند منحرف کند. چون همواره می‌گویند اگر بانیان یک انقلاب به یکی از این دو مورد آلوده شوند، خودشان می‌توانند بانی انحراف شوند؟

روشن است که رهبران رده اول انقلاب دچار این آلودگی نشده‌اند ولی در رده‌های پایین‌تر این آسیب قابل انکار نیست و نیاز به اصلاح دارد. آرمان‌های اولیه انقلاب مانند آزادی و عدالت و استقلال اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مورد توجه است و هنوز در همان مسیر در حال حرکت هستیم. لذا در اصول منحرف نشده‌ایم گرچه فراز و نشیب داشته‌ایم. مثلا برای نیل به عدالت تلاش شده اما آنچنان موفق نبوده‌ایم.

• پس این دو مورد در چهره‌های اول انقلاب نفوذ نکرده؟

در بین چهره‌های اولیه و یاران نزدیک امام، این نفوذ و انحراف را نداشته‌ایم اما در رده‌های پایین‌تر متاسفانه وجود داشته است. فرض کنید که سپاه نباید این میزان در مسائل اقتصادی وارد می‌شد چون به نوعی پیوند قدرت و ثروت بوده است که اخیرا عنصر سیاست هم اضافه شده است؛ یعنی قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی با هم جمع شده و پیوند خورده است. سپاه، هم سیاسی شده و هم اقتصادی و شبیه یک حزب شده است. ممکن است در ابتدا حسن نیت بوده اما الان بنیان سپاه را آسیب‌پذیر کرده است.

• ممکنه این سئوال صریح خوشایند نباشد. اما برخی منتقدان شما می‌گویند که شما و پسر شهید بهشتی به این دلیل این گونه لب به انتقاد گشودید که دست‌تان از مکنت و قدرت به دور است و کوتاه شده است.

از لحاظ مال و منال که از قبل انقلاب وضع مالی خوبی داشتیم. همان قبل انقلاب، یکی از ایرادهایی که برخی انقلابیون به شهید مطهری می‌گرفتند این بود که چرا خانه شما بالای شهر است. خانه ما در قلهک بود، همان خانه‌ای که الان مادر و برادرم در آن سکونت دارند. لذا در یک سطح متوسط به بالا بودیم. همان موقع خانه ما بزرگ بود برای زندگی هفت فرزند. ایشان از سال ۵۰ راننده و ماشین بنز – البته نه مدل بالا – داشتند. این طور نبود که بعد از انقلاب به چیزی رسیده باشیم. آقای بهشتی هم همین طور بود، منزل خوب و پژوی ٥٠٤ داشت و خودش رانندگی می‌کرد. آقای مفتح هم همین طور. از قضا بچه‌های اینها هیچ کدام منحرف و دچار سوء استفاده از موقعیت نشدند. چون انقلاب و پیروزی‌اش فرقی به حال ما از لحاظ اقتصادی نکرد. بعد از انقلاب هم که شهید مطهری تنها می‌رفتند و می‌آمدند و شهید شدند. لذا این طور نبوده که مثلا ما چشمداشتی به ثروت و قدرت داشته باشیم. در مورد قدرت هم شهید مطهری خودش به امام پیشنهاد می‌کند از شورای انقلاب بیرون بیاید و به قم برود و به کار اصلی‌اش یعنی کار علمی بپردازد. امام هم فرموده بود مدتی دیگر باشید بعدا بروید. ایشان اصلا دنبال پست نبود. لذا اگر ایشان ترور نمی‌شدند به قم می‌رفتند و به عنوان وزنه علمی مطرح بودند. ایشان معتقد بود که باید حوزه را تقویت کرد و به تربیت طلاب پرداخت.

• قبل از اینکه نماینده مجلس شوید، آیا با پسران و خانواده رهبری ارتباطاتی داشتید و دارید؟ نگاه آن‌ها به مواضع و سخنان شما چگونه است؟

چون آقای خامنه‌ای مشهد بودند ما رابطه زیادی با خانواده ایشان نداشتیم. اما ایشان وقتی تهران می‌آمدند به منزل ما می‌آمدند یا وقتی ما مشهد می‌رفتیم ایشان به دیدن شهید مطهری می‌آمدند و ارتباط برقرار بود.

یادم هست یک بار که آقای خامنه‌ای ناهار منزل ما بودند و بعد از ناهار استراحت کرده بودند پدرم به ما بچه‌ها گفتند سروصدا نکنید که آقای خامنه‌ای کسالت دارند و خوابیده‌اند. لذا این طور نیست که از قدیم رابطه زیادی با پسران ایشان داشته باشیم. از طرفی اختلاف سنی زیادی بین شهید مطهری و آقای خامنه‌ای بود. شهید مطهری بیست سال از ایشان بزرگتر بودند و طبعا

اختلاف سنی ما هم با فرزندانشان کم نیست. لذا آن چنان رابطه نزدیکی نبود. البته چند سال پیش با آقا مسعود پسر مقام رهبری یک ملاقات داشتم. ایشان برای تدوین آثار رهبری می‌خواستند کاری شبیه آنچه ما برای شهید مطهری داشتیم انجام دهند. از ما خواستند تا تجربیات‌مان را در اختیارشان بگذاریم که دو جلسه‌ای داشتیم تا دفتر حفظ و نشر آثار رهبری را راه اندازی کنند. بعد از آن دیگر رابطه و دیداری نبوده است.

• در مورد رهبری چطور؟ آیا شنیدید ایشان نقطه نظری در مورد رفتارهای شما داشته باشند؟

در سال ۸۸ و چند ماه بعد از حوادث آن سال ما اعضای فراکسیون شاهد مجلس هشتم به دیدار ایشان رفتیم و من انتقادهایی در مورد امور فرهنگی داشتم مانند مکتب ایران و خطر افکار مشایی، گسترش کلمات بیگانه و .... و گفتم دو سؤال از وزیر در این موارد کرده‌ام که در دستور کار مجلس است. ایشان تایید کردند و گفتند مطالب حقی است و سؤال از وزیر هم باید چنین سؤال‌های استخوان‌داری باشد نه سؤال‌هایی که وقت مجلس و دولت را می‌گیرد.

• در مورد مواضع سیاسی تان چطور؟

نمی‌دانم نظر ایشان در مورد رفتارهای سیاسی من چیست. اما وقتی در انتخابات مجلس نهم از طرف هیئت اجرایی استان تهران رد صلاحیت شدم از چند منبع موثق شنیدم که مقام رهبری به رد صلاحیت من اعتراض کردند وگفتند فلانی فرد حری است و مانند پدرش است، وقتی به چیزی اعتقاد داشته باشد حرف خودش را می‌زند، چرا ایشان را رد صلاحیت کردید.

• می‌گویند شما تا قبل از نمایندگی مجلس کجا بودید؟ می‌گویند سخنان شما فقط ویترینی است برای دیده‌شدن‌تان و چون دستتان از بدنه قدرت اصلی کوتاه مانده این طور لب به انتقادهایی می‌گشایید که خوشایند آنها نیست.

وقتی انحراف می‌بینم عکس‌العمل نشان می‌دهم. نمی‌توانم سکوت کنم. نطق اخیر من به خاطر تندروی‌هایی بود که در ایام ۹ دی در صدا و سیما و سخنرانی‌ها و غیره انجام دادند. خب وقتی تندروی می‌کنند نباید انتظار سکوت داشته باشند. من احساس کردم که وظیفه دارم سخن بگویم

و این فضا را بشکنم. این که می‌گویند چرا دهه ۷۰ ساکت بودم مگر دهه ۷۰ شاهد اتفاقاتی مانند سال ۸۸ به بعد بودیم؟ رفتارها ملایم‌تر بود.

• خب دانشجویان می‌گویند شما ۷۸ هم ساکت بودید.

من از همان دوره آقای هاشمی انتقادهایی داشتم و در دوره اصلاحات هم به حوزه فرهنگ انتقاد داشتم، گرچه از افزایش آزادی بیان و نوع رفتار دولت در قتل‌های زنجیره‌ای تمجید می‌کردم. به هرحال هیچ وقت ساکت نبودم. ببینید انگیزه من در ورود به مجلس این بود که احساس کردم با صرف مقاله نوشتن صدایم به درستی به جامعه نمی‌رسد. گفتم بهتر است که جایگاه قانونی داشته باشم که این صدا بهتر برسد. به هر حال انگیزه هر کسی را خدا می داند که برای خودش حرف می‌زند یا اصلاح جامعه؛ خلوص نیت دارد یا نه.

• یعنی اگر یک سمت بالایی در قدرت داشتید، ساکت نمی شدید؟

نه، اصلا روحیه من این طوری نیست. به همین دلیل هم مطمئن باشید هیچ وقت به من چنین جایگاهی نمی‌دهند.

• خب برعکسش اگر این زبانتان برایتان منجر به صدور حکم قضایی شود و به حصر و زندان بروید چطور؟ به هر حال فرزندان آقای بهشتی به چنین سرنوشتی دچار شدند.

بله متاسفانه فرزندان آقای بهشتی، یکی به زندان رفت و دیگری بازجویی طولانی شد. به هر حال همه ما آرمان‌هایی داریم. انسانیت انسان به همین است که روی عقیده خودش بایستد. روی من هم بسیار فشار آوردند. حجم حمله و فشارهایی که روی من آوردند از ابتدای دوره نمایندگی تا امروز زیاد بوده.

• فشارها از کجاست؟

در انتخابات مجلس نهم ابتدا نام مرا از فهرست اصولگرایان حذف کردند در حالی که من در مجموعه ۷+۸ رأی آوردم. بعد هیئت اجرایی استان مرا رد صلاحیت کرد. به این امید بودند که

دیگر نمی‌توانم وارد مجلس شوم ولی من به طور مستقل در انتخابات شرکت کردم و جزو نفرات اول تهران رأی آوردم که این امر حاکی از رشد اجتماعی و سیاسی مردم است. در شب و روز انتخابات هم پیامک‌های تخریبی زیادی علیه من در سطح وسیعی ارسال شد. اگر کسی اعتقاد به راه خودش نداشت نمی‌توانست در برابر آن فشارها ایستادگی کند. اینکه در تهران یک نفر به تنهایی بیاید و رای بیاورد، جز با اراده بالا و اعتقاد به هدف قابل توجیه نیست. فشار روحی و روانی بسیار بالایی وجود داشت. کسی ایمان به کارش نداشته باشد نمی‌تواند ادامه دهد.

• باز هم جسارتا مطلبی را نقل می‌کنم که برخی افراد سیاسی درباره شما می‌گویند که ۸۸ تمام شد و رفت، اصلاح‌طلب‌ها کوتاه آمدند و شما کوتاه نمی‌آیید. مثلا می‌گویند آنچه از شما به عنوان نقد برادران لاریجانی بروز می‌کند ناشی از اختلافات خانوادگی‌تان است و چون مطمئنید در نهایت برخورد جدی با شما نمی‌شود این طور اعتراض‌هایتان را به نمایش می‌گذارید؟ از آن طرف هم برخی هستند که شما را مانند سوپاپ اطمینان می‌دانند و می‌گویند همه چیز ظاهرسازی است. به عبارتی، هستند افرادی در هر دو گروه که این گونه به کنش سیاسی شما نگاه می‌کنند. قیاس می‌کنند فاطمه هاشمی چطور روند برخورد قضایی با او به صدور حکم رسید اما در مورد شما فقط یک احضار بوده و بس.

اولا من و آقایان لاریجانی دعوایی نداریم. علی آقا که داماد ماست و آدم بسیار فهمیده و عاقل و معتدلی است. با بقیه آنها هم تضاد آشتی‌ناپذیر ندارم، ممکن است انتقادی داشته باشم. ثانیاً رفتاری که با خانم فاطمه هاشمی شد رفتار درستی نبود. نیازی به شکایت نداشت و به نظر من حکمی هم که در مورد ایشان صادر شد عادلانه نبود. اگر قرار باشد در این مملکت هیچ کس نتواند انتقاد کند که اختناق حاکم می‌شود. اعلام جرم علیه من هم کار غیرقانونی و غلطی بود. حتی یک فرد عادی هم می‌تواند این حرفها را بزند چه رسد به نماینده. من گفتم قوه قضائیه باید مستقل باشد. خوب بیایند و بگویند خیر، به این دلایل مستقل است. دیگر اعلام جرم ندارد. من گفتم احکام سال ۸۸ به دلیل فضای هیجانی سختگیرانه بوده. حداکثر این است که بیایند و

بگویند خیر به این دلایل عادلانه بوده است. اعلام جرم یعنی چه؟ من با آقای صادق لاریجانی کینه شخصی ندارم، تنها گفتم به جای شعار دادن درباره فتنه بیاید و مسئله را حل کند. ایشان که قدرت دست‌شان است نمی‌توانند مانند رسایی و کوچک‌زاده سخن بگویند که فتنه‌گران گرما دیده‌اند و جان گرفته‌اند، بلکه باید مسئله را حل کنند.

• خب چرا این حرف‌ها را در تریبون رسمی می‌زنید که فقط تبدیل به جنجال شود و در نهایت هم منجر به نتیجه‌ای نشود که نفعش را مردم ببرند؟ چرا همین نقدها را در دیدارهای خانوادگی‌تان مطرح نمی‌کنید که در نهایت به نتیجه برسد و آقای لاریجانی را متقاعد کنید که تغییر موضع دهند؟

در جلسات خصوصی هم همین حرف‌ها را می‌زنیم. البته من آقای صادق لاریجانی را زیاد نمی‌بینم اما به هر حال در دیدارهای خصوصی این حرف‌ها را می‌زنم. این طور نیست که در ابتدای کار بیایم و موضوع را از تریبون عمومی اعلام کنم. در محافل خصوصی نقدها و راه حل‌ها را مطرح می کنم. اما یک جاهایی نیاز به فشار افکار عمومی است. ایشان هم البته برای خودش دلایلی دارد. البته این را که این کارها نتیجه‌ای ندارد قبول ندارم، اثر خودش را می‌گذارد، اگر این اقدامات نبود الان وضع بدتری داشتیم.

• هنوز هستند افرادی که معتقدند احمدی‌نژاد در بطن جامعه طرفدارانی دارد. اقای ذوالنور می‌گفت خطر احمدی‌نژاد باقی‌است چون توانسته بخشی از مخاطبانش را فریب دهد. از آن طرف برخی هم هستند که می‌گویند دو ویژگی را باید در احمدی‌نژاد تمایز داد یکی عملکرد ضعیفش در عرصه اقتصاد، دیگر اصرارش بر اینکه کسی در امور قوه مجریه دخالت نکند، و هزینه‌اش را هم داد با صف‌کشی سهم‌خواهان اصولگرا در برابرش. برخی می‌گویند با حصر موسوی مخالف بوده برخی می‌گویند خودش از مسببان برخورد شدیدتر با معترضان انتخابات بود. اگر الان بخواهید از احمدی‌نژاد روایتی بکنید، تغییری حاصل شده؟

حتما آقای احمدی‌نژاد هم حرف‌هایی برای گفتن دارد. مطمئنا جاهایی می‌خواست کارهایی کند اما نتوانست انجام بدهد. راجع به درخواست آزادی آقای موسوی و کروبی این حرف صحیح

است و من از منبع موثق شنیدم که دو بار مکتوب درخواست آزادی این آقایان را داده بود. حالا نه، بلکه همان چند سال پیش. در این اواخر خیلی علاقه‌مند به دفاع از حقوق مردم شده بود اما کلا ثبات قدم نداشت.

• ثبات قدم یعنی چه؟

یعنی زمانی وارد دفاع از حقوق مردم شد که دیگر دیر شده بود. موقعی که جوانفکر و دوستانش را بازداشت کردند، درخواست بازدید از زندان‌ها را داد، از حقوق مردم صحبت کرد. خیلی از مردم، دیگر باور نمی‌کردند. اگر بلافاصله در اوج حوادث ۸۸ این حرف‌ها را می‌زد و بعد هم ادامه می‌داد قابل قبول بود. ایشان سال ۸۸ رئیس شورای عالی امنیت ملی بود و بسیاری از تصمیم‌هایی که برای بسته‌تر شدن فضا صورت گرفت با نظر ایشان بوده و می‌توانست جلوی بسیاری از آن رفتارها و تصمیم‌ها را بگیرد. آن زمان هیچ سخنی نگفت و این اواخر که دید دوستانش در معرض آسیب هستند وارد میدان دفاع از حقوق مردم شد که دیگر باورش سخت بود. اما بالاخره ایشان روحیات مثبتی هم مانند حریت و شجاعت داشت که در چند مورد هم بروز داد.

• احمدی‌نژاد یکی از بیشترین چالش‌هایش را با مجلس داشت. او معتقد بود که عزل وزرا از اختیارات من است و مجلس می‌خواهد این حق را از من بگیرد. این که اخراج وزرایش به چه دلیلی بود، موضوع جدایی است اما این را قبول دارید که واقعا در مواردی حق داشت که از استقلال دولت در برابر مجلس دفاع کند مانند حق انتخاب و عزل وزیر ؟

مجلس در این مورد کاری نمی‌توانست بکند. اما تعداد عزل‌ها از حد طبیعی خارج شد به طوری که عملا امور کشور مختل شده بود. در مورد طرح سؤال از رئیس جمهور برخی می‌گفتند اگر ما این کار را نمی‌کردیم شرایط برای عزل او فراهم می‌شد و می‌رفتند به سمت عدم کفایت رئیس جمهور. ولی اینها حرف بود. سوال را برای امضا که می‌بردیم می‌گفتند ما امضا نمی‌کنیم، اگر عدم کفایت بیاورید امضا می‌کنیم. مطمئن باشید عدم کفایت هم می‌بردیم امضا نمی‌کردند. این طور افراد اصلا اهل خطر نبودند و صرفا ادعا بود که عدم کفایتش را بنویس ما امضا می‌کنیم.

به هرحال برخی حرفهای آقای احمدی‌نژاد در ارتباط با مجلس درست بود. مثل این که می‌گفت نمایندگان در امور اجرایی و عزل و نصب‌ها دخالت نکنند. امروز هم نباید دخالت کنند.

• اشاره‌ای داشتید به اهل خطر نبودن بخش قابل توجهی از نمایندگان؛ آیا رفتارهای شما و تابوشکنی‌هایتان توانست روی تغییر رفتار این دست نمایندگان موثر باشد که بگویند ببینید مطهری چطور رفتار می‌کند ما هم از این دست رفتارها داشته باشیم؟

مجلس نیاز به روحیه دارد. همین رفتارهای من روی نمایندگان اثرگذار بود. اما نمایندگان از برخی نهادها مانند شورای نگهبان و وزارت اطلاعات هراس دارند. همیشه فضایی ایجاد شده است که دست و بال نماینده بسته است که اگر این حرف را بزنیم بعدا پرونده برایمان درست می‌شود، بعدا ردصلاحیت می‌شویم و از این نوع نگرانی‌ها.

• حرف‌شان درست است؟ خب شما اگر پسر مطهری نبودید مانند برخی دیگر رد صلاحیت نمی‌شدید؟

خب رد صلاحیت بشویم. شما یک دوره با کیفیت کار کنید بهتر از این است که ۵ دوره بدون کیفیت فقط حضور فیزیکی در مجلس داشته باشید. مگر بناست طولانی مدت نماینده مجلس باشیم؟ بالاخره این‌گونه رفتارها اثرگذار است. در همان مجلس هشتم وقتی نطق می‌کردم چند نماینده بعد از من شهامت پیدا می‌کردند تا حرف‌هایشان را بزنند، البته ملایم‌تر و در حدی که می‌توانستند؛ اما به هر حال شجاعت و روحیه پیدا می‌کردند. البته روی هم رفته مجلس هشتم قوی‌تر از مجلس نهم بود.

• چقدر شخص آقای علی لاریجانی در سکوت نمایندگان موثر است؟

آقای لاریجانی سعی می‌کنند استقلال نمایندگان و آزادی بیان آنها حفظ شود و حتی‌المقدور از مقام رهبری مایه نمی‌گذارند. لذا نمایندگان اگر اراده به انجام کاری داشته باشند ایشان مانع نمی‌شود و بلکه نمی‌تواند مانع شود.

• شما در مورد همین پرونده‌های ۸۸ پیگیر بودید. در مورد افراد خودسری که جرم کرده بودند نگاه حاکمیت چه بود؟

متأسفانه این گونه حوادث خوب پیگیری نمی‌شود،مثل حادثه کوی دانشگاه تهران، در حالی که اگر خودیها مرتکب جرم شدند باید مانند بقیه با آنها رفتار شود نه اینکه به بهانه حفظ نظام نادیده گرفته شود. آن روزهای اول تشکیل کمیته انقلاب اسلامی، یک فرد کمیته‌ای وارد خانه‌ای شده بود و جرمی انجام داده بود. شهید مطهری به آقای مهدوی‌کنی گفته بود که باید این کمیته‌ای به نام کمیته‌ای – نه کمیته‌ای‌نما یا نفوذی در کمیته – محاکمه و مجازات شود. این روش صحیح است. حالا هم اگر افراد منتسب به نظام مسبب مرگی شده باشند، شلیکی کرده باشند که فردی کشته شده باشد یا به جایی بدون دستور قانونی حمله و ضرب و شتم کرده و شیشه شکانده و کتک زده باشند باید با آنها برخورد قضایی شود.

یک تفکری در ماها هست که به درستی یک قداستی برای نظام قائلیم و می‌گوییم چون نظام اسلامی است پس مقدس است، اما بعد نتیجه غلط می‌گیریم و به زبان حال می‌گوییم تمام زیرمجموعه نظام منزه از خطا هستند. وزارت اطلاعات که همگی سربازان گمنام امام زمان هستند و همه کارشان درست است. زیر مجموعه ولی فقیه هم چون زیر مجموعه مقام عالی مذهبی و سیاسی هستند پس همه کارهایشان درست است و مبرا از خطا هستند و هیچ کس حق ورود ندارد. دستگاه قضایی هم همین طور است و احکام تمام دادگاه‌هایمان درست است و خلاصه چون نظام مقدس است همه چیز درست است. این دیدگاه غلط است. چون «نظام مقدس است» به معنی غیرقابل انتقاد بودن نیست. حتی امام علی(ع) که معصوم بودند می‌گویند از من در خفا و آشکار انتقاد کنید. آن وقت عده‌ای به ما می‌گویند از قوه قضائیه و وزارت اطلاعات نباید انتقاد کرد. یک جای این تفکر می‌لنگد و با اسلامی بودن در تناقض است.

• ببینید در همان ماجرای شنود، از سوی وزارت اطلاعات اعلامیه دادند که نیروهای خاطی به خاطر شنود دفتر شما اخراج نشدند. با این اوصاف فکر می‌کنید آقای علوی در معتدل کردن تندروهای زیر مجموعه‌اش موفق می شود؟

نه، اعلامیه و جوابیه ندادند. اصلا حرف من را تکذیب نکردند بلکه با ندادن بیانیه تایید کردند که آن دو نفر به خاطر کار گذاشتن شنود در دفتر من و هم چنین رفتارهای خطای دیگر اخراج شدند. البته افرادی به عنوان منبع آگاه برای خودشان چیزی بافتند و در گفت و گو با آن روزنامه خاص حرف زدند. این که ارزش ندارد که خودشان برای خودشان حرف بزنند و ببافند. مهم واکنش رسمی وزارت اطلاعات بود که در واقع حرف‌های من را تایید کرد که این شنود کار معاون و مدیرکل وزیر سابق بوده و ما هم برکنارش کردیم. من هم نگفتم برکناری این دو فرد فقط به خاطر شنود دفتر من بود. حرف من این بود که یکی از کارهای این دو نفر، شنود دفتر من بود. الان نگاه وزارت اطلاعات بسیار خوب است و امیدواریم بتوانند همین مسیر را ادامه دهند.

• این شنود برای چه بود؟

اول که می‌گفتند کار ما نیست اما بعد معلوم شد کار خودشان است. شنود هم قانون دارد. باید مسئله‌ای مانند جاسوسی یا قتل در کار باشد تا شنود کنند. باید با مجوز قضایی باشد. البته به راحتی حکم قضایی را جور می‌کنند اما دلیلش را مشخص نکردند. شاید بیشتر نیت‌شان شنود سخنان افرادی بود که به دیدار من می‌آمدند از خانواده زندانیان سیاسی اعم از زندانیان سال ۸۸ و دراویش گنابادی. گویا می‌خواستند ببینند که آن افراد چه می‌گویند. احساس می‌کنم به این دیدارها حساس شده بودند و به نوعی می‌خواستند از طریق این شنود، کنترل روی این خانواده‌ها را بیشتر کنند. برای ما که شنود لازم نیست. من که حرف‌هایم را می‌زنم و ظاهر و باطنم یکی است.

• آقای مطهری همان طور که اشاره کردید بسیاری از خانواده‌هایی که به نوعی دستشان به جایی نمی‌رسد سراغ شما می‌آیند و از شما کمک می‌گیرند. لذا شما در راستای کمک به آنها و پیگیری‌هایتان با برخوردهای نهادهای مسئول مواجه می‌شوید. آیا تغییری حاصل شده و شاهد یک نوع عقلانیت و تدبیر هستید؟ روزنه امیدی حداقل برای منتقدانی که شما ویترینش هستید،

دیده می‌شود؟ مثلا آقای یونسی می‌گویند تندروها در نهادهایی مانند مجموعه آقای علوی کنار گذاشته شدند.

من بسیار به بهبود وضعیت امیدوارم. همین انتقادهایی که صورت گرفته فضا را به تدریج باز کرده است. شما ببینید فضا با سه سال قبل، قابل قیاس نیست. بسیاری از افراط کاری‌ها از بین رفته است و برخی از تندروها متنبه شدند. این سخنان و انتقادهای ما منتقدان بی‌تاثیر نبوده است. حرف‌هایی که از سال ۸۷ تا انتخابات ۹۲ گفته شد و آگاهی بخشی‌هایی که شد موثر بود و نشانش پیروزی آقای روحانی بود. اگر این حرف‌ها زده نمی‌شد، الان فضا به گونه دیگری بود. حتی هنوز برخی صراحتا می‌گویند موسوی و کروبی باید اعدام شوند و ما ارفاق کردیم و ممنون هم باید باشند که حصر خانگی شان کردیم و نان و آب به آنها می‌دهیم. یک نماینده به نطق من اعتراض کرد، من به او گفتم خب اصلا حرف من غلط، اما آیا ادامه وضع فعلی درست است؟ اگر یکی از آنها فوت کرد چه کنیم؟ خیلی راحت گفت هیچی، خودم چالش می‌کنم و... خب ببینید ما الان با چنین فضایی رو به رو هستیم و اگر فضا تغییر نمی‌کرد بدتر بود و الان روان‌بخش‌هایی قدرت گرفته بودند که می‌گفتند خودمان طناب دار را به گردن آنها می‌اندازیم. اینها الان به حاشیه رانده شده‌اند.

• پس رو به رویتان یک دیوار بلند نمی بینید و امیدوارید؟

من معتقدم این مقاومت‌ها به تدریج از بین می‌رود. تا این جای مسیر را به کمک مردم خوب جلو آمده‌ایم. معتقدم بالاخره فضا تغییر می‌کند و تندروها نمی‌توانند به روش خودشان ادامه دهند، یعنی افکار عمومی به آنها اجازه نمی‌دهد، البته به عملکرد دولت هم بستگی دارد.

• شما خودتان به ریاست ستاد اصول‌گرایان آقای هاشمی منصوب شدید. در آن زمان همه تصور می‌کردند که هیچ وقت هاشمی در نظام رد صلاحیت نمی‌شود؛ اما دیدیم که به راحتی رد شد. خودتان بعد از رد صلاحیت هاشمی احساس ناامیدی نکردید؟

در ابتدا ناامید شدیم اما بعد دیدید که چطور بازی برعکس شد و به نفع معتدل‌ها تمام شد. یعنی هر قدر تندروی کنند به ضرر خودشان است. این‌ها خواستند آقای هاشمی را رد صلاحیت کنند تا بقیه حساب کارشان را بکنند اما نتیجه معکوس شد. به هر حال تندروها الان در موضع ضعف هستند و این آگاهی بخشی باید ادامه داشته باشد.

• روحانی می‌تواند نماد این حرکت امیدوارانه باشد؟

بله، به مرور اگر بتوانند در دیپلماسی خارجی و اصلاحات اقتصادی توفیقاتی داشته باشند، به راحتی با پشتوانه مردم می‌توانند در سیاست داخلی و حقوق شهروندی هم گام‌های مهمی بردارند، البته به شرطی که مردم و خواص، روحانیون و روشنفکران هم همراهی‌اش کنند و وارد شوند. کار به جایی می‌رسد که تندروها چاره‌ای ندارند جز این که برخلاف میلشان فضا را عوض کنند.

• خودتان چقدر روی مردم حساب باز کرده‌اید که حمایت‌تان کنند؟ یا به نحو دیگر بپرسم: چقدر حمایت‌های مردم بعد از سخنان و نطق‌هایتان شما را برای ادامه این مسیر محکم‌تر می کند؟ اصلا این حمایت مردم چقدر برای‌تان مهم است؟

هر کسی که کار سیاسی می کند باید پشتوانه مردمی داشته باشد. این حمایت‌ها موثر است چون میزان اثر کار را نشان می‌دهد. ببینید اصل قضیه انجام وظیفه است و آدم وظیفه اش را برای وجدان خودش انجام می‌دهد؛ حمایت مردم و عدم حمایت‌شان فرعی است. وقتی من در مورد حقوق شهروندی و آزادی بیان حرف می‌زنم بسیاری خوششان می‌آید اما وقتی در مورد مسائل فرهنگی صحبت می‌کنم، همان افراد خوششان نمی‌آید و برعکس. اما من اهمیت نمی‌دهم و حرف خودم را می‌زنم. حتی مطالب سایت‌ها و کامنت‌ها را نمی‌خوانم. می‌گویم باید وظیفه‌مان را انجام دهیم و البته نظر مردم هم برایم مهم است تا آنجا که خارج از اصول نباشد. گاهی می‌گویند حرف‌هایی که می‌زنید خوشایند بیگانه است. برای من مهم این است که حرفم سبب شود جلوی ظلمی گرفته شود. حتی اگر دشمن هم خوشحال شود، ایرادی ندارد. اما گاهی حرفی هست که هیچ اثری در جامعه ندارد و فقط خوشحالی رسانه‌های دشمن را به دنبال دارد،

این حرف را نباید گفت. برای همین، همیشه در مورد مسائلی صحبت می‌کنم که امیدوارم گفتار من بتواند در توقف روند نامطلوب موثر باشد.

• شما هم این تعهد را به مردم دارید که وسط کار کنار نکشید و مردم نگویند بیا این هم مطهری، آخرش کنار کشید و خسته شد؟

هنوز تصمیم نگرفته‌ام که دوره بعد کاندیدای مجلس باشم یا نه، همه چیز بستگی به شرایط دو سال آینده دارد. باید ببینم ضرورتی دارد که باز در مجلس حضور داشته باشم یا نه. اگر شرایط عادی شده باشد و نیازی به حضورم در مجلس نباشد، شاید حضور پیدا نکنم. اگر افراط کاری‌ها تمام شده باشد و کشور به حالت عادی برگشته باشد، شاید حضورم در مجلس ضرورتی پیدا نکند.

• بدون سایه امن نمایندگی، مصونیت‌تان از بین می‌رود و ممکن است به سرنوشت پسرهای بهشتی دچار شوید که به خاطر سخنانی بسیار نرم‌تر از شما حکم گرفتند.

آنها چون در حلقه اول آقای موسوی بودند، آن هزینه را پرداختند.

• به هر حال به فکرتان خطور کرده که اگر نماینده نبودم و این حرف را می‌زدم، من را هم می‌گرفتند؟

(خنده) نه، هیچ وقت به این فکر نمی‌کنم که حالا ممکن است من را بگیرند یا نه. فکر می‌کنم آنچه می‌گویم در مسیر اصلاح رویه‌های غلط و انتقادهای ناصحانه و مشفقانه است. اگر بخواهند برای حرفهای امثال من محدودیت ایجاد کنند به سوی خفقان و استبداد گام برداشته‌ایم.

• ترسش را که داشتید؟

نه، ترسش را هم نداشتم.

• پس تا الان زندان نرفته‌اید که نمی‌ترسید.

(خنده) نه، اگر کسی به راهش ایمان داشته باشد این امور مانعی به حساب نمی‌آید. وظیفه من به عنوان فرزند شهید مطهری فرق دارد با وظیفه یک شهروند معمولی؛ من وظیفه‌ام بیشتر است که از حق این مردم دفاع کنم و نگذارم به آنها ظلم شود و به بهانه حفظ نظام، حقوق مردم پایمال شود.

• در این مسیر احساس تنهایی نمی‌کنید؟ پسران و آقازاده‌های دیگری هم هستند که اگر در کنار شما حرکت می‌کردند شاید فشار و هزینه‌هایی که به شما وارد می‌شود، بسیار کمتر بود.

من یک بار در نطقم گفتم که روحانیت و مراجع تقلید و نخبگان و دانشگاهیان باید وارد شوند و همه وظیفه دارند. گفتم که نباید از فضای رعب و وحشتی که در چند سال اخیر حاکم شده بترسید. بی‌تاثیر هم نبود؛ بعد از آن نطق شاهد اعتراض‌های برخی شخصیت‌ها بودیم.

البته انتظار داریم که روحانیون و مراجع، فرزندان شخصیت‌های دیگر، خصوصا فرزندان شهدای بزرگ وارد شوند و کمک کنند و اگر تشخیص می‌دهند که ظلمی رخ داده باید حرف بزنند و کمک کنند به مظلوم و ساکت نمانند. گرچه نظام جمهوری اسلامی هم نظامی نیست که بر ظلم استوار باشد بلکه به طور کلی بر عدل استوار است اما گاهی بینش‌های غلط و تندرویهای دوستان نادان انقلاب، موجب بروز ظلم‌هایی می‌شود که در مقابل آنها نباید سکوت کرد. در واقع راه حفظ نظام این است نه برخی کارهایی که به این نام انجام می‌شود.

دکتر مطهری :دولت برای رفع کدورت ها چاره اندیشی کند

روزنامه فرهیختگان گفتگویی با علی مطهری انجام داده که به شرح ذیل میباشد:

رئیس‌جمهور در سخنرانی روز ۲۲ بهمن بر آشتی ملی، وحدت ملی و انسجام ملی تاکید کرده بود، بعد از آن برخی جریان‌های سیاسی انتقادات تندی به طرح چنین موضوعی از سوی رئیس‌جمهور داشتند، مبنی‌بر اینکه آشتی ملی ادبیات مناسبی برای ایران نیست، شما چطور فکر می‌کنید؟ آیا اصلا مفهوم آشتی ملی در شرایط امروز کشور جایگاهی دارد؟

تا زمانی که مسائل چند سال اخیر به‌طور کامل حل‌وفصل نشده، به کار بردن تعبیر «آشتی ملی» نه تنها درست و دارای مفهوم است، بلکه ضرورت دارد. باید واقعیت جامعه را ببینیم نه آن چیزی که آرزوی ماست. آرزوی همه ما این است که هیچ تفرقه و انشقاقی در جامعه وجود نداشته باشد، اما حقیقت این است که بعد از حوادث سال‌های اخیر جامعه ما از نظر سیاسی به دو بخش تقسیم و دو تکه شد و بسیاری از سوالات بدون پاسخ باقی ماند. بنابراین امروز تا زمانی که تکلیف یک‌سری ابهام‌های باقی مانده از آن سال‌ها روشن نشود، وجدان بخشی از جامعه آرام نمی‌گیرد و وحدت ملی به معنای واقعی خودش در جامعه تحقق پیدا نمی‌کند. با این وصف به کار بردن تعبیر «آشتی ملی» در شرایط فعلی کشور کار نادرستی نیست. شرکت گسترده‌تر مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال که از همه اقشار آمده بودند نشان داد که سیاست آشتی ملی که از خرداد ۹۲ آغاز شده است تاثیر خود را بر مردم و انقلاب گذاشته است. باید به این سیاست ادامه بدهیم و کدورت‌ها را دور بریزیم.

شما معتقدید که طرح مساله‌ای به نام آشتی ملی در این شرایط کار نادرستی نیست، فارغ از ضرورت آن، آیا تحقق چنین موضوعی امکان‌پذیر است؟

بله امکان‌پذیر است، به شرط آنکه یک اراده ملی برای آن وجود داشته باشد.

چه شرایطی برای آن لازم است؟

وقتی این انشقاق و تفرقه ریشه‌اش حوادث سال‌های اخیر بوده است، برای از بین بردن این معلول باید سراغ علت برویم و ببینیم عواملی که باعث ایجاد این حوادث شد، چه بود یعنی باید همه جوانب و عوامل دخیل در حوادث سال‌های اخیر را بررسی کرد تا نقش همه افراد و گروه‌ها و نهادها در آن قضیه آشکار و برای مردم توضیح داده شود و افرادی که مقصر بوده‌اند، مجازات شوند. آنگاه می‌توانیم بگوییم که داستان حوادث سال ۸۸ تمام شده است و زمینه آشتی ملی فراهم می‌شود.

دولت چقدر می‌تواند در تحقق آشتی ملی پیشگام باشد، به‌ویژه اینکه شاهد بودیم این مساله بارها از سوی دولت طرح شده است؟

رئیس‌جمهور، رئیس شورای عالی امنیت ملی است، وزارت اطلاعات هم در دست دولت است و از این طریق می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد. دولت می‌تواند طرحی را برای پایان دادن به مسائل بر جای مانده از حوادث سال‌های گذشته ارائه و کدورت‌های بر جای مانده را رفع کند.

در این چند ماه که از عمر دولت یازدهم می‌گذرد، آیا چنین اراده‌ای را در دولت دیده‌اید؟ یا اصلا اقدامی در این راستا انجام شده است؟

آنطور که از قرائن برمی‌آید دولت چنین تصمیمی دارد، اما هنوز عوامل تندرو در نهادهای مختلف هستند که می‌خواهند فضای قبلی همچنان باقی بماند و جامعه همچنان دوتکه باشد.

دلیل این مساله چیست؟ چرا تندروها تلاش می‌کنند فضای موجود باقی بماند؟

چون بقا و رشد آنها در چنین فضایی است. البته این تندروها دو دسته هستند، یک دسته فکر می‌کنند که حفظ نظام از این راه بهتر انجام می‌شود که دائم بگوییم افرادی که در حوادث سال‌های گذشته نقش داشتند، آن هم فقط افراد یک طرف ماجرا، از دایره نظام خارجند و افراد را یکی پس از دیگری از قطار انقلاب پیاده کنیم. این عده تفکر غلطی دارند، یعنی تصورشان از حفظ نظام تصور غلطی است و اهمیت وحدت ملی را درک نمی‌کنند که این انقلاب اساسا با وحدت به وجود آمده است و با وحدت ادامه خواهد داشت.

و دسته دیگر؟

دسته دیگر کسانی هستند که خودشان می‌دانند چه کاری انجام می‌دهند و با علم به اینکه از این طریق انقلاب لطمه خواهد دید این راه را در پیش گرفته‌اند. آنها چون حیات سیاسی و منافع‌شان در حفظ وضع موجود است، می‌خواهند این شرایط همچنان باقی بماند.

این دسته که از آنها یاد می‌کنید، «افراد» تندرو هستند یا جریان‌ها و محافل خاص؟

هم افراد هستند و هم محافلی که در نهادهای مختلف نفوذ دارند. در واقع کسانی هستند که خودشان هم در حوادث آن سال‌ها نقش داشتند و نقش آنها هم باید دیده شود. به هر حال دولت وظیفه سنگینی در این جهت دارد، آقای روحانی هم در وعده‌های انتخاباتی‌اش این موضوع را مطرح کرده بود که به این شکاف و نقار اجتماعی پایان خواهد داد و باید به این قول‌شان عمل کنند.

جز دولت چه ارگان‌ها و نهادهایی می‌توانند به تحقق آشتی ملی کمک کنند؟

به نظر من جامعه مدنی می‌تواند در این مسیر کمک کند. در واقع نهادهای اجتماعی غیردولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و شخصیت‌های موثر اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند.

مثلا چه نهادها و گروه‌هایی؟

روحانیت به‌طور کلی می‌تواند نقش مهمی داشته باشد؛ مراجع تقلید می‌توانند بسیار تاثیر داشته باشند؛ دانشگاهیان هم از گروه‌هایی هستند که در تحقق آشتی ملی تاثیرگذار هستند. زمانی که این افراد و گروه‌ها خواهان حل این مساله باشند، دولت با انگیزه بیشتری برای آن تلاش خواهد کرد.

اما برخی بر این عقیده‌اند که بهتر است گروه‌های اجتماعی، زیاد به این مسائل نپردازند و اجازه بدهند که دولت خودش این مسائل را پیگیری کند، تاثیرگذاری این گروه‌ها برای رفع کدورت‌های بر جای مانده به چه صورت است؟

اینها شرایط و زمینه عمل را برای دولت فراهم می‌کنند و از فشار تندروها می‌کاهند. در واقع فشار افکار عمومی کار خود را می‌کند.

روایت علی مطهری از رابطه بازرگان با آیت الله مطهری در مصاحبه با ماهنامه نسیم بیداری

آشنایی مرحوم بازرگان و شهید مطهری از کجا آغاز شد؟ با توجه به اینکه شهید مطهری روحانی بود و مرحوم بازرگان شخصیتی دانشگاهی داشت چطور با هم آشنا شدند؟

البته زمان آشنایی آنها با یکدیگر بنده به دنیا نیامده بودم چون زمان آشنایی‌شان به حدود سال ۳٤ برمی‌گردد و من متولد ۳٦ هستم. اطلاعات من بر اساس شنیده‌هاست. بعد از آنکه شهید مطهری در سال ۱۳۳۱ از قم به تهران می‌آید، هم با توده مردم ارتباط داشت، سخنرانی می‌کرد و منبر می‌رفت و هم با قشر تحصیلکرده. در سال ۳٤ ایشان وارد دانشگاه شدند و به تدریس در دانشکده الهیات دانشگاه تهران پرداختند. به طور کلی خودشان هم آدمی بودند که می‌خواستند از افکار و عقاید جدید مطلع باشند، لذا مطالعات جنبی داشتند و همیشه به روز بوده و آخرین نظریات درباره مسایل فلسفی، دینی و اجتماعی را دنبال می‌کردند. بنابراین طبیعی بود که با قشر روشنفکر و تحصیلکرده ارتباط برقرار کنند. در آن سال‌ها انجمن اسلامی دانشجویان به تازگی به همت مهندس بازرگان و دوستانشان تاسیس شده بود و شهید مطهری یکی از مدعوین جلسات این انجمن بود. فکر می‌کنم این ارتباط از همان جا شروع شده است. و شاید ارتباط شهید مطهری با مرحوم طالقانی هم یکی از دلایل این آشنایی باشد. حالا اینکه اولین آشنایی به چه صورتی بوده است، درست نمی‌دانم. اما آنچه مسلم است این سه نفر یعنی مرحوم طالقانی و شهید مطهری و مرحوم بازرگان ارتباط خیلی نزدیکی با هم داشتند و به نظر من پیشگامان پیوند حوزه و دانشگاه بودند. البته در همان سال‌ها هم انجمن اسلامی مهندسین و بعد انجمن اسلامی پزشکان تشکیل می‌شود که مرحوم بازرگان از موسسین انجمن اسلامی مهندسین بود و شهید مطهری هم تا همان اواخر سخنران اصلی این دو انجمن بود. برخی از کتاب‌هایی که از شهید مطهری منتشر شده همان مباحثی است که ایشان در انجمن اسلامی پزشکان و مهندسین بیان کرده بودند.

در آذرماه سال ۵۶ بعد از فوت مرحوم شریعتی، نامه‌ای با امضای شهید مطهری و مرحوم بازرگان درباره عقاید اسلامی مرحوم شریعتی منتشر می‌شود که بازتاب‌های چندان مثبتی هم نداشت. جزییات و ماجرای نوشتن آن نامه را به خاطر دارید؟

بعد از فوت مرحوم دکتر شریعتی اقبال زیادی به آثار ایشان شد. قشر جوان و دانشجو نسبت به آثار وی علاقه نشان می‌دادند و این موضوع به خصوص بعد از فوت ایشان تشدید شده بود. چون آن موقع شایع شده بود که فوت ایشان طبیعی نبوده بلکه به دست ساواک اتفاق افتاده است. در حالی که واقعا اینطور نبود. فوت ایشان یک مرگ طبیعی بود و وقتی پزشکان در انگلستان کالبدشکافی کردند علت فوت ایشان را مشکل جسمی در اثر استعمال زیاد سیگار و فشار خون بالا عنوان کردند. البته حتما فشارهای روحی موثر بوده است اما به این شکل که بگویند مرگ ایشان یک نقشه از طرف رژیم شاه بوده ثابت نشده است. حتی دکتر سروش هم که آن روزها انگلستان بوده این را تایید کرده که مرگ ایشان فوت طبیعی بوده است. با این حال اما در داخل و میان دانشجویان و جوانان می‌گفتند که به دست رژیم کشته شده و همین باعث شد اقبال زیادی به آثار دکتر شریعتی پیدا شود. از طرفی شهید مطهری با اینکه اولین کسی بود که دکتر شریعتی را کشف کرد و فهمید نیروی موثری برای جذب جوانان به اسلام است و او را از مشهد دعوت کرد تا برای سخنرانی به حسینیه ارشاد بیاید، اما کم کم که آثار دکتر شریعتی منتشر شد، ایشان احساس کرد در بعضی موارد اشتباهاتی وجود دارد و تحلیل‌های ایشان متاثر از مارکسیسم است، مثل همان تحلیل جامعه‌شناختی زر و زور و تزویر یا تیغ و طلا و تسبیح. لذا به این موارد انتقاد داشت و می‌گفت دکتر شریعتی به رغم اینکه با سخنرانی‌های خودش جوانان را به سمت اسلام سوق داد اما در معرفی اسلام موفق نبود. لذا ایشان احساس خطر می‌کرد از این بابت که جوانان اقبال زیادی به آثار دکتر شریعتی داشتند در حالی که شهید مطهری معتقد بود اشکالات و اشتباهاتی در آثار وی وجود دارد که البته دکتر شریعتی هم خیلی موارد را قبول داشت و حتی به آقای محمدرضا حکیمی سپرده بود که آثار مرا بازبینی کنید.

فرایندی که شهید مطهری با مهندس بازرگان طی کردند و این نامه را نوشتند چه بود؟

پیشنهاد شهید مطهری بود و آقای مهندس بازرگان هم با این پیشنهاد موافق بود.

آن موقع بحثی مطرح بود؟ چون نامه بعد از درگذشت مرحوم شریعتی منتشر شد. دقیقا چه چیزی آنها را نگران کرده بود و به این نتیجه رساند که در این رابطه اعلام موضعی داشته باشند؟

همین که احساس کردند بعد از فوت دکتر شریعتی اقبال به آثار ایشان زیاد شده و آثار وی در تیراژ بالا چاپ می‌شود و از طرفی اشتباهاتی در این آثار وجود دارد که ممکن است آسیب‌هایی در قشر جوان به وجود آورد، نگران شدند. شهید مطهری معتقد بود دکتر شریعتی در مجموع مخاطب خودش را نسبت به روحانیت بدبین می‌کند و این نوع تفکر برخلاف نهضت امام است که در جهت اصالت دادن به روحانیت است.

آن وقت انگیزه مهندس بازرگان از امضای این نامه چه بود؟

ایشان هم چون ضد مارکسیسم بود این انتقاد را قبول داشت که در خیلی از تحلیل‌های دکتر شریعتی تاثر از مارکسیسم وجود دارد. نامه به خط خود شهید مطهری نوشته شده و بعد مهندس بازرگان امضا کرد و نامه منتشر شد. منتها چون آن موقع جو هیجان و احساسی زیادی غالب بود و دکتر شریعتی هم طرفداران متعصبی داشت عکس‌العمل داشت و عده‌ای مخالفت کردند. حتی مدتی بعد جلوی منزل مهندس بازرگان یک بمب دستی منفجر شد که عده‌ای می‌گفتند کار طرفداران دکتر شریعتی مثل گروه فرقان است و عده‌ای می‌گفتند کار ساواک بوده است.

مدتی بعد ظاهرا مهندس بازرگان امضای خودشان را از این نامه پس می‌گیرند؟

نه. بعدا مهندس بازرگان تکذیب کرد. من هم شنیده بودم که می‌گفتند امضایشان را پس گرفته است ولی بعدا ایشان تکذیب کرد.

اینطور که من در خاطرات همسر دکتر شریعتی دیدم بعد از انتشار این نامه ایشان به همراه مرحوم محمدتقی شریعتی به منزل مهندس بازرگان دعوت شدند و مهندس بازرگان ضمن اینکه چگونگی نوشتن نامه را شرح دادند، مراتب تاسف و اندوه خودشان را از انتشار این نامه ابراز کردند و گفتند وقتی با شهید مطهری این نامه را می‌نوشتند صحبت از عبارت: "ایشان در مسائل

اسلامی حتی در مسائل اصولی دچار اشتباهات فراوانی گردیده...“ نبوده است و این عبارت بدون اطلاع مهندس بازرگان اضافه شده است...

این درست نیست. متن موجود است و به خط خود شهید مطهری است. معلوم است که چیزی بعدا به آن اضافه نشده است. مهندس بازرگان هم شهید مطهری را به عنوان اسلام شناس قبول داشته و امضا کرده بود.

مهندس بازرگان نامه دومی را هم در بهمن همان سال برای توضیح بیشتر به معترضین نوشته بود. این به نظر نشان می‌دهد که ایشان از نوشتن آن نامه پشیمان شده بود به خصوص در رابطه با آن عبارت که گفته بودند بعدا اضافه شده است. به علاوه آقای مهدی جعفری هم تعریف می‌کند وقتی این نامه منتشر می‌شود ایشان و فریدون سحابی و میرحسین موسوی و حبیب الله پیمان به دفتر دکتر یدالله سحابی می‌روند و معترضانه درباره این نامه می‌پرسند. ایشان هم همانجا با مهندس بازرگان تماس می‌گیرد و می‌گوید این عبارت "مسائل اصولی“ چه بوده که نوشتی و مهندس بازرگان می‌گوید که من اصلا در جریان این عبارت نبودم و این عبارت بعدا اضافه شده است...

نه، این بعید است. متن وجود دارد و این عبارت هم در داخل متن است و اینطور نیست که بگوییم در حاشیه متن بعدا اضافه شده است. از این‌ها گذشته این یک توهین به شهید مطهری است و ممکن نیست ایشان اول امضا را بگیرد و بعد در متن چیز دیگری بیفزاید. چنین چیزی محال است. این‌ها را عده‌ای از خودشان ساخته‌اند. خواستند اثر این اعلامیه را کم کنند، برای همین این داستان‌ها را بافته‌اند.

شهید مطهری مهندس بازرگان را به عنوان نخست وزیر موقت به امام معرفی می‌کند. چطور جمع‌بندی ایشان منتج به این نتیجه می‌شود؟

ایشان بین افراد موجود مهندس بازرگان را بهتر می دانست.

چرا؟

چون از سال ۳٤ ایشان را می‌شناخت و با افکار و روحیات و شخصیت ایشان آشنا بود. شهید مطهری معتقد بود که آقای بازرگان گرچه در برخی مسائل اعتقادی مثل بحث توحید و نبوت و معاد برداشت‌های ویژه خودش را دارد و به نوعی دچار علم زدگی است – که البته آن هم ناشی از عدم آشنایی مهندس بازرگان با فلسفه بود– اما فرد صادقی است. در موارد مختلف ایشان به نظرات آقای بازرگان درباره توحید و نبوت و معاد انتقاد داشت و با صراحت هم این انتقادات را بیان کرده است. درباره راه‌های خداشناسی که آقای بازرگان می‌گفت تنها راه خداشناسی راه طبیعت است، شهید مطهری انتقاد کرده و در مقدمه جلد پنجم «اصول فلسفه» آورده است که راه طبیعت حداکثر ما را به مرز ماوراء طبیعت می‌رساند که این عالم نیروی مدبری دارد و نیروی ماورایی آن را اداره می‌کند. حالا اینکه ماهیت این نیرو چیست و چه مشخصاتی دارد کار علم نیست و کار فلسفه است. لذا ایشان ضمن اینکه انتقادات خود را به بعضی از نظریات مهندس بازرگان داشت اما در عین حال معتقد بود مهندس بازرگان انسان صادقی است و ظاهر و باطنش یکی است و نفاقی در او نیست. مثل مجاهدین خلق نیست که اعتقادی به آیات قرآن نداشته باشد اما بخواهد به عنوان ابزار از آن استفاده کند. شهید مطهری می‌گفت مهندس بازرگان از روی تفکر خودش به نظریاتی رسیده است، ممکن است بعضی از نظریاتش غلط باشد اما صداقت دارد.

از منظر دیگر هم انتخاب مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر ناشی از زیرکی شهید مطهری بود چون می‌دانست با این انتخاب، آمریکا و غرب زودتر کوتاه خواهند آمد. به هر حال آنها وقتی می‌دیدند که فرد معتدلی قرار است نخست وزیر شود و این انقلاب، انقلابی نیست که بخواهد مشکلات زیادی برای غرب ایجاد کند، راحت‌تر دست از حمایت شاه بر می‌داشتند. لذا شاید یکی از دلایلی که انقلاب ما نسبتا به سرعت و با تلفات کم پیروز شد همین انتخاب و تدبیر خوبی بود که شهید مطهری به کار گرفت.

اگر شهید مطهری چنین اشکالاتی به عقاید مهندس بازرگان داشت پس چطور آن نامه را درباره اعتقادات مرحوم شریعتی با وی منتشر کردند؟

انتقاد ایشان به بازرگان از نوع دیگری بود. ایرادی که به بازرگان داشت مسئله علم زدگی بود که وی اصالت را به علم تجربی می‌داد، لذا برداشت‌هایش هم متاثر از همین علم زدگی بود. اما انتقاد شهید مطهری به دکتر شریعتی این بود که افکارش متاثر از مارکسیسم است که این انتقاد را آقای بازرگان هم به دکتر شریعتی داشت، لذا در این جا با هم اشتراک نظر داشتند. از این‌ها گذشته وقتی انسان فردی را برای پستی معرفی می‌کند به این معنی نیست که دربست او را قبول دارد، ممکن است انتقاداتی هم به او داشته باشد.

شما در گفت‌وگوهای قبلی خودتان خاطره‌ای از شهید مطهری در روز آخر حیاتشان تعریف کردید که در آخرین روز گفته بودند از مهندس بازرگان راضی نیستند و قرار است ظرف دو سه روز آینده ایشان را کنار بگذارند. آن موقع سه ماه از عملکرد دولت موقت می‌گذشت. چطور شهید مطهری در این بازه کوتاه به چنین نتیجه‌ای رسیده بود؟ طی این مدت بحث و گفت و گوی خاصی بین آن‌ها در جریان بود و یا در این بازه هماهنگی با هم نداشتند؟

به هر حال در ابتدای انقلاب نیاز به برخی رفتارهای انقلابی است. آقای بازرگان از این نظر با امام چندان هماهنگ نبود و حتی گاهی اصطکاک‌هایی هم به وجود آمده بود و آقای بازرگان گوشه کنایه‌هایی به امام می‌زد. به هر حال انتظاری که از ایشان می‌رفت برآورده نشد. شاید شهید مطهری هم نظرش این بود که آقای بازرگان برای همان مرحله پیروزی انقلاب در آن سمت قرار بگیرد و بعد که از این مرحله گذشتیم یک دولت انقلابی سر کار بیاید. به هر حال ایشان در آن اواخر چندان از عملکرد مهندس بازرگان راضی نبود.

شما در جریان بودید که شهید مطهری موارد خاصی را به مهندس بازرگان متذکر شده باشند؟پاسخ مهندس بازرگان به ایشان چه بود؟

مذاکرات، خصوصی بود و من اطلاعی ندارم. شبی که شهید مطهری به شهادت رسید جلسه‌ای با همین آقایان برقرار بود. آقای بازرگان و یدالله سحابی و مهندس کتیرایی و مهندس سحابی و همان تیپ‌هایی که دولت در دستشان بود در این جلسه بودند. اگرچه عده‌ای گفتند جلسه شورای انقلاب بوده است اما جلسه شورای انقلاب نبود. جلسه‌ای بود که از سال‌ها قبل این‌ها

هرچند ماه یک بار دور هم جمع می‌شدند و راجع به مسال اجتماعی با هم بحث می‌کردند. ولی قطعاً در آن جلسه گفت‌وگوهایی درباره عملکرد دولت و آینده انقلاب مطرح شده است. حتما شهید مطهری بعضی از تذکرات به خصوص راجع به عدم هماهنگی مهندس بازرگان با امام را به ایشان داده است.

من معتقدم اگر شهید مطهری می‌ماند سرنوشت مهندس بازرگان بهتر از این‌ها بود. یا همان موقع برکنار می‌شد و عاقبت به خیر می‌شد یا اینکه بالاخره به نحوی آقای بازرگان را با امام هماهنگ می‌کرد. چون آقای بازرگان تا حد زیادی از شهید مطهری حرف شنوی داشت. شاید آن مقدار که از شهید مطهری حرف شنوی داشت از امام نداشت.

اگر واقعا چنین بوده و این میزان هماهنگی و حرف شنوی میان شهید مطهری و بازرگان وجود داشته پس چرا ایشان به این سرعت به چنین نتیجه‌ای می‌رسد؟

نمی‌گویم حرف‌شنوی مطلق وجود داشت، بلکه مهندس بازرگان از شهید مطهری بیش از دیگران حرف‌شنوی داشت. به علاوه، فشار کاری ماههای اول انقلاب بر رفتار آقای بازرگان تأثیر گذاشته بود. به هر حال این حرفی بود که من در آخرین روز حیاتشان سر سفره ناهار از ایشان شنیدم. من به پدر گفتم آقای بازرگان در مصاحبه تلویزیونی‌اش گوشه و کنایه به امام می‌زد. ایشان گفت خودت شنیدی یا از دیگران شنیدی؟ گفتم خودم شنیدم. گفتند امام هم از ایشان چندان راضی نیست و ما می‌خواهیم ظرف چند روز آینده این دولت را برکنار کنیم و یک دولت انقلابی روی کار بیاوریم.

این به نظر تصمیم شورای انقلاب نبوده است. چون چندین ماه بعد از آن تاریخ دولت موقت بر سر کار بوده است...

بله خوب چون ایشان دیگر نبود. طرح برکناری دولت را خود شهید مطرح کرده بود و اگر بود به احتمال زیاد مهندس بازرگان برکنار می‌شد. چون خود ایشان هم بازرگان را به امام معرفی

کرده بود می‌توانست امام را قانع کند. یا شاید می‌توانست کاری کند که آقای بازرگان روشش را تغییر دهد. به هر حال نبودن ایشان تاثیر خیلی زیادی در حوادث سال‌های اول انقلاب داشت.

به طور مشخص نمی‌توانید به مواردی اشاره کنید که در آن سه ماه مهندس بازرگان و شهید مطهری بر سر آن اختلاف داشتند آنقدر که شهید مطهری تصمیم به برکناری ایشان گرفته بود؟

من در ریز قضایا نبودم. اما مثلا خاطرم هست در مورد حضور آقای امیرانتظام ایشان می گفت آقای امیرانتظام را هیچ کدام از ما نمی‌شناسیم. او کیست و از کجا آمده. ایشان مواردی از این دست را اعتراض داشت اما نمی‌خواست دست دولت را ببندد و شورای انقلاب همه چیز را دستور بدهد.

جایی دیدم که گفته بودید اگر شهید مطهری زنده می‌ماندند تسخیر سفارت آمریکا هم اتفاق نمی‌افتاد. فکر می‌کنید اگر ایشان زنده بود می‌توانست چپ‌ها را کنترل کند؟

ببینید، شهید مطهری کلا با این نوع کارها مخالف بود و می‌گفت این کارها بی‌جهت برای انقلاب مشکل درست می‌کند و چهره انقلاب را در خارج زشت جلوه می‌دهد. در همان دو ماه و نیمی که ایشان بعد از انقلاب در قید حیات بودند یک بار چریک‌های فدایی خلق این اقدام را انجام دادند اما ایشان به شدت عکس‌العمل نشان داد و به آقای مهدوی‌کنی که آن موقع فرمانده کمیته‌ها بود (و خود شهید مطهری ایشان را به عنوان فرمانده به امام معرفی کرده بود و حتی حکم ایشان به خط شهید مطهری و امضای امام بود) گفتند که به سرعت این‌ها را از سفارت بیرون کنید واجازه این کار را ندهید، این‌ها می‌خواهند برای انقلاب مشکل درست کنند. فکر می‌کنم اگر ایشان بود با تسخیر سفارت امریکا به دست دانشجویان هم مخالف بودند و اگر با اصل تسخیر به مدت کوتاه موافق بودند قطعا با طولانی شدن آن مخالف بودند و احتمالا امام را قانع می‌کردند که اگر هم تسخیر شده ظرف چند روز خاتمه پیدا کند و انقدر طولانی نشود. آن میزانی که می‌شود به طور قطعی اظهارنظر کرد این است که بالاخره ایشان اجازه طولانی شدنش را نمی‌داد یعنی امام را راجع به این قضیه قانع می‌کرد. به هر حال این طولانی شدن خیلی به انقلاب لطمه

زد. چهره انقلاب را در دنیا بد نشان داد، چیزی شبیه القاعده امروز. صدام هم از این فرصت برای حمله به ایران استفاده کرد.

شهید مطهری و مهندس بازرگان راجع به حکومت جدیدی که قرار بود تشکیل شود بحثی داشتند؟ درباره آنچه که می‌خواستند و آنچه نمی‌خواستند اشتراک نظر داشتند؟

در آن دوره این بحث که حکومت ایده‌آل آینده چه حکومتی باشد مطرح نبود. چون اصلا کسی حتی خود امام فکر نمی‌کرد انقلاب به این سرعت پیروز شود. کمتر کسی به فکر حکومت آینده بود. شاید بیش از همه شهید مطهری به این موضوع حساس بود و می‌گفت ما صرفا به دنبال سرنگونی شاه نیستیم، مهم این است که حکومتی که بعد قرار است بر سر کار بیاید چه حکومتی است. شهید مطهری خیلی نگران نفوذ مجاهدین خلق بود. چون آنها تا حدودی پایگاه اجتماعی هم داشتند. از این نظر البته با مهندس بازرگان هم نظر بودند. چون هردو ضد مارکسیسم بودند و هر دو گروه‌های کمونیستی و مجاهدین خلق را برای این نهضت خطر می‌دانستند. اصلا یکی از علل خوش‌بینی شهید مطهری به آقای بازرگان ضدیت مهندس بازرگان با کمونیسم بود. چون عده‌ای در بین انقلابیون بودند که کمونیست‌ها را خطری نمی‌دانستند و می‌گفتند ما دشمن مشترکی به نام رژیم شاه داریم که باید در مبارزه با شاه با کمونیست‌ها همراهی کنیم و بعد از پیروزی بر شاه فکری به حال کمونیست‌ها می‌کنیم. اما شهید مطهری می‌گفت اینطور نیست، ما دو تا دشمن داریم یکی شاه و یکی کمونیست‌ها. کمونیست‌ها رقیب ما نیستند بلکه دشمن ما هستند. آن گروه دیگر می‌گفتند کمونیست‌ها دشمن ما نیستند بلکه رقیب ما هستند.

پس یکی از دلایل پیشنهاد مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر نگرانی از حضور چپ ها بود...

بله نگرانی ایشان از بابت چپ‌ها و مجاهدین خلق یکی دیگر از دلایل معرفی مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر بود. این ویژگی ضد چپ بودن در بازرگان وجود داشت و شهید مطهری به ایشان اعتماد داشتند که می‌تواند این مسئولیت را بپذیرد اما خیلی از افراد دیگر بودند که کمونیست‌ها را اصلا خطر نمی‌دانستند.

درباره ویژگی‌های حکومت ایده‌آل از نظر مرحوم بازرگان و شهید مطهری توضیح بدهید. چقدر اشتراک نظر داشتند؟

این بحث‌ها آن موقع مطرح نبود. با این حال فکر می کنم حکومت ایده آل هردو عین هم نبود. آقای بازرگان بیشتر به دنبال دموکراسی بود. شاید به یک حکومت مشروطه واقعی هم قانع بود که شاه سلطنت کند و نه حکومت. نهضت آزادی این شعار را می‌داد. یادم هست در مهرماه ۵۷ در جلسه خصوصی که با حضور شهید مطهری و در منزل آقای دکتر یدالله سحابی برگزار شده بود و من همراه پدرم حضور داشتم، آقای سحابی به عنوان یک راه حل می‌گفتند شاه کنار برود و ولیعهد سر کار بیاید تا بحران زودتر جمع شود. نگاه آنها اینطور بود که به دنبال دموکراسی بودند چه در قالب یک حکومت مشروطه که شاه باشد و سلطنت کند اما حکومت نکند و چه در قالب اسلامی، اما اسلامی که پایه اساسی آن دموکراسی باشد و حکومت صبغه دینی داشته باشد ولی بر اینکه احکام اسلام دقیقا اجرا شود چندان تأکید نداشتند. ولی چیزی که مورد نظر شهید مطهری بود متفاوت بود. ایشان قائل به حکومت اسلامی بود، حکومتی که با نظارت روحانیت برقرار باشد و احکام دین در آن اجرا شود.

ایشان هم همین تلقی را از ولایت فقیه داشتند؟

آنچه که از آثار و گفته‌های ایشان برمی‌آید این است که از نظر ایشان ولایت فقیه ولایت ایدئولوژیک است. نقش فقیه در جمهوری اسلامی نقش ایدئولوگ است و نقش اجرایی نیست. حتی ایشان تاکید داشت که روحانیون در جمهوری اسلامی پست اجرایی دولتی نگیرند و همچنان استقلال خودشان را در مقابل دولتها حفظ کنند. همانطور که روحانیت شیعه در طول تاریخ همواره استقلال خودش را حفظ کرده و در کنار مردم بوده، در جمهوری اسلامی هم روحانیت باید در کنار مردم باقی بماند برای اینکه بتواند بر دولت‌ها نظارت کند و دولت‌ها را هدایت کند.

بدین معنا شاید بشود گفت به نوعی با مهندس بازرگان اشتراک نظر داشتند؟

گمان کنم مهندس بازرگان اساسا اصل ولایت فقیه را قبول نداشت اما ایشان این اصل را قبول داشت اما به معنی ایدئولوگ و ناظر بودن فقیه و اینکه فقیه مراقبت می‌کند که حکومت از جاده اسلام خارج نشود.

در جریان تدوین قانون اساسی هم بحث خاصی با هم داشتند؟

نه. چون ایشان زود شهید شد و موقع تدوین قانون اساسی نبودند. ایشان در حال خواندن و بررسی پیش‌نویس قانون اساسی بودند که مرحوم دکتر حسن حبیبی نوشته بود. اگر شهید مطهری در زمان تدوین قانون اساسی بود قطعا خیلی از اصول قانون اساسی قوی‌تر و غنی‌تر می‌شد.

علی مطهری:شهید مطهری موافق حضور روحانیون در کارهای اجرایی نبودند

مهدی دزفولی/شهید مطهری به عنوان یکی از بنیانگذاران انقلاب اسلامی که همواره به عنوان ایدئولوگ جمهوری اسلامی از وی نام برده می‌شود به اذعان تاریخ و بسیاری از انقلابیون در ابتدا با تشکیل حزب جمهوری اسلامی موافق نبودند اما پس از اعلام تشکیل رسمی آن مخالفتی نداشتند و حتی اعضای خانواده خود را برای عضویت در حزب جمهوری اسلامی، آزاد می‌گذارند تا اگر تمایل دارند به حزب جمهوری اسلامی بپیوندند. به همین جهت با دکتر علی مطهری به گفت‌وگو نشستیم تا نظرات شهید مطهری پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی را درباره تشکیل حزب جمهوری اسلامی جویا شویم. دکتر علی مطهری نیز ابعاد مختلف نظر شهید مطهری را بررسی و مطرح کردند که در ادامه بخش کوتاهی از مصاحبه ایشان از نظر شما می‌گذرد.

نظر شهید مطهری هم بیشتر همین بوده است که روحانیت شیعه همانند روحانیت اهل تسنن نباشد و استقلال خود از دولت‌ها را حفظ کند.

این امر به روحانیت قدرت ایجاد تحولات اجتماعی می‌دهد. مثل همان روحانیتی که در زمان مرحوم میرزای شیرازی وجود داشته است که قدرت خود را از مردم می‌گرفتند، از نظر روحی متکی به خدا بودند و از نظر اجتماعی متکی به مردم. برخلاف روحانیت اهل سنت که وابسته به حکومت و دولت است و قدرت ایجاد تحول در جامعه را ندارد

نگرانی شهید مطهری همین بود که روحانیت دو شقه شود و مقابل همدیگر قرار بگیرند و جایگاه خود را از دست بدهند که بسیار خطرناک است و آن اتفاقاتی که در انتخابات دوره اول ریاست‌جمهوری رخ داد موید همین نظر بود.

ایشان معتقد بودند که روحانیت باید در همان قالب مثلا جامـعه روحـانیت مبارز فعالیت کند

لازم به یادآوری است که این مصاحبه در ادامه مصاحبه‌های مستند «داستان ناتمام یک حزب» است که قصد بررسی و بازخوانی پرونده حزب جمهوری اسلامی را دارد و سال آینده اکران خواهد شد.

پیش از این، مصاحبه‌هایی از دکتر عبدالله جاسبی(قائم مقام دبیرکل وقت حزب)، حمیدرضا ترقی(از اعضای حزب موتلفه اسلامی و اعضای جناح راست حزب جمهوری اسلامی)، دکتر فرشاد مومنی(مسوول شاخه دانش‌آموزی حزب و از اعضای جناح چپ حزب) و مرحوم حبیب‌الله عسگر اولادی(دبیرکل فقید حزب موتلفه اسلامی و از اعضای شاخص جناح راست حزب جمهوری اسلامی) در روزنامه اعتماد منتشر شده و از نظر شما گذشته است.

آقای دکتر، پیش از تشکیل حزب جمهوری اسلامی یکی از دلایلی که برای تشکیل حزب توسط رهبران حزب مطرح می‌شود و بعدترها در اساسنامه حزب نیز به آن اشاره می‌شود، بحث کادرسازی برای انقلاب اسلامی است که بسیار روی آن نیز تاکید می‌شده است و به همین جهت رهبران حزب یکی از دلایل اصرار خود برای تاسیس حزب را همین کادرسازی می‌دانند اما نظر حضرت امام(ره) و شهید مطهری برخلاف نظر رهبران حزب بوده است و گویا امام(ره) و شهید مطهری صراحتا در ابتدا با تشکیل حزب مخالف بوده‌اند. اگر امکان دارد درباره نظرات و دیدگاه‌های شهید مطهری در این باره کمی توضیح دهید.

شهید مطهری یک مبنای فکری داشتند درباره استقلال روحانیت شیعه در مقابل دولت‌ها و معتقد بودند که روحانیت باید استقلال خود را حتی در جمهوری اسلامی حفظ کند و روی فراگیری و در کنار مردم بودن تاکید ویژه‌یی داشتند.

به همین دلیل موافق نبودند که روحانیت پست‌های اجرایی دولتی را بپذیرد مگر اضطرارا یعنی زمانی که غیر روحانی صالح وجود نداشته باشد.

ایشان به همین جهت با تاسیس حزب جمهوری اسلامی به این صورت که موسسین آن صرفا روحانیون باشند مخالف بودند اما مخالفتی با تاسیس حزب توسط غیرروحانیون

نداشتند. اما بعدا که حزب جمهوری اسلامی تشکیل شد و صورت رسمی به خود گرفت، مخالفتی نکردند و حتی اگر از ایشان برای عضویت در حزب سوال می‌شد اعلام موافقت می‌کردند. کسانی مثل آقای مهدوی‌کنی هم تقریبا همین نظر را داشتند و طرز فکرشان همین بود. حزب جمهوری اسلامی هم از همان ابتدا که تشکیل شد مبنای فعالیت‌های فکری و ایدئولوژیک خود را آثار شهید مطهری گذاشت. بعد از شهادت استاد مطهری هم بیشتر روی آثار ایشان در حزب تاکید و کار می‌شد.

یک شبهه‌یی که به شهید مطهری برخی افراد وارد می‌کنند، این است که شهید مطهری اساسا خیلی روحیه کار جمعی و گروهی را نداشتند و به همین جهت هم به حزب جمهوری اسلامی نپیوستند و ایشان تمایل داشتند به صورت انفرادی فعالیت داشته باشند، مثلا کتاب بنویسند و آن را منتشر یا سخنرانی کنند. آیا این مطلب واقعیت دارد؟

خیر. اتفاقا برعکس است و همیشه ایشان افراد را دعوت به کار جمعی و گروهی می‌کردند.

مثلا کتاب تعلیمات دینی که در زمان رژیم گذشته توسط شهیدان بهشتی و باهنر نوشته می‌شد، پشت صحنه آن شهید مطهری قرار داشت و در بسیاری از موارد مثل مباحث جهان‌بینی متن اولیه را ایشان می‌نوشتند و اکنون این مطالب به خط ایشان موجود است یا مثلا کتاب محمد(ص) خاتم پیامبران که حسینیه ارشاد آن را منتشر کرد، بانی آن شهید مطهری بود.

انتخاب موضوعات و تقسیم کار بین محققان روحانی و دانشگاهی توسط ایشان صورت می‌گرفت که هر کس چه کاری را انجام دهد و روی چه موضوعی کار کند.

مثلا دکتر شهیدی در چه موضوعی مقاله بدهد یا دکتر شریعتی در موضوع «از هجرت تا وفات» مقاله بدهد. نامه‌هایش موجود است.

ایشان روحیه کار جمعی داشت اما رسالت خودش را کار دیگری می‌دانست.

لذا بعد از انقلاب هم نظر ایشان این بود که کارهای فکری خودشان را ادامه دهند و امام هم اصرار داشتند که ایشان به قم بروند و از سال ۱۳۵۵ هم به دعوت برخی فضلای قم و توصیه

امام خمینی هفته‌یی ۳-۲ روز را به قم می‌رفتند و درس‌هایی داشتند و بنا بود کم‌کم ساکن قم بشوند و به تربیت طلاب و تقویت حوزه علمیه بپردازند. علاقه خودشان هم همین بود.

حتی ایشان در شورای انقلاب هم خیلی تمایل نداشتند بمانند و احساس می‌کردند وقت ایشان تلف می‌شود و این نکته را با امام(ره) در میان گذاشته بودند که اگر امکان دارد ایشان از شورای انقلاب آرام آرام کنار بروند که ظاهرا امام(ره) گفته بودند تا چند ماه دیگر بمانند و بعد کنار بروند.

دلیل اصرار ایشان هم یکی این بود که تشخیص داده بودند نیاز جامعه در آن ایام چیست و می‌دانستند با پیروزی انقلاب و استقرار نظام جدید، کم کم مسائل فکری و معضلات اجتماعی مطرح می‌شود که نیاز دارد حوزه علمیه کار خودش را چند برابر کند تا بتواند پاسخگو باشد.

شما در مصاحبه با نشریه مهرنامه شماره تیر ماه ۱۳۹۰ به نکته‌یی اشاره کرده‌اید که جالب توجه است و آن تفاوت روحیه شهید بهشتی و شهید مطهری است که گویا شهید مطهری علاقه بیشتری به کار فکری و ایدئولوژیک داشتند اما شهید بهشتی علاقه‌مند به کار اجرایی و تربیت نیرو از طریق کار حزبی بودند.

بله همین‌طور است. مرحوم شهید بهشتی روحیه سازماندهی و کار اجرایی داشتند و شور و شوق بیشتری در این زمینه‌ها در ایشان وجود داشت و خوب ایشان هشت سال جوان‌تر از شهید مطهری بودند و انگیزه این نوع فعالیت‌ها در ایشان بیشتر بود. اما شهید مطهری معتقد به کادرسازی از طریق پرورش و تربیت فکری و معتقد بودند که یک نهضت اجتماعی اگر پشتوانه فکری نداشته باشد تغییر مسیر می‌دهد.

البته شهید بهشتی فعالیت‌های فکری هم داشتند همان‌طور که بالعکس شهید مطهری هم در مواقع لازم کار اجرایی انجام می‌دادند، مثل ماموریت تشکیل شورای انقلاب از طرف امام.

شما یک اشاره‌یی هم در مصاحبه با نشریه مهرنامه کرده‌اید به اینکه ظاهرا نظر شهید مطهری درباره تشکیل حزب این بوده است که حزبی مانند حزب مظفر بقایی نشود.

این گفته، گفته امام خمینی(ره) بوده است نه شهید مطهری و من از قول امام(ره) شنیده بودم که وقتی مساله تاسیس حزب جمهوری اسلامی مطرح شده بود، ایشان به این مضمون فرموده بودند که معنی ندارد روحانیت هم یک تشکل مثل تشکل مظفر بقایی درست کند و شامل بخشی از جامعه شود. روحانیت برای تمام جامعه است.

شهید مطهری برای حزبی که موسسین آن صرفا روحانیون باشند قایل به آفاتی بودند. یکی از آنها این بود که ممکن است برخی از روحانیون مقابل روحانیون حزب قرار بگیرند که عملا بعدها همین‌گونه شد.

در آن اواخر فعالیت حزب، در انتخابات‌ها مشکلاتی به وجود آمد که مثلا امام جمعه‌یی عضو حزب بود و نظری داشت که تمایل داشت بیان کند و آن نظر در راستای نظرات حزب نبود یا عده‌یی به خاطر حزبی بودن او با وی مخالفت می‌کردند که اینها مشکلاتی را به وجود می‌آورد. بعد هم که نظر امام(ره) این شد که فعالیت‌های حزب متوقف شود.

ظاهرا برخی از روحانیونی که خیلی موافق فعالیت‌های حزب نبودند در سال ٦٧ مجمع روحانیون را تشکیل می‌دهند.

بله، همین طور است. در واقع حزب، روحانیت را در بخشی از جامعه محصور می‌کند در صورتی که نظر شهید مطهری این بود که روحانیت باید فراگیری و عام بودن خود را حفظ کند.

نگرانی شهید مطهری همین بود که روحانیت دو شقه شود و مقابل همدیگر قرار بگیرند و جایگاه خود را از دست بدهند که بسیار خطرناک است و آن اتفاقاتی که در انتخابات دوره اول ریاست‌جمهوری رخ داد موید همین نظر بود.

ایشان معتقد بودند که روحانیت باید در همان قالب مثلا جامعه روحانیت مبارز فعالیت کند.

آقای دکتر، ظاهرا پیش از پیروزی انقلاب در پاریس هم بحث‌هایی پیرامون همین تشکیل حزب جمهوری اسلامی مطرح بوده است و شهید مطهری در همان جا هم مخالفت‌هایی را ابراز کرده بودند. آیا امکان دارد در این باره هم کمی توضیح دهید؟

من گمان نمی‌کنم این‌طور بوده باشد. چون اساسا در آن زمان احتمال پیروزی انقلاب قوی به نظر نمی‌رسید و بعید است که ایده تشکیل حزب به آن زمان بازگردد.

من فکر می‌کنم این ایده در دوران نزدیک به پیروزی انقلاب و بعد از آن مطرح بوده است.

نه آقای دکتر این‌طور نیست. مثلا آقای حجتی کرمانی در خاطرات‌شان بیان کرده‌اند که بحث اساسنامه حزب زمانی که ایشان در تبعید بودند، مطرح شده بود. آقای خامنه‌ای (مقام معظم رهبری) هم در خاطرات‌شان این‌گونه مطرح کرده‌اند زمانی که ایشان در تبعید بودند شهید باهنر برای عیادت از ایشان به آن منطقه تبعید مسافرت می‌کنند و در همـان جا بحث‌های اساسنامه حزب مطرح می‌شود و بعد از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ که روند انقلاب شتاب بیشتری می‌گیرد، بحث تشکیل حزب هم جدی‌تر مطرح می‌شود.

خوب من اینها را نمی‌دانستم اما اگر این‌گونه که شما فرمودید باشد قاعدتا شهید مطهری در آن زمان مخالف با این نوع تشکیل حزب بوده‌اند چون این نوع فعالیت، رهبری روحانیت و در راس آن امام خمینی را محدود در هواداران حزب می‌کرد.

اما به هر حال رهبران حزب که از شاگردان و مریدان حضرت امام بودند؟

بله، یقینا همین طور است و روشن است که موافق رهبری امام(ره) بوده‌اند اما لاجرم کار حزبی به این صورت که اینها تنها نماینده نهضت امام باشند رهبری امام را محدود می‌کرد.

آن زمان بیشتر این موضوع مطرح بود که امام(ره) که در خارج هستند شورایی در داخل تشکیل شود تحت عنوان شورای انقلاب که اگر خدایی نکرده برای امام اتفاقی رخ داد، در داخل عده‌یی بتوانند انقلاب را رهبری کنند.

در آن زمان بعید است که بحث حزب جمهوری اسلامی موضوعیتی داشته باشد. هدف این بود که نهضت از طریق رهبری روحانیت و مرجعیت پیش رود نه از طریق حزب و فعالیت‌های حزبی.

مشی امام خمینی هم حزبی نبود و ایشان مشی عمومی و فراگیر داشتند. امام از طریق مسائل مذهبی وارد شدند و توانستند حتی در دل نیروهای شاه هم نفوذ کنند. اما بحث حزب بیشتر بعد از پیروزی قابل توجیه است که بخواهند کشور را اداره کنند.

یک سوال شخصی هم از شما بپرسم آقای دکتر که اگر تمایل نداشتید جواب ندهید.

بفرمایید.

چرا با اینکه نظر شهید مطهری بعد از تشکیل حزب جمهوری اسلامی تا حدی نسبت به حزب مساعد شده بود اما هیچ کدام از اعضای خانواده ایشان به حزب جمهوری اسلامی نپیوستند؟

شاید یکی از دلایل آن این بوده که ما می‌دانستیم ایشان موافق تشکیل حزب به این شکل نبودند و به همین جهت ما خیلی تمایل به عضویت نداشتیم اما ما با دوستان حزبی در ارتباط بودیم و رفت و آمد داشتیم و به آنها کمک می‌کردیم.

به نظر شما عملکرد حزب جمهوری اسلامی، عملکرد موفقی بوده است همان‌طور که برخی‌ها معتقدند که حزب توانست انقلاب را از گردنه‌های خطرناکی همانند کودتای نوژه و ماجرای بنی‌صدر عبور دهد یا خیر و مثل برخی دوستان این‌طور فکر می‌کنید که حزب جمهوری اسلامی خیلی هم نتوانست موفق عمل کند؟

خیلی نمی‌شود قاطعانه درباره موفقیت حزب جمهوری اسلامی اظهارنظر کرد و نیاز به تحقیق و تحلیل کافی دارد. شاید اگر حزب جمهوری اسلامی نبود ماجرای بنی صدر طور دیگری رقم می‌خورد و آن ماجراها شکل نمی‌گرفت. من شخصا موافق این بوده و هستم که پایگاه روحانیت باید همان مساجد باشد و به روش سنتی که از قدیم وجود داشته است عمل شود با همان فرماندهی که سلسله مراتب به مراجع تقلید می‌رسد.

اگر روحانیت این‌طور عمل کند در رسالت خودش موفق‌تر عمل خواهد کرد و حزب را واگذار کنیم به غیر روحانیون. این خیلی جالب نیست که روحانیون در پست‌های اجرایی دولتی حضور فعال داشته باشند. نظر شهید مطهری هم بیشتر همین بوده است که روحانیت شیعه همانند

روحانیت اهل تسنن نباشد و استقلال خود از دولت‌ها را حفظ کند. این امر به روحانیت قدرت ایجاد تحولات اجتماعی می‌دهد. مثل همان روحانیتی که در زمان مرحوم میرزای شیرازی وجود داشته است که قدرت خود را از مردم می‌گرفتند، از نظر روحی متکی به خدا بودند و از نظر اجتماعی متکی به مردم.

برخلاف روحانیت اهل سنت که وابسته به حکومت و دولت است و قدرت ایجاد تحول در جامعه را ندارد.

به عنوان سوال آخر، آیا شهید مطهری با دیگران هم درباره مخالفت‌هایشان با حزب جمهوری اسلامی صحبت کرده بودند یا صرفا در این باره با شهید بهشتی صحبت‌هایی مطرح شده بود؟

تا جایی که من می‌دانم و شنیده‌ام ایشان نظرشان را مبنی بر مخالفت اعلام کرده بودند اما بعد از اصرار آنها، در جلسه‌یی به همین بزرگواران گفته بودند که اگر برای خدا این حزب را تاسیس کرده‌اید خوب است اما اگر صرفا برای کسب قدرت این کار را کرده‌اید، کار خوبی نیست. یک چنین نکته اخلاقی را مطرح کرده بودند.

ممنون از اینکه وقتی را در نظر گرفتید تا در خدمت شما باشیم.

موفق و موید باشید.

علی مطهری: معلوم نیست رفع فیلتر فیس بوک به نفع کشور باشد/روش روحانی با خاتمی فاصله دارد

نماینده تهران، روزهای پرکاری را پشت سر میگذارد.

از یک سو متن سخنرانیهایش را تهیه میکند، از یک سو پاسخهایی برای خطیبان نماز جمعه مینویسد، از یک سو بودجه فرهنگی سال ۹۳ را در دست بررسی دارد و... خلاصه این روزهای علی مطهری خیلی پرکار و شلوغ است. با این حال وقتی خبر انتشار دوباره روزنامه خبر را شنید، یک ساعتی را میزبان ما شد. او معتقد است روحانی با فشار افکار عمومی میتواند شعارهایش از جمله تحقق حقوق شهروندی را اجرایی کند. با او از همین جا وارد گفتوگو شدیم و تا موضوع فیلترینگ فیسبوک هم پیش رفتیم. مشروح گفت وگو با فرزند شهید مطهری را در ادامه بخوانید:

توجه به حقوق شهروندی مردم از جمله شعارهای آقای روحانی در ایام انتخابات بود که در قالب تدوین منشور حقوق شهروندی سعی کردند به آن جامه عمل بپوشانند. الان که گزارش های مختلفی از عملکرد ۱۰۰ روزه دولت منتشر شده است، به نظرتان دولت آقای روحانی چقدر در زمینه این شعار خاص موفق بودهاند؟ اساسا مقوله حقوق شهروندی چقدر در حوزه اختیارات دولت است که بخواهد در آن مانور بدهد؟ ممکن است این مساله صرفا یک شعار برای ایام انتخابات باشد؟

قطعا تحقق حقوق شهروندی به طور کامل دست دولت نیست. ما اصل تفکیک قوا را داریم و قوای سه گانه نمی‌توانند در کار یکدیگر دخالت کنند. ولی دولت بویژه شخص رئیس جمهور پشتوانه رای مردم را دارد و با نیروی افکار عمومی خیلی کارها می‌تواند بکند. کما اینکه طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی رئیس جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است. البته نه با برداشت آقای احمدی‌نژاد! ایشان می گفت من مسئول اجرای قانون اساسی هستم، لذا اگر خودم تشخیص بدهم که قانونی منطبق بر قانون اساسی نیست، اجرا نمی‌کنم! این، برداشت غلطی بود چرا که مرجع تشخیص انطباق قوانین عادی بر قانون اساسی، شورای نگهبان است و قانونی که به تایید

شورای نگهبان رسید رئیس جمهور چه آن را قبول داشته باشد و چه قبول نداشته باشد باید اجرا کند.

مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی به این معنی است که اگر تخلفی در این زمینه دید، می‌تواند تذکر بدهد. مثلا می تواند به مجلس تذکر بدهد که فلان قانونی که تصویب کرده برخلاف قانون اساسی است، یا به قوه قضاییه تذکر بدهد که فلان رفتارش خلاف قانون اساسی بوده است. دولت با این نوع تذکرها می‌تواند در راستای حقوق شهروندی اقدام کند ولی بیش از این نمی‌تواند کاری بکند.

در مورد عملکرد دولت در این ۱۰۰ روز هم بگویم که قطعا دولت اولویت بندی‌هایی در کارهایش دارد. مثل اولویت دادن به اقتصاد و دیپلماسی که با یکدیگر مرتبط هستند. به نظرم باید دولت مقداری جایگاهش را در این دو حوزه محکم کند و بعد وارد مقوله سیاست داخلی و حقوق شهروندی شود.

می‌توان گفت بر اساس سخنان شما احقاق حقوق شهروندی نیازمند اجماع قوا است، همین طور است؟

ولی ممکن است به چنین اجماعی نرسند.

پس چطور می‌توانند حقوق شهروندی را اجرا کنند؟

فشار افکار عمومی کار خودش را می‌کند. حتی اگر سایر قوا و نهادها راضی به احقاق حقوق شهروندی نباشندگاهی فشار افکار عمومی دستگاه‌ها را وادار به انجام کاری می‌کند که تمایلی به آن ندارند.

هواداران آقای خاتمی هم چنین توقعی از ایشان داشتند که با پشتوانه رای ۲۰ میلیونی خود شعارهایش را محقق کند. اما این اتفاق نیفتاد. به نظر شما آقای روحانی با کسب ۵۰.۵ درصد آرا می‌توانند چنین کنند؟

این مبنا که رای آقای روحانی ۵۰.۵ درصد آرای ماخوذه باشد، حرف درستی نیست. او در مرحله اول این رای را آورد و قطعا اگر انتخابات همچون سال ۸٤ به مرحله دوم می‌کشید ایشان آرایی بیش از ۲۵ میلیون و شاید تا ۳۰ میلیون را کسب می‌کردند. فراموش نکنید که آقای احمدی نژاد در مرحله اول انتخابات سال ۸٤ حدود ۵ میلیون رای داشت و در مرحله دوم ۱۷ میلیون.

بله ولی من آرای آقای خاتمی و روحانی را مقایسه کردم. آقای خاتمی در همان مرحله اول ۲۰ میلیون رای داشتند ولی در بسیج افکار عمومی برای تحقق شعارهایشان موفق نبودند و این انتقاد کماکان به ایشان وارد است. به همین دلیل هم ایشان حتی از قید لوایح معروف به «دو قلو» گذشتند. این سرنوشت ممکن است در انتظار آقای روحانی هم باشد یا نه؟

البته آقای خاتمی توفیقاتی هم داشتند ولی به نظرم روش آقای روحانی با آقای خاتمی متفاوت است. در دوره آقای خاتمی تندروی‌هایی شد و برخی تندروها ایشان را احاطه کرده بودند که خود آقای خاتمی هم از آنها گلایه داشت. اما آقای روحانی بیشتر بر گفت و گو و جلب نظر و جذب طرف مقابل اصرار دارد.

خب آقای خاتمی هم می‌گفتند که باید با گفت و گو معاند را به مخالف و مخالف را به منتقد تبدیل کرد.

بله ایشان می گفت اما روش بسیاری از هوادارانشان این نبود. کما اینکه در مطبوعات تندروی هایی شد و عواطف مذهبی مردم تحریک شد. اما آقای روحانی روش متفاوتی دارد و به قشر متدین توجه کافی دارد و در این مدت هم از دولت، گذشته از چند مورد جزئی، رفتاری ندیدیم که عواطف این قشر را جریحه دار کند. می‌بینید که ایشان به دیدار جانبازان می‌رود و همچنین می‌گوید که قانون عفاف و حجاب را اجرا می‌کند. این نشان می دهد که او روش متفاوتی دارد و سعی می‌کند که نهادهای خودسر در درون حکومت را با گفت و گو و استدلال قانع کند. فکر می‌کنم آقای روحانی با رابطه خوبی که با رهبری دارد بتواند تا حد قابل قبولی در این زمینه موفق شود. ولی اگر دائم از شعارهایش عقب نشینی کند، قطعا به سرنوشت آقای خاتمی مبتلا می‌شود.

امیدوارم که او بتواند موفق شود و در کارهایی چون رفع حصر خانگی و آزادی زندانیان سیاسی در راستای شعار حقوق شهروندی موفق باشد.

بیش از ۱۰۰ روز از عمر دولت گذشته و غبار تعارف‌های تبریک بعد از انتخابات فرو نشسته و به نظر می‌رسد که منتقدان دولت بالاخره وارد عمل شده‌اند. شما منتقدان دولت آقای روحانی را چه کسانی می‌دانید و چگونه آنها را دسته‌بندی می‌کنید؟

ریشه اصلی مخالفت عده‌ای از اصولگراها با آقای روحانی این است که اکثر قریب به اتفاق حامیان او در انتخابات را اصلاح طلبان تشکیل می‌دادند. برخی اصولگراها نگاه خاصی به اصلاح طلبان دارند و آنها را برانداز و خارج از دایره نظام می دانند. به کارگیری آنها در دولت را خلاف مصلحت نظام و راه رهبری می‌دانند، لذا با این دولت مخالفت می‌کنند.

از طرفی طعم شکست در انتخابات هم ذائقه اصولگراها را تلخ کرده و انتصاب‌های دولت هم بیشتر شامل اصلاح طلب‌ها شده است؛ در نتیجه برخی اصولگرایان خیلی زود وارد مخالفت با دولت شدند به طوری که گاهی مواضع آنها بیشتر انتقام جویی را تداعی می‌کند تا انتقاد سازنده.

به دسته بندی مخالفان دولت یازدهم در درون و بیرون مجلس اشاره‌ای نکردید.

فعلا برخی مخالفت های فردی از طرف هواداران جبهه پایداری و جمعیت ایثارگران در مجلس صورت می گیرد و مخالفت سازماندهی شده وجود ندارد. نمایندگان معتدل در مجلس نهم کمتر هستند چون انتخابات این دوره از مجلس در شرایط خاصی برگزار شد که بسیاری از منتقدان دولت گذشته اعم از اصلاح طلب و اصولگرا اصلا نامزد نشدند. بخشی از اصلاح طلبان هم که انتخابات را تحریم کردند. بنابراین ترکیب نمایندگان مجلس نهم ترکیب خاصی شده است.

در مورد دسته بندی منتقدان دولت پاسخ شفافی ندادید. بگذارید سوالم را اینطور بپرسم که به نظر شما جنس انتقادهایی که در روزنامه‌هایی چون کیهان و رسالت خطاب به دولت یازدهم مطرح می‌شود با انتقاد چهره‌هایی چون احمد توکلی و الیاس نادران از یکسو و رسایی و کوچک زاده از سوی دیگر که در مجلس مطرح می‌شود، یکی است؟

به نظر من همه اینها در کینه و دشمنی با اصلاح طلبان تقریبا یکسانند. در این موضوع، نگاه آقای حدادعادل با نگاه کیهان و رسایی و کوچک-زاده خیلی فرق ندارد. ولی آقای توکلی کمی متفاوت است و نگاه واقع-بینانه تری به اصلاح طلبان دارد. البته این یک نقطه ضعف است که چنین نگاهی بین گروه های مختلف اصولگرا به اصلاح طلبان وجود دارد چون سبب می‌شود که تصمیمات احساسی نسبت به آنها بگیرند. اما معتقدم که به تدریج مجلس شکل واقعی خود را در مقابل دولت جدید پیدا می کند به طوری که حامیان منطقی دولت افزایش پیدا خواهند کرد. این امر نیاز به زمان دارد.

به نظرتان هرچه پیش برویم، موضع مجلس نسبت به دولت معتدل‌تر می‌شود؟

بله، اینهایی که شما گفتید سر و صدایشان زیاد است ولی این طور نیست که مجلس دست آنها باشد.

ولی دیدید که هم توانستند ارائه رای اعتماد به وزیر ورزش را به دور چهارم برسانند و هم دو فوریت طرحی برای منع استخدام افراد باتجربه بازنشسته در دولت را تصویب کنند.

در مورد وزیر ورزش عوامل مختلفی دخالت داشت و این طور نیست که صرفا اراده فراکسیون اصولگرایان موثر بود.

رای به دو فوریت طرح استخدام بازنشستگان هم به این معنی نیست که مجلس تسلیم اراده این افراد شده است، چرا که اساسا نگاه برخی نمایندگان این بوده که نباید تا این میزان کارها را به افراد سالخورده و بازنشسته سپرد. بسیاری از این قبیل نمایندگان گرایشی هم به جبهه پایداری و جمعیت ایثارگران ندارند. ولی دیدیم که کلیات این طرح دو فوریتی رأی نیاورد، چون اکثر نمایندگان فرزند دلیل هستند و وقتی دلایل را شنیدند به این نقطه رسیدند که این طرح یک طرح احساسی و بلکه سیاسی است و به صلاح کشور نیست.

باز هم نگفتید که جنس انتقادات یکی است یا نه؟ مثلا جنس انتقاد آقای نادران به موضع آقای زنگنه در کرسنت، یا انتقادهای رسایی به اظهارات آقای جنتی در وزارت ارشاد با انتقادهای حسین شریعتمداری به دیپلماسی دولت در روزنامه کیهان یکی است؟

انتقاد آقای نادران ناشی از حساسیت بجایی است که ایشان نسبت به مفاسد اقتصادی دارد و به نظرم در این کار خودش هم در مجموع حسن نیت دارد. ولی انتقادهای آقایان رسایی و حسین شریعتمداری این طور نیست و توأم با تعصب و عناد است. اما بیشتر مخالفت هایی که از روی حسن نیت صورت می گیرد ناشی از ترس از اصلاح طلبان است. آنها نگرانند که در همه این زمینه ها به دوره اصلاحات برگردیم.

برخی از کسانی که شما نام بردید بیش از حد عکس-العمل نشان می-دهند. باید اول تخلفی در دولت صورت بگیرد بعد آنها اعتراض کنند. اما گاهی احساس می‌کنیم که انتقادهای آنها با حسن نیت نیست و بیشتر نوعی بهانه-جویی است. مثلا این که وزیر ارشاد بگوید رأی هیات نظارت بر مطبوعات درباره توقیف روزنامه بهار محترم است ولی من مخالف توقیف بودم و فکر می کنم کمتر باید از این ابزار استفاده کرد، بعد نماینده‌ای بیاید و درباره این اظهارنظر وزیر از او سوال کند و از پاسخش هم قانع نشود تا سوال به صحن علنی بیاید، این کارها درست نیست. وزیر باید مثل هر کس دیگری در بیان نظرش آزاد باشد. این نوع رویکردها نسبت به وزیر ارشاد بیشتر نشان از کینه ورزی دارد تا نگرانی از وضعیت فرهنگی کشور.

شما هم نگرانی-هایی در حوزه فرهنگ دارید، آیا می-توان گفت که شما هم منتقد رویکرد فرهنگی دولت هستید؟

من در مباحثی همچون آزادی بیان و آزادی مطبوعات در اظهارنظر و نقد، رویکرد وزارت ارشاد را قبول دارم. به طور کلی در خیلی جاها با دولت در عرصه فرهنگ، هم نظرم. ولی مثلا در مورد حد و مرز نظارت دولت بر مسئله پوشش اسلامی شاید اختلاف نظر دارم. اخیرا وزیر کشور اعلام کرد که «گشت ارشاد به فضای بیمارستان ها، فضاهای فرهنگی، دانشگاه ها، فرودگاه ها و فروشگاههای بزرگ نباید ورود پیدا کند.» این یعنی محدود کردن حوزه آن بخش از امر به

معروف و نهی از منکر که وظیفه دولت اسلامی است و البته خلاف قانون است، مگر این که برای این اماکن متولی و ضابط خاص تعیین کرده باشند. یا در مورد فیس بوک البته فعلا نظری ندارم و در حال تحقیق هستم ولی معلوم نیست که رفع فیلتر به نفع کشور باشد. چون فیس بوک تیغ دو دم است و ممکن است جنبه‌های منفی آن بیش از جنبه‌های مثبتش باشد، لااقل تا زمانی که فرهنگ استفاده از فیس بوک در میان ما پیدا شود و قانون هم تکلیف اعمال مجرمانه در این حوزه را مشخص کند.

ولی راه دورزدن فیلتر بسیار زیاد است. با توجه به این که مردم با استفاده از فیلترشکن می توانند وارد فیس بوک بشوند، آیا فیلتر بودن آن باعث کاهش آسیب‌ها می‌شود؟

من در این زمینه در حال تحقیق هستم و با اهل فن صحبت‌هایی دارم. ولی هنوز به نظر قطعی نرسیده ام. البته اگر استفاده از ابزاری، جنبه مجرمانه‌اش بیشتر باشد، حکومت می تواند دسترسی به آن را مشکل کند، گرچه نتواند استفاده از آن را غیرممکن سازد.

اما آقای دکتر، هم برخی وزرای دولت در این شبکه اجتماعی عضوند و هم فرزند خود شما!

بله می‌دانم! عرض کردم، به این نقطه نرسیده-ام که فیس بوک باید فیلتر باشد یا نباشد. کسانی که استفاده می کنند لابد آثار مثبت و محاسن آن را بیش از آثار مخرب و معایب آن می-دانند. استفاده از فیس بوک تا قبل از حوادث سال ۸۸ آزاد بود و مشکلی نداشت. ممنوعیت آن هم از ناحیه قانون مجلس نیست، از سوی شورای عالی امنیت ملی است. شاید بیشترین نگرانی از این شبکه‌های اجتماعی از بعد سیاسی باشد و دغدغه‌های اخلاقی و اجتماعی در درجه دوم باشد. اگر مخالفت با این شبکه‌ها صرفا ناشی از نگرانی سیاسی باشد، من ان را قبول ندارم که چون منتقدین نباید با هم مرتبط شوند، چنین شبکه‌هایی را فیلتر کنند. ولی اگر مخالفت با این شبکه-ها به دلیل مسائل اخلاقی باشد که کسی وارد زندگی خصوصی دیگران نشود، کار درستی است، گرچه کسی که صفحه-ای در فیس بوک دارد می-تواند فقط به افراد خاصی امکان ورود به صفحه خود را بدهد. به هرحال کسانی می-توانند از این طریق کاسبی-های غیراخلاقی ایجاد کنند. اینجاست که حکومت باید دخالت کند. برای رفع فیلتر فیس بوک تکلیف این امور باید

مشخص شود. البته همان طور که گفتم اطلاعات من در این زمینه کامل نیست و در حال تحقیق هستم.

نظام اسلامی نسبت به مسائل فرهنگی و اخلاقی باید حساس باشد و برخلاف دولت‌های لائیک و سکولار وظیفه دارد که به این حوزه‌ها ورود کند. اما باید ببینیم که فیلتر کردن شبکه‌های اجتماعی ما را به این مقصود می-رساند یا نه؟ آیا آزاد گذاشتن مردم در این شبکه‌ها آنها را به این مسئولیت می‌رساند که با اراده خودشان وارد حیطه‌های غیر اخلاقی نشوند یا نه؟ به دلیل اهمیت این مسئله به کمیسیون فرهنگی مجلس پیشنهاد دادم که این مسئله را بررسی کند و به نتیجه برساند.

به نظر شما اینکه با گذشت بیش از سه دهه از عمر نظام اسلامی نگران از ورود به این شبکه‌ها اعم از فیس بوک و توئیتر هستیم و نگرانی‌هایی نسبت به حجاب و ماهواره و ... وجود دارد، ناشی از چیست؟ اشکال کار کجاست؟

این نگرانی-ها همیشه وجود دارد و باید وجود داشته باشد و به معنی ضعف نظام اسلامی نیست. عرض کردم، اگر نگرانی-ها صرفا سیاسی باشد موجه نیست اما اگر نگرانی از آسیب های اجتماعی باشد بجاست. شما هر مقدار هم کار فرهنگی بکنید، باز در جامعه اقشاری خواهند بود که دچار آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی هستند و ممکن است به خاطر گرایش به فرهنگ غربی یا از روی هوا و هوس با کارهایشان انحطاط اجتماعی و اخلاقی ایجاد کنند. زمان پیامبر هم این گونه افراد بودند، منتها امروز به خاطر توسعه ارتباطات این آسیب جدی-تر است.

اساسا مسائل اخلاقی و جاذبه‌های جنسی به گونه ای است که نمی توان صرفا با آموزش و تربیت و افزایش تقوا کاری کرد که دیگر، افراد میلی به آن نداشته باشند. دین اسلام هم به این جاذبه شدید توجه داشته و حجاب و عدم اختلاط زن و مرد را به همین جهت مقرر کرده است. این بدان معنی است که خدا هم که خالق انسانهاست در این موضوع به بشر اعتماد ندارد و می داند که اگر بشر در این وادی بیفتد، دیگر نمی‌تواند جلوی خودش را بگیرد و از حدود تعیین

شده می-گذرد، لذا با احکام خود می-خواهد زمینه این اتفاق را از بین ببرد. دولت اسلامی هم باید زمینه-ها را از بین ببرد.

به همین دلیل است که می-گویم هرچقدر هم مدرسه و دانشگاه و صداوسیما و دیگر مربیان جامعه مثل روحانیت، خوب کار کنند باز هم افرادی هستند که به خاطر هوا و هوس دست به کارهای خلاف اخلاق می-زنند و اینجا نیاز به قانون و اقدام عملی دولت اسلامی است. البته اکثریت جامعه اینچنین نیستند و حدود را رعایت می کنند.

بگذارید این سوال را به نحو دیگری بپرسم. رژیم گذشته در ایران، اسلامی نبود اما جوانانی در آن دوره تربیت شدند که انقلابی از جنس اسلامی را پایه گذاری کردند و ۸ سال برای دفاع از ارزش‌ها جنگیدند. جوانان تربیت شده در نسل بعد از انقلاب در چنین وضعیتی هستند؟ از سوی دیگر به قول آقای مرعشی خطبه‌های نمازجمعه اول انقلاب را چهره‌هایی چون آقای طالقانی و مقام معظم رهبری و آقای هاشمی می خواندند اما الان جای چنین چهره‌هایی خالی است. یا مثلا در مجلس اول همه طیف های سیاسی نماینده داشتند اما الان به قول خود شما به جایی رسیده‌ایم که بخشی انتخابات را تحریم می کنندو بخشی هم به دلیل اطمینان از اینکه رد صلاحیت می‌شوند، اصلا نامزد نمی‌شوند. چرا در نظام اسلامی دچار چنین روندی شده‌ایم؟

تفاوت جوانان این دوره و دوره قبل از انقلاب را قبول ندارم. جوانان آن دوره تحت تأثیر تعلیمات امام خمینی و شهید مطهری و سایر رهبران فکری و سیاسی قیام کردند، جوانان امروز هم تحت تأثیر همین تعلیمات هستند و اگر شرایطی شبیه شرایط آن روز و شرایط جنگ پیش بیاید همان فداکاریها را خواهند داشت و شاید قویتر. اما اتفاقی که به آن اشاره کردید، در حاکمیت رخ داده است. چرا که مدام دایره انقلاب تنگ شده و افراد را از قطار انقلاب پیاده کرده‌اند. مدام منتقد را مخالف و مخالف را معاند و هر دو را برانداز پنداشته‌اند. این سخت گیری ها سبب شده که هر دوره کیفیت مجلس پایین‌تر بیاید. من، هم در مجلس هشتم بودم و هم در مجلس نهم هستم، معتقدم که مجلس هشتم قوی‌تر بود. کسانی چون آقای کاتوزیان که در مجلس هفتم و هشتم بودند، می گفتند مجلس هفتم قوی‌تر از مجلس هشتم بود. این عارضه،

هم به دلیل سخت گیری هایی است که در مرحله بررسی صلاحیت افراد صورت گرفته و هم به این دلیل است که به جهت همان رد صلاحیت ها به تدریج فقط قشر خاصی از مردم در انتخابات شرکت کرده اند.

در کامنت‌های اخبار ما می‌آید که کاربران برای انتخابات مجلس بعد انگیزه بسیاری دارند و از این نظر می-توان حدس زد که میزان مشارکت مردم در انتخابات بعد بیشتر از انتخابات مجلس نهم باشد. در این صورت ترکیب مجلس دهم را چطور پیش بینی می کنید؟

این موضوع مقدار زیادی به عملکرد دولت بستگی دارد که در این فاصله تقریبا دو ساله تا انتخابات مجلس بعد، چگونه رفتار کند. ممکن است مردم احساس کنند که باید به دولت کمک کنند و با حضور در عرصه، به کاندیداهای نزدیک به گفتمان دولت رای بدهند. البته این موضوع به رفتار شورای نگهبان هم بستگی دارد. اگر شورای نگهبان افراد خوش فکر و مستقل و آزاده را رد صلاحیت کند، مشارکت پایین می آید و اتفاق جدیدی نمی افتد.

البته فشار افکار عمومی بر نوع رفتار شورای نگهبان موثر است. فضای دوم خرداد بود که سبب شد شورای نگهبان بسیاری از افراد را برای مجلس ششم تایید صلاحیت کند. شاید آن وقت هم مجبور شوند که افراد معتدل را تایید صلاحیت کنند. البته قطعا شورای نگهبان اجازه نمی دهد که اکثریت مجلس بعد در اختیار غیر اصولگرایان باشد، مگر این که فشار افکار عمومی و انعکاس جهانی آن شدید باشد. به هرحال هر نوع پیش بینی و اظهارنظر در این موضوع باید نزدیک انتخابات مجلس صورت بگیرد و اکنون برای اظهارنظر زود است.

در حال حاضر چند نماینده حامی دولت یازدهم در مجلس داریم که دولت اطمینان داشته باشد به لوایحش در مجلس رای خواهند داد؟

به نظرم هنوز بسیاری از نمایندگان جایگاهشان را در مقابل دولت جدید نیافته‌اند. از این رو تقسیم نمایندگان به دو دسته منتقد یا حامی دولت، فعلا امکان-پذیر نیست. البته اکثر نمایندگان

تابع دلیل هستند و حمایت یا انتقاد آنها از دولت از روی تعصب نیست، گروه کوچکی هستند که با دولت عناد دارند.

شاید چون هنوز ترکیب مدیران استانی تکمیل نشده و نمایندگان منتظرند که ببینند فرمانداران و دیگر مدیران استان از چه جناحی انتخاب می‌شوند!

گر حمایت یا انتقاد نمایندگان از دولت به خاطر این چیزها باشد که ارزشی ندارد. منکر نمی شوم که این مسائل دخیل است اما نباید آن را عنصر اساسی در نظر گرفت. البته وزیر کشور هم اشتباه کرد که گفت استاندارها را با نظر نمایندگان مجلس انتخاب می‌کنم. چون با این حرفش هم به دولت آسیب زد و هم توقع نمایندگان را بالا برد. در نهایت، عدم توجه به نظرات گوناگون نمایندگان درباره استاندار اصلح موجبات گلایه‌مندی آنها را فراهم کرد. اما در مجموع معتقدم که هرچه به پیش می‌رویم تعداد نمایندگان متمایل به گفتمان دولت بیشتر می‌شود.

سخنی با آیت الله جنتی

جناب آقای جنتی، امام جمعه موقت تهران بار دیگر افاضاتی درباره فتنه سال ۸۸ کردند و مانند همیشه بر طبل تفرقه و خشونت و افراط کوبیدند. خلاصه حرف ایشان این است که آقایان موسوی و کروبی محارب و مفسد فی‌الارض هستند و مجازات آنها اعدام است و نظام خیلی منت بر سر اینها گذاشته که به جای اعدام، آنها را حصر خانگی کرده است.

اساس این استدلال باطل است چون محاربه مطابق ماده ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی عبارت است از «کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا به قصد ارعاب آنها به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد.»

آیا اعتراض به نتیجه یک انتخابات، محاربه است؟ اصل بیست و هفتم قانون اساسی ما اعتراض و حتی راهپیمایی برای بیان اعتراض را به رسمیت شناخته است. آقایان موسوی و کروبی به نتیجه انتخابات سال ۸۸ معترض بوده و آن انتخابات را از اساس باطل می‌دانستند و دلایل متعدد خود را نیز به مرجع قانونی ارائه کردند و البته هیچ امیدی هم به قضاوت و داوری عادلانه مرجعی که اکثر اعضای آن از جمله آقای جنتی از چند ماه قبل از انتخابات حمایت خود را از آقای احمدی‌نژاد اعلام کرده بودند نداشتند. با این اعتراض ساده که اتفاقاً توسط مردم آغاز شد، طرف مقابل به جای ایجاد امکان اظهارنظر معترضان چنان با خشونت برخورد کرد که تا چند ماه عوارض نامطلوبی برای کشور داشت .قطعا بخشی از این عوارض ناشی از ناتوانی آقایان موسوی و کروبی در کنترل هواداران خود بود ولی بخش اعظم آن از بی‌تجربگی و کینه‌ورزی وانتقام جویی مدیران بحران از حوادث سال۷۸ نشات می گرفت. نگاه غلط دستگاه وقت اطلاعات و امنیت کشور به مقوله «اعتراض» که هر اعتراضی را مقابله با نظام و ولایت فقیه می‌دانستند– و متأسفانه هنوز برخی از آن‌ها چنین می‌اندیشند – باعث شد که یک مسأله ساده اجتماعی که معمولاً در بسیاری از انتخابات ها در کشورهای مختلف رخ می‌دهد و به سادگی قابل حل است، به عنوان شورش علیه نظام قلمداد شود و معترضانی را که اکثر قریب به اتفاق

آن‌ها اصل نظام و رهبری را قبول داشتند به عنوان معاند و مخالف انقلاب و جمهوری اسلامی معرفی کنند و دشمن هم از این وضعیت کمال استفاده را ببرد.

آقای جنتی گفته‌اند این افراد (موسوی و کروبی) ۸ ماه کشور را ناامن کردند و چقدر افراد و جوان‌ها را کشتند، چه آتش‌سوزی‌هایی راه انداختند و چه تخریب‌هایی را موجب شدند!

باید به آقای جنتی گفت به وجدانتان رجوع کنید و از او بپرسید آیا مقصر و عامل اصلی این اتفاقات اعتراض آن‌ها بود یا نوع برخورد ما؟ قطعاً آقایان موسوی و کروبی اشتباهاتی داشتند و اتهاماتی متوجه آن‌ها است، ولی اگر همان ابتدا اجازه اظهار نظر به معترضان داده می شد و از سوی دیگر یک هیأت حل اختلاف عادل و بی‌طرف تشکیل می‌شد – نه هیأتی که تشکیل شد و هر شش نفر طرفدار آقای احمدی‌نژاد بودند – آیا قضیه به اینجا کشیده می‌شد؟ کسانی که آقای جنتی می‌گوید افراد و جوان‌ها را کشتند چه کسانی بودند؟ عکس‌های آن موجود است و روشن است که چه افراد شناخته‌شده‌ای سوار بر موتور در حال تیراندازی هستند. ایشان از حرمت‌شکنی عاشورای ۸۸ و از پاره شدن عکس امام گفته‌اند. واقعیت این قضایا چه بود؟ آیا آقایان موسوی و کروبی در این‌باره حرف ندارند؟ چرا به آن‌ها اجازه صحبت کردن نمی‌دهید؟ آیا جز این است که می‌ترسید حقیقت ماجرا برای مردم آشکار شود؟ اساساً چرا از محاکمه علنی آن‌ها هراس دارید؟ آن‌ها را محاکمه علنی کنید و اجازه دفاع به آن‌ها بدهید و در آخر هم فرضا حکم اعدام برای آن‌ها صادر کنید، اما حکم اعدامی که توسط دادگاه صالح صادر شده باشد نه حکم اعدامی که توسط امثال آقای جنتی –که خود به جای داور بی‌طرف بودن یک طرف دعوا بوده است– از تریبون نماز جمعه اعلام شود. آقای جنتی برای توجیه خشونت طلبی خود به حکم امام خمینی درباره منافقین استناد کرده وگفته اند"امام بزرگوار در موضوع منافقینی که دستگیر شده و در زندان بودند فرمودند هر کدام از این منافقین را اگر سر موضعشان هستند اعدام کنید."

این حکم امام (ره) مربوط به زمان جنگ وعملیات مرصاد توسط منافقین است که عده ای از منافقین در داخل زندانها آماده همکاری با آنها شده بودند و البته این که نحوه اجرای این حکم

چگونه بود ، مطلب دیگری است. این حکم درباره کسانی بوده است که قیام مسلحانه کرده بوند و آقایانموسوی و کروبی قابل قیاس با آنها نیستند.

بنابراین جناب عالی نمی توانید با توسل به این حکم امام نتیجه بگیرید که این دو نفر هم اگر سر موضعشان هستند باید اعدام شوند. این یک قیاس مع الفارق و یک نتیجه گیری خطای بیّن و آشکار است.

جناب آقای جنتی! به راستی چرا از محاکمه علنی این دو نفر می‌ترسید و همواره می‌خواهید از کم‌اطلاعی و عواطف مذهبی مردم برای به کرسی نشاندن این حرف باطل خود استفاده کنید؟ این یک اصل کلی است که حصر خانگی بدون محاکمه، ظلم است و ظلم بد و مذموم است و باید از مظلوم دفاع کرد.

حصر خانگی بدون محاکمه و کوتاه مدت مثلا به مدت ده روز بنا بر مصالحی مثل این که فرد محصور تحت تاثیر القائات افراد شیطان صفت قرار نگیرد در شرایط خاص می تواند قابل توجیه باشد، اما حصر خانگی طولانی مدت و به زعم برخی تندروها تا زمان مرگ شخص محصور ، توجیه شرعی و قانونی ندارد. یک زندانی در زندان از حقوقی برخوردار است که درحصر خانگی وجود ندارد.

ضمناً حصر خانگی آقایان موسوی و کروبی برخلاف سخن آقای جنتی همراه با رفاهیات نیست. محصورین، در چند اتاق، شبانه‌روز، تنها و تحت سیطره دوربین‌ها و شنودها به سر می‌برند که هر دو محصور نیز دچار بیماری شده‌اند. امتحانش مجانی است، خود آقای جنتی یک هفته به همین صورت زندگی کنند، ببینند دوام می‌آورند یا نه.

به هر حال به جای این تفرقه‌افکنی‌ها باید این معضل را هرچه سریعتر حل کرد و راه‌حل آن آزادی آن‌ها است و در صورت نیاز، محاکمه علنی همزمان آقایان موسوی، کروبی و احمدی‌نژاد.

علی مطهری

۹۲/۹/۲

نقض غرض

در خصوص مناظره برگزارشده میان کاندیداهای ریاست‌جمهوری چند نکته قابل ذکر است:

۱- مناظره همیشه دوطرف دارد، همچنان‌که کلمه «مناظره»از باب مفاعله است و مفید عمل طرفین است. طرفین این مناظره معلوم نبود، مثلا چهارنفر، یک طرف و چهار نفر، طرف دیگر یا سه نفر، یک طرف و پنج نفر، طرف دیگر.

۲- اساسا مناظره میان هشت‌نفر موفق نخواهد بود، چون هیچ‌کدام از افراد، فرصت بیان نظر خود را پیدا نمی‌کند.

۳- زمانی که تعداد افراد شرکت‌کننده در مناظره زیاد است باید یک سوال روشن و به عبارت دیگر یک مساله مطرح شود تا برتری برخی بر برخی دیگر روشن شود، نه اینکه چندین سوال مطرح شود و شنونده در مقابل انبوه پاسخ‌های مشابه یکدیگر، قادر به تشخیص قوی از ضعیف نباشد.

٤- هدف از مناظره در تبلیغات انتخابات این است که مردم، اصلح را از صالح تشخیص دهند، وقتی این هدف برآورده نشود، نقض غرض شده و برگزار نشدن آن اولی است.

۵- مطرح‌کردن سوال تستی برای کاندیداهای ریاست‌جمهوری و یا درخواست اظهارنظر درباره یک عکس که شبیه مسابقات تفریحی تلویزیونی است، خلاف شأن کاندیداها و نوعی توهین به آنهاست.

امید است صداوسیما اشکالات وارد به مناظره گذشته را رفع کند و یا از خیر آن بگذرد. البته مارگزیده از ریسمان سفید و سیاه می‌ترسد. صداوسیما هم پس از مناظرات سال ۸۸ از برگزاری مناظره به صورت طبیعی هراس دارد، ولی این هراس موجه نیست، چون کاندیدایی با ویژگی خاص آقای احمدی‌نژاد در میان کاندیداها وجود ندارد. پیشنهاد می‌کنم برای جذاب‌شدن مناظره‌ها بین افرادی که به طور نسبی بیشترین فاصله را با هم دارند، مناظره برگزار شود، مثلا

بین آقای روحانی و آقای جلیلی، بین آقای حداد و آقای عارف، بین آقای رضایی و قالیباف، بین آقای ولایتی و آقای غرضی.

علی مطهری . نماینده تهران در مجلس

دکتر مطهری: مشکلات‌اقتصادی کشور برآمده از قانون‌گریزی‌های دولت است

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، با بیان اینکه مشکلات‌اقتصادی کشور برآمده از قانون‌گریزی‌های دولت است، گفت:راهکار اساسی برای بهبود اوضاع اقتصادی کشور، قانون‌مداری یازدهم است.

علی مطهری در گفت و گوی مشروح با خبرنگار سیاسی خبرگزاری خانه ملت ضمن تشریح خاطرات دوران کودکی، جوانی و دانشگاهی خود، به اولویت‌های کاری دولت آینده پرداخت، متن مصاحبه با نماینده مردم تهران، ری، اسلامشهر وشمیرانات و عضوکمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به شرح زیر است:

آقای مطهری چند فرزند دارید؟

٤ فرزند دارم. پسر بزرگم مرتضی ٢٦ساله و تحصیل کرده رشته مهندسی عمران است، پسر دیگرم رضا ٢٢ساله و دانشجوی رشته مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف است. دخترم لیلا ١٦ ساله و سال اول دبیرستان است و دختر دیگرم زهرا هم نزدیک به ۵ سال دارد.

در زمان تحویل سال نو چکار می کنید؟

با اعضای خانواده دور هم جمع می‌شویم ولی خیلی مقید به اینکه حتما سفره هفت سین بچینیم و یا سبزی پلو با ماهی بخوریم، نیستیم. البته اگر امکانش باشد سعی می‌کنیم برای تحویل سال نو در خانه مادرم دور هم جمع شویم. ما ۷ خواهر و برادر هستیم که تعداد نوه و نتیجه‌های پدر و مادرم بیش از ۵۰ نفر است و طبعا جمع گرم و پرشوری را تشکیل می‌دهیم و تلاش می‌کنیم که لحظات خوبی را ایجاد کنیم. گاهی هم ما برادرها و پسرها و دامادها برنامه فوتبال می‌ریزیم.

از زمان کودکی خودتان بگویید؟

در بهمن ماه سال ١٣٣٦ در تهران خیابان ری، کوچه دردار، کوی کمیل متولد شدم و دوران کودکی را گذراندم. ما با همسایه‌ها بسیار صمیمی بودیم و آن کوچه بن بست هم فضای مناسبی

برای بازی من و بچه‌های محل بود. تا ده سالگی در آن منطقه بودیم و بعد از آن در سال ۱۳٤٦ برای نزدیک بودن به حسینیه ارشاد که پدرم آنجا را تأسیس کرده بود، به منطقه قلهک خیابان دولت رفتیم.

بهترین خاطره ای که از بچگی دارید، چی بوده است؟

یادم است ٦ ساله بودم که پدرم را به خاطر قیام ۱۵خرداد ماه دستگیر و زندانی کرده بودند. حدود یک ماه و نیم بود که ایشان زندان بود، یک روز در کوچه مشغول بازی بودم که دیدم پدرم از سر کوچه به سمت ما می‌آید و شنیدم عده‌ای گفتند، آقای مطهری آزاد شده و دراین لحظه همسایه‌ها ایشان را تا منزل همراهی کردند و بعد از آن جمعیت های پی در پی بود که به دیدن ایشان می‌آمدند. ایام نوروز برای خانواده ما همچون سایر خانواده‌های ایرانی مملو از شادی بود چراکه نوروز انتخاب خوبی ازسوی ایرانیان است، بهترین زمان سال را که طبیعت درحال اعتدال است، برای گردش و تفریح و دید و بازدید و استفاده از زیبایی طبیعت انتخاب کرده‌اند و یک رسم معقول و مفید است. اقوام پدری من در مشهد و فریمان زندگی می‌کردند و اقوام درجه یک مادری هم مشهد بودند و بقیه اقوام مادرم در تهران زندگی می‌کردند ولی ما با اقوام درجه دو مادری به دلیل اختلاف فرهنگی و این که سبک زندگی آن‌ها با ما جور درنمی‌آمد و به اصطلاح متجدد بودند رفت و آمد زیادی نداشتیم.

بهترین عیدی که در کودکی دریافت کردید؟

معمولا بزرگترها پول می‌دادند ولی بهترین عیدی که گرفتم یک مجسمه اسب اسباب بازی بزرگ بود که مادربزرگم داد و من در آن سن و سال یک نخ می‌انداختم دور گردنش و سوارش شده و باهاش حرکت می‌کردم یا آن را می‌کشیدم. این، خاطره جالب و ماندگاری از عیدی گرفتن زمان کودکی است که همیشه با من است.

دوران سربازی را در کجا گذراندید؟

من از سربازی معاف شدم، چون مازاد خدمت شمرده شدم. دوره لیسانس ما در دانشگاه به دلیل همزمانی با وقایع انقلاب اسلامی طولانی شد. قبل از انقلاب برخی ترمهای تحصیلی به دلیل اعتصاب دانشجویان منحل می‌شد و بعد از انقلاب هم دو سال و هشت ماه به دلیل انقلاب فرهنگی دانشگاه تعطیل شد. در سال ٧٤ که دکترا گرفتم اعلام شد که متولدین سالهای ١٣٣٦ و ١٣٣٧ از خدمت سربازی معاف هستند.

کدام دانشگاه و در چه رشته‌ای تحصیل کردید؟

سال ٥٥ در رشته مهندسی مکانیک دانشکده فنی دانشگاه تبریز مشغول به تحصیل شدم. در سال ٥٨ که پدرم ترور شد به دانشگاه علم و صنعت تهران منتقل شدم و یک و نیم ترم آنجا تحصیل کردم که منتهی به انقلاب فرهنگی و تعطیلی دو سال و هشت ماهه دانشگاه شد. پس از بازگشایی دانشگاه‌ها تغییر رشته داده و در رشته فلسفه دانشگاه تهران ادامه تحصیل دادم. در سال٦٥ لیسانس گرفتم و سال ٦٨ فوق لیسانس و سال ٧٤ نیز در این رشته دکترا گرفتم.

بهترین خاطره ای که از دوران دانشگاه دارید، چه بوده است؟

مدت ٣سالی که دردانشگاه تبریز مشغول به تحصیل بودم، برایم بسیار خاطره انگیز است. در آن زمان برخی از روزهای جمعه به همراه همکلاسی‌هایم به کوه می‌رفتیم و یا در جلسات مذهبی حاج آقا شبستری یکی از روحانیون آن زمان که شب‌های جمعه برگزار می‌شد، شرکت می‌کردیم. البته دانشگاه‌ها در آن زمان در تب و تاب خاصی بودند. مخصوصا دانشگاه تبریز بسیار فعال و پر تحرک بود. گاهی دانشگاه در اعتصاب بود و گاهی هم صحنه تظاهرات و درگیری بود. همان زمان بود که واقعه قیام تبریز در روز ٢٩بهمن ماه سال١٣٥٦ اتفاق افتاد. من روز قبل از قیام همراه پدرم به قم رفته بودم. ایشان در سال‌های آخر حیاتشان، روزهای چهارشنبه تا جمعه به توصیه امام خمینی(ره) در حوزه علمیه قم کلاس درس داشتند. در ١٨ اردیبهشت سال ٥٦ نیز که ظاهرا چهلم قیام مردم یزد بود درگیری شدیدی در دانشگاه اتفاق افتاد که سه نفر کشته شدند و من در آستانه بازداشت بودم که از دست مأمور گارد دانشگاه فرار کردم.

دوستان خوبی در دانشگاه تبریز بودند که بعد از انقلاب پستهای مهمی را اداره کردند، مثل آقای حسین علایی و آقای رحیم صفوی.

چی شد که تصمیم گرفتید، وارد مجلس شوید؟

قبل از ورود به مجلس نیز از عالم سیاست دور نبودم و گاهی درزمینه مسائل اجتماعی و سیاسی مقاله می‌نوشتم یا مصاحبه می‌کردم و در دانشگاه‌ها و مراکز سپاه و غیره سخنرانی می‌کردم ولی جایگاه قانونی نداشتم و احساس می‌کردم حرف‌هایی که می‌زنم به دلیل برخوردار نبودن از جایگاه قانونی، برد زیادی ندارد. بنابراین تصمیم گرفتم وارد مجلس شورای اسلامی شوم تا جایگاه رسمی پیدا کنم و حرف‌هایم را به جامعه برسانم. پیش‌بینی‌ام درست بود و توانستم از این راه ایده‌هایم را بهتر مطرح کنم و از اینکه وارد مجلس شدم، پشیمان نیستم.

در بین نمایندگان مجلس با کدام ها رفت و آمد خانوادگی و یا دوست بیشتری دارید؟

با نمایندگان مجلس رفت و آمد خانوادگی ندارم ولی با افراد زیادی از آن‌ها دوست صمیمی هستم، از جمله افرادی که طرح سوال از رییس جمهور را امضاء کردند. البته با آقای نوباوه وطن از سال ٦٢ که در صدا و سیما نویسندگی می‌کردم آشنا بودم ولی دوستی ما در ابتدای مجلس هشتم مخصوصا در زمان استیضاح آقای کردان که ایشان همکاری بسیار خوبی داشتند آغاز شد، روحیاتشان را پسندیدم و الان هم که با هم در کمیسیون فرهنگی همکار هستیم مواضع فرهنگی ایشان را می‌پسندم. البته با اکثر نمایندگان تهران از قدیم دوست بودم و با آقایان توکلی، نادران، مصباحی مقدم، کوثری، پزشکیان، دهدشتی، نوری قزلچه و سبحانی‌فرد هم دوست هستم و از جبهه پایداری هم با آقای آقاتهرانی، حسینیان، رسایی و کوچک‌زاده علی رغم اینکه به نظر می‌رسد که نقطه مقابل من هستند، دوست صمیمی هستیم.

قبل از ورود به مجلس در چه مشاغلی فعالیت می‌کردید؟

زمانی که دانشگاه به دلیل انقلاب فرهنگی تعطیل شد، طبیعی بود که به دنبال پر کردن اوقات فراغتم باشم، بنابراین وارد صدا و سیما و مشغول نویسندگی برای برنامه‌های زنده رادیو شدم.

بعد از آن هم که مشغول تحصیل بودم تا سال ۷٤ . از سال ۷۱ یعنی قبل از دریافت دکترا در دانشگاه تهران در رشته فلسفه تدریس می‌کردم و این روند تاکنون نیز ادامه دارد. ولی پست دولتی اجرایی نداشتم. شاید مهم‌ترین کار من مسئولیت تدوین، تنظیم و نشر آثار باقی مانده پدرم باشد که از زمان شهادت ایشان با جدیت دنبال کردم. وقتی پدرم شهید شدند ۲۹ جلد کتاب از ایشان منتشر شده بود و الان ۹۵ جلد منتشر شده. به نظر خودم این اقدام، بسیار بزرگ و موثر بود و اگر این کار را نمی‌کردم شاید بخش مهمی از آثار ایشان از بین رفته و فراموش می‌شد.

آمادگی جامعه برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مشارکت احزاب مختلف را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در انتخابات گذشته شور و هیجان خاصی وجود داشت ولی الان فضای جامعه برای انتخابات ریاست جمهوری مناسب نیست و آن شور و هیجانی که باید وجود داشته باشد، دربین مردم دیده نمی‌شود و باید این نشاط ایجاد شود. شاید این امر به خاطر جریاناتی باشد که در پی انتخابات سال ۸۸ به وجود آمد. البته این شور و هیجان را زمانی می‌توانیم در بین مردم به وجود آوریم که شخصیت‌های درجه اول کشور از همه احزاب قادر به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری باشند و لازم است در بررسی صلاحیت نامزدها نیز سختگیری بی جا و تعصب‌های جناحی و سیاسی اعمال نشود، فضای مطبوعات و رسانه‌ها باید بازتر باشد و به آزادی بیان احترام بگذارند. من فکر می‌کنم هم‌اکنون فضای خوبی بر مطبوعات حاکم نیست و کنترل شدیدی بر روزنامه‌ها وجود دارد و با این فضا ما نخواهیم توانست نشاط کافی در انتخابات به وجود آوریم.

شعار راهبردی که مقام معظم رهبری به عنوان شعار سال جدید انتخاب کردند را چگونه باید به کار بگیریم؟

شعاری که مقام معظم رهبری هر سال انتخاب می‌کنند، به طور قطع مطابق با نیاز کشور و با تدبیر و احتمالا با مشورت کارشناسان انتخاب می‌شود و در واقع این شعار یک راهبرد برای

کشور است و باید در عمل کردن به آن توجه کافی داشته باشیم. متاسفانه درسال‌های گذشته توجه لازم به این شعارها نشده، شاید به این دلیل که تنها آن را در حد یک شعار تلقی کردیم نه آنچه در عمل باید پیاده شده و حالت کاربردی داشته باشد.

به نظر شما اولویت های دولت بعدی باید چه باشد؟

دولت بعد به طور قطع باید در درجه اول به وضع اقتصادی و معیشت مردم سامان ببخشد و در بهبود روابط خارجی ما تلاش کند، خصوصا که روابط خارجی ما در اقتصادمان هم موثر خواهد بود. همین طور در حوزه فرهنگ باید برنامه‌هایی برای اصلاح برخی کاستی‌ها داشته باشد و از نظر سیاسی هم مصمم به اجرای کامل قانون اساسی باشد. بالاخره بخشی از قانون اساسی مثل فصل سوم آن که شامل حقوق ملت می‌شود با کم توجهی روبرو شده است و گاه حقوق مردم نادیده گرفته می‌شود و ما اهمیت کافی برای آن قائل نبوده‌ایم و گاه نیز به بهانه حفظ نظام، حقوق برخی فعالان سیاسی، خبرنگاران و مدافعان حقوق بشر را پایمال کرده‌ایم. دولت آینده در این زمینه نیز مسئولیت دارد.

به نظر شما راهکار موثر برای برون رفت از مشکلات اقتصادی کنونی چیست؟

راهکار اساسی برای بهبود اوضاع اقتصادی کشور، قانون مداری است، چون بسیاری از مشکلات اقتصادی امروز ما ناشی از قانون‌گریزی‌ها و قانون‌شکنی‌ها است. مثلا قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در مجموع قانون خوبی بود و مجلس در این مورد تمام جوانب امر از جمله سهم تولید را به خوبی در نظر گرفته بود ولی در عمل به شکل دیگری اجرا شد. یعنی به همان شیوه که مد نظر رییس جمهور بود، اجرا شد و در واقع قانون مجلس اجرا نشد. به همین دلیل تولید ملی کشور با آسیب جدی روبرو شد و بسیاری از کارخانه‌ها تعطیل شدند و دولت تمایل داشت که پول نقد به جیب مردم سرازیر کند و مجلس هم به خاطر محدودیت‌هایی که برای آن ایجاد شد از جایگاه خود تنزل پیدا کرد و در چند سال اخیر قادر به انجام وظایف نظارتی مؤثر خود نبود. البته این موضوع تا حد زیادی بستگی به روحیات شخص رییس جمهور داشت که به صراحت اعلام کرد، من قانونی را که خودم شخصا منطبق بر قانون اساسی بدانم، اجرا می‌کنم و قانونی

را که منطبق بر قانون اساسی ندانم، اجرا نمی‌کنم. یا درباره قانون تسهیلات ارزی برای متروی تهران و کلان شهرها به صراحت گفت که این قانون را اجرا نمی‌کنم، در حالی که با توجه به اجرای قانون یارانه‌ها و ضرورت توسعه حمل و نقل عمومی و همین طور افزایش شدید آلودگی هوا، اجرای این قانون ضرورت مضاعف پیدا کرد. پس ریشه اصلی مشکلات امروز کشور ما قانون‌گریزی است. دولت بعدی باید یک دولت قانون‌مدار باشد و مجلس هم باید به جایگاه اصلی خود برگردد. مجلس کنونی به دلیل حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و به دلیل ملاحظاتی در بسیاری از موارد، وظایف نظارتی خود را انجام نداد.پس راهکار اصلی این است که دولت آینده در مسیر قانون حرکت کند واز نظرات کارشناسان هم حداکثر استفاده را بکند.

مذاکرات آتی با ۵+۱ را چگونه ارزیابی می کنید؟

به نظر من اشکال ندارد که موقتا از غنی سازی ۲۰ درصد اورانیوم دست برداریم، چون در حد مصرف چند سال آینده اورانیوم غنی شده ٪۲۰ در اختیار داریم و می‌توانیم این کار را بعدها دوباره شروع کنیم. البته مهم این است که در مقابل این تعلیق چه چیزی به دست خواهیم آورد. یعنی آن‌ها هم تحریم‌ها را کاهش دهند و انتظار دیگری مثل تعطیلی سایت فردو یا انتقال همه اورانیوم ۲۰ درصد غنی شده به خارج از ایران نداشته باشند، البته اینطور که من شنیدم فعلا آن‌ها این قول را داده‌اند که در این صورت با مبادله طلا در معاملات خارجی ایران مخالفتی نخواهند کرد یا تحریم را از محصولات پتروشیمی برخواهند داشت. مهم این است که ما امتیاز متناسب با این تعلیق را دریافت کنیم. به هر حال همه چیز بستگی به مذاکرات آینده دارد.

علی مطهری: احمدی‌نژاد مرید مشایی است و اختیاری از خودش ندارد

احمدی‌نژاد در صورت رد صلاحیت شدن مشائی دست به اقدامات جدی خواهد زد. چون ایشان مرید آقای مشائی است و اختیاری از خودش ندارد و این احتمال وجود دارد که دست به هر کاری بزند؛ مجلس هم البته در این خصوص به وظیفه خودش عمل خواهد کرد.

علی مطهری در مورد اعطای نشان درجه یک فرهنگ به آقای مشائی از سوی رئیس دولت دهم گفت: با تعریفی که آقای احمدی‌نژاد از فرهنگ دارند و با رویکرد فرهنگی ایشان واقعا باید نشان درجه یک فرهنگ را به آقای مشائی بدهند. در طول هشت سال گذشته آقای مشائی توانسته است سیاست تسامح و تساهل فرهنگی را در کشور نهادینه کند که مظاهر آن را در بعضی فیلمهای سینمایی و وضعیت جامعه می‌بینیم.

به گزارش پایگاه خبری تحلیلی پویش، فرزند شهید مطهری افزود: اقدام بزرگ فرهنگی آقای مشائی و آقای احمدی‌نژاد در طول این مدت این بوده است که غیرت و تعصب مثبت قشر متدین و حزب‌اللهی را در این گونه مسائل کاهش چشمگیر دادند به طوری که دیگر عکس‌العملی از آنها نمی‌بینیم؛ کاری که از آقای خاتمی ساخته نبود، چون آقای احمدی‌نژاد به عنوان حزب‌اللهی وارد صحنه شد ولی آقای خاتمی با چهره روشنفکری.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: آقای مشائی توانست گفتمان باستان‌گرایی و ناسیونالیسم ایرانی را در مقابل اسلام‌گرایی زنده کند و حتی به صراحت گفت که دوره اسلام‌گرایی به پایان رسیده چون القاعده و طالبان هم از اسلام می‌گویند و باید از ایران و مکتب ایران سخن گفت.

وی افزود: آقای مشائی تئوری وحدت ادیان را به شکل غلط آن مطرح و به وسیله آقای احمدی‌نژاد ترویج کرد. شما در سخنان این دو نفر زیاد می‌بینید که می‌گویند اسلام یعنی عدالت و آزادی و توحید و عشق به همه انسانها، و سایر ادیان هم همین را می‌گویند و تفاوتی بین اسلام و مسیحیت و یهودیت و سایر ادیان نیست. در واقع تلاش می‌کنند مرز میان مسلمان و

کافر را از میان بردارند و احکام مربوط به رابطه مسلمان و غیرمسلمان را منتفی کنند. به عبارت دیگر معتقد به «صلح کل» هستند.

مطهری گفت: یک نوع گرایش اومانیستی و انسان‌گرایی و اصالت دادن به انسان در مقابل خدا هم در افکار آقای مشائی و به تبع در کلمات آقای احمدی‌نژاد دیده می‌شود که این هم از ویژگیهای نگاه فرهنگی آقای مشائی است. بنابراین با رویکرد فرهنگی آقای احمدی‌نژاد واقعا باید هم به آقای مشائی نشان درجه یک فرهنگ بدهند.

علی مطهری در پاسخ به سؤالی در خصوص احتمال رد صلاحیت مشائی و اینکه ماجرای رد صلاحیت معین در سال ۸٤ و حکم حکومتی بعد از آن برای جریان دولت هم پیش خواهد آمد یا خیر، گفت: مقایسه مشائی با معین درست نیست. انحرافات فکری که در اقای مشائی وجود دارد در آقای معین دیده نمی‌شد.

وی افزود: آقای احمدی‌نژاد در صورت رد صلاحیت شدن مشائی دست به اقدامات جدی خواهد زد چون ایشان مرید آقای مشائی است و اختیاری از خودش ندارد و این احتمال وجود دارد که دست به هر کاری بزند؛ مجلس هم البته در این خصوص به وظیفه خودش عمل خواهد کرد.

در پایان، خبرنگار پویش با اشاره به وجود شایعاتی در خصوص بودجه‌های چندصد میلیاردی برخی از کاندیداهای اصولگرای ائتلاف ۱+۲، نظر دکتر علی مطهری را در خصوص نحوه برخورد با چنین مسئله‌ای جویا شد که وی در پاسخ گفت: معمولا این خبرها بعداً تکذیب می‌شود، لذا نباید براساس آن قضاوت کرد ولی اگر این خبر صحت داشته باشد و کاندیدایی دست به چنین کاری زده باشد، شورای نگهبان باید او را رد صلاحیت کند چون این مبالغ از راه درست و طبیعی به دست نمی‌آید.

علی مطهری:رییس جمهور روز ارائه بودجه به مجلس نیامد تا خانه ملت را تحقیر کند

دلایل تاخیر بودجه ، وضعیت بودجه ۹۲ از نگاه درآمدها و نوع بودجه بندی، نظارت مجلس بر بودجه سه دوازدهم و رویکرد بودجه به مقوله هدفمندی یارانه ها از مهم ترین محورهای گفت و گو باعلی مطهری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با مجلس نیوز است.

بودجه سال ۹۲ با ۸٤ روز تاخیر بدون رییس جمهور به مجلس رسید. این بودجه با توجه به این که در سال اخر کاری دولت بود و کشور در شرایط بی ثباتی ارزی به سر می برد و وضعیت درامدهای نفتی نیز روشن نبود، اهمیت خاصی داشت. گام اول بودجه ۹۲ با توجه به عدم حضور رییس جمهور در مجلس بر خلاق قانون برنامه پنجم برداشته شد و مجلس با توجه به تاخیر قابل توجه دولت در ارائه بودجه ۹۲ بررسی لایحه بودجه سه دوازدهم را در دستور کار روز یکشنبه ۲۰ اسفند قرار داده است. دلایل تاخیر بودجه ، وضعیت بودجه ۹۲ از نگاه درآمدها و نوع بودجه بندی، نظارت مجلس بر بودجه سه دوازدهم و رویکرد بودجه به مقوله هدفمندی یارانه ها از مهم ترین محورهای گفت و گو باعلی مطهری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با مجلس نیوز (پایگاه خبری فراکسیون اصولگرایان رهروان ولایت مجلس شورای اسلامی)، است.

بسیاری از نمایندگان مجلس مطرح می کنند تاخیر بودجه سال جاری سیاسی بوده است و دولت با این پیش زمینه بودجه را دیر به مجلس فرستاد تا بتواند در سه ماه پایانی کار خود زمانی که مجلس درگیر بررسی بودجه است، از تنخواه و یا سه دوازدهم در صورت لزوم استفاده انتخاباتی در جهت حمایت از کاندیدای مورد نظر خود داشته باشد ؟ ارزیابی شما از این مسئله چیست؟

این یک احتمال توام با بدبینی است ولی در طی ۸ سال گذشته ،این دولت همواره بودجه را دیر به مجلس فرستاده تا امکان تغییر لایحه بودجه به حداقل برسد.امسال بیش از هر سال این تاخیر نمود پیدا کرد.

در سال های قبل به این خواسته می رسید، یعنی مجلس تحت فشار این تنگی زمان و وقت هر آنچه در بودجه ارسالی بود تصویب می کرد؟

نمایندگان البته در همان زمان کم نیز نظرات خود را مطرح می کردند اما بالاخره در اواخر با کمبود وقت مواجه می شدند و بسیاری از پیشنهادات مطرح نمی شد. در طی این ۸ سال رئیس جمهور گزارش پیشرفت سالانه برنامه های ۵ ساله را نیز ارائه نکردند در حالی که این کار صریح قانون است و وی موظف به ارائه این گزارش بوده است. البته دولتهای گذشته نیز در این زمینه کوتاهی هایی داشته اند. از نگاه من، نیامدن رییس جمهور در جلسه علنی امسال بیش تر به خاطر تحقیر مجلس بود. یعنی بعد از سه ماه تاخیر،لایحه بودجه را بدون این که خود در مجلس حاضر شود ، ارسال کرد . به قول برخی از نمایندگان اگر این دولت ادامه داشت سال آینده لایحه بودجه را با آژانس یا پیک موتوری به مجلس می فرستادند.

نماینده هایی از کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات در گفت و گویی مطرح کرده اند که دولت با تاخیر در ارائه لایحه بودجه بیش تر به دنبال این بود که تا ایام بعد از تعطیلات نوروز و زمان نزدیک به انتخابات مجلس درگیر بررسی بودجه باشد و نتواند بر رفتارهای دولت در سه ماه منتهی به انتخابات نظارت کند.در نتیجه با این برنامه، مجلس را به بررسی بودجه در این ماه های حساس مشغول کرد

این ها صرفا احتمال است. اگر حسن ظن داشته باشیم باید بگوئیم علت تاخیر این بوده است که دولت به دنبال این بود که مجلس را برای اجرای فاز دوم هدفمندی از ابتدای سال آتی قانع کند. این ایده در بودجه ۹۲ قید شده است که طبعا مجلس باید آن را تصویب کند. مدتی در تلاش بودند که مجلس را برای اجرای آن قانع کنند و این امر منجر به تاخیر شد.علت دیگر تاخیر می تواند انتظار ثبات در بازار ارز برای تعیین قیمت ارز باشد که البته این ثبات پیدا نشد. اکنون مجلس ناگزیر است که مبلغی را در قالب بودجه سه دوازدهم در اختیار دولت قرار دهد و مشخص کند که دولت این مقدار حق هزینه کردن دارد.

اما سه دوازدهم سال گذشته با سه دوازدهم سال جاری متفاوت است و مبنا قرار دادن بودجه سه دوازدهم امسال بر اساس سه ماه ابتدایی سال گذشته چندان منطقی به نظر نمی رسد، به این دلیل که بودجه سال ۹۱ یک بودجه انبساطی بوده در حالی که بودجه سال آتی انقباضی است. مبلغی بیش از سه ماه یک بودجه انقباضی در اختیار دولت قرار می گیرد و این امر دولت بعدی را ملزم به صرفه جویی کرده و تحت فشار قرار می دهد. مجلس به این تفاوت نظر دارد؟

از نظر من بودجه سال آتی نسبت به بودجه سال گذشته انقباضی است اما نسبت به شرایط کشور یک بودجه انبساطی است.یعنی درآمدها تا اندازه ای واقعی نیست. مسئله اصلی این است که دولت پایبند به قانون نیست و این بودجه به هر شکلی که تصویب شود، اعتمادی به اجرای صحیح آن نیست.

مجلس تا چه اندازه می تواند بر نحوه هزینه کرد سه دوازدهم نظارت کارآمدی داشته باشد؟

باید تا مرداد ماه بر رفتارهای مالی دولت نظارت شود.اگر دیوان محاسبات به موقع گزارش به مجلس ارائه کند، کیفیت این نظارت بهتر می شود.

فضای کلی مجلس به سمتی هست که با اجرای فاز دوم هدفمندی از ابتدای سال ۹۲ یا پس از تصویب بودجه موافقت کند؟

خیر. من فضای مجلس را موافق با این موضوع نمی بینم. اگر اجازه ای داده شود حداکثر برای بعد از انتخابات یا از ابتدای نیمه دوم سال ۹۲ خواهد بود.

مبلغ یارانه نقدی افزایش داده شده و گویا به رقم ۱۰۰ هزار تومان رسیده است.

بله اما باید به تصویب مجلس برسد. از همان ابتدا نیز ٤٥ هزار تومان مطابق با قانون نبود. قرار بود صرفا از محل اصلاح قیمت حامل های انرژی با احتساب سهم ۲۰ درصدی تولید یارانه خانواده ها توزیع شود که سهم هر نفر حدود ۱۵ هزار تومان می شد ولی سه برابر پرداخت کردند. در نتیجه دولت مجبور شد از محل های دیگری مثل شرکت نفت و وزارت نیرو اعتبار لازم برای توزیع یارانه نقدی را تامین کند و منجر به تخلف قانونی شد.

برخی اعضای کمیسیون امنیت ملی همچون آقای حیدرپور و حقیقت پور مطرح می کنند که در صورتی که مشخص شود دولت از مابه التفاوت قیمت ارز یارانه نقدی توزیع کرده است، این اقدام قابلیت تعقیب قضایی برای رییس جمهور را دارد.

بله.البته شخص آقای رییس جمهور هرگز چنین مسئله ای را قبول نکرد اما برخی ازاعضای هیئت دولت ومدیران اجرایی در اظهارات خود حتی در مجلس این تخلف قانونی را تایید کرده اند.بحث تحقیق و تفحص از بانک مرکزی مطرح شده است که اگر درست ادامه داده شود، می توان به نقطه های روشنی در این موضوع رسید. سوال از رییس جمهور نیز در این خصوص بود . قطعا از مابه التفاوت نرخ ارز مبلغ قابل توجهی در اختیار دولت و بانک مرکزی است که مشخص نیست این مبلغ در کجا هزینه می شود چرا که وارد خزانه نشده است. متاسفانه دست مجلس نیز بسته است و هر زمان که می خواهد وارد یک کار جدی شود مانعی ایجاد می شود.

چرا دولت دهم تا این اندازه به مبلغ یارانه اهمیت می دهد. آیا تصمیم دارند از این طریق برای خود یک پایگاه اجتماعی در جهت تغییر مسیر انتخابات به سمت کاندیدای مورد نظر خود ایجاد کنند؟

این هم یک نگاه توام با بدبینی و صرفا مبتنی بر یک احتمال است . خود آقای رئیس جمهور گفتند که تنها راه دور زدن تحریمها اجرای فاز دوم هدفمند سازی یارانه هاست . پس اصرار ایشان می تواند ناشی از اعتقاد باشد. اما اگر آن احتمال را بپذیریم که دولت می خواهد نتیجه انتخابات را به نفع خود تغییر دهد، شاید طبقه ای از مردم تحت تاثیر این مطلب باشند اما به طور کلی من قبول ندارم که مردم ما به صرف دریافت یارانه به سمت یک نامزد بروند. مردم ما بیش تر مردمی اعتقادی و ایدئولوژیک هستند . همه آحاد قشر فقیر جامعه ما با یارانه تغییر عقیده نمی دهند. هر چند این روش پرداخت یارانه ممکن است در برخی از مردم اثر خود را بگذارد اما در جامعه ما در نهایت عوامل اعتقادی بر منافع مادی چیره می شود.

علی مطهری: از سخت‌گیری‌ها علیه مطبوعات راضی نیستم

علی مطهری از جمله سیاست ورزانی است که علاوه بر صداقت از شاخصه شجاعت نیز برخوردار است. وی در دوره ای که سیاسیون کمتر از محبوبیت برخوردارند چهره ای محبوب و مردمی‌است. این نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی‌در گفت‌وگو با «قانون» انتخابات پیش روی ریاست جمهوری را فرصت خوبی برای برون رفت از بحران‌های سیاسی کشور می‌داند. مطهری در عین حال چهار آسیب انتخابات آتی را تشریح کرده و معتقد است برای برگزاری انتخاباتی فراگیر باید این آسیب‌ها رفع شود. متن این گفت و گو را در ادامه با هم می‌خوانیم:

آقای دکتر اجازه بدهید بحث را با یک سوال دانشگاهی آغاز کنیم ؛ چند سال است که بحث محرومیت از تحصیل دانشجویان و محرومیت از تدریس اساتید در دانشگاه‌های کشور مطرح است و این روند همچنان ادامه دارد. مجلس شورای اسلامی‌برای متوقف کردن این روند چه راهکاری پیش رو دارد؟

مجلس می‌تواند وزیر علوم را احضار و از وی در این باره سوال کند. البته بنده الان اطلاع دقیق ندارم که تا کنون چنین اقدامی‌صورت گرفته است یا خیر. آنچه مسلم است این است که به خاطر دگراندیشی و تفکر منتقدانه نمی‌توان دانشجو یا استاد را از تحصیل یا تدریس محروم کرد. اگر استادی در کلاس درس، خارج از موضوع درس، به تبلیغ علیه نظام بپردازد می‌توان با وی برخورد کرد اما اگر در چارچوب سرفصل‌های درس خود، ضمن بیان مطالب معین شده، نظر کارشناسی مخالف خود را هم بیان کند یا دارای دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی متفاوت از دیدگاه نظام باشد نمی‌توان به این بهانه وی را از حق تدریس محروم کرد.

با توجه به نزدیک شدن به ایام انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری، هرساله و در این روزهاشاهد حضور احزاب جدیدالتاسیس هستیم که از یک کاندیدای خاص حمایت می‌کنند و پس از انتخابات اثری از آنها مشاهده نمی‌شود. اصولا وضعیت احزاب را در ایران مناسب می‌دانید؟

قطعا ما در کشور نیاز به احزاب قوی و فعال داریم. همین آشفتگی که ما در روزهای انتخابات با آن روبه‌رو می‌شویم به دلیل فقدان احزاب اصیل، با سابقه و فعال است. اگر احزاب قوی وجود داشته باشند می‌توانند به عنوان اتاق فکر عمل کرده و کادرسازی نمایند و کاندیداهای مناسب را به جامعه معرفی کنند و مردم با اعتماد به یک حزب به کاندیدای مورد حمایت او رای دهند و این سردر گمی‌که اکنون شاهد آن هستیم وجود نخواهد داشت و پس از انتخاب نیز، حزب پاسخگوی معرفی خود خواهد بود. با وجود احزاب قوی و شناسنامه دار، فرصت طلبان قادر نخواهند بود از فضای آشفته سوءاستفاده کنند و سوار بر قدرت شده و ٤ یا ٨ سال کشور را دچار حوادث و مشکلات نمایند. از این نظر حضور احزاب ضروری است. اما در کشور ما مسئله رابطه حزب با اصل ولایت فقیه موضوع مهمی‌است که این رابطه چگونه تعریف می‌شود. اگر برداشت ما این طور باشد که احزاب حق اظهار نظر بر خلاف نظر ولی فقیه را ندارند، طبیعتا احزاب برای ادامه فعالیت خود با مشکل مواجه می‌شوند و عملا احزاب آزاد نخواهیم داشت. اما اگر برداشت صحیح از اصل ولایت فقیه را داشته باشیم که ما مجاز به اظهار نظر مخالف نظر ولی فقیه هستیم ولی در عمل و احکام حکومتی باید ملتزم باشیم، تا حد زیادی این مشکل حل خواهد شد. نگاه درست به اصل ولایت فقیه یکی از لوازم تشکیل احزاب قوی است.

مجلس برای زنده کردن جایگاه احزاب چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟

مجلس کار خاصی نباید انجام دهد. ما در زمینه احزاب با مشکل کمبود قانون مواجه نیستیم. البته اگر اصلاحی لازم باشد باید انجام شود. مشکل ما در سختگیری‌ها و تنگ نظری‌ها در صدور مجوز و مدارا با احزاب رخ می‌دهد. کمیسیون ماده ۱۰ احزاب گاهی سختگیری‌های بیش از حد و غیر ضروری اعمال می‌کند و به سادگی مجوز تاسیس حزب نمی‌دهد و با احزاب منتقد برخورد می‌کند و احیانا میان احزاب و گروه‌های سیاسی برای برگزاری کنگره یا تجمع تبعیض روا می‌دارد. این مسائل باید حل شود.

در حال حاضر مهم‌ترین موضوع سیاسی کشور انتخابات پیش روی ریاست جمهوری است. نتیجه انتخابات آینده و نحوه حضور جریان‌های سیاسی تا چه حد با سرنوشت نظام جمهوری اسلامی در پیوند است؟

تصور می‌کنم انتخابات آتی فرصت بسیار خوبی برای خروج کشور از تنگناهای فعلی است. باید بپذیریم در کشور بحران وجود دارد و می‌توان با استفاده از انتخابات پیش رو از این بحران عبور کرد و باید به نحو احسن از این فرصت بهره برد.باید بستری فراهم شود تا شخصیت‌های سیاسی طراز اول و احزاب در آن مشارکت داشته باشند. قطعا یک انتخابات پرشور و فراگیر می‌تواند نظام اسلامی‌را در برابر آسیب‌ها و آفت‌ها بیمه کند.

با توجه به شرایط بحرانی که ذکر کردید و تهدیدهای خارجی، چه آسیب‌هایی را در راستای برگزاری انتخاباتی پرشور متصور هستید؟

انتخابات هر چه مردمی‌تر و واقعی تر باشد به نفع نظام و کشور است و به هر میزان به سمت انتصاب پیش برویم به کشور آسیب جدی وارد می‌گردد. اکنون برخی از گروه‌های سیاسی و مردم تصور درستی از انتخابات ندارند. به عبارت دیگر برخی آسیب‌ها همواره انتخابات را تهدید می‌کرده است. اعتقاد دارم برخی حوادثی که در انتخابات ۸۸ رخ داد ناشی از برداشت اشتباهی است که از ماهیت انتخابات در جمهوری اسلامی‌وجود دارد. یکی از بزرگترین آسیب‌های ما در این عرصه وارد کردن رهبری در امر انتخابات است. عده ای تلاش می‌کنند تا رهبری را وارد عرصه انتخابات کنند، در حالی که خود ایشان چنین روش و نگاهی ندارند. رهبری درنهایت برخی معیارها را بیان می‌کنند و در بعضی مواقع به صراحت اعلام کرده اند که نظر بنده را کسی نمی‌داند. متاسفانه عده‌ای کاسه‌های داغ تر از آش طوری به جامعه القا می‌کنند که مثلا نظر رهبری به آقای الف است. در نتیجه جامعه دو قطبی می‌شود. برخی از کسانی که به رهبری ارادت ویژه‌ای دارند و به اصطلاح ولایت مدار هستند از هر تلاشی دریغ نمی‌کنند تا آن کاندیدای خاص رای بیاورد و عده‌ای هم که منتقد و مخالف و احیانا معاند هستند تمام کوشش خود را

صرف رای نیاوردن آن فرد میکنند. این اتفاق نقطه آغاز فتنه است و منجر به پدید آمدن خصومت‌ها در جامعه می‌شود.

ما باید به این نکته کلیدی توجه کنیم که انتخابات متعلق و مرتبط با مردم است. ارتباط انتخابات با رهبری صرفا در مرحله بررسی صلاحیت‌هاست. به این معنی که مقام رهبری از طریق شورای نگهبان اعمال نظر می‌کند و این حق قانونی ایشان است و اشکالی هم ندارد و ما بیش از این حقی برای وارد کردن رهبری در انتخابات نداریم اما این که بعد از معرفی کاندیداهای صالح از طرف شورای نگهبان به دنبال کشف نظر رهبری باشیم کار درستی نیست.

این که برخی افراد عنوان می‌کنند که من از رهبری برای کاندیداتوری در انتخابات کسب اجازه کردم، تعبیر اشتباهی است زیرا اساسا نیازی به اجازه گرفتن از ایشان نیست. در واقع این دوستان برای کاندیداتوری باید از مردم اجازه بگیرند وکسب تکلیف کنند.

این یک آسیب جدی است که معمولا وجود دارد. این دیدگاه غلط در بین اصولگرایان به وفور یافت می‌شود که به صورت مداوم در همه مسائل مربوط به حوزه وظایف و اختیارات خود تاکید دارند که باید ببینیم نظر رهبری چیست. اصولا در انتخابات، هر شخص یا گروهی باید خودش با استفاده از معیارهای اسلامی‌به فرد اصلح برسد. نظر رهبری از طریق شورای نگهبان اعمال می‌شود و افرادی که از طرف شورای نگهبان صلاحیتشان تایید می‌شود قطعا مورد تایید رهبری هستند و صلاح نیست که ما به دنبال کشف نظر رهبری باشیم و ببینیم مکنون قلبی ایشان چیست. این بزرگترین آسیب است که در هر انتخاباتی خودنمایی می‌کند و باید دفع شود. متاسفانه این معضل از بین سیاستمداران به بخشی از مردم عادی هم سرایت کرده و تصور می‌کنند باید به دنبال کشف نظر رهبری باشند.در این میان عده ای هم از این نوع نگرش سوءاستفاده می‌کنند و کاندیدای مورد نظر خود را تحمیل می‌کنند. روحانیت و سایر نخبگان باید درباره این موضوع آگاهی بخشی کنند و این مشکل را برای همیشه حل نمایند.

آسیب دیگر، دخالت دادن سپاه و بسیج در انتخابات است. به طور مثال کاندیدایی اعلام می‌کند که نظر مثبت سپاه و بسیج را هم جلب کرده ام. این هم نگاهی اشتباه و خطرناک است، چرا که

اصولا سپاه و بسیج به عنوان یک نهاد حکومتی حق دخالت در انتخابات و به طور کلی سیاست را ندارند.

سختگیری‌های بی مورد و افراطی در بررسی صلاحیت نامزدها در شورای نگهبان هم آفت دیگر انتخابات است. شورای نگهبان نباید به بهانه‌های واهی، از حضور منتقدان در عرصه انتخابات ممانعت به عمل آورد، نباید گرایش‌های سیاسی و گروهی را در امر تایید صلاحیت نامزدها دخالت دهد.

آسیب و آفت دیگر، بسته بودن فضای مطبوعات و به طور کلی رسانه‌هاست. اگر رسانه‌ها در بیان حقایق آزاد نباشند نشاط و مشارکت مناسب در انتخابات حاصل نمی‌شود.الان فضای خوبی بر مطبوعات حاکم نیست و سخت گیری‌های غیر ضروری وجود دارد و من به عنوان نماینده قوه مقننه در هیات نظارت بر مطبوعات شخصا از این فضا راضی نیستم.

این آسیب‌ها و آفت‌ها در هر انتخاباتی تهدید محسوب می‌شود. ما باید فضا را طوری پیش ببریم که انتخاباتی مردمی داشته باشیم. به گمان من اگر این قبیل مسائل رعایت شود قطعا انتخابات خوبی را برگزار خواهیم کرد.

از سال‌ها پیش تفکری وجود دارد که انتخابات حداکثری و فراگیر را تهدیدی برای نظام می‌داند و خواهان برگزاری انتخاباتی حداقلی و قابل کنترل است، این تفکر تا چه حد در حاکمیت نفوذ دارد؟

متاسفانه این نوع نگاه وجود دارد، اما نمی‌توان دقیق گفت چند در صد از فعالان سیاسی دارای چنین تفکری هستند. این هم باز ناشی از برداشت اشتباه از اصل ولایت فقیه است. فکر می‌کنند اگر رئیس‌جمهور با رای بالا انتخاب شود رهبر محدود می‌شود در حالی که این طور نیست. این نوع تفکر معتقد است ولی فقیه باید در همه جزییات حکومت دخالت کند. این همان تفکری است که امروز در بعضی از نمایندگان مجلس هم وجود دارد که به طور مثال اگر بخواهیم وزیری را استیضاح کنیم و یا به دنبال طرح سوالی باشیم، باید از رهبری اجازه بگیریم و طبیعتا

دولت و رئیس جمهور و حتی قوه قضاییه را هم غیر مستقل می‌خواهند که در مسائل مهم و مؤثر حق تصمیم گیری نداشته باشند.

برخی تصور می‌کنند رئیس جمهوری که با رای بالا انتخاب شود ممکن است با اتکا به آرای خود از اوامر رهبری اطاعت نکرده و سر باز زند، در نتیجه خواهان انتخاباتی قابل کنترل و محدود هستند. در واقع این دوستان باید نگاه خودشان را به اصل ولایت فقیه تغییر دهند.

بخشی از این برداشت به دلیل تجربه ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد نیست؟

من این طور فکر نمی‌کنم. در سال ۷۶ آقای خاتمی‌با رای بالا و مشارکت خوب مردم انتخاب شدند. درصد آرای ایشان به نسبت واجدین شرایط رای دهندگان، از آقای احمدی نژاد بالاتر بود. مشکلاتی که دولت آقای احمدی نژاد به وجود آورد به دلیل روحیات و افکار خاص شخص ایشان است و ارتباط چندانی با میزان رای وی ندارد.

وضعیت گروه‌های سیاسی اعم از اصلاح طلبان، اصولگرایان و حامیان دولت و سمت و سوی آرای مردم را در انتخابات آینده چطور ارزیابی می‌کنید؟

بستگی دارد چه کسانی کاندیدا شوند. اگر از طرف اصلاح طلبان آقای خاتمی‌بیاید وضعیت خوبی خواهند داشت اما بعید می‌دانم دیگر چهره‌های اصلاح طلب که تا کنون مطرح شده اند رای قابل توجهی کسب کنند. گروه آقای احمدی نژاد هم اگر نظرشان روی آقای مشایی باشد، جای بحث دارد. بنده اصولا آقای مشایی را رجل سیاسی نمی‌دانم که بخواهند کاندیدای ریاست جمهوری شوند. گذشته از این‌که ایشان افکار خاصی دارند که با ایدئولوژی و آرمانهای انقلاب سازگاری ندارد، کسی که صرفا چند سال رئیس دفتر رئیس جمهور یا رئیس میراث فرهنگی بوده رجل سیاسی محسوب نمی‌شود، ضمن این‌که خود آقای احمدی نژاد هم در سال ۸۴ رجل سیاسی نبود و شورای نگهبان نباید صلاحیت ایشان را تایید می‌کرد. خب ایشان تایید صلاحیت شدند و در این چند سال کشور ضررهای آن را مشاهده کرده است.

اگر فرض کنیم که به دلیل برخی تهدیدها و فشارهای آقای احمدی نژاد، شورای نگهبان صلاحیت آقای مشایی را تایید کند باید ختم انقلاب را اعلام کنیم. آقای مشایی کسی است که می‌گوید دوران اسلام گرایی، به دلیل این‌که القاعده و طالبان هم دم از اسلام می‌زنند خاتمه یافته است و باید به‌جای اسلام از ایران و مکتب ایرانی سخن گفت یا معتقد است که اسلام یعنی عشق به همه انسانها و دین اسلام با مسیحیت و سایر ادیان تفاوتی ندارد. این افکار در ظاهر برای عده ای خوشایند است اما در واقع بسیار خطرناک است. نوعی عرفان کاذب و صوفی گری است.

اگر گروه آقای احمدی نژاد نتواند مشایی را وارد کند به احتمال قوی با جبهه پایداری متحد شده و کاندیدای مشترکی را وارد صحنه انتخابات می‌کنند. اصولگرایان هم در حال حاضر با تعدد کاندیدا مواجهند. اگر اصلاح‌طلبان با شخصی مانند آقای خاتمی‌به صحنه بیایند، قطعا اصولگرایان با نامزد واحد به صحنه خواهند آمد، در غیر این صورت چندین کاندیدا خواهند داشت. این‌که رای مردم به سمت کدام گروه است، اکنون قابل پیش بینی نیست.

آقای مطهری، با توجه به این‌که برخی از اصولگرایان منتقد دولت از برنامه‌های آقای احمدی نژاد واطرافیانش برای انتخابات می‌گویند اگر فرض را بر این بگذاریم که یکی از اصولگرایان منتقد دولت و در واقع یکی از همفکران شما رئیس دولت یازدهم باشد، با طیف آقای احمدی نژاد چطور برخورد خواهید کرد؟

در این صورت باید افراد شایسته آنها را جذب کرد. اشتباهی که در سال ۸٤ رخ داد که عده‌ای به علت بغضی که با آقای‌هاشمی‌داشتند در زمره حامیان آقای احمدی نژاد قرار گرفتند و به کشور آسیب جدی وارد شد نباید مجددا تکرار شود. در گروه آقای احمدی نژاد هم نیروهای شایسته وجود دارد که باید از آنان بهره گرفت. مشکل اساسی این گروه، افکار انحرافی است که منحصر است به آقایان احمدی نژاد و مشایی و چند نفر دیگر است بقیه آنها مشکل چندانی ندارند. به طور کلی دولت آینده باید از تمام ظرفیت‌های کشور استفاده کند.

علی مطهری در گفت‌وگو با روزنامه بهار : بازداشت روزنامه‌نگاران دلیل موجهی ندارد

علی مطهری در گفت‌وگو با «بهار» می‌گوید: در بیانیه‌های وزارت اطلاعات دلیل موجهی برای بازداشت این روزنامه‌نگاران وجود ندارد. مطهری با اعتراض به نحوه بازداشت روزنامه‌نگاران عنوان می‌کند اعلام اسامی این افراد و اتهام‌زنی به آن‌ها با وجود این‌که هنوز جرمی ثابت نشده حرکتی خلاف قانون است. وی در همین باره می‌افزاید ما نماینده همه مردم هستیم و نمایندگان نباید چنین موضع‌گیری‌هایی در مورد روزنامه‌نگاران بازداشتی داشته باشند. نماینده تهران همچنین می‌افزاید خود این امر جرم است و روزنامه‌نگاران می‌توانند از این نمایندگان و سایت‌های خبری که نامشان را اعلام کرده‌اند به دادگاه شکایت کنند.

مطهری وابستگی روزنامه‌نگاران بازداشت شده را به بی‌بی‌سی و انگلیس بعید می‌داند. مطهری به تذکری اشاره می‌کند که قرار است در صحن علنی مجلس قرائت شود و می‌افزاید اگر موثر نباشد طرح سوال از وزیر اطلاعات را مطرح خواهیم کرد و نهایتا استیضاح.

واقعا دلیل اصلی بازداشت گسترده روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب چیست؟

من فکر می‌کنم چون در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری هستیم بخشی از حکومت می‌خواهد انتخابات را کنترل کند.

وزارت اطلاعات زیر نظر دولت این بازداشت‌ها را هدایت می‌کند؟

خیر. وزارت اطلاعات به‌صورت مستقل عمل می‌کند، من فکر نمی‌کنم ربطی به دولت داشته باشد.

۱۶ خبرنگار بازداشت شده‌اند اما با وجود پیگیری خانواده‌های‌شان هنوز جواب مشخصی در ارتباط با اتهام این افراد و وضعیت آن‌ها داده نشده است آیا این روند برخلاف قانون نیست؟

بله همین‌طور است. من شخصا از اطلاعیه‌هایی که وزارت اطلاعات صادر کرده است یک دلیل موجهی برای بازداشت این روزنامه‌نگاران دریافت نکردم. مسائل مبهمی را گفته بودند که در مورد هرکسی می‌توان این مسائل را مطرح کرد.

نحوه بازداشت این روزنامه‌نگاران هم درست نبوده، همه این روزنامه‌نگاران قاعدتا با یک احضار خودشان به وزارت اطلاعات مراجعه می‌کردند و نیاز به ورود به تحریریه روزنامه‌ها نبود.

بسیاری از رسانه‌ها پیش از این‌که اتهام این افراد مشخص شود به انتشار اسامی آن‌ها و اتهاماتی در موردشان پرداخته‌اند، آیا این روش در چارچوب قانون پذیرفتنی است؟

خیر؛ دیده می‌شود که اسامی و اتهاماتی درباره این روزنامه‌نگاران در سایت‌های خبری وابسته به نهادهای اطلاعاتی اعلام شده که این کار خود جرم است و اسباب ناراحتی خانواده‌های این روزنامه‌نگاران شده است. بسیاری از خانواده‌های این روزنامه‌نگاران به بنده مراجعه کردند و گفتند ما از بازداشت فرزندانمان ناراحت نیستیم اما این‌که هنوز چیزی ثابت نشده عزیزانمان را به عنوان افراد مرتبط با انگلیس معرفی کرده‌اند، ناراحت و معترض به این امر هستیم. من معتقدم وزارت اطلاعات در این باره می‌توانست رفتار حکیمانه‌تری داشته باشد.

از طرفی تعدادی از نمایندگان مجلس این روزنامه‌نگاران را خائن، عوامل انگلیس و خود فروخته خوانده‌اند، با توجه به این‌که هنوز جرمی ثابت نشده است آیا گفتن این مسائل آن هم از طرف نمایندگان صحیح است؟

خیر به هیچ عنوان بیان این حرف‌ها صحیح نیست. به نظر من خود این اظهارات جرم است و این‌که بگوییم این روزنامه‌نگاران وابسته به خارج هستند جرم است و باید در دادگاه مطرح شود حتی این روزنامه‌نگاران می‌توانند از این افراد در دادگاه شکایت کنند. ما نماینده تمام مردم هستیم نباید تا چیزی اثبات نشده به این صراحت درباره‌اش صحبت کنیم.

آیا مجلس پیگیر وضعیت این روزنامه‌نگاران است؟

بله پیگیر هستیم. دیروز ما یک تذکر به هیات‌رییسه دادیم که در صحن علنی مجلس قرائت خواهد شد. اگر هم لازم باشد از وزیر اطلاعات طرح سوال خواهیم کرد و احیانا اگر نتیجه‌ای حاصل نشود و لازم باشد استیضاح خواهیم کرد.

واقعا سوال از وزیر اطلاعات یا استیضاح برای عملکرد این وزارتخانه در رابطه با ۱۶ روزنامه‌نگار بازداشت شده در دستور کار مجلس است؟

بله اگر لازم باشد این کار را می‌کنیم. اگر ببینیم این موضوع تا مدتی دیگر حل نشود و به‌زودی برطرف نشود ما وارد این فاز خواهیم شد. چون نگران موج جدید بازداشت‌ها هستیم. اگر ببینیم تذکر ما در صحن علنی مجلس کافی نیست حتما طرح سوال از وزیر اطلاعات را مطرح خواهیم کرد.

آیا تاکنون از طرف مجلس برای توضیح در رابطه با این موضوع سوالی مطرح شده است؟

طرح سوال به همین معنا است.

وزارت اطلاعات اعلام کرده که ۱۶ روزنامه‌نگار بازداشتی، افراد درجه دو یک شبکه جاسوسی گسترده هستند و به‌زودی دانه درشت‌ها را دستگیر خواهیم کرد؛ این یعنی باید در آینده شاهد موج جدیدی از بازداشت‌ها باشیم؟

بله، ظاهرا این طور است و من هم همین‌گونه احساس می‌کنم که باید منتظر بازداشت‌های جدیدی باشیم. مسئله هنوز برای من هم روشن نیست، یعنی ما این همه روزنامه‌نگار و خبرنگار داریم که همه هم مرتبط با بی‌بی سی و انگلستان هستند؟ خیلی بعید به نظر می‌رسد.

گفته شده که این روزنامه‌نگاران جاسوس هستند و هرگز روزنامه‌نگار نبوده‌اند، چطور می‌شود که افرادی که سال‌ها است در عرصه رسانه و مطبوعات کار می‌کنند روزنامه‌نگار نباشند پس براساس چه فاکتوری می‌توان یک فرد را روزنامه‌نگار خواند؟

باید منتظر توضیحات بیشتر وزارت اطلاعات بود.

از اتهاماتی که به این روزنامه‌نگاران در برخی سایت‌های خبری زده شده ارتباط با افرادی است که پس از وقایع انتخابات ۸۸ از کشور خارج شده‌اند و اعلام شده که با این افراد به صورت چت ارتباط داشته‌اند آیا این موضوع می‌تواند سندی برای جاسوسی و ارتباط با یک شبکه گسترده جاسوسی باشد؟

به نظر من این موضوع به تنهایی نمی‌تواند دلیل همکاری با بی‌بی‌سی باشد.

یا همان سایت‌ها از اتهامات این افراد عضویت در کلاس‌های روزنامه‌نگاری یک سایت خارجی عنوان کرده‌اند.

این را دادگاه باید قضاوت کند اما من فکر نمی‌کنم این اتهامات بتواند دلیل کافی برای جاسوس خواندن این روزنامه‌نگاران باشد.

موضوع دیگری که وجود دارد به دنبال جلسه استیضاح وزیر کار و پخش فیلم مذاکرات سعید مرتضوی و فاضل لاریجانی تعدادی فیلم در همین باره در سایت‌ها منتشر شده است و در پی آن جلسه و طرح این موضوع‌ها از طرف رییس دولت، شما بحث عدم کفایت رییس‌جمهوری را به میان آورده‌اید تا چه اندازه برای این کار جدی هستید؟

من موضع خودم را عرض می‌کنم و بسیاری از نمایندگان هم همین نظر را دارند که اگر آقای رییس‌جمهوری یک‌بار دیگر یک چنین رفتاری داشته باشد ما در مجلس طرح عدم کفایت سیاسی ایشان را به جریان می‌اندازیم.

سعید مرتضوی آزاد شده و دوباره به سازمان تامین اجتماعی برگشته است آیا این اتفاق به معنای بی‌اثر بودن استیضاح وزیر کار و ادامه تصمیم دولت بر حفظ مرتضوی نیست؟

دیگر از ما کاری ساخته نیست. هدف ما این بود که براساس این‌که وزیر تخلف کرده بود و صلاحیت وزارت را نداشت برکنارش کنیم که این کار را کردیم. اما درباره آقای مرتضوی کاری نمی‌توانیم بکنیم. حالا اگر وزیر بعدی سر کار بیاید و آقای مرتضوی همچنان به کار خود ادامه

دهد ما می‌توانیم دوباره وزیر را استیضاح کنیم ولی فعلا که وزارت کار سرپرست دارد، از مجلس کاری ساخته نیست.

علی مطهری: بازداشت برخی خبرنگاران را در مجلس پیگیری می‌کنیم

علی مطهری گفت: «به عنوان نماینده مردم فضای ایجاد شده برای مطبوعات اصولگرا و اصلاح‌طلب را به صلاح کشور ندانسته و آن را از طریق مجلس دنبال می‌کنم.»

وی در گفت و گویی با روزنامه شرق به نحوه بازداشت روزنامه نگاران اصلاح طلب اعتراض کرد.

قرار شده که مجلس وضعیت دستگیری گروهی از روزنامه‌نگاران را پیگیری کند، در این زمینه چه اقداماتی انجام خواهد شد؟

مساله دستگیری جمعی از خبرنگاران را هم از طریق مجلس و هم از طریق هیات نظارت بر مطبوعات پیگیری خواهیم کرد. زمان و نحوه بازداشت این افراد قابل تامل است. اول اینکه ما در آستانه دهه فجر هستیم و دوم اینکه به انتخابات ریاست‌جمهوری نزدیک می‌شویم. به این ترتیب ایجاد فضای ناامنی در مطبوعات به صلاح کشور نیست و فکر می‌کنم تنها یک احضار کافی بود تا افراد مذکور بروند و خودشان را معرفی کنند و نیازی به این شکل بازداشت نبود.

البته یکی، دو روز پیش از دستگیری روزنامه نگاران، شاهد فیلتر شدن برخی از سایت‌های خبری بودیم از جمله سایت تابناک و تاریخ ایرانی، این وضعیت را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در مورد سایت تابناک و تاریخ ایرانی باید بگویم که هیچ نهادی بدون مجوز هیات نظارت بر مطبوعات حق فیلترینگ ندارد. مساله فیلتر کردن پایگاه‌های اطلاع‌رسانی یعنی سایت‌های خبری از جمله تابناک و توقیف و لغو امتیاز مطبوعات بر عهده هیات نظارت بر مطبوعات است و هیچ نهادی نمی‌تواند به شکل مستقیم عمل کند. از هشت ماه پیش سایت‌های خبری هم تحت شمول قانون مطبوعات قرار گرفته‌اند. نهادهای مربوطه حداکثر می‌توانند نظرشان را به هیات نظارت ابلاغ کنند و هیات نیز روی آن کار کارشناسی انجام داده و در نهایت حکم از سوی هیات نظارت بر مطبوعات صادر می‌شود.

تحلیل‌تان از وقایع اخیر چیست؟

به عنوان نماینده مردم فضای ایجاد شده برای مطبوعات اصولگرا و اصلاح‌طلب را به صلاح کشور ندانسته و آن را از طریق مجلس دنبال می‌کنم.

اشاره فرمودید به تلاش برای ایجاد فضای خاص در رسانه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا، اما مستحضرید که دستگیرشدگان همگی از رسانه‌های اصلاح‌طلب‌اند؟

بله اکثرا اصلاح‌طلب‌اند ولی برای نمونه سایت تابناک اصولگراست. مهم‌تر از همه اینکه اصولا چنین دستگیری‌هایی ضرورتی ندارد. چراکه مردم ما به حدی از رشد اجتماعی و سیاسی رسیده‌اند که به این آسانی تحت‌تاثیر رسانه‌های بیگانه قرار نمی‌گیرند و من شخصا به رشد سیاسی افکار عمومی در ایران باور دارم و نباید این همه نگرانی داشته باشیم.

اگرچه هنوز وضعیت اتهام خبرنگاران دستگیرشده مشخص نیست اما در برخی رسانه‌های خاص، اتهام ارتباط با رسانه‌های بیگانه مورد تاکید قرار گرفته است.

بله، گفته‌اند این خبرنگاران اطلاعاتی به شبکه بی‌بی‌سی می‌رساندند. سوال من این است که این روزنامه نگاران واقعا چه خبری را می‌توانند به بی‌بی سی برسانند که بی‌بی‌سی به آن دسترسی نداشته باشد. خوشبختانه در سایت‌های وابسته به نهادهای انقلابی کشور همه اخبار وجود دارد.

هنوز خبر رسمی و دقیق از دلایل دستگیری و اتهام منتشر نشده است.

نهادهای مسوول باید در دستگیری‌ها مردم را در جریان قرار دهند و دلایل مستند به قانون برای اصل بازداشت و نحوه بازداشت به مردم ارایه کنند. نحوه بازداشت به شکل ورود ماموران با حکم بازداشت روزنامه‌نگاران ضرورتی نداشته و آرامش روانی و شغلی را از خبرنگاران سلب می‌کند.

برخی نمایندگان پس از حمایت وزارت خارجه فرانسه از روزنامه نگاران بازداشت شده معتقدند که اینها با فرانسه در ارتباط بوده‌اند. این شکل از بیان اتهام‌ها در شرایطی که هنوز جرمی به اثبات نرسیده و تفهیم اتهامی صورت نگرفته، چه تبعاتی برای افکار عمومی به دنبال دارد؟

اینگونه اظهارنظرها جرم است. اتهامی که هنوز درباره کسی ثابت نشده، نباید به عنوان جرم معرفی شود. این‌طور سخن گفتن مصداق جرم است و آن نماینده نیز نباید اینچنین سخن می گفت. ما از مسوولان اطلاعاتی و امنیتی خواستار رسیدگی هرچه سریع‌تر به این ماجرا و تعیین تکلیف روزنامه‌نگاران بازداشت شده هستیم و به‌زودی از طریق مجلس نیز ماجرا را دنبال می‌کنیم. البته اگر دلایل قانع‌کننده‌ای برای همکاری برخی از این افراد با رسانه‌های مخالف انقلاب اسلامی وجود دارد، باید به اطلاع مردم برسد ولی مثلا یک تماس تلفنی نمی‌تواند دلیل بر وابستگی باشد.

علی مطهری از روابط شهید مطهری و شهید مفتح می‌گوید

علی مطهری می‌گوید هنگامی که گروه فرقان به مسجد قبا آمدند و شهید مطهری به شهید مفتح گفتند که اینها گروه منحرف و خطرناکی هستند، ایشان بلافاصله این افراد را بیرون کردند.

ماهنامه شاهد یاران در شماره ١٤ خود که اختصاص به آیت الله مفتح دارد، گفت‌وگویی با دکتر علی مطهری درباره روابط شهید مطهری و شهید مفتح انجام داده که گزیده‌ای از گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید.

به نظر شما ارتباط و صمیمیت نزدیک شهید مطهری و شهید مفتح ریشه در چه موضوعی داشت؟

می دانید که آنها، سالها در دانشکده الهیات همکار بودند و هر دو در گروه فلسفه کار می کردند و طبعاً خیلی به هم نزدیک بودند و دقیقاً روحیات و خصلت‌های همدیگر را می شناختند. چیزی که در شهید مفتح دیده می شد در حد ارادت نسبت به شهید مطهری بود و شهید مطهری هم علاقه خاصی نسبت به ایشان داشتند. تا آنجایی که خود من یادم هست بسیاری از اوقات شهید مفتح به منزل ما می آمدند و با هم بودند. اوقات دیگر هم همین طور. مصاحبت طولانی قطعا آثار خودش را داشته. در قم هم همین طور. مصاحبت طولانی قطعا آثار خودش را داشته. در قم هم حتماً سوابقی بوده. نمی دانم سابقه آشنایی‌شان در چه زمینه هایی بوده، ولی البته قطعا همدوره که نبودند، ولی به هر حال این مصاحبت زیاد که صرفا شامل فعالیتهای درسی نمی شده، بلکه در مسائل اجتماعی و سیاسی هم دائما با هم تعامل و تبادل نظر داشتند، بسیار در این صمیمیت و ارتباط تأثیر داشته است. مثلا یادم می آید که دائما درباره وضعیت امام در نجف و مسائل جامعه با هم صحبت می کردند. من فکر می کنم در اثر اخلاصی که شهید مفتح در شهید مطهری می دیدند و این که احساس می کردند ایشان صرفا برای خدا کار می کنند، ارادت عمیقی به ایشان پیدا کرده بودند و دیگر رفتارهای شهید مطهری و این که مثلا ایشان با دشمنان چگونه برخورد می کردند و موضعگیری‌هایی که شهید مطهری حتی گاهی به ضرر شخص خودشان داشتند. همه اینها را از نزدیک می دیدند و من فکر می کنم شهید مفتح، شهید مطهری

را شخصیت برجسته ای می دیدند که فقط برای خدا کار می کردند و این را غالبا ایشان نقل می کردند، ارادت بسیار خاصی داشتند و خیلی جاها اساسا مطیع بودند، مثلا در مسجد قبا که معرفی ایشان به عنوان امام جماعت آنجا توسط شهید مطهری صورت گرفته بود، هنگامی که گروه فرقان به آنجا آمدند و شهید مطهری به ایشان گفتند که اینها گروه منحرف و خطرناکی هستند و در این‌باره، شهید مفتح را آگاه کردند، ایشان بلافاصله این افراد را بیرون کردند. این را می توانم بگویم که شهید مفتح تا حد زیادی فدای شهید مطهری شدند. شاید گروه فرقان با ایشان دشمنی آن چنانی نداشت. آنها دشمنی فکری با شهید مطهری داشتند و این نوع مسائل در مورد شهید مفتح مطرح نبود، ولی علاقه و مطیع بودن شهید مفتح نسبت به شهید مطهری و این که در واقع منویات ایشان را اجرا می کردند، باعث شد که آنها سراغ شهید مفتح بروند.

شهید مطهری در نامه ای به امام نوشته بودند که در مجلس ترحیم دکتر شریعتی و یا در سخنرانیهائی که در مسجد قبا ایراد می شدند، امام جماعت محترم مسجد با درایت و هوشیاری توطئه حرکت علیه روحانیت را در نطفه خفه کردند. جریان از چه قرار بوده است؟

جریان از این قرار بود که بعضی از سخنرانان علیه روحانیت صحبتهائی کردند که آثار بدی داشت. شهید مطهری اکیدا به شهید مفتح توصیه کردند که شما باید جبران کنید و ایشان هم انصافا جبران کردند. اولا خودشان سخنرانی بسیار جامعی در دفاع از روحانیت ایراد کردند و ثانیا از مرحوم علامه طباطبایی و خود شهید مطهری نام بردند.

شما به پیروی شهید مفتح از خط مشی شهید مطهری اشاره کردید. در عین حال تفاوتهایی هم در یکی دو جریان دیده می شود. به نظر شما فلسفه این تفاوت چه بوده. آیا این گونه موارد ربطی به خط مشی آقای مطهری نداشته یا مصلحت اقوی این بوده که شهید مفتح کوتاه بیایند؟

مشی شهید مطهری منحصر به خودشان است. ایشان به شدت اصولگرا بودند و بیشتر به مسائل به صورت ایدئولوژیک نگاه می کردند و ملاحظه دوست و رفیق را هم نمی کردند و حتی موقعیت اجتماعی خود را نیز در نظر نمی گرفتند، ولی شاید شهید متفح بالاخره در آن حد این روحیه را نداشتند. ایشان چون با جوانها و دانشجویان روبرو می شدند، شاید آن روحیه جو

شکنی و شناکردن برخلاف جریان آب به آن شدتی که در شهید مطهری وجود داشت، در ایشان نبود. ایشان شاید برای جذب و نگهداشتن جوانها نرمشهایی نشان می دادند که در شهید مطهری وجود نداشت. در اثر این دو نوع نگرش شاید بعضی جاها تفاوت‌هایی مشاهده می شود.

از حضور مشترک این دو شهید در شورای انقلاب و کمیته استقبال از امام (ره)، خاطراتی دارید؟

شهید مفتح در شورای انقلاب نبودند و از این جهت کمی هم، دلگیر بودند، ولی در کمیته استقبال، خیلی فعال بودند، چون مسئولیت آن کمیته را شهید مطهری قبول کرده بودند و از بسیاری از افراد احساس خطر می کردند. شهیدمفتح خیلی به شهید مطهری نزدیک بودند و طبیعتا همکاری نزدیک داشتند. حتی در کمیته های انقلاب اسلامی هم همین طور. وقتی که آقای ... به پیشنهاد ایشان رئیس کمیته ها شدند، درخواست کردند که شما و همه روحانیون کمک کنید که در آنجا آقای مفتح هم اعلام کرده بودند که من هم کمک می کنم، لذا در تأسیس کمیته هم شهید مفتح فعال بودند و ظاهرا در اوایل انقلاب هم در کمیته کاخ جوانان بودند، ولی عضو شورای انقلاب نبودند.

بعداز شهادت شهید مطهری، از حالات شهید مفتح چه خاطراتی دارید؟

ایشان در این رویداد واقعا آتش گرفت. آقای مفتح خیلی شخصیت رئوفی داشتند و با توجه به علاقه شان به استاد و امید و پشتوانه ای که از ناحیه ایشان احساس می کردند، لطمه عاطفی و روحی زیادی خوردند. ایشان روی پشتیبانی فکری و عملی شهید مطهری در اداره دانشکده الهیات خیلی حساب کرده بودند. بعد از شهادت استاد مطهری، شهید مفتح عهده‌دار بخش قابل توجهی از مسئولیت‌های مربوط به تشیع و بزرگداشت ایشان شدند. حتی یادم هست که لباسهای خونی پدرم را ایشان تحویل گرفتند و برای ما آوردند و با تمام تاثری که داشتند، شخصا بخش زیادی از کارها را به عهده گرفتند. در فاصله چندماهی هم که بعد از شهید مطهری زنده بودند، زیاد با خانواده ما تماس داشتند، احوال می پرسیدند و در جریان مسائل ما بودند.

شما خودتان چه خاطراتی از شهید مفتح دارید؟

در زمان تدریس شهید مطهری و شهید مفتح در دانشگاه، گاهی اوقات خودم با ماشین آنها را به دانشگاه می رساندم. گفت وگوهای آنها در اتومبیل جالب بود و اعتماد زیاد شهید مطهری به ایشان را نشان می داد. آخرین اخباری را که از نجف در مورد امام می رسید یا مسائل سری دانشگاه و تحرکاتی که احیانا علیه آنها وجود داشت، از مسائلی بود که در مورد آن صحبت می کردند. گاهی اوقات هم پسر آقای مفتح به اتفاق ایشان می آمدند و پدرم را به دانشگاه می بردند. به هر حال حجم ارتباط و آمد و رفتهای کاری و خانوادگی، ما را به شهید مفتح خیلی نزدیک کرده بود.

مطهری در گفتگو با اعتماد:هاشمی بیاید از مشکلات عبور می کنیم

*آقای مطهری این روزها شما و برخی از همفکرانتان مانند مجلس هشتم به دنبال طرح سوال از رئیس دولت هستید.اما مثل دفعه قبل برخی مخالف هستند. اما این بار شما مخالفین را به افشاگری در مورد سوابق قبل از انقلابشان تهدید کردید. تنها کسی که به این تهدید واکنش داشت آقای حداد عادل بود. آقای مطهری چرا بحث ها اینقدر دارد خانوادگی می شود؟

من زیاد نمی خواهم این بحث ادامه پیدا کند. فقط می خواستم اشاره داشته باشم که اینها بالاخره خودشان را جمع کنند .ولی خیلی صلاح نمی دانم که این بحث ادامه داشته باشد.

*یعنی شما هم شیوه آقای احمدی نژاد را در پیش گرفتید. تنها به تهدید کردن و افشاگری قناعت می کنید؟

به نظرم الان زود است که بخواهم در این مورد صحبت کنم . چون همان موقع من اشاره کردم که اگر اینها بخواهند به روش خود ادامه بدهند آنوقت من در این مورد صحبت می کنم . هنوز روشن نیست که اینها چه خواهندکرد. به نظر من راجع به این موضوع اگر صحبت نشود بهتر است.

*اما آقای حداد خیلی اصرار داشتن که شما به دنبال سوابق انقلابیشان بروید و حتی در این مورد شما را رجوع داده اند به مادرتان که از ایشان بپرسید نظر استاد مطهری راجع به ایشان چه بوده. آقای مطهری ،نظر استاد راجع به آقای حداد عادل چه بود؟

من اگر بخواهم نظر استاد را بگویم ادامه همان بحث می شود.

*آقای دکتر؛ علت مخالفت شدید فراکسیون رهپویان مجلس با طرح سوال، حب احمدی نژاد است یا اثبات قدرت خودشان در مجلس؟علت این همه تلاش برای نیامدن احمدی نژاد چیست؟

ببینید من معتقدم که ما باید حسن ظن داشته باشیم.ما همان چیزی را که خودشان بیان می کنند، دلیل مخالفت فرض می کنیم . آنها بر این اعتقاد هستند و می گویند که برداشت ما از صحبت های رهبری این است که در شرایط امروز سوال از رئیس جمهور به صلاح کشور نیست، اگرچه عمل و فعل این افراد گواه چیزی غیر از این است.

*چه چیزی؟

اینها در پس گرفتن امضا ها استناد می کردند به نظر رهبری. بعضی از اینها می گفتند ما اطلاع داریم که رهبری با این سوال مخالف هستند و بنابراین خوب است که شما امضایتان را پس بگیرید. اما بعدا حرفشان را عوض کردند که ما نگفتیم رهبری با طرح سوال مخالف اند بلکه گفتیم برداشتمان این است . خوب این دوگانگی و تناقض در حرفهای آقایان بود. یعنی موقعی که آقا ی لاریجانی مطرح کرد که رهبری در این مورد نظری ندارد اینها مجبور شدند که حرفشان را عوض کنند.

به نظرم مخالفت اینها بیشتر ناشی از نگرانی است که از حضور آقای احمدی نژاد در مجلس دارند. علاوه بر این، فکر می کنند با توجه به سخنان اخیر رهبری این کار به صلاح کشور نیست.تا اینجا حق این عده است که مخالفت کنند و هیچ ایرادی به کارشان وارد نیست.

*مخالفین تا الان لابی گری هم در این مورد در مجلس انجام داده اند تا نظر نمایندگان موافق سوال را برگردانند؟

خوب هر نماینده ای حق اظهار نظر و لابی گری در مجلس برای پیش بردن نظر خود و استفاده ازنفوذ کلامش را دارد . این یک امر طبیعی در مجلس است . چون ما داریم می گوییم "مجلس شورا"، یعنی محلی که جای گفت و گو و شور است . اما اشکالی که وجود دارد در انتساب نظر خود به رهبری است. در مواردی دیدیم که اینها می آیند به صراحت نظر خود را به رهبری منسوب می کنند و در حقیقت با این کار نماینده را فریب می دهند که این کار درست نیست.

*علت این همه واهمه از حضور آقا ی احمدی نژاد در مجلس چیست که آنها را وادار به این کار می کند؟

این عده معتقدند که خود آقای احمدی نژاد به دنبال چنین فضایی می گردد تا بیاید و کشور را بحران زده جلوه دهد. البته این موضوع برای ما روشن نیست.

چون من معتقدم اگر آقای احمدی نژاد بخواهد حرفی بزند و کشور را دچار بحران بکند خوب تریبون های مختلفی را در اختیار دارد وصرفا مجلس نیست.هر روز ایشان در معرض صحبت و مصاحبه است.من فکر نمی کنم این استدلال خیلی محکم باشد.اصل قضیه به نظر من این روحیه محافظه کاری است که در بعضی از این دوستان وجود دارد که کلا با هرگونه تنشی مخالف هستند.در واقع می خواهند روحیه محافظه کاری و سازش خود با تخلفات را بر مجلس تحمیل کنند.

*یعنی شما و موافقان سوال به دنبال تنش هستید؟

ما معتقدیم که بسیاری از تنش ها و تقابل ها چون منجر به اصلاح امور می شود مفید است.این طور نیست که هر تنشی بد باشد. ما آرامش می خواهیم اما نه آرامش قبرستانی . ما خواهان آرامشی بر اساس قانون هستیم. اگر رهبری هم توصیه به وحدت و تعامل می کنند مقصودشان وحدت با حفظ اصول و تعامل بر اساس قانون است، نه وحدت با زیر پا گذاشتن اصول وتعامل مبتنی بر بی قانونی. اگر صحبت های رهبری را بخواهیم آنجور تفسیر کنیم که هر وقت ایشان صحبت از همدلی و تعامل کنند ما باید همه وظایف نمایندگی مجلس را کنار بگذاریم با فلسفه وجودی مجلس سازگار نیست.خوب این نگاه در آقای حداد وجود دارد که در مدیریت ایشان در مجلس هفتم هم وجود داشت.

امروز این دوستان سعی دارند روحیه مجلس نهم را به سمت مجلس هفتم سوق بدهند،اما مجلس پذیرا نیست. اقای حداد ریاست فراکسیون اقلیت را برعهده دارد و این روحیه در این فراکسیون تبلور یافته است.

*آقای مطهری با این تحلیلی که شما از مخالفان طرح سوال داشتید و اینکه "اینها گریزان از تنش هستند" پس باید نتیجه گرفت که نیتشان خیر است حتی اگر اشتباه باشد.

ظاهر قضیه همین است.

*باطنش چی؟

باطنش دیگر احتمالات است و ما براساس احتمالات نمی توانیم قضاوت کنیم.ممکن است اینها در باطن قول و تعهدی به دولت داده باشند که مثلا ما این سوال را منتفی می کنیم.

*آقای مطهری یکی از تفاوت های شما با دیگر نمایندگان در نقد صریح دولت است. این صراحت به چه دلیل است؟ و یا به قولی چرا شما می توانید اما دیگران نه؟

اولا ما نمایندگان دیگری هم داریم که اینها نقدهای صریح و موثری دارند که بیان می کنند و منحصر به من نیست.اما شاید یک علت اینکه من بیشتر اظهار نظر می کنم به دلیل احساس خطری است که دارم. شاید برخی از نمایندگان آن احساس خطری را که من دارم ندارند. من به لطف مجاورت با شهید مطهری و حضور در جریانات نهضت اسلامی بالاخره تا حدودی از نزدیک شاهد تحولات بودم. با بسیاری از گروه های سیاسی و انحرافات سیاسی آشنایی دارم. گاهی شبیه آن انحرافات را در زمان خودمان می بینم و همین باعث می شود که بیشتر احساس خطر کرده و هشدار بدهم.

به لطف انس با آثار ایشان فکر می کنم که برخی انحرافات فکری را گاهی به درستی و زودتر از دیگران تشخیص می دهم و اعلام نظر می کنم. این در حالی است که ممکن است دیگران این موضوع را خطر مهمی تلقی نکنند اما بعد از مدتی به این موضوع می رسند. فرض کنید خطر مکتب ایران یا لیبرال بودن این دولت در امور فرهنگی را من اولین نفری بودم که در مجلس هشتم مطرح کردم.

خیلی ها آن موقع با حرفهای من مخالفت می کردند اما بعد از چند سال به این حرفها رسیدند.حتی برخی از آنها می آمدند و اعتراف می کردند که حق با شما بود .

موضوع دیگر بر می گردد به صراحت لهجه که این یک امر ذاتی است. بعضی افراد صریح اللهجه هستند و نمی توانند در لفافه صحبت کنند .این به شخصیت خود افراد بر می گردد. خود آقای احمدی نژاد این خصلت را دارد.

*آقای مطهری اشاره می کنید که برخی دیگر از نمایندگان هم انتقاد می کنند . شاید این حرف صحیح باشد . اما برخی از اظهارات منحصر به خود شماست. نمونه اش هم به اظهار نظر شما در مورد سپاه برمی گردد. شما به عنوان نخستین مقام مسئول به صراحت از دخالت سپاه در انتخابات نام بردید، فکر نمی کنید این ادبیات برای شما تولید دردسر کند؟

من طرح این موضوع را یک امر خیلی عادی می دانستم و اصلا فکر نمی کردم که اینقدر سرو صدا ایجاد کند.

برای اینکه موضوع دخالت برخی افراد سپاه در انتخابات آینده تکرار نشود و این موضوع اصلاح شود این حرف را زدم. من این موضوع را یک مطلب بدیهی و روشن می دانستم . خوب در انتخابات مجلس نهم برخی افراد سپاه از بعضی کاندیداها حمایت کرده بودند . حرف من چیزی بیشتر از این نبود.این حمایت نه به معنای این است که اینها اقدامی کرده باشند که نتیجه انتخابات را در برخی حوزه ها تغییر داده باشند.

اما همین مقدار ورود سپاه به سیاست هم خلاف نظر امام (ره) است و اصلا به صلاح سپاه و هر نیروی نظامی نیست چون باعث تفرقه در آن می شود که اگر ما در شرایط جنگ قرار بگیریم این دسته بندی ها مضر است. این یک هشدار بود و فکر می کردم یک امر ساده ای است. اما گویا اینطور نبود.من قبول دارم بعضی اظهار نظرها منحصر به خود من بوده و سایر نمایندگان چنین اظهار نظری نداشته اند. من احساس می کردم که در بعضی قضایا حتما باید اظهار نظر کنم و این را وظیفه خودم می دانستم.خوب من دو وظیفه دارم . یکی نمایندگی و دیگرحفظ شان انتساب به شهید مطهری. در اصل، دو وظیفه را بر دوش خودم احساس می کنم. اگر نماینده هم نبودم قاعدتا همین اظهار نظرها را داشتم. اما وظیفه ام به عنوان یک نماینده بیشتر است.

*در هر صورت این اظهارات تولید دردسر می کند .آیا شما حاشیه امنیت دارید؟

نه ، حاشیه امنیتی در کار نیست. شما دیدید در انتخابات مجلس نهم هیات اجرایی صلاحیت من را رد کرد.یا مثلا سازوکار ۸+۷ آمدند اسم من را از فهرست اصول گرایان با وجود آنکه رای آورده بودم حذف کردند.یعنی هیچ ملاحظه ای از سوی آنها وجود ندارد. منتها من خودم شخصا معتقدم چون بر اساس منطق و استدلال و یک سلسله مبانی فکری و عقیدتی ثابت اظهار نظر می کنم و کمتر اظهار نظر احساسی می کنم ، بهانه ای برای برخورد وجود ندارد ضمن این که این تفکر با استقبال جامعه مواجه شده و برخورد با آن کار آسانی نیست.

*احضار احمدی نژاد به مجلس هشتم با آن حاشیه به نظر کار سختی می آمد اما سرانجام به فرجام رسید . به نظر شما چرا نظام در آن زمان اجازه شکسته شدن این تابو را به شما و دیگر مجلسی ها داد؟آیا دادن این فرصت به شما و دوستانتان به معنای پایان مدارای نظام با شخص آقای احمدی نژاد نبود؟

من فکر می کنم پافشاری و سماجتی که ما نشان دادیم که حتی کار به استعفای من کشید و تاثیر آن بر افکار عمومی، به شکلی شد که دیگر امکان مخالفت با این سوال وجود نداشت. اصل کار یک کار قانونی بود و دلیلی هم برای مخالفت وجود نداشت. البته من از نظر مقامات عالی رتبه خبر نداشتم که موافق بودند یا خیر. اما تخلفات پی در پی دولت و یازده روز خانه نشینی هم زمینه را مهیا کرد. فضا کاملا آماده بود.

*یعنی نظام زیاد موافق سوال و آمدن احمدی نژاد نبود؟

بله ، علایم نشان می داد که زیاد موافق این آمدن نیستند. اما خوب پافشاری کردیم و فضایی که در رسانه ها ایجاد شد و فشار افکار عمومی دیگر اجازه نمی داد که به صراحت با این کار مخالفت بشود.

ضمن اینکه در آن اواخر هم رهبری در کرمانشاه صحبت هایی داشتند که می شد این طور برداشت کرد که ایشان مخالفتی با طرح سوال ندارند. ایشان تاکید کردند که "نمایندگان مجلس

وظایفی دارند، رهبری نه در کار آنها دخالت می کند نه حق دخالت دارد و نه امکان چنین چیزی وجود دارد.“

به نظرم این به سوال برمی گشت . چون هنوز این بحث مطرح بود که آیا رهبری موافق سوال است یا مخالف.من فکر می کنم در واقع ایشان یک چراغ سبزی نشان دادند.

*چراغ سبز باعث مطرح شدن سوال شد؟

نه، این کار به خاطر اصرار و پافشاری که وجود داشت شکل گرفته بود و در روزهای آخر احساس کردیم که رهبری لا اقل مخالف نیستند.

*آقای دکتر این چراغ سبز را آیا نمی شود به معنای پایان مدارای نظام با دولت نامید؟

نه، نمی شود گفت به این معنی است. به طور کلی رهبری نمی خواهد جلو وظایف و اختیارات قانونی نمایندگان و مسئولین کشور را بگیرد، مگر در موارد خیلی خاص که مصلحت خیلی بزرگی و خطر انحراف از مسیر اسلام وجود داشته باشد ، که لازم باشد ایشان دخالت کند.اصل اولیه این است که هر قوه ای به وظایف خودش عمل کند . بالاخره من فکر می کنم بیشتر اصرار و پافشاری ما موثر بود.

*به نظر شما خط قرمز نظام در تعامل با مقامات عالی مثل روسای جمهور کجاست؟

شاید مثلا این باشد که درمقابل آرمانهای انقلاب مانند صدور انقلاب ایستادگی کنند و یا به نوعی با دشمن همراهی بکنند.مثل کاری که بنی صدر کرد. بنی صدر با اتحادی که با مجاهدین خلق داشت به نوعی در مقابل نظام ایستاد.خوب به همین دلیل هم لازم دیده شد که از طرف نمایندگان مجلس استیضاح شود.

*آیا امکان دارد آقای احمدی نژاد هم به سرنوشت بنی صدر دچار شود؟

قابل پیش بینی نیست.

*در رفتار آقای احمدی نژاد همراهی با دشمن دیده می شود ؟

همراهی آگاهانه که وجود ندارد ولی ممکن است به خاطر حساسیت و تعصبی که ایشان نسبت به برخی از دوستان و نزدیکان خود دارد گاهی به طور نا خودآگاه اقداماتی انجام دهد که بر خلاف مصالح انقلاب باشد.

*به نظر شما آیا احمدی نژاد آستانه تحمل نظام را لبریز کرده که حال قصد برخورد با آقای احمدی نژاد است؟

سؤال به معنی برخورد نیست. من فکر می کنم هنوز به آن حد نرسیده که بخواهیم بگوییم احمدی نژاد در مقابل نظام ایستاده است. مشکل ایشان تکروی ، تمایل به استبداد و قانون گریزی است.احمدی نژاد آن قانونی را که خودش منطبق بر قانون اساسی می داند و می پسندد اجرا می کند و قانونی را که شخصا منطبق نداند اجرا نمی کند. این نشان می دهد که استعداد استبداد در او وجود دارد و اگر مجلس قوی در برابر ایشان وجود نداشته باشد کم کم استبداد رای نهادینه می شود.مشکل اساسی ایشان همین است ومشکلاتی هم که امروز در کشور ما به وجود آمده ناشی از همین موضوع است. ایشان معتقد است که چون من رای مستقیم مردم را دارم می توانم در همه جا به تشخیص خودم عمل کنم، در حالی که رئیس جمهور هر مقدار هم که رای داشته باشد مجری سیاست های کلی نظام و قوانین مصوب است نه آراء خودش. احمدی نژاد اعتقاد چندانی به قانون ندارد و دوست دارد دستش در خیلی جاها باز باشد و آنچه که خودش تشخیص می دهد اجرا کند. بی انظباطی مالی او که ناشی از همین بینش است برای کشور مشکل درست کرده است.

*یعنی به نظر شما هنوز آقای احمدی نژاد خط قرمزی را زیر پا نگذاشته؟

در مقاومت ۱۱ روزه ای که از خودش نشان داد از خط قرمز عبور کرد.یا مقاومتی که در برابر معاون اولی آقای مشایی نشان داد.

* اگر آقای احمد ی نژاد در دور اول ریاست خود چنین رفتاری داشت آیا باز هم امکان انتخابش در دور دوم بود؟

بعید بود که رای بیاورد. البته ایشان هم زیرک بود و بسیاری از اعتقادات قلبی خودش را در دور اول بروز نداد.اما در دوره ی دوم چون دیگر نیازی به رای مردم نداشت بسیاری از مکنونات قلبی خود را بروزداد.

*خیلی ها بر این اعتقاد هستتند که کار دولت تا عید تمام شدنی است . نظر شما در این مورد چیست؟

حالا تا عید یا تا مرداد، زیاد فرقی نمی کند.

*حتی اگر در نوع و نحوه ی تمام شدنش باشد؟

از چه نظر فرق می کند؟ خوب دوره اش دارد تمام می شود.

*اگر قبل از پایان تاریخ تمام شدن دوره اش اتفاقی رخ بدهد که دیگر جای تاملی وجود نداشته باشد و کار به استیضاح بکشد موضوع دیگر خیلی فرق می کند.

او آدم زیرکی است. من فکر می کنم وضعیت را تا پایان دوره خودش مدیریت می کند.احمدی نژاد نشان داده در زمانی که احساس خطر می کند خودش را جمع و جور می کند. بی حساب و کتاب کار نمی کند و اگر ببیند برخورد جدی است عقب نشینی می کند .در ماجرای خانه نشینی هم وقتی بحث استیضاح جدی شد کوتاه آمد. در جریان استیضاح مرحوم کردان هم وقتی دید قضیه جدی است، در مجلس حضور پیدا نکرد.

*فکر می کنید اگر اصلاح طلبان پیروز انتخابات ریاست جمهوری دهم می شدند و امروز امور را در دست داشتند الان اوضاع چطوربود؟

فکر می کنم اوضاع بهتر از الان بود . برای اینکه این مقدار قانون گریزی در آنها وجود نداشت. بیشتر انتقاداتی که ما به اصلاح طلبان داشتیم به مسایل فرهنگی برمی گشت که به نظرم این دولت از این نظر از اصلاح طلبان جلوتر است.

*آقای مطهری ؛یکی از محورهای سوال بحث ارز است. شما فکر می کنید این مابه التفاوت نرخ ارز به جیب چه کسی می رود؟

مسئله خیلی برای ما روشن نیست. البته مجلس قانونی تصویب کرد که این مابه التفاوت باید به خزانه وارد شود. ولی اینکه تا کنون به چه شکلی عمل شده مشخص نیست .یکی از ظن ها این است که بعضی از این دلالها که مرتبط با بانک مرکزی بودند این وسط نقشی را ایفا می کرده اند و خلاصه رانت خواری عمده وجود داشته است. البته حرف زیاد است . قضاوت در این مورد مشکل است.

حتی گفته می شد که دولت قصد دارد با افزایش نرخ ارز، مابه التفاوت نرخ مرجع تا نرخ آزاد را صرف یارانه ها کند. البته دولت تکذیب کرد. اما بر خلاف این تکذیب ،اظهار نظرهای صریحی از سوی برخی از مقامهای دولتی وجود داشته که این تکذیب را دچار تردید می کند. به علاوه دولت در پرداخت یارانه ها دچار کسری بودجه است، قبلا از بودجه نفت برداشت می کرد، حالا که فروش نفت کاهش پیدا کرده به نظر می رسد که می خواست از راه افزایش نرخ ارز وارد شود. مشکل اینجاست که از ابتدا قانون هدفمندی یارانه ها درست اجرا نشد و دولت سهم هر نفر را زیاد در نظر گرفت و به همه دهک ها هم پرداخت کرد.

به نظرم اگر سوال از رئیس جمهور خوب مطرح شود می تواند شامل همین موضوع هم بشود.

البته بخشی از افزایش قیمت ارز ناشی از تحریمهاست چون دولت باید ارز موجود را حفظ کند. در حال حاضر ما ارز به مقدار کافی داریم اما اگر یک مبارزه ٤ – ٥ ساله را پیش بینی کرده باشیم طبیعی است که باید یک مقدار با احتیاط عمل کنیم.

*به نظر شما این موارد در سوال از رئیس جمهور روشن می شود یا همچنان دولت اصرار بر تکذیب خواهد داشت ؟

این موضوع به نحوه طرح سوال بستگی دارد.ولی به طور کلی یک سوء تدبیری در کار دولت وجود داشته است.

*این سوء تدبیر تعمدا بوده؟

نه. دولت نمی آید خودش را خراب کند. یک مقدارش ناشی از کم تجربگی و بی توجهی به توصیه های کارشناسان و نهادهای نظارتی مثل دیوان محاسبات بوده و یک مقدارش هم به جدی نگرفتن تحریم ها برمی گردد.

* آقای مطهری اکنون ۳٤ سال از پیروزی انقلاب گذشته. شما به عنوان شخصی که در پاره ای از موارد منتقد سیاست های نظام و در مواقعی مدافع آن بودید، فکر می کنید مهمترین ضعف استراتژیک جمهوری اسلامی چیست؟

یکی از این ضعف ها رابطه اصل ولایت فقیه با سایر ارکان نظام جمهوری اسلامی است که زیاد مشخص نیست.

مثلا همین بحث سوال و حواشی آن ناشی از آن است که رابطه میان ولایت فقیه با مجلس زیاد مشخص نیست.

یک عده تصور می کنند که مجلس در هر موضوعی باید موافقت ولی فقیه را بگیرد و بعد اقدام کند و یک عده مخالف هستند و می گویند ما اختیارات و وظایف خودمان را داریم و باید کار خودمان را انجام بدهیم. اگر یک مصلحت مهمی در میان باشد ولی فقیه حکم حکومتی می دهد و ما اطاعت می کنیم . اینها باید روشن بشود.

یا رابطه قوه قضائیه با اصل ولایت فقیه روشن نیست. آیا قوه قضائیه می تواند مقامات عالی رتبه نظام را شخصا و بدون اطلاع رهبری مورد مواخذه قرار بدهد یا خیر؟ چون مرزها مشخص نبوده آسیب هایی هم به کشور ما زده است.

به طور خلاصه اگر بخواهیم بگوییم، نوع برداشتی که ما از ولایت فقیه داریم آسیب هایی به کشور وارد کرده است.

یعنی در جاهایی نباید موضوع ولایت فقیه را وارد می کردیم ولی وارد کردیم و بعد آسیب دیدیم. بهترین مثال همین انتخابات ۸۸ است . یکی از ریشه های بحران ۸۸ این بود که عده ای از اصولگرایان اصرار داشتند که کاندیدای اصلح مورد نظر رهبری آقای احمدی نژاد است .

خوب طبیعی است که وقتی چنین موضوعی مطرح می شود جامعه به دوقطب تقسیم می شود و دیگر انتخابات آزاد معنی خود را از دست می دهد.

در حالی که ما می گوییم ولی فقیه اگر نظری هم داشته باشد از طریق شورای نگهبان اعمال می کند و از آن به بعد با مردم است. این مرزها زیاد روشن نیست .

یکی دیگر از ضعف های ما برداشت اشتباه برخی از این جمله معروف امام که " حفظ نظام از اوجب واجبات است" بوده است. گاهی فکر می کنیم برای حفظ نظام خیلی کارها مباح می شود در حالی که اینطور نیست.نمونه هم قتل های زنجیره ای است و اخیرا هم فوت ستار بهشتی، که البته ما این مسئله را تا آخر دنبال می کنیم و اجازه نمی دهیم لوث شود. از آقای توکلی هم که این موضوع را در نطق خود مطرح کردند تشکر می کنم، چون ما نمایندگان باید قبل از همه از حقوق مردم دفاع کنیم.

امروز هم این تفکر وجود دارد .البته نه به آن شدت . این نوع برخوردها خطرناک است . همین برخوردها باعث می شود ما جلوی آزادی بیان را بگیریم.

اینها کمک به حفظ نظام نیست. نظام یک موجود سست نیست که با یک باد بلرزد.

*این ضعف ها چطور برطرف می شود؟

این حرف ها زیاد باید گفته شود. امثال من هم زیاد این حرفها را زده ایم.

روحانیت نقش مهمی دارد و باید این مسائل را در مساجد بگویند تا مثلا برای انتخابات ریاست جمهوری توده مردم از سوی برخی افراد فریب نخورند که مثلا نظر آقا روی این شخص است.باید تبیین کنند که در انتخابات باید هر کس نظر خودش را اعمال کند.اگر قرار بود که

رئیس جمهور را رهبری معین کنند دیگر نیازی به انتخابات نبود، خوب ایشان یک نفر را منصوب می کردند.

*آقای دکتر یکی از بحث هایی که از سوی شما در مواردی مطرح شده اصلاح برخی از اصول قانون اساسی است. آیا اصلا این بازنگری می تواند صورت بگیرد.

باز نگری در قانون اساسی یک تابو نیست. اصلا اشکالی ندارد هر ده، بیست سالی یک بازنگری صورت بگیرد. مثلا همین اصل ۱۱۳ قانون اساسی که می گوید رئیس جمهور مسئول اجرای قانون اساسی و شخص دوم کشور از نظر اجرایی است، برداشتهای مختلفی از آن شده است. همین اختلاف نظری که در بازدید از زندان اوین بین رئیس جمهور و قوه قضائیه ایجاد شد، ناشی از برداشت های مختلف از این اصل بود.

آقای احمدی نژاد می گوید در اینجا قانون اساسی دو شان و مقام برای رئیس جمهور قائل شده .یکی شان اجرای قانون اساسی و دیگر ریاست قوه مجریه ، لذا معتقد است که من می توانم نظارتی بر عملکرد قوه قضائیه و مجلس داشته باشم و به آنها تذکر و اخطار قانون اساسی بدهم.

البته ایشان فراتر از این رفته و می گوید من قانونی را که خودم منطبق بر قانون اساسی می دانم اجرا می کنم و غیر آن را اجرا نمی کنم. این، حرف غلطی است.

همه اینها در حالی است که تفسیر شورای نگهبان غیر از این است و می گوید مقصود این است که رئیس جمهور مسول اجرای قانون اساسی صرفا در حیطه قوه مجریه است.

همین طور اصل ۱۷۵ راجع به صدا و سیما. البته ممکن است موارد دیگری هم قابل اصلاح باشد که باید کارشناسان نظر بدهند.

*آقای دکتر در حالی این روزها به انتخابات ریاست جمهوری یازدهم نزدیک می شویم که هنوز انتخابات سال ۸۸ و اتفاقات آن اثرش در جامعه از بین نرفته است. به نظر شما نظام چگونه می تواند اعتماد دوباره مردم را بدست بیاورد؟

اگر یک مقدار فضای اظهار نظر بازتر شود (البته نشانه های آن با برگزاری برنامه های مناظره در صدا و سیما دیده می شود) به نظرم می تواند به جلب اعتماد مردم و مشارکت بیشتر کمک کند.

تجدید نظر در نوع برخورد با متهمان بحران سال ۸۸ می تواند مفید باشد. البته به نظرم این یک مسئله کلی است و ربطی به انتخابات آینده ندارد.خوب خیلی از این رفتارها در بحران ۸۸ به نظرم ضرورت نداشته و اصلا خوب نبوده است.

نمی شود به صرف اینکه بعضی از این افراد در جلسات یک کاندیدا شرکت کرده و یا حتی حرفی زده باشند که شنود شده است آنها را متهم کرد. خیلی از این افراد بازداشتشان قبل از تاریخ ۲۲ خرداد بوده است و عملا نقشی در آشوب ها نداشته اند .

این رفتارها قابل قبول نیست و براحتی هم پذیرفته نمی شود که این افراد در فکر ایجاد یک انقلاب مخملی بوده اند.

باید در برخورد با اینها تجدید نظر شود . البته نه برای انتخابات آینده . این اصلا خوب نیست و مردم هم متوجه می شوند که هدف چیست.

از ابتدا نباید این کار صورت می گرفت و این مقدار سختگیری می شد.

من قبول دارم که مثلا آقای تاجزاده و نبوی اظهارات تندی دارند ولی اگر اینها بیرون باشند و حرفهایشان را بزنند مشکلی برای کشور به وجود نمی آید.

حتی در مورد آقای موسوی و کروبی هم همین نظر را دارم. اگر قرار است محاکمه بشوند باید این کار صورت بگیرد و هر مجازاتی بر اساس محاکمه باشد.

زیاد قانع کننده نیست که ما مجازاتی را بدون محاکمه اعمال کنیم.این توجیهاتی هم که برخی می گویند حصر آنها به خاطر آسیب نرسیدن به آنهاست از نظر حقوقی قابل قبول نیست و صرفا یک توجیه است.

باید ماهها پیش این کار می شد، البته حالا هم بشود آثار خوبی دارد.

*به عنوان آخرین سؤال، این روزها گمانه زنی هایی راجع به کاندیداتوری آقای هاشمی مطرح می شود، به نظر شما چقدر این گمانه زنی ها درست است؟

من اطلاع دقیقی ندارم . اما شخصا معتقدم که با توجه به وضع کشور که اکنون در حوزه اقتصاد ، فرهنگ و سیاست خارجی دچار مشکل هستیم حضور ایشان در یک دوره چهار ساله می تواند راه گشا باشد.

اگر آقای هاشمی بیاید و مردم هم به ایشان رای بدهند این حضور کمک می کند که ما زودتر از بحران خارج بشویم.چون شخص دیگری مانند آقای هاشمی نمی تواند نیروها و گروه های مختلف سیاسی را با نگرشها و سلیقه های مختلف دور هم جمع کند.

ایشان بیاید تا کشور سروسامان پیدا کند و بعد برای چهار سال بعدی کشور را به یک نفر دیگر بسپارند.

علی مطهری در گفت‌وگو با روزنامه آرمان: بازداشت فرزندان آقای هاشمی، هم به صلاح ایشان و هم به صلاح انقلاب بود و تندروها را خلع سلاح کرد

آقای مطهری تا به حال به این مسئله فکر کرده‌اید که اگر شهید مطهری هم اکنون در قید حیات بود از مواضع این روزهای شما حمایت می‌کرد یا اینکه شما را توصیه به میانه روی و سکوت می‌کرد؟

البته پیش بینی چنین امری کار مشکلی است اما من شخصا همواره سعی کرده‌ام که پیگیر مبانی و اصول فکری ایشان باشم و فکر می‌کنم که تاکنون نیز بر اساس تفکر اجتماعی و سیاسی ایشان عمل کرده‌ام. از نظر خودم مشی سیاسی من منطبق بر تفکر استاد مطهری است چرا که ایشان یک رویکرد اصلاحی در حرکت اجتماعی و سیاسی خودشان داشتند و همیشه طرفدار جنبش و حرکت و اصلاحات اجتماعی بودند و من شخصا فکر می‌کنم که در مسیر درستی حرکت کرده‌ام اما اینکه قضاوت دیگران چه باشد مطلب دیگری است.

طی این سال‌ها که چند باری از سوی افراطیون مورد هجمه قرار گرفتید ما شاهد بودیم که مادرتان از مواضع شما حمایت کردند، در خانواده چگونه بوده است؟ آیا طی سال‌های اخیر خواهران و برادرانتان از مواضعتان انتقادی داشته‌اند؟

شاید چند سال پیش اختلاف سلیقه میان من و یکی از خواهرها وجود داشت ولی اکنون این طور نیست. همانطور که افرادی که امروز حرف‌های ما را می‌پذیرند در گذشته مخالف ما بودند، در خانواده هم یک مورد بود که مخالفت داشتند اما امروز به همان نقطه نظرات من رسیده‌اند.

یعنی الان نظرشان با شما یکی است؟

بله.

به نظرتان علی مطهری این روزها با علی مطهری هشت سال پیش چه تفاوتی دارد؟ فکر می‌کنید در نوع تفکر سیاسی تان چه تغییراتی صورت گرفته است؟

فکر می‌کنم تغییری نکرده‌ام. چرا که من مبانی و اصول ثابتی دارم که بر اساس همان عمل می‌کنم.

اما شما در انتخابات مجلس هشتم اعلام کرده بودید که قصد دارید در مجلس حضور پیدا کنید تا جلوی اصلاح‌طلبان را بگیرید اما الان رابطه خیلی خوبی با اصلاح‌طلبان دارید. یعنی اصلاح‌طلبان تغییر کرده‌اند؟

نه. منظور من از «اصلاح‌طلبان» اصلاح‌طلبان ساختار شکن بودند، مثل برخی از نمایندگان مجلس ششم که مشکلاتی را برای کشور به وجود آوردند. اما اصلاح‌طلبان مجلس هشتم افراد خوش فکر و معتدلی بودند. بعد از چند ماه از ورود به مجلس هشتم احساس کردم که خطر در این مجلس بیشتر از ناحیه اصولگرایان تندرو است.

صدای ملت که از سوی شما و برخی دیگر از امضا کنندگان سوال از رئیس‌جمهور تشکیل داده شده بود بنا به گفته خودتان قرار بود تبدیل به حزب شود و یا اینکه فراکسیون آن تشکیل شود اما طی چندماه اخیر ما شاهد انفعال این جبهه بوده‌ایم. برنامه‌ای برای فعال کردن این جبهه ندارید؟

ما بعد از انتخابات مجلس نهم تا به امروز در حال ارزیابی مجلس نهم بودیم تا ببینیم که چه شخصیتی دارد و افراد دارای چه رویکردهای سیاسی و اجتماعی هستند.به علاوه از آنجا که در ابتدای مجلس نهم اصولگرایان تبدیل به دو فراکسیون شدند ما احساس کردیم که با تشکیل فراکسیون صدای ملت ممکن است به فراکسیون رهروان ولایت آسیب برسد و از همین رو تاسیس فراکسیون صدای ملت را به آینده موکول کردیم. البته در حال حاضر در فکر تشکیل این فراکسیون هستیم و ممکن است که فراکسیون صدای ملت را تشکیل دهیم. اکنون شناخت نسبی از مجلس نهم پیدا کرده‌ایم و سوال از رئیس‌جمهور افراد مستقل را از افراد غیر مستقل تا حدودی متمایز کرده و از همین رو زمینه‌های تاسیس این فراکسیون به وجود آمده است.

یعنی اعضای فراکسیون صدای ملت را امضا کنندگان سوال از رئیس‌جمهور تشکیل می‌دهند؟

نه همین افراد، اما بالاخره در اثر گفت‌وگوهایی که با بسیاری از نمایندگان در مورد همین مسئله داشتیم شناخت لازم پیدا شده و زمینه تشکیل این فراکسیون تا حدودی فراهم شده است.

بیرون از مجلس چطور؟ قصد ندارید که یک حزب سیاسی با نام صدای ملت تشکیل بدهید؟

تشکیل این فراکسیون می‌تواند مقدمه‌ای برای ایجاد حزب باشد. البته باید دید که در توان ما هست و آیا مقدمات لازم فراهم است یا نه.

پس با این تفاسیر احتمال دارد که برای انتخابات ریاست‌جمهوری هم فعالیت‌هایی داشته باشید. درست است؟

اگر فراکسیون شکل بگیرد احتمال دارد که فراکسیون هم اظهار نظر کند.

یکی از مسائل پر حاشیه سال جاری بحث انتخاب رئیس مجلس بود.شما تلاشی کردید که آقای لاریجانی به پست ریاست مجلس برسد؟

نه، من واقعا تلاشی نکردم. به‌ویژه به علت نسبت خانوادگی که با آقای لاریجانی دارم آنچنان به صلاح نبود که فعالیتی در این زمینه کنم و صرفا یکی دو مرتبه در جلسه فراکسیون رهروان ولایت شرکت کردم. اگر کسی در این مورد از من سوال می‌کرد نظر خودم را اعلام می‌کردم اما اینکه تلاش مستمری داشته باشم نه.

با توجه به اینکه رقابت اصلی میان آقایان حدادعادل و لاریجانی بود، فکر می‌کنید که اگر آقای حدادعادل رئیس مجلس می‌شد این فرصت فراهم می‌شد که مجددا طرح سوال از رئیس‌جمهور مطرح شود، یعنی حدادعادل چنین اجازه‌ای می‌داد؟

نه. البته اگر آقای حدادعادل هم رئیس مجلس می‌شد می‌بایست طبق آیین نامه عمل کند. اما با شناختی که ما از وی داریم مطمئنیم که مقاومت می‌کرد. همانطور که دیدید وی خودش شخصا در صحن علنی مجلس راه افتاده بود تا امضاهای این طرح را پس بگیرد. به طور کلی روحیه ایشان به گونه‌ای است که اساسا با هرگونه تنشی مخالف است و مایل است که همه چیز با

سکوت و آرامش تمام شود هرچند که برخی تخلفات هم صورت بگیرد. اصطلاحا باید بگوییم روحیه محافظه‌کار. چنین روشی برای مدیریت کشور مناسب نیست. هر تنشی بد نیست و تنش‌هایی که منجر به اصلاح امور شود خوب است و اشکالی ندارد. ما که به دنبال«آرامش قبرستانی» نیستیم. آرامشی خوب است که نتیجه آن حرکت در مسیر قانون و اصلاح امور باشد ولی آرامشی که منجر به رضایت دادن به ظلم و برخی تخلفات قانونی باشد پسندیده نیست. من کلا با سبک و روش سیاسی آقای حداد موافق نیستم.

پس نباید امیدی هم به ریاست‌جمهوری داشته باشند چراکه این روزها از سوی برخی حامیان حدادعادل مطرح می‌شود که شانس حدادعادل برای ریاست‌جمهوری بالا است.

اساسا آقای حدادعادل برای کار اجرایی مناسب نیست، در حوزه‌های دیگر باید از ایشان استفاده شود.

شما در یکی از مصاحبه‌هایتان اعلام کرده بودید که اگر آقای احمدی‌نژاد جوابهای سربالا به سوال‌های نمایندگان بدهد و یا بخواهد مجلس را تحقیر و تمسخر کند استیضاح رئیس‌جمهور را مطرح می‌کنید. از سوی دیگر بعد از همین اظهارات شما ما شاهد تلاش‌های ویژه اصولگرایان حامی دولت برای جلوگیری از مطرح شدن طرح سوال از رئیس‌جمهور بودیم. فکر می‌کنید که حامیان دولت از تهدید شما ترسیده‌اند یا مطمئن بودند که رئیس‌جمهور همچون همیشه با ادبیات خاص خود پاسخ سوالات نمایندگان را می‌دهد؟

به نظر من این دسته از اصولگرایان برخی از بیانات رهبری را بد تفسیر می‌کنند، یعنی مطابق با روحیات خودشان تفسیر می‌کنند. رهبری همواره به آرامش و تعامل و وحدت قوا توصیه می‌کنند که این یک امر طبیعی است. اگر ما بخواهیم این بیانات رهبری را به معنای تعطیلی وظایف نمایندگان تلقی کنیم دیگر تذکر و سؤال و استیضاحی نباید مطرح باشد و هیچ نظارتی بر عملکرد دولت نباید داشته باشیم. به بیان دیگر باید مجلس را تعطیل کنیم. این بیانات رهبری همواره وجود داشته است. اینکه تا رهبری یک سخنرانی می‌کنند و از وحدت و تعامل صحبت می‌کنند سریعا بگوییم که منظور رهبری این است که هیچ انتقادی به دولت نکنیم و سوال و

استیضاح انجام ندهیم برداشت نادرستی است. رهبری در آستانه سوال از رئیس‌جمهور در مجلس هشتم فرمودند نمایندگان مجلس وظایفی دارند که رهبری نه در کار آن‌ها دخالت می‌کند و نه حق دخالت دارد. ایشان به صراحت اعلام کرده‌اند که اصلا در اینگونه مسائل دخالت نمی‌کنند. امروز نیز به همین شکل است. آنچه که رهبری با آن مخالف است آشوب و جنجال است. مثلا اگر سوال از رئیس‌جمهور را وسیله‌ای برای انتقام گیری قرار دهیم و یا اینکه اخلاق و ادب را رعایت نکنیم و فضای کشور را جنجالی کنیم خلاف نظر رهبری است. اما اگر استیضاح یا سوال با آرامش و به صورت منطقی و مستدل مطرح شود موجب افزایش رشد سیاسی و اجتماعی مردم بوده و مورد تایید رهبری است. البته اگر موضوعی خیلی حیاتی باشد و بخواهد آسیب جدی به کشور وارد کند، در صورت لزوم رهبری به صورت حکم حکومتی به رئیس مجلس پیغام می‌دهند و نمایندگان هم رعایت می‌کنند. اما این کار که افرادی نقل قول کنند که رهبری مخالف است، از کارآیی و استقلال مجلس می‌کاهد.

در روزهای جاری که حال و هوای انتخاباتی در کشور روز به روز بیشتر مشاهده می‌شود اظهار نظرها در مورد نحوه حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات متفاوت است. برخی می‌گویند که اصلاح‌طلبان باید توبه کنند و برخی دیگر همچون آقای بادامچیان معتقد هستند که اصلاح‌طلبان مرده‌اند. شما چطور فکر می‌کنید؟ اگر اصلاح‌طلبان مرده‌اند دیگر از چه باید توبه کنند؟ نگاه شما به حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات چگونه است؟

من معتقدم که اصلاح‌طلبان باید به صورت فعال در انتخابات آینده شرکت کنند و اگر بنا بر توبه باشد بسیاری از اصولگرایان هم باید توبه کنند چراکه آنان هم در ایجاد فتنه نقش داشتند. اگر بخواهیم سه متهم اصلی فتنه را معرفی کنیم باید به ترتیب آقایان موسوی، کروبی و احمدی‌نژاد را معرفی کنیم. این افراد باید به صورت همزمان محاکمه می‌شدند و اگر این کار صورت می‌گرفت این فتنه خیلی زودتر خاموش می‌شد. از آنجایی که منصفانه قضاوت نکردیم و یک طرف را مجرم دانستیم و از جرم طرف دوم گذشتیم این فتنه هم طولانی شد.

بنابراین اگر قرار بر توبه اصلاح‌طلبان باشد اصولگرایان تندرو هم که موجب تشدید این فتنه شدند باید توبه کنند. به عنوان مثال، محاکمه‌هایی که به صورت مستقیم از تلویزیون پخش شد و با آبروی افراد زیادی بازی شد بر خلاف قانون بود و پس از ریاست آقای لاریجانی بر قوه قضاییه این کار متوقف شد. نوع برخورد با معترضین و کم توجهی به حادثه کهریزک و کوی دانشگاه و مجتمع سبحان آن هم در حالی که رهبر انقلاب از این حوادث اظهار ناراحتی کرده و دستور پیگیری دادند نمونه دیگر است. این تندروی‌ها تا آنجا ادامه یافت که زمانی که مجلس قصد داشت گزارش حادثه کوی دانشگاه را قرائت کند درست برخلاف نظر رهبری مانع شدند.

بنابراین اگر بنا بر توبه باشد این دوستان هم باید توبه کنند. به هر حال معتقدم اصلاح‌طلبان نباید اشتباه انتخابات مجلس نهم را تکرار کرده و کنار بکشند بلکه باید به صورت فعال در این انتخابات حضور پیدا کنند.

البته به نظر می‌رسد که این دست اختلافات در مورد اینکه اصلاح‌طلبان مرده‌اند و یا باید توبه کنند یک حربه برای پوشاندن اختلافات داخلی اصولگرایان است و بیشتر تمایل دارند که با انداختن توپ در زمین اصلاح‌طلبان مانع خبردار شدن مردم از اختلافاتشان شود.شما این امر را درست می‌دانید؟

مشخص نیست که این افراد چه هدف و نیتی دارند و باید به ظاهر حرفشان اطمینان کرد. البته از آقای بادامچیان انتظار این صحبت‌ها نمی‌رفت چراکه وی جزو عقلای قوم است.

بسیاری از افراد شما را با توجه به مواضع چند سال اخیرتان یک اصولگرای اصلاح‌طلب می‌شناسند و حتی بسیاری پیش‌بینی می‌کنند که شما بی تمایل نیستید که با حمایت آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی یک جریان سومی را در کشور ایجاد کنید تا اعتدال در جامعه برقرار شود. شما این پیش بینی را قبول دارید؟

این جریان در واقع هم اکنون به صورت غیر رسمی و نانوشته حتی در بین مردم تشکیل شده است. مردم در حال حاضر به شدت از برخی تندروی‌های اصولگرایان در حال حاضر و همین

طور از برخی تندروی‌های اصلاح‌طلبان در گذشته ناراضی هستند. در نتیجه جو حاکم و میل قلبی جامعه وجود یک چنین جریان سیاسی است اما اینکه این جریان سیاسی بخواهد در قالب یک حزب فعالیت کند، شاید نیاز چندانی به تشکیل حزب نباشد. هرچند که تشکیل احزاب در کشور مفید است تا اتاق فکری برای حکومت باشد اما ممکن است با تشکیل حزب این جریان نیز محدود شود. این جریان، هم اکنون وجود دارد و تفکری که خواهان اعتدال و میانه روی است و با تندروی و افراط گری به هر شکلی مخالف است و از حقوق مردم دفاع می‌کند طالبان زیادی در جامعه دارد. شخصیت‌هایی هم که مظهر این جریان هستند مشخص‌اند. افرادی همچون آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی و آقای ناطق نوری می‌توانند در این امر نقش آفرینی کنند.

شما خودتان را یک اصولگرا می‌دانید؟

به معنای لغوی آن بله.

نه، منظورم اصولگرا به معنی متداول سیاسی آن است...

من اعتقادی به این دسته‌بندیها ندارم.

اما شما در مجلس هشتم با این اسم به مجلس آمدید.

همان زمان هم این نامگذاریها برایم مهم نبود.

در حال حاضر اصولگرایان و اصلاح‌طلبان تندرو مواضع سیاسی شما را زیاد قبول ندارند و مشخص نیست بالاخره شما اصولگرا هستید یا اصلاح‌طلب؟..

خودم هم نمی‌دانم چه هستم. اما معتدلین هر دو جناح من را قبول دارند. به هرحال من این دیوار کشی‌ها و دسته بندی‌ها را اصلا قبول ندارم.

شما به نقش آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری اشاره کردید. شما در همین ارتباط جلسه‌ای با این افراد داشته‌اید؟

نه، من هیچ جلسه‌ای با این افراد نداشته‌ام.

آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی اعلام کرده‌اند که در انتخابات شرکت نمی‌کنند و تنها نقش مشاور برای رئیس‌جمهوری را بازی می‌کنند که بالاترین رای مردم را داشته باشد، به نظر شما آقای‌هاشمی در این انتخابات چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟

من فکر می‌کنم ایشان دارای پایگاه اجتماعی خوبی در کشور هستند، هم میان حزب اللهی‌ها و هم میان منتقدان پایگاه دارند و به همین علت می‌توانند در ایجاد مشارکت حداکثری در انتخابات آینده موثر باشند. حمایت ایشان از یک کاندیدای خاص هم می‌تواند موثر باشد. آیت‌الله‌هاشمی باید در انتخابات آینده فعال باشند و از این موقعیت اجتماعی خود استفاده مطلوبی به نفع انقلاب بکنند.

شاید هیچ کس تصور نمی‌کرد روزی برسد که دو فرزند آیت‌الله‌هاشمی در زندان باشند. خود ایشون هم مخالفتی با این بازداشت نداشته‌اند. اما تصور مردم در مورد آیت‌الله‌هاشمی این نبود و فکر می‌کردند که ایشون از قدرتی برخوردار هستند که هرکاری بخواهند می‌توانند انجام دهند اما ما دیدیم که با فرزندان آیت‌الله‌هاشمی همچون افراد عادی برخورد شد. به نظر شما این امر نشان دهنده تغییر مشی حاکمیت با آیت‌الله‌هاشمی است؟

تغییر مشی حکومت با آیت‌الله‌هاشمی از سال ۸۸ آغاز شده است. عده‌ای هستند که قصد دارند ایشان را کنار بزنند و معتقدند که آیت‌الله‌هاشمی باید به سرنوشتی همچون سرنوشت آیت‌الله منتظری دچار شود و باید همان رفتارهای نادرست در مورد ایشان تکرار شود، گرچه قادر به این کار نیستند. این امر هم یکی از تندروی‌هایی است که عده‌ای دارند.

البته به نظر من مسئله بازداشت فرزندان آقای هاشمی، هم به صلاح ایشان و هم به صلاح انقلاب بود و تندروها را خلع سلاح کرد. تندروها دوست داشتند همواره یک لولویی به نام مهدی‌هاشمی داشته باشند تا با عنوان «آقازاده لندن نشین» علیه آقای هاشمی تبلیغ کنند. این دستاویز از این افراد گرفته شد و حرکت بسیار خوبی بود. حتی من معتقدم که باید زودتر از این‌ها به این امر رسیدگی می‌شد. البته یک مرتبه که من از آقای محسن‌هاشمی در این مورد سوال کردم و جویای علت نیامدن مهدی‌هاشمی شدم پاسخ دادند که از نظر حفظ جان مهدی نگرانیم که مبادا بازداشت

شود و پس از مدتی اعلام شود که مثلا خودکشی کرده است. ظاهرا شرایط را مهیا نمی‌دانستند ولی در مجموع این کار برای موقعیت اجتماعی آقای‌هاشمی هم خوب بود و نشانه‌ای از عدالت و عدم تبعیض در جمهوری اسلامی نیز بود.

این روزها شاهد هستیم که هر چه به پایان عمر دولت نزدیک می‌شویم اصولگرایان بیشتر از گذشته به عملکرد دولت انتقاد می‌کنند. افرادی که تا دیروز از حامیان اصلی احمدی‌نژاد بودند این روزها تبدیل به منتقد شدند. بسیاری از افراد این تحلیل را دارند که اصولگرایان با این انتقادها قصد دارند خود را از دولت آقای احمدی‌نژاد مبری کنند. شما این تحلیل را قبول دارید؟

قطعا بخشی از اصولگرایان مثل جبهه پایداری در پیدایش پدیده‌ای به نام احمدی‌نژاد و ایجاد یک جریان فکری از سوی آقای مشایی موثر بودند. اصولگرایان در این کار نقش داشتند و حمایت‌های بیش از حد و بی‌منطق آنها از آقای احمدی‌نژاد در طول هفت سال گذشته عامل بسیاری از بحران‌هایی است که امروز در کشور ما به وجود آمده است. یعنی این افراد از قانون گریزی احمدی‌نژاد، از تفکر فرهنگی وی حمایت کردند و او را ایده آل می‌دانستند. تنها زمانی که رئیس‌جمهور ۱۱ روز خانه نشینی کرد، آن هم صرفا به این علت که مخالفتی با ولایت شده است، شروع به مخالفت کردند. گویی قانون گریزی‌ها هیچ اشکالی نداشته است و این که گفته بود فلان قانون را اجرا نمی‌کند یا مجلس در راس امور نیست ایرادی ندارد و تنها چون ۱۱ روز خانه‌نشینی کرد تبدیل به بدترین موجودات عالم شد اما قبل از آن رئیس‌جمهور خیلی خوبی بود و حتی اگر ما هم انتقادی می‌کردیم علیه ما تبلیغات می‌کردند و مانع نطق ما در مجلس می‌شدند. اما امروز همان افراد همان حرف‌ها را گاهی هم تندتر تکرار می‌کنند.

این امر نشان می‌دهد که این افراد یک مبانی و اصول فکری ثابتی ندارند و به فکر مصلحت انقلاب و آینده آن نیستند. تنها به فکر دسته‌بندی‌های سیاسی خود هستند. این دسته از اصولگرایان در پیدایش شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود شریک هستند و نمی‌توانند خودشان را مبرا بدانند و باید تجدید نظری در رفتار خود انجام دهند که چرا به اینجا رسیدند. باید تجدید نظری در برداشت خود از ولایت فقیه بکنند که چرا اصلا قادر به انجام هیچ امر

اصلاحی نیستند و در مقابل هر اقدام اصلاحی به بهانه ولایت فقیه می‌ایستند. اساسا چرا تا این اندازه به اصل ولایت فقیه آسیب زده و آن را بد جلوه داده اند.

با توجه به شرایط فعلی و این احتمال که اصلاح‌طلبان حضور فعالی در انتخابات نخواهند داشت فکر می‌کنید اصولگرایان بتوانند به وحدت برسند؟ یا اینکه همچون انتخابات مجلس تبدیل به چندین شاخه می‌شوند؟

من خیلی به کاندیدای واحد معتقد نیستم. چراکه زمانی باید کاندیدای واحد در میان باشد که رقیب سرسختی در مقابل وجود داشته باشد. اما در زمانی که اصلاح‌طلبان در شرایط مساوی با اصولگرایان نیستند و کاندیداهای آنان رد صلاحیت می‌شوند و اگر هم تایید صلاحیت شوند شبیه اصولگرایان معتدل هستند، در نتیجه رقیب سرسختی برای اصولگرایان وجود ندارد که بگوییم اگر وحدت نکنیم کاندیدای اصلاح‌طلبان رای می‌آورد. اساسا نیازی به وحدت اصولگرایان نیست. ممکن است کاندیداهای متفاوتی در انتخابات شرکت کنند و مردم از میان آن‌ها یک نفر را انتخاب کنند. همانطور که در انتخابات مجلس نهم نیز من از ابتدا معتقد بودم که راه اندازی سازو کار ۸+۷ ضرورتی ندارد چرا که رقیب سرسختی در مقابل ما نیست. اصلاح‌طلبان تصمیم به شرکت نداشتند و اصلا امکان شرکت هم برای آنان چندان فراهم نبود و کاندیداهای آنان رد صلاحیت می‌شدند. امروز هم در مجلس بیشتر از پنج شش اصلاح‌طلب اصطلاحی وجود ندارد.

بنابراین اینکه سازوکاری برای وحدت درست کنیم اصلا نیازی نیست. در انتخابات ریاست‌جمهوری نیز همین طور خواهد بود مگر آنکه سیاست‌های نظام تغییر کند و راضی شوند که فردی همچون آقای خاتمی در این انتخابات شرکت کند یا افراد دیگری که اندیشه‌های اصلاحی موثری دارند. اگر اینگونه باشد اصولگرایان باید تلاش کنند که کاندیدای واحدی به میدان بیاید. اما در شرایط فعلی نیازی به توافق بر سر کاندیدای واحد نمی‌بینم.

شما از ضرورت انتخاب کاندیدای فراجناحی از سوی اصولگرایان صحبت کرده اید. منظور شما آقای خاتمی است؟ اصلا کاندیدای فراجناحی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

اتفاقا نظر من به آقای خاتمی نیست چراکه می‌دانم ایشان را تخریب می‌کنند و حتی اگر رای هم بیاورد اذیتش می‌کنند که این امر به نفع کشور نیست. منظور من یک کاندیدایی بود که تعصبات گروهی نداشته باشد و اگر پیروز شد از نیروهای خوب طرف مقابل هم استفاده کند و قائل به این دسته بندی‌ها نباشد. هرچند ممکن است اسماً اصولگرا یا اصلاح‌طلب باشد اما باید شخصیتی باشد که بتواند گروه‌های مختلف سیاسی را اداره کند و بتواند از اعضای گروه‌های مختلف سیاسی در کابینه خود استفاده کند.

فکر می‌کنید همچون گزینه‌ای در حال حاضر موجود است؟

بله هستند.

مثل چه افرادی؟

حالا اگر اسامی افراد را نیاوریم بهتر است.

مثلا آقای عارف هم اعلام کردند در کابینه خود از اصولگرایان استفاده می‌کنند. منظورتان گزینه‌ای مثل آقای عارف است؟

الان اگر اظهار نظری نشود بهتر است.

البته صحبت‌هایی هم مطرح شد که با اصلاح‌طلبان جلسه‌ای داشته اید. این درست است؟

نه. پیش از حوادث سال ۸۸ از آنجایی که من به دنبال کاندیداتوری آقای ولایتی بودم ملاقات‌هایی با سران اصول‌گرا و اصلاح‌طلب داشتم. ما در تلاش بودیم که فردی غیر از احمدی‌نژاد کاندیدای اصولگرایان شود. من با برخی از سران اصلاح‌طلب هم در این مورد صحبت کردم که آن‌ها هم موافق بودند و می‌گفتند که اگر اصولگرایان توافق کنند آن‌ها هم به صحنه نخواهند آمد. حتی آقای خاتمی اعلام کرد که در صورت کاندیداتوری آقای ولایتی نه خودشان و نه آقای موسوی در انتخابات شرکت نمی‌کنند و آقای‌هاشمی هم اعلام کرد که کاری می‌کند که هیچ کدام از این دو نفر به صحنه انتخابات نیایند. اما عملا این اتفاق نیفتاد و

اصولگرایان گفتند که تشخیص می‌دهند نظر رهبری به آقای احمدی‌نژاد است و بنابراین هر کس که فرد دیگری را مطرح کند از اصولگرایی خارج است. به همین علت عملا این طرح به سرانجام نرسید.

در حال حاضر چطور؟ بازهم به دنبال کاندیداتوری آقای ولایتی هستید؟

نه. در شرایط فعلی ایشان را مناسب نمی‌دانم. مخصوصا اینکه مواضع آقای ولایتی در فتنه ۸۸ منصفانه نبود.

شما انتقاداتی از سپاه پاسداران کردید که ظاهرا از شما شکایت کردند. این شکایت به کجا رسید؟

نه. سپاه از من شکایت نکرد. البته عده‌ای مطرح کردند که باید شکایت بشود اما عملا نه سپاه و نه دادستانی به عنوان مدعی العموم از من شکایت نکردند. بلکه از آن نطق من خود ریاست‌جمهوری شکایت کرد. به علت انتقادات فرهنگی که کرده بودم شکایتی کردند و اینکه برخی اوقات آقای احمدی‌نژاد اعلام می‌کند که ما خیلی مظلوم هستیم اینگونه نیست و پشت صحنه شکایت می‌کنند و مدعی العموم هم پشت سر ایشان از من شکایت کرد. البته شکایت مدعی العموم به علت فشارهای آقای احمدی‌نژاد بود. ظاهرا آقای رئیس‌جمهور نزد برخی مقامات رفته و تاکید کرده بود که قوه قضاییه تنها دولتی‌ها را احضار می‌کند. از همین رو در همان روزها قوه قضاییه برای اینکه نشان دهد عدالت را رعایت می‌کند هم سایت الف را بست و هم به عنوان مدعی‌العموم از من شکایت کرد. البته من توضیح لازم را داده‌ام.

آقای مطهری تا به حال به این مسئله فکر کرده‌اید که اگر شهید مطهری هم اکنون در قید حیات بود از مواضع این روزهای شما حمایت می‌کرد یا اینکه شما را توصیه به میانه روی و سکوت می‌کرد؟

البته پیش بینی چنین امری کار مشکلی است اما من شخصا همواره سعی کرده‌ام که پیگیر مبانی و اصول فکری ایشان باشم و فکر می‌کنم که تاکنون نیز بر اساس تفکر اجتماعی و سیاسی ایشان

عمل کرده‌ام. از نظر خودم مشی سیاسی من منطبق بر تفکر استاد مطهری است چرا که ایشان یک رویکرد اصلاحی در حرکت اجتماعی و سیاسی خودشان داشتند و همیشه طرفدار جنبش و حرکت و اصلاحات اجتماعی بودند و من شخصا فکر می‌کنم که در مسیر درستی حرکت کرده‌ام اما اینکه قضاوت دیگران چه باشد مطلب دیگری است.

طی این سال‌ها که چند باری از سوی افراطیون مورد هجمه قرار گرفتید ما شاهد بودیم که مادرتان از مواضع شما حمایت کردند، در خانواده چگونه بوده است؟ آیا طی سال‌های اخیر خواهران و برادرانتان از مواضعتان انتقادی داشته‌اند؟

شاید چند سال پیش اختلاف سلیقه میان من و یکی از خواهرها وجود داشت ولی اکنون این طور نیست. همانطور که افرادی که امروز حرف‌های ما را می‌پذیرند در گذشته مخالف ما بودند، در خانواده هم یک مورد بود که مخالفت داشتند اما امروز به همان نقطه نظرات من رسیده‌اند.

یعنی الان نظرشان با شما یکی است؟

بله.

به نظرتان علی مطهری این روزها با علی مطهری هشت سال پیش چه تفاوتی دارد؟ فکر می‌کنید در نوع تفکر سیاسی تان چه تغییراتی صورت گرفته است؟

فکر می‌کنم تغییری نکرده‌ام. چرا که من مبانی و اصول ثابتی دارم که بر اساس همان عمل می‌کنم.

اما شما در انتخابات مجلس هشتم اعلام کرده بودید که قصد دارید در مجلس حضور پیدا کنید تا جلوی اصلاح‌طلبان را بگیرید اما الان رابطه خیلی خوبی با اصلاح‌طلبان دارید. یعنی اصلاح‌طلبان تغییر کرده‌اند؟

نه. منظور من از «اصلاح‌طلبان» اصلاح‌طلبان ساختار شکن بودند، مثل برخی از نمایندگان مجلس ششم که مشکلاتی را برای کشور به وجود آوردند. اما اصلاح‌طلبان مجلس هشتم افراد خوش

فکر و معتدلی بودند. بعد از چند ماه از ورود به مجلس هشتم احساس کردم که خطر در این مجلس بیشتر از ناحیه اصولگرایان تندرو است.

صدای ملت که از سوی شما و برخی دیگر از امضا کنندگان سوال از رئیس‌جمهور تشکیل داده شده بود بنا به گفته خودتان قرار بود تبدیل به حزب شود و یا اینکه فراکسیون آن تشکیل شود اما طی چندماه اخیر ما شاهد انفعال این جبهه بوده‌ایم. برنامه‌ای برای فعال کردن این جبهه ندارید؟

ما بعد از انتخابات مجلس نهم تا به امروز در حال ارزیابی مجلس نهم بودیم تا ببینیم که چه شخصیتی دارد و افراد دارای چه رویکردهای سیاسی و اجتماعی هستند.به علاوه از آنجا که در ابتدای مجلس نهم اصولگرایان تبدیل به دو فراکسیون شدند ما احساس کردیم که با تشکیل فراکسیون صدای ملت ممکن است به فراکسیون رهروان ولایت آسیب برسد و از همین رو تاسیس فراکسیون صدای ملت را به آینده موکول کردیم. البته در حال حاضر در فکر تشکیل این فراکسیون هستیم و ممکن است که فراکسیون صدای ملت را تشکیل دهیم. اکنون شناخت نسبی از مجلس نهم پیدا کرده‌ایم و سوال از رئیس‌جمهور افراد مستقل را از افراد غیر مستقل تا حدودی متمایز کرده و از همین رو زمینه‌های تاسیس این فراکسیون به وجود آمده است.

یعنی اعضای فراکسیون صدای ملت را امضا کنندگان سوال از رئیس‌جمهور تشکیل می‌دهند؟

نه همین افراد، اما بالاخره در اثر گفت‌وگوهایی که با بسیاری از نمایندگان در مورد همین مسئله داشتیم شناخت لازم پیدا شده و زمینه تشکیل این فراکسیون تا حدودی فراهم شده است.

بیرون از مجلس چطور؟ قصد ندارید که یک حزب سیاسی با نام صدای ملت تشکیل بدهید؟

تشکیل این فراکسیون می‌تواند مقدمه‌ای برای ایجاد حزب باشد. البته باید دید که در توان ما هست و آیا مقدمات لازم فراهم است یا نه.

پس با این تفاسیر احتمال دارد که برای انتخابات ریاست‌جمهوری هم فعالیت‌هایی داشته باشید. درست است؟

اگر فراکسیون شکل بگیرد احتمال دارد که فراکسیون هم اظهار نظر کند.

یکی از مسائل پر حاشیه سال جاری بحث انتخاب رئیس مجلس بود.شما تلاشی کردید که آقای لاریجانی به پست ریاست مجلس برسد؟

نه، من واقعا تلاشی نکردم. به‌ویژه به علت نسبت خانوادگی که با آقای لاریجانی دارم آنچنان به صلاح نبود که فعالیتی در این زمینه کنم و صرفا یکی دو مرتبه در جلسه فراکسیون رهروان ولایت شرکت کردم. اگر کسی در این مورد از من سوال می‌کرد نظر خودم را اعلام می‌کردم اما اینکه تلاش مستمری داشته باشم نه.

با توجه به اینکه رقابت اصلی میان آقایان حدادعادل و لاریجانی بود، فکر می‌کنید که اگر آقای حدادعادل رئیس مجلس می‌شد این فرصت فراهم می‌شد که مجددا طرح سوال از رئیس‌جمهور مطرح شود، یعنی حدادعادل چنین اجازه‌ای می‌داد؟

نه. البته اگر آقای حدادعادل هم رئیس مجلس می‌شد می‌بایست طبق آیین نامه عمل کند. اما با شناختی که ما از وی داریم مطمئنیم که مقاومت می‌کرد. همانطور که دیدید وی خودش شخصا در صحن علنی مجلس راه افتاده بود تا امضاهای این طرح را پس بگیرد. به طور کلی روحیه ایشان به گونه‌ای است که اساسا با هرگونه تنشی مخالف است و مایل است که همه چیز با سکوت و آرامش تمام شود هرچند که برخی تخلفات هم صورت بگیرد. اصطلاحا باید بگوییم روحیه محافظه‌کار. چنین روشی برای مدیریت کشور مناسب نیست. هر تنشی بد نیست و تنش‌هایی که منجر به اصلاح امور شود خوب است و اشکالی ندارد. ما که به دنبال«آرامش قبرستانی» نیستیم. آرامشی خوب است که نتیجه آن حرکت در مسیر قانون و اصلاح امور باشد ولی آرامشی که منجر به رضایت دادن به ظلم و برخی تخلفات قانونی باشد پسندیده نیست. من کلا با سبک و روش سیاسی آقای حداد موافق نیستم.

پس نباید امیدی هم به ریاست‌جمهوری داشته باشند چراکه این روزها از سوی برخی حامیان حدادعادل مطرح می‌شود که شانس حدادعادل برای ریاست‌جمهوری بالا است.

اساسا آقای حدادعادل برای کار اجرایی مناسب نیست، در حوزه‌های دیگر باید از ایشان استفاده شود.

شما در یکی از مصاحبه‌هایتان اعلام کرده بودید که اگر آقای احمدی‌نژاد جوابهای سربالا به سوال‌های نمایندگان بدهد و یا بخواهد مجلس را تحقیر و تمسخر کند استیضاح رئیس‌جمهور را مطرح می‌کنید. از سوی دیگر بعد از همین اظهارات شما ما شاهد تلاش‌های ویژه اصولگرایان حامی دولت برای جلوگیری از مطرح شدن طرح سوال از رئیس‌جمهور بودیم. فکر می‌کنید که حامیان دولت از تهدید شما ترسیده‌اند یا مطمئن بودند که رئیس‌جمهور همچون همیشه با ادبیات خاص خود پاسخ سوالات نمایندگان را می‌دهد؟

به نظر من این دسته از اصولگرایان برخی از بیانات رهبری را بد تفسیر می‌کنند، یعنی مطابق با روحیات خودشان تفسیر می‌کنند. رهبری همواره به آرامش و تعامل و وحدت قوا توصیه می‌کنند که این یک امر طبیعی است. اگر ما بخواهیم این بیانات رهبری را به معنای تعطیلی وظایف نمایندگان تلقی کنیم دیگر تذکر و سؤال و استیضاحی نباید مطرح باشد و هیچ نظارتی بر عملکرد دولت نباید داشته باشیم. به بیان دیگر باید مجلس را تعطیل کنیم. این بیانات رهبری همواره وجود داشته است. اینکه تا رهبری یک سخنرانی می‌کنند و از وحدت و تعامل صحبت می‌کنند سریعا بگوییم که منظور رهبری این است که هیچ انتقادی به دولت نکنیم و سوال و استیضاح انجام ندهیم برداشت نادرستی است. رهبری در آستانه سوال از رئیس‌جمهور در مجلس هشتم فرمودند نمایندگان مجلس وظایفی دارند که رهبری نه در کار آن‌ها دخالت می‌کند و نه حق دخالت دارد. ایشان به صراحت اعلام کرده‌اند که اصلا در اینگونه مسائل دخالت نمی‌کنند. امروز نیز به همین شکل است. آنچه که رهبری با آن مخالف است آشوب و جنجال است. مثلا اگر سوال از رئیس‌جمهور را وسیله‌ای برای انتقام گیری قرار دهیم و یا اینکه اخلاق و ادب را رعایت نکنیم و فضای کشور را جنجالی کنیم خلاف نظر رهبری است. اما اگر استیضاح یا سوال با آرامش و به صورت منطقی و مستدل مطرح شود موجب افزایش رشد سیاسی و اجتماعی مردم بوده و مورد تایید رهبری است. البته اگر موضوعی خیلی حیاتی باشد و بخواهد آسیب

جدی به کشور وارد کند، در صورت لزوم رهبری به صورت حکم حکومتی به رئیس مجلس پیغام می‌دهند و نمایندگان هم رعایت می‌کنند. اما این کار که افرادی نقل قول کنند که رهبری مخالف است، از کارآیی و استقلال مجلس می‌کاهد.

در روزهای جاری که حال و هوای انتخاباتی در کشور روز به روز بیشتر مشاهده می‌شود اظهار نظرها در مورد نحوه حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات متفاوت است. برخی می‌گویند که اصلاح‌طلبان باید توبه کنند و برخی دیگر همچون آقای بادامچیان معتقد هستند که اصلاح‌طلبان مرده‌اند. شما چطور فکر می‌کنید؟ اگر اصلاح‌طلبان مرده‌اند دیگر از چه باید توبه کنند؟ نگاه شما به حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات چگونه است؟

من معتقدم که اصلاح‌طلبان باید به صورت فعال در انتخابات آینده شرکت کنند و اگر بنا بر توبه باشد بسیاری از اصولگرایان هم باید توبه کنند چراکه آنان هم در ایجاد فتنه نقش داشتند. اگر بخواهیم سه متهم اصلی فتنه را معرفی کنیم باید به ترتیب آقایان موسوی، کروبی و احمدی‌نژاد را معرفی کنیم. این افراد باید به صورت همزمان محاکمه می‌شدند و اگر این کار صورت می‌گرفت این فتنه خیلی زودتر خاموش می‌شد. از آنجایی که منصفانه قضاوت نکردیم و یک طرف را مجرم دانستیم و از جرم طرف دوم گذشتیم این فتنه هم طولانی شد.

بنابراین اگر قرار بر توبه اصلاح‌طلبان باشد اصولگرایان تندرو هم که موجب تشدید این فتنه شدند باید توبه کنند. به عنوان مثال، محاکمه‌هایی که به صورت مستقیم از تلویزیون پخش شد و با آبروی افراد زیادی بازی شد بر خلاف قانون بود و پس از ریاست آقای لاریجانی بر قوه قضاییه این کار متوقف شد. نوع برخورد با معترضین و کم توجهی به حادثه کهریزک و کوی دانشگاه و مجتمع سبحان آن هم در حالی که رهبر انقلاب از این حوادث اظهار ناراحتی کرده و دستور پیگیری دادند نمونه دیگر است. این تندروی‌ها تا آنجا ادامه یافت که زمانی که مجلس قصد داشت گزارش حادثه کوی دانشگاه را قرائت کند درست برخلاف نظر رهبری مانع شدند.

بنابراین اگر بنا بر توبه باشد این دوستان هم باید توبه کنند. به هر حال معتقدم اصلاح‌طلبان نباید اشتباه انتخابات مجلس نهم را تکرار کرده و کنار بکشند بلکه باید به صورت فعال در این انتخابات حضور پیدا کنند.

البته به نظر می‌رسد که این دست اختلافات در مورد اینکه اصلاح‌طلبان مرده‌اند و یا باید توبه کنند یک حربه برای پوشاندن اختلافات داخلی اصولگرایان است و بیشتر تمایل دارند که با انداختن توپ در زمین اصلاح‌طلبان مانع خبردار شدن مردم از اختلافاتشان شود.شما این امر را درست می‌دانید؟

مشخص نیست که این افراد چه هدف و نیتی دارند و باید به ظاهر حرفشان اطمینان کرد. البته از آقای بادامچیان انتظار این صحبت‌ها نمی‌رفت چراکه وی جزو عقلای قوم است.

بسیاری از افراد شما را با توجه به مواضع چند سال اخیرتان یک اصولگرای اصلاح‌طلب می‌شناسند و حتی بسیاری پیش‌بینی می‌کنند که شما بی تمایل نیستید که با حمایت آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی یک جریان سومی را در کشور ایجاد کنید تا اعتدال در جامعه برقرار شود. شما این پیش بینی را قبول دارید؟

این جریان در واقع هم اکنون به صورت غیر رسمی و نانوشته حتی در بین مردم تشکیل شده است. مردم در حال حاضر به شدت از برخی تندروی‌های اصولگرایان در حال حاضر و همین طور از برخی تندروی‌های اصلاح‌طلبان در گذشته ناراضی هستند. در نتیجه جو حاکم و میل قلبی جامعه وجود یک چنین جریان سیاسی است اما اینکه این جریان سیاسی بخواهد در قالب یک حزب فعالیت کند، شاید نیاز چندانی به تشکیل حزب نباشد. هرچند که تشکیل احزاب در کشور مفید است تا اتاق فکری برای حکومت باشد اما ممکن است با تشکیل حزب این جریان نیز محدود شود. این جریان، هم اکنون وجود دارد و تفکری که خواهان اعتدال و میانه روی است و با تندروی و افراط گری به هر شکلی مخالف است و از حقوق مردم دفاع می‌کند طالبان زیادی در جامعه دارد. شخصیت‌هایی هم که مظهر این جریان هستند مشخص‌اند. افرادی همچون آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی و آقای ناطق نوری می‌توانند در این امر نقش آفرینی کنند.

شما خودتان را یک اصولگرا می‌دانید؟

به معنای لغوی آن بله.

نه، منظورم اصولگرا به معنی متداول سیاسی آن است...

من اعتقادی به این دسته‌بندیها ندارم.

اما شما در مجلس هشتم با این اسم به مجلس آمدید.

همان زمان هم این نامگذاریها برایم مهم نبود.

در حال حاضر اصولگرایان و اصلاح‌طلبان تندرو مواضع سیاسی شما را زیاد قبول ندارند و مشخص نیست بالاخره شما اصولگرا هستید یا اصلاح‌طلب؟..

خودم هم نمی‌دانم چه هستم. اما معتدلین هر دو جناح من را قبول دارند. به هرحال من این دیوار کشی‌ها و دسته بندی‌ها را اصلا قبول ندارم.

شما به نقش آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری اشاره کردید. شما در همین ارتباط جلسه‌ای با این افراد داشته‌اید؟

نه، من هیچ جلسه‌ای با این افراد نداشته‌ام.

آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی اعلام کرده‌اند که در انتخابات شرکت نمی‌کنند و تنها نقش مشاور برای رئیس‌جمهوری را بازی می‌کنند که بالاترین رای مردم را داشته باشد، به نظر شما آقای‌هاشمی در این انتخابات چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟

من فکر می‌کنم ایشان دارای پایگاه اجتماعی خوبی در کشور هستند، هم میان حزب اللهی‌ها و هم میان منتقدان پایگاه دارند و به همین علت می‌توانند در ایجاد مشارکت حداکثری در انتخابات آینده موثر باشند. حمایت ایشان از یک کاندیدای خاص هم می‌تواند موثر باشد. آیت‌الله‌هاشمی باید در انتخابات آینده فعال باشند و از این موقعیت اجتماعی خود استفاده مطلوبی به نفع انقلاب بکنند.

شاید هیچ کس تصور نمی‌کرد روزی برسد که دو فرزند آیت‌الله‌هاشمی در زندان باشند. خود ایشون هم مخالفتی با این بازداشت نداشته‌اند. اما تصور مردم در مورد آیت‌الله‌هاشمی این نبود و فکر می‌کردند که ایشون از قدرتی برخوردار هستند که هرکاری بخواهند می‌توانند انجام دهند اما ما دیدیم که با فرزندان آیت‌الله‌هاشمی همچون افراد عادی برخورد شد. به نظر شما این امر نشان دهنده تغییر مشی حاکمیت با آیت‌الله‌هاشمی است؟

تغییر مشی حکومت با آیت‌الله‌هاشمی از سال ۸۸ آغاز شده است. عده‌ای هستند که قصد دارند ایشان را کنار بزنند و معتقدند که آیت‌الله‌هاشمی باید به سرنوشتی همچون سرنوشت آیت‌الله منتظری دچار شود و باید همان رفتارهای نادرست در مورد ایشان تکرار شود، گرچه قادر به این کار نیستند. این امر هم یکی از تندروی‌هایی است که عده‌ای دارند.

البته به نظر من مسئله بازداشت فرزندان آقای هاشمی، هم به صلاح ایشان و هم به صلاح انقلاب بود و تندروها را خلع سلاح کرد. تندروها دوست داشتند همواره یک لولویی به نام مهدی‌هاشمی داشته باشند تا با عنوان «آقازاده لندن نشین» علیه آقای هاشمی تبلیغ کنند. این دستاویز از این افراد گرفته شد و حرکت بسیار خوبی بود. حتی من معتقدم که باید زودتر از این‌ها به این امر رسیدگی می‌شد. البته یک مرتبه که من از آقای محسن‌هاشمی در این مورد سوال کردم و جویای علت نیامدن مهدی‌هاشمی شدم پاسخ دادند که از نظر حفظ جان مهدی نگرانیم که مبادا بازداشت شود و پس از مدتی اعلام شود که مثلا خودکشی کرده است. ظاهرا شرایط را مهیا نمی‌دانستند ولی در مجموع این کار برای موقعیت اجتماعی آقای‌هاشمی هم خوب بود و نشانه‌ای از عدالت و عدم تبعیض در جمهوری اسلامی نیز بود.

این روزها شاهد هستیم که هر چه به پایان عمر دولت نزدیک می‌شویم اصولگرایان بیشتر از گذشته به عملکرد دولت انتقاد می‌کنند. افرادی که تا دیروز از حامیان اصلی احمدی‌نژاد بودند این روزها تبدیل به منتقد شدند. بسیاری از افراد این تحلیل را دارند که اصولگرایان با این انتقادها قصد دارند خود را از دولت آقای احمدی‌نژاد مبری کنند. شما این تحلیل را قبول دارید؟

قطعا بخشی از اصولگرایان مثل جبهه پایداری در پیدایش پدیده‌ای به نام احمدی‌نژاد و ایجاد یک جریان فکری از سوی آقای مشایی موثر بودند. اصولگرایان در این کار نقش داشتند و حمایت‌های بیش از حد و بی‌منطق آنها از آقای احمدی‌نژاد در طول هفت سال گذشته عامل بسیاری از بحران‌هایی است که امروز در کشور ما به وجود آمده است. یعنی این افراد از قانون گریزی احمدی‌نژاد، از تفکر فرهنگی وی حمایت کردند و او را ایده آل می‌دانستند. تنها زمانی که رئیس‌جمهور ۱۱ روز خانه نشینی کرد، آن هم صرفا به این علت که مخالفتی با ولایت شده است، شروع به مخالفت کردند. گویی قانون گریزی‌ها هیچ اشکالی نداشته است و این که گفته بود فلان قانون را اجرا نمی‌کند یا مجلس در راس امور نیست ایرادی ندارد و تنها چون ۱۱ روز خانه‌نشینی کرد تبدیل به بدترین موجودات عالم شد اما قبل از آن رئیس‌جمهور خیلی خوبی بود و حتی اگر ما هم انتقادی می‌کردیم علیه ما تبلیغات می‌کردند و مانع نطق ما در مجلس می‌شدند. اما امروز همان افراد همان حرف‌ها را گاهی هم تندتر تکرار می‌کنند.

این امر نشان می‌دهد که این افراد یک مبانی و اصول فکری ثابتی ندارند و به فکر مصلحت انقلاب و آینده آن نیستند. تنها به فکر دسته‌بندی‌های سیاسی خود هستند. این دسته از اصولگرایان در پیدایش شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود شریک هستند و نمی‌توانند خودشان را مبرا بدانند و باید تجدید نظری در رفتار خود انجام دهند که چرا به اینجا رسیدند. باید تجدید نظری در برداشت خود از ولایت فقیه بکنند که چرا اصلا قادر به انجام هیچ امر اصلاحی نیستند و در مقابل هر اقدام اصلاحی به بهانه ولایت فقیه می‌ایستند. اساسا چرا تا این اندازه به اصل ولایت فقیه آسیب زده و آن را بد جلوه داده اند.

با توجه به شرایط فعلی و این احتمال که اصلاح‌طلبان حضور فعالی در انتخابات نخواهند داشت فکر می‌کنید اصولگرایان بتوانند به وحدت برسند؟ یا اینکه همچون انتخابات مجلس تبدیل به چندین شاخه می‌شوند؟

من خیلی به کاندیدای واحد معتقد نیستم. چراکه زمانی باید کاندیدای واحد در میان باشد که رقیب سرسختی در مقابل وجود داشته باشد. اما در زمانی که اصلاح‌طلبان در شرایط مساوی با

اصولگرایان نیستند و کاندیداهای آنان رد صلاحیت می‌شوند و اگر هم تایید صلاحیت شوند شبیه اصولگرایان معتدل هستند، در نتیجه رقیب سرسختی برای اصولگرایان وجود ندارد که بگوییم اگر وحدت نکنیم کاندیدای اصلاح‌طلبان رای می‌آورد. اساسا نیازی به وحدت اصولگرایان نیست. ممکن است کاندیداهای متفاوتی در انتخابات شرکت کنند و مردم از میان آن‌ها یک نفر را انتخاب کنند. همانطور که در انتخابات مجلس نهم نیز من از ابتدا معتقد بودم که راه اندازی سازو کار ۸+۷ ضرورتی ندارد چرا که رقیب سرسختی در مقابل ما نیست. اصلاح‌طلبان تصمیم به شرکت نداشتند و اصلا امکان شرکت هم برای آنان چندان فراهم نبود و کاندیداهای آنان رد صلاحیت می‌شدند. امروز هم در مجلس بیشتر از پنج شش اصلاح‌طلب اصطلاحی وجود ندارد.

بنابراین اینکه سازوکاری برای وحدت درست کنیم اصلا نیازی نیست. در انتخابات ریاست‌جمهوری نیز همین طور خواهد بود مگر آنکه سیاست‌های نظام تغییر کند و راضی شوند که فردی همچون آقای خاتمی در این انتخابات شرکت کند یا افراد دیگری که اندیشه‌های اصلاحی موثری دارند. اگر اینگونه باشد اصولگرایان باید تلاش کنند که کاندیدای واحدی به میدان بیاید. اما در شرایط فعلی نیازی به توافق بر سر کاندیدای واحد نمی‌بینم.

شما از ضرورت انتخاب کاندیدای فراجناحی از سوی اصولگرایان صحبت کرده اید. منظور شما آقای خاتمی است؟ اصلا کاندیدای فراجناحی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

اتفاقا نظر من به آقای خاتمی نیست چراکه می‌دانم ایشان را تخریب می‌کنند و حتی اگر رای هم بیاورد اذیتش می‌کنند که این امر به نفع کشور نیست. منظور من یک کاندیدایی بود که تعصبات گروهی نداشته باشد و اگر پیروز شد از نیروهای خوب طرف مقابل هم استفاده کند و قائل به این دسته بندی‌ها نباشد. هرچند ممکن است اسماً اصولگرا یا اصلاح‌طلب باشد اما باید شخصیتی باشد که بتواند گروه‌های مختلف سیاسی را اداره کند و بتواند از اعضای گروه‌های مختلف سیاسی در کابینه خود استفاده کند.

فکر می‌کنید همچون گزینه‌ای در حال حاضر موجود است؟

بله هستند.

مثل چه افرادی؟

حالا اگر اسامی افراد را نیاوریم بهتر است.

مثلا آقای عارف هم اعلام کردند در کابینه خود از اصولگرایان استفاده می‌کنند. منظورتان گزینه‌ای مثل آقای عارف است؟

الان اگر اظهار نظری نشود بهتر است.

البته صحبت‌هایی هم مطرح شد که با اصلاح‌طلبان جلسه‌ای داشته اید. این درست است؟

نه. پیش از حوادث سال ۸۸ از آنجایی که من به دنبال کاندیداتوری آقای ولایتی بودم ملاقات‌هایی با سران اصول‌گرا و اصلاح‌طلب داشتم. ما در تلاش بودیم که فردی غیر از احمدی‌نژاد کاندیدای اصولگرایان شود. من با برخی از سران اصلاح‌طلب هم در این مورد صحبت کردم که آن‌ها هم موافق بودند و می‌گفتند که اگر اصولگرایان توافق کنند آن‌ها هم به صحنه نخواهند آمد. حتی آقای خاتمی اعلام کرد که در صورت کاندیداتوری آقای ولایتی نه خودشان و نه آقای موسوی در انتخابات شرکت نمی‌کنند و آقای‌هاشمی هم اعلام کرد که کاری می‌کند که هیچ کدام از این دو نفر به صحنه انتخابات نیایند. اما عملا این اتفاق نیفتاد و اصولگرایان گفتند که تشخیص می‌دهند نظر رهبری به آقای احمدی‌نژاد است و بنابراین هر کس که فرد دیگری را مطرح کند از اصولگرایی خارج است. به همین علت عملا این طرح به سرانجام نرسید.

در حال حاضر چطور؟ بازهم به دنبال کاندیداتوری آقای ولایتی هستید؟

نه. در شرایط فعلی ایشان را مناسب نمی‌دانم. مخصوصا اینکه مواضع آقای ولایتی در فتنه ۸۸ منصفانه نبود.

شما انتقاداتی از سپاه پاسداران کردید که ظاهرا از شما شکایت کردند. این شکایت به کجا رسید؟

نه. سپاه از من شکایت نکرد. البته عده‌ای مطرح کردند که باید شکایت بشود اما عملا نه سپاه و نه دادستانی به عنوان مدعی العموم از من شکایت نکردند. بلکه از آن نطق من خود ریاست‌جمهوری شکایت کرد. به علت انتقادات فرهنگی که کرده بودم شکایتی کردند و اینکه برخی اوقات آقای احمدی‌نژاد اعلام می‌کند که ما خیلی مظلوم هستیم اینگونه نیست و پشت صحنه شکایت می‌کنند و مدعی العموم هم پشت سر ایشان از من شکایت کرد. البته شکایت مدعی العموم به علت فشارهای آقای احمدی‌نژاد بود. ظاهرا آقای رئیس‌جمهور نزد برخی مقامات رفته و تاکید کرده بود که قوه قضاییه تنها دولتی‌ها را احضار می‌کند. از همین رو در همان روزها قوه قضاییه برای اینکه نشان دهد عدالت را رعایت می‌کند هم سایت الف را بست و هم به عنوان مدعی‌العموم از من شکایت کرد. البته من توضیح لازم را داده‌ام.

مطهری:رئیس‌جمهوری که بگوید قانون را اجرا نمی‌کنم باید رأی به عدم کفایت سیاسی او داد

علی مطهری در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرگزاری خانه ملت، ضعف کابینه دولت احمدی‌نژاد را عامل اصلی وضعیت کنونی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور خواند و تأکید کرد: طرح سئوال از رئیس‌جمهور چهره دولت را آشکار می‌کند و هرچه مسائل آشکار و روشن‌تر شود به نفع مردم است.

شما به عنوان عضو کمیسیون فرهنگی مجلس وضعیت نظارت بر رسانه‌ها و مطبوعات را چطور ارزیابی می‌کنید؟ عملکرد دولت در این زمینه چگونه بوده است؟ نظارتی که در این بخش بر مطبوعات است معیارهای مشخصی دارد یا براساس گرایش‌های سلیقه‌ای صورت گرفته است؟ درباره موضوع توقیف روزنامه شرق نظر هیات نظارت بر مطبوعات چگونه بوده است؟

– با توجه به اینکه چند تن از اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات تغییر کرده‌اند، در زمان حاضر این هیات ترکیب قابل قبولی نسبت به گذشته پیدا کرده است و اکنون فضای بهتری بر هیأت حاکم است و اعضای آن نسبت به مسئله آزادی بیان اهمیت بیشتری قایل هستند و بسیاری از سختگیری‌هایی که در گذشته بود، اکنون نیست.

فضای رسانه‌ای بر تصمیم هیأت نظارت اثرگذار است

معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد هم نسبت به معاونت قبلی بهتر شده است و نگاه خوبی به مطبوعات و رسانه‌ها دارد. ترکیب فعلی هیأت نظارت بر مطبوعات رفتار قابل قبولی را ارائه کرده است.

البته در برخی موارد وجود اختلاف نظر امری طبیعی است. به عنوان مثال درباره روزنامه شرق نظرات مختلف بود اما تصمیم نهایی بر اساس اکثریت آراء گرفته شد. در این موارد همواره فضای رسانه‌ای بر تصمیمات هیأت تأثیرگذار است. فضایی درباره کاریکاتور روزنامه شرق از سوی برخی خبرگزاری‌ها ایجاد شد که به طور طبیعی در کار هیأت نظارت اثر گذاشت.

اظهارنظر سریع وزیر ارشاد درباره روزنامه شرق از نظر حقوقی اقدام درستی نبود

به مجرد اینکه این کاریکاتور در روزنامه شرق چاپ شد برخی خبرگزاری ها به طور مسلسل اخباری راجع به این موضوع منتشر و فضایی ایجاد کردند که بر اثر آن صبح فردا در مجلس نامه‌ای با بیش از ۱۰۰ امضا در محکومیت این کاریکاتور تهیه شد. این موضوع روی تصمیم‌گیری هیأت نظارت تأثیر گذاشت و در این میان شخص وزیر هم احساس مسئولیت کرد و قبل از آنکه جلسه هیأت نظارت بر مطبوعات تشکیل شود اعلام کرد که روزنامه شرق توقیف خواهد شد. این اظهارنظر از نظر حقوقی و قانونی اقدام درستی نبود و اعلام آن باید به نظر هیأت موکول می‌شد.

حتی وزیر ارشاد بنا داشت تلفنی نظر موافق اعضای هیات نظارت را بگیرد و اعلام شود اما ما گفتیم حتما باید جلسه هیأت تشکیل و استدلال‌ها شنیده شود، که در نهایت، هیات به توقیف روزنامه شرق و معرفی آن به دادگاه رای دادند.

با توقیف روزنامه شرق موافق نبودم/توقیف یک روزنامه شرایط کشور را بحرانی نشان می‌دهد

من با توقیف روزنامه شرق موافق نبودم و معتقد بودم باید به تذکر و ارجاع به دادگاه اکتفا شود چرا که توقیف یک روزنامه آثار روانی و اجتماعی بر جای می‌گذارد و شرایط کشور را بحرانی نشان می‌دهد. ما در هیأت نظارت باید به حداقل توقیف روزنامه‌ها اکتفا کنیم. به هر حال رأی گیری و نظر اکثریت، تصمیمات هیات نظارت بر مطبوعات را مشخص می‌کند. البته برخی سخت‌گیری‌ها در حوزه مطبوعات کشور ناشی از فشار نهادهای امنیتی کشور است که گاه به خاطر دستورالعمل‌هایی که از این نهادها به هیأت نظارت می‌رسد هیأت مجبور می‌شود تذکری بدهد یا اقدامی در جهت محدود کردن مطبوعات انجام دهد.

انتقاد از وضع اقتصادی را سیاه نمایی نمی‌دانم

شخصا برخی ملاحظات مانند این که انتقاد از وضع اقتصادی را به عنوان سیاه نمایی معرفی کنیم یا نسبت به افرادی که در بحران سال ۸۸ نقش داشتند حساسیت بیش از حد نشان دهیم

که از اینها ذکری در مطبوعات نباشد یا ایراد گرفتن از چاپ عکس خاتمی در روزنامه‌ها را قبول ندارم و این اقدامات سیاست‌های خوبی نیستند. بر این اساس دست هیأت نظارت در مواردی بسته است.

نظر شما در باره به کارگیری نظارت بیشتر بر فضای سایبری با توجه به گسترش روز افزون آن چیست؟ آیا نیازی احساس می‌شود که نظارت بر فضای سایبر متولی مشخصی پیدا کند؟ آیا شرایط موجود در فضای سایبر جوابگوی نیازهای لازم است؟

– شورای عالی فیلترینگ کشور ۱۳ سازمان و نهاد و وزارتخانه را در بر می‌گیرد که کار آنها ارتباطی با هیأت نظارت بر مطبوعات ندارد. این شورا درباره فیلتر کردن یک سایت تصمیم می‌گیرد و در این زمینه جنبه‌های اخلاقی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود که متأسفانه حساسیت در مسائل سیاسی بیشتر است.

دست هیات نظارت برای بررسی مطالب سایت‌ها بسته است

بخشی از فضای مجازی که زیر نظر هیأت نظارت بر مطبوعات است خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی است که این سایت‌ها از چند ماه پیش پس از تصویب آیین‌نامه مربوط به قانون مصوب مجلس توسط دولت، تحت نظارت هیأت نظارت بر مطبوعات قرار گرفتند و قانون مطبوعات بر آنها حاکم است ولی در سایر موارد دست هیأت بسته است و کار به همان شورای فیلترینگ واگذار شده است.

نظارت کاملی بر سایت‌ها در حال حاضر وجود ندارد

به میزان گزارش‌هایی که از مطبوعات در هیأت نظارت بررسی می‌شود، از خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های اطلاع رسانی در فضای مجازی گزارش تهیه نمی‌شود. بنابراین نظارت کاملی بر این سایت‌ها در حال حاضر وجود ندارد و با توجه به اینکه بسیاری از اخباری که در مطبوعات منتشر می‌شود برگرفته از اخبار سایت‌ها و خبرگزاری‌ها در فضای مجازی است، وقتی از

مطبوعات درباره درج مطلبی پرسش می‌شود، آنها به مطالب مندرج در این سایت‌ها و خبرگزاری‌ها استناد می‌کنند و مسئولیت اصلی را متوجه آنها می‌دانند.

اقدام یک خبرگزاری در انتشار نامه طبقه بندی شده دولت، غیرقانونی بود و تذکر گرفت

به عنوان مثال اقدامی که اخیراً یک خبرگزاری انجام داد و نامه محرمانه و طبقه‌بندی شده‌ای از رئیس جمهور خطاب به استانداران درباره دخالت نمایندگان در امور اجرایی را منتشر کرد، فارغ از محتوای نامه، عملی غیرقانونی بود و این خبرگزاری تذکری در این زمینه دریافت کرد.

با تصویب طرح یا لایحه جامع نظام رسانه این امر سامان بهتری پیدا می‌کند و مشخص خواهد شد که نظارت بر خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری همچنان بر عهده هیأت نظارت بر مطبوعات باشد یا مثلا به شورای عالی فضای مجازی کشور واگذار شود. به هرحال باید سایت‌های فضای مجازی شناسنامه‌دار و ثبت شوند چرا که گاه آبروی افراد در فضای مجازی برده می‌شود، پس باید افرادی متولی این سایت‌ها شوند و مسئولیت محتوای آن را بپذیرند تا تهمت‌ها، دروغ‌ها و اشتباهات قابل پیگیری باشد.

فعالیت‌های سینمایی یکی از شاخه‌های مهم فرهنگ کشور است، در نه ماه اخیر موضوع مهمی که در حوزه سینمایی کشور مطرح بوده موضوع انحلال خانه سینما از سوی وزارت ارشاد و احیاء مجدد آن پس از انحلال بود، نظر شما در این باره چیست؟

من از ابتدا با انحلال خانه سینما موافق نبودم و معتقد بودم مشکلات خانه سینما با گفت‌وگو قابل حل است. اتفاقات رخ داده در این حوزه بیشتر ناشی از اختلاف نظر بین مسئولان است.، یعنی مسئولان وزارت ارشاد قائل به انحلال خانه سینما بودند ولی اکنون نظر مقامات عالی رتبه دولت بر انحلال نیست و این امر باعث تغییر در نظر وزارت ارشاد شده است. به هر حال تزلزل در تصمیمات مقامات اجرایی کشور در این زمینه امر مثبتی نبود چرا که تصمیم‌های دولت باید ثبات داشته باشد. این عدم ثبات، اقتدار حکومت را کم می‌کند.

پروژه سینمایی لاله از موضوعاتی است که بحث‌های زیادی در کمیسیون فرهنگی مجلس به دنبال داشت، نظر شما درباره اجرای این پروژه چیست؟

در اینکه ساخت فیلم لاله اولویت اول فرهنگی کشور نیست تردیدی وجود ندارد. این موضوع در کمیسیون فرهنگی هم مطرح شد اما تشخیص اولویت‌ها بر عهده سازمان سینمایی است.

منتظر اصلاح فیلمنامه لاله هستیم

این کمیسیون در حوزه فرهنگ نمی‌تواند وارد حیطه اجرا شود و برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان سینمایی تعیین تکلیف کند. در این مورد مجلس حداکثر می‌تواند پس از ساخت فیلم اگر محتوای آن نامناسب بود اقدام نظارتی انجام دهد و مثلا از ابزار سؤال یا استیضاح و برکناری وزیر استفاده کند. فعلا با توجه به قولی که وزارت ارشاد برای اصلاح فیلمنامه داده، باید منتظر ماند.

کارگردان این فیلم به همراه رئیس سازمان سینمایی وزارت ارشاد به کمیسیون فرهنگی آمدند و توضیحاتی دادند. من از طرف کمیسیون فیلمنامه پروژه لاله را مطالعه کردم و گزارش دادم. روح این فیلمنامه القاء تفکر فمینیستی و تقابل میان زن و مرد و وجود جامعه مردانه در ایران است که لاله با آن مبارزه می‌کند و سرانجام با برنده شدن در مسابقات رانندگی پیروز می‌شود، گرچه مجریان این پروژه مدعی هستند که می‌خواهیم نشان دهیم که بانوان تا این حد در ایران آزاد هستند و فضای اجتماعی برای بانوان باز است و از طرفی با سیر در نقاط مختلف کشور نشان می دهیم که ایران کشوری عقب افتاده نیست، خصوصا که این فیلم بیشتر برای مخاطب خارجی و خنثی کردن تبلیغات ضد ایران در جهان ساخته می‌شود. همچنین می‌گویند این فیلم برای قشر خاصی از جامعه ساخته می‌شود.

پروژه لاله مصداق فیلم فاخر نیست، نیک نژاد برای ساخت فیلم لاله باید از گذشته خود تبری بجوید

بحث دیگر درباره فیلم لاله موضوع کارگردان آن بود.کمیسیون فرهنگی مجلس از طرفی فیلم لاله را مصداق فیلم فاخر نمی‌دانست تا چنین بودجه‌ای به آن اختصاص داده شود، و از سوی دیگر ابهاماتی درباره کارگردان فیلم داشت. سوال این است که آیا فردی که فیلم‌های نامناسب در هالیوود ساخته است بدون اینکه از گذشته خود تبری جسته باشد می‌تواند برای ساخت فیلم لاله مورد استفاده قرار گیرد و آیا این اقدام و ورود این گونه افراد به این عرصه به صلاح فرهنگ و سینمای کشور هست یا خیر؟

یک نمونه از فیلم‌های اسدالله نیک‌نژاد کارگردان پروژه لاله که به عنوان نمونه به دست ما رسید، از نظر اخلاقی قابل دیدن نبود.

آیا وزیر ارشاد موافق ساخت پروژه لاله است؟

در جلسه کمیسیون فرهنگی مجلس با وزیر ارشاد، برداشت اعضا این بود که وی با اجرای این پروژه مخالف است و حتی به نوعی از مخالفت‌های اعضای کمیسیون با ساخت این فیلم استقبال می‌کرد اما بعد از چندی دیدیم اعلام موافقت کردند. با توجه به قولی که گفته می شود در نیویورک مقامات عالی‌رتبه دولت به اسدالله نیک نژاد برای ساخت این فیلم داده‌اند، این احتمال تقویت می‌شود که موافقت وزیر ارشاد با ساخت فیلم لاله تحت فشار مقامات ارشد دولت انجام گرفته است.

برخی انتقادهای شما درباره تفکر لیبرالیستی دولت در حوزه فرهنگ باعث شد تا در پاسخ به شما بگویند آقای مطهری نگاه همه جانبه‌ای به مسئله فرهنگ ندارد، نظر شما درباره این اظهارنظرها چیست؟

ما اصول و مبانی و معیارهایی داریم، اگر روش فرهنگی ما منطبق بر این اصول باشد ما اسلامی و اصولگرا هستیم، اما اگر منطبق نباشد دچار مشکل هستیم. مثلا نگاهی که ایشان به عنوان رئیس‌جمهور به مسئله امر به معروف و نهی از منکر و وظیفه دولت اسلامی در این خصوص دارد تأثیر منفی زیادی در جامعه گذاشته است، ضمن این که مخالف اجماع فقهاست.

سهل انگاری‌های دولت در زمینه فرهنگ آثار منفی در جامعه به جای می‌گذارد

اینکه رئیس جمهور در تلویزیون اعلام می‌کند که اساساً دولت وظیفه‌ای در قبال نظارت بر اموری مانند عفاف و حجاب ندارد و صرفا باید کار فرهنگی کرد، این چراغ سبزی به افراد سهل انگار در این موضوع است که اثر منفی خود را بر جامعه ما گذاشته است.

اگر فردی به عنوان یک تحلیل‌گر و نظریه‌پرداز چنین سخنی بگوید چندان مهم نیست ولی وقتی رئیس جمهور کشور این حرف را می‌زند، آثار خاص خود را در جامعه بر جای می‌گذارد.

سخنان مطرح شده درباره مکتب ایرانی مطابق با مبانی اسلام نیست

همین‌طور در باب مسئله مکتب ایران حرف‌هایی مطرح می‌کنند که با مبانی اسلامی جور در نمی‌آید. مثلا می‌گویند ما برای تبلیغ انقلاب و اسلام به دلیل آنکه طالبان و القاعده هم از اسلام می‌گویند از اسلام سخن نگوییم و از ایران بگوییم و وقتی در تنگنا قرار می‌گیرند می‌گویند منظور ما این است که از برداشت ایرانی از اسلام و از اسلام ایرانی سخن بگوییم. این یک نوع قومیت‌گرایی و تفرقه‌افکنی در جهان اسلام است.

بزرگ کردن کوروش و داریوش و معرفی آنها به عنوان الگوی مدیریت برای جامعه ما یک اشتباه و نوعی ارتجاع است. ممکن است کوروش نقاط مثبتی هم داشته باشد اما هرگز الگوی ما نیست.

احمدی نژاد و مشایی هنوز تمام افکار خود درباره مکتب ایرانی را بروز نداده‌اند

رئیس‌جمهور ۲ یا ۳ سال پیش در مصاحبه تلویزیونی قبل از سفر به نیویورک مدل مدیریتی خود را مدل کوروش معرفی و اعلام کرد که تصمیم دارد در سازمان ملل این مطلب را بگوید و کوروش را به جهانیان بشناساند، اما مخالفت‌هایی صورت گرفت و عقب نشینی کردند. به نظر می‌رسد که احمدی نژاد و مشایی هنوز تمام افکار خود در این زمینه را بروز نداده‌اند.

همچنین چند سال پیش در صدد برگزاری جشن نوروز در تخت جمشید بودند که جشنهای ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران را تداعی می‌کرد و با مخالفت برخی نخبگان و نیز رهبری مواجه شد و پس از آن در تهران به مراسم محدودی با ساخت ماکت تخت جمشید اکتفا کردند. البته اشکال ندارد که نوروز را جدای از خرافات آن به عنوان یک رسم خوب ایرانی در زمان اعتدال طبیعت به دنیا معرفی کنیم اما باید آن را در حد خودش ببینیم، یعنی انتخاب بهترین زمان سال برای دید و بازدید و تفریح و سیاحت، نه این که از آن به "مکتب نوروز" تعبیر کنیم که گویی می‌خواهد جایگزین اسلام شود.

دولت احمدی نژاد نگاه فرهنگی خاصی دارد

من پس از ورود به مجلس بارها گفتم که این دولت نگاه فرهنگی خاصی دارد. بسیاری از افرادی که اکنون مخالف احمدی نژاد شده‌اند آن موقع ضد ما صحبت می‌کردند و مانع نطق من در مجلس می‌شدند ولی اکنون انتقادات تندتری را مطرح می‌کنند.

نباید از این نکته غفلت کنیم که خطر این دولت غیر از قانون‌گریزی و تفرقه‌ای که در کشور ایجاد کرده، نگاه فرهنگی است که به وجود آورده و این مسئله ریشه دارتر از دو موضوع قبلی است.

افراد کمی خطرات دولت و اطرافیان وی را متوجه شده‌اند

برخی توجه نمی‌کنند که رئیس جمهور و اطرافیان وی چه می‌گویند و کدام ریشه‌ها را می‌زنند. تعداد بسیار کمی خطر این افراد را متوجه شدند. از جمله آقای مصباح بودند که البته حرف‌های خود را خیلی دیر مطرح کردند، زمانی مطرح کردند که اینها شکل گرفته بودند.

تز اینها این است که ما به جای اسلام از توحید، عدالت، آزادی و عشق به انسانها که مشترک میان ادیان الهی است سخن بگوییم. یا می‌گویند به جای بیداری اسلامی از بیداری انسانی بگوییم و اخیرا رئیس جمهور گفت وقتی در منطقه ما از آزادی سخن می‌گویند این همان بیداری انسانی است و وقتی در آمریکا شعار آزادی می‌دهند این همان بیداری اسلامی است. این حرف‌ها از

بین بردن مرزها و انحراف فکری و فرهنگی است. اما مهم رفتار ما در قبال این گفته‌هاست. آیا باید در برابر این اظهارات حساس باشیم یا خیر؟ آیا باید روش شهید مطهری را داشته باشیم که مو را از ماست می‌کشید یا خیر؟

باید روی مسائل مطرح شده از سوی دولت حساس باشیم

به عنوان مثال در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب، جزوه‌های گروه فرقان در برخی مساجد و دانشگاه‌ها رواج داشت و بسیاری آن را به عنوان جزوه و حرف چند جوان می‌دانستند که ارزشی ندارد اما شهید مطهری که معیارش میزان تأثیرگذاری یک فکر بود نگران گسترش این تفکر به عنوان تفکر انقلاب اسلامی در بین دانشجویان و جوانان بودند. عده‌ای هم این پدیده را می‌دیدند اما بی‌تفاوت از کنار آن می‌گذشتند. به نظر من باید روی این مسائل حساس باشیم.

برخی از اهالی فرهنگ معتقدند ما در کشور دچار هرج و مرج فرهنگی هستیم و سهم قابل توجهی از مشکلات فرهنگی کشور را متوجه مجلس می‌دانند و بر این باورند نظارت ضعیف کمیسیون فرهنگی باعث این موضوع شده است، نظر شما در این باره چیست؟ آیا نظارت مجلس بر حوزه فرهنگ پویا و سازنده بوده است؟

در حوزه فرهنگ کشور انتقادهایی به مجلس و کمیسیون فرهنگی هم وارد است. مثلا اگر کمیسیون نسبت به فیلم‌های سینمایی حساس‌تر بود وضعیت به اینجا نمی‌رسید.

من در مجلس هشتم بارها گفتم فیلم‌هایی که می‌خواهد اکران شود باید قبل از اکران حتماً آنها را ببینیم، اما این مطلب جدی گرفته نشد.

چند روز پیش فیلم «برف روی کاج‌ها» را دیدیم. فیلم خوبی نبود. پیام آن این است که اگر مردی با زن دیگری ارتباط مشروع یا نامشروع برقرار کرد همسر وی هم حق برقراری ارتباط با مرد دیگری را دارد. حال سؤال این است که چرا از ابتدا مجوز ساخت چنین فیلمی صادر می‌شود؟

اکنون چند فیلم از وزارت ارشاد مجوز اکران گرفته اما سازمان تبلیغات اسلامی اجازه اکران آنها را در سینماهای خود نمی‌دهد. به نظر می‌رسد که اگر آن فیلمها هم مانند فیلم برف روی کاج‌ها باشد اقدام آنها اقدام درستی است.

ایراد کار در ساخت فیلم این است که خلاصه و طرح کلی فیلم در اختیار مرجع صدور مجوز قرار می‌گیرد و تصمیم‌گیری می‌شود. به عنوان مثال درباره فیلم برف روی کاج‌ها گفته‌اند که می‌خواهیم خیانت را در این فیلم نمایش دهیم. اما پس از گرفتن مجوز، فیلم متفاوتی ساخته می‌شود. در حالی که در همان ابتدا باید متن کامل فیلمنامه به دقت توسط چند کارشناس مطالعه شود.

طیف‌بندی های مختلفی در فضای سیاسی کشور وجود دارد و برخی فضای سیاسی جامعه را به اصولگرا و اصلاح طلب تقسیم بندی می کنند این تقسیم بندی را چقدر قبول دارید؟

البته در این مدت کشور به طور کامل در دست اصول‌گراها نبوده. من بارها گفته‌ام که آقای احمدی‌نژاد نه اصول‌گراست و نه اصلاح‌طلب، بلکه ایشان و آقای مشایی یک جریان سوم هستند. البته نمی‌توانیم از اصول‌گراها در خصوص وضعیت فعلی کشور سلب مسئولیت کنیم چون به وظایف خودشان عمل نکردند.

به طور کلی من یک ایراد اساسی به اصولگراها دارم که این، مانع بسیاری از اصلاحات و باعث ایجاد بسیاری از تخلفات در کشور شده و آن نوع نگاهی است که این‌ها به ولایت‌فقیه دارند، یعنی بخشی از اصولگراها فکر می‌کنند هر اقدامی که می‌خواهند انجام دهند، اول باید بروند اجازه بگیرند، یعنی بپرسند که آقا این کار را انجام دهیم یا خیر؟ گاهی هم می‌گویند جلوتر از رهبری حرکت نکنید، اگر لازم بود خود آقا می‌گفتند. بعد راجع به خیلی چیزها سکوت می‌کنند، حرف نمی‌زنند و همین سکوت‌ها باعث شده ما در خیلی حوزه‌ها اعم از فرهنگ، اقتصاد و سیاست خارجی دچار مشکل شویم. این گروه از اصولگراها همه چیز را موکول می‌کنند به رهبری که ما چون خیلی ولایت مدار هستیم اینجا شرایط کشور اقتضا می‌کند که چیزی نگوییم، سکوت کنیم، صبر کنیم. حالا هم که می‌گویند آخر دولت است رهایش کنید. بعد می‌رسیم به

اول دولت جدید، می‌گویند فعلا دولت در حال استقرار است رهایش کنید. یعنی وظایف خود را به بهانه‌های مختلف از جمله ولایت فقیه انجام نمی‌دهند. این یک مشکلی است.

رئیس‌جمهوری که بگوید قانون را اجرا نمی‌کنم باید رأی به عدم کفایت سیاسی او داد

آقای احمدی نژاد در مصاحبه تلویزیونی شهریورماه خود به صراحت گفت که من قانونی را که منطبق بر قانون اساسی تشخیص بدهم امضا و اجرا می‌کنم ولی قانونی را که خود شخصا منطبق بر قانون اساسی تشخیص ندهم نه امضا می‌کنم و نه اجرا. این یعنی چه؟ یعنی استبداد و دیکتاتوری و به توپ بستن مجلس. خب اگر مجلس یک مجلس واقعی باشد واقعا یک چنین فردی، می‌خواهد آقای احمدی‌نژاد باشد یا هر فرد دیگری، با شخص کاری نداریم، حتی یک روز هم نباید در مسند ریاست جمهوری باقی بماند. بلافاصله باید او را استیضاح کنند و رای به عدم کفایت سیاسی وی بدهند. اگر واقعیت را می‌خواهیم و قصد داریم طبق اصول جلو برویم باید اینگونه باشد. ولی وقتی همه می‌گویند حالا یک چیزی گفت رهایش کن، فعلا صلاح نیست، در تحریم به سر می‌بریم یا موضوعات دیگر، این گونه کشور درست نمی‌شود.

نباید رهبری را سپر مجلس کنیم بلکه باید مجلس را سپر رهبری قرار دهیم

البته من قبول دارم که نظام ما نظامی خاص بوده و بالاترین مقامش ولایت فقیه است. ما مثل مجلس فرانسه و انگلیس نیستیم که بگوییم بالاخره مجلس و نخست‌وزیری هست و تمام شد، ولی این به این معنا نیست که همه وظایف را به بهانه ولایت‌مداری تعطیل کنیم. من معتقدم مجلس باید کار خود را انجام دهد. نماینده باید به وظیفه خود عمل کند، اگر رهبری در جایی مخالف باشد رسما و علنی و از طریق رسانه‌ها اعلام می‌کنند یا پیغام می‌دهند که این کار را نکنید. دیگر، اینکه ما بترسیم و هر بار برویم سوال کنیم که آقا این کار را بکنیم یا نکنیم اصلا معنی ندارد. مثلا می‌گوییم سوال کنیم، می‌گویند اگر آقا بگوید من سوال می‌کنم. خب اگر آقا بگوید که سوال آقا می‌شود نه سوال مجلس. ما باید این دو حوزه را از هم جدا کنیم. هر بار پای رهبری را به میان نیاوریم. درست نیست که ما مسئولیت همه کارها را به گردن رهبری بیندازیم و رهبری را سپر خود قرار دهیم بلکه باید مجلس را سپر رهبری قرار دهیم.

در ریاست‌جمهوری سال ۸۸ دنبال ولایتی بودم که بیاید و احمدی نژاد کنار برود

این یک مشکل اساسی اصولگراهاست که باعث مشکلات امروز کشور شده است. مثال دیگری عرض می‌کنم. بعد از دوره اول آقای احمدی‌نژاد اکثر سران اصولگرا می‌گفتند ادامه مدیریت وی به صلاح کشور نیست. من با همه ملاقات داشتم، همه این حرف را می‌گفتند. من در آن زمان دنبال این بودم که آقای ولایتی بیاید و توافق شود که آقای احمدی‌نژاد کنار برود. همه گفتند درست است، طرح خوبی است، واقعا نمی‌شود مدیریت آقای احمدی نژاد ادامه پیدا کند. ولی بعد اعلام می‌کردند که ما احساس می‌کنیم میل آقا به احمدی نژاد است. (البته الان نظر من به آقای ولایتی نیست چون در یک شرایط ویژه قرار داریم و به علاوه مواضع ایشان در باره بحران سال ۸۸ منصفانه نبود.)

چنین برخوردی گویای آن است که اصلا شماها تصمیم‌گیر نیستید و نقشی ندارید، در حالی که آقا هم چیزی در این زمینه نگفته بودند و اساسا رهبری در انتخابات ریاست جمهوری نظر خود را از طریق شورای نگهبان و تأیید صلاحیت کاندیداها اعمال می‌کنند و این از اختیارات ایشان و کاملا قانونی است، بعد از آن دیگر به عهده مردم است و نباید دنبال تمایل قلبی رهبری باشیم.

به نظر من یکی از ریشه‌های فتنه سال ۸۸ همین بود که عده‌ای از اصولگراها دائما می‌خواستند آقای احمدی‌نژاد را به عنوان کاندیدای مورد نظر رهبری معرفی کنند. در انتخابات سال ۹۲ هم باید مراقب باشیم که اساسا ساحت رهبری از این مسائل به دور باشد.

به هرحال آنها می‌گفتند ما احساس می‌کنیم میل آقا به احمدی نژاد است. خب آقا وقتی احساس کند اکثریت شما رفتید روی فرد دیگری توافق کردید مخالفت نخواهند کرد. شما باید حتی روی نظر آقا تاثیر بگذارید. یعنی گاهی شرایط را افراد فراهم می‌کنند که رهبری بیاید حرف خود را بزند. مثل دوران امام خمینی که امام یک کلمه راجع به دکتر شریعتی حرف نزد اما شهید مطهری این همه حرف زد و نظریات خود را گفت.

علتش این است که هر کدام در یک جایگاه هستند، یکی رهبر است یکی ایدئولوگ. این باید بگوید ولی رهبر فعلا صلاح نمی‌داند و در واقع امام با تأیید مؤکد شهید مطهری نظر خودش را درباره دکتر شریعتی به طور غیر مستقیم بیان کرد. هر کسی باید جایگاه خود را بداند. گاهی ما خودمان را می‌گذاریم جای رهبر و رهبر را می‌گذاریم جای خودمان. این روش ما روش درستی نیست.

وارد حوزه اقتصادی شویم، تا به امروز دولت طرح‌های خوب زیادی را در حوزه اقتصادی مطرح کرده است اما متاسفانه برخی از این طرح‌ها فقط در حد شعار باقی مانده است، ارزیابی شما در این خصوص چیست؟

ببینید، بعضی کارهای دولت خوب بود. مثلا کاری که درباره مسکن کردند در مجموع موفق و طرح خوبی بوده. اگر یادتان باشد قیمت مسکن چند سال پیش به سرعت بالا می‌رفت و خیلی وحشتناک شده بود. بالاخره دولت آمد وارد شد و قیمت را کنترل کرد. تا چند ماه پیش هم قیمت ثابت مانده بود اما اخیراً یک مقدار قیمت مسکن افزایش پیدا کرد که این هم مربوط به شرایط عمومی اقتصاد کشور است.

اقدامات دولت در سرکشی به استان‌ها و رسیدگی به نقاط دورافتاده مفید بود، اما در مجموع دولت، دولت شلوغی است. تصمیمات ناگهانی زیاد دارد. انضباط مالی را خیلی رعایت نمی‌کند. یک جاهایی خیلی تبلیغاتی می‌خواهد وارد شود که این کار انجام شد و نتیجه آن چنین بود. این در ذات دولت است، یعنی شخص آقای احمدی‌نژاد ذاتاً سریع تصمیم می‌گیرد، سریع وارد عمل می‌شود و گاهی هم به دیوار می‌خورد و برمی‌گردد.

من خاطره‌ای از زمانی که ایشان شهردار بود دارم. یک روز آقای احمدی‌نژاد به من گفت چون در مقابل دانشگاه ناشران مذهبی حضور ندارند و از قدیم هم توده‌ای‌ها بودند، می‌خواهیم یک مجتمع فرهنگی در مقابل دانشگاه تهران به نام شهید مطهری تأسیس کنیم و شما هم بیایید تا در آنجا مرکزی برای نشر آثار شهید مطهری وجود داشته باشد. ما گفتیم طرح خوبی است و استقبال کردیم. بعد از ۲۰ روز به ما زنگ زدند گفتند می‌خواهیم کلنگ بزنیم، ما هم رفتیم. آنجا جلسه‌ای

برگزار کرده و نشسته بودند، اول من صحبت کردم و گفتم کار خوبی است. بعد آقای احمدی‌نژاد صحبت کرد. بعد رفتیم همراه با عکس و فیلم کلنگ‌زنی کردیم و در رسانه‌ها منتشر شد. یک ماهی گذشت، پرس‌وجو کردیم که این طرح به کجا رسید، گفتند این زمین بین بانک تجارت و متروی تهران اختلاف است و با هم دعوا دارند. گفتیم مگر اینها قبلا کنترل نمی‌شود؟! اصلا کنترل نشده بود.

روحیه بزن برو در شخص رئیس جمهور وجود دارد

من احتمال می‌دهم ایشان در دولت هم همین‌گونه عمل می‌کنند. خیلی از کارها را سریع و بدون مطالعه کافی انجام می‌دهد. یا اینکه مثلا من خودم در تلویزیون دیدم آقای احمدی‌نژاد برای نخبگان سخنرانی می‌کرد؛ گفت که قرار شده ۳۰۰ خانه به نخبگان بدهند، یک عده گفتند ۳۰۰ تا کم است، گفت: کم است؟ گفتند: بله. گفت: بکن ۳۰۰۰ تا. بعد گفت آقای معاون علمی می‌شود یا نه؟ گفت: من نمی‌دانم بودجه‌اش به چه شکلی تامین می‌شود. گفت: آقای معاون اجرایی می‌شود یا نه؟ گفت: بله می‌شود. گفت: صلوات. همه صلوات فرستادند. یعنی تصمیم‌گیری پشت تریبون. بعضی کارها در دولت این‌گونه است. اول همه خوشحال می‌شوند اما عملا اجرا نمی‌شود. یک مقدار این روحیه بزن برو در شخص رئیس‌جمهور وجود دارد.

به نظر من ایشان اعتقاد زیادی به قانون ندارد، می‌گوید آنچه را که ما خودمان تشخیص می‌دهیم انجام می‌دهیم. همین قانون یارانه‌ها را اصلا وی درست اجرا نکرد. درآمد حاصل از اصلاح قیمت‌ها ۲۸ هزار میلیارد تومان بود، دولت حدود ٤۳ هزار میلیارد تومان توزیع کرد و تازه همه این مبلغ را به خانوارها اختصاص داد در حالی که ۳۰ درصد آن باید به تولید اختصاص پیدا می‌کرد. یک محاسبه بکنید، از این ۲۸ هزار میلیارد تومان، طبق قانون نصف آن باید به خانوارها اختصاص پیدا می‌کرد که به هر نفر حداکثر ۱۵ هزار تومان می‌رسید.

اما آقای احمدی نژاد با ٤۵ هزار و ۵۰۰ تومان شروع کرد، بر چه مبنایی؟ کسری حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان را از کجا آورد؟ این کسری را از فروش نفت تامین کرد، ابتدا هم که از بانک مرکزی استقراض کرد اگرچه خودشان می‌گویند این تنخواه بوده. بعد پول را در جامعه سرازیر

کرد، نقدینگی بالا رفت و به تولید هم کمک نکردند، قیمت تمام شده کالاها افزایش پیدا کرد. از طرفی تقاضا زیاد شد و عرضه هم به اندازه کافی نبود، خب تورم ایجاد شد و این مسائل پیش آمد.

بعد هم که فروش نفت‌مان کم شد و به مشکل برخوردیم، حالا می‌خواهند این پول را تامین کنند، احتمالاتی هست که می‌گویند داستانی که برای ارز پیاده کردند و قضیه‌ای که پیش آمد، البته من به طور قطع نمی‌خواهم بگویم ولی قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد این، مسئله حساب‌شده‌ای بوده تا از این مابه‌التفاوت برای پرداخت و حتی افزایش یارانه‌ها کمک بگیرند.

دولت در اجرای قانون هدفمندی چکشی وارد شد/مشکلات اقتصادی ناشی از بد اجرا شدن قانون هدفمندسازی یارانه‌هاست

آقای جعفر قادری نماینده شیراز در مجلس هم در مناظره خود که در شیراز با آقای داوری برگزار شده بود این موضوع را مطرح کرده بودند.

بله. در واقع دولت به مستاجری تبدیل شده که آخر ماه باید پول هنگفتی به موجر پرداخت کند و خودش را می‌زند به این در و آن در تا این پول را جور کند. یعنی دولت قانون را آن طور که باید اجرا نکرد و الا قانون مجلس بد نبود، اول گفته بود گام به گام و ظرف ۵ سال جلو می‌رویم، بعد هم سهم تولید را دیده بود. در مجموع خوب بود اما دولت خیلی چکشی وارد شد. به نظر من بخش مهمی از مشکلات اقتصادی ما به خاطر بد اجرا شدن قانون هدفمندسازی یارانه‌هاست.

احمدی- نژاد در اجرای قانون هدفمندی به آنچه تشخیص خودش بود عمل کرد

ایشان در اجرای این قانون آنچه را که تشخیص خودش بود عمل کرد، یعنی در مجلس هم که قانون هدفمندی یارانه‌ها در حال تصویب بود، آقای احمدی نژاد هنگام دفاع از نظریه خود گفت به نظر من به جای اینکه ما ظرف ۵ سال، ۵ بار شوک به جامعه وارد کنیم، ظرف ۲ یا ۳ سال، ۲ بار شوک وارد کرده و قیمت را ناگهان بالا ببریم و کار را تمام کنیم. در نهایت نظر مجلس تصویب شد، نمایندگان حرف آقای احمدی‌نژاد را شنیدند اما رای ندادند. ولی در عمل وی کار خودش را کرد. آنچه را که در مجلس می‌گفت انجام داد، حالا قانون هر چه بود. مجلس هم البته کوتاه آمد. هر بار که دولت گفت دست ما را در اجرای این قانون باز بگذارید، یک عده در مجلس که اینها استاد جوشکاری و تعامل هستند، فوری می‌گویند تعامل کنیم و قانون را نادیده می‌گیرند، در حالی که قانون به هرحال باید اجرا شود و اگر اشکال دارد باید دولت لایحه بیاورد و اصلاح شود.

توقف اجرای قانون یارانه‌ها کار درستی بود چون عقبگرد داشته-ایم

البته این نکته را هم بگویم که توقف قانون یارانه‌ها در شرایط امروز که دچار بی‌ثباتی اقتصادی هستیم کار درستی بود، چون با توجه به بالا رفتن نرخ ارز و در نتیجه قیمت فوب خلیج فارس حاملهای انرژی الان شکاف قیمتی مثلا بنزین نسبت به قیمت فوب خلیج فارس از زمان آغاز قانون هدفمندی بیشتر است یعنی به هیچ وجه به اهداف این قانون نرسیده‌ایم و پیشرفتی نداشته‌ایم بلکه عقبگرد داشته‌ایم. اگرچه از نظر صرفه‌جویی و جلوگیری از قاچاق سوخت توفیقاتی داشته‌ایم. ادامه اجرای این قانون باید موکول به برقراری ثبات اقتصادی شود.

تا چه اندازه مشکلات اقتصادی که ما با آن دست به گریبان هستیم را ناشی از مصلحت‌اندیشی بیش از اندازه مجلس می‌دانید؟

بله. هم کوتاه آمدن، هم برداشت غلط مجلس از شرایط که هر بار می‌گویند شرایط خوب نیست. اگر مجلس همان ابتدا جلوی این مسائل را می‌گرفت امروز ما به اینجا نمی‌رسیدیم. آنجا شل می‌گیرند حالا اینجا مکرر انتقاد می‌کنند. خب شما خودتان در ابتدا ضعیف برخورد کردید زمانی که دولت گفت دست ما باز باشد هر مقدار دوست داریم یارانه می‌دهیم. پس این قانون برای

چه بود؟ سر یک کلمه آن بحث می‌شود، مخالف و موافق صحبت می‌کنند و در نهایت رای‌گیری می‌شود اما آخر دولت کار خودش را می‌کند.

بالاخره مجلس یا باید باشد یا نباشد. اگر هست قانونش باید درست اجرا شود. اگر نمی‌شود بیاییم استیضاح کنیم. اینگونه نمی‌شود کشور را اداره کرد. اینکه هر کاری بخواهند بکنند بعد هم همه جا از رهبری مایه بگذارند که آقا فرمودند تعامل، درست نیست. خب آقا تعامل براساس قانون را گفتند یا تعامل بر اساس بی‌قانونی؟

طرح سوال از رئیس جمهور قبلا هم در مجلس مطرح شده بود و با حضور رئیس‌جمهور موضوع در آن زمان پایان یافت، مجددا این روزها بحث سوال از رئیس جمهور سر زبان‌ها افتاده، یک‌بار مجلس تجربه سوال از رئیس جمهور را دارد، فکر می‌کنید این بار با اصلاحاتی که در آیین‌نامه سوال از رئیس جمهور انجام شده، این کار به نحو مطلوب مردم و کشور و نمایندگان انجام شود؟

– ما باید ببینیم که انتظار ما از سوال از رئیس جمهور چیست؟ انتظاری که ما از سوال داریم هیچ‌وقت نباید همان انتظاری باشد که از استیضاح و عدم کفایت سیاسی داریم. ماهیت سوال این است که مسئله‌ای مطرح می‌شود، مجلس حرف خود را می‌زند، رئیس جمهور هم توضیح می‌دهد، مردم هم می‌شنوند و قضاوت نهایی هم با مردم است. یعنی صرفا برخی مسائل روشن می‌شود، چیزی بیش از این نیست و در دور قبلی هم طرح سوال از رئیس‌جمهور خیلی موفق بود، برخلاف نظر برخی‌ها که می‌گویند موفق نبود به نظر من موفق بود.

اگر رئیس جمهور توهین و مسخره کرد نباید گفت مجلس در طرح سوال شکست خورد

دور قبل غیر از اینکه برای اولین‌بار طرح سوال انجام و این تابو شکسته شد، به طور کلی از نظر آگاهی مردم خیلی خوب بود. یعنی مردم خیلی چیزها را فهمیدند. به علاوه باعث اقتدار مجلس شد که رئیس جمهور را احضار کرد و جلسه‌ای شبیه دادگاه تشکیل داد، دادگاهی که قاضی آن مردم‌اند. خب حالا اگر رئیس‌جمهور گاهی بداخلاقی و مجلس را توهین و مسخره کرد، دلیل

نمی‌شود که بگوییم مجلس شکست خورد. یک عده می‌گویند مجلس شکست خورد، احمدی‌نژاد آمد توهین کرد و شما هیچ کاری نتوانستید بکنید. ما چه کار می‌توانستیم بکنیم؟ آیین‌نامه می‌گفت شما سوال خود را در یک ربع مطرح کنید، بعد رئیس‌جمهور حرف‌های خود را در یک ساعت می‌زند ومی‌رود. ما چه کار می‌توانستیم بکنیم؟ نمی‌شد که بیاییم وی را به زور از پشت تریبون پایین بکشیم، مثلا زیر یک خم رئیس جمهور را بگیریم و ایشان را بکشیم پایین. این‌طور که نمی‌شود. یک عده به من انتقاد می‌کنند می‌گویند آقا شما رئیس جمهور را خیلی احترام کردی. اتفاقا کار ما درست بود، باید رئیس جمهور را احترام می‌کردیم. گذشته از این که وظیفه ما بود، ما عمداً این کار را کردیم تا وی خوب برخورد کند اما باز هم رعایت نکرد.

با اصلاح آیین نامه بعید است رئیس-جمهور دوباره هر چه می‌خواهد بگوید

من فکر می‌کردم با این احترامی که ما می‌گزاریم مودبانه به سوالات ما جواب می‌دهد. البته آقای احمدی‌نژاد یک مقدار هم شخصیت خودش را نشان داد ولی خب اگر ما از ابتدا با تندی وارد می‌شدیم و بعد آقای احمدی‌نژاد هم بداخلاقی می‌کرد به حساب ما می‌گذاشتند که شما بد وارد شدید وی هم انتقام گرفت و عکس‌العمل نشان داد. ولی آنگونه که اتفاق افتاد، همه گفتند: مجلس خیلی متین وارد شد اما احمدی نژاد اینگونه برخورد کرد. البته حالا با توجه به اصلاح آیین‌نامه من فکر می‌کنم این بار موثرتر خواهد بود. اولا نماینده‌ها بعد از صحبت‌های رئیس جمهور می‌توانند صحبت کنند و وقت ما از یک ربع به نیم ساعت افزایش پیدا کرده، ضمن اینکه در پایان، رای‌گیری برای قانع شدن یا نشدن مجلس دارد. بالاخره اینها یک مقدار دست و بال رئیس جمهور را می‌بندد و بعید است بتواند هر چه می‌خواهد بگوید.

ترس نمایندگان از سوال ریخته‌است

چقدر احتمال می‌دهید که طرح سوال از رئیس جمهور محقق شود؟

من فکر می‌کنم انجام شود چون یک‌بار انجام شده و ترسی که از سوال داشتند ریخته شده و نمایندگان هم به نظر می‌آید در طرح سوال محکم باشند. حالا نمی‌دانم در طول این یک هفته

چه اتفاقاتی بیفتد. انشاءالله که انجام می‌شود. البته واقعا چیز خاصی هم نیست، یک گفت‌وگوست. رسانه‌ها نباید جنجال برپا کنند.

شما خودتان جزو سوال‌کنندگان هستید؟

بله.

چقدر فکر می‌کنید که امضاکنندگان بر امضای خود باقی بمانند؟ حتی در نطق‌ها و تذکرهای نمایندگان خیلی صریح اعلام می‌شود چنانچه به نتیجه نرسیم بحث استیضاح رئیس جمهور را مطرح می‌کنیم. آیا با طرح سوال یا استیضاح رئیس‌جمهور موافق هستند؟ چون دفعه گذشته در آستانه این کار آمدند بیانیه صادر کردند و این کار را صلاح ندانستند. نظر آقای توکلی درباره طرح سوال از رئیس جمهور چیست؟ آیا با این طرح موافق است؟

آقای توکلی به طور کلی نظرش این است که با سوال از رئیس جمهور ما یک فرصتی به رئیس جمهور می‌دهیم که بیاید مجلس و هر چه دلش می‌خواهد بگوید و چون رئیس جمهور هم معمولا در پاسخگویی عدالت را رعایت نمی‌کند و بسیاری از حرف‌ها را می‌زند، بسیاری از مسائل را به گردن مجلس می‌اندازد. به همین دلیل ایشان می‌گوید در مجموع به نفع مجلس و کشور نیست. وی معتقد است که از ماده ۲۳۳ آیین‌نامه استفاده شود که ۱۰ نفر از نمایندگان امضا می‌کنند که راجع به یکی از وظایف رئیس‌جمهور گزارشی را کمیسیون مربوط به صحن علنی ارائه کند و بعد رای‌گیری می‌شود، اگر نماینده‌ها ایراد را وارد بدانند باید به قوه قضائیه ارجاع شود. البته تا حالا ۳ الی ٤ بار این کار انجام و بعضی مسائل به قوه قضائیه ارجاع شده اما در آنجا بایگانی می‌شود.

تاثیری که سوال دارد هیچ وقت ماده ۲۳۳ ندارد

به نظر من تاثیری که سوال دارد هیچ وقت ماده ۲۳۳ ندارد. حالا اینکه رئیس جمهور می‌آید آنجا هر چه دلش می‌خواهد می‌گوید، اولا با اصلاح آیین‌نامه یک مقدار از آن برطرف و رئیس

جمهور محدود شده است و ثانیا بالاخره مردم حرف‌ها را گوش می‌دهند، می‌فهمند چه کسی دارد حق می‌گوید، چه کسی پا روی حق می‌گذارد.

طرح سوال باعث می‌شود رشد اجتماعی مردم بالا برود. خودشان تشخیص می‌دهند. من معتقدم سوال از رئیس جمهور در نوبت قبل باعث شد چهره دولت آشکارتر شود. آنهایی که دقیق گوش دادند، متوجه شدند. اینها خوب است، هر چه مسائل آشکارتر و روشن‌تر شود، به نفع مردم است.

با توجه به اینکه ۱۰۲ نماینده طرح سوال را امضا کرده و در نطق‌ها و تذکرات خود هم به این نکته اصرار دارند که کسی که قانون را اجرا نمی‌کند باید استیضاح شود، با این تفاسیر آیا ممکن است این افراد قانع نشوند و اقدام دیگری کنند؟

ببینید یک وقت رئیس جمهور می‌آید مودبانه حرف‌های خود را می‌زند، در چنین شرایطی اگر نمایندگان قانع هم نشوند، فکر کنم ادامه ندهند، یعنی موضعی نگیرند. ولی یک وقت رئیس‌جمهور جواب‌های سربالا می‌دهد و احیانا مجلس را مسخره و توهین می‌کند. اگر این گونه باشد من احتمال استیضاح را قوی می‌بینم.

احمدی نژاد به بهمنی گفت به مجلس نرو

در مواردی شاهدیم وزرا اعلام می‌کنند که ما اختیاری از خود نداریم، به طور مثال رئیس کل بانک مرکزی با وجود دعوت‌های مکرر به مجلس نیامد؟نظر شما در این باره چیست؟

بله آقای بهمنی نیامد، یعنی در واقع رئیس جمهور به او گفت نرو. طرح سؤال از رئیس‌جمهور برای همین است، چون وزیر می‌آید اعلام می‌کند من از نظر حقوقی پاسخگو نیستم، رئیس کل بانک مرکزی هم که نمی‌آید، پس باید از رئیس‌جمهور سؤال کرد. این سؤال به نظرم منطقی و بجاست.

افراد استخوان‌داری داشتیم که رئیس‌جمهور آنها را جذب نکرد/ احمدی نژاد دنبال شایسته ترین ها نبود

این نحوه برخورد رئیس دولت با وزرا را ناشی از چه می‌دانید؟

اینها نشانه ضعف اکثر وزراست. آقای احمدی‌نژاد افرادی را انتخاب کرده که راحت باشد و هر کسی هم که در دولت خواست مقداری استقلال نشان دهد بلافاصله حذف شد. یک ایراد مهم به آقای احمدی‌نژاد همین است. وی از همه ظرفیت‌های کشور استفاده نکرد.

ما خیلی افراد استخوان‌داری داشتیم که رئیس‌جمهور آنها را جذب نکرد، عمداً رفت سراغ افراد ناشناخته که صرفا مطیع او باشند. خب این غلط است. یعنی دنبال اصلح و شایسته‌ترین‌ها نبود، دنبال کسانی بود که بیشترین اطاعت را داشته باشند. در واقع رئیس‌جمهور مقامات را خیلی کوچک فرض می‌کند، آن اوایل هم می‌گفت که وزارت مگر چیست؟ وزیر ٦ ماهه همه چیز را یاد می‌گیرد، چیز مهمی نیست.

مجلس هفتم به اشتباه به علی -احمدی رای اعتماد داد، نباید رای اعتماد می-داد

به طور مثال آقای علی احمدی را در وزارت آموزش و پرورش به کار گرفت. وی هم دوره‌ای آقای احمدی نژاد در دانشگاه علم وصنعت بود. حتی یک روز تجربه در آموزش و پرورش نداشت. چنین فردی چه ارتباطی می تواند با وزارت آموزش و پرورش داشته باشد. حالا مجلس هفتم هم به اشتباه رأی داد، نباید رأی اعتماد می‌داد. واقعاً کشور داری این گونه نمی‌شود.

مشکل معلمان حق التدریسی ناشی از دوره وزارت علی احمدی است

مشکل معلمان حق التدریسی و شرکتی ناشی از دوره وزارت آقای علی احمدی است. وی یک عده را برای تدریس در مدارس، بی‌حساب و کتاب به کار گرفت. این افراد هم امیدوار شده و یک حقی برای خودشان قائل شدند، فکر کردند چند سال بعد رسمی می شوند، اما به یکباره بعد از روی کار آمدن وزیر بعدی به آنها اعلام کردند که بروید. حالا چند بار طرح به مجلس آمده که اینها را که پشت در مجلس تجمع می‌کنند استخدام کنید؟ همه برای این است که ما افراد شایسته را به کار نمی‌گیریم. افراد بی‌تجربه را می‌گذاریم در پستهای کلیدی و در نتیجه این مشکلات درست می‌شود.

وزیری که استقلال ندارد استعفا دهد/ وزیر جهادکشاورزی انصافا ضعیف است

استیضاح‌های مکرر در مجلس مطرح شده، از وزیر جهاد کشاورزی تا وزیر صنعت، معدن و تجارت و تا وزیر کشور. با توجه به اینکه ۸-۹ ماه تا پایان عمر دولت باقی مانده چقدر استیضاح‌ها را مناسب می‌بینید، یا معتقدید باید مشکلات در قالب یک سئوال از رئیس جمهور پرسیده شود؟

ببینید، انجام همه این کارها با هم اشکالی ندارد. بالاخره وزیری که هیچ گونه استقلالی از خود نداشته باشد، واقعاً در حد وزارت نیست. همین وزیر جهاد کشاورزی در جلسه مجلس تلویحاً گفت که راجع به قیمت خرید تضمینی گندم من مخالف بودم، حتی جلسه را هم ترک کردم ولی تصمیم نهایی با آقای احمدی نژاد است. نتیجه هم این شد که برای گندم قیمتی گذاشتند که برای کشاورزان صرف نمی‌کرد و می‌گویند بخشی از گندم خوراک دام شد، بخشی هم قاچاق شد، بعد ما آمدیم ۲ و نیم میلیارد دلار گندم وارد کردیم. این جا ما نمی‌توانیم بگوییم وزیر مقصر نیست.

خب اگر واقعاً تا این اندازه دست شما بسته است استعفا دهید، مگر به میز چسبیده‌اید. حالا مگر حتماً باید وزیر باشید، بیایید بیرون. این جا وزیر هم مقصر است، نمی‌شود بگوییم تنها بالا مقصر است. ولی استیضاح وزیر جهاد کشاورزی به تشخیص نمایندگان امضاکننده است که روی استیضاح اصرار داشته باشند یا نداشته باشند. طرح استیضاح را به من هم دادند و اصرار داشتند که شما هم حتماً امضا کنید ولی من چون در متن قضیه نیستم امضا نکردم اما وزیر جهاد کشاورزی با اطلاعاتی که من دارم انصافاً ضعیف است.

نوسانات اخیر بازار ارز و دلار شک برانگیز است

بعضی سیاسیون و نمایندگان مجلس این روزها گفته‌اند مدیریت دولت بر بازار ارز به نوعی با هدف انتخاباتی انجام می‌شود یعنی دولت مدیریتی که هم اکنون در بازار، دلار، سکه و اقتصاد کشور دارد، چشم اندازش به رقابت سیاسی پیش‌رو است،نظر شما در این خصوص چیست؟

واقعیت این است که اینها همه احتمالات است و ما نمی‌توانیم براساس احتمالات قضاوت کنیم ولی مسأله بازار ارز بالاخره یک مقدار مشکوک است، نمی شود قبول کرد که این همه مدت، دولت نتوانست بازار ارز را کنترل کند. چون ۸۰ درصد ارز کشور در اختیار دولت است و وقتی این گونه است قطعاً دولت می‌تواند کنترل کند. نمونه آن هم سال گذشته است که اواخر آبان قیمت ارز رو به افزایش گذاشت و تا اوایل بهمن ادامه داشت و دولت هم کنترلی نداشت اما وقتی تصمیم گرفت شرایط را اصلاح کند، ظرف ۳ روز قیمت ارز را از ۲۰۵۰ به ۱۶۵۰ تومان کاهش داد.

رئیس جمهور دستور داده بود یک ماه ارز به بازار تزریق نشود

نوسانات اخیر بازار ارز و دلار شک برانگیز است. طولانی شدن نوسانات بازار ارز که این اواخر اتفاق افتاد و در شهریور و نیمه اول مهر تشدید شد و اینکه ما اطلاع داریم که آقای رئیس جمهور دستور داده بود در آن یک ماه ارز به بازار تزریق نشود، این‌ها شک آدم را بر می‌انگیزد. این که چرا مرکز مبادلات ارزی را زودتر تأسیس نکردند، برای من خیلی روشن نیست. البته نمی‌شود به طور یقین دولت را متهم کنیم که چنین برنامه‌ای دارد. ولی به طور قطع سوءتدبیر و سوء مدیریت و یا تأخیر در تصمیم‌گیری بوده، یعنی نمی‌توانستند تصمیم بگیرند، بالاخره نقصی در کارشان وجود داشته است.

مشروح مناظره دکتر علی مطهری و دکتر زارعی در برنامه «دیروز،امروز،فردا»

مناظره علی مطهری و علی اصغر زارعی درباره سئوال از رئیس جمهور در شبکه سه تلویزیون برگزار شد.

به گزارش خبرآنلاین، بینندگان مناطره تلویزیونی دو نماینده موافق و مخالف سوال از رئیس جمهور در برنامه «دیروز،امروز،فردا» در یک نظرسنجی نیز شرکت کردند و ۷۹ درصد به گزینه «طرح سوال در جلسه علنی» رای دادند.

علی مطهری در این مناظره زنده تلویزیونی با علی اصغر زارعی که مخالف طرح سئوال از رئیس جمهور در مجلس است اظهارداشت: نماینده مردم باید از حقوق مردم دفاع کند و به عنوان رابط ملت و دولت سئوالات را مطرح کرده و پاسخش را بگیرد.

وی که معتقد است با طرح سئوال از رئیس جمهور «یک نوع تخلیه روانی در جامعه» صورت می گیرد پذیرفت که مقداری مجلس «حساسیت ایجاد کرده» است.

قرار نیست هر سئوالی کردیم جوابی قانع کننده بگیریم

در این مناظره علی اصغر زارعی با اشاره به اینکه طرح سئوال از رئیس جمهور در مجلس هشتم مطرح شده است گفت: این جزو امتیازات جریان اصولگرایی است که اینقدر شفاف عمل کرده و در آن فضایی باز وجود دارد. در دولت های قبلی چنین فضایی وجود نداشت. حتی جاهایی که دولت و مجلس همسو بودند سئوال انجام نشد. سئوال از رئیس جمهور اتفاق عجیب و غریبی نیست و از افتخارات مجلس است. در مجلس نهم شیوه و فضا با متن و محتوای این وظیفه ملاحظاتی ایجاد می کند. در مجلس هشتم خود آقای مطهری یک سال و نیم امضا جمع می کردند تا جایی که در مجلس هشتم خود ما از هیات رئیسه خواستیم طرح سئوال را اعلام وصول کنند.

زارعی در عین حال با بیان اینکه «اجرای سئوال در مجلس هشتم ضررش بیشتر از نفعش بود» افزود: با اینکه شرایط اجتماعی سخت تر شده می توان سئوال کرد اما قرار نیست که هر سئوالی کردیم جوابی قانع کننده بگیریم.

وقتی نرخ ارز بالا رفت و دارایی مردم نصف و یک سوم شد این موضوع درد جامعه و سئوال نمایندگان و مردم است

علی مطهری در پاسخ به زارعی تصریح کرد: بر خلاف نظر آقای زارعی معتقدم در مجلس هشتم سئوال از رئیس جمهور مفید بود و آثار و برکات زیادی داشت. آقای رئیس جمهور از ۱۰ سئوال در ۵ مورد اعتراف کردند که قوانین مربوطه را اجرا نکردند و در۵مورد دیگر موضوع را عوض کردند و پاسخ روشن شد. اینکه مصوبه مجمع تشخیص مصلحت را قانون نمی دانم یکی از این موارد بود.

مطهری با بیان اینکه در سوال دوم از رئیس جمهور «صرفا من رهبری سئوال را نداشته ام» اظهارداشت: دوستان دیگر هم بوده اند. نقطه آغازین سئوال این بود که وقتی رئیس کل بانک مرکزی در مجلس حضور پیدا نکردند و عده ای گفتند به دستور رئیس جمهور نیامده است و وزیر اقتصاد آمد و گفت از نظر حقوقی پاسخگوی مسائل ارزی نیستم و در ضمن صحبت ها نشانی رئیس جمهور را دادند طبیعی است که ذهن نمایندگان به سمت سئوال از رئیس جمهور برود.

وی افزود: وقتی نرخ ارز بالا رفت و دارایی مردم نصف و یک سوم شد این موضوع درد جامعه و سئوال نمایندگان و مردم است و طبیعی است که سئوال مردم را مطرح کنیم. به دنبال این هستیم که روشن شود این مسائل صرفا آثار تحریم هاست یا اینکه سوء مدیریت و تعلل ها هم دخیل بوده است. نباید مردم را نادیده بگیریم باید مردم در جریان امور قرار بگیرند و این از آثار این سئول خواهد بود.

وقتی آقای رئیس جمهور یک مصاحبه انجام دادند فردایش چه بر سر بازار آمد؟!

علی اصغر زارعی در پاسخ به اینکه آیا جایگزین های دیگری برای طرح سئوال داشتید گفت: اول در اینکه [سئوال از رئیس جمهور] به طور قانونی اعلام وصول شد تشکیک داریم. اعلام وصول عجولانه بوده و مطابق آیئن نامه هیت رئیسه نباید جانبدارانه عمل می کرد.

وی با بیان اینکه علاقه نداشته است در این مناظره شرکت کند اظهارداشت: از اول هم موافق نبودم که این موضوعات در رسانه مطرح شود.

وی افزود: حالا که سئوال اعلام وصول شده و من نظرم هست که تشکیک در آن وجود دارد آیا با وضع فعلی تطابق دارد؟ در شرایط سختی که در آن قرار گرفته ایم نمی دانیم تحریم وجود دارد یا آثار سوء مدیریت است.

یکی از اعضای هیات رئیسه گفته ۸ درصد مشکلات به دلیل سوء مدیریت است. می بینید وقتی آقای رئیس جمهور یک مصاحبه انجام دادند فردایش چه بر سر بازار آمد؟!

وی افزود: مردم می دانند چه خبر است. مردم می روند خرید می کنند؛ نمی فهمند چه وضعیت اقتصادی داریم؟! با تجربه قبلی که در دوره قبل هست نباید شرایط را برای مردم سخت تر کنیم.

وی با بیان اینکه یکی از عواملی که در مجلس نهم وجود دارد و عامل کدورت است سئوال در مجلس هشتم است افزود: مگر راهی که در مجلس پیگیری کردیم بد بود؟ مجلس و دولت کمیته مشترکی تشکیل دادند. مگر این بد بود؟

به جای اطاعت از اوامر رهبری نیت خوانی می کنیم

پس از آنکه علی اصغر زارعی نماینده تهران در مجلس گفت که در وصول طرح سئوال توسط هیات رئیسه مجلس تشکیک داریم علی مطهری اظهارداشت: اگر ایرادی به هیات رئیسه وارد باشد این است که چرا هیات رئیسه پس از یک هفته از طرح سئوال از نماینده رئیس جمهور، سئوال را در جلسه علنی مطرح نکرد.

مطهری افزود: انتقادی که به آقای زارعی و دوستانشان داریم این است که اگر میخواهند اعمال نفوذ کنند اما اینکه نظر خودشان را به نظر رهبری نسبت دهند نظر خوبی نیست.

وی افزود: برخی از دوستان که انصراف داده بودند گفتند که به ما گفته اند از نظر آقا اطلاع داریم و اگر [امضایتان را] پس نگیرید اسم شما را در لیست سیاه قرار می دهیم.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در مناظره با علی اصغر زارعی نماینده مخالف با طرح سئوال از رئیس جمهور تصریح کرد: نوع برداشتی که از اصل ولایت فقیه داریم مشکل ما اصولگرایان است.

وی افزود: به جای اطاعت از اوامر رهبری نیت خوانی می کنیم.

مطهری گفت: حتی در جلسه مجلس یکی از دوستان حرف عجیبی زد که حتی انتقاد دوستانشان را هم به همراه داشت و گفت که رهبری با این سئوال مخالفند اما مصلحت نمی دانند.

مطهری تاکید کرد: این جور سخن گفتن جفا در حق ولایت فقیه است.

وی با اشاره به عده ای از نمایندگان که به دنبال لغو سئوال از رئیس مجلس بوده اند گفت: پس گیرندگان[سئوال] به ما مراجعه کردند و گفتند به ما گفته اند که ما از نظر خصوصی رهبری اطلاع داریم و بعد این نظر را تصحیح کردند که منظور ما سخنان رهبری درباره اختلاف قوا بوده است.

رئیس جمهور یک مصاحبه کرد و بازار نگران شد

زارعی در ادامه در پاسخ به علی مطهری گفت: ما نگفتیم رهبری به ما گفتند، ما گفتیم رهبری گفته اند اختلافات نباید منجر به مچ گیری شود. رهبری گفتند اختلافات نباید به میان مردم کشیده شود.

وی با اشاره به نتیجه طرح سئوال از رئیس جمهور گفت: ممکن است یک حرف و رفتار اثر داشته باشد؛ رئیس جمهور یک مصاحبه کرد و بازار نگران شد.

زارعی در ادامه با اشاره به برداشتش از سخنان رهبر انقلاب گفت که ما اینها [سخنان رهبری] را نص می دانیم.

آیا می توانی در خیابان راه بروی؟

مطهری در بخش دیگری از مناظره تلویزیونی خطاب به زارعی گفت: چرا نسبت به معیشت مردم بی تفاوت هستید؟ قیمت پنیر از ۳هزار تومان رسیده به ۱۳هزار تومان. یک روز از آقای کوثری سئوال کردم آیا می توانی در خیابان راه بروی؟ ایشان گفت نه! چرا نسبت به بی ارزش شدن دارایی مردم بی تفاوت هستید؟

مطهری افزود: آقای زارعی اگر مردم درباره اصل ولایت فقیه تصور کنند نظر شما [صحیح است] آیا پاسخی برای قیامت دارید؟

آقای مطهری دارد صف کشی می کند

علی اصغر زارعی با اشاره به اظهارات مطهری درباره حمایت نکردن از معیشت مردم گفت: درباره اینکه ایشان نسبت می دهند چرا بی تفاوت بودید، شما خودتان چه کردید؟ ما در کمیته طرح تحول اقتصادی بودیم. ما فکر می کنیم راه وجود دارد و تنها یک راه وجود ندارد.مگر کمیته مشترک کم اثر داشته است؟ آقای مطهری دارد صف کشی می کند و نسبت هایی به ما می دهد.

وی در پاسخ به آنچه مطهری درباره افزایش قیمت پنیر و اینکه نمایندگان تهران به دلیل مسائل و مشکلات مردم نمی توانند در خیابان راه بروند اظهارداشت: من منزلم وسط شهر است و رفت و آمدم پیاده است و عمده دوستانمان اینگونه هستند.

چرا نظام را موجودی متزلزل می دانید؟!

علی مطهری با اشاره به اینکه به جز او و محجوب دیگر نمایندگان تهران طرح سئوال از رئیس جمهور را امضا نکرده اند اظهارداشت: همه مربوط به حوزه های شهرستان ها می شوند و بر خلاف نظر آقای زارعی طرح سئوال رقابت سیاسی نیست.

وی در پاسخ به بخشی از سخنان زارعی اظهارداشت: تا به حال همچین دولتی نداشته ایم که بگوید قانون را قانون می دانم و اجرا نمی کنم. مگر ما و دولت اختلاف داریم. می گوییم جاهایی قانون رعایت نشده و سوء مدیریت شده است، بحث اختلاف نیست. می گوییم قانون را اجرا نکرده اید.

علی مطهری خطاب به منتقدان طرح سئول از رئیس جمهور گفت: چرا نظام را موجودی متزلزل می دانید. نظام خیلی محکم است. نظام بسته به اعتقاد مردم به اسلام است. همین مردم منتقد در روز ۲۲ بهمن در راهپیمایی شرکت کرده و از انقلاب اسلامی حمایت می کنند. با یک پاسخ رئیس جمهور که نظام به هم نمی خورد.

وی خطاب به علی اصغر زارعی گفت: چرا می خواهید همه چیر را به پستو ببریم. شما که آقای احمدی نژاد را می شناسید که کار خودش را می کند.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به سوء مدیریت هایی که شرایط بد اقتصادی را به وجود آورده است گفت: در نیمه سال۹۰ بانک مرکزی تحریم شد، چرا کاری نکردید؟ مگرمرغ به تحریم مربوط بود؟ اگر به تحریم مربوط بود که باید این مشکل ادامه می داشت.

شگردهایی داریم که اگر مطرح شود دچار مشکل می شویم

زارعی با اشاره به اینکه «با روش هایی توانسته ایم تحریم را دور بزنیم» سخن گفتن رئیس جمهور در این باره را از تریبون مجلس به صلاح کشور ندانست و اظهارداشت: در چند جلسه غیر علنی وزیر اقتصاد و بانک مرکزی موضوعاتی را مطرح کردند. ما شگردهایی داریم که اگر مطرح شود دچار مشکل می شویم.

وی افزود: ما خودمان هم انتقاد داریم. تیم اقتصادی باید پیش بینی های بهتری می کرد و نقش مجلس قابل فراموشی نیست. حاظریم دولت را تضعیف کنیم ولی در مورد مجلس نه. چرا در این شش ماهه مجلس نتوانست یک استراتژی تدوین کند؟

وی با اشاره به مراحل طرح سئوال در مجلس گفت: اگر سئوال مطرح شد، رئیس جمهور هم گفت مقصرم و کوتاهی کردم و خواستیم آن را به قوه قضائیه بفرستیم، آیا این مشکلی را حل می کند؟ برویم مشکل مردم را حل کنیم. ما می گوییم این مشکل را حل نمی کند و موضوع را بدتر می کند.

ما کی رفتیم در پستو؟ این چه ادبیاتی است که آقای مطهری دارد؟ آنهایی رفتند در پستو که قضیه دانشگاه آزاد را مطرح کردند و در قضیه حقوق مادام العمر ما رفتیم مصوبه را لغو کردیم.

هنوز هم مشخص نیست ما به تفاوت قیمت ارز کجا می رود

علی مطهری در این مناظره تلویزیونی با بیان اینکه طرح سئوال از رئیس جمهور باعث می شود دولت دقیق تر عمل کرده و متوجه می شود اگر پایش را کج بگذارد مجلس موجود منفعلی نیست و بسیار مفید خواهد بود تاکید کرد: طرح سئوال در اینکه دولت را در ریل قانون قرار دهد موثر است.

نباید از سئوال بترسیم

مطهری متوقف کردن فاز دوم هدفمند کردن یارانه ها در شرایط بی ثبات اقتصادی را اقدام مجلس در رفع مشکلات مردم در چند ماه اخیر دانست و افزود: همچنین مصوب شد که ما به تفاوت قیمت ارز به خزانه برود و هنوز هم مشخص نیست که به کجا می رود.

وی در پاسخ به سخنان زارعی تاکید کرد: حقوق مادام العمر را که آقای لاریجانی بیشتر تلاش کرد درست شود و اساس آن مال مجلس هفتم بوده است!

علی اصغر زارعی پس از آنکه علی مطهری اظهارداشت«نباید از سئوال بترسیم» گفت: سئوال خیلی مهم نیست، حواشی آن مهم است. کت در آوردن و آماده کردن خود برای دعوا موضوعی است که از برخی اظهار نظرها برداشت می شود.

وی با بیان اینکه ما فرمایش رهبری را نصیحت نمی دانیم گفت: از روزی که این بحث[طرح سئوال از رئیس جمهور] مطرح شده مردم درباره پنیر سئوال نمی کنند بلکه می گویند چرا این فضا را ایجاد کردید، بازار تازه داشت آرام می شد.

علی مطهری با اشاره به بخشی از سخنان زارعی که درباره تعامل با دولت بود گفت: ما از تعامل با دولت چه خیری دیدیم. مجلس برای تصویب قانون روی کلمات بحث می کند ولی بعد رئیس جمهور نظر خودش را اجرا می کند. قرار بود نصف ۲۸ هزار میلیارد تومان به خانوارها پرداخت شود و بقیه در زمینه تولید هزینه شود ولی همه اش به خانوارها داده شد و ای تورم را ایجاد کرد.

وی با اشاره به بعضی استدلال ها درباره ضروری نبودن سئوال از رئیس جمهور گفت: اینکه بگوییم ایشان[آقای احمدی نژاد] آدم جسوری است و شخصیت خاصی دارد پس سئوال نکنیم درست نیست.

مطهری افزود: الان فراکسیون اقلیت مجلس دارد حاشیه درست می کند. شما دارید هیات رئیسه مجلس را متهم به تقلب می کنید. شما در ۸۸ که آن آقایان آن ادعا را کردند علیه آنها اعتراض کردید و الان مثل آنها می گویید. الان این دوستان دارند آشوب می کنند.

وی افزود: آقا[مقام معظم رهبری] اگر نظری داشته باشند به رئیس مجلس پیغام می دهند. ولی این دوستان می خواهند بگویند باید همه تصمیمات مجلس با نظر رهبری باشد و اینگونه این تصویر را بسازند که مجلس در مردمسالاری دینی جایی فرمایشی است.

مطهری خطاب به زارعی گفت: شما دارید به نظام و رهبری ضربه می زنید.

وی در ادامه با بیان اینکه چرا ۳میلیارد دلار از ستاد تدابیر برای پرداخت یارانه ها برداشت شده است در گاسخ به مجری مناظره گفت: سئوال از رئیس جمهور تخصصی است و با دوستان سئوال کننده تاکید داشتیم سئوال صرفا تخصصی است و هیچ کس نباید رئیس جمهور را تحریک بکند. البته این دست ما نیست که رئیس جمهور چه عکس العملی داشته باشد.

آقایان جواب سئوال ها را دارند

در ادامه علی اصغر زارعی برای چهارمین بار در این مناظره تلویزیونی گفت: ما می گوییم این سئوال نفعی برای سفره مردم ندارد.

وی در پاسخ به اینکه سئوال در چه صورت می تواند نتیجه بخش باشد گفت اگر« در چارچوب عمل شود».

وی با بیان اینکه برای تعامل با دولت هر بار که پیش دولت می رویم پل های پشت سر را خراب می کنیم خطاب به مطهری و طراحان سئوال از رئیس جمهور گفت: دوستان باید برگردند و سعه صدر داشته باشند. آقایان جواب سئوال ها را دارند. سئوال برای این نیست که جوابی بگیریم و مشکلی را حل کنیم. به دوستانی که سئوال را با نیت خیر منتشر کرده اند می گویم این بحث برای ما الویت ندارد. اگر در دولت کسی تخلف کرده باید بررسی کرد. من کسی بودم که به یکی از کارمندان متخلف دولت سیلی زدم البته کار خوبی نکردم. الان موقع تسویه حساب نیست.

گفت و گو با علی مطهری درباره آزادی بیان، حجاب و.../ مشائی و احمدی‌نژاد تعصب مثبت و غیرت قشر متدین و حزب‌اللهی را از بین بردند

علی مطهری در بازخوانی میزان آزادی بیان در سه دولت هاشمی، خاتمی و احمدینژاد از نامطلوب بودن این مقوله در دوره سازندگی و دولت دهم، سخن گفت و افزود: در دوره اصلاحات در مجموع، آزادی بیان نمره خوبی می‌گیرد.

او که آزادی بیان در دولت نهم را بهتر از دولت دهم میداند، از برخی اظهار نظرهای احمدینژاد در دفاع از آزادی بیان یاد کرد و گفت: از یک منبع موثق شنیدم که آقای احمدی‌نژاد دو بار درخواست رفع حصر خانگی آقایان موسوی و کروبی را کرده است. ولی بالاخره رئیس‌جمهور به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی، در این زمینه مسوول است. البته آقای احمدی‌نژاد در جاهایی صحبت از دفاع از حقوق مردم و محدود نکردن آزادی آنها داشته و جایی هم گفته ما نمی‌توانیم به بهانه امنیت ملی آزادی‌های مردم را محدود کنیم. این حرف، حرف خوبی بود. مستند به قانون اساسی هم بود ولی خوب ایشان کی این حرف‌ها را زد؟ زمانی که اطرافیان و دوستان خودشان تحت فشار قرار گرفتند، حکم بازداشت آقای جوانفکر صادر شد و بازجویی شد و الان هم که محکوم و بازداشت شده است. گرچه من حکم آقای جوانفکر را سختگیرانه و تا حدی مخالف آزادی بیان می‌دانم. بنابراین تاکید آقای احمدی‌نژاد بر بحث آزادی، دیرهنگام بود. یعنی چون بعد از فشار قضایی بر دوستان‌شان این نکته را طرح کرد، خیلی قابل باور نیست. اگر ایشان در اوج بحران ۸۸، گاهی هم از حقوق زندانیان سیاسی و معترضان دفاع می‌کرد، این حرفشان امروز خیلی قابل باورتر بود.

هفتهنامه نگاه پنجشنبه گفتوگوی مفصلی با علی مطهری منتشر کرده است که گزیده آن را در ادامه میخوانید:

در دوره سازندگی آزادی بیان در حد مطلوبی نبود. حالا شاید این دوره تا حدودی متاثر از سیاست‌های رسانه‌ای حاکم بر دوران جنگ بود اما به هر حال پیشرفت قابل توجهی در موضوع

آزادی بیان نداشتیم. شما حتماً به یاد دارید که روزنامه سلام که روزنامه مخالف و منتقد دولت بود، بعد از یکی دو انتقاد، با تعطیلی مواجه شد و این روزنامه را تحمل نکردند.

آقای خاتمی وعده آزادی‌های فردی و آزادی بیان را می‌داد. در دوره اصلاحات در مجموع، آزادی بیان نمره قابل قبول و خوبی می‌گیرد. در آن دوره فضا باز شد و انتقاد از دولت و مسوولان باب شد و بحث پاسخگو بودن مسوولان در برابر مردم مطرح شد. خود رئیس‌جمهور هم سعه صدر نشان می‌داد؛ اگرچه برخی روزنامه‌ها در این موضوع افراط کردند و گاهی به ارزش‌های دینی تاختند و بعضاً آزادی بیان را به معنی بی‌بند و باری تلقی کردند که این هم از نقاط ضعف آن دوره است.

در دولت نهم هم آزادی بیان در حد قابل قبولی بود. دستگیری چندانی نداشتیم و شخص رئیس‌جمهور هم از نظر تحمل انتقادها در آن دوره نمره خوبی می‌گرفت. اما بعد از انتخابات سال ۸۸ فضا بسته شد آن هم به شدت. در حالی که بنده معتقدم نیازی به این همه سختگیری و بستن فضا نبود. این فضای بسته تا امروز هم ادامه پیدا کرده. البته از شدتش کاسته شده ولی خب باز هم در حد مطلوب نیست و ترس بی‌جایی از باز بودن فضای رسانه‌ها همچنان وجود دارد و به نظر من تحمل دولتمردان و شخص رئیس‌جمهوری هم نسبت به انتقادات کمتر شده است

در مورد خود من چهار تا شکایت صورت گرفته یکی از طرف معاون اول رئیس‌جمهور، و سه تای دیگر از طرف خود رئیس‌جمهور که معاونت حقوقی رئیس‌جمهور این شکایت‌ها را به جریان انداخته است. در حالی که حرف بنده صرفاً انتقاد بود ولی آنها این انتقاد را توهین و افترا تلقی کردند. وقتی قرار باشد از انتقاد، چنین برداشت‌هایی صورت بگیرد، فضا بسته می‌شود. در حالی که توهین و افترا در قانون مجازات اسلامی تعریف خاص خودش را دارد. توهین آن است که در آن فحاشی بوده و از الفاظ رکیک استفاده شود و افترا یعنی اینکه شما جرمی را به کسی نسبت بدهید در حالی که مرتکب آن نشده باشد. ولی الان خیلی راحت انتقاد، توهین و افترا قلمداد می‌شود.

اینکه قدرت در یک جایی به وجود بیاید و متمرکز شود و هیچ نظارتی بر آن وجود نداشته باشد، همیشه خطرساز است. این جمله مشهور را شنیده‌اید که مطبوعات رکن چهارم دموکراسی است. این، حرف درستی است و مطبوعات در واقع همیشه قدرت را کنترل می‌کنند. در همه حکومت‌ها قدرت در دست دولت متمرکز است و قدرت متمرکز هم فسادآور است مگر در مورد معصومین و افراد ویژه‌ای که از نظر تربیتی و روحی ساخته شده باشند. در بعضی از کشورهایی که از نظر آزادی در سطح خوبی قرار دارند گاهی یک خبرنگار، یک وزیر را از مقامش عزل می‌کند. اگر آن وزیر مرتکب اشتباه یا تخلفی شده باشد، خبرنگار آن را رسانه‌ای می‌کند تا وزیر مجبور به عذرخواهی و حتی استعفا شود. برخلاف کشور ما که مرسوم نیست بابت اشتباهات عذرخواهی کنند یا استعفا بدهند در آنجا وقتی تخلفی افشا می‌شود، عذرخواهی می‌کنند و استعفا می‌دهند. همین چند سال پیش بود که در آلمان یکی از وزرا با هزینه دولتی سفری به امریکا کرده بود و خبرنگاری این موضوع را افشا کرد و همین باعث شد آن وزیر استعفا بدهد و برکنار شود.

اگر در جایی ظلمی اتفاق می‌افتد باید بنویسیم تا از تکرار آن جلوگیری شود. آنها باید توضیح بدهند. اقتدار نیروی انتظامی به جای خود. البته اینکه بخواهیم بی‌جهت آن را تضعیف و تحقیر کنیم، کار درستی نیست و هیچ دولتی هم این اجازه را نمی‌دهد. ولی کسی که مورد ظلم واقع شده باید بتواند حرفش را بزند. وقتی این موارد گفته نمی‌شوند، ادامه پیدا می‌کنند ولی وقتی گفته شود از ادامه آن ظلم جلوگیری می‌شود.

مقدس بودن، به معنی غیرقابل انتقاد بودن‌شان نیست. امیرالمومنین(ع) هم مقدس است اما خود ایشان می‌گویند به من انتقاد کنید؛ چه در خفا و چه در علن. می‌فرمایند با من مثل سلاطین صحبت نکنید و حرفتان را راحت بزنید. ما نباید مسائل را با هم خلط کنیم. حتی نیروی انتظامی تا زمانی که از امنیت مردم دفاع می‌کند در جایگاه خوبی قرار دارد ولی این دلیل نمی‌شود که به نیروی انتظامی هیچ انتقادی نشود. این تابوها باید شکسته شوند. شما اگر جایی احساس کنید، سپاه، نیروی انتظامی یا ارتش، تخلفی انجام می‌دهند، اگر این تخلفات کتمان شود، فساد را به

دنبال دارد. این موارد باید گفته شود. کسانی هم که این موارد را ذکر می‌کنند، خیرخواه این نهادها هستند. سخن صریح امام خمینی است که نیروهای نظامی نباید در امور سیاسی دخالت کنند، با این حال همین چند روز پیش از آقای جعفری فرمانده سپاه پرسیده بودند که آیا اصلاح‌طلب‌ها می‌توانند در انتخابات شرکت کنند؟ ایشان پاسخ داده بود که اگر چنین و چنان باشد می‌توانند. در حالی که ایشان اصلاً باید بگوید این موضوع به من ارتباطی ندارد. نباید وارد سیاست شوند. نباید وارد حوزه اقتصاد شوند. چنین مواردی فسادآور و موجب تفرقه در نیروهای نظامی است. کسی که چنین حرفی بزند در واقع خیر نیروهای نظامی را می‌خواهد و نباید بگوییم حرف زدن درباره این مراکز و نهادها ممنوع است. البته روشن است که انتقاد دلسوزانه و خیرخواهانه با تخریب و تضعیف متفاوت است و مردم هم فرق این دو را می‌دانند. به نظر من ما نباید بت‌سازی کنیم.

در اسلام گفته شده خرید و فروش کتب ضلال حرام است. کتب ضلال چه هستند؟ کتاب‌هایی که به اصطلاح بر اساس دروغ و تهمت و فریب نوشته شده باشند .البته تعریف از کتب ضلال یک امر نسبی است. مثلاً خیلی از کتاب‌های کمونیستی یا کتاب‌های بهائیان یا وهابیان برای مردم عادی جزء کتب ضلال به شمار می‌رود ولی همین کتاب‌ها را استاد مطهری باید داشته باشد و بخواند. در مواردی مدعی‌العموم هم می‌تواند وارد عمل شود و حکم صادر کند. مثلاً اگر کتابی منتشر شود و یکی از مراجع تقلید بگوید این اثر حاوی سبّ نبی یا توهین به ائمه است، همین حرف می‌تواند معیاری باشد برای ضاله بودن آن کتاب.

درباره موسیقی یک مطلب مورد اتفاق همه فقهاست و آن این که مرز حرمت موسیقی، غنا است و غنا در جایی است که خفت عقل ایجاد شود. ممکن است بگویید این خفت عقل برای افراد مختلف متفاوت است و یک امر نسبی است. شاید منظور امام(ره) هم همین بوده است.

باید مرز آزادی بیان را بدانیم و آن دروغ و نیرنگ و فریب است. همین طور است درباره آزادی احزاب. شهید مطهری گفته‌اند در جمهوری اسلامی حتی احزاب غیراسلامی هم حق حیات دارند و می‌توانند آزاد باشند. ایشان توضیح می‌دهد که اگر این احزاب با شعار خودشان، با

تابلوی خودشان و با صداقت جلو بیایند و نیرنگی در کار نباشد می‌توانند حرفشان را بزنند. از آن طرف هم علمای ما حرفشان را می‌زنند و مردم هم قدرت تشخیص دارند و حرف دو طرف را می‌شنوند و می‌فهمند این طرف اسلام است و آن طرف مکتبی که به وجود خدا اعتقاد ندارد و تفکر مادی بر آن غالب است. مردم در چنین شرایطی قدرت انتخاب دارند.

شاید وجه اشتراک من با اصلاح‌طلبان همین تاکید بر آزادی بیان باشد و وجه اختلافم با آنها در همین حوزه آزادی‌های اجتماعی است. از آن طرف هم وجه اختلاف من با اصولگرایان بحث آزادی بیان است که به نظرم آنها اهمیت لازم را به این موضوع نمی‌دهند و وجه اشتراکم با آنها در زمینه آزادی‌های اجتماعی و مسائل فرهنگی است و در اینجا به آنها نزدیک می‌شوم. بنابراین بنده نه اصولگرا به حساب می‌آیم و نه اصلاح‌طلب و خلاصه [با خنده] معلوم نیست چی هستم. یا شاید بهتر است بگوییم هم اصولگرا هستم و هم اصلاح‌طلب. اما بالاخره اسلام دینی است که برای زندگی انسان برنامه دارد، احکامی دارد. برای کوچک‌ترین کارهای انسان تکلیف را معین کرده، در همه شئون زندگی انسان دخالت کرده، درباره نوع لباس پوشیدن، نوع رفتار انسان، درباره حتی نگاه کردن، غذا خوردن و... حکم دارد. این احکام برای اجرا کردن تشریع شده‌اند و اتفاقاً یکی از جاذبه‌های اسلام هم همین است که برنامه دارد. یک وقتی ما به کانادا رفته بودیم و در آنجا با استاد دانشگاهی ملاقات داشتیم، ایشان بسیار به اسلام تمایل داشت و وقتی علت را جویا شدم و پرسیدم چه چیز اسلام شما را تا این حد جذب کرده، گفت یکی اهمیتی که اسلام تا این حد برای عقل قائل است و دوم، برنامه‌ای که اسلام برای زندگی انسان‌ها دارد و اینکه شما برای هر کاری برنامه‌ای و دستوری دارید.

این غلط است که ما بخواهیم چادر را اجباری کنیم. مقصود بنده از حجاب، حداقلی است که اسلام خواسته و اینکه زن به جز وجه و کفین، به شکل پوشیده‌ای بیرون بیاید به گونه‌ای که فلسفه حجاب تامین بشود و به هرحال زن به گونه‌ای از منزل خارج شود که محرک نباشد و جامعه محل کار و تلاش باشد نه محل التذاذات جنسی. هدف اسلام این بوده است. حالا این

پوشش به هر نحوی می‌تواند تامین شود. اتفاقاً بنده معتقدم هیچ وقت در جمهوری اسلامی در این زمینه فشاری اعمال نشده و با تساهل و تسامح در این زمینه رفتار شده.

ما در اسلام تجسس نداریم. یک خانم و آقایی که دارند با هم می‌روند، اصلاً به ما ربطی ندارد که چه نسبتی با هم دارند. عکس آن هم صادق است، یعنی اگر زن و شوهری با هم باشند اما هیات آنها طوری باشد که با عرف و قانون همساز نباشد ما حق تذکر دادن داریم. به هر حال اینجور سختگیری‌ها سیاست نظام نبوده است. گاهی بد عمل می‌شود. مثلاً می‌گویند بریزید توی این پاساژ و بگیرید و ببرید. این روش درست نیست و ربطی به نظارتی که عرض می‌کنم، ندارد.

مساله حجاب جنبه‌های مختلفی دارد، یکی‌اش جنبه سیاسی است. یکی‌اش جنبه رقابت بین خود خانم‌هاست که مساله کوچکی نیست. خانم‌ها با هم رقابت دارند. یعنی اگر ببینند یک خانمی پوشش نامناسبی دارد و با نمایش بخش‌هایی از بدنش مورد توجه قرار گرفته، ممکن است بعضی از خانم‌ها بگویند خب چرا ما این کار را نکنیم. در این صورت دیگر نمی‌توانیم چنین وضعی را جمع و جور کنیم.

فرض کنید ما مطمئن باشیم که با اختیاری شدن حجاب فقط بعضی از خانم‌ها روسری‌شان را برمی‌دارند اما بقیه بدنشان پوشیده می‌ماند، ممکن است فرضا بگوییم، خب این اشکالی ندارد، اما واقعیت این است که اختیاری شدن حجاب به حذف روسری محدود نمی‌ماند.

{درباره شایعه مخالفت شهید مطهری با اجباری شدن حجاب} نه، مخالف نبودند. وقتی ایشان شهید شدند، کاغذی از جیبشان بیرون آوردند که در آن، کارهایی را که با امام داشتند نوشته بودند از جمله اینکه نوشته بودند: «موقوف شدن مساله حجاب به استقرار نظامات اسلامی». شاید ایشان قصد طرح این مساله را با امام داشتند یا در همان روزها طرح کرده بودند.

همین که آدم صداقت داشته باشد، مردم او را دوست خواهند داشت. البته در مسائل فرهنگی، من معتقدم که آقایان مشائی و احمدی‌نژاد تعصب مثبت و غیرت قشر متدین و حزب‌اللهی را

از بین بردند، کاری که آقای خاتمی نمی‌توانست انجام دهد، چون اینها به نام حزب‌اللهی وارد شدند.

علی مطهری در گفتگو با مشرق:حزب اللهی بودن افتخار است/ هاشمی کاندیدا شود

مشرق: شما بیشتر خودتان را یک چهره فرهنگی می دانید یا سیاسی ؟! در واقع فکر می کنید مردم بیشتر شما را با چه چهره ای می شناسند؟

مطهری: تا قبل از ورود به مجلس چهره من بیشتر فرهنگی بود و در مواردی که مرا به دانشگاه ها و مراکز سپاه و غیره دعوت می کردند به عنوان یک چهره فرهنگی دعوت می کردند اما بعد از ورود به مجلس، وجه سیاسی‌ام بر وجه فرهنگی چربیده است و الان به من بیشتر به عنوان یک چهره سیاسی نگاه می کنند .

مشرق: پس اعتقاد دارید که الان یک چهره سیاسی هستید ؟!

مطهری: بله سیاسی شده ام.

مشرق: این چهره سیاسی از دید مردم اصولگراست یا اصلاح طلب ؟!

مطهری: فکر می کنم به عنوان یک چهره سیاسی مستقل نگاه می کنند که نه اصولگراست و نه اصلاح طلب و به یک معنی هم اصول گراست هم اصلاح طلب.

مشرق: شما در مجلس عضو کدام فراکسیون هستید ؟

مطهری: من عضو هیچ کدام از این دو فراکسیون نیستم (رهروان ولایت و اصولگرایان) اما خب به رهروان نزدیک تر هستم.

مشرق: یعنی در رهروان عضویت ندارید ؟!

یادم نمی آید که امضاء کرده باشم ولی شاید همان اوایل امضا کرده باشم .

مشرق: یعنی واقعا یادتان نیست که فرم عضویت در فراکسیون رهروان را امضا کرده اید یا نه ؟

مطهری: یادم نیست. یک فرمی بود از طرف فراکسیون رهروان ولایت که در آن نوشته شده بود خواهان عضویت در کدام کمیسیون هستید. نمی‌دانم این به معنی عضویت است یا نه. ولی به هر حال عضو نیستم.

مشرق: صحبتهایی هم وجود داشت که خودتان قصد دارید یک فراکسیون راه بیاندازید ؟!

مطهری: بله. می خواستیم فراکسیونی به نام صدای ملت راه بیاندازیم منتها من احساس کردم ممکن است سبب تضعیف فراکسیون رهروان ولایت بشود . لذا فعلا دست نگه داشته‌ایم. ولی شاید این کار را بکنیم .

*ناخودآگاه مبانی فکری شهید مطهری را مطرح می کنم!

مشرق: موتیوِ نگاه فرهنگی شما در مقولاتی مثل آزادی بیان، مثل رسانه و حجاب دقیقاً چیست؟ و فکر می کنید نظریات شما در قبال این مسائل نشأت گرفته از کجاست و به چه فکری نزدیک تر است ؟

مطهری: ببینید ، بخش اعظم تفکر من متاثر از تفکر شهید مطهری است. حتی به طور ناخودآگاه مبانی فکری ایشان را بیان می کنم .

مشرق: چگونه ممکن است که به صورت ناخود آگاه این فکرها را مطرح می کنید ؟

مطهری: برای اینکه از همان ابتدای شهادت ایشان تا به امروز، همیشه در حال تدوین یا کار کردن روی آثار ایشان بوده‌ام و هرجا که خواسته‌ام وارد یک مسئله فکری و فرهنگی بشوم به طور طبیعی و گاهی ناخودآگاه آن معانی در ذهنم زنده می‌شود و همانها را دنبال می‌کنم. لذا نگاه من به مسئله آزادی بیان، حجاب، رسانه و مانند اینها بیشتر ناشی از تفکر شهید مطهری است.

مشرق: اگر بخواهیم وارد مثال شویم در حال حاضر به نظر شما وضعیت حجاب در جامعه چگونه است؟ به هرحال ما تنها کشور اسلامی هستیم که برخی زنان در آن قسمتی از موهای

خود را عیان می‌کنند و این مسئله مشهور است. با توجه به نگاه شهید مطهری این مسئله را چطور ارزیابی میکنید؟

مطهری: ببینید مسئله حجاب و پوشش اسلامی در کشور ما، اگر تمام شهرها و روستاهای ایران را در نظر بگیریم، در مجموع نمی توانیم بگوییم وضعیت نامطلوبی دارد و می‌توان گفت خوب است. آنچه که مقداری وضعیت را ناخوشایند کرده برخی موارد ناهنجاری است که در بسیاری از شهرهای بزرگ خصوصا تهران دیده می شود .

یعنی شما مثلا در خیابان که حرکت می کنید، در مجموع وضعیت آنچنان اسفناک نیست، اما یک مرتبه به موردی برخورد می کنید که احساس می کنید در اروپا هستید. معتقدم برای این موارد تدبیر مناسبی نشده و البته ریشه اصلی آن را هم این می دانم که افرادی که سهل انگار در مسئله حجاب هستند احساس کرده‌اند که شکافی در درون حاکمیت نسبت به این موضوع وجود دارد .

مشرق: از چه زمانی به این احساس رسیدند به نظر شما؟ آیا منظورتان دولت آقای احمدی نژاد است. یعنی فکر می کنید قبل از این نبوده ؟

مطهری: بله. در دوره ایشان . در دوره اصلاحات به شکل دیگری بود . در دوره آقای احمدی نژاد، این افراد احساس کردند که دولت نسبت به این موضوع جدی نیست، قائل به تسامح و تساهل است و این امر را اساساً مهم نمی داند و قائل به نظارت بر آن نیست و از طرفی بخش دیگر حکومت مصمم است که حتما بر این مسئله نظارت کند و حداقلِ پوشش اسلامی در جامعه رعایت شود .

مشرق: یعنی شما می‌گویید این بدحجابی‌هایی که بعضاً دیده می شود، اتفاقی است و ناشی از تصور بروز دوگانگی است ؟

مطهری: بله. همه گیر نیست و این طور نیست که نهضتی در کشور علیه حجاب وجود داشته باشد. ولی خب به هر حال در شهرهای بزرگ به موارد ناهنجار، زیاد بر می‌خوریم و این بالاخره

یک معضل است و عرض کردم که ریشه آن بیشتر در همین است که عده ای احساس می‌کنند حکومت در این مسئله دو بخش شده و دچار اختلاف است .

یعنی در واقع آن چراغ سبزها و علامت‌های مثبتی که از طرف دولت به اینها داده شده خود به خود این افراد را به این وضعیت تشویق و تشجیع کرده و البته با توجه به سخنان رئیس جمهور به نظر من حق هم دارند .

مشرق: همین بد حجابها ؟!

مطهری: بله. از این نظر حق دارند که مثلا حدود سه سال پیش آقای رئیس جمهور در مصاحبه زنده تلویزیونی وقتی راجع به اجرای قانون عفاف و حجاب از ایشان سوال شد، گفتند که اصلا چنین چیزی (نظارت بر مسئله حجاب) وظیفه دولت نیست، فقط باید کار فرهنگی بشود و کار نیروی انتظامی را هم زیر سوال بردند .

در موارد دیگری هم ایشان علامت هایی دادند. از همه مهمتر در روز سوال مجلس از رئیس جمهور بود که یکی از سوالات درباره همین موضوع بود . شما حتما دیدید که ایشان در پاسخ به این سوال گفتند که "اینقدر گیر ندید، بذارید جوونا خوش باشن ... مگه خود شماها گناه نمی کنید ؟ ... واعظان کین جلوه در محراب و منبر می کنند ...". خب وقتی رئیس جمهور یک کشوری چنین حرف‌هایی بزند، فردی که در مسئله حجاب سهل انگار است طبیعی است که تشویق می شود. من شخصاً معتقدم تا وقتی که این دولت بر سر کار است ...

مشرق: منظورتان ۸- ۹ ماه آینده است ؟

مطهری: هر طور که اتفاق بیفتد، کار اساسی در این زمینه نمی‌توان کرد.

مشرق: تحلیل شما از وضعیت فعلی سینمای ایران چیست؟

مطهری: (تفکر طولانی...) در سینمای ما برخی فیلم های فاخر ساخته شده است مثل فیلم ملک سلیمان یا فیلم حضرت مریم. از آن طرف، فیلم هایی که صرفا برای سرگرمی ساخته می شوند و گاهی پیام منفی دارند کم نیستند.

مشرق: آن فیلم های فاخری که اشاره می کنید، درصد فراوانیشان چقدر است ؟ آنقدر هست که به سینمای ما اعتبار بدهد؟

مطهری : خیر، خیلی کم است .

مشرق: دلیلش را چه چیزی می دانید ؟

مطهری: من فکر می کنم عملکرد وزارت ارشاد زیاد خوب نبوده و فیلمسازان را در مسیر درست، خوب هدایت نکرده. نگاه فرهنگی لیبرالی آقایان مشائی و احمدی‌نژاد هم بر ارشاد تحمیل می‌شود و گاهی وزیر از خود اختیاری ندارد.

مشرق: یعنی اعتقاد دارید تقصیر در این زمینه متوجه دولت است ؟

مطهری: بله. در مجموع تقصیر از مدیریت ضعیف ارشاد است. در دوره اصلاحات، آنها یک تفکر خاص داشتند و قائل به بسیاری از خطوط قرمز نبودند. خب، در آن دوره ما توقع زیادی هم نداشتیم ولی در این دوره به عنوان یک دولت اصولگرا و حزب‌اللهی توقع مردم چیز دیگری بود اما این دولت تقریبا در همان مسیر دولت اصلاحات و گاهی بدتر حرکت می کند.

مشرق: منظورتان محتوای فیلم هاست ؟

مطهری: بله. منظورم محتوای فیلم هاست و ریشه را هم این می دانم که فیلمنامه‌ها در همان ابتدا که می خواهند به تصویب برسند، آنچنان مورد دقت و ریزبینی قرار نمی گیرند. معمولاً خلاصه و طرح فیلمنامه تصویب می شود اما آنچه که در نهایت ساخته می شود گاهی ۵۰ درصد با طرح کلی متفاوت است.

مشرق: و شما این را ناشی از مدیریت می دانید ؟!

مطهری : بله . این ناشی از مدیریت است . ضمن اینکه نظارت در حین ساخت هم وجود ندارد.

یعنی اصلاً گاهی فیلم یک چیز دیگری می شود و بعد که ساخته می شود می گویند: خب حالا که ساخته شده و مثلاً ۳ میلیارد تومان هزینه شده، حیف است که نمایش داده نشود. حالا بیایید یک نمایش محدود بدهید تا خرج خودش را دربیاورد. چون بالاخره تهیه کننده باید دیون خودش را پرداخت کند .

ما دائما با این پدیده مواجه هستیم. لذا می بینید فیلم هایی که هیچ پیام و ایده ای در آنها نیست یا پیام منفی دارند زیاد می شوند. مثلا اخیرا فیلمی ساخته شد که حوزه هنری از اکران آن در سینماهای خود خودداری کرد. در این فیلم این طور القا می‌شود که اگر مردی همسر دوم اختیار کرد، همسرش حق دارد با مرد دیگری رابطه نامشروع برقرار کند، درست خلاف نظر اسلام . معلوم است که نظارت درستی بر فیلمنامه اعمال نشده است.

مشرق: در موقعیت فعلی فکر می کنید کسی در کشور باشد که افکار و آرای او شباهت زیادی با شهید مطهری داشته باشد ؟

مطهری : (تفکر طولانی...) سوالات سخت می پرسید (با خنده...)

مشرق: خب، آمده ایم سوال سخت بپرسیم!

مطهری: (تفکر طولانی...)

مشرق: یعنی شما اگر الان بخواهید کتاب های شخصی را به عنوان بدیل شهید مطهری به من معرفی کنید کتاب های چه کسی را معرفی می کنید ؟ توصیه می کنید حرفهای چه کسی را گوش کنیم ؟

مطهری: من یک شخصیتی که جامعیت شهید مطهری را داشته باشد، سراغ ندارم راستش را بخواهید. ولی کسانی را که در بعضی جهات شبیه ایشان هستند, داریم.

مشرق: مثلا چه کسانی ؟!

مطهری: مثلا خود رهبر انقلاب در بحث بیداری اسلامی و نوع نگاه به دنیای اسلام و نگاه فرهنگی به جامعه و تأکید بر سبک زندگی اسلامی. ایشان وقتی راجع به بیداری اسلامی صحبت می کنند، من خیلی به یاد مطالب شهید مطهری و سید جمال‌الدین اسدآبادی می افتم . همان نگاه را دارند .

مشرق: الان اگر شما بخواهید به کسی چند کتاب را برای مطالعه توصیه کنید ، چه کتابهایی را معرفی می کنید ؟

مطهری: (تفکر طولانی...)

مشرق: آخرین کتابی که خودتان با علاقه خواندید چه کتابی بوده ؟

مطهری: راستش را بخواهید، من از وقتی وارد عالم سیاست شده ام فرصت نمی کنم که زیاد کتاب بخوانم و بیشتر وقتم صرف خواندن گزارشات و ... می شود .

مشرق: فکر می کنید چه تفکری شهید مطهری را به شهادت رساند؟ به هر حال ایشان قلب تپنده تفکر و فرهنگ انقلاب ما بودند . دشمنان این تفکر را شهید کردند. آنهایی که این کار را کردند چه تفکری داشتند ؟

مطهری: آن کسانی که ایشان را ترور کردند در واقع تفکرشان این بود که باید اسلام را باب طبع روز کنیم برای اینکه بهتر بتوانیم نسل جوان را جذب کنیم . آنها روحانیت را به عنوان کارشناس رسمی دین قبول نداشتند و خودشان را در شناخت اسلام خودکفا می‌دانستند.

مشرق: یعنی گروهک فرقان اینگونه فکر می کرد؟

مطهری: بله. منتها باب طبع روز در آن زمان یک چیز بود و امروز یک چیز دیگر است. آنچه که آن روز مورد توجه انقلابیون و دانشجویان بود مباحثی مثل مارکسیسم بود که علم مبارزه معرفی می شد . آنها می گفتند ما ضمن اینکه اسلام را قبول داریم، مارکسیسم را هم به عنوان علم مبارزه می پذیریم لذا یک مکتب التقاطی درست کردند و قرآن را هم بر اساس یافته های

مارکسیستی خودشان تفسیر می کردند، تفسیر طبقاتی می کردند و بالاخره مبارزه شهید مطهری با این تفکر سبب شهادتشان شد . بر خلاف آنچه که مشهور است که فرقان یک گروه متحجّر و خوارج صفت بود، فرقان اتفاقا یک گروه روشنفکر بود که نهاد روحانیت را از اساس قبول نداشت. البته بعضی ویژگی های خوارج مثل تعصب و کوردلی و تصلّب در اینها بود اما اینکه بگوییم اینها از نظر تفکر هم مثل خوارج بودند؛ خیر، اینطور نبود.

شهید مطهری کل حرفشان این بود که باید به اسلام به عنوان یک مکتب و یک کل تجزیه‌ناپذیر نگاه کرد و باید به اسلام اعتماد داشت و فکر نکنیم که اسلام برای حل معضلات اجتماعی کافی نیست و باید از مکاتب دیگر کمک بگیریم و یک مکتب جدید بسازیم .

اما امروز آن حرف های فرقان به شکل‌های دیگری مطرح می شود .

مشرق: یعنی می خواهید بگویید آن تفکر همچنان ادامه دارد ؟!

مطهری : بله. به اشکال دیگری . مثلا همین بحث مکتب ایران که آقای مشایی مطرح می کند، این خودش انحراف است و انحراف بزرگی هم هست . استدلال‌شان این است که چون از اسلام برداشتهای مختلفی مثل برداشت القاعده و طالبان می‌شود، ما نباید از مکتب اسلام بگوییم بلکه باید از مکتب ایران و حداکثر از برداشت ایرانی از اسلام بگوییم، یا باید به جای اسلام از توحید و عدالت و آزادی و عشق به انسانها بگوییم تا دنیا بپذیرد. همان کاری که آقای احمدی‌نژاد در نطق‌هایش انجام می‌دهد. این هم به شکلی باب طبع زمان کردن اسلام است.

*تفکر انحرافی ناشی از مشایی است

مشرق: شما لفظ انحراف را به کار بردید. یعنی به آن معتقد هستید ؟

مطهری: من تفکر انحرافی را قبول دارم و می گویم ناشی از آقای مشایی است و آقای احمدی نژاد هم چون تحت تاثیر مشایی است در حال ترویج همان تفکر است.

تفکر انحرافی وجود دارد ولی اینکه یک گروه انحرافی به عنوان حزب و جریان سیاسی وجود داشته باشد این چندان برای من روشن نیست اما آن چیزی که مسلم است این است که یک تفکر انحرافی وجود دارد.

شاید خیلی از مردم ما توجه نکنند اما این حرفهایی که اقای احمدی نژاد می زند؛ مثلاً می گوید ما بیاییم توحید، آزادی و عشق را ترویج کنیم و اسلام هم همین است و مسیحی ها و یهودیها هم همین را می گویند؛ این حرف بسیار خطرناکی است و چون رئیس جمهور این حرف را می زند ما عکس العمل نشان می دهیم والّا اگر کس دیگری بود مهم نبود . این مسائل خیلی مهم است و شاید بیش از همه آیت الله مصباح به این خطر توجه کرد . البته به نظر من ایشان هم دیر اعلام‌نظر کردند.

مشرق: که گفتند انحراف از فتنه خطر ناک تر است ؟

مطهری: بله. به نظر من ایشان بیش از همه به این مسئله توجه کردند و این، توجه درستی هم هست.

مشرق: شما چه اعتقادی دارید؟ فکر می کنید فتنه خطرناک تر است یا انحراف؟

مطهری : راستش را بخواهید من معتقدم فتنه را همه با هم ساختیم. البته اگر منظورتان فتنه خارجی است ...

مشرق : خیر. منظورم دقیقا فتنه داخلی است.

مطهری: من اصلا قائل به فتنه داخلی نیستم.

مشرق: فکر می کنم این صحبت را برای اولین بار باشد که مطرح می کنید ؟!

مطهری: نه، قبلا هم گفته‌ام، قائل به فتنه‌ای که قبلا طراحی شده باشد نیستم، بلکه مجموع عملکرد طرفین، فتنه را آفرید. این طور نبود که یک گروه منسجمی به دنبال براندازی نظام بودند. به طور کلی غیر از گروه‌هایی مثل پژاک و منافقین، گروه برانداز نداریم.

مشرق: عمل عده ای به نسخه های بر اندازی خارجی را آیا فتنه نمی دانید ؟

مطهری: این مطلب ثابت نشده! معتقدم که خیلی از اینها را خود ما هُل دادیم و برانداز کردیم.

مشرق: سوال من این است که شما این رخدادها را فتنه می دانید ؟!

مطهری :بله فتنه می‌دانم اما نه فتنه طراحی شده از قبل، بلکه مجموع عملکرد آنها و برخی از مسئولان، فتنه را ایجاد کرد.

مشرق: پس یعنی شما لااقل یک تعریف از فتنه برای خود دارید .این تعریف را برای ما بگویید.

مطهری: فتنه، همان‌طور که در نهج البلاغه آمده، در جایی است که حوادث اجتماعی به گونه ای شود که حق و باطل با هم مخلوط شوند و تشخیص حق از باطل مشکل باشد. غبار فضا را بگیرد به گونه ای که انسان متوجه نشود چه می گذرد. مثل یک میدان جنگ که دو جنگاور با هم می جنگند و گرد و غبار بلند می شود و مشخص نیست چه کسی پیروز است. باید صبر کرد تا گرد و غبار بخوابد آنگاه بفهمیم کدامیک پیروز شده اند ؟

فتنه به این معنی را قبول دارم و معتقدم که در سال ۸۸ هم اتفاق افتاد. یعنی فضای سیاسی غبارآلود شد و خیلی ها واقعاً نمی توانستند تشخیص بدهند که حق با کدام طرف است . به هر حال قائل به فتنه گر داخلی نیستم. رهبری هم یک بار فرمودند «این که می‌گوییم سران فتنه، منظور افراد داخلی نیستند.» من معتقد نیستم که کسانی از ابتدا با همین نیت آمده بودند . بلکه می گویم ما آنها را به سوی دشمنی با نظام هُل دادیم.

مشرق: شما خطرناک ترین تهدید فراروی نظام جمهوری اسلامی ایران را چه می دانید ؟

مطهری: خطرناک ترین تهدید به نظر من به وجود آمدن تفرقه است و ریشه تفرقه هم هواهای نفسانی است. یعنی ما خلوص نیت خود را از دست بدهیم و قدرت پرستی جای کار برای خدا را بگیرد .

شهید مطهری یک جمله ای دارند که می گویند "یک انقلاب مذهبی با کم شدن خلوص نیتها خیلی زود از بین می رود". وقتی مردم حس کنند سران انقلاب همگی رفته اند سراغ قدرت پرستی و آن خلوص نیت اولیه از بین رفته، این انقلاب خیلی زود لطمه می‌خورد، زودتر از یک انقلاب غیر مذهبی . چون آن انقلاب غیر مذهبی از ابتدا ادعای خدا و پیغمبر نداشته .

من معتقدم بسیاری از زمینه‌های تفرقه‌ای که امروز وجود دارد ناشی از هواهای نفسانی است و این خیلی خطرناک است. انحراف فرهنگی هم خطر زیادی دارد و ممکن است کم کم مسیر انقلاب را تغییر دهد . مثل اینکه سبک زندگی غربی بیاید و کم کم جایگزین سبک زندگی اسلامی بشود و مسئولان فرهنگی ما هم به تدریج حساسیت ها و اصالتهای خود را از دست بدهند .

*خاطره علی مطهری از دوران دانشجویی احمدی نژاد

مشرق: شما در دوران دانشجویی با آقای احمدی نژاد همکلاس بوده اید. این قضیه درست است ؟

مطهری: من در سال ۵۵ وارد دانشکده فنی دانشگاه تبریز شدم و مهندسی مکانیک می خواندم. در سال ۵۸ که پدرم شهید شدند، خانواده و برخی شاگردان استاد به ما گفتند که شما حتما باید برگردید تهران تا هم در کنار خانواده باشید و هم متولی آثار باقیمانده از شهید باشید. ما هم آمدیم و من وارد دانشگاه علم و صنعت شدم.

در آنجا به مدت دو ترم تحصیلی حضور داشتم که منتهی به انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها شد. در آن دو ترم آقای احمدی نژاد هم در همان دانشگاه بودند .

مشرق: هم دانشکده یا هم کلاسی ؟

مطهری : هم دانشکده نبودیم. ما دانشکده مکانیک بودیم، ایشان دانشکده راه و ساختمان .

مشرق: خاطره ای از ایشان دارید ؟

مطهری: خیر . من آن موقع چندان با ایشان نزدیک نبودم . فقط گاهی می دیدمشان.

مشرق: ایشان را از کجا می‌شناختید؟ به هر حال شما فرزند شهید مطهری و یک چهره شناخته شده بودید. اما آقای احمدی نژاد آیا وجهه خاصی داشتند ؟

مطهری : من ایشان را زیاد نمی شناختم فقط گاهی در مسجد می دیدم . ولی مثلا آنجا آقای محصولی را می شناختم . آقای حمید زاده هم بود .آقای هاشمی ثمره و چند تن دیگر.

مشرق: یعنی آقای احمدی نژاد را فقط در مسجد می دیدید که مشغول نماز خواندن است ؟!

مطهری: (خنده ...) بله ، به هر حال گاهی می دیدیم .

مشرق: ایشان را به اسم هم می شناختید ؟

مطهری: شاید به اسم هم نمی شناختم . به هر حال من تا آمدم که با بچه های آنجا آشنا بشوم، خوردیم به انقلاب فرهنگی و دانشگاه ها تعطیل شد .

مشرق: فکر می کنید اگر آشنا می شدید با هم، دوست هم می شدید ؟

مطهری: بله ممکن بود . آن موقع روحیات ایشان آنطور که نقل می شود متفاوت بود . برخی از دوستان ما در علم و صنعت می گویند ایشان اگر یک خانم بد حجابی را می‌دید آنجا دعوا راه می انداخت . می گویند خیلی تیپ انصاری! داشت اما الآن یک تیپ دیگری شده است . (خنده...)

*حکم حکومتی ولی فقیه را باید اجرا کرد

مشرق: اگر رهبری درباره موضوعی حکم حکومتی بدهند شما چه عکس العملی نشان می دهید . آیا به آن عمل می کنید یا خیر ؟

مطهری: بله. باید اجرا کرد. در واقع مرز التزام به ولایت فقیه، حکم حکومتی است اگرچه ما قانع نشده باشیم و راضی نباشیم. و رمز قدرت ولایت فقیه هم همین است. اگر بنا باشد ما در آنجا هم بخواهیم ان قلت داشته باشیم کار به سامان نمی رسد. ضمن اینکه در همه کشورها

بالاخره یک پایانی برای همه امور هست. مثلاً در آمریکا هم رئیس جمهور می تواند مصوبه کنگره را وتو کند.

مشرق: فکر می کنید کدام جریان و گفتمان، پیروز انتخابات ریاست جمهوری دولت یازدهم می شود ؟

مطهری: من فکر می کنم کسی پیروز می شود که فرد معتدل و مستقلی باشد و گفتمان اقتصادی و فرهنگی درستی را مطرح کند.

مشرق: مستقل نزدیک به چه کسی ؟ به اصلاح طلبان یا اصولگرایان ؟

مطهری: فرق نمی‌کند. منظورم کسی است که مستقل است و اعتقادی به این دسته بندی ها ندارد و تعصّبی هم نسبت به گروه خاصی ندارد.

مشرق: اولویت کاری رئیس جمهور آینده چه باید باشد؟

مطهری: سروسامان دادن به اقتصاد کشور، جلب بیشتر اعتماد مردم، تعقیب شعارهای اولیه انقلاب، اجرای قانون و توجه به حقوق مردم و هویت اسلامی جامعه.

مشرق: از چهره هایی که هم اکنون به عنوان کاندیدای انتخابات مطرح هستند . شانس کدامیک را برای برنده شدن بیشتر می دانید ؟

مطهری: مایل نیستم اسم افراد را ببرم ضمن اینکه هنوز همه کاندیداها مشخص نشده اند .

مشرق: مایل هم نیستید، بگویید چه کسی مطلوب شخص شماست ؟

مطهری: خیر مایل نیستم .

مشرق: آن شخص مطلوبی که نمی خواهید نامش را ببرید الآن در میان کاندیداهای فعلی هست ؟

مطهری: (خنده ...) خب بعضی ها معلوم نیست که می آیند یا نه؟! هی می گویند فلانی می آید، نمی آید... خلاصه هنوز زود است .

مشرق: یعنی شما هنوز فکر نکرده اید چه کسی مطلوب شماست ؟

مطهری : حالا شما از ما حرف نکشید. اگر لازم بود در موقع مقتضی خواهم گفت .

مشرق: شما جبهه نرفته اید، درست است ؟

مطهری: بله

مشرق: اگر احیانا دوباره جنگ بشود عازم جبهه می شوید ؟

مطهری: بله. ان‌شاءالله. البته من جبهه رفته‌ام. منتها برای سخنرانی نه برای جنگ. علت اینکه من نرفتم همین مسئله آثار پدر بود که به شدت مشغول تنظیم آنها بودم. و یکی دو بار هم که به صورت جدی عازم رفتن شدیم، دیگران مانع شدند و گفتند شما که پدرتان شهید شده نیازی به رفتنتان نیست.

البته این یک نقص است. یعنی هر کس که به جبهه نرفته این نقص را دارد چون آن کمالی که با جهاد در راه خدا در انسان پیدا می شود از راه های دیگر پیدا نمی شود . یعنی کسی که در میدان جنگ شرکت نکرده باشد, نمی تواند از راه دیگر مثلا مطالعه کتاب، همان کمالات را به دست بیاورد. پیغمبر اکرم فرمود هرکس جهاد نکرده باشد و حتی نیت جهاد هم نداشته باشد با شعبه‌ای از نفاق از دنیا می‌رود.

ولی من دوست دارم اگر بناست یک وقتی جنگ شود آدم مثلا در جنگ با اسرائیل شرکت کند و شهید شود .

مشرق: خب مثلا غیر از اسرائیل ممکن است ما با کجا بجنگیم که شما اولویت کمتری به آن می‌دهید ؟!

مطهری : مثلا جنگ با همسایه ها گزینه اول نیست.

مشرق: جنگ با صهیونیست ها بهتر است یا با آمریکا ؟

مطهری: تقریبا هر دو یکی هستند گرچه مردم آمریکا با مردم اسرائیل متفاوت اند، مردم اسرائیل اشغال کننده سرزمین اسلامی به شمار می روند ولی مردم آمریکا نه.

مشرق: بچه هایتان را هم به جنگ می فرستید؟

مطهری: دوست دارم آنها هم مانند سایر مردم بروند. ما حتی در ماجرای اعزام نمایندگان با کشتی به غزه ثبت نام کردیم و قرار شد چهار نفر برویم. این در حالی بود که امکان بازنگشتن‌مان هم وجود داشت. ولی مصر به ما ویزا نداد .

مشرق: شما آدم احساسی هستید یا منطقی ؟!

مطهری: فکر می کنم کمتر احساسی هستم.

مشرق: دوست دارید با کدام شهید محشور شوید ؟

مطهری: با سیدالشهداء و با پدرم.

مشرق: بیشتر چه ذکری را به صورت روزانه می خوانید ؟

مطهری: یک ذکری بود که پدرم معمولا آن را می خواندند. (افوّض امری الی الله، ان الله بصیر بالعباد). ایشان این ذکر را زیاد می خواندند و من هم به تبعیت از ایشان گاهی همین ذکر را می خوانم .

مشرق: اگر به شما بگویند که سه روز دیگر بیشتر در این دنیا نیستید چه می کنید ؟!

مطهری: به نظرم باید برویم حق الناس و حق الله را جبران کنیم .

مشرق: حق الناس زیادی به گردنتان است ؟

مطهری: حتما هست. بالاخره گاهی ناخود آگاه این حق ایجاد می شود .

مشرق: مقروض هم هستید ؟

مطهری: خیر

مشرق: آخر الامر به ما نگفتید که چه کتابی را برای خواندن سفارش می کنید ؟

مطهری: کتاب، بستگی به موضوعش دارد. یک وقت شما می خواهید در موضوع فلسفه اسلامی مطالعه کنید، من معتقدم غیر از کتاب های شهید مطهری که امام(ره) و رهبری آنها را توصیه کرده اند، کتاب های آقای مصباح بیان روانی دارد و عمومی‌تر است. کتابهای آقای جوادی آملی شاید برای طلاب مفیدتر باشد چون بیانش کمی ثقیل است. یا در باب کلام و اصول عقاید، کتابهای آقای سبحانی خوب است. کتابهای آقای مکارم هم برای مطالعه عموم مفید و دارای بیان روان و خوبی است. کتابهای رهبر انقلاب هم که جای خود دارد. یادم هست که کتاب آزادی هندوستان – که ترجمه است – از ایشان، مورد تقدیر و تمجید شهید مطهری قرار گرفت و دستخط آن شهید در ابتدای آن کتاب موجود است، از جمله نوشته‌اند از این کارها باید زیاد انجام شود.

نظر سیدحسن نصرالله درباره شهید مطهری به روایت علی مطهری

مشرق: آقای دکتر، بحث جهاد و شهادت بیش کشیده شد. تا به حال سیدحسن نصرالله را از نزدیک دیده اید ؟

مطهری: متأسفانه خیر. اما می دانم ارادت ویژه ای به شهید مطهری دارد و حتی مصاحبه هم کرده و این را گفته .

مشرق: اگر نصرالله را ببینید به او چه می گویید ؟

مطهری: به او احسنت و آفرین می گویم برای مقاومتش و نوع مدیریتی که دارد که حتی مسیحیان لبنان را هم جذب کرده است.

مشرق: فکر می کنید انتخابات یک مرحله ای می شود یا دو مرحله ای ؟

مطهری : فعلا قابل پیش بینی نیست.

مشرق: نقش آقای هاشمی را در فرایند سیاسی روز چه می بینید ؟ بخصوص اینکه این روزها از ایشان زیاد نام برده می شود .

مطهری: آقای هاشمی به هر حال دلسوز انقلاب است . یعنی ما نمی توانیم، بگوییم خیر انقلاب را نمی خواهد. معتقدم ایشان باید در انتخابات آینده فعال باشد.

مشرق: لطفا برویم و درباره "امّا"ها صحبت کنیم . این هایی که گفتید را همه می دانیم.

مطهری: بالاخره در این سالهای اخیر، هم اقتصاد و هم فرهنگ ما ضربه دیده. اینها باید اصلاح شود . حتی وحدت ملی ما هم تا حدودی ضربه دیده و یا سیاست خارجی ما می توانست بهتر از این باشد .

*مطهری و طرح وحدت ملی!/ هاشمی بیاید، حتی اگر شده کاندیدا شود

مشرق: شما در حال بیان این نکته هستید که طرح وحدت ملی آقای هاشمی برای انتخابات را قبول دارید ؟

مطهری: طرح ایشان را نمی‌دانم چیست. ولی ما باید قبول کنیم که وحدت ملی ما آسیب دیده. ایشان هم آدمی است که در ترمیم این آسیب توانایی دارد چون در میان اقشار مختلف مردم از جمله مخالفان و منتقدان پایگاه اجتماعی دارد.

مشرق: یعنی شما در حال بیان این نکته هستید که آقای هاشمی بیاید و کاندیدا شود ؟

مطهری: من نمی توانم برای ایشان تعیین تکلیف کنم. ولی می خواهم بگویم بالاخره باید از ظرفیت ایشان استفاده شود، حالا به هر نحوی. ایشان کمک خوبی برای رهبری هستند. امروز هم نقشه جدا کردن ایشان از رهبری شکست خورده است.

مشرق: یعنی شما به آقای هاشمی توصیه می کنید که ظرفیتش را در معرض استفاده بگذارد ؟

مطهری: بله . حتماً. ایشان باید فعال باشد و فعال هم هست و هیچ وقت با انقلاب قهر نمی‌کند چون آن را مثل فرزند خود می‌داند.

مشرق: این در معرض گذاشتن چه معنایی دارد ؟

مطهری: از طریق متحد کردن افراد و گروه‌ها یا معرفی کاندیدا و حتی اگر لازم باشد کاندیدا شدن، خلاصه به هر نحوی که خودشان صلاح می دانند .

مشرق : نامه حمایت از آقای مرتضوی را پیش شما هم آوردند؟

مطهری : بله. اتفاقا خیلی اصرار داشتند که ما هم امضا کنیم. ولی من گفتم ما استیضاح وزیر را در ارتباط با همین موضوع امضا کردیم، معنا ندارد که بیاییم این را امضا کنیم. اما آنها می گفتند: خیر، به ما گفته اند که باید امضای شما چند نفر حتما باشد . ولی من به هیچ وجه امضا نکردم.

مشرق: نظرتان درباره آنهایی که امضا کردند چه بود ؟

مطهری: کار خوبی نکردند. آنهایی که برای حمایت از تغییر اساسنامه صندوق و تبدیل آن به سازمان این نامه را امضا کردند باید بگویند که اگر این کار لازم بود چرا قبل از این صورت نگرفت . ضمن اینکه این قبیل تغییرات که بیشتر برای حفظ یک فرد در یک مقام صورت می گیرد یک کار غیر اخلاقی است. بیشتر شبیه حیله‌های شرعی ربا و یک نوع فرار از قانون قانونی است.

دولت باید به حکم دیوان عدالت تمکین می کرد و اکنون که دولت چنین کارهایی کرده ، به نظر من امضای آن نامه حمایت، کار خوبی نبود. بیشتر، مسئولان تامین اجتماعی بودند که این امضاها را جمع کردند. گاهی نمایندگان هم در رودربایستی این نامه ها را امضا می کنند .

مشرق: ما خبرهایی داشتیم مبنی بر اینکه تحلیل شما در انتخابات مجلس نهم این بوده است که رأی اول تهران به نام شما خواهد شد؟

مطهری: شما تلفن مرا شنود می کنید؟

مشرق: خیر! در محافل و رسانه ها آمده بود . می‌گفتند تحلیل شما این است.

مطهری: من فکر می کردم جزو دو، سه نفر اول باشم. چون اسم من در آن دو لیست مشهور نبود قاعدتاً حدس می زدم که رأی اول نخواهم بود . ولی فکر می کردم که در همان دور اول عازم مجلس شوم. اساسا تلاش عده ای برای این که نام من در فهرست جبهه متحد نباشد به خاطر هراسی بود که از نفر اول شدن من در تهران داشتند.

مشرق: فکر می کنید چرا این اتفاق رخ نداد ؟

مطهری: کسی که مستقل می آید آن هم در تهران، کارش بسیار سخت است.

مشرق: البته شما مستقل هم نیامدید، با لیست "صدای ملت" آمدید .

مطهری: بله. "با صدای ملت" آمدم . اما صدای ملت چه بود؟ ما خودمان دور هم جمع شده بودیم.

مشرق : همه دور خودشان جمع می شوند.

مطهری: نه، خب ما امکانات نداشتیم. مثلاً جبهه متحد امکانات زیادی دارد و جبهه پایداری هم همین طور . این ها از یک جاهایی بودجه هایی دارند. ما با بودجه شخصی خودمان و کمک افرادی که فکر می‌کردند ما مظلوم واقع شده‌ایم (چون هم ابتدا رد صلاحیت شدیم و هم از فهرست اصول گرایان کنار گذاشته شدیم) امکانات فراهم کردیم. این خیلی متفاوت است . مثلا از طرف ما رفته بودند اداره پست تا یک چیزی را برای تبلیغ صدای ملت بدهند تا توزیع شود. قرارداد ما حدود ۳۰ میلیون تومان شده بود. همزمان یکی از آن دو گروه مشهور برای کار خود که حجم بیشتری داشت قرارداد ۵۰۰ میلیونی امضا کرده بودند. حالا شما ببینید ۳۰ میلیون کجا و ۵۰۰ میلیون کجا!؟

اصلا تبلیغات ما قابل قیاس با آنها نبود .

مشرق: پس اعتقاد دارید که دلیلش امکاناتتان بوده؟

مطهری: بله امکانات بود، چون همین که من به اطلاع همه مردم حوزه انتخابیه برسانم که من کاندیدا هستم امکانات زیادی می‌خواست. در دور دوم برخی فکر می‌کردند که من در دور اول رأی آورده‌ام، یا در دور اول برخی فکر می‌کردند رد صلاحیت شده‌ام و اصلا شرکت نکرده ام. ولی آن کسی که در فهرست جبهه متحد یا پایداری بود خیالش راحت بود که به طور خودکار تبلیغاتش در همه جا توزیع شده.

مشرق: خب. شما چگونه با اینکه خودتان می‌دانستید و می‌دیدید که امکانات ندارید؛ به این تحلیل رسیده بودید که جزو سری اول از کاندیداهایی خواهید بود که به مجلس می روند ؟

مطهری: خب در عین حال می دانستم که بالاخره بسیاری از مردم ما را می شناسند و به طور خودجوش در مقابل کسانی که می خواستند ما به هر طریقی به مجلس راه پیدا نکنیم و حتی در دو روز آخر پیامک علیه من ارسال کردند، اصرار داشتند که من وارد مجلس شوم و فعالیت می کردند. فضای جامعه را می دیدم. من توی خیابان که راه می رفتم همه استقبال و اظهار حمایت می‌کردند و خیلی‌ها از اقشار مختلف مردم می‌گفتند شما رأی اول تهران هستید.

مشرق: خب به نظرتان این ملاکی است که شما حتماً رأی اول را بیاورید یا در دور اول به مجلس بروید؟

مطهری: بله، فضای عمومی جامعه مهمترین ملاک است. من در همه جای تهران می دیدم که مردم از من استقبال می کنند، حزب‌اللهی و غیر حزب‌اللهی.

*به حزب اللهی بودن افتخار می کنم

مشرق: شما خودتان را حزب اللهی می دانید؟

مطهری: حزب اللهی بودن به معنای واقعی آن، ادعای بزرگی است.

مشرق: دوست دارید حزب اللهی باشید؟

مطهری: بله افتخار می کنیم. منتها نمی‌توانم ادعا کنم که یک حزب‌اللهی هستم که تمام کارهایم مبتنی بر شرع است.

مشرق: این سؤال آخر ماست. من چند اسم را می برم. شما نظرتان را به صورت کوتاه درباره آنها بگویید .

احمد توکلی – قانونگرا

علی لاریجانی – (با خنده ...) داماد... سیاستمدار معتدل و باهوش.

آقا تهرانی – اخلاق خوب

باهنر _ سیاستمدار (با خنده ...)

کوثری – مخلص و باصفا

حداد _ ادیب و حکیم متدین

قالیباف – مدیر اجرایی

رضایی – مجاهد اسلام

آیت‌الله مهدوی کنی – روحانی معتدل و روشنفکر

آقای مصباح – روحانی تیزبین و حساس به انحرافات فکری

آرمیتا رضایی نژاد – گاهی که او را از تلویزیون دیده ام، گریه کرده‌ام

آقای مرتضوی – ابزار دست سیاستمداران

سردار سلیمانی – مجاهد مخلص

روح الله حسینیان – روحانی خوش مشرب

جواد لاریجانی – نظریه پرداز

محمدرضا رحیمی – متهم بلاتکلیف پرونده بیمه ایران

علی اکبر صالحی ــ سیاستمدار نجیب

آمریکا _ سلطه گر

دکتر مطهری: عملکرد شورای نگهبان ارزیابی شود

علی مطهری در گفت‌وگو با ایلنا, در مورد اظهار نظر رئیس‌جمهور در مورد شورای نگهبان و هجمه‌های انجام گرفته به وی تصریح کرد: آقای رئیس‌جمهور یک نظریه را مطرح کرده و به دلیل اینکه وی مطابق اصل ۱۱۳ قانون اساسی مسئول اجرای قانون اساسی است، چنین حقی را دارد که از حقوق مردم حفظ و حراست کند.

نماینده مردم ری تهران و شمیرانات و اسلامشهر در مجلس شورای اسلامی همچنین ادامه داد: افرادی که نسبت به اظهارات رئیس‌جمهور واکنش نشان داده‌اند, حداکثر از طریق استدلال به مسائل مطرح شده از طرف وی پاسخ دهند. البته جای امیدواری دارد استدلال‌ها به منظور کشف حقیقت باشد تا رفتار سیاسی.

مطهری همچنین ادامه داد: شاید اظهار نظر رئیس‌جمهور فرصت خوبی را فراهم کرده باشد که درباره نوع نظارت شورای نگهبان ارزیابی انجام شود که این نظارت‌ها تا امروز برای کشور مفید بوده است و تا چه اندازه آثار مثبت داشته است و تا چه اندازه آثار منفی درپی داشته است.

وی همچنین خاطرنشان کرد: ما باید در کشور فضا را باز کنیم تا افراد بتوانند در ارزیابی عملکرد شورای نگهبان استدلال‌های خود را بیان کنند.

مطهری: برخی اصلاح‌طلبان از اصولگرایان، اصولگراتر و متدین‌ترند

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی علی مطهری،دکتر علی مطهری در حاشیه جلسه علنی امروز مجلس در جمع خبرنگاران در پاسخ به سوالی درباره تذکر ۱۲ نماینده درباره آنچه نفوذ صدها جاسوس در رسانه‌های زنجیره‌ای اصلاح طلب خوانده بودند و ادعای در اختیار داشتن سند در این زمینه کرده بودند گفت: من سندها را ندیدم؛ از خودشان بپرسید.

وی همچنین اظهار کرد: به طور کلی این افراد دیدشان این گونه است که اصلاح طلب‌ها ضد انقلاب و کافر هستند و وقتی این افراد چنین دیدی دارند حتما این گونه هم قضاوت می‌کنند.

مطهری خاطر نشان کرد: این افراد اصلاح طلبان را دشمن می‌دانند که این درست نیست زیرا ما اصلاح طلبان زیادی داریم که بسیار بیشتر از بسیاری از اصولگرایان ، اصولگرا و متدین هستند و این نگاه ، نگاه غلطی است.

نماینده مردم تهران در مجلس اظهار کرد: متاسفانه الان در میان افراد نوعی کینه جویی پیدا شده که به هیچ عنوان حالت خوبی ندارد.

علی مطهری:فیلم «محمد رسول‌الله» مرا تحت تاثیر قرارداد/ دلایل مخالفت با این فیلم قانع‌کننده نیست

علی مطهری نماینده مجلس در گفت و گو با خبرنگار سینمایی فارس، در خصوص فیلم سینمایی «محمد رسول الله (ص)» گفت: من این فیلم را سال گذشته در اکرانی که برای رسانه‌ها و برخی مسئولان داشت دیدم. از نظر من فیلم خوبی بود، همان جا هم نظرم را درباره کیفیت و محتوای این فیلم بیان کردم.

* تاثیر فیلم «محمد رسول‌الله (ص)» بر افراد غیر مسلمان بیشتر است

وی افزود: من با تماشای این فیلم تحت تأثیر قرار گرفتم. فکر می‌کنم اگر این فیلم در خارج از کشور خصوصاً در دنیای غرب نمایش داده شود، بر افراد غیر مسلمان تأثیر بیشتری خواهد داشت.

وی ادامه داد: قسمتی از فیلم که حضرت رسول در نوجوانی همراه مادر و عموی‌شان ابوطالب برای سفر بازرگانی به سمت مدینه می‌روند و در بازگشت مادر خود را از دست می‌دهند جانسوز بود و مرا تحت تأثیر قرار داد.

این نماینده مجلس عنوان کرد: این که پیغمبر اکرم قبلا پدر خود را از دست داده بودند و در نوجوانی مادر خود را نیز از دست دادند، شاید برای آمادگی ایشان برای رسالت پیامبری و در واقع تدبیر الهی بوده است.

*دلایل مخالفت علمای عرب با نمایش این فیلم قانع‌کننده نیست

وی با اشاره به موضع گیری‌های برخی رسانه های غربی و عربی نسبت به این فیلم عنوان کرد: دلایل این رسانه ها و برخی علما برای عدم نمایش این فیلم در کشورهایشان قانع کننده نیست. مثلا این که می‌گویند چون بدن پیامبر در این فیلم به نمایش درآمده یا چهره مادر و پدربزرگ ایشان نمایش داده می‌شود این فیلم قابل نمایش نیست، درست نیست چون منع شرعی و عقلی برای این موارد وجود ندارد.

مطهری در ادامه اظهار داشت: همین طور این که گفته‌اند ممکن است بازیگران این نقش‌ها بعدا در یک نقش منفی ظاهر شوند و در ذهن مخاطبان تصور منفی از پیامبر یا مادر و یا پدربزرگشان ایجاد شود، دلیل قانع کننده ای نیست چون مردم حساب سابقه یا لاحقه یک بازیگر را از حساب شخصیت‌های یک فیلم جدا می‌دانند.

فیلم «محمد رسول‌الله (ص)» در تصحیح نگاه غرب به اسلام اثر خوبی است

مطهری خاطر نشان کرد: به هرحال این فیلم، هم برای موقعیت ایران و شیعه در جهان اسلام که متهم به کم‌توجهی به پیغمبر اسلام هستند آثار خوبی خواهد داشت و هم در تصحیح نگاه دنیای غرب به اسلام موثر خواهد بود.

علی مطهری: صدا و سیما با پخش برنامه ای در خصوص برجام فضا سازی کرد/ رسانه ملی باید بی طرف باشد

علی مطهری در گفت و گو با خبرنگار خانه ملت با اشاره به اینکه صدا و سیما در بخشی از اخبار برنامه ای در خصوص برجام پخش کرده است، تاکید کرد: رویه صدا و سیما این گونه نبوده که وارد جزییات مسائلی مانند برجام شود دیشب وقتی دیدم در اخبار آن برنامه پخش شد برای من عجیب بود که چطور صدا و سیما در باره طرحی که قرار است فردا در مجلس مطرح شود برنامه تهیه کرده و فضا سازی کرده است.

نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس ادامه داد: این به نظر رویه خوبی نیست صدا وسیما باید به عنوان رسانه ملی طرف باشد و این کار نباید تکرار شود.

با یادآوری عملکرد صدا و سیما در خصوص ضبط و پخش جلسات کمیسیون ویژه بررسی برجام گفت: آن جا هم روش عادلانه ای نداشتند.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در خصوص تذکر دادن به صدا و سیما اظهار داشت: شورای نظارت بر صدا و سیما می تواند به این عملکرد رسانه ملی تذکر دهد. آنها می توانند با طرح موضوع مخصوصا در رسانه ها، در رویه سازمان صدا و سیما اثرگذار باشند.

مطهری:بهترین حمله ام سئوال از رئیس جمهور سابق بود/رفسنجانی بایدهافبک بازیساز باشد

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: بهترین حمله ای که در این سال ها داشتم در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد بود.

علی مطهری در گفت و گو با کاپ، پیرامون صحبت های یکی از منتقدان سیاسی درباره ارنج تیم ملی فراجناحی صحبت کرد. نماینده مردم تهران البته به یکی از پیشنهادهای صادق زیباکلام در ارتباط با قراردادن یکی از بزرگترین سیاسیون ایران درون دروازه تیم ملی فراجناحی ایراد گرفت و از خاطره بهترین حمله سیاسی اش هم صحبت کرد.

متن کامل این گفت و گو در ادامه می آید:

*در تیتر یکی از روزنامه های ورزشی از قول صادق زیباکلام آمده که در ترکیب یازده نفره تیم ملی فراجناحی علی مطهری باید در خط حمله بازی کند. دلیل این نوع ارنج را چه می دانید؟

نمیدانم دقیقا منظورش چه بوده اما فکر می کنم که به دلیل حالت تهاجمی که من در عالم سیاست داشته و دارم زیباکلام ترجیح داده مرا در خط حمله قرار دهد.

*خودتان هم اهل فوتبال هستید؟

بله. اتفاقا در دوره اخیر مسابقات فوتبال داخل مجلس من هم عضو این تیم بوده ام اما قاعدتا درباره سوال قبلی تان باید بگویم که حتما منظور زیباکلام سیاسی بوده است.

*ظاهرا خوب هم گل می زنید که شما را در خط حمله گذاشته اند.

البته برخی از دوستان اصولگرای ما می گویند که مطهری گل به خودی می زند. دلیلش این است که گاهی علیه آنها انتقاد می کنم. نقل همان ماجرای «مارادونا را ول کن غضنفر را بچسب» است.

*یعنی مطهری غضنفر است؟

از نظر بعضی از دوستان اینگونه است. چون به نفع رقیب شان حرف می زنیم می گویند که شما گل به خودی می زنید.

*آخرین حمله تان در پیکان خط حمله تیم سیاسیون به چه کسی یا چه جناحی بود؟ در حمایت از چه بخشی و به چه کسی حمله کردید؟

(پس از مکث نسبتا طولانی) در حال حاضر در صحن مجلس هستم و نمی توانم ذهنم را متمرکز کنم...

*... پس بهترین گلی که زدید کدام بود؟

منظورتان بهترین گل سیاسی است؟

*بله. بهترین حمله یا گلی که در این سال ها داشتید کدام بود؟

بهترین گلم شاید همان سوالی بود که از رئیس جمهور در دوره دولت قبل مطرح کردیم. این برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی انجام شد و در واقع آن تابو شکست تا راه باز شود و این کار راحت تر صورت بگیرد. البته پس از آن آئین نامه مجلس را هم اصلاح کردیم و حالا کارآمدتر شده است.

*درباره موضوع سوال توضیح می دهید؟

موضوع سوال از رئیس جمهور همان ده پرسشی بود که از ایشان مطرح کردیم. هم سوالات اقتصادی، هم سیاسی و هم فرهنگی. بالاخره برای اولین بار بود که رئیس جمهور به مجلس می آمد تا پاسخگو باشد. اما پس از آن برای اولین بار آئین نامه را هم اصلاح کردیم تا در نهایت پرسش از رئیس جمهور منجر به رای گیری در مجلس بشود.

*قبلا این گونه نبود؟

خیر. قبلا رئیس جمهور فقط می آمد پاسخ می داد و می رفت. اما حالا و در آئین نامه جدید شرایط به این گونه نیست. اگر بنا باشد که دوباره رئیس جمهور به مجلس بیاید و به سوالات

پاسخ دهد این بار رای گیری درباره اش انجام خواهد شد و این می تواند موثر باشد. در واقع می تواند آثار بیشتری داشته باشد.

*زیباکلام در تیم ملی فراجناحی هاشمی رفسنجانی را درون دروازه قرار داده. نظر شما چیست؟

فکر می کنم ایشان باید به عنوان بازیساز وسط زمین باشد. او می تواند یک هافبک باشد.

*یعنی اگر مربی چنین تیمی بودید رفسنجانی را در میانه زمین به کار می گرفتید؟

بله. هاشمی رفسنجانی آدم فکوری است و باید از او به عنوان هافبک بازی ساز استفاده شود چون با فکرش می تواند به خوبی بازیسازی کند.

*از قهرمانی تیم فوتسال بانوان خوشحال شدید؟

البته که خوشحال شدیم. جا دارد این موفقیت را به همه بانوان کشورمان تبریک بگوییم.

*قرار نیست به ورزش بانوان در کشور توجه بیشتری شود؟

اجازه بدهید در این باره فعلا صحبت نکنم. بعدا در این خصوص حرف خواهم زد.

*پیگیر اخبار تیم ملی فوتبال هستید؟

بله. بیشتر بازی های این تیم را دیده ام. به تازگی هند و گوام را شکست دادیم و چند روز دیگر با عمان بازی داریم. امیدوارم تیم ملی در جام جهانی آینده حضور پیدا کند و عملکرد موفقیت آمیزتری داشته باشد.

*از موضوع برکناری قضات شاغل در کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال خبر دارید؟

در جریان این موضوع نیستم. بنابراین نمی توانم اظهارنظری داشته باشم.

نامه علی مطهری به فرمانده کل سپاه پاسداران درباره انتخابات

در پی سخنان سردار جعفری ، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، علی مطهری نماینده مجلس شورای اسلامی، نامه ای به وی نوشت که متن کامل آن در زیر می آید:

سردار محمدعلی جعفری دامت برکاته

فرمانده محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

با اهداء سلام و آرزوی توفیق بیشتر برای جناب‌عالی و سایر برادران عزیز پاسدار در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، اظهارنظر جناب‌عالی درباره سخن رئیس جمهور محترم در خصوص نقش شورای نگهبان در برگزاری انتخابات را ملاحظه کردم. خیرخواهی و احساس مسئولیت جناب‌عالی نسبت به آرمانهای انقلاب اسلامی بر همگان روشن است لکن قطع‌نظر از درستی یا نادرستی انتقاد آن مقام محترم، ورود سپاه پاسداران به عالم سیاست و لوازم آن مانند انتخابات،

به صلاح کشور و نیروهای مسلح و انقلاب اسلامی نیست، زیرا موجب اختلاف و دو دستگی در سپاه می‌شود.

امام خمینی(ره) در دیدار با مربیان سپاه فرموده‌اند: «باید سعی کنید جهات سیاسی در سپاه وارد نشود، که اگر افکار سیاسی وارد سپاه شود جهات نظامی آن از بین می‌رود. همیشه به سپاه سفارش کنید که آنها خودشان را یک جنگنده خدمتگزار مردم بدانند.» (صحیفه امام، جلد ۱۸، ص ٤٥)

در جای دیگر فرموده‌اند: «برای سپاهی‌ها جایز نیست که وارد بشوند به دسته‌بندی و آن طرفدار آن یکی، دیگری طرفدار آن یکی. به شما چه ربط دارد که در مجلس چه می‌گذرد؟ در امر انتخابات باز هم به من اطلاع دادند که بین سپاهی‌ها باز صحبت هست، خوب انتخابات در محل خودش دارد] برگزار[می‌شود، جریانی دارد، به سپاه چه کار دارد که آنها هم اختلاف پیدا کنند، این برای سپاه جایز نیست، برای ارتش جایز نیست. سپاهی را از آن تعهدی که دارد، از آن مطلبی که به عهده اوست باز می‌دارد و همین‌طور ارتش را.» (صحیفه امام، جلد ۱۹، ص۱۲).

گذشته از این، اگر قرار بر پاسخگویی جناب‌عالی به رئیس جمهور بود، باید استدلال ایشان را پاسخ می‌دادید. جان کلام رئیس جمهور این بود که هرقدر در بررسی صلاحیت‌ها بیشتر سخت‌گیری شده است مجالس ضعیف‌تر شده‌اند. مجلس اول که قبل از تشکیل شورای نگهبان و با نظارت شورای انقلاب تشکیل شد و طی آن فقط افرادی که فساد اخلاقی یا فساد سیاسی مانند جاسوسی و یا فساد اقتصادی بزرگ داشتند رد صلاحیت شدند و در آن، همه گروه‌های موافق و مخالف حضور داشتند قوی‌ترین مجالس بعد از انقلاب بود و بنابراین می‌توان به انتخاب مردم اعتماد کرد.

ولی جناب‌عالی به جای پاسخ به این استدلال، فرموده‌اید: «کسانی که از مسیر همین شورا و با بلندنظری و منش غیرجناحی اعضای آن، فرصت ظهور در عرصه مدیریت کشور را یافته‌اند، باید گفتار سنجیده‌تری داشته باشند.» گویی بر جناب آقای روحانی، رئیس جمهور، منت گذاشته و گفته‌اید به جای این حرفها خدا را شکر کنید که از سر لطف و اغماض شورای نگهبان از این

فیلتر و صافی عبور کردید؛ در حالی که این چه لطف و اغماضی است که کسی که هجده میلیون رأی داشته و اگر انتخابات به دور دوم می‌کشید شاید سی میلیون رأی داشت، رد صلاحیت نشده است؟ این سخن، نوعی تضعیف شورای نگهبان و قرار دادن آن در مقابل مردم است.

حسن نیت جناب‌عالی در پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست ولی این پاسداری ظرافت‌هایی دارد که نکته‌ای از آن در کلام امام (ره) گذشت و باید به آن پایبند بود. برای آن فرمانده گرانقدر و مجموعه مبارک سپاه پاسداران توفیقات بیشتر در مقابله با دشمنان انقلاب اسلامی خصوصا صهیونیسم از خدای متعال خواستارم.

با تقدیم احترام

علی مطهری

نامه دکتر علی مطهری به حجت الاسلام محسنی اژه ای

علی مطهری در نامه‌ای خطاب به معاون اول قوه قضاییه، به سخنان اخیر وی در مورد مهدی هاشمی واکنش نشان داده و تاکید کرده که هر اعتراضی نباید مصداق جرم و تضعیف قوه قضائیه تلقی شود.

متن نامه دکتر علی مطهری به حجت الاسلام محسنی اژه ای به شرح زیر است:

جناب حجت‌الاسلام آقای اژه‌ای

معاون اول محترم قوه قضائیه

با اهداء سلام و آرزوی توفیق بیشتر، در جمع خبرنگاران فرموده‌اید «اگر مهدی هاشمی مدعی است که در حق وی ظلم شده است، به کار بردن این حرف نیز جرم و مصداق افتراست.»

به نظر می‌رسد که این سخن، صواب نیست. چه مانعی دارد که متهم یا مجرمی که بر پرونده خود تسلط کافی دارد یا وکیل او معتقد باشد که حکم عادلانه‌ای درباره او صادر نشده است، خواه ادعای او درست و مطابق واقع باشد یا نباشد. حداکثر این است که قوه قضائیه پاسخ دهد که خیر، این حکم منطبق بر قانون و عادلانه بوده است، نه این که صرف اظهارنظر فردی که صلاحیت اظهارنظر در آن موضوع را داشته است منجر به اعلام جرم از سوی مقام قضایی گردد. نتیجه منطقی این روش این است که باید برای قوه قضائیه نوعی عصمت قائل باشیم که طبعاً هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد.

شبیه همین است موضوع انتقاد یکی از مقامات قضایی به قطعه فیلم وداعی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. اینجانب چون از پرونده آقای مهدی هاشمی اطلاع کافی ندارم هیچ قضاوت و نظری درباره حکم صادرشده در باره وی ندارم و معتقدم امثال بنده که تسلط بر پرونده نداریم قاعدتاً باید به قوه قضائیه اعتماد داشته باشیم و اساساً فرصت این که وارد همه پرونده‌ها بشویم وجود ندارد،اما بحث در این است که وداع یک خانواده با یکی از اعضای خود و بدرقه او تا زندان و تمکین به قانون و درعین حال اعلام آنها که حکم عادلانه نبوده است که یک اظهارنظر

از سوی افرادی است که به جزئیات پرونده و سیر دادرسی آن واقف هستند چرا باید مورد انتقاد باشد و تخریب نهاد قضائی نامیده شود. این کار، معمول همه خانوادههاست اما این که آن اعتراض وارد است یا نه، نیاز به توضیح قوه قضائیه دارد و حتی می‌تواند درخواست آن خانواده مبنی بر پخش جلسات دادگاه اجابت گردد.

غرض از نگارش این نامه این است که هر اعتراضی را مصداق جرم یا تضعیف قوه قضائیه معرفی نکنیم بلکه کافی است توضیح لازم به مردم داده شود.

با تقدیم احترام

علی مطهری

دکتر مطهری: ادعای حدادعادل درباره نقش سران معترضان ۸۸ در تحریم‌های آمریکا علیه ایران قابل پیگرد قانونی است

علی مطهری در گفت‌وگو با خبرگزاری آنا، درباره اظهارات امروز غلامعلی حدادعادل رئیس فراکسیون اصولگرایان مجلس مبنی بر نقش داشتن معترضان ۸۸ در تحریم‌های آمریکا علیه ایران، که در نطق میان دستور وی مطرح شد، گفت: آقای حداد در نطق امروز خود گفتند که در آذرماه سال ۸۸ نامه‌ای از طرف یکی از مقامات امریکایی به ایران فرستاده می‌شود و از فعالان جنبش سبز می‌پرسد که چه چیزی از آنها می‌خواهند و امریکا چه کاری را باید انجام دهد و چه کاری را نباید انجام دهد.

نماینده مردم تهران در مجلس ادامه داد: به گفته آقای حداد، سران فتنه در پاسخ به این نامه می‌گویند که تحریم‌ها را زیاد کنید و به ایران فشار بیاورید که ما به دنبال براندازی نظام هستیم.

وی تصریح کرد: این ادعا در حالی از سوی آقای حداد عادل مطرح می‌شود که آن طور که ایشان می‌گویند هیچ امضایی پای این نامه نیست. حتی وزارت امور خارجه امریکا نیز آن را تأیید نکرده است.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس اضافه کرد «زمانی که از سران فتنه سخن گفته می‌شود، نام آن چند نفر مورد نظر افراطی‌ها در اذهان تداعی می‌شود. لذا اینکه بدون سند می‌گویند این نامه را سران فتنه نوشته‌اند یعنی آن چند نفر نوشته‌اند و این حرف قابل پیگرد قانونی است.

مطهری در ادامه گفت: اگر روال اینگونه باشد و هرکسی بتواند بدون مدرک متقن هر کاری را به هرکسی نسبت دهد ممکن است کسی هم بگوید که این نامه را خود آقای حداد و دوستانشان نوشته‌اند و به آمریکایی‌ها داده‌اند.

وی تأکید کرد: این موضوع باید از طرف مدعی‌العموم پیگیری شود. این طور نمی‌شود که ما ادعایی را صرفاً با هدف سیاسی و برای حذف رقیب از میدان سیاست بدون دلیل کافی مطرح کنیم. صرف اینکه یک امریکایی این موضوع را مطرح کرده است نمی‌تواند مورد استناد ما قرار

بگیرد و به این وسیله افرادی را محکوم کنیم، آنهم افرادی که از حقوق اجتماعی خود محروم شده‌اند و امکان پاسخگویی ندارند. اگر شما آن سیاستمدار آمریکایی گوینده خبر را فاسق می‌دانید، به گفته قرآن باید درباره خبر او تحقیق کنید. خلاصه این کارها جوانمردانه نیست.

این نماینده مردم در مجلس تصریح کرد: ظاهرا عده‌ای نمی‌خواهند در کشور وحدت و آشتی ایجاد شود؛ بلکه می‌خواهند فضا همین‌گونه توأم با تفرقه باقی بماند.

مطهری افزود: برخی نمی‌خواهند این قضایا تمام بشود و شرایط تغییر کند؛ چراکه حیات سیاسی آنها در این شرایط است.

وی با بیان اینکه «این رویه عادلانه نیست»، خاطرنشان کرد: بهتر است اجازه بدهیم کسانی که شما آنها را به نوشتن این نامه متهم می‌کنید، به این گونه ادعاها پاسخ بدهند تا مردم قضاوت کنند و الا هرکس تنها نزد قاضی برود راضی برمی‌گردد.

نامه سرگشاده علی مطهری به حجت الاسلام پورمحمدی

علی مطهری، نماینده مردم تهران در مجلس در نامه‌ای به وزیر دادگستری نگاه جدید او به حصر و ممنوع التصویری را گامی در راه حل این دو موضوع عنوان کرد و گفت که شورای عالی امنیت ملی نه در مسئله حصر می‌تواند کار قوه قضائیه را انجام دهد و نه در مسئله برجام می‌تواند جایگزین مجلس شود.

متن این نامه بدین شرح است:

جناب حجت‌الاسلام آقای پورمحمدی دامت برکاته

وزیر محترم دادگستری

با اهداء سلام و آرزوی توفیق الهی برای جناب‌عالی، پاسخهایی که در جمع مدیران رسانه و دانشجویان درباره مسئله حصر و ممنوع‌التصویری برخی شخصیتها داده‌اید نشان می‌دهد که به خاطر تصمیمات غلط دیگران از یک طرف و موقعیت شغلی خود از طرف دیگر مجبور شده‌اید توجیهی برای آن درست کنید و خودتان نیز قانع نشده‌اید.

فرموده‌اید «بحث حصر یک بحث حقوقی – قضایی نیست بلکه یک موضوع سیاسی و امنیتی محسوب می‌شود.» بعد آن را اصلاح کرده و اظهار کرده‌اید: «البته تلاش ما باید این باشد که حصر در یک چارچوب حقوقی تفسیر شود.» بعد فرموده‌اید: «طبعاً این بحث نه در دولت قابل طرح و رسیدگی است و نه در قوه قضائیه. این بحث در شورای عالی امنیت ملی طرح و پیگیری می‌شود. این تصمیم فراتر از تصمیم قواست.»

این توجیه، برای چند ماه اول حصر که جامعه تا حدی آشوب‌زده بود می‌تواند درست باشد که حصر تصمیمی سیاسی و امنیتی است، اما سخن درباره ادامه حصر در بیش از چهار سال گذشته است که جامعه در حال آرامش بوده و هیجان آن دوره فروکش کرده است. بدون شک مسئله حصر در این مدت یک موضوع حقوقی و قضایی بوده است.

این که مجازاتها را بدون ملاک و به طور گتره و گزاف به دو قسم تقسیم کنیم: سیاسی امنیتی و حقوقی قضایی، و دسته اول به وسیله یک شورای چند نفره و بدون محاکمه و دفاع متهم تعیین شود و دسته دوم با محاکمه و حکم قاضی، یک بدعت خطرناک است و لوازم بدی دارد، از جمله کشور را از دموکراسی دور می‌کند، علاوه بر این که خلاف اصول سی و دوم تا سی و هفتم قانون اساسی درباره حقوق متهم و مجرم است.

حتما به خاطر دارید که حدود دو سال پیش برای پاسخ به سؤال اینجانب درباره مسئله ادامه حصر خانگی و حادثه بند ۳۵۰ زندان اوین به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس آمدید و تقریبا همین حرفها را زدید و البته معلوم بود که خودتان هم قانع نیستید و انتقاد دارید. قرار شد سؤال به صحن علنی بیاید اما به لطف رئیس مجلس و در حمایت از اخوی گرامی‌شان این سؤال بایگانی شد و هرگز به صحن علنی نیامد به این بهانه که سؤال مشمول وظایف وزیر دادگستری نیست، در حالی که اولا اصل ۱۶۰ قانون اساسی مفید این معناست که وزیر دادگستری رابط میان مجلس و قوه قضائیه است و باید پاسخ را از قوه بگیرد و به مجلس منتقل کند و خلاصه وزیر دادگستری در میان وزیران مستثنی از سؤال نیست. ثانیا فرضا بخش اول سؤال مشمول وظایف وزیر نبود، قطعا بخش دوم یعنی حادثه زندان اوین مشمول بود.

اما درباره «برجام» فرموده‌اید: «این بحث همانند حصر، سیاسی و امنیتی است و فراتر از تصمیم قوا می‌باشد.» این که جناب‌عالی منطق یگانه و ملاک واحد دارید قابل تقدیر است زیرا می‌فرمایید در هر دو موضوع، شورای عالی امنیت ملی می‌تواند جایگزین یکی از قوا شود، در حصر جایگزین قوه قضائیه و در برجام جایگزین قوه مقننه.

لکن تعجب از کسانی است که در این جا منطق دوگانه و یک بام و دو هوا دارند. از طرفی می‌گویند شورای عالی امنیت ملی نمی‌تواند کار یک قوه را انجام دهد و در بررسی برجام جایگزین مجلس شود و از طرف دیگر می‌گویند شورای عالی امنیت ملی می‌تواند در مسئله حصر کار قوه قضائیه را انجام دهد و جایگزین این قوه شود!

از نظر اینجانب شورای عالی امنیت ملی نه در مسئله حصر می‌تواند کار قوه قضائیه را انجام دهد و نه در مسئله برجام می‌تواند جایگزین مجلس شود. توسیع اختیارات شورای عالی امنیت ملی فراتر از اصل ۱۷۶ قانون اساسی، مقدمات خودکامگی را فراهم می‌کند. به هرحال از این که در سطح رسانه‌ها نگاه جدیدی به دو موضوع حصر و ممنوع التصویری داشتید که گامی در راه حل این دو موضوع خواهد بود از جناب‌عالی سپاسگزارم.

با تقدیم احترام

علی مطهری

دست دادن با اوباما، دلیل نفوذ آمریکا در ایران نیست

علی مطهری گفت: توهین و بی‌احترامی و نسبت خلاف ادب به خدمتگزاران نظام اسلامی و افراد مورد تأیید رهبری دادن درست نیست.

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، نماینده مردم تهران در جمع خبرنگاران با اشاره به صحبت‌های تند بیرانوند علیه وزیر امور خارجه در جلسه امروز مجلس که با واکنش ابوترابی فرد، رئیس جلسه نیز همراه شد، گفت: این همه حساسیت برای یک موضوع غیرمهم و کوچک کار درستی نیست به نظرم دست دادن یا دست ندادن مهم نیست و مهم این است که ما از آرمان‌های خود نظیر مسأله فلسطین کوتاه نیاییم. مسوولان ایرانی تنها نباید با مقامات رژیم صهیونیستی دست بدهند.

وی افزود: باید از نماینده‌ای که بی‌احترامی کرد پرسید که چرا فردی را که رهبری مورد اعتماد و متدین می‌داند بی‌غیرت خطاب می‌کند؟ ضمن آنکه دست دادن با اوباما نیز دلیل نفوذ آمریکا در ایران نیست.

مطهری تأکید کرد: بیشتر در اینگونه واکنش‌ها هدف‌های سیاسی در کار است، با شعار و فریاد راه نفوذ بسته نمی‌شود و باید در جای خود طبق فرموده رهبری راه‌های نفوذ را ببندیم و این افراد بیشتر به دنبال تضعیف دولت هستند. چرا که اگر در دولت سابق این اتفاقات افتاده بود که مواردی نیز داشت اینها رفتاری چنین نداشتند.

وی با اشاره به بیانات رهبری در مورد مسدود کردن راه‌های نفوذ آمریکا، گفت: مقصود رهبری به نظر من این بوده است که بالأخره بر اثر برجام مراودات ما با دنیا و دنیای غرب بیشتر می‌شود و طبیعی است که ممکن است آنها بخواهند با هدف نفوذ فرهنگی و سیاسی وارد شوند لذا ما باید آنجا هوشیار باشیم که آسیبی به انقلاب ما نرسد. اما اینکه بگوییم برجام یعنی نفوذ آمریکا به ایران و بگوییم توافق یک خیانت است کار درستی نیست و اگر بخواهیم به این بهانه به مقامات توهین کنیم اصلاً در مسیر خواست رهبری نیست.

مطهری: تاخیر در اجرای برجام به ضرر کشور است

یک نماینده مجلس درباره احتمال آبستراکسیون از سوی مخالفین برجام در جلسه فردا مجلس گفت: «انجام آبستراکسیون اقدام درستی به نظر نمی‌رسد و بهتر است این آقایان به جای این کارها با استدلال‌های خود مجلس را برای عدم رای به اجرای برجام قانع کنند.»

فردا قرار است مجلس شورای اسلامی طرح یک فوریتی «اقدام متناسب و متقابل ایران در اجرای برجام» را به رای گذاشته تا در صورت تصویب، دولت اجازه پیدا کند در چارچوب مصوبات شورای عالی امنیت ملی به شکل داوطلبانه برجام را اجرایی کند. با این حال اخباری از سوی مخالفین برجام به گوش می رسد که آنها قصد ندارند به این راحتی اجازه اجرایی شدن برجام را بدهند. برخی نمایندگان صحبت از احتمال آبستراکسیون برای از حدنصاب انداختن جلسه رسمی مجلس توسط مخالفان کرده اند. البته برای این کار مخالفان برجام در مجلس نیازمند عدم حضور ۹۷ نماینده در صحن علنی، برای از رسمیت انداختن مجلس هستند. همچنین اخباری مبنی بر احتمال طرح پیشنهادات جدید از سوی مخالفین برای تغییر متن برجام و به عبارتی رد برجام و از سر گیری دوباره مذاکرات هسته ای به گوش می رسد. آیا مخالفین برجام توان ممانعت از تصویب این طرح را دارند؟ فردا مجلس با برجام چه خواهد کرد؟

دکتر علی مطهری نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با فرارو گفت: «بنده تاکنون نشنیده‌ام که عده‌ای از نمایندگان بخواهند فردا دست به آبستراکسیون بزنند و نمی‌دانم اگر خبری در این باره منتشر شده نظر شخصی آنها بوده یا یک اقدام طراحی شده است.»

وی ادامه داد: «اما در هرصورت انجام آبستراکسیون اقدام درستی به نظر نمی‌رسد و بهتر است این آقایان به جای این کارها با استدلال‌های خود مجلس را برای عدم رای به اجرای برجام قانع کنند.»

وی افزود: «فردا در مجلس طرح یک فوریتی برجام مطرح خواهد شد و ۳ نفر مخالف و ۳ نفر موافق صحبت خواهند کرد. بهتر است این آقایان از این فرصت استفاده کرده و استدلال های

خود را درباره علت مخالفت‌شان با برجام مطرح کنند و با ذکر دلایل رای مجلس را به سمت خود جلب کنند.»

مطهری در پاسخ به این سوال که آیا فردا تکلیف برجام در مجلس مشخص خواهد شد؟، گفت: «به نظر من فردا کلیات این طرح رای خواهد آورد اما از آنجا که ظاهرا تعداد پیشنهادات زیاد است امکان دارد تصویب جزئیات آن فردا تمام نشود. به هر حال من معتقدم تاخیر در اجرای برجام به ضرر کشور است.»

مطهری در پاسخ به این سوال که آیا ممکن است مخالفین از مخالفت با برجام اهداف انتخاباتی داشته باشند؟، گفت: «ما باید خوش‌بین باشیم. ان‌شاءالله که این افراد به خاطر مصالح کشور چنین مواضعی اتخاذ کرده‌اند.»

وی ادامه داد: «همه ما باید تابع دلیل باشیم و آنچه که به صلاح کشور است انجام دهیم و با پیش داوری رای ندهیم. به طور مثال بنده که اکنون موافق برجام هستم ممکن است فردا دلایلی بشنوم که مخالف آن شوم و برعکس.»

وی افزود: «ممکن است گرایش سیاسی موافقین و مخالفین برجام به صورت ناخودآگاه در قضاوت و تصمیم آنها موثر باشد، عده‌ای که موافق دولت هستند تمایل داشته باشند برجام اجرا شود و آنها که مخالف دولت هستند بخواهند اجرا نشود. این درست نیست بلکه باید آزاد از هرگونه حب و بغض تصمیم‌گیری کرد.»

مطهری در پاسخ به این سوال که آیا مخالفین توان آبستراکسیون در مجلس را دارند؟، گفت: « این اتفاق محال نیست چون تعداد این افراد حدود ۷۰ نفر است و اگر فردا حدود ۳۰ نفر غایب داشته باشیم امکان بروز این اتفاق وجود دارد. اما اینکه چنین تصمیمی وجود دارد یا خیر من خبر ندارم. ولی مسلما آبستراکسیون و از نصاب انداختن جلسه علنی مجلس به ضرر آنها خواهد بود.»

مطهری در پاسخ به این سوال که آیا پیام‌های اخیر از سوی مراجع و سیاسیون مختلف برای تعیین تکلیف هرچه زودتر برجام در مجلس بر روی نمایندگان تاثیرگذار خواهد بود؟، گفت: «قطعا موثر خواهد بود خصوصا که مردم هم منتظر هستند که مجلس تکلیف این موضوع را روشن کند و اکنون بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی دچار رکود شده و در حال انتظار است. لذا اصلا به صلاح کشور نیست که این موضوع طولانی شود.»

وی ادامه داد: «البته در ارتباط با بررسی برجام مقداری در مجلس بد عمل شد. بعد از آنکه کمیسیون ویژه برجام گزارش خود را ارائه کرد باید چند روزی فرصت داده می‌شد تا نمایندگان آن را مطالعه کنند و حتی از تیم هسته‌ای دعوت می‌شد تا نقاط ضعفی را که کمیسیون مطرح کرده است پاسخ دهند و سپس طرح دو فوریتی مطرح می‌شد. لذا مقداری در کار نمایندگان موافق برجام نقص وجود داشت گرچه کمیسیون ویژه هم گزارش خود را دیر ارائه کرد.»

مطهری با اشاره به رویکرد مدیران در قبال برنامه «هفت»:صداوسیما در حوزه هنر سعه‌صدر داشته باشد/ تمامی گرایش‌های سینمایی در «هفت» منعکس شود

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس با تاکید بر اینکه صداوسیما نباید انتظار داشته باشد برنامه سینمایی «هفت» تماما مطابق با اندیشه‌ها و نوع تفکر آن‌ها اجرا شود، گفت: صدا و سیما باید در حوزه فرهنگ و هنر نیز مانند برنامه‌های ورزشی خود سعه صدر داشته باشد و نظرات سینماگران منتقد را نیز انعکاس دهد.

علی مطهری در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، درباره برنامه سینمایی «هفت» و مباحث چالشی و انتقادی حول این برنامه که برخی از جریان‌های سینمایی آن را بر نمی‌تابند، اظهارنظر کرد و گفت: صدا و سیما باید در حوزه فرهنگ و هنر نیز مانند برنامه‌های ورزشی خود سعه صدر داشته باشد و نظرات سینماگران منتقد را نیز انعکاس دهد؛ درواقع مدیران تلویزیون نباید انتظار داشته باشد یک برنامه سینمایی تماما مطابق با اندیشه‌ها و نوع تفکر آن‌ها برگزار شود.

با این روش که همه باید یک حرف معین و مشخص بزنند مخالفم

نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: مدیران رسانه ملی می‌توانند با دادن فضا به اندیشه‌های مخالف خود، امکان پرسش و پاسخ را به وجود آورند تا نظرات تمامی گرایش‌های فکری و سینمایی در برنامه «هفت» منعکس شود.

وی درخصوص اینکه عدم سعه صدر مدیران، در نهایت منجر به تعطیلی و تغییر اتاق فکر و دست‌اندرکاران این برنامه سینمایی شده است، بیان کرد: من با این روش که همه باید یک حرف مشخص و معین بزنند، مخالف هستم و امیدوارم این برنامه با نگاه جدیدی مجددا به تولید و پخش برسد.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس درباره این موضوع که پررنگ شدن جنبه چالشی و انتقادی برنامه‌های فرهنگی و مهمی مانند هفت، موجب عکس‌العمل سلبی متولیان سیما می‌شود، توضیح داد: این کار هرگز درست نیست؛ چراکه باید حرف‌ها و صداهای مختلف شنیده شوند تا تلویزیون مخاطبانی از طیف‌های فکری متفاوت پیدا کند؛ اما با روشی که آن‌ها در پیش گرفته‌اند مخاطب خود را بیش از پیش از دست خواهند داد.

به گزارش خبرگزاری خانه ملت، برنامه سینمایی هفت پس از چند ماه تعطیلی با سردبیری و اجرای بهروز افخمی کارگردان سینما از امروز (جمعه ۱۰ مهرماه) روی آنتن خواهد رفت، طبق اظهارنظرها محمود گبرلو مجری سابق این برنامه به دلیل دعوت از هنرمندانی همچون «رخشان بنی‌اعتماد» مورد مؤاخذه مدیران صدا و سیما قرار گرفته و حتی شنیده شده مدیران رسانه ملی اعلام کرده‌اند با حضور این هنرمند؛ مسیر برنامه هفت از حالت ارزشی خارج شده به همین دلیل قرار است ساخت و اجرای برنامه سینمایی هفت به یک تیم ارزشی‌تر سپرده شود.

چرا دستور پیامبر(ص) درباره خلافت علی(ع) اجرا نشد؟

* استاد شهید مطهری

چرا دستور پیامبر(ص) درباره خلافت علی(ع) اجرا نشد؟

این سوال برای هر کسی به وجود می آید که چطور شد با آن همه تأکیدات و اصرارهایی که پیغمبر اکرم در زمینه خلافت علی(ع) کرد در عین حال این موضوع به مرحله اجرا در نیامد؟ از زمان غدیر تا وفات رسول اکرم در حدود دو ماه و نیم فاصله شد، چطور شد که مسلمانان وصیت پیغمبر اکرم را درباره علی (ع) نادیده گرفتند؟

نظریه اول

این را چند جور می شود توجیه و تفسیر کرد. یکی اینکه بگوییم مسلمانان یکمرتبه همه نسبت به اسلام و پیغمبر متمرد و طاغی شدند، روی تعصبات قومی و عربی؛ به این مسئله که رسید همه آنها یکمرتبه از اسلام رو برگرداندند...

نظریه دوم

فرض دوم این است که بگوییم مسلمین نخواستند نسبت به اسلام متمرد شوند ولی نسبت به این یک دستور پیغمبر جنبه تمرد به خودشان گرفتند؛ این یک دستور به علل و جهات خاصی مثلا کینه هایی که از ناحیه پدر کشتگیها با علی داشتند یا به قول بعضی از اهل تسننِ امروز نمیخواستند که نبوت و خلافت در یک خاندان قرار داشته باشد، تحملش برایشان مشکل بود. یا آنکه آن حالت عدم تساهل و سخت گیری و صلابت و انعطاف ناپذیری علی(ع) خودش عاملی است...

نظریه صحیح: مسلمین اغفال شدند

مسلمین در این مسئله اغفال شدند؛ یعنی عده ای متمرد شدند، آن عده زیرک متمرد عامه مسلمین را در این مسئله اغفال کردند...

***کتاب پانزده گفتار- اثر استاد شهید مطهری- گفتار"خطری که مسلمین را از داخل تهدید می کرد"